بسم الله الرحمن الرحیم

۲

مجموعه آثار

ثقة المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره

گنجینه‌ای نفیس از دعاها، نمازها و آداب و سُنَن؛ شامل کتابهای:

باقیات الصالحات، دستور العمل

لئالی منثوره، دوازده دعای مأثوره

و سیر و سلوک امام رضا علیه السلام در سفر «مرو»

تحقیق و تصحیح: ولی فاطمی

قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹.
مجموعه آثار ثقة المحدثین مرحوم حاج شیخ
عباس قمی قدس سره / تحقیق و تصحیح ولی فاطمی. ـ
قم: دار الثقلین، ۱۳۷۸ ـ.
ج.
ISBN 964-6823-51-3 ..۲۰۰۰۰ ریال: (ج. ۱)
ISBN 964-6823-88-3 ۲۰۰۰۰ ریال: (ج. ۲)
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
مندرجات: ج. ۱. منازل الاخرة، شرح صد کلمه
قصار، نزهة .... ـــ ج. ۲. گنجینه‌ای نفیس از
دعاها، نمازها و آداب و سنن، شامل کتابهای
باقیات الصالحات، دستور العمل لئالی منثوره ...
ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۰).
۱. شیعه. ۲. دعاها. الف. فاطمی، ولی، ۱۳۴۲ -
، گردآورنده. ب. عنوان.
BP۵۵/۳/ ۴م۸ق ۲۹۷/۹۹۸
کتابخانه ملی ایران
م۷۸-۲۵۱۶۸*
محل نگهداری:

مؤسسه انتشارات دار الثقلین
قم - خیابان صفائیه - کوچه ۲۴ - پلاک ۶۵
تلفن: ۷۷۳۲۹۹۳؛ تلفاکس: ۷۷۳۱۲۶۳

نام کتاب: مجموعه آثار ثقة المحدثین مرحوم شیخ عباس قمی ﷺ جلد دوّم
تحقیق: ولی فاطمی
ناشر: دار الثقلین ـ قم
نوبت چاپ اول: ۱۳۸۰
قطع و صفحه: وزیری ۷۵۶
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
چاپخانه: عترت ـ قم
شابک جلد دوّم: ۹۶۴-۶۸۲۳-۸۸-۲ ISBN:964-6823-88-2

فهرست مطالب

۱

باقیات الصالحات

باب دوّم:

در ذکر نمازهای مُستحبّه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده

باب سوّم:

در ادعیّه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضاء و تب و غیره

باب چهارم:

در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی و آن مشتمل بر چند فصل است.

باب پنجم :

در ذکر بعض حرزها و دعاهای کوتاه

باب ششم:

در خواصّ بعضی از سوره‌ها و آیات و ذکر بعضی‌از دعاها و مطالب متفرّقه

خاتمه:

در بعضی از آداب و ادعیهٔ متعلّق به موت است

۲
دستور العمل

باب اوّل: در ماه رجب است و در آن دو فصل است

باب دوم: در ماه شعبان است و در آن دو فصل است

باب سوم : در ماه مبارک رمضان است و در آن دو فصل است

باب چهارم : در ماه شوّال است

باب پنجم: در ماه ذی القعده است

باب ششم: در اعمال ذی الحجّه است

باب هفتم: در ماه محرّم است

باب هشتم : در ماه صفر است

باب نهم : در ماه ربیع الاول است

باب دهم: در ماه ربیع الثّانی است

باب یازدهم: در ماه جمادی الاولی است

باب دوازدهم: در ماه جمادی الاخره است

۳
لئالی منثوره

باب اوّل: در احراز و عوذات مأثوره

باب دوّم: اذکار مأثوره

باب سوم: در ادعیه و اذکار متعلّقه به عادات و احوال و مطالب و مقاصد و غیره، و برخی از آداب و سُنَن به مناسبت هر دعا

۴
۱۲ دعای مأثوره

۵
سیر و سلوک امام رضا علیه‌السلام در سفر به مرو

پیشگفتار

باسمه تعالی شأنه

یکی از راههای اساسی ترویج مذهب اهل بیت‌علیهم‌السلام، احیای ذخائر علمی عُلمای شیعه می‌باشد. یکی از عالمان بلند آوازه، که کتابهایش همواره مورد توجّه عموم بوده است، مرحوم حاج شیخ عبّاس قُمی‌رحمه‌الله می‌باشد، او که تمام عمر با برکت خود را در راه تألیف و تحقیق و تبلیغ سپری نمود «در مقابل ائمهٔ اطهارعلیهم‌السلام، و نسبت به آثار و احادیث آن ذَوات مقدّس خضوع زائدالوصفی داشت، همان خضوعی که مسلمانان در برابر قرآن و پیامبر دارند. دُرست مطابق مضمون سفارش پیغمبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله که امّت را موظّف ساخت قرآن و اهل بیت را از هم جُدا نسازند، تا در زندگی رستگار شوند و به تکاملِ لازم برسند، و در آخرت آمرزیده باشند.

هیچ گاه دیده نشد که بدون وضو و طهارت حدیثی یادداشت کند، یا دست بی وضو به صفحهٔ کتاب حدیث یا جلد آن بگذارد، همیشه هنگام مطالعهٔ کتاب حدیث، دو زانو و رو به قبله می‌نشست.

عشق به کتاب «کافی»

آقای محدّث زاده ـ فرزند بزرگش ـ می‌گویند: فراموش نمی‌کنم زمانی که در نجف اشرف بودیم، یک روز صبح در حدود سال ۱۳۵۷ هجری ـ یعنی: دو سال قبل از وفاتشان ـ از خواب برخاستند و اظهار داشتند: امروز چشمم به شدّت درد می‌کند و قادر

به مطالعه و نوشتن نیستم؛ و بسیار ناراحت به نظر رسید. تقریباً زبان حالشان این بود که شاید خاندان پیغمبر صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ مرا از درِ خانه شان طرد کرده باشند! آن مرحوم عادت داشتند که گاهی این مطلب را با تأثر می‌گفت و می‌گریست.

آقای محدّث زاده می‌افزایند: در آن اوقات مشغول تحصیل بودم، رفتم به درس و ظهر که به خانه برگشتم، دیدم ایشان مشغول نوشتن هستند! عرض کردم: درد چشمتان بهتر شد؟ فرمود: درد به کلّی مرتفع گردید! سؤال کردم: به چه چیز معالجه فرمودید؟! گفتند: وضو ساختم و مقابل قبله نشستم و کتاب «کافی» را به چشمم کشیدم، درد چشمم برطرف شد!؛ و تا پایان عمر دیگر به درد چشم مبتلا نگردید، آن کتاب «کافی» را که به چشم [خود] کشیده بودند، خطّی و به خطّ فقیه مشهور «ملاّ عبدالله تونی» ـ صاحب کتاب «وافیه» بود ـ و محدّث قمّی خیلی به آن علاقه داشتند.

قصد استشفا

در زمانی که در مشهد اقامت داشته است، پسر کوچکش که کودکی سه ساله بوده بیمار می‌شود، برایش داروی ایرانی جوشانده و صاف کرده، مختصری شکر در آن ریخته می‌آورند بیاشامد، با انگشت دست راست کمی داروي مایع را به هم می‌زند! همسرش می‌گوید: صبر کنید قاشق بیاورم. حاج شیخ عباس قمی رحمه الله می‌گوید: **من در این کار قصد استشفا داشته‌ام، چون با این دست هزاران حدیث از ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام نوشته‌ام.**

سحرخیزی (رمز موفقیّت)

... حاج شیخ عبّاس قمّی ـ مؤلّف مفاتیح الجنان ـ در تمام دورهٔ سال در چهار فصل، حدّاقل یک ساعت قبل از طلوع فجر بیدار و مشغول نماز و تهجّد بود، به عبادت آخر شب و قبل از سپیده دَم اهمیّت زیاد می‌داد و معتقد بود که بهترین اعمال مستحبّی، عبادت و تهجّد است. فرزند بزرگش می‌گوید: تا آنجا که من به خاطر دارم، بیداري آخر

شب از آن مرحوم فوت نشد، حتّی در سفرها این وضع جریان داشت».[1]

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

کتابی که در دست دارید، جلد دوم از «مجموعه آثار مرحوم حاج شیخ عباس قمی» است، که شامل پنج اثر ارزشمند آن عالم فرزانه می‌باشد:

۱ـ باقیات الصّالحات.

۲ـ دستور العمل.

۳ـ لئالی مَنثوره.

۴ـ دوازده دعای مأثوره.

۵ـ سیر و سلوک حضرت امام رضا علیه‌السلام در مسافرت آن جناب به «مَرو».

و در پایان به عنوان حُسن خِتام، مختصری از مناقب و مکارم اخلاق حضرت رضا علیه‌السلام، و دو تَعویذ از آن حضرت و حدیث سِلْسَلَةُ الذَّهَب را زینت بخش این کتاب شریف نمودیم.

لازم است از تلاشهای خالصانهٔ ناشر محترم ـ که در احیای آثار مؤلّف معظّم از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد ـ تقدیر و تشکّر نمایم؛ از خدای تعالی خواهانم که همواره ما را از عنایات خاصّهٔ امام زمان علیه‌السلام بهره‌مند فرمایند.

قم المقدّسه ـ ولی فاطمی

---

۱. دوانی، علی: حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.

١

باقیات الصّالحات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَمَكَ السَّمآءَ وَ نَدَبَ عِبادَهُ إِلَى الدُّعآءِ وَالصَّلوٰةُ وَالسَّلامُ عَلىٰ مَنْ قَدَّمَهُ فِي الْاِصْطِفآءِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ الْاَنْبِيآءِ وَ عَلىٰ آلِهِ الطّاهِرِينَ مَصابِيحِ الدُّجىٰ سِيَّمٰا عَلىٰ قآئِمِهِمْ خاتَمِ الْاَوْصِيٰاءِ.

و بعد چنین گوید این گنه‌کار رو سیاه و مقصّر درگاه إله، عبّاس بن محمّد رضا القمّی ـ سامَحَهُمَااللّٰهُ ـ که این مجموعه‌ای‌است مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه‌روز و ذکر بعضی از نمازهای مأثوره و تبذی* از عوذات و احراز و اذکار و ادعیهٔ موجزه، و خواصّ بعضی از سُوَر و آیات و مجملی از آداب اموات جمع کردم آن را تا به مفاتیح الجنان منضمّ گردد و آن کتاب‌شریف از هر جهتی کامل و نفعش اتمّ شود، و نامیدم آن را: بِالْباقِياتِ الصّالِحاتِ فِي الْاَدْعِيَةِ وَالصَّلَوٰاتِ الْمَنْدُوبٰاتِ * قٰالَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ : وَالْباقِياتُ الصّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوابًا وَ خَيْرٌ اَمَلاً.[1]

و مرتّب گردانیدم آن را بر شش باب و یک خاتمه :

* باب اوّل: در مختصری از اعمال شب و روز.

---

*. چیز اندک و آسان.

۱. کهف، آیهٔ ۴۶: مال و فرزندان زینت زندگی دنیاست، و باقیات صالحات [= ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.

* **باب دوّم:** در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّه.
* **باب سوّم:** در ادعیه و عوذات آلام و أسقام و عِلل اعضاء و تب و غیره.
* **باب چهارم:** در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی.
* **باب پنجم:** در ذکر بعضی احراز و ادعیهٔ موجزه که منتخب شده از مهج‌الدّعوات و مجتنیٰ.
* **باب ششم:** در ذکر خواصّ بعض سُوَر و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرّقه.
* **خاتمه:** در مُجملی از احکام اموات.

رجاء واثق و امید صادق که إخوان مؤمنین و شیعیان حضرت امیرالمؤمنینﷺ این مُجرمِ عاصی را از دعا و طلب مغفرت در حال حیات و بعد از ممات فراموش نفرمایند.

۱

باب اوّل

در مختصری از اعمال شب و روز،
و مشتمل است بر چند فصل :

فصل اوّل

در اعمالی که متعلّق است به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب.

بدان که: از جملهٔ اوقات شریفه وقت بین الطّلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت این وقت و تحریص بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن وارد شده است، و در بعض اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت، چنانکه از حضرت باقر علیه السلام منقول است : «ابلیس لعین لشگرهای خودش را متفرّق و پهن می‌کند در دو وقت: در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن، پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه بجوئید به خدا از شرّ ابلیس و لشگرش و در پناه خدا درآورید کودکان خود را در این دو ساعت، زیرا که آن دو ساعت غفلت است.»[1] و بدان که خواب در این وقت مکروه است، و نیز از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده[2] است : «**خواب در وقت صبح شوم است و روزی را منع می‌کند و رنگ را زرد و متغیّر می‌کند و این خواب هر مشومی است، بدرستی که حقتعالی روزیها را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند، پس بپرهیزید از خواب کردن در این وقت.**»[3] و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۳۴۲.

۲. در تمام کتاب به جای «مروی»، «روایت شده» آورده‌ایم. [م]

۲. همان، ص ۵۰۲، ح ۱۳۴۳.

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ صاحِبُنا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَفْضِلْ عَلَيْنا اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصّالِحاتُ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَتْمِمْها عَلَيْنا عائِذًا بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ، عائِذًا بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ، عائِذًا بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ.»

پس می‌گویی: «يا فالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لا اَرىٰ وَ مُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ اَرىٰ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِنا هٰذا صَلاحًا وَ اَوْسَطَهُ فَلاحًا وَ آخِرَهُ نَجاحًا.» انتهی.

پس ده مرتبه می‌گویی: «اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنَّهُ ما اَصْبَحَ بي مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عافِيَةٍ في دينٍ اَوْ دُنْيا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِها عَلَيَّ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَ بَعْدَ الرِّضا.»[1]

و اذکار وارده در این وقت غیر از آنچه ذکر شد بسیار است و بهترین آنها ذکر «سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ» است که تعبیر شده از آن به باقیات الصالحات[2]. و نیز خواندن این دعا است:

«لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيي وَ يُميتُ وَ يُميتُ وَ يُحْيي وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.»[3]

و چون ندای اذان صبح را شنیدی می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ نَهارِكَ وَ اِدْبارِ لَيْلِكَ وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ وَ اَصْواتِ دُعائِكَ وَ تَسْبيحِ مَلائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.»[4]

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۷۵.
۲. محاسن، ص ۳۷ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۵۷.
۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۵ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۴۲.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۶۲.

آداب بیت‌الخلاء

و چون خواستی متوجّه به نماز شوی و حاجت داری به رفتن به بیت‌الخلاء پس ابتداء کن به آن، و آداب بیت‌الخلاء بسیار است و جمله‌ای از آن به طور اختصار آن است که: مقدّم داری در وقت داخل شدن پای چپ را و می‌گویی:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.»[۱]

و چون کشف [عورت] کردی بِسْمِ‌اللّٰهِ می‌گویی، و واجب است در این حال بلکه در تمام حالات مستور کردن عورت از ناظر محترم، و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن و مستحبّ است آن که بگوئی در حال قضاء حاجت:

«اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنِي طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ وَ اَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ.»

و وقتی که نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَ جَنِّبْنِي الْحَرَامَ.»

و چون خواستی استنجاء کنی اوّل استبراء می‌کنی، پس دعای رؤیت آب را می‌خوانی:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.»[۲]

و در وقت استنجاء می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ اَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ.»[۳]

و چون از جای خود برخاستی دست راست را بر شکم می‌کشی و می‌گویی:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي الْاَذىٰ وَ هَنَّانِي طَعَامِي وَ شَرَابِي وَ عَافَانِي مِنَ الْبَلْوىٰ.»[۴] پس بیرون می‌آیی و مقدّم می‌داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۲۵، ح ۴۲.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۲۱، ح ۵۹.
۳. همان، ص ۲۹، ح ۵۸.
۴. مناهج المتقین، ص ۹.

می‌خوانی:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَرَّفَني لَذَّتَهُ وَ اَبْقيٰ في جَسَدي قُوَّتَهُ وَ اَخْرَجَ عَنّي اَذٰاهُ يٰا لَهٰا نِعْمَةً يٰا لَهٰا نِعْمَةً يٰا لَهٰا نِعْمَةً لاٰ يَقْدِرُ الْقٰادِرُونَ قَدْرَهٰا.»[1]

فضیلت مسواک

و چون خواستی وضو بگیری ابتدا می‌کنی به مسواک نمودن که: «**دهان را پاکیزه می‌کند؛ بلغم را برطرف می‌کند؛ حفظ را زیاد می‌کند؛ باعث زیادتی حسنات و خوشنودی حقتعالی است و دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت به غیر از مسواک**.» و اگر مسواک نباشد انگشت مُجزی است از آن.

آداب وضو

و سزاوار است که در وقت وضو گرفتن رو به قبله بنشینی و ظرف آب را در جانب راست خود می‌گذاری و چون نگاهت بر آب افتاد، این دعا را می‌خوانی:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ الْمٰاءَ طَهُوراً وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.»

پس می‌شوئی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کنی و می‌گویی در وقت داخل کردن دست در ظرف آب:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنَ التَّوّٰابينَ وَ اجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرينَ.»

پس سه دفعه مضمضه می‌کنی با سه کف آب و می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ لَقِّني حُجَّتي يَوْمَ اَلْقٰاكَ وَ اَطْلِقْ لِساني بِذِكْراكَ.»

پس سه دفعه استنشاق می‌کنی و می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ لاٰ تُحَرِّمْ عَلَيَّ ريحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْني مِمَّنْ يَشَمُّ ريحَهٰا وَ رَوْحَهٰا

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۲۳، ح ۴۰.

وَ طيِّبَها.»

پس شروع كن به شستن صورت و مى‌گويى:

«اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهي يَوْمَ تَسْوَدُّ فيهِ الْوُجُوهُ وَ لاٰ تُسَوِّدْ وَجْهي يَوْمَ تَبْيَضُّ فيهِ الْوُجُوهُ.»

پس بردار يک مشت آب به جهت شستن دست راست و در وقت شستن مى‌گويى:

«اَللّٰهُمَّ اَعْطِني كِتابي بِيَميني وَ الْخُلْدَ فِي الْجِنانِ بِيَساري وَ حاسِبْني حِساباً يَسيراً.»

پس دست چپ را بشوى و در آن وقت مى‌گويى:

«اَللّٰهُمَّ لاٰ تُعْطِني كِتابي بِشِمالي وَ لاٰ مِنْ وَرآءِ ظَهْري وَ لاٰ تَجْعَلْها مَغْلُولَةً اِلىٰ عُنُقي وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّيرانِ.»

پس مسح كن جلو سر را به رطوبت دست راست خود و مى‌گويى در اين حال:

«اَللّٰهُمَّ غَشِّني بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكاتِكَ.»

پس مسح كن پاهاى خود را و مى‌خوانى در اين حال:

«اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْني عَلَى الصِّراطِ يَوْمَ تَزِلُّ فيهِ الْاَقْدامُ وَ اجْعَلْ سَعْيي فيما يُرْضيكَ عَنّي يا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ.»[1]

و چون فارغ شدى از وضو مى‌گويى:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ تَمامَ الْوُضُوءِ وَ تَمامَ الصَّلٰوةِ وَ تَمامَ رِضْوانِكَ وَ الْجَنَّةَ.»[2] و مى‌گويى نيز: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.»[3] و مى‌خوانى سورهٔ قدر را سه مرتبه، پس بعد از فراغ از وضو بوى خوش به كار مى‌برى.

---

۱. مصباح كفعمى، ص ۱۰ ـ ۱۱.
۲. همان، ص ۱۱.
۳. الفقيه، ج ۱، ص ۵۱، ح ۱۰۷، اين دعا زكات وضو مى‌باشد.

آداب رفتن به مسجد

پس روانه می‌شوی به جانب مسجد با حالت سکینه و وقار و می‌گویی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت رفتن به مسجد:

«بِسْمِ اللّٰهِ الَّذي خَلَقَني فَهُوَ يَهْدينِ وَ الَّذي هُوَ يُطْعِمُني وَ يَسْقينِ وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفينِ وَ الَّذي يُميتُني ثُمَّ يُحْيينِ وَ الَّذي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لي خَطيئَتي يَوْمَ الدّينِ رَبِّ هَبْ لي حُكْماً وَ أَلْحِقْني بِالصّالِحينَ وَاجْعَلْ لي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرينَ وَ اجْعَلْني مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ وَ اغْفِرْ لِأَبي.»

و چون خواستی داخل مسجد شوی اوّل ملاحظهٔ تهِ کفش خود می‌نمائی که نجاستی با آن نباشد، پس پای راست را مقدّم می‌داری پس می‌خوانی این دعا را:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ إِلَى اللّٰهِ وَ خَيْرُ الْأَسْماءِ كُلِّها لِلّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنّي أَبْوابَ مَعْصِيَتِكَ وَ اجْعَلْني مِنْ زُوّارِكَ وَ عُمّارِ مَساجِدِكَ وَ مِمَّنْ يُناجيكَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنَ الَّذينَ هُمْ في صَلٰوتِهِمْ خاشِعُونَ وَ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطانَ الرَّجيمَ وَ جُنُودَ إِبْليسَ أَجْمَعينَ.»[1]

آداب نماز

و چون اراده کردی که نماز کنی می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَيْنَ يَدَيْ حاجَتي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْني بِهِ وَجيهاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ وَ اجْعَلْ صَلٰوتي بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبي بِهِ مَغْفُوراً وَ دُعائي بِهِ مُسْتَجاباً إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.»[2]

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۲ ـ ۱۳.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۱۶.

پس اذان و اقامه می‌گویی به جهت نماز، ومابین اذان و اقامه فاصله می‌کنی به یک سجده یا نشستنی و این دعا را می‌خوانی:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبي بٰارّاً وَ عَيْشي قٰارّاً وَ رِزْقي دٰارّاً وَ اجْعَلْ لي عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُسْتَقَرّاً وَ قَراراً.»[1] و آنچه خواهی دعا می‌کنی و حاجت خود را از حقتعالی طلب می‌کنی، زیرا که دعا در بین اذان و اقامه ردّ نمی‌شود. و بعد از گفتن اقامه می‌خوانی:

«اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضٰاتَكَ طَلَبْتُ وَ ثَوٰابَكَ ابْتَغَيْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ مَسٰامِعَ قَلْبي لِذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْني عَلىٰ دينِكَ وَ دينِ نَبِيِّكَ وَ لاٰ تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّٰابُ.»[2]

پس مهیّا می‌شوی به جهت نماز و حاضر می‌کنی قلب خود را و ملاحظه می‌کنی ذلّت مقام خود را و عظمت و جلالت مولای خود را که در مقام مناجات با او درآمده‌ای، **و چنان باش که گویا او را می‌بینی و حیا کن از آنکه با او تکلّم کنی و دلت به جانب دیگر متوجّه باشد،** پس می‌ایستی با وقار و خشوع در حالتی که دستهایت را بر رانهای خود مقابل سر زانو گذاشته باشی و مابین قدمهایت به قدر سه انگشت تا یک شِبر باز کرده فُرجه می‌گذاری و نظرت را به موضع سجده می‌افکنی، پس نیّت فریضهٔ صبح بکن قُربةً اِلَی‌اللّٰه و تکبیرةالأحرام بگو، و مستحب است که شش تکبیر دیگر بر او اضافه کنی و در هر تکبیری دستها را بلند کنی تا محاذی نرمهٔ گوش در حالی که کف دستها رو به قبله باشد و انگشتها غیر از انگشت بزرگ به هم چسبیده باشد.

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۴.

۲. مصباح کفعمی، صفحهٔ ۱۵.

دعای تکبیرات

و بخوانی دعاهای تکبیرات را به این طریق که بعد از تکبیر سوم بگویی،

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ سُبْحٰانَكَ اِنّي ظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرلي ذَنْبي اِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّٰ اَنْتَ.»

و بعد از تکبیر پنجم می‌گویی:

«لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ في يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ ذَليلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنْكَ وَ بِكَ وَ لَكَ وَ اِلَيْكَ لاٰ مَلْجَاَ وَ لاٰ مَنْجا وَ لاٰ مَفَرَّ مِنْكَ اِلاّٰ اِلَيْكَ سُبْحٰانَكَ وَ حَنٰانَيْكَ تَبٰارَكْتَ وَ تَعٰالَيْتَ سُبْحٰانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ.»

و بعد از تکبیر هفتم می‌گویی:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذي فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ عٰالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهٰادَةِ حَنيفاً مُسْلِماً وَ مٰا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ اِنَّ صَلٰوتي وَ نُسُكي وَ مَحْيٰايَ وَ مَمٰاتي لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ لاٰ شَريكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ.»[1]

سایر آداب نماز

و چون خواهی شروع کنی به قرائت کلمهٔ استعاذه را آهسته می‌گویی، پس بخوان سورهٔ حمد را با آداب تمام و حضور قلب وتفکّر در معانی آن، و بعد از فراغ به قدر یک نفس ساکت می‌شوی، پس بخوان سوره‌ای از قرآن و خوب است که امثال سورهٔ **عَمَّ** و **هَلْ اَتىٰ** و **لاٰ اُقْسِمُ** بوده باشد، پس از آن نیز به قدر یک نفس ساکت می‌ایستی پس دستها را بلند می‌کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد، پس برو به رکوع و می‌گذاری دست راست را بر سر زانوی راست پیش از گذاشتن دست چپ بر

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۱۱.

زانوی چپ، و انگشتان کف دست راست را از هم باز می‌کنی و پُر مـی‌کنی آنـها را از زانوهای خود، و کمر را خم نموده و گردن را کشیده مساوی با کمر ونظر را به ما بین قدمها می‌افکنی و بگو: «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ» و سزاوار است که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بگوئی، و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

«اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبّي خَشَعَ لَكَ سَمْعي وَ بَصَري وَ شَعْري وَ بَشَري وَ لَحْمي وَ دَمي وَ مُخّي وَ عَصَبي وَ عِظامي وَ مَا اَقَلَّتْهُ قَدَماىَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لا مُسْتَكْبِرٍ وَ لا مُسْتَحْسِرٍ.»[1]

پس برخیز از رکوع و بایست و در این حال می‌گویی: «سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ.» پس تکبیر می‌گویی و برو به سجده با نهایت خضوع و خشوع، و کفها را پهن کرده پیش از زانوها بر زمین می‌گذاری و سجده می‌کنی بر تربت امام حسین؈، و ذکر سجود را بگو و بهتر آنکه هفت یا پنج یا سه مرتبه بگوئی و پیش از ذکر این دعا را بخوانی:

«اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبّي سَجَدَ وَجْهي لِلَّذي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ تَبارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخالِقينَ.»[2]

پس ذکر را بگو و سر از سجده بردار و بنشین و مستحب است که تکبیر بگوئی و متورّکاً بنشینی و بگوئی:

«اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» و نیز مـی‌گویی: **«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلي وَ ارْحَمْني وَ اجْبُرْني وَ ادْفَعْ عَنّي وَ عافِني اِنّي لِما اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقيرٌ تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمينَ.»**[3]

پس تکبیر می‌گویی و برو به سجدهٔ دوّم و به عمل می‌آوری آنچه را که در سجدهٔ

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۱۹.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۳.
۳. کافی، ج ۳، ص ۳۲۱.

اوّل بجا می‌آوری پس سر از سجده بردار و جلسهٔ استراحت را بجا می‌آوری پس برخیز و در حال برخواستن می‌گویی: «بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُومُ وَ اَقْعُدُ»[1] و چون قرار گرفتی بخوان حمد و سوره و بهتر آنکه سورهٔ توحید بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي» بعد از فراغ از سورهٔ توحید. پس تکبیر می‌گویی و دستها را به جهت قنوت بلند می‌کنی تا به مقابل صورت و شکم، کف دستها را به سوی آسمان می‌کنی و انگشتها را به هم می‌چسبانی سوای انگشت بزرگ و خوب است آنکه اختیار کنی به جهت قنوت، خواندن کلمات فَرَج را[2] و بخوانی بعد از آن:

«اَللّٰهُمَّ اِغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ عافِنا وَ اعْفُ عَنّا فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»[3]

پس می‌گویی: «اَللّٰهُمَّ مَنْ كانَ اَصْبَحَ وَ لَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجاءٌ غَيْرُكَ فَاَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجائِي يا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَ مَسْكَنَتِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلاً مِنْكَ وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ عافِنِي فِي نَفْسِي وَ فِي جَمِيعِ اُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.»[4]

و سزاوار است طول دادن قنوت، و دعاهائی که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است، پس تکبیر می‌گویی و رکوع و سجود را بجا بیاور به همان نحو که مذکور شد و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشهّد و سلام، و مستحب است آنکه مُتورّکاً بنشینی و پیش از تشهّد بگوئی:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ [وَالْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ كُلُّها لِلّٰهِ] وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ خَيْرُ الْاَسْماءِ لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ» تا آخر.[5]

---

۱. مقنعه، ص ۱۶؛ کافی، ج ۳، ص ۳۳۸.
۲. مقنعه، ص ۱۶.
۳. تهذیب، ج ۱، ص ۵۹.
۴. مصباح المتهجد، به نقل از بحار، ج ۸۵، ص ۲۶۰.
۵. ... وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً بَيْنَ يَدَيِ السّاعَةِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطّاهِرِينَ. «مقنعه، ص ۱۷».

فضیلت تعقیب نماز

و چون فارغ شدی از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب که تأکید و امر بسیار به آن شده و حقتعالی فرموده:

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ.»[۱]

و روایت شده در تفسیر آیه، یعنی: **چون فارغ شوی از نماز، خود را به تعب انداز در دعا و به سوی پروردگار خود رغبت کن و حاجات خود را از او بطلب و امید خود را از غیر او قطع کن.**[۲] و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است: هر که از شما فارغ گردد از نماز پس باید دستها را بلند کند به سوی آسمان و خود را به تعب افکند در دعا.[۳] و از روایات استفاده شده که **تعقیب زیادکنندهٔ روزی است**[۴]، **و مؤمن در نماز است و ثواب نماز دارد مادام که به ذکر حقتعالی مشغول است، و دعا بعد از نماز واجب بهتر است از نماز سنّت.**[۵]

علامهٔ مجلسی رحمه الله فرمود: تعقیب ظاهرش آن است که قرآن و دعا و ذکر که متّصل باشد به نماز عرفاً تعقیب می‌باشد، و لکن افضل آن است که با وضو باشد و نشسته باشد رو به قبله، و بهتر آن است که بر طریق تشهّد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب خصوصاً در تعقیب نماز شام؛ و بعضی گفته‌اند که جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند و ظاهر آن است که به هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد ثواب تعقیب فی الجمله داشته باشد اگر چه در راه رفتن باشد.

مؤلف گوید: از ائمهٔ اطهار علیهم السلام دعاهای بسیار برای دین و دنیا در تعقیب نمازها وارد شده، و چون اشرف عبادات بدنیّه نماز است و تعقیبات مأثوره را در تکمیل نمازها مدخلیّتی عظیم است و ایضاً موجب رفع درجات و حَطِّ سیئات[۶] و حصول مطالب و حاجات می‌گردد، به خاطر داعی رسید که جمله‌ای از آنها را در این رساله ایراد کنم و

---

۱. انشراح، آیه ۷ و ۸.
۲. مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۹؛ بحار، ج ۸۵، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.
۳. خصال، ج ۲، ص ۶۲۹.
۴. خصال، ج ۲، ص ۵۰۵.
۵. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.
۶. حطّ سیئات: از بین رفتن و آمرزش گناهان.

نقل کنم اکثر آن را از کتاب «بحار» و «مقباس» علامهٔ مجلسی عَطَّرَاللهُ مَرْقَدَهُ الشریف، پس گوئیم: **تعقیبات بر دو قسم است، تعقیبات مشترکه و تعقیبات مختصه**، امّا مشترکه و آن تعقیباتی است که بعد از هر نماز خوانده شود و آن بسیار است و ما در اینجا به چند امر از آن اکتفا می‌نمائیم:

فضیلت تسبیح زهرا

۱ تسبیح حضرت فاطمهٔزهرا صلوات الله علیهاست و احادیث در فضیلت این زیاده از حدّ و احصاء است. از حضرت صادق منقول است: **«ما امر می‌کنیم کودکان خود را به تسبیح فاطمه چنانکه امر می‌کنیم ایشان را به نماز، پس آن را ترک مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمی‌شود.»**[1] و در روایات معتبره وارد شده است که: **ذکر کثیر** که خدا در قرآن مجید به آن امر فرموده تسبیح حضرت فاطمه است، و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یادکرده و به آیهٔ کریمهٔ «**وَ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً**[2]؛ یاد کن خدا را با ذکر بسیار»، عمل نموده[3]، و به سند معتبر از امام محمّد باقر روایت شده است: **«هر که تسبیح فاطمه را بگوید و بعد از آن استغفار کند خدا او را بیامرزد، و آن بر زبان صداست و در میزان عمل هزار و شیطان را دور می‌کند و خدا را خوشنود می‌گرداند.»**[4] و به سندهای صحیح از حضرت صادق منقول است: «هر که تسبیح فاطمه را بعد از نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت او را واجب گردد.»[5] و در حدیث معتبر دیگر فرمود: **«تسبیح فاطمه را بعد از هر نماز خواندن بهتر است نزد من از آنکه هزار رکعت نماز بگذارند در هر روزی.»**[6] و در روایت معتبر از حضرت امام محمّد باقر روایت شده است: **«عبادت الهی کرده نشده است به چیزی از تسبیح و تمجید که بهتر از تسبیح فاطمه باشد، و اگر**

---

۱. امالی صدوق، ص ۶۷۵، مجلس ۸۵، ح ۱۶.
۲. احزاب، آیهٔ ۴۲.
۳. معانی الاخبار، ص ۱۹۳.
۴. ثواب الاعمال، ص ۱۴۸.
۵. فلاح السائل، ص ۱۶۵؛ سرائر، ص ۴۷۳.
۶. ثواب الاعمال، ص ۱۴۹.

چیزی از آن بهتر می‌بود حضرت رسول ﷺ آن را به حضرت فاطمه ؑ عطا می‌فرمود.»[1] و احادیث در فضل آن زیاده از آن است که در این رساله ایراد توان کرد. و در کیفیت آن اختلافی در احادیث هست و اشهر و اظهر آن است که سی و چهار مرتبه «اَللّٰهُ اَکْبَرُ» و سی و سه مرتبه «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ» و سی و سه مرتبه «سُبْحَانَ اللّٰهِ» بگوید. و در بعضی روایات سُبْحَانَ اللّٰهِ پیش از اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وارد شده و بعضی از علماء جمع به این نحو کرده‌اند که بعد از نماز به طریق اوّل بخواند و در هنگام خواب رفتن به طریق ثانی، و ظاهراً مطلقاً به طریق اوّل که مشهور است اولی باشد، و سنّت است که بعد از اتمام کردن یک نوبت «لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ» بگوید، چنانکه از حضرت صادق ؑ روایت شده است: «هر که بعد از هر نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه ؑ را بگوید و در عقب آن یک مرتبه «لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ» بگوید خدا او را بیامرزد.»[2]

فضیلت تسبیح تربت

و بهتر آن است که به **تسبیح تربت حضرت امام حسین** ؑ حساب آن را نگاه دارد، و در جمیع اذکار سنّت است، و پیوسته تسبیح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحب است و حِرز از بلاها است و مورث ثواب بی‌انتهاست، و منقول است: «در ابتدا حضرت فاطمه ؑ رشته‌ای از پشم تابیده بودند و در آن گره‌ها زده بودند و به آن تسبیح می‌گفتند، تا آنکه حضرت حمزة بن عبدالمطّلب رَضِیَ‌اللّٰهُ عَنْهُ شهید شد، پس حضرت فاطمه ؑ از تربت قبر آن شهید بزرگوار خاک برگرفت و تسبیح ساخت و به آن تسبیح می‌کرد، مردم نیز چنان کردند، و چون حضرت سیّد الشّهداء حسین بن علی ؑ شهید شد سنّت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند.»[3]

از حضرت صاحب‌الأمر ؑ روایت شده است که: «هر که تسبیح تربت امام حسین ؑ

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳، ح ۱۴.
۲. محاسن، ص ۳۶.
۳. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۰، ح ۲۰۶۵.

در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود.»[1] و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «تسبیح تربت آن حضرت ذکر می‌کند و تسبیح می‌گوید بی‌آنکه آدمی بگوید.»[2] و فرمود: «یک ذکر یا استغفار که با آن گفته می‌شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود، و اگر بی‌ذکر بگرداند به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود.»[3] و به روایت دیگر: «اگر با ذکر بگرداند به هر دانه چهل حَسَنه برای او نوشته می‌شود.»[4] و روایت شده است که: **حوریان بهشت چون ملکی را می‌بینند که به زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که تسبیح و تربت حضرت حسین علیه السلام را برای ما بیاور.**[5] و در حدیث صحیح از حضرت امام موسیٰ علیه السلام منقول است: «مؤمن می‌باید خالی نباشد از پنج چیز: **مسواک، شانه، سجّاده که بر روی آن نماز کند، و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد، و انگشتری عقیق.**»[6] و ظاهر آن است که خام و پخته هر دو خوب است و خام بهتر است. و از حضرت صادق علیه السلام منقول است: «هر که به تسبیح تربت قبر امام حسین علیه السلام یک تسبیح بگوید، حقتعالی برای او چهارصد حَسَنه بنویسد و چهارصد گناه از او محو کند و چهارصد حاجت او را برآورد و چهارصد درجه برای او بلند کند.»[7] و روایت شده است که: «مستحبّ است که رشته‌اش کبود باشد به رنگ آسمان.»[8] و از بعضی روایات مستفاد می‌شود که زنان را به انگشتان شمردن افضل است و لکن احادیث فضیلت تربت مطلقاً اکثر و اَقویٰ است.

تعقیبات مشترکه

۲ مستحبّ است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی روی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ مرآة‌الکمال، ج ۲، ص ۲۴۱.
۲. ذکری، ص ۱۶۱، مسألة ۱۶.
۳. مصباح المتهجّد، ص ۵۱۲.
۴. بحار، ج ۸۵، ص ۳۴۱.
۵. مزار مشهدی، ص ۵۱۵؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۴، ح ۶۸.
۶. مصباح المتهجّد، ص ۵۱۲؛ بحار، ج ۸۵، ص ۳۳۴، ح ۱۷.
۷. بحار، ج ۸۵، ص ۳۴۱، ح ۳۲.
۸. همان.

و برگرداند تا به زانو یا نزدیک زانو و با هر مرتبه یک اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید، چنانکه «علیّ بن ابراهیم» و «سیّد بن طاووس» و «ابن بابویه» به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که: مفضّل بن عُمَر از آن حضرت پرسید: به چه علّت نماز گزارنده بعد از سلام سه مرتبه تکبیر می‌گوید و دست برمی‌دارد؟ فرمود: «برای آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فتح مکّه نمود نزد حجرالأسود نماز ظهر با اصحاب گزارد و چون سلام نماز داد سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت:

«لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزٰابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

پس رو به جانب اصحاب گردانید و فرمود: «**ترک مکنید این تکبیر را و این دعا را بعد از هر نماز فریضه، زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام.**»[1] و در حدیث صحیح منقول است: «چون حضرت صادق علیه السلام از نماز فارغ می‌شدند دستها را بالای سر مبارک خود بلند می‌کردند و دعا می‌نمودند.»[2] و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است: «**هر بنده‌ای که دستها را به سوی خدا بلند کند حقتعالی شرم می‌کند که دستهای او را خالی برگرداند، پس چون دعا کنید دستها را فرود میاورید مگر آنکه بر سر و روی خود بکشید.**»[3]

(۳) کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است: «هر کس بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه مرتبه این دعا را بخواند، خدا گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند کف دریا باشد در بسیاری:

«اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُوالْجَلاٰلِ وَ الْاِكْرٰامِ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ.»[4]

و در روایت دیگر وارد شده است که: «هر که این استغفار را در هر روز بخواند حقتعالی چهل کبیرهٔ او را بیامرزد.

---

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۵، ب ۴۶، ح ۵.
۳. عدّةالداعی، ص ۱۹۶، ب ۴.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۱.

دعای بعد از هر نماز

۴ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ترک مکن بعد از هر نماز این دعا را:

«اُعيذُ نَفْسي وَ ما رَزَقَني رَبّي بِاللهِ الْواحِدِ الصَّمَدِ الَّذي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَ اُعيذُ نَفْسي وَ ما رَزَقَني رَبّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ اِذا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ وَ اُعيذُ نَفْسي وَ ما رَزَقَني رَبّي بِرَبِّ النّاسِ مَلِكِ النّاسِ اِلهِ النّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنّاسِ الَّذي يُوَسْوِسُ في صُدُورِ النّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّاسِ.»[1]

۵ شیخ «کُلینی» به سند معتبر از «علیّ بن مهزیار» روایت کرده است: محمّد بن ابراهیم به حضرت امام علی نقیّ علیه السلام نوشت که اگر مصلحت دانی ای سیّد من! تعلیم نما برای من دعائی که بعد از هر نماز بخوانم تا حقتعالی به سبب آن جمع نماید برای من خیر دنیا و آخرت را، پس آن حضرت نوشت که می‌گویی:

«اَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتي لا تُرامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْاَوْجاعِ كُلِّها.»[2]

و در بعضی از روایات این تتمّه را دارد: «وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.»

۶ «کلینی» و «ابن بابویه» به سندهای صحیح و غیرصحیح از حضرت امام محمّدباقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که: کمتر چیزی که ترا مُجزی است از دعا بعد از نماز واجب آن است که بگوئی:

«اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۴۶. ۲. کافی، ج ۲، ص ۲۴۶.

عِلْمِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الأَخِرَةِ»[1] و در روایت «ابن بابویه» چنین است: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ...» تا آخر دعاء.[2]

۷ سنّت است که چون از نماز فارغ شود بگوید:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ زَوِّجْنِي الْحُورَ الْعِينَ.»

چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «باید بنده از نماز فارغ نشود تا آنکه از حقتعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد به خدا از دوزخ و سؤال کند که تزویج کند او را با حورالعین.»[3]

فضیلت حمد و آیةالکرسی و آیه شهادت و آیهٔ مُلک

۸ به سند موثّق از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: چون حقتعالی امر کرد که این آیات را به زمین آورند چنگ زدند به عرش الهی و گفتند: پروردگارا ما را به سوی اهل خطا و گناهکاران می‌فرستی؟! پس حقتعالی وحی کرد به سوی ایشان که: بروید به سوی زمین به عزّت و جلال خودم سوگند یاد کنم که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمّد و شیعیان ایشان، مگر آنکه نظر رحمت کنم به سوی ایشان از رحمتهای پنهان خود هر روز هفتاد نظر، در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد.[4] و به روایت دیگر: هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیرهٔ قدس با هر گناهی که داشته باشد، و اگر نکنم نظر کنم به سوی او به نظر رحمت خاصّ خود در هر روز هفتاد نظر کردن، و اگر نکنم هر روز

---

۱. همان، ص ۳۴۳.
۲. معانی الاخبار، ص ۳۹۴.
۳. خصال، ج ۲، ص ۶۳۰.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۰.

هفتاد حاجت او را برآورم که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد، و اگر نکنم او را پناه دهم از شرّ شیطان و از شرّ هر دشمنی و یاری دهم او را بر ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت غیر از مرگ[۱]، و آن آیات اینها است: سورهٔ فاتحه تا آخر، و آیة الکرسی ـ تا هُمْ فِیهٰا خٰالِدُونَ بخواند بهتر است ـ و آیهٔ شهادت، یعنی:

«شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ وَ الْمَلاٰئِکَةُ وَ اُولُوا الْعِلْمِ قٰائِماً بِالْقِسْطِ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ * اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلاٰمُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتٰابَ اِلاّٰ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِاٰیٰاتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِیعُ الْحِسٰابِ.»[۲]

و آیهٔ مُلک یعنی: «قُلِ اللّٰهُمَّ مٰالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشٰاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشٰاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشٰاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشٰاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهٰارِ وَ تُولِجُ النَّهٰارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشٰاءُ بِغَیْرِ حِسٰابٍ.»[۳]

فضیلت آیةالکرسی بعد از هر نماز

و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام منقول است: «هر که آیةالکرسی را بعد از نماز فریضه بخواند، او را گزنده ضرر نرساند.»[۴] و در حدیث معتبر دیگر فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: یا علی! بر تو باد به تلاوت کردن آیةالکرسی بعد از هر نماز فریضه، به درستی که محافظت نکند بر آن مگر پیغمبری یا صدّیقی یا شهیدی.[۵] و از حضرت رسالت پناه صلی‌الله‌علیه‌وآله منقول است: «هر که آیةالکرسی را بعد از هر نماز بخواند، مانعی نباشد او را از داخل شدن به بهشت به غیر مرگ.[۶] و به روایت دیگر: هر که

---

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۶؛ عدّة الداعی، ص ۲۷۸. ۲. آل عمران، آیهٔ ۱۸.
۳. آل عمران، آیهٔ ۲۶ و ۲۷. ۴. عدّةالداعی، ص ۲۷۴، ب ۶.
۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۸.
۶. تفسیر ابوالفتوح، ج ۱، ص ۴۳۹ به نقل از مستدرک، ج ۵، ص ۶۷، ح ۵۳۷۴.

آیةالکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند نمازش مقبول گردد، و در امان خدا باشد و خدا او را از بلاها و گناهان نگاه دارد.[۱]

دعای شیبهٔ هُذلی

۹ «کلینی» و «ابن‌بابویه» و دیگران به سندهای معتبر از حضرت امام محمّد باقر روایت کرده‌اند که «شیبهٔ هذلی» به خدمت حضرت رسول آمد و گفت: یا رسول‌اللّه! من پیر شده‌ام و قوّه‌ام وفا نمی‌کند به اعمالی که قبل از این خود را به آن عادت داده بودم از نماز و روزه و حجّ و جهاد، پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن نفع بخشد و بر من سبک و آسان باشد. حضرت فرمود: بار دیگر بگو. او سه مرتبه این سخن را اعاده کرد، پس حضرت فرمود: نماند بر دور تو درختی و کلوخی مگر اینکه گریست بر تو برای ترحّم بر تو، هر گاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو:

«سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»

تا خدا تو را عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خِرف شدن؛ «شیبه» گفت: یا رسول‌اللّه! این برای دنیا من است برای آخرت من چیزی بفرما، فرمود: می‌گویی بعد از هر نماز:

«اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ.»

پس حضرت فرمود: اگر بر این مواظبت نماید و عمداً ترک نکند تا وقت مردن، چون به صحرای محشر درآید هشت در بهشت برای او گشوده شود که از هر در که خواهد داخل شود.[۲] و دعای آخر به اسانید معتبرهٔ دیگر وارد شده.

---

۱. دعوات راوندی، ص ۳۱ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۳۴.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۴۵؛ امالی صدوق، ص ۱۱۰، مجلس ۱۳، ح ۵.

فضیلت تسبیحات اربعه

۱۰ خواندن تسبیحات اربعه است، چنانچه «شیخ طوسی» و «ابن بابویه» و «حِمیری» به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: روزی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: اگر جمع کنید آنچه دارید از جامها و ظرفها و بر روی هم گذارید آیا به آسمان می‌رسد؟ گفتند: نه یا رسول‌الله! فرمود: می‌خواهید تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش در زمین است و شاخه‌هایش در آسمان؟ گفتند: بلی یا رسول‌الله! فرمود: بعد از هر نماز سی نوبت بگوئید: «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ وَ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ» که اصل اینها در زمین است و فرعشان در آسمان، و دفع می‌کند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن درندگان و به مرگهای بد مردن و هر بلائی که در آن روز از آسمان نزول کند، و اینهایند **باقیات صالحات**[۱] که حقتعالی در قرآن مجید فرموده.[۲] و به سندهای صحیح دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است: هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند، هر حاجت که از خدا سؤال کند روا گردد.[۳] و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است: هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ بگوید، بر بدنش گناهی نماند مگر بریزد.[۴] و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است: ذکر بسیار که حقتعالی در کلام مجید مدح کرده است این است که سی مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ بعد از هر نماز فریضه بگوید. و «قطب راوندی» روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با بُراء بن عازب گفت: می‌خواهی دلالت کنم تو را بر امری که چون به جا آوری به حقّ و راستی دوست خدا باشی؟ گفت: بلی، فرمود: بعد از هر نماز هر یک از تسبیحات اربعه را ده مرتبه بگو، چون چنین کنی هزار بلیّه در دنیا از تو دور گردد که یکی از آنها مرتدّ شدن باشد، و هزار مرتبه در آخرت برای

---

۱. تهذیب، ج ۶، ص ۱۰۷؛ معانی الاخبار، ص ۳۲۴. ۲. مریم، آیهٔ ۷۶.

۳. امالی صدوق، ص ۲۴۹؛ مجلس ۳۴، ح ۱۱. ۴. امالی صدوق، ص ۳۴۵، مجلس ۴۶، ح ۸.

تو ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول ﷺ باشی.[۱]

تعقیبی که موجب روا شدن حاجت می‌شود

۱۱ کلینی به سند حسن از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده است: هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید: «**یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ وَ لا یَفْعَلُ ما یَشاءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ.**»، هر حاجت سؤال کند روا شود.[۲]

فضیلت تهلیل مأثور

۱۲ شیخ برقی به سند موثّق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده است : هر که بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند، حقتعالی چهل هزار هزار گناه او را محو کند، و چهل هزار هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد، و فرمود: من صد مرتبه می‌خوانم و شما را ده مرتبه کافی است:

«**اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً.**»[۳]

و فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده است خصوصاً در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب.

دعایی که جبرئیل به حضرت یوسف آموخت

۱۳ کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که جبرئیل به نزد حضرت یوسف علیه‌السلام آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو:

---

۱. دعوات راوندی، ص ۱۴، به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۳۴، ح ۳۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۹.

۳. محاسن، ص ۵۱.

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لاٰ اَحْتَسِبُ.»[۱]

دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز

۱۴ در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است: هر که خواهد خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطّلع نگرداند و دیوان گناهان او را نگشاید باید که بعد از هر نماز بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَرْجىٰ مِنْ عَمَلي وَ اِنَّ رَحْمَتَكَ اَوْسَعُ مِنْ ذَنْبي اَللّٰهُمَّ اِنْ كٰانَ ذَنْبي عِنْدَكَ عَظيماً فَعَفْوُكَ اَعْظَمُ مِنْ ذَنْبي اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلاً اَنْ تَرْحَمَني فَرَحْمَتُكَ اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَني وَ تَسَعَني لِاَنَّها وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.»[۲]

دعا برای وساوس سینه و قرض و پریشانی

۱۵ کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است: مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را، فرمود: که بعد از هر نماز فریضه بگو:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لاٰ يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صٰاحِبَةً وَ لاٰ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»

و به روایت دیگر فرمود: هیچ شدّتی مرا رو نداد مگر آنکه جبرئیل برای من متمثّل شد و گفت که این دعا را بخوان.[۳] و در احادیث معتبره وارد شده است: برای وَساوس سینه و قرض و پریشانی و بیماری مکرّر این دعا را باید خواند،[۴] و در بعضی روایات در اوّلش «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ» است.

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۹.
۲. بلدالامین، حاشیهٔ ص ۹.
۳. بلدالامین، حاشیهٔ ص ۹ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۳۹.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵۵.

۱۶ شیخ مفید در «مُقنعه» در تعقیب هر نماز این دعا را آورده است:

«اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِالْعِلْمِ وَ زَیِّنّا بِالْحِلْمِ وَ جَمِّلْنا بِالْعافِیَةِ وَ کَرِّمْنا بِالتَّقْوىٰ اِنَّ وَلِیِّیَ اللّٰهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ.»[1]

دعای مکنون و فضیلت آن

۱۷ ابن بابویه و شیخ طوسی وغیر ایشان به سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند: هر که خواهد بیرون رود از دنیا و حال آنکه پاک شده باشد از گناهان چنانچه پاک می‌شود طلا از غشّ و از او احدی بازخواست مظلمه ننماید در قیامت، پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه نسبت پروردگار را یعنی سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را دوازده مرتبه، پس دستها را به سوی آسمان بگشاید و این دعا را بخواند، پس حضرت فرمود: این از رازهای مکنون است که تعلیم کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و امر کرد مرا که تعلیم به حَسَن و حسین علیهما السلام نمایم، و دعا این است:

«اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظیمِ وَ سُلْطانِكَ الْقَدیمِ یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْاُساریٰ یا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فُكَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ اَخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا آمِناً وَ اَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ سالِماً وَ اجْعَلْ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَ اَوْسَطَهُ نَجاحاً وَ آخِرَهُ صَلاحاً اِنَّكَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ.»

و در بعضی از نسخ معتبره دعاء چنین است:

«یا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ اَنْ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا سالِماً وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ آمِناً وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعائی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَ اَوْسَطَهُ نَجاحاً وَ آخِرَهُ صَلاحاً اِنَّكَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ.»[2]

---

۱. المقنعة، ص ۱۸.
۲. مصباح المتهجّد، ص ۵۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۴۰ با اندک تفاوت.

فضیلت سورهٔ توحید بعد از هر نماز

و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت، باید که ترک نکند بعد از هر نماز فریضه خواندن سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را، به درستی که هر که بخواند آن را، خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و می‌آمرزد او را و پدر و مادر او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده‌اند[۱]. و در حدیث دیگر وارد شده است: هر که بعد از هر فریضه ده مرتبه سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند، حقتعالی از حورالعین به او تزویج نماید.[۲] و **سید ابن طاووس** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است: هر که بعد از هر نماز سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند، رحمت از آسمان بر سرش فرو ریزد و سکینه بر او نازل گردد، و خدا نظر رحمت به سوی او افکند و گناهانش را بیامرزد، و هر حاجت که سؤال کند برآورد و در امان خدا باشد.[۳]

۱۸ کلینی و دیگران به سند معتبر از اهل بیت علیهم السلام روایت کرده‌اند: هر که بعد از هر نماز ریش خود را به دست راست خود بگیرد و دست چپ را به سوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید: «**یا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ اِرْحَمْنی مِنَ النّارِ**» پس سه مرتبه بگوید: «**اَجِرْنی مِنَ الْعَذابِ الْاَلیمِ**»، پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را به سوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید: «**یا عَزیزُ یا کَریمُ یا رَحْمانُ یا غَفُورُ یا رَحیمُ**» پس دستها را بگرداند و پشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید: «**اَجِرْنی مِنَ الْعَذابِ الْاَلیمِ**» پس بگوید: «**وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْمَلائِکَةِ وَ الرُّوحِ.**» پس حضرت فرمود: که هر که این دعا را بخواند خدا جمیع گناهان او را بیامرزد و از او راضی شود، و استغفار کند برای او جمیع خلایق به غیر از جنّ و انس تا هنگام مردن او.[۴]

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۲. ۲. بحار، ج ۸۶، ص ۲۸.
۳. مُجتنیٰ، ص ۲۵ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۶۰، ح ۶۸. ۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۶.

دعای آمرزش گناهان

[۱۹] شیخ مفید در کتاب مجالس از محمّد بن الحنفیّه روایت کرده است : روزی پدرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دور کعبه طواف می‌کرد، ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده‌های کعبه زده و این دعا می‌خواند. پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت این است دعای تو؟ گفت بلی، مگر شنیدی؟ حضرت فرمود: بلی شنیدم، گفت: پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز، به خدا سوگند! هر مؤمنی که این دعا را بخواند بعد از هر نماز، البتّه حقتعالی می‌آمرزد گناهان او را هر چند به عدد ستاره‌های آسمان و قطره‌های باران و ریگ زمین و ذرّه‌های خاک باشد. پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: من می‌دانم این دعا را و حقتعالی واسِعُ‌الْعَطایا و کریم است. آن مرد گفت: راست گفتی یا امیرالمؤمنین! و بالای هر دانائی داناتری است؛ و آن مرد حضرت خضر علیه السلام بود.[۱]

و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلدالأمین روایت کرده است، و دعا این است:

«یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ یا مَنْ لا یُغَلِّطُهُ السّائِلُونَ وَ یا مَنْ لا یُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّینَ أَذِقْنی بَرْدَ عَفْوِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ وَ حَلاوَةَ رَحْمَتِکَ.»[۲]

آیاتی که خواندن آنها موجب قبولی نماز می‌شود

[۲۰] دیلمی در اعلام‌الدّین از ابن عبّاس روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب در روزگذشته از او فوت شده باشد در یابد و نمازش مقبول گردد، و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنّت بخواند نوشته شود برای او حَسَنات به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرّات خاک زمین، و چون بمیرد به هر حَسَنه ده حَسَنه در قبر به او داده شود، این است آیات :

«فَسُبْحانَ اللّٰهِ حینَ تُمْسُونَ وَ حینَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰواتِ وَ

۱. امالی شیخ مفید، ص ۹۱، مجلس ۱۰، ح ۸.
۲. مصباح کفعمی، ص ۲۰، ف ۵.

الْاَرْضِ وَ عَشِيّاً وَ حينَ تُظْهِرُونَ. يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ[۱]، سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.[۲]»[۳]

دعای طول عمر

۲۱ سیّد ابن طاوس به سند معتبر از «جمیل بن درّاج» روایت کرده است: مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت: ای مولای من! سِنّم بالا رفته است و خویشان من مرده‌اند و مونسی ندارم و می‌ترسم که مرا نیز مرگ دریابد. حضرت فرمود: **برادران مؤمن صالح برای اُنس گرفتن بهترند از اقارب**، و اگر درازیِ عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قالَ اِنَّكَ قُلْتَ ما تَرَدَّدْتُ في شَيْءٍ اَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدي في قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ اَكْرَهُ مَسائَتَهُ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لا تَسُؤْني في نَفْسي وَ لا في اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتي.» و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام ببر و بگو: **وَ لا في فُلانٍ وَ لا في فُلانٍ.**

راوی گفت: چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمر یافته‌ام که از زندگانی ملول شده‌ام.[۴] و این دعا بسیار معتبر است و در جمیع کتب دعا نقل شده است.

---

۱. روم، آیات ۱۷ ـ ۱۹.
۲. غافر، آیات ۱۸۰ ـ ۱۸۲.
۳. اعلام الدین، ص ۳۵۲، ط آل البیت.
۴. فلاح السائل، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

ذکر تعقیبات مختصّه به نماز صبح

بدان که: تعقیب نماز صبح زیادتر از سایر نمازها است، و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است. از حضرت امیرالمؤمنین ﷺ منقول است که: «ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، کاملتر است در تحصیل روزی از سفر کردن در زمین»[۱] و از حضرت رسول ﷺ منقول است: «**هر که از طلوع صبح تا طلوع افتاب در مصلّای خود قرار گیرد و به تعقیب مشغول باشد، خدا او را از آتش دوزخ مستور گرداند.**»[۲] و از حضرت امام محمّد باقر ﷺ منقول است: «شیطان لشکر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن می‌کند و لشکر شب را از غروب آفتاب تا ذهاب حُمرهٔ مغربی، پس خدا را در این دو ساعت بسیار یاد کنید که در این دو ساعت شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل می‌سازد.»[۳] و به سند صحیح منقول است: «حضرت امام رضا ﷺ در خراسان چون نماز صبح می‌کردند تا طلوع آفتاب در مصلّای خود می‌نشستند و مشغول تعقیب بودند، پس خریطهٔ برای آن حضرت می‌آوردند که مسواکها در آن بود و به یک یک از آنها مسواک می‌کردند، پس اندک کُندر می‌خوائیدند، پس قرآن مجید را برمی‌گرفتند و تلاوت می‌کردند.»[۴] و از حضرت رسول ﷺ منقول است که: «**هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد، ثواب حج برای او نوشته می‌شود.**»[۵] و در حدیث قدسی وارد شده است که حقتعالی می‌فرماید: «**ای فرزند آدم! یادکن مرا بعد از صبح یک ساعت و بعد از عصر یک ساعت، تا کفایت کنم جمیع مهمّات تو را.**»[۶]

امّا تعقیبات مختصّه به صبح :

[۱] ابن بابویه به سند معتبر از امام محمّد باقر ﷺ روایت کرده است: هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** بگوید، خدا او را بیامرزد هر چند در

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۷۳، ح ۲۱۷۹.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴۵۴.
۳. همان، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۴۴۲.
۴. همان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴۵۳.
۵. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۷.
۶. ثواب الاعمال، ص ۶۸.

آن روز هفتاد هزار گناه بکند و به روایت دیگر هفتصد گناه.[۱]

۲ ایضاً ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین﷤ روایت کرده است: هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود به رَغم أنفِ شیطان[۲]. و در بلدالامین از حضرت رسولﷺ روایت آمده که: هر که سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز هر چند شیطان سعی کند که گناهی بر او نوشته شود، نشود.[۳]

۳ کلینی به سند صحیح روایت کرده است از حضرت صادق﷤: هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

«مٰا شٰاءَ اللّٰهُ كٰانَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز هیچ مکروهی نبیند.[۴] و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده‌اند.

فضیلت سورهٔ قدر

۴ کفعمی و غیر او از حضرت امام محمّد باقر﷤ روایت کرده‌اند: هر که سورهٔ اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال. و نیز از آن حضرت روایت شده است: هر که هفت مرتبه آن را بعد از طلوع فجر بخواند، هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او بفرستند و هفتاد مرتبه بر او ترحّم کنند.[۵] و از امام محمّد تقی﷤ ثواب بسیار منقول است برای کسی که سورهٔ اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ را در شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند: بعد از طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت مرتبه، و بعد از نماز صبح ده مرتبه، و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده مرتبه، و بعد از نوافل زوال بیست و یک

۱. خصال، ج ۲، ص ۵۸۱، منتهای هفتاد گانه.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۵۷.

۳. بلدالامین به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۱۶۰، ح ۲۹.

۴. کافی، ج ۲، ص ۵۳۰.

۵. بحار، ج ۸۶، ص ۱۶۱.

مرتبه، و بعد از نماز عصر ده مرتبه، و بعد از عشاء هفت مرتبه، و در وقت خواب یازده مرتبه؛ و از جمله ثوابش آن است که حقتعالی هزار ملک خلق کند که درسی و شش هزار سال ثواب آن را برای او بنویسند.[۱]

دعای عافیت از کوری و...

۵ «ابن بابویه» و سایر علماء رِضْوانُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر ﷺ روایت کرده‌اند که حضرت رسول ﷺ فرمود: هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید:

«سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ»،

حقتعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن یاخرافت در هنگام پیری.[۲]

دعای هر بامداد و شامگاه

۶ در بلدالأمین از حضرت امیرالمؤمنین ﷺ روایت کرده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: که هر که خواهد که خدا در اَجَلِ او تأخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد، باید که هر بامداد و پسین [=شامگاه] بر این دعا مداومت نماید، سه مرتبه بگوید:

«سُبْحانَ اللّٰهِ مِلأَ الْمیزانِ وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِیِّ.»

سه مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ مِلأَ الْمیزانِ وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِیِّ.»

۱. بحار، ج ۹۲، ص ۲۲۹.
۲. امالی صدوق، ص ۱۰۹ و ۱۱۰، مجلس ۱۳، ح ۸۵.

و سه مرتبه بگوید: «لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ مِلأَ الْمیزٰانِ وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضٰا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْکُرْسِیِّ».

و سه مرتبه بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ مِلأَ الْمیزٰانِ وَ مُنْتَهَی الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضٰا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَ سَعَةَ الْکُرْسِیِّ».[1]

فضیلت بسمله و حوقله

[۷] سیّد ابن طاووس به سند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده است: هر که بعد ازنماز صبح صد مرتبه بگوید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.» به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن.[۲] و به سندهای معتبر از حضرت صادق و حضرت کاظم منقول است : [هر که] بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا را بخواند، هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد. و در بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و بعضی ده مرتبه و اقلّش سه مرتبه و اکثرش صد مرتبه[۳] و هر چه بیشتر بگوید ثوابش بیشتر است.

دعای جامع دنیا و آخرت

[۸] شیخ احمد بن فَهد و دیگران روایت کرده‌اند: مردی به خدمت حضرت امام موسی کاظم شکایت کرد که کار من بسته شده است و به هر کاری که متوجّه می‌شوم سودی نمی‌یابم و به هر حاجت که رو می‌نهم برآورده نمی‌شود! حضرت فرمود: بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو:

۱. مصباح کفعمی، ص ۸۴.

۲. بلدالامین، حاشیهٔ ص ۲۸؛ مهج الدعوات، ص ۳۹۴.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۳۱، ح ۲۵ ـ ۲۹.

«سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِه.»

راوی گفت: اندک زمانی که بر این مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند که مردی از اقوام تو مُرده و به غیر از تو وارثی ندارد! پس مال بسیار به دست من آمد و تا حال بی‌نیازم.[1] و در کافی[2] و مکارم[3] روایت کرده‌اند که: مردی «**هلقام**» نام به آن حضرت عرض کرد: دعائی مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد، حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع کند، مداومت کرد او بر این دعا و حالش نیکو شد.[4]

دعای ادای قرض

۹ عیّاشی از عبدالله ابن سنان روایت کرده است: به خدمت حضرت صادق﷣ رفتم، حضرت فرمود: می‌خواهی تو را دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حقتعالی قرض تو را ادا کند و حال تو نیکو شود؟ گفتم چه بسیار محتاجم به چنین دعا، حضرت فرمود: بعد از نماز صبح بگو:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذي لا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً اَللّٰهُمَّ إِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ وَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَ السُّقْمِ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُعينَني عَلىٰ اَداءِ حَقِّكَ اِلَيْكَ وَ اِلَى النّاسِ.»[5]

و به روایت شیخ طوسی و دیگران چنین است:

«وَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَعِنّي عَلىٰ اَداءِ حَقِّكَ اِلَيْكَ وَ اِلَى النّاسِ.»[6]

---

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۱۵.
۲. کافی، ج ۲، ص ۵۵۰.
۳. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۴، ح ۲۰۷۵.
۴. کافی، ج ۲، ص ۵۵۰.
۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۰.
۶. مصباح المتهجد، ص ۱۵۰.

دعا برای رفع پریشانی و بیماری

۱۰ کفعمی﵀ روایت کرده است که مردی به حضرت رسولﷺ شکایت کرد از تنگدستی و پریشانی و بیماری، حضرت فرمود که هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند، او سه روز بر این مداومت کرد، حال او به صحّت و توانگری و رفاهیّت برگشت، و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده‌اند، و دعا این است:

«لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لاٰ يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»[۱]

دعای عهد

۱۱ شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسولﷺ روایت کرده‌اند که به اصحاب خود گفت : آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عـالمیان عـهدی بگیرید؟ گفتند: چگونه عهدی بگیریم؟! فرمود: این دعا را بخوانید، هر که این دعـا را بخواند مُهری بر او می‌زنند و در زیر عرش الهی می‌گذارند، چون روز قیامت شـود منادی ندا می‌کند که کجایند آنان که نزد خداوند رحمان عهدی دارند؟ پس آن عهد را به ایشان دهند و با آن عهد داخل بهشت شوند، و شیخ طوسی﵀ این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد کرده:

«اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحيمَ اَعْهَدُ اِلَيْكَ في هٰذِهِ الدُّنْيا اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ وَحْدَكَ لاٰ شَريكَ لَكَ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لاٰ تَكِلْني اِلىٰ نَفْسي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً وَ لاٰ اِلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَني اِلَيْها تُباعِدْني مِنَ الْخَيْرِ وَ تُقَرِّبْني مِنَ الشَّرِّ اَيْ رَبِّ لاٰ اَثِقُ اِلاّٰ بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

۱. بلدالامین، در حاشیهٔ ص ۹ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۹.

الطَّيِّبِينَ وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ.»[۱]

فضیلت صلوات بعد از نماز صبح

۱۲ در عُدّة‌الدّاعی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلّم کند بگوید: «رَبِّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»، حقتعالی روی او را از آتش جهنّم نگاه دارد.[۲] و «ابن بابویه» در ثواب الأعمال به سند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگو: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، تا حقتعالی روی تو را از آتش جهنّم نگاه دارد.[۳] و به روایت دیگر صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگو: «يٰا رَبِّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ.»[۴]

در [فضیلت] سجدهٔ شکر است

و چون از تعقیب نماز فارغ شدی پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری، و اجماعی علماء شیعه است که: **سجدهٔ شکر سنّت است در وقت متجدّد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی،** و بهترین افرادش سجدهٔ بعد از نماز است برای شکر توفیق اداء نماز. به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت است که: **پدرم امام زین‌العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر آنکه به شکر آن سجده کرد، و هیچ آیه‌ای نخواند که در آن سجده باشد مگر آنکه سجده می‌کرد، و دفع نکرد خدا از او بدی را که از آن می‌ترسید مگر آنکه سجده کرد، و از هر نماز واجب که فارغ می‌شد بعد از آن سجده می‌کرد، و هر وقت که توفیق می‌یافت که میان دو کس اصلاح کند برای شکر آن سجده می‌کرد، و در جمیع مواضع سجود آن حضرت اثر سجود بود، به این سبب آن حضرت را سجّاد می‌نامیدند.**[۵]

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۱۸۹.
۲. عدّة‌الداعی، ص ۲۵۲، ب ۵.
۳. ثواب الاعمال، ص ۱۸۶.
۴. بحار، ج ۸۶، ص ۱۳۳، ح ۱۰.
۵. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۲.

و ایضاً به سند صحیح از حضرت صادق(ع) روایت است: هر مؤمن که از برای خدا سجده کند برای شکر نعمتی در غیر نماز، حقتعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه در بهشت بلند گرداند.[۱] و به سندهای معتبرهٔ بسیار از آن حضرت منقول است: **نزدیکترین احوال بنده به خدا در حالتی است که در سجده باشد و گریان باشد.**[۲] و در حدیث صحیح دیگر فرمود: سجدهٔ شکر واجب است بر هر مسلمانی، تمام می‌کنی به آن نماز خود را و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را، و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری، به درستی که هر گاه بنده نماز کند و بعد از آن سجدهٔ شکر کند، پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه بگشاید، پس گوید: **ای ملائکهٔ من!** نظر کنید به سوی بندهٔ من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا، پس سجده کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده‌ام، **ای ملائکهٔ من!** او را چه باید داد؟ گویند: پروردگارا رحمت تو، پس فرماید: دیگر چه باید داد؟ گویند: پروردگارا بهشتِ تو، باز فرماید: دیگر چه باید داد؟ گویند: کفایت مهمّات او و بر آوردن حاجات او، پس حقتعالی مکرّر سؤال نماید و ملائکه جواب گویند، تا آنکه ملائکه گویند: پروردگارا دیگر ما چیزی نمی‌دانیم. آنگاه خداوند کریم فرماید: من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد و اقبال کنم به سوی او به فضل خود، و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم.[۳]

و به سند صحیح از حضرت صادق(ع) منقول است: **خداوند عالمیان، ابراهیم(ع) را برای آن خلیل خود گردانید که سجده بر زمین بسیار می‌کرد.**[۴] و در حدیث معتبر دیگر فرمود: چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آوری و در موضعی باشی که کسی از مخالفان تو را نبیند پهلوی روی خود را بر زمین نه، و اگر در جائی باشی که ایشان باشند و نتوانی سجده کرد، دست بر پائین شکم خود گذار و خم شو برای تواضع و

۱. ثواب الاعمال، ص ۳۲.
۲. عدة الداعی، ص ۱۶۱، ب ۴: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَبْكِي.»
۳. الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۹۷۹.
۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۲.

شکستگی نزد خدا، و دست گذاشتن برای آن است که مخالفان گمان کنند که پیچی در شکم تو به هم رسیده است. و در روایت بسیار وارد شده است که حقتعالی به حضرت موسیﷺ خطاب کرد: می‌دانی چرا تو را برگزیدم و از میان خلق تو را کلیم خود گردانیدم؟ موسی گفت: نمی‌دانم ای پروردگار من! فرمود: برای آنکه بر احوال بندگان خود مطّلع شدم در میان ایشان کسی ندیدم که نزد من نَفْسش از تو ذلیل‌تر باشد، به درستی که چون تو از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری.[1]

و به سند موثّق از حضرت امام رضاﷺ منقول است:

سجدهٔ بعد از نماز واجب شکر خدا است بر آنکه توفیق داده بندهٔ خود را بر آن که أدا کرد فرض او را، و کمتر آنچه در این سجده گویند آن است که سه مرتبه بگوید شُکْراً لِلّهِ، راوی پرسید: چه معنی دارد شُکْراً لِلّهِ؟ حضرت فرمود: معنی‌اش آن است که این سجده از من شکر خدا است بر آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا کردم، و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است، و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به نافله‌ها تمام نشده باشد به این سجده تمام می‌شود.[2]

کیفیت سجدهٔ شکر

و امّا کیفیّت این سجده به هر نحو که واقع شود به عمل می‌آید، و احوط آن است که اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجدهٔ نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد، و افضل آن است که بر خلاف سجدهٔ نماز دستها را بر زمین بخواباند و شکم را بر زمین رساند، و سنّت است که اوّل پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست رُو را پس طرف چپ رو را، پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و به این سبب دو سجدهٔ شکر می‌گویند، و ظاهراً بدون ذکر نیز به عمل می‌آید، و سنّت است که ذکری بکند، و بهتر آن است که از اذکار و ادعیه‌ای باشد که مذکور خواهد شد.

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۴؛ تهذیب، ج ۱، ص ۱۶۵.
۲. عیون اخبار الرضاﷺ، ج ۱، ص ۲۸۱.

سجدهٔ امام هفتم و بعض اصحاب آن حضرت

و مستحب است که این سجده را طول دهد، چنانچه منقول است: حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از طلوع صبح سجده می‌کرد تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام.[۱] و در حدیث دیگر وارد شده: آن حضرت زیاده از ده سال هر روز بعد از طلوع آفتاب تا وقت زوال در سجده بودند.[۲] و به سند صحیح منقول است: حضرت امام رضا علیه السلام آنقدر در سجود می‌ماند که سنگ ریزهٔ مسجد از عرق او تر می‌شد! و دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می‌چسبانید.[۳] و در «رجال کشّی» مذکور است: فضل بن شاذان به نزد «ابن ابی عُمیر» آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد و چون سر برداشت طول سجدهٔ او را مذکور ساختند، گفت: اگر سجودِ «جمیل بن درّاج» را می‌دیدید سجود مرا طویل نمی‌شمردید، و گفت: روزی به نزد جمیل رفتم و او سجده را بسیار طول داد، چون سر برداشت من گفتم: سجده را طول دادید؟! گفت: اگر طول سجدهٔ «معروف بن خَرَبوذ» را می‌دیدی سجدهٔ مرا سهل می‌شمردی.[۴] و ایضاً از «فضل بن شاذان» روایت کرده است: حسن بن علیّ بن فضّال به صحرا می‌رفت برای عبادت و سجده را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست به گمان آنکه جامه‌ای است افتاده، و وحشیان بر دور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند.[۵] و ایضاً روایت کرده است: علیّ بن مهزیار چون آفتاب طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر برنمی‌داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود، و بر پیشانی او پینه بود مانند زانوی شتر از بسیاریِ طول سجود.[۶] و ایضاً روایت کرده است: «ابن ابی عُمیر» بعد از نماز صبح به سجدهٔ شکر سر می‌گذاشت و برنمی‌داشت مگر وقت ظهر.[۷]

و افضل آن است که سجدهٔ شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد و پیش از نوافل، و در

---

۱. ارشاد مفید (ره)، ص ۲۷۷.
۲. عیون الاخبار، ج ۱، ص ۹۵ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۲۰.
۳. همان، ج ۲، ص ۱۷ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۲۰.
۴. رجال کشی، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۲۷۳.
۵. همان، ج ۲، ص ۸۰۱، ح ۹۹۳.
۶. همان، ج ۲، ص ۸۲۵، ح ۱۰۳۸.
۷. همان، ج ۲، ص ۸۵۵، ح ۱۱۰۶.

نماز مغرب اکثر گفته‌اند بعد از نوافل بجا آورد و بعضی پیش از نوافل گفته‌اند، و ظاهراً هر دو خوب است و پیش از نوافل بجا آوردن افضل است، چنانچه «جمیری» از حضرت صاحب الزّمان روایت کرده است، و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد. امّا دعاهای این سجده بسیار است و آسانتر آنها این چند امر است:

دعاهای سجدهٔ شکر

۱ به سند معتبر از حضرت امام رضا منقول است: اگر خواهی صد مرتبه **شُكْراً شُكْراً** بگو، و اگر خواهی صد مرتبه **عَفْواً عَفْواً**.[۱] و در عیون اخبار الرّضا از رجاء بن ابی الضّحّاک روایت کرده است: که حضرت امام رضا در راه خراسان هرگاه از تعقیب نماز ظهر فارغ می‌شد به سجدهٔ شکر می‌رفت و صد مرتبه می‌گفت: **شُكْراً لِلّٰهِ**، و چون از تعقیب عصر فارغ می‌شد صد مرتبه در سجده می‌گفت: **حَمْداً لِلّٰهِ**.[۲]

۲ شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است: نزدیکترین احوال بنده به سوی خدای تعالی وقتی است که بنده در سجود باشد و خدای خود را بخواند، چون به سجده روی بگو:

«یا رَبَّ الْأَرْبابِ وَ یا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ یا سَیِّدَ السّاداتِ وَ یا جَبّارَ الْجَبابِرَةِ وَ یا إِلٰهَ الْآلِهَةِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

پس حاجت خود را بطلب، پس بگو: **«فَإِنِّي عَبْدُكَ ناصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ.»** پس هر دعا که خواهی بکن که خدا بخشنده است و برآوردن هیچ حاجت بر او دشوار نیست.[۳]

۳ ایضاً کلینی به سند موثّق از حضرت صادق روایت کرده است که شنیدم شبی پدرم در مسجد به سجود رفته می‌گریست و این دعا را می‌خواند:

---

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰ به نقل از بحار، ج ۴۹، ص ۹۴.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۷.

«سُبْحانَكَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَمَلي ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لي اَللّٰهُمَّ قِني عَذابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبادَكَ وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.»[1]

۴ ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام در سجده این دعا می‌خواند:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ حَرُّها لا يُطْفىٰ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ جَديدُها لا يَبْلىٰ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ عَطْشانُها لا يُرْوىٰ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ مَسْلُوبُها لا يُكْسىٰ.»[2]

۵ ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده است: شکایت کرد مردی به حضرت صادق علیه السلام که اُمّ ولدی [=کنیزی] دارم و او علیل است. حضرت فرمود: بگو بعد از هر نماز واجب در سجدهٔ شکر: «يا رَؤُفُ يا رَحيمُ يا رَبِّ يا سَيِّدي.» پس حاجت خود را بطلبد.[3]

۶ در روایات معتبرهٔ بسیار منقول است که حضرت صادق و کاظم علیهما السلام در سجدهٔ شکر بسیار می‌فرمودند: «أَسْئَلُكَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ.»[4]

۷ به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که در سجده می‌گفتند: «سَجَدَ وَجْهِيَ اللَّئيمُ لِوَجْهِ رَبِّيَ الْكَريمِ.»[5]

۸ در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: **بهترین سخنان نزد حقتعالی آن است که بنده در سجده سه مرتبه بگوید:** «إِنّي ظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرْ لي.»

۹ در جعفریّات به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون سر به سجده می‌گذاشت این دعا را می‌خواند:

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۹.
۲. کافی، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۲۲.
۳. کافی، ج ۳، ص ۳۲۸، ح ۲۴.
۴. کافی، ج ۳، ص ۳۲۳، ح ۱۰.
۵. جامع بزنطی به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۱۶، ح ۳۱.

«اَللّٰهُمَّ مَغْفِرَتُكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبي وَ رَحْمَتُكَ اَرْجىٰ عِنْدي مِنْ عَمَلي فَاغْفِرْلي ذُنُوبي يا حَيّاً لاٰ يَمُوتُ.»[۱]

[۱۰] قطب راوندی از حضرت صادق؈ روایت کرده است: هرگاه تو را شدّتی و غمی عارض شود و به نهایت برسد سجده کن بر زمین و بگو:

«يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ يا مُعِزَّ كُلِّ ذَليلٍ، قَدْ وَحَقِّكَ بَلَغَ مَجْهُودي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنّي.»[۲]

و در عُدّة الدّاعی از آن حضرت روایت کرده است: هرگاه به مردی نازله یا امر شدیدی یا کَربی و غمی نازل شود، زانوها و دستهای خود را تا مرفق برهنه کند و بر زمین بچسباند و سینهٔ خود را بر زمین برساند و حاجت خود را طلب کند.[۳]

[۱۱] ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق؈ روایت کرده است: هر گاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید: «يا اَللّٰهُ يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ»، خداوند کریم جواب او گوید: لَبَّیْک بندهٔ من! حاجت خود را بطلب.[۴]

و در مکارم‌الأخلاق روایت کرده است که هر که در سجده بگوید: «يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ» آنقدر که نفس منقطع شود، حقتعالی فرماید که حاجت خود را بخواه.[۵]

[۱۲] در مکارم الأخلاق از حضرت صادق؈ روایت کرده است که حضرت رسول ﷺ به مردی گذشت و او در سجده بود می‌گفت:

«يا رَبِّ ماذا عَلَيْكَ اَنْ تُرْضِيَ عَنّي كُلَّ مَنْ كانَ لَهُ عِنْدي تَبِعَةٌ وَ اَنْ تَغْفِرَ لي ذُنُوبي وَ اَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّما عَفْوُكَ عَنِ الظّالِمينَ وَ اَنَا مِنَ الظّالِمينَ فَلْتَسَعْني رَحْمَتُكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.»

۱. جعفریّات، به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۱۸.
۲. دعوات راوندی، ص ۵، به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۱۸.
۳. عدّة‌الدّاعی، به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۱۸.
۴. امالی صدوق، ص ۴۹۶، مجلس ۶۴، ح ۶.
۵. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۰، ح ۲۰۸۹.

پس حضرت فرمود: سر بردار که دعایت مُستجاب شد به درستی که دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم «عاد» بود.[۱]

مؤلف گوید: ما در مفاتیح در ضمن اعمال مسجد کوفه و مسجد زید بعضی دعاها نقل کردیم که در سجده خوانده می‌شود. و شیخ طوسی در مصباح المتهجّد در ذکر سجدهٔ شکر فرموده.

دعا برای برادران مؤمن در سجده

و مستحب است که دعا کند از برای برادران خود در سجده، پس بگوید:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَ اللَّيٰالِي الْعَشْرِ وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ وَ اللَّيْلِ اِذٰا يَسْرِ وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ اِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ خٰالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْعَلْ بِي وَ بِفُلاٰنٍ وَ فُلاٰنٍ مٰا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَ لاٰ تَفْعَلْ بِنٰا مٰا نَحْنُ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.»[۲]

و چون سر از سجده برداشتی می‌مالی دست خود را بر موضع سجود خود و می‌مالی به صورت خود از طرف چپ صورت، پس می‌مالی به پیشانی، پس به جانب راست سه مرتبه و در هر مرتبه می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ عٰالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهٰادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ وَ الْغِيَرَ وَ الْفِتَنَ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَ مٰا بَطَنَ.»[۳]

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۰، ح ۲۰۹۱.
۲. مصباح المتهجّد، ص ۲۱۴.
۳. مصباح المتهجّد، ص ۲۱۷.

فصل دوّم

در مختصری از اعمالی که متعلّق به
مابین طلوع آفتاب و غروب آن است.

چون آفتاب خواهد طلوع کند می‌خوانی در آن وقت دعاهائی را که در فصل پنجم خواهد آمد إنشاءاللّه تعالی. و سزاوار است که در ابتدای روز تصدّقی دهی اگر چه چیز کمی باشد، و آنکه پیش از ظهر مهیّا شوی برای نماز ظهر و مقدّم داری خواب قیلوله را، و خواب قیلوله مُعین است برای عبادت در شب و روزهٔ روز، و جدّ و جهد می‌کنی که برای ظهر بیدار شوی، پس وضو می‌گیری و می‌روی به جانب مسجد و نماز تحیّت مسجد را بجا می‌آوری، و منتظر دخول وقت می‌شوی اگر وقت داخل نشده، و مستحبّ است که نماز در اوّل وقت خوانده شود.

دعای وقت زوال

و چون زوال محقّق شد اوّل کاری که می‌کنی آن است که می‌گویی:

«سُبْحانَ اللّهِ وَ لا اِلٰهَ اِلاّ اللّهُ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»

و روایت شده که حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام به «محمّد بن مسلم» فرمود: محافظت

کن بر این چنانکه محافظت می‌کنی بر چشمهای خود[۱].

و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل می‌آوری، پس شروع می‌کنی به خواندن نوافل ظهر و آنها هشت رکعت است، پس نیّت می‌کنی از برای دو رکعت اوّل و هفت تکبیری کـه در سـابق ذکـر شـد بـا دعاهایش بجا می‌آوری و کلمهٔ استعاذه را می‌گویی، و می‌خوانی سورهٔ حمد و توحید در رکعت اوّل و سورهٔ حمد و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ در رکعت دوّم، و بعد از فراغ از ایـن دو رکعت سه تکبیری که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح فاطمه علیها السلام می‌گویی، پس می‌خوانی:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي ضَعيفٌ فَقَوِّ في رِضاكَ ضَعْفي وَ خُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِناصِيَتي وَ اجْعَلِ الْاِيمانَ مُنْتَهىٰ رِضايَ وَ بارِكْ لي فيما قَسَمْتَ لي وَ بَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّـذي اَرْجُو مِنْكَ وَ اجْعَلْ لي وُدّاً وَ سُرُوراً لِلْمُؤْمِنينَ وَ عَهْداً عِنْدَكَ.»[۲]

پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری به همین طریق مگر آنکـه شش تکبیر افتتاح را نمی‌گوئی، و نیز برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به هـمین کـیفیّت بـجا می‌آوری و تسبیح و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی، و دو رکعت دیگر از این نوافل را مابین اذان و اقامه می‌کنی و بعد از اقامهٔ نماز می‌گویی:

دعای بعد از اقامهٔ نماز ظهر

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التّامَّةِ وَ الصَّلٰوةِ الْقائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَلدَّرَجَةَ وَ الْوَسيلَةَ وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضيلَةَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَ بِاللّٰهِ اَسْـتَنْجِحُ وَ بِـمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُـحَمَّدٍ وَ اجْـعَلْني بِـهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ.»[۳]

---

۱. فلاح السائل، ص ۹۶ به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۵۴، ح ۷.

۲. مصباح کفعمی، ص ۱۶.

۳. مصباح کفعمی، ص ۱۴.

پس مشغول شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می‌کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در اینجا ماسوای بِسْمِ اللّٰه آهسته بخوان، و بهتر آنکه بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ اِنّا اَنْزَلْناهُ را و در رکعت دوّم سورهٔ توحید را، و چون دو رکعت از آن را خواندی و از تشهّد فارغ شدی می‌گویی بعد از صلوات تشهّد وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ. پس برخیز و بخوان تسبیحات اربعه را سه مرتبه و اگر اضافه کنی استغفاری قُرْبَةً اِلَی‌اللّٰه نیز خوب است، پس رکوع و سجود را به جا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت، پس برخیز از رکعت سوّم، و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیّت بجا آور، پس تشهّد و سلام بخوان. پس از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که در اوّل تعقیبات بود می‌گویی، پس می‌خوانی لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ اِلٰهاً واحِداً تا آخر دعا که سابق مذکور شد، پس تسبیح زهراء﴿ع﴾ را می‌گویی و می‌خوانی آنچه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می‌خواندی، پس می‌خوانی تعقیبات مختصّهٔ نماز ظهر را و آنها بسیار است و ما بعضی از آنها را در هدیه و مفاتیح ذکر نمودیم و این مختصر گنجایش ذکر ندارد، پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری.

آداب نماز عصر

و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیّا می‌شوی به جهت نماز عصر، پس بجا می‌آوری نافلهٔ آن را و آن نیز هشت رکعت است، و بعد از فراغ از نوافل، نماز عصر بجا می‌آوری به همان آداب که مذکور شد، و سزاوار است آنکه بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ اِذا جٰاءَ یا سورهٔ اَلْهٰیکُمُ التَّکٰاثُرُ یا امثال آن را، و در رکعت دوّم می‌خوانی سورهٔ توحید را و بعد از فراغ از نماز می‌خوانی از تعقیبات مشترکه آنچه را که بخواهی، پس به عمل می‌آوری آنچه را که مختصّ به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سورهٔ اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ است، پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری.

دعای بیرون آمدن از مسجد

و چون خواستی از مسجد بیرون آئی این دعا را می‌خوانی:

«اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنی فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّیْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ فی اَرْضِكَ كَما اَمَرْتَنی فَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطاعَتِكَ وَاجْتِنابَ مَعْصِیَتِكَ وَ الْكَفافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.»[1]

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۴.

فصل سوّم

در اعمالی که متعلّق به مابین غروب آفتاب تا وقت خواب است.

دعاهای وقت غروب

بدان که: آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آن است که تعجیل کنی به رفتن به جانب مسجد، و آنکه در وقت زردی آفتاب بگوئی:

«اَمْسیٰ ظُلْمی مُسْتَجیراً بِعَفْوِكَ وَ اَمْسَتْ ذُنُوبی مُسْتَجیرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَ اَمْسیٰ خَوْفی مُسْتَجیراً بِاَمانِكَ وَ اَمْسیٰ ذُلّی مُسْتَجیراً بِعِزِّكَ وَ اَمْسیٰ فَقْری مُسْتَجیراً بِغِناكَ وَ اَمْسیٰ وَجْهِیَ الْبالی مُسْتَجیراً بِوَجْهِكَ الدّائِمِ الْباقی اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنی عافِیَتَكَ وَ غَشِّنی بِرَحْمَتِكَ وَ جَلِّلْنی كَرامَتَكَ وَقِنی شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ.»[1]

و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به تسبیح کردن و استغفار نمودن، زیرا که فضیلت این وقت مثل فضیلت پیش از طلوع است و حقتعالی فرموده:

«وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ.»

---

۱. فلاح السائل، ص ۲۲۱.

و از حضرت صادق؈ منقول است: چون آفتاب تغییر کرد، یعنی: مُشرف بر غروب شد، پس ذکر کن خدای عزّوجلّ را و اگر با مردمی هستی که تو را مشغول دارند برخیز و دعا کن، یعنی: از نزد آنها برخیز و مشغول دعا شو،[۱] و می‌گویی در وقت غروب:

«یا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِخْتِمْ لی فی یَوْمی هٰذا بِخَیْرٍ وَشَهْری بِخَیْرٍ وَ سَنَتی بِخَیْرٍ وَ عُمْری بِخَیْرٍ.»[۲]

و می‌خوانی تهلیل واستعاذهٔ مأثوره را که در ادعیهٔ صَباح وَ مساء بیاید، پس می‌گذاری دست خود را بر بالای سرت و می‌کشی بر صورت خود و می‌گیری ریش خود را به دست و می‌گویی:

«اَحَطْتُ عَلیٰ نَفْسی وَ اَهْلی وَ مالی وَ وَلَدی مِنْ غائِبٍ وَ شاهِدٍ بِاللّٰهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ اَلرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ می‌خوانی تا اَلْعَلِیُّ الْعَظیمُ.»[۳]

آداب نماز مغرب و نافلهٔ آن

پس مبادرت می کنی به خواندن نماز مغرب، و سزاوار نیست تأخیر افکندن نماز مغرب را از اوّل وقت آن، و در احادیث کثیره تأکید بسیار شده به تأخیر نینداختن آن از اوّل وقتش، و چون خواستی مشغول نماز شوی اذان و اقامه می‌گویی به همان آدابی که در سابق گذشت و نیز در مابین اذان و اقامه می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ لَیْلِكَ وَ اِدْبارِ نَهارِكَ وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ وَ اَصْواتِ دُعاتِكَ وَ تَسْبیحِ مَلآئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ.»[۴]

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۹.
۲. مصباح کفعمی، ص ۳۸.
۳. فلاح السائل، ص ۲۲۲.
۴. مصباح المتهجد، ص ۸۶.

پس برمی‌خیزی و نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می‌آوری و بعد از فراغ از نماز سه تکبیر و تسبیح زهرا؈ را می‌گویی، پس می‌خوانی:

«إِنَّ اللّٰهَ وَ مَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلىٰ ذُرِّيَّتِهِ وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ.»

و هفت مرتبه می‌گویی: **«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِـاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»**

پس سه مرتبه می‌گویی: **«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ مٰا يَشٰاءُ وَ لاٰ يَفْعَلُ مٰـا يَشٰـاءُ غَيْرُهُ.»**

پس می‌گویی: **«سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ إِغْفِرْلِي ذُنُـوبِي جَـمِيعاً فَـإِنَّهُ لاٰ يَـغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهٰا جَمِيعاً إِلاّٰ أَنْتَ.»**

و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر ازاین بخوانی افضل آن است که بعد از نافلهٔ مغرب بخوانی، پس برمی‌خیزی به جهت خواندن نافله و آن چهار رکعت است به دو سلام، و مکروه است تکلّم مابین نماز مغرب و نافلهٔ آن، و می‌خوانی در رکعت اوّل سورهٔ **قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ** و در رکعت دوّم **توحید** و در دو رکعت دیگر هر سوره که خواسته باشی، و سزاوار است که در رکعت سوّم بخوانی اوّل سورهٔ **حدید** تا **عَلِيمٌ بِذٰاتِ الصُّدُورِ** و در رکعت چهارم آخر سورهٔ حشر **لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذٰا الْقُرْآنَ** تا آخر سوره، و اگر به **حمد** تنها بخواهی اکتفا کنی جایز است مثل سایر نوافل، و سزاوار است بلندخواندن قرائت در آن و همچنین در سایر نافله‌های شب. پس چون از نافلهٔ مغرب فارغ شدی مانعی نیست از آنکه بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که خواهی پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری به نحوی که در سابق گذشت، و اقلّ چیزی که در سجدهٔ شکر مجزی است آن است که بگوئی: **شُكْراً شُكْراً شُكْراً**. و شیخ کلینی از حضرت صادق؈ روایت کرده است که فرمود: هر گاه از نماز مغرب فارغ شدی دست بکش برجبین خود و بگو سه مرتبه:

«بِسْمِ اللّٰهِ الَّذي لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ اَلرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّى الْهَمَّ وَ الْحَزَنَ.»[1]

و شایسته است آنکه بخوانی نماز غفیله را و کیفیّت آن در مفاتیح و غیره مذکور است.

آداب نماز عشاء و تعقیب آن

و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گویی از برای نماز عشاء به همان آدابی که در سابق گذشت، پس شروع کن به خواندن فریضهٔ عشاء با آداب و شرایط، و سزاوار است آنکه طول دهی قنوت و تعقیب آن را زیرا که وقت وسعت دارد، پس می‌خوانی در تعقیب دعاء مشترکهٔ بین صبح و شام را، پس از آن می‌خوانی دعاهای مختصّهٔ به شام را و آنها بسیار است، از جملهٔ آنها دعائی است که برای طلب روزی وارد شده و در مفاتیح نقل شده.[2] و مستحب است آنکه بخوانی هفت مرتبه سورهٔ قدر را، پس می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَ ما اَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْاَرَضينَ السَّبْعِ وَ ما اَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّياطينِ وَ ما اَضَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّياحِ وَ ما ذَرَتْ اَللّٰهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ اِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَليكَ كُلِّ شَيْءٍ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُقْتَدِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ اَنْتَ اللّٰهُ الْاَوَّلُ فَلا شَيْءَ قَبْلَكَ وَ اَنْتَ الْاٰخِرُ فَلا شَيْءَ بَعْدَكَ وَ اَنْتَ الظّاهِرُ فَلا شَيْءَ فَوْقَكَ وَ اَنْتَ الْباطِنُ فَلا شَيْءَ دُونَكَ رَبَّ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ اِسْرافيلَ وَ اِلٰهَ اِبْراهيمَ وَ اِسْمٰعيلَ وَ اِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ [وَ الْاَسْباطِ] اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَوَلاّني بِرَحْمَتِكَ وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيَّ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لا طاقَةَ لي بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَحَبَّبُ اِلَيْكَ فَحَبِّبْني وَ فِي النّاسِ فَعَزِّزْني وَ مِنْ شَرِّ الشَّياطينِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْني يا رَبَّ الْعالَمينَ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ.»

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۹، ح ۱۰.

۲. مصباح المتهجد، ص ۹۶.

پس دعا می‌کنی به آنچه دوست می‌داری.[۱] پس سجدهٔ شکر بجا می‌آوری، پس نماز وُتیره را بجا می‌آوری و آن دو رکعت نافلهٔ نشسته است بعد از نماز عشاء، و مستحبّ است آنکه در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن، و خوب است آنکه در رکعت اوّل بعد از حمد خوانده شود سورهٔ **واقعه**، و در دوّم سورهٔ **توحید**[۲]؛ و می‌خوانی بعد از سلام هر دعائی که خواستی.

آداب وقت خواب و دعاهای آن

و چون خواستی بخوابی سزاوار است که مهیّای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمائی و قلب خود را از هُموم دنیا فارغ سازی، و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی‌کس، و وصیّت خود را نوشته در زیرِ وِسادهٔ خود گذاری، و عازم باشی بر آنکه برای نماز شب برخیزی زیرا که: «**فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است.**»[۳] و می‌خوانی در وقت خوابیدن سورهٔ **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** و سُورهٔ **اَلْهٰيكُمُ التَّكٰاثُر** و **آیة الکرسی** را، پس سه دفعه می‌خوانی:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَلاٰ فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَ يُميتُ الْاَحْيٰاءَ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.»[۴]

پس می‌گویی تسبیح حضرت زهرا ؑ را[۵] و می‌خوابی بر طرف راست به هیئتِ

---

۱. همان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. معانی الاخبار، ص ۳۲۴.

۴. مصباح المتهجّد، ص ۱۰۷.

۵. الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مرحوم طبرسی روایت کرده است که اگر کسی تسبیح فاطمه ؑ را پیش از خواب بخواند، از زنان و مردانی به شمار می‌آید که خدا را بسیار یاد می‌کنند. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۳۵۸. و مرحوم کفعمی نقل کرده که روایت شده است که رسولخدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی ؑ فرمود: یا اباالحسن! دیشب چه کردی؟ عرض کرد پیش از آنکه بخوابم هزار رکعت نماز خواندم. فرمود: چطور؟ عرض کرد: شنیدم از شما که فرمودی: اگر کسی هنگامی که می‌خواهد بخوابد سه بار بگوید: «يَفْعَلُ اللّٰهُ مٰا يَشٰاءُ بِقُدْرَتِهِ وَ يَحْكُمُ مٰا يُريدُ بِعِزَّتِهِ» پس همانا هزار رکعت نماز خوانده است. فرمود: راست گفتی. مصباح کفعمی، ص ۴۶ و ۴۷؛ بلدالامین، ص ۳۴.

میّت که در قبر گذاشته می‌شود. امّا خوابیدن به هیئتِ مُحتضر شیخ ما ثقةالأسلام نوری در دارالسّلام فرموده: که نیافتم آن را در هیچ خبر و اثری، بلی غزالی آن را ذکر کرده و شکّ نیست که رشد در خلاف او است انتهی. و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بترسی از غلبهٔ خواب، می‌خوانی آخر سورهٔ کهف را که این آیه است:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحاً وَ لاٰ يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَداً.»

و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که: **هیچ کس نمی‌خواند این آیه را در وقت خوابیدن مگر آنکه بیدار می‌شود آن ساعتی که می‌خواهد بیدار شود در آن ساعت.**[1]

عوذه عقرب

و اگر از عقرب و جانوران دیگر می‌ترسی، بخوان این دعا را که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام ضامن شده سلامتی خوانندهٔ آن را از شرّ عقرب و هوامّ[2] تا وقت صبح، و دعا این است:

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لاٰ يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لاٰ فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.»

عوذهٔ احتلام

و اگر از احتلام می‌ترسی، این دعا را بخوان:

«اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلاٰمِ وَ مِنْ سُوءِ الْأَحْلاٰمِ وَ مِنْ أَنْ يَتَلاٰعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ.»

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۰.

۲. حشرات زهردار و موذی.

دعای حفظ از خرابی

و اگر بترسی از خراب شدن خانه و مکانی که در آنجا می‌خوابی پس می‌خوانی این آیه را:

«اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلاٰ وَ لَئِنْ زٰالَتٰا اِنْ اَمْسَكَهُمٰا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كٰانَ حَلِيماً غَفُوراً.»[1]

دعای حفظ از دزد

و اگر از دزد ترسی آخر سورهٔ بنی‌اسرائیل را بخوان که اوّلش این است: قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰانَ.[2]

آداب سرمه کشیدن

و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل، چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و در وقت سرمه کشیدن می‌خوانی این دعا را:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ في بَصَري وَ الْبَصيرَةَ في ديني وَ الْيَقينَ في قَلْبي وَ الْاِخْلاٰصَ في عَمَلي وَ السَّلاٰمَةَ في نَفْسي وَ السَّعَةَ في رِزْقي وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَداً مٰا اَبْقَيْتَني اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.»[3]

و سزاوار است اینکه ترک کنی خواب بین الطّلوعین و خواب بعد از عصر را، و چون خواستی بخوابی چراغ را خاموش می‌کنی و رو به قبله می‌خوابی و در بامی که اطرافش دیوار نداشته باشد نمی‌خوابی، **و خوابی که دیدی برای هر کس نقل مکن مگر آنکه عالم و ناصح و مهربان باشد.**

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۸ ـ ۱۰.
۲. همان، ج ۴، ص ۳۷۰.
۳. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۱.

فصل چهارم

در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن

فضیلت نماز شب

بدان که: روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن، و روایت شده که آن شرف مؤمن است[1]، و آنکه نماز شب باعث صحت بدن و کفّارهٔ گناهان روز[2] و برطرف کنندهٔ وحشت قبر است[3]، روی را سفید و بوی را پاکیزه و روزی را جلب می‌نماید[4]، و آنکه مال و پسران زینت حیات دنیایند و هشت رکعت نماز در آخر شب با نمازِ وِتر زینت آخرت است و گاهی حقتعالی جمع می‌فرماید این دو زینت را برای بعضی از مردمان[5]، و آنکه دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می‌کنم و روز گرسنگی می‌برم! زیرا که نماز شب ضامن روزیِ روز است.[6] و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرموده بود در وصیّت رسول خدا به علی عَلَیْهِما وَ آلِهِمَا السَّلاٰمُ: یا علی! وصیّت می‌کنم تو را در باب نفس خودت به چند خصلت پس حفظ کن آنها را، بعد از آن فرمود: خداوندا یاری کن او را، و ذکر فرمود جمله‌ای از خصلتها تا اینکه فرمود:

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۳. روضة‌الواعظین، ص ۳۲۰، ط رضی.

۴. ثواب الاعمال، ص ۳۸؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱.

۵. معانی الاخبار، ص ۳۲۴.

۶. محاسن، ص ۵۳.

«عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ الزَّوٰالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ الزَّوٰالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلوٰةِ الزَّوٰالِ.»[1]

و ظاهر این است که حضرت اراده کردند به نماز شب سیزده رکعت را و به نماز زوال هشت رکعتی که نافلهٔ زوال است.

و از اَنَس روایت است که گفت: شنیدم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: **دو رکعت نماز در دل شب بهتر است به سوی من از دنیا و آنچه در دنیا است.**[2] و روایت شده که از امام زین العابدین علیه السلام سؤال کردند: چه شده که کسانی که در شب تهجّد می‌کنند رویشان از همه کس نیکوتر است؟ فرمود: برای آنکه ایشان خلوت می‌کنند با خدا، حقتعالی می‌پوشاند به ایشان از نور خویش.[3]

و بالجمله روایات در این باب بسیار است، و مکروه است ترک برخاستن شب. و شیخ به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: نیست بنده‌ای مگر اینکه بیدار می‌شود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه یا چند مرتبه، پس اگر برخاست که برخاست و اگر نه، می‌گشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول می‌کند در گوش او، آیا نمی‌بیند آن کسی که برنخاسته است از برای نماز شب صبح که برمی‌خیزد، گران و مکدّر و سنگین و کِسل است؟![4] و شیخ برقی به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: از برای شب شیطانی است که او را «رها» [زها] می‌گویند، پس هر گاه بنده‌ای از خواب بیدار شود و اراده کند برخاستن برای نماز شب را، آن شیطان به او گوید حالا وقت برخاستن تو نیست! پس دفعهٔ دیگر که بیدار شود و خواهد برخیزد آن شیطان گوید که وقت برخاستن نشده! یعنی: زود است، پس پیوسته او را از برخاستن زایل کند و حبس کند او را تا فجر طلوع کند و چون فجر طالع شود بول کند در گوش او، آن وقت بگذرد از او در حالی که دُم خود را می‌جنباند از

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۲ به نقل از بحار، ج ۷۸، ص ۱۴۲، ح ۵۴.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۴.

۴. محاسن، ص ۸۶ به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۱۶۹، ح ۲.

ناز و به خود می‌بالد.[1] و «ابن ابی جُمهور» از رسول خداﷺ نقل کرده که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود: أحدی از شما هر گاه خوابید شیطان گره می‌زند بر پس سر او سه گره بزند مکان هر گرهی عَلَیْكَ لَیْلٌ طَوِیلٌ فَارْقُدْ، یعنی : شب دراز است بخواب، پس هر گاه بیدار شد و ذکر خدا کرد یک گره گشوده شود، و اگر وضو گرفت یک گره دیگر گشوده گردد و اگر نماز خواند یک گره دیگر گشوده گردد، پس داخل صبح شود به حال نشاط پاکیزه نفس وَ إلاّ صبح کند خبیث النّفس کَسْلان[= بی حوصله و کِسِل].[2] و این روایت در کتب اهل سنّت نیز مذکور است.

و «قطب راوندی» روایت کرده از امیرالمؤمنینؑ که فرمود: طمع مکن در سه چیز با سه چیز: طمع مکن در بیداریِ شب با پُر خوردن، و در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب، و در امان از دنیا با صحبتِ فُسّاق.[3] و نیز «قطب راوندی» روایت کرده که حضرت عیسیؑ صدا زد مادر خود مریمؑ را بعد از مردنش و گفت: ای مادر! با من تکلّم کن؛ آیا می‌خواهی به دنیا برگردی؟ گفت : **بلی برای آنکه نماز گزارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم، ای پسر جان من! این راه بیمناک است.**[4]

و امّا کیفیّت نماز شب:

به نحو آسان و مختصر که همه کس بتواند بجا آورد إنْشاءَاللّه تَعالیٰ آن است که : چون از خواب برخاست سجده کند برای خداوند تعالی، و نیکو است در این حال یا در حال برداشتن سر از سجده بگوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحْیانِي بَعْدَ ما اَماتَنِي وَ اِلَیْهِ النُّشُورُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِاَحْمَدَهُ وَ اَعْبُدَهُ.»

---

۱. محاسن، ص ۸۶، ب ۱۰.
۲. درر اللآلی، به نقل از مستدرک، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۶۹۵۶.
۳. لُبّ اللباب، به نقل از مستدرک، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۶۹۵۵.
۴. همان، ص ۳۲۸، ح ۶۹۴۸.

و چون برخاست و ایستاد بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ وَ ارْزُقْني خَيْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ.»

و چون صدای خروس شنید بگوید:

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرْلي اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ فَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.»

و چون نگاه کند به اطراف آسمان بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا يُواري مِنْكَ لَيْلٌ ساجٍ وَ لا سَماءٌ ذاتُ اَبْراجٍ وَ لا اَرْضٌ ذاتُ مِهادٍ وَ لا ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ وَ لا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلىٰ مَنْ تَشاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ غارَتِ النُّجُومُ وَ نامَتِ الْعُيُونُ وَ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَ اِلٰهِ الْمُرْسَلينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ.»

پس بخواند پنج آیهٔ آل عمران:

«اِنَّ في خَلْقِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَاٰياتٍ لِاُولِى الْاَلْبابِ * اَلَّذينَ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ في خَلْقِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هٰذا باطِلاً سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النّارِ * رَبَّنا اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَ ما لِلظّالِمينَ مِنْ اَنْصارٍ * رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادي لِلْاِيمانِ اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ * رَبَّنا وَ اٰتِنا ما وَعَدْتَنا عَلىٰ رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.»[1]

---

۱. مصباح المتهجّد ص ۱۰۹ ـ ۱۱۱.

پس هر گاه خواست که متوجّه شود به سوی عبادت و او را حاجت به تخلّی بوده باشد ابتدا کند به آن، و چون بیرون آید از خلا ابتدا کند به مسواک، بعد از آن وضو بسازد وضوء کامل و خود را خوشبو سازد، پس برخیزد به نماز شب و اوّل وقت آن از نصف شب است و هر چه نزدیکتر شود به طلوع صبح صادق افضل است، و اگر طلوع کند صبح و چهار رکعت آن را به جا آورده باشد بقیّه را بخواند به حمد تنها بی‌سوره، پس چون برخاست برای نماز شب شروع می‌کند به هشت رکعت نماز شب و بعد از هر دو رکعت سلام می‌دهد، و خوب است که در دو رکعت اوّل بعد از حمد شصت مرتبه توحید بخواند در هر رکعتی سی‌مرتبه، تا منصرف شود از نماز و نبوده باشد میان او و خدای عزّوجلّ گناهی، و یا آنکه در رکعت اوّل آن توحید و در رکعت دوّم قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ بخواند، در شش رکعت دیگر حمد و هر سوره که خواهد بخواند و کافی است حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ در هر رکعتی و جایز است اکتفا به حمد تنها، و چنانکه سنّت است قنوت در نمازهای واجبی، سنّت است نیز در هر رکعت دوّمی از نوافل، و کافی است سه سُبْحَانَ اللّٰهِ گفتن، و یا آنکه گفته شود:

«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.»

و یا آنکه بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ.»

و روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام چون شب در محراب عبادت می‌ایستاد می‌خواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيّاً... ـ و این دعاء پنجاهم صحیفهٔ کامله است ـ و چون فارغ شود از هشت رکعت نماز شب پس بجا بیاورد دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر، و می‌خواند در این سه رکعت بعد از حمد، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ تا به منزلهٔ آن باشد که یک ختم قرآن کرده باشد زیرا که سورهٔ توحید ثلث قرآن است، و یا آنکه بخواند در نماز شفع در رکعت اوّل حمد و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در رکعت دوّم حمد و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ. و چون ازنماز شفع فارغ شد مستحبّ است آنکه بخواند: «اِلٰهِي

تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ...» ـ و این دعائی است که در اعمال شب نیمهٔ شعبان در مفاتیح الجنان مذکور شد ـ و چون از دو رکعت «شفع» فارغ شد برمی‌خیزد به جهت یک رکعت «وَتر» و می‌خواند در آن حمد و سورهٔ توحید و یا آنکه می‌خواند بعد از حمد، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ سه مرتبه، و معوذتین، یعنی: قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، پس دست برمی‌دارد و برای قنوت و دعا می‌خواند آنچه بخواهد. شیخ طوسی فرموده که دعاهائی که در این محلّ خوانده می‌شود از بسیاری إحصا نمی‌شود و لکن چیز موقّتی نیست که خلاف آن جایز نباشد.[1]

و مستحبّ است که انسان در قنوت آن گریه کند از خوف خدا و ترس از عقاب خدا، یا تباکی کند و دعا کند برای برادران مؤمن، و مستحبّ است که ذکر شود چهل نفر، پس به درستی که کسی که دعا کند برای چهل مؤمن دعایش مستجاب می‌شود إنشاءاللّٰهُ تعالیٰ، و دعا کند به آنچه خواسته باشد، و شیخ صدوق در «فقیه» فرموده: که حضرت رسالتﷺ در قنوت «وتر» می‌خواند:

«اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ فَإِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ إِلَيْكَ وَ اُؤْمِنُ بِكَ وَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمُ.»[2]

و سزاوار است آنکه هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ. و سزاوار است که دست چپ را به دعا بلند کرده باشد و استغفار را به دست راست بشمارد، و روایت شده که حضرت رسولﷺ استغفار می‌کرد در نماز «وتر» هفتاد مرتبه، و هفت مرتبه می‌گفت: هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ و نیز روایت شده که حضرت امام زین‌العابدینؑ در سحر در نماز وتر سیصد مرتبه می‌گفت: اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ. و بگوید بعد از این: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. و سزاوار

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۳۳.

۲. الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۱۴۰۲.

است آنکه طول دهد قنوت را و چون فارغ شد از قنوت به رکوع رود و چون سر از رکوع برداشت بخواند این دعا را که شیخ در «تهذیب» از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده:

«هٰذا مَقامُ مَنْ حَسَناتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعيفٌ وَ ذَنْبُهُ عَظيمٌ وَ لَيْسَ لِذٰلِكَ إِلاّٰ رِفْقُكَ وَ رَحْمَتُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كانُوا قَليلاً مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ طالَ هُجُوعي وَ قَلَّ قِيامي وَ هٰذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبي اِسْتِغْفارَ مَنْ لا يَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَ لا نَفْعاً وَ لا مَوْتاً وَ لا حَيٰوةً وَ لا نُشُوراً.»

پس به سجده رود و نماز را تمام کند، و بعد از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بخواند، پس گوید: «اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ اَلْحَمْدُ لِفالِقِ الْإِصْباحِ» و بگوید: «سُبْحانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ» سه مرتبه، پس بگوید:

«يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا بَرُّ يا رَحيمُ يا غَنِيُّ يا كَريمُ ارْزُقْني مِنَ التِّجارَةِ أَعْظَمَها فَضْلاً وَ أَوْسَعَها رِزْقاً وَ خَيْرَها لي عاقِبَةً فَإِنَّهُ لا خَيْرَ فيما لا عاقِبَةَ لَهُ.»

و شایسته است که بخواند بعد از این دعای حزین را: أُناجيكَ يا مَوْجُودُ في كُلِّ مَكانٍ الخ. پس به سجده رود و بگوید پنج مرتبه: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ. پس بنشیند و بخواند آیة الکرسی را، دگر باره به سجده رود و ذکر سابق را پنج مرتبه بخواند.

نافلهٔ صبح

پس برخیزد به جهت نافلهٔ صبح و آن دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از حمد، سورهٔ قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ و در رکعت دوّم بعد از حمد سورهٔ توحید بخواند، و چون سلام داد بخوابد بر پهلوی راست رو به قبله به هیئت میّت در لَحد، و بگذارد گونهٔ راست خود را بر روی دست راست و بگوید:

«اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ الْوُثْقَى الَّتي لَا انْفِصامَ لَها وَ اعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللّٰهِ

الْمَتِينِ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ.»

پس سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّ الصَّبَاحِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ.» و بخواند پنج آیهٔ آل عمران: «اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ...» پس برخیزد و بنشیند و تسبیح حضرت زهرا ﷺ بگوید. و در کتاب «من لایحضره الفقیه» است که: «روایت شده هر که صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد صد مرتبه مابین دو رکعت نافلهٔ صبح و نماز صبح، نگاه دارد حقتعالی روی او را از حرارت آتش، و کسی که بگوید صد مرتبه: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ بنا کند حقتعالی از برای او خانه‌ای در بهشت، و کسی که بخواند بیست و یک مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بنا کند حقتعالی برای او خانه‌ای در بهشت، و اگر بخواند آن را چهل مرتبه بیامرزد حقتعالی او را.»[1] و سزاوار است آنکه خوانده شود بعد از فراغ از نماز شب دعای سی و دوّم صحیفهٔ کامله: اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَاَبِّدِ بِالْخُلُودِ[2]...؛ پس سجدهٔ شکر کند و سزاوار است که دعا کند در آن از برای برادران مؤمن خود و بخواند دعای «اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ»[3] راکه در ادعیهٔ سجده شکر گذشت.

رجاء واثق از برادران دینی که از برای این گنه‌کار رو سیاه نیز دعا کنند که بسیار محتاجم به دعا. وَاللّٰهُ الْمُوَفِّقُ.

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۱۴۲۵.
۲. مصباح المتهجّد، ص ۱۶۵ ـ ۱۷۰.
۳. همان، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

فصل پنجم

در ذکر بعض اذکار و دعاها که در صباح و مساء باید خواند.

بدان اَیَّدَکَ اللّه که: تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار شده است، لهذا در این دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از رسول خدا و ائمهٔ اطهار صَلَواتُ اللّه عَلَیْهِم اَجْمَعِین مأثور گردیده، و ما در این رساله به ذکر مختصری از اینها تبرّک می‌جوئیم:

۱ ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است: هر که پیش از طلوع آفتاب قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ و اِنّا اَنْزَلْناهُ و آیةالکرسی هر کدام را یازده مرتبه بخواند، خدا منع کند مال او را از آنچه ترسد. و فرمود: هر که قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ و اِنّا اَنْزَلْناهُ پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی به او نرسد هر چند شیطان جهد کند.[1]

۲ کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: فریضه و واجب است بر هر مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا بخواند:

---

۱. خصال صدوق، ج ۲، ص ۱۶۲ به نقل از بحار، ج ۸۶ ص ۲۳۹.

«لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و در بعضی از روایات چنین وارد است که «يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي»[۱] و در چند روایت «وَ هُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ» نیست. و در بعضی هست، و ظاهراً همه خوب است و اگر همه قسم را بگوید بهتر است، و در بعضی از روایات وارد شده است که اگر ترک شود قضا کنید که لازم است، و در بعضی از روایات کفّارهٔ گناهان او است در آن روز.[۲]

۳ ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام زین‌العابدین و حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که: «هر که در شام صد مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید، چنان است که صد بنده آزاد کرده باشد.»[۳] و به سند صحیح دیگر از امام محمّد باقر علیه السلام منقول است: «هر که صد مرتبه پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب آفتاب اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید، خداوند کریم برای او مثل ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسد، و هر که ده مرتبه سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، بگوید خدا ده حسنه برای او بنویسد، و هر که زیاده بگوید زیاده برای او نوشته شود.»[۴]

۴ ایضاً ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «که در بهشت غرفهٔ چند هست که ظاهر آنها از اندرون آنها و اندرون آنها از بیرون آنها نمایان است، و از امّت من کسی در آنها ساکن می‌شود که سخن نیک گوید و طعام به مردم بخوراند و به هر که رسد سلام کند و در شب نماز کند در هنگامی که مردم در خواب باشند؛ پس فرمود: کلام نیک آن است که در صبح و شام ده مرتبه بگوید: «سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ.»[۵]

---

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۵.
۲. کافی، ج ۲؛ خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۵۲.
۳. امالی صدوق، ص ۱۰۹، مجلس ۱۳، ح ۲.
۴. محاسن، ص ۳۶.
۵. معانی الاخبار، ص ۲۵۰.

و در «محاسن برقی» به سند صحیح منقول است از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی گذشت که باغی را برای خود غرس می‌کرد، ایستاد و فرمود: می‌خواهی تو را دلالت کنم بر باغی که اصلش از این باغ ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر و نیکوتر و باقی‌تر باشد؟ گفت: بلی یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: در صبح و شام بگو: «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ» به عدد هر تسبیحی در بهشت درختها برای تو غرس می‌نمایند از انواع میوه‌ها، و اینها است **باقیات صالحات** که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی‌ترند از مال دنیا.[1]

۵ ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است: هر که نزدیک به شام یا بعد از شام سه مرتبه این آیه را بخواند، در آن شب خیری از او فوت نشود و جمیع شرور از او دور گردد، و همچنین است هر گاه در هنگام صبح بگوید و آیه این است:

«فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيّاً وَ حِينَ تُظْهِرُونَ.»[2]

۶ برقی در «محاسن» به سند موثّق از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است: «هر که در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» نترسد از شیطان و نه از پادشاهی و نه از خوره و نه از پیسی، و حضرت فرمود: من صد مرتبه می‌گویم.»[3] و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه نیز گذشت.

۷ به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است: مردی از انصار چند روز به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نرسید! و حضرت از او پرسید که به چه سبب در این چند روز از ما غایب بودی؟! گفت: به سبب تنگدستی و طول بیماری. فرمود: می‌خواهی تو

---

۱ ـ محاسن، ص ۳۷.
۲ ـ امالی صدوق، ص ۶۷۴، مجلس ۸۵، ح ۱۴.
۳ ـ محاسن، ص ۴۱.

را دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و بیماری از تو زایل گردد؟ گفت: بلی یا رسول اللّه! فرمود: در صبح و شام این دعا را بخوان:

«لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰه تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لاٰ يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شريكٌ فِى الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»[1]

۸ در روایات معتبرهٔ بسیار از حضرت صادق منقول است: پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو:

«اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنْ هَمَزٰاتِ الشَّياطينِ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ اَنْ يَحْضُرُونِ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.»

و دربعضی از روایات چنین‌است: «وَ اَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ»، و در بعضی روایات: «اَسْتَعيذُ بِاللّٰهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجيمِ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ اَنْ يَحْضُرُونِ» تا آخر.[2]

۹ در فلاح السّائل از حضرت صادق روایت کرده است: چه مانع است شما را که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:

«اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصٰارِ ثَبِّتْ قَلْبي عَلىٰ دينِكَ وَ لاٰ تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّٰابُ وَ اَجِرْني مِنَ النّٰارِ بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ امْدُدْلي في عُمْري وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ في رِزْقي وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ في اُمِّ الْكِتٰابِ شَقِيّاً فَاجْعَلْني سَعيداً فَاِنَّكَ تَمْحُو مٰا تَشٰاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتٰابِ.»[3]

۱۰ شیخ طوسی و سیّد بن طاووس از حضرت رسول روایت کرده‌اند که: هر که

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۳.
۳. فلاح السائل، ص ۲۲۲.

در صبح و شام یک مرتبه بگوید : «سُبْحانَ‌اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظیمِ»، حقتعالی ملکی بفرستد به سوی بهشت با بیلی از نقره که برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کند و دیواری بر دور آنها بکشد، و دَری بر آن نصب کند و بر آن در بنویسد که این بستان فلان پسر فلان است.[۱] و سیّد به روایت معتبر دیگر از حضرت صادقﷺ روایت کرده است: هر که این تسبیح را بگوید در غیر مقام تعجّب، حقتعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید، و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کند، و برای او از این کلمه مرغ سفیدی خلق کند که تا روز قیامت این تسبیح را گوید و ثوابش برای او نوشته شود.[۲]

۱۱ قطب راوندی از حضرت امیرالمؤمنینﷺ روایت کرده است که حضرت رسولﷺ فرمود: هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند می‌ترسم که نعمت خدا از او زایل گردد:

«اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي عَرَّفَني نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْني عَمْيانَ الْقَلْبِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَني مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ رِزْقي في يَدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقي في اَيْدِي النّاسِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي سَتَرَ ذُنُوبي وَ عُيُوبي وَ لَمْ يَفْضَحْني بَيْنَ الْخَلائِقِ.»[۳]

یعنی : سپاس خداوندی را سزاست که خود را به من شناسانید و مرا کوردل نگذاشت. سپاس خداوندی را رواست که مرا از امّت محمّدﷺ گردانید. حمد می‌کنم خداوندی را که روزی مرا خود متکفّل شد و به دست مردم نگذاشت. ستایش می‌کنم خداوندی را که گناهان مرا پوشانید و مرا میان خلایق رسوا نگردانید.

۱۲ در بلدالأمین از سلمان فارسی روایت کرده است: هر بنده که داخل صبح شود

---

۱. فلاح السائل، ص ۲۲۳.
۲. همان، ص ۲۲۴.
۳. دعوات راوندی مخطوط؛ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۸۲.

بگوید سه مرتبه: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً مُبٰارَكاً فِيهِ» حقتعالی هفتاد نوع بلا از او رفع کند که کمتر آنها اندوه باشد.[1]

۱۳ شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر﷣ روایت کرده است که چون صبح کنی بگو:

«اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً عَلىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ الْاَوْصِيٰاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلاٰنِيَتِهِمْ وَ شٰاهِدِهِمْ وَ غٰائِبِهِمْ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِمّٰا اسْتَعٰاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وَ عَلِيٌّ﷣ و الْاَوْصِيٰاءُ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ وَ اَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ فِيمٰا رَغِبُوا اِلَيْهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ.»[2]

۱۴ شیخ کلینی از حضرت امام محمّد باقر﷣ فضیلت بسیار نقل کرده برای خواندن این دعا بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب:

«اَللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيراً وَ سُبْحٰانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَ اَصِيلاً وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ كَثِيراً لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.»[3]

دعا برای ایمنی از بلاها

۱۵ در بلدالأمین از حضرت صادق﷣ روایت کرده است: هر که در صبح سه مرتبه این دعا بخواند تا شام به او بلائی نرسد، و اگر در شام بگوید تا صبح به او بلائی نرسد:

«بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لاٰ يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»[4]

---

۱. بلدالامین به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۸۳، ص ۴۶. ۲. کافی، ج ۲، ص ۵۲۲.
۳. کافی، ج ۲، ص ۵۲۶. ۴. به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۹۸.

دعای حضرت نوح علیه السلام

۱۶ کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای موثّق و معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند: حقتعالی حضرت نوح علیه السلام را بندهٔ بسیار شکرکننده نامید برای اینکه هر صبح و شام این دعا را می‌خواند:

«اَللّٰهُمَّ إِنِّي اُشْهِدُكَ اَنَّهُ مٰا اَمْسىٰ وَ اَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عٰافِيَةٍ فِي دِينٍ اَوْ دُنْيٰا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهٰا عَلَيَّ حَتّىٰ تَرْضىٰ اِلٰهَنٰا.»[1]

و در بعضی روایات است: «اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ مٰا اَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عٰافِيَةٍ فِي دِينٍ اَوْ دُنْيٰا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهٰا عَلَيَّ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَ بَعْدَ الرِّضٰا» ده مرتبه می‌خواند[2] و هر دو خوب است.

دعا برای ایمنی از شرّ درندگان و گزندگان و...

۱۷ کلینی و برقی به سندهای معتبر از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده‌اند که: چون نزدیک شود به غروب آفتاب این دعا بخوان تا ایمن گردی از شرّ هر درنده و از شرّ شیطان لعین و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب زهری و از دزدان و غولان:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَصِفُ وَ لاٰ يُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَ لاٰ يُعْلَمُ يَعْلَمُ خٰائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مٰا تُخْفِي الصُّدُورُ، اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مٰا ذَرَءَ وَ بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ مٰا تَحْتَ الثَّرىٰ وَ مِنْ شَرِّ مٰا ظَهَرَ وَ مٰا بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ مٰا كٰانَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ وَ مِنْ شَرِّ اَبِي قِتْرَةَ [مُرَّةَ خ] وَ مٰا وَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ وَ مِنْ شَرِّ مٰا وَصَفْتُ وَ مٰا لَمْ اَصِفْ وَ [فَا] اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ.»[3]

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۲۵ با اندک تفاوت.
۲. تفسیر عیّاشی، ج ۲، ص ۲۸۰.
۳. کافی، ج ۲، ص ۵۳۲.

۱۸ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر؈ روایت کرده است: هر که در صبح این دعا را بخواند در آن روز هیچ چیز به او ضرر نرساند و هر که در شام بخواند در آن شب چیزی او را ضرر نرساند إنشاءاللّهُ تَعالیٰ:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَصْبَحْتُ في ذِمَّتِكَ وَ جِوارِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْتَوْدِعُكَ ديني وَ نَفْسي وَ دُنْيايَ وَ آخِرَتي وَ اَهْلي وَ مالي وَ اَعُوذُ بِكَ يا عَظيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَميعاً وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما يُبْلِسُ بِهِ اِبْليسُ وَ جُنُودُهُ.»[1]

۱۹ ایضاً کلینی به سند کالصّحیح روایت کرده است: مردی به خدمت حضرت صادق؈ عرض کرد که مرا دعائی تعلیم فرما که هر صبح و شام بخوانم. حضرت فرمود: این دعا را بخوان:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَ لا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما هُوَ اَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْني في كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَخْرِجْني مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»[2]

دعا برای محفوظ بودن از بلاها

۲۰ در بلدالأمین از رسول خدا؇ روایت کرده است: هر که در صبح هفت مرتبه بخواند این دعا را، در آن روز از بلاها محفوظ باشد:

«فَاللّٰهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحينَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.»[3]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۸.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۹.
۳. بحار، ج ۸۶، ص ۲۹۸، ح ۵۹.

صلواتی که فضیلت بسیار برای آن نقل شده

۲۱ در بعضی از کتب معتبره روایت شده است: هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند، گناهانش آمرزیده شود و شادی او همیشه باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش فراخ شود و بر دشمن یاری یابد و در بهشت از رفیقان محمّد ﷺ باشد. این است صلوات:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاءِ الْأَعْلیٰ وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ، اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رُؤْيَتَهُ وَ ارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ، وَ تَوَفَّنِي عَلیٰ مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَأَرِنِي فِي الْجِنَانِ وَجْهَهُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَاماً.»[۱]

مؤلف گوید: این صلوات همان صلواتی است که کفعمی از حضرت صادق ﷺ نقل کرده که: هر که بخواهد مسرور کند محمّد و آل محمّد ﷺ را در صلوات بر ایشان، آن را بخواند.[۲] و ما در مفاتیح در اعمال روز عرفه آن را ذکر نمودیم.

و بدان که: دعاهای وارده در صبح و شام بسیار است و این مختصر راگنجایش بیش از این نیست. و بیاید در باب چهارم ذکر ده دعا از کافی که در وقت صبح و شام خوانده می‌شود؛ و اگر وقت داشتی بخوان دعای «عشرات» و دعای معروف به «یستشیر» و دعای «نور» و دعای «عهد» اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ را ؛ و این دعاها را در مفاتیح ما ذکر نمودیم، و در آداب تربت نیز ذکر نمودیم دعای أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ را که تسبیح تربت بر دست گرفته و آن دعا را در صباح و مساء برای ایمنی از هر خوف بخوانند.[۳]

---

۱. جامع الاخبار، ص ۷۲ به نقل از بحار، ج ۸۶، ص ۲۶۶. مصباح کفعمی، ص ۳۲۲، ف ۳۸ باندک تفاوت.

۳. فلاح السائل، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

فصل ششم

در دعاهائی که در ساعات روز باید خواند
و دعاهای هر روز که خصوصیّتی به ساعتی ندارد.

بدان که: «شیخ طوسی» و «سیّد ابن باقی» و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت منقسم ساخته‌اند و هر ساعتی را به امامی از ائمّهٔ اثنی‌عشر صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِم اَجْمَعِین نسبت داده‌اند، و برای هر ساعتی دعائی که مشتمل بر توسّل به آن امام عالی‌مقام است ذکر کرده‌اند، و اگرچه روایتش را به خصوص ایراد نکرده‌اند امّا معلوم است که چنین امری را بدون روایت ذکر نمی‌کنند؛ و ما در این رساله اکتفا می‌کنیم به آنچه در «مصباح المتهجّد» است فرموده:

ساعت اوّل از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، دعاء آن این است:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَهٰاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ الْكِبْرِيٰاءِ وَ السُّلْطٰانِ اَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ وَ مَنَنْتَ عَلىٰ عِبٰادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ تَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَرُوتِكَ وَ عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ لِلدّينِ وَ الْعٰالِمِ بِالْحُكْمِ وَ مَجٰارِي التُّقىٰ اِمٰامِ الْمُتَّقينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْاَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوٰائِجي اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَ كَذٰا.»

ساعت دوّم از طلوع شمس است تا ذهاب حُمره و منسوب است به حضرت امام حسن مجتبی‌ؑ:

«اَللّٰهُمَّ لَبِسْتَ بَهٰآئَكَ فِي اَعْظَمِ قُدْرَتِكَ وَصَفٰا نُورُكَ فِي اَنْوَرِ ضَوْئِكَ وَفٰاضَ عِلْمُكَ حِجٰابَكَ وَ خَلَّصْتَ فِيهِ اَهْلَ الثِّقَةِ بِكَ عِنْدَ جُودِكَ فَتَعٰالَيْتَ فِي كِبْرِيٰآئِكَ عُلُوّاً اعظَمْتَ فِيهِ مِنَّتَكَ عَلىٰ اَهْلِ طٰاعَتِكَ فَبٰاهَيْتَ بِهِمْ اَهْلَ سَمٰوٰاتِكَ بِمِنَّتِكَ عَلَيْهِمْ، اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْكَ اَسْئَلُكَ وَ بِهِ اَسْتَغيثُ اِلَيْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوٰآئِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَ كَذٰا.»[۱]

ساعت سوّم از ذهاب شعاع است تا ارتفاع نهار و منسوب است به حضرت امام حسین‌ؑ:

«يٰا مَنْ تَجَبَّرَ فَلاٰ عَيْنٌ تَرٰاهُ يٰا مَنْ تَعَظَّمَ فَلاٰ تَخْطِرُ الْقُلُوبُ بِكُنْهِهِ يٰا حَسَنَ الْمَنِّ يٰا حَسَنَ التَّجٰاوُزِ يٰا حَسَنَ الْعَفْوِ يٰا جَوٰادُ يٰا كَرِيمُ يٰا مَنْ لاٰ يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يٰا مَنْ مَنَّ عَلىٰ خَلْقِهِ بِاَوْلِيٰآئِهِ اِذِ ارْتَضٰيهُمْ لِدينِهِ وَ اَدَّبَ بِهِمْ عِبٰادَهُ وَ جَعَلَهُمْ حُجَجاً مَنّاً مِنْهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ؑ السِّبْطِ التّٰابِعِ لِمَرْضٰاتِكَ وَ النّٰاصِحِ فِي دينِكَ وَ الدَّليلِ عَلىٰ ذٰاتِكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّهِ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوٰآئِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَ كَذٰا.»

ساعت چهارم منسوب است به علیّ بن الحسین‌ؑ، و آن از ارتفاع نهار است تا زوال شمس:

«اَللّٰهُمَّ صَفٰا نُورُكَ فِي اَتَمِّ عَظَمَتِكَ وَ عَلاٰ ضِيٰآؤُكَ فِي اَبْهىٰ ضَوْئِكَ اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ الَّذي نَوَّرْتَ بِهِ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرَضينَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبٰابِرَةَ وَ اَحْيَيْتَ بِهِ

---

۱. به جای «کذا و کذا» حاجت خود را بگوید.

الْاَمْواتَ وَ اَمَتَّ بِهِ الْاَحْياءَ وَ جَمَعْتَ بِهِ الْمُتَفَرِّقَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ وَ اَتْمَمْتَ بِهِ الْكَلِماتِ وَ اَقَمْتَ بِهِ السَّمٰواتِ، اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام الذّابِّ عَنْ دينِكَ وَ الْمُجاهِدِ في سَبيلِكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا.»

ساعت پنجم منسوب است به امام محمّد باقر علیه السلام، و آن از زوال شمس است تا مقدار چهار رکعت از آن:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ الضِّياءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ النُّورِ وَ الْكِبْرِياءِ وَ السُّلْطانِ تَجَبَّرْتَ بِعَظَمَةِ بَهائِكَ وَ مَنَنْتَ عَلىٰ عِبادِكَ بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلىٰ مَوْجُودِ رِضاكَ وَ جَعَلْتَ لَهُمْ دَليلاً يَدُلُّهُمْ عَلىٰ مَحَبَّتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ مَحابَّكَ وَ يَدُلُّهُمْ عَلىٰ مَشِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَيْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا.»

ساعت ششم منسوب است به‌حضرت امام‌جعفرصادق علیه السلام، و آن از مقدار چهار رکعت از زوال گذشته است تا نماز ظهر:

«يا مَنْ لَطُفَ عَنْ اِدْراكِ الْاَوْهامِ يا مَنْ كَبُرَ عَنْ مَوْجُودِ الْبَصَرِ يا مَنْ تَعالىٰ عَنِ الصِّفاتِ كُلِّها يا مَنْ جَلَّ عَنْ مَعانِي اللُّطْفِ وَ لَطُفَ عَنْ مَعانِي الْجَلالِ، اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ ضِياءِ كِبْرِيائِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ عَظَمَتِكَ الْعافِيَةَ مِنْ نارِكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا.»

ساعت هفتم منسوب است به موسی ابن جعفر علیه السلام، و آن از نماز ظهر است تا مقدار چهار رکعت قبل از عصر:

«یا مَنْ تَکَبَّرَ عَنِ الْاَوْهامِ صُورَتُهُ یا مَنْ تَعالیٰ عَنِ الصِّفاتِ نُورُهُ یا مَنْ قَرُبَ عِنْدَ دُعاءِ خَلْقِهِ یا مَنْ دَعاهُ الْمُضْطَرُّونَ وَ لَجَاَ اِلَیْهِ الْخائِفُونَ وَ سَاَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ عَبَدَهُ الشّاکِرُونَ وَ حَمِدَهُ الْمُخْلِصُونَ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ نُورِکَ الْمُضیءِ وَ بِحَقِّ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیْکَ وَ اَتَقَرَّبُ بِهِ اِلَیْکَ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي کَذا وَ کَذا.»

ساعت هشتم منسوب است به علی بن موسی الرّضا، و آن از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر است تا نماز عصر:

«یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ یا خَیْرَ مَنْ اَعْطیٰ یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ یا مَنْ اَضاءَ بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهارِ وَ اَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّیْلِ وَ سالَ بِاسْمِهِ وابِلُ السَّیْلِ وَ رَزَقَ اَوْلِیاءَهُ کُلَّ خَیْرٍ یا مَنْ عَلاَ السَّمٰواتِ نُورُهُ وَ الْاَرْضَ ضَوْئُهُ وَ الشَّرْقَ وَ الْغَرْبَ رَحْمَتُهُ یا واسِعَ الْجُودِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجي، اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي کَذا وَ کَذا.»

ساعت نهم منسوب است به حضرت امام محمد تقی، و آن از نماز عصر است تا دو ساعت بعد، می‌گویی:

«یا مَنْ دَعاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَاَجابَهُمْ وَ الْتَجَاَ اِلَیْهِ الْخائِفُونَ فَآمَنَهُمْ وَ عَبَدَهُ الطّائِعُونَ فَشَکَرَهُمْ وَ شَکَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَباهُمْ وَ اَطاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَئَلُوهُ فَاَعْطاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ، فَلَمْ یُخْلِ شُکْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ امْتَنَّ عَلَیْهِمْ فَلَمْ یَجْعَلِ اسْمَهُ مَنْسِیّاً عِنْدَهُمْ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتِکَ الْبالِغَةِ وَ نِعْمَتِکَ السّابِغَةِ وَ مَحَجَّتِکَ الْواضِحَةِ، وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجي اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي کَذا وَ کَذا.»

ساعت دهم منسوب است به امام علیّ نقی علیه السلام، و آن از دو ساعت بعد از نماز عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب:

«یا مَنْ عَلا فَعَظُمَ یا مَنْ تَسَلَّطَ فَتَجَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ فَتَسَلَّطَ یا مَنْ عَزَّ فَاسْتَکْبَرَ فی عِزِّهِ یا مَنْ مَدَّ الظِّلَّ عَلیٰ خَلْقِهِ یا مَنِ امْتَنَّ بِالْمَعْرُوفِ عَلیٰ عِبادِهِ یا عَزیزُ ذَا انْتِقامٍ یا مُنْتَقِماً بِعِزَّتِهِ مِنْ اَهْلِ الشِّرْکِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.»

ساعت یازدهم منسوب است به امام حسن عسکری علیه السلام، و آن پیش از زرد شدن آفتاب است تا زرد شدن آن:

«یا اَوَّلُ بِلا اَوَّلِیَّةٍ وَ یا آخِرًا بِلا آخِرِیَّةٍ وَ یا قَیُّومًا بِلا مُنْتَهیٰ لِقِدَمِهِ یا عَزیزاً بِلا انْقِطاعٍ لِعِزَّتِهِ یا مُتَسَلِّطًا بِلا ضَعْفٍ مِنْ سُلْطانِهِ یا کَریماً بِدَوامِ نِعْمَتِهِ یا جَبّارًا وَ مُعِزًّا لِاَوْلِیائِهِ یا خَبیرًا بِعِلْمِهِ یا عَلیمًا بِقُدْرَتِهِ یا قَدیرًا بِذاتِهِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.»

ساعت دوازدهم منسوب است به امام عصر علیه السلام و آن از زرد شدن شمس است تا غروب آن:

«یا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ یا مَنْ غَنِیَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ یا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ یا مَنْ سَلَکَ بِاَهْلِ طاعَتِهِ مَرْضاتَهُ یا مَنْ اَعانَ اَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلیٰ شُکْرِهِمْ یا مَنْ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِدینِهِ وَ لَطُفَ لَهُمْ بِنائِلِهِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْخَلَفِ الصّالِحِ علیه السلام عَلَیْکَ وَ اَتَضَرَّعُ اِلَیْکَ بِهِ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اُولِی الْاَمْرِ الَّذینَ اَمَرْتَ بِطاعَتِهِمْ وَ اُولِی الْاَرْحامِ الَّذینَ اَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ، وَ ذَوِی

اَلْقُرْبَى الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ اَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ وَ اَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.»[1]

دعای تمجید

علامهٔ مجلسی در **مقباس المصابیح** فرموده: و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است که: حق شبحانه و تعالی در سه ساعت شب و سه ساعت روز خود را به مجد و بزرگواری یاد می‌کند، و سه ساعت روز از وقت چاشت تا اوّل ظهر است، و سه ساعت شب ثلث آخر شب است تا صبح، پس هر بندهٔ مؤمن که این تمجید را بخواند و دلش با خدا باشد البتّه حقتعالی حاجت او را برآورد، و اگر شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادتمند و نیکوعاقبت گردد.[2]

مؤلّف گوید: اگر در این ساعتهای روز و شب این دعا را بخواند مناسبتر خواهد بود، این است دعا:

«اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ، اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ كُلِّ شَيْءٍ وَ اِلَيْكَ يَعُودُ، اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ، اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ، اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۱ تا ۳۶۵.

۲. همان، ص ۳۶۱؛ کافی، ج ۲، ص ۵۱۵، ح ۱.

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَنْتَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ، يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ.»

و ابن بابویه‌ﷺ به سند صحیح از حضرت صادق‌ﷺ روایت کرده است: هر بنده‌ای که هر روز هفت مرتبه بگوید: أَسْئَلُ اللّٰهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ، جهنّم گوید: خدایا او را از من پناه ده.[1]

صیغهٔ استغفار و فضیلت آن

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت روایت کرده است: اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه کبیره بکند، پس از روی ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد:

«أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُوالْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَسْئَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ.»[2]

دعاهای مأثوره در هر روز

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است: **هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْهِيَ كَائِنَةٌ»، ادای شکر نعمتهای گذشته و آینده کرده** است.[3] و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است: هر که هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ»، حقتعالی به عدد هر مؤمن که گذشته و هر مؤمن که بیاید تا روز قیامت حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد، و به آن عدد گناه از او محو کند و درجه برای او در بهشت بلند کند.[4] و

۱. امالی صدوق، ص ۱۵۸، مجلس ۲۱، ح ۴.
۲. ثواب الاعمال، ص ۱۰.
۳. کافی، ج ۲، ص ۴۲۸ و ۴۲۹.
۴. امالی صدوق، ص ۴۶۲، مجلس ۶۰، ح ۷.

ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است: هر که هر روز صد مرتبه بگوید: «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ» حقتعالی هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمتر آنها همّ و غم باشد،[۱] و به روایت دیگر هرگز پریشان نشود.[۲]

و کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای حسن و معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه می‌گفت: «اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ» و هفتاد مرتبه «اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ.»[۳] و در کشف الغمّه و امالی شیخ طوسی به سند معتبر روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هر روز صد مرتبه بگوید: «لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» امان یابد از فقر و وحشت قبر، و توانگری به او روی آورد و درهای بهشت به روی او گشوده شود.[۴] و در امالی لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ است[۵]، و در ثواب الأعمال[۶] و محاسن برقی[۷] سی مرتبه روایت کرده‌اند.

و قطب راوندی در دعوات خود روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خواهد که او را زیاده از مجاهدین در ملأ اعلی ثنا گویند پس هر روز این دعا بخواند، اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود، و اگر دشمنی داشته باشد بر او غالب گردد، و اگر قرضی داشته باشد ادا شود، و اگر همّ و غمّی داشته باشد زایل گردد، و این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود، این است دُعا:

«سُبْحَانَ اللّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ وَ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ حَتّٰى يَرْضَى اللّٰهُ.»[۸]

---

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۴۷.
۲. جامع الاخبار، ص ۶۲ به نقل از بحار، ج ۹۳، ص ۱۹۱.
۳. کافی، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۵.
۴. امالی، ص ۲۷۹، مجلس ۱۰، ح ۷۲.
۵. به نقل از بحار، ج ۹۳، ص ۲۰۶، ح ۶.
۶. ثواب الاعمال، ص ۹.
۷. محاسن برقی، ص ۳۱
۸. دعوات راوندی، ص ۱۳.

دعای یوشع بن نون‌ؑ

و به سند معتبر از حضرت امام رضاؑ منقول است: شخصی از اصحاب حضرت رسولﷺ نامه‌ای را یافت و به خدمت آن حضرت آورد، پس حضرت فرمود: ندا کردند که همهٔ اصحاب حاضر شوند، پس بر منبر آمد و فرمود: این نامه‌ای است که یوشع بن نون وصیّ موسیؑ نوشته است. و مضمون آن نامه این بود: «**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، به درستی که پروردگار شما به شما دوست و مهربان است، به درستی که بهترین بندگان پرهیزکار گمنام است و بدترین خلق کسی است که انگشت‌نمای مردم باشد به ریاست باطل، پس کسی که خواهد به او ثواب کامل داده شود و شکر نعمتهای خدا کرده باشد پس در هر روز این دعا را بخواند:**

«سُبْحَانَ اللّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ عَلَىٰ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ حَتَّىٰ يَرْضَى اللّٰهُ.»[1]

و در بلدالأمین از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده، و خدا دفع کند از او هفتاد نوع بلا را که از جملهٔ آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فالج بوده باشد، و حقتعالی هفتاد هزار ملک موکّل گرداند که برای او استغفار نمایند.[2] و از حضرت صادقؑ منقول است: هر که هر روز صد مرتبه بگوید: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ» تنگدستی و فقر او را درنیابد.[3] و هر که هر روز صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ»، حقتعالی بدنش را بر آتش جهنّم حرام گرداند.[4]

---

۱. مهج الدعوات، ص ۲۵۶ به نقل از مستدرک، ج ۵، ص ۳۷۷، ح ۶۱۳۷.
۲. به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۵، ح ۸ و مصباح کفعمی، ص ۸۳.
۳. جامع الاخبار، ص ۱۴۴، ف ۲۵، ح ۲۲، ط آل البیت.　۴. همان، ص ۱۴۰، ف ۲۵، ح ۷.

دعای اَعْدَدْتُ

و در بلدالأمین از حضرت رسولﷺ روایت کرده است: هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حقتعالی چهار هزار گناه کبیرهٔ او را بیامرزد و او را از سَکَراتِ مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد، و از شرّ شیطان و لشگرهای او محفوظ گردد و قرضش اَدا شود و همّ و غمّش زایل گردد، این است دعا:

«اَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ ما شاءَ اللّٰهُ، وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَ لِكُلِّ رَخاءٍ اَلشُّكْرُ لِلّٰهِ، وَ لِكُلِّ اُعْجُوبَةٍ سُبْحانَ اللّٰهِ، وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ، وَ لِكُلِّ مُصيبَةٍ اِنّا لِلّٰهِ وَ اِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ، وَ لِكُلِّ ضيقٍ حَسْبِيَ اللّٰهُ، وَ لِكُلِّ قَضاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ بِاللّٰهِ، وَ لِكُلِّ طاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.»[1]

دعایی که فضایل بسیار و ثواب دوازده ختم قرآن دارد

و کلینی و ابن بابویه و برقی رَحْمَةُاللّٰهِ عَلَيْهِمْ بسندهای معتبر از حضرت صادقؑ روایت کرده‌اند: هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حقتعالی چهل و پنجهزار حَسَنه برای او بنویسد، و محو فرماید از او چهل و پنجهزار سیّئه، و چهل و پنجهزار درجه برای او در بهشت بلند کند، و حرزی باشد برای او از شرّ شیطان و ظالمان، و متصرّف نشود او را و احاطه به او نکند گناه کبیره، و به روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه‌ای برای او بنا کند. و در روایت ابن بابویهؒ ده بار نیست، این است دعا:

«اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ اِلٰهًا واحِدًا اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَدًا.»[2]

---

۱. به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۵، ج ۸ و مصباح کفعمی، ص ۸۳.
۲. کافی، ج ۲، ص ۵۱۹؛ توحید صدوق، ص ۱۲.

و در ثواب الاعمال و محاسن و کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید: «لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ ایماناً وَ تَصدیقاً لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ عُبُودِیَّةً وَرِقّاً»، حقتعالی روی رحمت خود را از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را.[۱] و در محاسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است: هر که هر روز صد مرتبه «سُبْحٰانَ اللّٰهِ» بگوید، بهتر باشد از صد شتر برای کعبه قربانی کردن. و هر که صد مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» بگوید، بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن. و هر که صد مرتبه بگوید «اَللّٰهُ اَکْبَرُ» بهتر باشد از آنکه صد اسبْ با زین و لجام در راه خدا بفرستد. و هر که صد مرتبه «لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ» بگوید، کسی از او عملش نیکوتر نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید.[۲]

حکایت عابد بنی اسرائیل

و قطب راوندی روایت کرده است: در بنی‌اسرائیل عابدی بود که سالها عبادت حقتعالی کرده بود، روزی دعا کرد که پروردگارا! می‌خواهم حال خود را نزد تو بدانم، اگر عملهای مرا پسندیده باشی دیگر از این اعمال بسیار کنم و الاّ پیش از مرگ توبه کنم؟ حقتعالی ملکی به نزد او فرستاد و گفت تو را نزد خدا هیچ عمل خیر نیست! گفت: پروردگارا! عبادتهای من چه شد؟! ملک گفت: **«هر کار خیری که می‌کردی به مردم خبر می‌دادی و می‌خواستی مردم تو را نیک دانند و به نیکی یاد کنند، اکنون ثواب تو همان است که خود برای عمل خود راضی شدی.»** این سخن بر عابد بسیار گران آمد و محزون و نالان شد، پس بار دیگر ملک آمد و گفت: حقتعالی می‌فرماید که اَلحال خود را از من بخر و بعد از این هر روز به عدد هر رگی از رگهای بدن خود تصدّق بکن. گفت: چگونه توانم چنین کاری بکنم؟! فرمود: هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن خود بگو: «سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ وَ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ

۱. ثواب الاعمال، ص ۹؛ محاسن، ص ۳۲.
۲. محاسن، ص ۳۳.

بِاللّٰهِ»؛ گفت: پروردگارا زیاده بفرما. فرمود اگر زیاد بگوئی ثواب بیشتر است.[۱]

و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق﷣ روایت کرده است: حضرت رسالت پناهﷺ هر روز به عدد رگهای بدن سیصد و شصت مرتبه می‌گفت: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ کَثیرًا عَلیٰ کُلِّ حالٍ.»[۲]

استغفاری که سبب زیادتی علم یا مال شود

به روایت دیگر از آن حضرت منقول است: هر که در دو ماه پیاپی هر روز چهارصد مرتبه این دعا را بخواند، خدا علم بسیار یا مال بسیار او را کرامت فرماید، این است دعا:

«اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَیُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ بَدیعُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ مِنْ جَمیعِ ظُلْمي وَ جُرْمي وَ اِسْرافي عَلیٰ نَفْسي وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ.»[۳]

دعایی که سنت است هر روز خوانده شود

و شیخ طوسی و دیگران روایت کرده‌اند که سنّت است هر روز این دعا بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْحَيِّ الْباقِي الْكَریمِ وَ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰواتُ وَ انْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ وَ صَلُحَ عَلَیْهِ اَمْرُالْاَوَّلینَ وَ الْاٰخِرینَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَنْ تُصْلِحَ لي شَاْني كُلَّهُ.»[۴]

دعایی که موجب کفایت امور دنیا و آخرت می‌شود

و کفعمی از حضرت امام محمّد باقر﷣ روایت کرده است: هر که هر روز این دعا بخواند حقتعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند:

---

۱. دعوات راوندی، ص ۵۹ به نقل از بحار، ج ۱۴، ص ۵۰۹ و ج ۸۷، ص ۱۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۳.

۳. همان.

۴. مصباح کفعمی، حاشیهٔ ص ۸۲.

«بِسْمِ اللّٰهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا وَ اَعُوذُبِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ.»[۱] و ایضاً روایت کرده است: هر که هر روز این دعا را هفت مرتبه بخواند، امور دنیا و عُقبای او کفایت شود: «حَسْبِيَ اللّٰهُ رَبِّيَ اللّٰهُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.»[۲]

دعایی که موجب دیدن جای خود در بهشت می‌شود

و ایضاً روایت کرده است : هر که در عرض یک سال هر روز یک مرتبه این دعا را بخواند، نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند:

«سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لاٰ يَمُوتُ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلاٰئِكَةِ وَ الرُّوحِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى.»[۳]

۱. مصباح کفعمی، ص ۸۳. ۲. همان، ص ۸۲.
۳. همان، ص ۸۳.

۲

باب دوّم

در ذکر نمازهای مُسْتحبّه
که در مفاتیح الجنان ذکر نشده.

نماز اَعرابی

سیّد بن طاووس در «جمال الأُسبوع» از «شیخ تلّعکبری» نقل کرده که او به سند خود از «زید بن ثابت» روایت کرده که گفت: مردی از بادیه‌نشینان به خدمت حضرت رسالت پناهﷺ ایستاد و گفت: **پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول اللهﷺ** ما در بادیه می‌باشیم و دوریم از مدینه، و نمی‌توانیم هر جمعه به نماز جمعه حاضر شویم، پس دلالت کن مرا بر عملی که چون آن را به جا آورم فضیلت نماز جمعه را دریابم، و چون به اهل و قبیلهٔ خود برگردم ایشان را نیز بیاموزم.

حضرت فرمود: چون روز بلند شود دو رکعت نماز بکن، در رکعت اوّل بعد از حمد هفت مرتبه **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و در رکعت دوّم بعد از حمد هفت مرتبه **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ** بخوان، و بعد از سلام هفت مرتبه **آیةالکرسی** بخوان، پس برخیز و هشت رکعت دیگر بکن به دو سلام و بنشین بعد از هر دو رکعت از آن و تشهّد بخوان و سلام مگو چون چهار رکعت را تمام کردی سلام بگو، و چهار رکعت دیگر نیز بدین طریق به جا آور، و بخوان در هر رکعتی **حمد** یک مرتبه و **اِذا جاءَ نَصْرُ اللّهِ** یک مرتبه و **قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ** بیست و پنج مرتبه، و چون از تشهّد و سلام فارغ شدی هفت مرتبه بخوان این دعا را:

«یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اِلٰهَ الْاَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ یا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ يا رَحْمانَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُما يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي.»

پس حاجت خود را ذکر کن و هفتاد مرتبه بگو:

«لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

و بگو: «وَ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ»

پس حضرت فرمود: به حقّ آن خداوندی که مرا به راستی فرستاده سوگند! که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه، من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود، و عطا فرماید حقتعالی به او ثواب هر که نماز کرده در این روز در شهرهای مسلمانان، و بنویسد از برای او اجر کسی که روزه گرفته و نماز کرده در این روز در مشرق و مغرب عالم، و حقتعالی به او عطا فرماید آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد.[1]

مؤلّف گوید: شیخ طوسی در «مِصْباح»[2] نیز این نماز را نقل کرده و لیکن در روایت ایشان دعای مذکور نیست، بلکه فرموده چون فارغ شدی از نماز، هفتاد مرتبه بگو:

«سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»

نماز هديّه

روایت شده از معصومین عليهم السلام که: آدمی که در روز جمعه هشت رکعت نماز بگزارد، یعنی: بعد از هر دو رکعت سلام بگوید، چهار رکعت آن را هدیّهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله بکند، و چهار رکعت دیگر را هدیّهٔ حضرت فاطمه صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْها، و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیّهٔ حضرت امیرالمؤمنین صَلَواتُ اللّٰهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ گرداند، و همچنین هر روز از هفته را چهار رکعت بکند و هدیّهٔ امامی کند به ترتیب آنها، تا آن که روز

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۰۲ ـ ۲۰۳، ف ۳۲، ۱۳۷۱ ق.   ۲. مصباح المتهجّد، ص ۳۷۲.

پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیهٔ امام جعفر صادقعليه‌السلام گرداند، و باز در روز جمعه هشت رکعت کند چهار رکعت آن را هدیهٔ حضرت رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله و چهار رکعت دیگر هدیهٔ حضرت فاطمهعليها‌السلام گرداند، و در روز شنبه چهار رکعت هدیهٔ امام موسیعليه‌السلام کند، و همچنین هر روز چهار رکعت بگزارد و هدیهٔ امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیهٔ امام عصر عجّل‌اللّه فرجه گرداند، و مابین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعا بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلاٰمُ وَ مِنْكَ السَّلاٰمُ وَ اِلَيْكَ يَعُودُ السَّلاٰمُ حَيِّنٰا رَبَّنٰا مِنْكَ بِالسَّلاٰمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعٰاتِ هَدِيَّةٌ مِنّٰا اِلىٰ وَلِيِّكَ فُلاٰنٍ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَلِّغْهُ اِيّٰاهٰا وَ اَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَ رَجٰائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِيهِ.»

پس هر دعا که می‌خواهد بکند[1]، و به جای فُلاٰن اسم آن امامعليه‌السلام را بگوید که نماز را برای او به جا می‌آورد.

نماز لیلة الدّفن

دو رکعت است: در رکعت اوّل حمد و آیةالکرسی، و در رکعت دوّم حمد و ده مرتبه اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ، و چون سلام دهد بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوٰابَهٰا اِلىٰ قَبْرِ فُلاٰنٍ.» و به جای فلان نام میّت را ذکر کند.

✓ نماز دیگر :

ایضاً سیّدبن طاووس از حضرت رسولصلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که فرمود: **نمی‌گذرد بر میّت ساعتی سخت تر از شب اوّل قبر، پس رحم نمائید مردگان خود را به صدقه، و اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از شماها دو رکعت نماز کند، بخواند در رکعت**

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۴، ف ۱؛ مصباح، ص ۲۸۶؛ وسایل، ج ۵، ص ۲۸۴.

اوّل فاتحة الکتاب یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ دو مرتبه، و در رکعت دوّم فاتحه یک مرتبه و أَلْهيٰكُمُ التَّكاثُرُ ده مرتبه و سلام دهد و بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوابَها إِلىٰ قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ.» پس حقتعالی می‌فرستد همان ساعت هزار مَلَک به سوی قبر آن میّت با هر ملکی جامه‌ای و حُلّه‌ای، و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفخ صور، و عطا کند به نمازگزار به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می‌کند حسنات، و بالا برده شود برای او چهل درجه.[1]

مؤلّف گوید: کفعمی نیز این نماز را به همین کیفیّت نقل کرده، پس از آن فرموده: «در بعض کتب دیدم که در رکعت اوّل بعد از **حمد** ، **آیةالکرسی** یک مرتبه و **توحید** دو مرتبه بخواند.»[2]

خیرات برای اموات

و علاّمهٔ مجلسی رحمه‌الله **در زادالمعاد فرموده:** باید که مردگان را فراموش نکنند، زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند، خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و مشاهد مشرّفه، پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد. و در خبر است که: بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاقّ ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آوَرَد، و بسا فرزندی که در حال حیاة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاقّ گردد به سبب آن که اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آوَرَد،[3] **و عمدهٔ خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که: قروض [= قرضهای] ایشان را اَدا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند، و حجّ و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرّع به جا آورد.**

---

۱. فلاح السائل، ص ۸۶_۸۷_ف ۱۳. ۲. مصباح کفعمی، ص ۴۱۱، ق ۳۷.
۳. مشکاة‌الانوار، ص ۱۴۴، ف ۱۴ به نقل از مرآة الکمال، ج ۲، ص ۵۵۶.

نماز برای والدین

و در حدیث صحیح منقول است: حضرت صادق‌ﷺ در هر شب از برای فرزند خود، و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می‌کردند، و در رکعت اوّل اِنّا اَنْزَلْناهُ و در رکعت دوّم اِنّا اَعْطَيْنا می‌خواندند.[۱]

نماز برای اموات

و به سند صحیح از حضرت صادق‌ﷺ منقول است: «بسا باشد که میّت در تنگی و شدّتی بوده باشد و حقتعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد، پس به او گویند: این فَرَج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد.

راوی پرسید: دو میّت را در دو رکعت نماز شریک می‌توانم کرد؟

فرمود: بلی. فرمود: میّت شاد می‌شود و فَرَج می‌یابد به دعا و استغفاری که برای او کنند، چنانچه زنده شاد می‌شود به هدیّه که برای او برند.»[۲] و فرمود: «بر میّت داخل می‌شود در قبرش نماز و روزه و حجّ و تصدّق و سایر اعمال خیر و دعا، و ثـواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می‌شود.»[۳]

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که از مسلمانان برای میّتی عمل صالحی بکند، خدا ثواب آن را مضاعف می‌گرداند و میّت به آن عمل منتفع می‌گردد.»[۴]

و در روایتی وارد شده است: هر گاه شخصی به نیّت میّتی تصدّقی بکند، حقتعالی جبرئیل را امر می‌نماید که با هفتاد هزار ملک به نزد قبر او می‌روند و هر یک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی، و هر یک به او می‌گویند اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ای دوست خدا!

۱. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۷، ب ۲۳، ح ۱۵۲۳.　　۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۵۵۴.

۳. یَدْخُلُ عَلَى الْمَيِّتِ في قَبْرِهِ الصَّلٰوةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَالصَّدَقَةُ وَالْبِرُّ وَالدُّعاءُ، وَيُكْتَبُ أَجْرُهُ لِلَّذي يَفْعَلُهُ وَ لِلْمَيِّتِ. «من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵، ص ۵۵۷».

۴. مَنْ عَمِلَ مِنَ الْمُسْلِمينَ عَنْ مَيِّتٍ عَمَلاً صالِحاً أُضْعِفَ لَهُ أَجْرُهُ وَ نَفَعَ اللّٰهُ بِهِ الْمَيِّتَ. «من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۵۵۶».

این هدیهٔ فلان مؤمن است برای تو، پس قبر او روشن می‌شود، و حقتعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می‌فرماید، و هزار حوری به او تزویج می‌فرماید، و هزار حُلّه به او می‌پوشاند و هزار حاجت او را رَوا می‌کند.»[۱]

نماز فرزند برای پدر و مادر

دو رکعت است: در رکعت اوّل فاتحه و ده مرتبه «رَبِّ اغْفِرْلي وَلِوٰالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسٰابُ.»

و در رکعت دوّم فاتحه و ده مرتبه «رَبِّ اغْفِرْلي وَلِوٰالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ.» و چون سلام دهد ده مرتبه بگوید: «رَبِّ ارْحَمْهُمٰا كَمٰا رَبَّيٰانِي صَغِيرًا.»[۲]

نماز گرسنه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است: هر که گرسنه باشد وضو بگیرد و دو رکعت نماز گزارد و بگوید: «يٰا رَبِّ إِنّي جٰائِعٌ فَأَطْعِمْني.» و در روایت دیگر بگوید: «رَبِّ أَطْعِمْني فَإِنّي جٰائِعٌ.» پس به درستی که حقّ سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد.[۳]

نماز حدیث نفس

از حضرت صادق علیه السلام روایت است: نیست هیچ مؤمنی که بگذرد بر او چهل صباح مگر آن که عارض شود او را حدیث نفس، پس هر گاه او را حدیث نفس عارض شود،

۱. وسایل‌الشیعه، ج ۲، ص ۶۵۶، ب ۲۸، ح ۹.
۲. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۶، ف ۴.
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳۳۴، ف ۴؛ کافی، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۶.

دو رکعت نماز گزارد و پناه برد به خدا از آن.[۱]

اذکار حدیث نفس و دفع وسوسه

و از آن حضرت منقول است که فرمود: شکایت کرد حضرت آدم﷣ به سوی خداوند عزّوجلّ از حدیث نفس، پس جبرئیل نازل شد و گفت بگو: «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ.» حضرت آدم﷣ این ذکر را گفت حدیث نفس از او برطرف شد، پس حضرت فرمود این است اصلِ «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ.»[۲]

و از حضرت باقر﷣ روایت است: مردی خدمت حضرت رسولﷺ آمد و شکایت کرد به آن حضرت از وسوسه و حدیث نفس و دَینی که او را سنگین کرده بود و از درویشی، حضرت رسولﷺ به او فرمود بگو:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لاٰ يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.» و این را مکرّر بگو.

پس چندی نگذشت آن مرد آمد خدمت آن حضرت و گفت: یا رسول‌الله! خداوند وسوسهٔ مرا بُرد و قرض مرا ادا کرد و مرا از درویشی توانگر کرد.[۳]

و نیز روایت شده که از برای دفع وسوسهٔ شیطان بگو هنگامی که در سینه‌ات شکّی پیدا شد:

«هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظّٰاهِرُ وَ الْبٰاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.»[۴]

و نیز از برای دفع وسوسهٔ شیطان از حضرت صادق﷣ مروی است که: دست بر سینهٔ خود بکش و بگو:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۲۳۱۷، ف ۴؛ بحار، ج ۹۱، ص ۳۵۴، ح ۱۷.

۲. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۴ ـ ۱۱۵، ح ۲۳۱۸، ف ۴؛ امالی صدوق، ص ۴۳۶.

۳. اصول کافی، ج ۲ ـ ۵۵۴ ـ ۵۵۵، ح ۲ و ۳.

۴. طب‌الائمة، ص ۲۷، به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۳۷.

اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنّي مٰا اَحْذَرُ.»

پس دست بر شکم خود می‌کشی و سه مرتبه می‌گویی، که إنشاءَاللّهُ برطرف خواهد شد.[1]

و نیز از برای دفع وسوسه نافع است شستن سر به «سِدر» و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روزه سه روز از هر ماه، پنجشنبهٔ اوّل و آخر و چهارشنبهٔ وسط. و نیز بگوید:

«اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطٰانِ الْغَوِيِّ وَ اَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مٰا قُدِّرَ وَ قُضِيَ وَ اَعُوذُ بِإلٰهِ النّٰاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَ النّٰاسِ اَجْمَعِينَ.»[2]

نماز استخارهٔ ذات الرّقاع

و کیفیّت آن چنان است که: هر گاه اراده کردی امری را، می‌گیری شش رقعه را و می‌نویسی در سه رقعه از آن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ خِيَرَةٌ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلاٰنِ ابْنِ فُلاٰنَةٍ اِفْعَلْ.» و در سه رقعهٔ دیگر می‌نویسی لاٰ تَفْعَلْ(نکن) به جای اِفْعَلْ(بکن)، پس می‌گذاری آنها را در زیر مصلاّیِ خود و دو رکعت نماز می‌گزاری، و چون فارغ شدی سجده می‌کنی و می‌گویی در سجود صد مرتبه: «اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً في عٰافِيَةٍ.» پس می‌نشینی و می‌گویی «اَللّٰهُمَّ خِرْلي وَ اخْتَرْلي في جَميعِ اُمُوري في يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ.» پس دست می‌زنی به رُقعه‌ها و آنها را به هم مخلوط می‌کنی و یکی یکی بیرون می‌آوری، پس هر گاه سه اِفْعَلْ پشت سر هم بیرون آمد آن امر را به جا می‌آوری که اراده کرده‌ای، و اگر سه لاٰ تَفْعَلْ بیرون آمد به جا نیاور آن امر را که نیّت کرده‌ای، و اگر یکی اِفْعَلْ بیرون آمد و دیگر لاٰ تَفْعَلْ، پنج رقعه بیرون آور و به آن نگاه کن، هر گاه سه اِفْعَلْ است و دو لاٰ تَفْعَلْ بجا آور آن امر را و اگر به عکس است بجا نیاور.[3]

---

۱. طبّ‌الائمّه، ص ۱۱۷، به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۲۸، ح ۲.

۲. بشارة‌المصطفی، ص ۳۷، ط نجف اشرف، به نقل از بحار، ج ۷۷، ص ۲۷۳.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۷۰، ح ۳؛ مصباح المتهجّد، ص ۳۷۲.

معنیِ استخاره و کیفیّت آن

مؤلف گوید: معنی استخاره طلب خیر کردن است، پس هر کاری که می‌خواهی بکنی طلب کن خیر خود را از حقتعالی. و روایت شده که: در سجدهٔ آخر نماز شب طلب خیر کن و صد و یک مرتبه بگو: «أَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ.»[1] و در سجدهٔ آخر نافلهٔ صبح[2] و در هر رکعت از نافله‌های زوال نیز استخاره مندوب است.[3]

کیفیّت استخارهٔ به تسبیح

بدان که: علاّمهٔ مجلسی‌ﷺ از والد ماجدش نقل کرده که روایت کرده از استادش شیخ بهائی‌ﷺ که گفت: شنیدیم از مشایخ که مذاکره می‌کردند از حضرت قائم(عج) در استخارهٔ با تسبیح، آنکه تسبیح را به دست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِمْ أجمَعين، و یک قبضه از تسبیح را بگیرد و دوتا دوتا بشمرد پس اگر یکی باقی ماند بجا آورد و اگر دوتا باقی ماند بجا نیاورد.

و شیخ فقیه اجلّ «صاحب جواهر» فرموده در «جواهر»: استخاره‌ای است معمول نزد بعض اهل زمان ما و بسا هست که نسبت داده می‌شود به مولای ما حضرت قائم(عج)، و آن این است که بعد از قرائت و دعا یک قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت طرح کند، پس اگر یکی باقی ماند فی الجمله نیک است، و اگر دوتا باقی ماند یک نهی از آن است، و اگر سه تا ماند اختیار دارد چون فعل و ترک آن مساوی است، و اگر چهارتا ماند دو نهی است از آن، و اگر پنج‌تا ماند بعضی گفته‌اند که تعب و رنج دارد، و بعضی گفته‌اند که در آن ملامت است، و اگر شش‌تا ماند نهایت خوب است و باید تعجیل در آن کرد، و اگر هفت‌تا ماند حکمش مثل پنج‌تا است، و اگر هشت تا ماند چهار نهی از آن است.

---

۱. بحار، ج ۹۱، ص ۲۲۷، ح ۲۷؛ در کتاب «من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۵» صد مرتبه روایت شده است.

۲. بحار، ج ۹۱، ص ۲۵۷.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۰۲، ح ۱۴، ف ۴.

ساعات استخاره

وبدان که: ما در باب ششم بعضی از استخارات را ذکر خواهیم کرد، وبدان نیز که: مرحوم محدّث کاشانی در «تقویم المحسنین» برای استخاره به قرآن مجید در ایّام هفته ساعاتی نقل کرده و گفته اختیار این مطلب بنا بر مشهور است و اگر چه یافت نشده بر آن حدیثی از اهل بیت علیهم السلام، پس گفته:

۱ روز یکشنبه نیک است تا ظهر، پس از عصر تا مغرب.

۲ روز دوشنبه نیک است تا طلوع شمس، پس از ناهار تا ظهر و از عصر تا عشاء آخر.

۳ روز سه‌شنبه نیک است از وقت ناهار تا ظهر، پس از عصر تا عشاء آخر.

۴ روز چهارشنبه نیک است تا ظهر، پس از عصر تا عشاء آخر.

۵ روز پنجشنبه نیک است تا طلوع آفتاب، پس از ظهر تا عشاء آخر.

۶ روز جمعه نیک است تا طلوع آفتاب، پس از زوال تا عصر.

۷ روز شنبه نیک است تا وقت ناهار، و پس از زوال تا عصر.

و این جدول مأخوذ است از مدخل منظوم «محقّق طوسی» طابَ ثَراهُ.

ذکر نمازی برای قضای دین وکفایت ظلم سلطان

شیخ طوسی رحمه الله روایت کرده است: مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و گفت شکایت می‌کنم به سوی تو ای آقای من از قرضی که مرا فرا گرفته و از سلطانی که ستم به من می‌کند، می‌خواهم تعلیم فرمائی مرا دعائی که تحصیل کنم به آن غنیمتی که ادا نمایم به آن قرض خود را و باز دارم به آن ستم سلطان را، فرمود: هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت پس دو رکعت نماز گزار و بخوان در رکعت اوّل آن حمد و آیةالکرسی و در رکعت دوّم حمد و آخر سورهٔ حشر، لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْانَ عَلی جَبَلٍ تا آخر سوره، پس بگیر قرآن مجید را و بگذار بر سر خود و بگو: «بِحَقِّ هذَا الْقُرْانِ وَ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ کُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فیهِ وَ بِحَقِّکَ عَلَیْهِمْ فَلا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّکَ مِنْکَ.» بگو: «بِکَ یا اَللهُ» ؛ ده مرتبه، «یا مُحَمَّدُ»؛ ده مرتبه، «یا عَلِیُّ» ؛ ده مرتبه، «یا

فاطِمَةُ» ؛ ده مرتبه، «يا حَسَنُ»؛ ده مرتبه، «يا حُسَيْنُ»؛ ده مرتبه، «يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ»؛ ده مرتبه، «يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ»؛ ده مرتبه، «يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ»؛ ده مرتبه، «يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ»؛ ده مرتبه، «يا عَلِيَّ بْنَ مُوسى»؛ ده مرتبه، «يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ»؛ ده مرتبه، «يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ»؛ ده مرتبه، «يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ»؛ ده مرتبه، «يا الْحُجَّةِ» [يا أَيُّهَا الْحُجَّةُ]؛ ده مرتبه، پس حاجت خود را بطلب.

راوی گفت: آن مرد رفت و بعد از مدّتی آمد در حالی که قرضش ادا شده بود، و امر سلطانتش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود.[1]

مؤلّف گوید: ظاهر آن است که این عمل بعد از نماز بجا آورده می‌شود.

نماز حاجت

از دعوات راوندی نقل است: حضرت امام زین‌العابدین ﷺ گذشتند به مردی که بر دَرِ خانهٔ مردی نشسته بود! فرمود با وی که: برای چه بر درِ منزل این ستمکار جبّار نشسته‌ای؟! گفت: به جهت محنت و سختی که مرا عارض شده، فرمود: برخیز تا من تو را راهنمائی کنم به دری که بهتر از درِ اوست و به سوی ربّی که بهتر است برای تو از او. پس گرفت دست او را و آورد او را تا به مسجد پیغمبر ﷺ و فرمود: رو به قبله کن و دو رکعت نماز کن به درگاه خدا، پس ثنا کن خدا را و صلوات بفرست بر رسول خدا ﷺ و بخوان آخر سورهٔ حشر و شش آیهٔ اوّل سورهٔ حدید و دو آیه که در آل‌عمران است، پس سؤال کن حاجت خود را از خدا که خدا عطا می‌فرماید تو را.

جناب راوندی فرمود: شاید دو آیه، آیهٔ قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ باشد یعنی تا بِغَيْرِ حِسابٍ. **علامهٔ مجلسی** ﷺ **فرموده:** شاید آیهٔ قُلِ اللّٰهُمَّ باشد با آیهٔ شَهِدَ اللّٰهُ.[2]

و بدان که: روایت شده از امیرالمؤمنین ﷺ که فرمود: هر گاه یکی از شما ارادهٔ حاجتی کند پس صبح پنجشنبه در طلب آن بیرون رود، و بخواند در وقتی که از منزل

---

۱. امالی طوسی، ص ۲۹۲ ـ ۲۹۳، مجلس ۱۱، ح ۱۴، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۴۶، ح ۶.

۲. بحار، ج ۹۱، ص ۳۷۵، ح ۳۲.

بیرون می‌رود آخر سورهٔ آل عمران و آیةالکرسی و اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ و سورهٔ حمد، زیرا که در اینها است حوائج دنیا و آخرت.[۱]

نماز در مهمّات

چهار رکعت می‌گزاری و قنوت و ارکان آن را نیکو به جا می‌آوری و می‌خوانی در رکعت اوّل حمد یک مرتبه و «حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ»، هفت مرتبه، و در رکعت دوّم حمد یک مرتبه و آیهٔ «ما شاءَ اللّٰهُ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مالاً وَ وَلَداً»، هفت مرتبه، و در رکعت سوّم حمد یک مرتبه و قَوْلُهُ تَعالیٰ: «لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ» هفت مرتبه، و در رکعت چهارم حمد یک مرتبه و «اُفَوِّضُ اَمْری اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصیرٌ بِالْعِبادِ» هفت مرتبه، پس حاجت بخواه.[۲]

نماز رفع عسرت و سختی

از حضرت صادق علیه السلام منقول است: چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگزار وقت زوال، بخوان در رکعت اوّل فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ و اِنّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبیناً تا وَ یَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْراً عَزیزاً، و در رکعت دوّم فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و اَلَمْ نَشْرَحْ، و این نماز به تجربه رسیده است.[۳]

نماز برای زیاد شدن روزی

روایت است که مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رَسُولَ اللّٰهِ! من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم سخت است، تعلیم فرما مرا دعائی که بخوانم

---

۱. دُرّ منثور، ج ۶، ص ۳۷۷، به نقل از بحار، ج ۹۲، ص ۲۷۲، ح ۲۵.

۲. این نماز از امام حسین علیه السلام نقل شده است (مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص۱۲۲، ح ۲۳۳۰، ط قم، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۵۸).

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۲۳۲۹، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۵۸.

خداوند عزّوجلّ را با آن، تا روزی کند مرا آنقدری که قرض خود را أدا کنم و استعانت بجویم با آن بر عیال خویش.

فرمود: ای بندهٔ خدا! وضو بگیر وضوی کاملی، پس دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود آن را تمام بجا آور، پس بگو:

«یا ماجِدُ یا واحِدُ یا کَریمُ اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ رَبّی وَ رَبِّكَ وَ رَبِّ کُلِّ شَیْءٍ، وَ اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَسْئَلُكَ نَفْحَةً کَریمَةً مِنْ نَفَحاتِكَ وَ فَتْحاً یَسیراً وَ رِزْقاً واسِعاً اَلُمُّ بِهِ شَعَثی وَ اَقْضی بِهِ دَیْنی وَ اَسْتَعینُ بِهِ عَلیٰ عِیالی.»[1]

✓ نماز دیگر برای زیاد شدن روزی

چون خواستی به دکّان خویش بروی، ابتدا کن به مسجد و دو رکعت نماز یا چهار رکعت بجا آور و بگو:

«غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلا حَوْلٍ مِنّی وَ لا قُوَّةٍ وَ لٰکِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ یا رَبِّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی عَبْدُكَ اَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ کَما اَمَرْتَنی فَیَسِّرْ لی ذٰلِكَ وَ اَنَا خافِضٌ فی عافِیَتِكَ.»[2]

✓ نماز دیگر

دو رکعت است، در رکعت اوّل حمد یک مرتبه و **اِنّا اَعْطَیْناكَ الْکَوْثَرَ** سه مرتبه، و در رکعت دوّم حمد یک مرتبه و هر یک از دو **قُلْ اَعُوذُ** سه مرتبه.[3]

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۰، ح ۲۲۳۷؛ به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۲۶۰ ـ ۲۶۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۷۵، باب‌الصّلوة فی طلب الرّزق، ح ۴.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۲۲۳۱؛ بحار، ج ۹۱، ص ۳۹۵.

نماز حاجت

منقول از مکارم: هر گاه نصف شب شود غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور و بخوان در هر دو رکعت حمد و پانصد مرتبه سورهٔ توحید، و لکن در رکعت دوّم چون از خواندن توحید فارغ شدی بخوان آخر سورهٔ حشر ـ که «لَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلیٰ جَبَلٍ» باشد تا آخر سوره ـ و شش آیهٔ اوّل سورهٔ حدید، و بگو بعد از آن به همان حال که ایستاده‌ای هزار مرتبه «اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعِینُ»، پس نماز را تمام کن و ثنا کن حقتعالی را، پس اگر حاجت برآورده شد فَبِها والاّ دفعهٔ دیگر بجا آور، و اگر دفعهٔ دوّم برآورده نشد دفعهٔ سوّم به عمل آور که انشاءالله تعالی برآورده شود.[۱]

✓ **نماز دیگر**

ثقة الإسلام کلینی در «کافی» به سند معتبر روایت کرده از «عبدالرّحیم قصیر» که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدای تو شوم! از پیش خود دعائی اختراع کرده‌ام، فرمود: «واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد پس پناه بَر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را به سوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله»، عرض کردم: به چه نحو کنم این نماز را؟ فرمود: غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گزاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام، و چون سلام گفتی می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلامَ وَ اَرْواحَ الْاَئِمَّةِ الصّادِقِينَ سَلامي وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ وَ السَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنّي اِلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاَثِبْني عَلَيْهِما ما اَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ فيكَ وَ في رَسُولِكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.»

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۴.

پس به سجده می‌روی و چهل مرتبه می‌گویی:

«یٰا حَيُّ یٰا قَیُّومُ یٰا حَیّاً لاٰ یَمُوتُ یٰا حَیّاً لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ یٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْاِکْرٰامِ یٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمینَ.»

پس جانب راست روی را بر زمین می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌گویی، پس جانب چپ روی را بر زمین می‌گذاری و باز چهل مرتبه می‌گویی پس سر از سجده برمی‌داری و دست را بلند می‌کنی و چهل مرتبه می‌خوانی، پس دستها را به گردن خود می‌گذاری والتجا می‌بری به انگشت شهادت خود و چهل مرتبه می‌خوانی، پس می‌گیری ریش خود را به دست چپ و گریه یا تباکی می‌کنی - یعنی: اگر گریه‌ات نیاید خود را به گریه می‌داری - و می‌گویی :

«یٰا مُحَمَّدُ یٰا رَسُولَ اللّٰهِ اَشْکُو اِلَی اللّٰهِ وَ اِلَیْکَ حٰاجَتي وَ اِلیٰ اَهْلِ بَیْتِکَ الرّٰاشِدینَ حٰاجَتي وَ بِکُمْ اَتَوَجَّهُ اِلَی اللّٰهِ في حٰاجَتي.»

پس به سجده می‌روی و می‌گویی: **یٰا اَللّٰهُ یٰا اَللّٰهُ** آن قدر که نفس منقطع شود، پس می‌گویی: «**صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بي کَذٰا وَ کَذٰا.**» و به جای «وَ افْعَلْ بي کَذٰا» حاجت خود را می‌خواهی.

پس حضرت صادق علیه السلام فرمود: من ضامنم بر خدای عزّوجلّ که از جای خود حرکت نمی‌کنی مگر آن که حاجت تو برآورده شود.[1]

مؤلّف گوید: در باب چهارم ادعیهٔ بسیاری برای حوائج دنیا و آخرت ذکر نمائیم.

رقعهٔ حاجت

و **شیخ کفعمی** در «بلدالأمین» برای حاجت مهمّه ذکر کرده که: بنویسد این کلمات را در کاغذی و بیندازد در آب:

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۷۶ـ۴۷۷، باب صَلوٰةُ الحَوائج، ح ۱.

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰانِ الرَّحِيمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ، رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْشِفْ هَمِّي وَ فَرِّجْ عَنِّي غَمِّي، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.»

✓ **ایضاً نماز حاجت**

سیّد ابن طاووس در «مزار» در باب اعمال مسجد کوفه در ذیل اعمال محراب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده ذکر نماز حاجتی که در خصوص این مکان باید به عمل آورد، و آن چهار رکعت است یعنی به دو سلام، می‌خوانی در رکعت اوّل حمد و ده مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ** و در رکعت دوّم حمد و بیست و یک مرتبه توحید، و در رکعت سوّم حمد و سی و یک مرتبه توحید، و در رکعت چهارم حمد و چهل و یک مرتبه توحید، و چون سلام نماز دادی و تسبیح خواندی بخوان پنجاه و یک مرتبه توحید، و پنجاه مرتبه استغفار کن، و پنجاه مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرست و پنجاه مرتبه بگو: «**لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**»، پس بگو:

«**يٰا اَللّٰهُ الْمٰانِعُ[1] قُدْرَتَهُ خَلْقَهُ وَ الْمٰالِكُ بِهٰا سُلْطٰانَهُ وَ الْمُتَسَلِّطُ بِمٰا فِي يَدَيْهِ عَلىٰ كُلِّ مَوْجُودٍ وَ غَيْرُكَ يَخِيبُ رَجٰاءُ رٰاجِيهِ وَ رٰاجِيكَ مَسْرُورٌ لاٰ يَخِيبُ أَسْئَلُكَ بِكُلِّ رِضىً لَكَ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذْكَرَ بِهِ وَ بِكَ يٰا اَللّٰهُ فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْءٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَحْفَظَنِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ وَ أَنْ تَقْضِيَ حٰاجَتِي فِي كَذٰا وَ كَذٰا.**» و ذکر کن حاجت خود را.[2]

---

۱. أي يَمْنَعُ قُدْرَتَهُ عَنْ إيصالِ الضَّرَرِ إلىٰ خَلْقِهِ، والحاصِلُ أنَّهُ تَعالىٰ لا يَفْعَلُ فيهِمْ ما يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنَ التَّعذيبِ والإيلامِ. منه (ره)

۲. مصباح الزائر، ص ۹۷ ـ ۹۸، ط آل‌البیت؛ بحار، ج ۱۰۰، ص ۴۲۵.

✓ **ایضاً نماز حاجت**

روایت شده که هر که را به سوی خدا حاجتی باشد و بخواهد بر آورده شود چهار رکعت نماز گزارد، و بخواند در هر رکعت **فاتحة الکتاب** و **انعام** و در عقب نماز بگوید:

«یٰا کَرِیمُ یٰا کَرِیمُ یٰا عَظِیمُ یٰا عَظِیمُ یٰا عَظِیمُ یٰا اَعْظَمَ مِنْ کُلِّ عَظِیمٍ یٰا سَمِیعَ الدُّعٰآءِ یٰا مَنْ لاٰ تُغَیِّرُهُ اللَّیٰالِي وَ الْاَیّٰامُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَ فَقْرِي وَ فٰاقَتِي وَ مَسْکَنَتِي فَاِنَّکَ اَعْلَمُ بِهٰا مِنِّي وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِحٰاجَتِي، یٰا مَنْ رَحِمَ الشَّیْخَ یَعْقُوبَ حِینَ رَدَّ عَلَیْهِ یُوسُفَ قُرَّةَ عَیْنِهِ، یٰا مَنْ رَحِمَ اَیُّوبَ بَعْدَ طُولِ[1] بَلاٰئِهِ، یٰا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّداً وَ مِنَ الْیُتْمِ آوٰاهُ وَ نَصَرَهُ عَلیٰ جَبٰابِرَةِ قُرَیْشٍ وَ طَوٰاغِیتِهٰا وَ اَمْکَنَهُ مِنْهُمْ یٰا مُغِیثُ یٰا مُغِیثُ یٰا مُغِیثُ.»

می‌گویی این را مکرّر، پس سؤال می‌کنی از خداوند تعالی حاجات خود را که حقتعالی عطا می‌فرماید آن را.[2]

✓ **ایضاً نماز حاجت در شب جمعه و شب عید قربان**

سیّد ابن طاووس رحمه‌الله روایت کرده، فرموده که: در شب جمعه و شب عید اَضحیٰ دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سورهٔ **فاتحه** بخوان و آیهٔ **اِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ** را صد مرتبه بگو، پس **حمد** را تمام کن و بعد از **حمد** بخوان دویست مرتبه سورهٔ **توحید** را، و چون سلام گفتی هفتاد مرتبه بگو: **«لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِیمِ.»** پس به سجده برو و دویست مرتبه بگو: **«یٰا رَبِّ یٰا رَبِّ»**، پس هر حاجت که داری بطلب که انشاءالله برآورده است.[3]

---

۱. در بحار: خُلُولِ.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳، به نق لا از بحار، ج ۹۱، ص ۳۴۸.

۳. جمال‌الاسبوع، ص ۸۹، ف ۴ به نقل از بحار، ج ۸۹، ص ۳۲۲.

✓ **ایضاً نماز حاجت به سندهای معتبره**

که جماعت بسیاری از علماء مانند: شیخ مفید و طوسی و سیّد بن طاووس و دیگران آن را نقل کرده‌اند از حضرت صادق علیه السلام، و کیفیّت آن موافق «روایت سیّد» چنان است که: هر گاه تو را حاجت مهمّی روی دهد به سوی خداوند عزّوجلّ، پس سه روز متوالی ـ که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد ـ روزه بگیر و چون روز جمعه شد غسل کن و جامهٔ نو و نظیف بپوش، پس بالا رو به بامی که بلندترین بامهای خانه‌ات باشد و دو رکعت نماز بجا آور، پس دستها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِمَعْرِفَتي بِوَحْدانِيَّتِكَ وَ صَمَدانِيَّتِكَ وَ اَنَّهُ لا قادِرًا عَلىٰ قَضاءِ حاجَتي غَيْرُكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ يا رَبِّ اَنَّهُ كُلَّما تَظاهَرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فاقَتي اِلَيْكَ وَ قَدْ طَرَقَني هَمُّ كَذا وَ كَذا» (به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند) **«وَ اَنْتَ بِكَشْفِهِ عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ واسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ فَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبالِ فَنُسِفَتْ وَ وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمٰواتِ فَانْشَقَّتْ وَ عَلَى النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ وَ عَلَى الْاَرْضِ فَسُطِحَتْ وَ اَسْئَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عِنْدَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسىٰ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ علیهم السلام اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اَنْ تَقْضِيَ لي حاجَتي وَ تُيَسِّرَ لي عَسيرَها وَ تَكْفِيَني مُهِمَّها فَاِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرَ جائِرٍ في حُكْمِكَ وَ لا مُتَّهَمٍ في قَضائِكَ وَ لا حائِفٍ في عَدْلِكَ.»**

پس رخسار خود را می‌چسبانی به زمین و می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتّىٰ عَبْدَكَ دَعاكَ في بَطْنِ الْحُوتِ وَ هُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ اَنَا عَبْدُكَ اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لي.»

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بسا حاجتی از برای من پیدا می‌شود و من می‌خوانم این دعا را و مراجعت می‌کنم و حاجتم برآورده شده است.[1]

وظیفهٔ خواهندهٔ حاجت

مؤلّف گوید: سیّد ابن طاووس در «جمال‌الأسبوع» کلامی فرموده که حاصلش این است:[1]

۱ «هر گاه از خدای تعالی حاجتی خواستی لااقلّ چنان باشد حال تو مثل آن که هر گاه حاجت مهمّه بطلبی از یکی از پادشاهان دنیا، چه هر گاه حاجتی به ایشان داشته باشی طلب رضا و خوشنودی ایشان می‌نمائی به هر چه ممکنت شود، پس همچنین در وقت حاجت خواستن از خدا کوشش کن در تحصیل رضای او، مبادا که اقبالت به خدا کمتر باشد از اقبالت بر ملوک دنیا که اگر چنین باشد حال تو، پس تو از مستهزئین هالکین خواهی بود، و چگونه جایز خواهد بود که اهتمام تو به رضای خدا کمتر باشد از اهتمام بر رضای مخلوقین؟! پس هر گاه منزلت خدا نزد تو کمتر باشد از منزلت ملوک دنیا ـ که ایشان بندگان خدای تواند ـ پس تو استخفاف و استهزاء کرده‌ای به خدا، و حقیر شمرده‌ای عظمت و جلالت او را و از او اعراض کرده‌ای، و هیهات که در این صورت ظفریابی به حاجت خود به سبب نماز یا روزهٔ خود.

۲ و باید روزه و نماز تو که به جهت حاجت بجا می‌آوری از روی تجربه نباشد، چه آن که انسان تجربه نمی‌کند مگر کسی را که بدگمان است در حقّ او، و حقتعالی مذمّت فرموده آنهائی را که گمان بد در حقّ او بردند بِقَوْلِهِ تَعالیٰ: «**يَظُنُّونَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ**» بلکه باید در کمال اطمینان و اعتماد باشی به رحمت خدا به وعده‌های او، و امید تو به خدا در طلب حاجت خود زیادتر باشد از آن که قصد کنی حاتم را به جهت طلب یک قیراط، چه اگر به جهت یک قیراط قصد حاتم کنی یقین

۱. جمال‌الاسبوع، ص ۲۰۸ـ۲۰۹، ط آفاق؛ مصباح متهجّد، ص ۲۸۷ـ۲۹۲؛ تهذیب، ج ۳، ص ۱۸۴؛ الفقیه، ج ۱، ص ۵۵۶.

داری که به تو عطا خواهد کرد به هر نحو که باشد، پس بدان که حاجت تو نزد حقتعالی پست‌تر و کمتر است از یک قیراط نزد حاتم، پس البتّه مبادا که اعتمادت به حقتعالی کمتر باشد.

۳ و نیز سزاوار است از برای تو که هر گاه به جهت حاجتی روزه یا نماز به جا آوری، نیّت کنی آن عمل خود را به جهت اَلْأَهَمُّ فَالْأَهَمّ از حاجات دینیهٔ خود، و بدان که **اَهَمّ آنها حوائج آن کسی است که تو در پناه هدایت و حمایت اوئی و آن امام زمان تو صَلَواتُ اللّه عَلَیهِ است، پس باید نماز و روزهٔ تو اوّل به جهت قضاء حاجات آن حضرت باشد، و بعد به جهت حوائج دینیّهٔ تو و بعد به جهت آن حاجتی که عارض تو شده و قصد آن را داشته‌ای.** مثلاً هر گاه ظالمی در صدد کشتن و هلاکت تو باشد و تو روزهٔ حاجت گرفتی برای خلاصی از شرّ او، بدان که اهمّ از آن حاجت دینیّهٔ تو است که آن عفو و رضای حقتعالی باشد از تو و آن که بر تو اقبال فرماید و عمل تو را قبول خود کند، زیرا که در کُشته شدن تو دنیای تو فاسد شود هر گاه دین تو سالم باشد؛ به علاوه آن که اگر کشته نشوی لابد خواهی مُرد، و لکن اگر عفو و رضای خدا برای تو حاصل نشود در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد و هولها و شدائدی برای تو حاصل خواهد شد که به خیال تو نخواهد رسید.

و امّا این که گفتیم مقدّم بدار حاجت امام زمان علیه السلام خود را بر حوائج خود، پس به جهت آن است که بقاي دنیا و اهل آن به واسطهٔ وجود او است، پس هر گاه وجود تو محفوظ باشد به وجود یک نفر دیگر، چگونه مقدّم بداری حوائج و مراد خود را بر حوائج او؟! بلکه واجب است مقدّم داری حوائج او را بر حوائج خود و مراد او را بر مراد خود. **و بدان که:** آن جناب در حاجات خودش از روزه و نماز تو مستغنی است و حاجتی به تو ندارد، لیکن مقتضای بندگی و وظیفهٔ تو آن است که چنین کنی، چنانکه استفتاح می‌کنی دعاهای خود را به صلوات بر ایشان صَلَواتُ اللّه وَ سَلامُهُ عَلَیهِم اَجْمَعین.»[۱]

---

۱. جمال‌الاسبوع، ص ۲۰۶ ـ ۲۰۸، ف ۳۵.

نماز استغاثه

در مکارم است که: چون خواستی در شب بخوابی بگذار نزد سر خود ظرف نظیفی که در آن آب طاهر باشد و بپوشان آن را به پارچهٔ نظیفی، و چون بیدار شوی در آخر شب از برای نماز شب از آن آب بیاشام سه جُرعه، پس وضو بگیر به باقی آن آب و رو به قبله کن و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز کن، و بخوان در آن هر سوره که بخواهی از قرآن، و چون از قرائت فارغ شدی به رکوع می‌روی و می‌گویی در رکوع بیست و پنج مرتبه «**یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ**.» پس سر از رکوع برمی‌داری و بیست و پنج مرتبه می‌گویی، و همچنین در سجدهٔ اوّل و بعد از سربرداشتن و در سجدهٔ دوّم و بعد از سربرداشتن در هر کدام بیست و پنج مرتبه می‌گویی، و برمی‌خیزی و رکعت دوّم را نیز به همین کیفیّت بجا می‌آوری که مجموع سیصد مرتبه گفته شود، پس تشهّد می‌خوانی و سلام می‌دهی و بعد از سلام نماز سر به سوی آسمان می‌کنی و سی مرتبه می‌گویی: «**مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ اِلَی الْمَوْلَی الْجَلِیلِ**.» و حاجت می‌طلبی همانا به زودی حاجت روا خواهد شد إِنْشاءَاللّهُ تَعالیٰ.[1]

نماز استغاثه به حضرت بتول ؑ

روایت شده که هر گاه تو را حاجتی باشد به سوی حق تعالیٰ و سینه‌ات از آن تنگ شده باشد، پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه ؑ بخوان، پس به سجده برو و بگو صد مرتبه: «**یَا مَوْلَاتِی یَا فَاطِمَةُ أَغِیثِینِی**.» پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو، پس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو، پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن، بدرستی که

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۸ ـ ۱۱۹، ف ۴ به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۵۶.

خداوند بر می‌آورد آن را إنشاءاللّهُ تَعالیٰ.[۱]

مؤلف گوید: شیخ حسن ابن فضل طبرسی در «مکارم‌الأخلاق» فرموده: **نماز استغاثه به بتول**ﷺ: دو رکعت نماز می‌کنی پس به سجده می‌روی و می‌گویی «یٰا فٰاطِمَةُ» صدمرتبه، پس جانب راست رو را بر زمین می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی، پس جانب چپ می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی، پس دوباره به سجده می‌روی و صد و ده مرتبه می‌گویی، پس از آن می‌گویی:

«یٰا آمِناً مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ کُلُّ شَیْءٍ مِنْكَ خٰائِفٌ حَذِرٌ أَسْئَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ خَوْفِ کُلِّ شَیْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِیَنی أَمٰاناً لِنَفْسی وَ أَهْلی وَ مٰالی وَ وَلَدی حَتّیٰ لاٰ أَخٰافَ أَحَداً وَ لاٰ أَحْذَرَ مِنْ شَیْءٍ أَبَداً إِنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.»[۲]

نماز استغاثه به سوی خدا

و نیز در این کتاب شریف از حضرت صادقﷺ روایت کرده که فرموده: هر گاه یکی از شماها خواهد استغاثه کند به سوی خداوند، پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

«یٰا مُحَمَّدُ یٰا رَسُولَ اللّٰهِ یٰا عَلِیُّ یٰا سَیِّدَیِ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ بِکُمٰا أَسْتَغیثُ إِلَی اللّٰهِ تَعٰالیٰ یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ أَسْتَغیثُ بِکُمٰا یٰا غَوْثٰاهُ بِاللّٰهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فٰاطِمَةَ.»

و می‌شماری هر یک از امامان را، پس می‌گویی «**بِکُمْ أَتَوَسَّلُ إِلَی اللّٰهِ تَعٰالیٰ**؛ [به شما توسل می‌جویم به سوی خدای تعالی].» پس به درستی که در همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید انشاءالله تعالیٰ.[۳]

---

۱. قبس‌المصباح؛ بلدالامین، ص ۱۵۹، به نقل از بحار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۳، ب ۱۰.

۲. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۸، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۲۵۶.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۹، ف ۴، ح ۲۳۲۴، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۲۵۷.

نماز حضرت حجّت﷽ در مسجد جمکران

نماز حضرت حجّت﷽ در مسجد جمکران که در یک فرسخی بلدهٔ طیّبهٔ قم می‌باشد. شیخ مرحوم در «نجم ثاقب» کیفیّت بناء این مسجد شریف را به امر امام صاحب‌الزّمان﷽ نقل کرده در حکایت اوّل از باب هفتم آن کتاب، و در آن حکایت است که آن جناب فرمود به «حسن مثله جمکرانی»: **مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و عزیز دارند، و چهار رکعت نماز اینجا بگزارند:**

۱ دو رکعت تحیّت مسجد در هر رکعتی یک بار **اَلْحَمْد** و هفت بار **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ**، و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند.

۲ و دو رکعت نماز امام صاحب الزّمان﷽ بگزارند بر این نَسَق[1]: چون فاتحه خواند به «**اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعِینُ**» رسد صد بار بگوید، و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند، و در رکعت دوّم نیز به همین طریق بگزارد، و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید، و چون نماز تمام کرده شد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمهٔ زهرا﷽، و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش صَلَواتُ اللّٰه عَلَيْهِم بفرستد، و این نقل از لفظ مبارک امام﷽ است که: **فَمَنْ صَلّٰیهُما فَكَاَنَّما صَلَّیٰ فِی الْبَيْتِ الْعَتِيقِ** یعنی: **هر که این دو رکعت نماز را بگزارد، همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گزارده باشد.**[2]

✓ ایضاً نماز آن حضرت در شب جمعه

و نیز در «نجم ثاقب» از کتاب «کنوز النّجاح» شیخ طبرسی نقل کرده که: بیرون آمد از **ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب الزّمان عَلَيْهِ‌الصَّلٰوةُ وَالسَّلام** که: هر کس را به سوی حقتعالی حاجتی باشد، پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به جای نماز خود رود و دو رکعت نماز گزارد، در رکعت اوّل بخواند سورهٔ حمد را و چون به «اِیّاکَ

---

۱. ترتیب.

۲. نجم‌الثاقب، ص ۲۸۵، قم ۱۳۷۵ ش.

نَعْبُدُ وَ إِيّاکَ نَسْتَعِينُ» برسد صد مرتبه آن را مکرّر کند، و بعد از آن که صد مرتبه تمام شود تتمهٔ سورهٔ حمد را بخواند، و بعد از تمام شدن سورهٔ حمد سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده بجا آورد و «سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را هفت مرتبه در رکوع بگوید، و «سُبْحانَ رَبِّيَ الْأَعْلىٰ وَ بِحَمْدِهِ.» را در هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا آورد، و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند، پس به درستی که حقتعالی البتّه حاجت او را برمی‌آورد هر گونه حاجتی باشد، مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صلهٔ رحم باشد، و دعا این است:

«اَللّٰهُمَّ إِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ سُبْحانَ مَنْ اَنْعَمَ وَ شَكَرَ، سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ، اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَإِنّي قَدْ اَطَعْتُكَ في اَحَبِّ الْأَشْياءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمانُ بِكَ، لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَ لَمْ اَدْعُ شَرِيكاً مَنًّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لا مَنًّا مِنّي بِهِ عَلَيْكَ، وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يا إِلٰهِي عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ وَ لاَ الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ وَ لاَ الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَ لٰكِنْ اَطَعْتُ هَوايَ وَ اَزَلَّنِي الشَّيْطانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظالِمٍ لِي، وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْني فَإِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ.»

و بعد از آن تا نفس او وفا کند «يا كَرِيمُ يا كَرِيمُ» را مکرّر بگوید، و بعد از آن بگوید:

«يا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خائِفٌ حَذِرٌ، اَسْئَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِيَني اَماناً لِنَفْسي وَ اَهْلي وَ وَلَدي وَ سائِرِ ما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتّىٰ لا اَخافَ وَ لا اَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، يا كافِيَ إِبْراهِيمَ نُمْرُودَ، وَ يا كافِيَ مُوسىٰ فِرْعَوْنَ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكْفِيَني شَرَّ فُلانِ بْنِ فُلانٍ.»

به جای فلان بن فلان نام شخصی را که از ضرر او می‌ترسد و نام پدر او را بگوید، و از حقتعالی طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند، پس به درستی که حقتعالی البتّه کفایت ضرر او خواهد کرد إنْشاءَاللّهُ تَعالیٰ، و بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را مسئلت نماید و تضرّع و زاری کند به سوی حقتعالی، پس به درستی که نیست مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای که این نماز را بگزارد و این دعا را از روی اخلاص بخواند، مگر آن که گشوده می‌شود برای او درهای آسمان برای برآمدن حاجات او و دعای او مستجاب می‌گردد در همان وقت و همان شب هرگونه حاجتی که باشد، و این به سبب فضل و انعام حقتعالی است بر ما و بر مردمان انتهی.[1]

مؤلّف گوید: نجل جلیل شیخ طبرسی ـ رضی الدّین حسن بن فضل ـ نیز این نماز را در مکارم الأخلاق نقل کرده و در اوّل دعا به جای «**اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتُ عَصَیْتُکَ**، اِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ» ذکر کرده و بعد از حَتّیٰ لاٰ اَخافَ کلمهٔ اَحَداً اضافه کرده، و بعد از «**فِرْعَوْنَ**، **اَسْئَلُکَ**» و بقیّه مثل همند.[2]

نماز خوف از ظالم

منقول از «مکارم»: غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گزاری و زانوهای خود را برهنه می‌کنی در نزد جانماز خود و صد مرتبه می‌گویی:

«یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیّاً لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغِثْنِی السّاعَةَ السّاعَةَ.»

پس چون فارغ شدی از این بگو: «**اَسْئَلُکَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَلْطُفَ لی وَ اَنْ تَغْلِبَ لی وَ اَنْ تَمْکُرَ لی وَ اَنْ تَخْدَعَ لی وَ اَنْ تَکیدَ لی وَ**

---

۱. نجم الثاقب، ص ۳۸۸.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۳۵ ـ ۱۳۶، ف ۴، ح ۲۳۳۶، مهج الدّعوات، ص ۲۹۴.

اَنْ تَكْفِيَنِي مَؤُنَةَ فُلانِ ابْنِ فُلانٍ.» و این دعای حضرت رسول ﷺ است در روز اُحُد.[۱]

نماز به جهت تیزی ذهن و قوّت حافظه

در «مکارم‌الأخلاق» روایت شده از صادقَین علیهماالسلام[۲] که می‌نویسی با زعفران در ظرف نظیفی **حمد** و **آیةالکرسی** و **انّا انزلناه** و **یٰس** و **واقعه** و سورهٔ **حشر** و **تبارک** و **قل هُوَ اللّٰه اَحَد** و دو **قُلْ اَعُوذُ** را، پس این سوره‌ها را می‌شوئی به آب زمزم یا آب باران یا آب نظیفی، پس می‌اندازی در آن آب دو مثقال کُندُر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل، پس بگذار آن را شب در زیر آسمان و بگذار بر روی آن آهنی، پس آخر شب که می‌شود دو رکعت نماز می‌خوانی در هر رکعت **حمد** و پنجاه بار **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ**، و چون فارغ شدی از نماز، آن آب را می‌آشامی که نیکو و مجرّب است برای حفظ إنْشاءاللّٰهُ.[۳]

و بیاید در اواخر باب ششم چیزهائی که سبب کثرت حافظه خواهد بود.

نماز برای آمرزش گناهان

دو رکعت بجا آورد، در هر رکعت شصت مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** بخواند، چون از نماز فارغ شود گناهانش آمرزیده شود.[۴]

✓ نماز برای اینکه بهشت را در خواب ببیند

شیخ طوسی رحمه‌الله در «مصباح» در اعمال روز جمعه گفته: روایت شده از عبداللّه بن مسعود که گفت فرمود رسول خدا ﷺ: هر کسی که در روز جمعه بعد از نماز عصر دو رکعت نماز گزارد و بخواند در رکعت اوّل **فاتحه** و **آیةالکرسی** و **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۴ ـ ۱۲۵، ف ۴، ح ۲۲۴۵؛ به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۶۵.

۲. امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهماالسلام.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۶ ـ ۱۲۷، ف ۴، ح ۲۲۴۷؛ وسایل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۱۹، ح ۱.

۴. الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۱۵۶۰.

بیست و پنج مرتبه، و در رکعت دوّم فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ بیست و پنج مرتبه، و چون از نماز فارغ شود بیست و پنج مرتبه بگوید: «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» از دنیا بیرون نرود تا بنمایاند حقتعالی بهشت را در خواب به او و ببیند مکان خود را در بهشت.[۱]

مؤلّف گوید: که «سیّد ابن طاووس» در فصل سی و سوّم «جمال‌الأسبوع» نمازی برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده: این نمازی است جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن، حامل اسرار الهی می‌شناسد آن را، و مبادا که در حقّ آن سُستی کنی، هر که طالب است به آن کتاب رجوع کند.

نماز وصیّت

که حضرت رسولﷺ به آن وصیّت فرموده دو رکعت است بین مغرب و عشاء: در رکعت اوّل **حمد** و سیزده مرتبه **اِذٰا زُلْزِلَتْ**، و در دوّم **حمد** و پانزده مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ**، اگر هر شب به جا آورد، ثوابش را غیر از خدا کسی نتواند شماره نماید.[۲]

نماز عفو

دو رکعت است در هر رکعت **حمد** و یک مرتبه **اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ**، و بعد از قرائت **رَبِّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ** پانزده مرتبه، و در رکوع ده مرتبه، تمام می‌کنی مثل نماز جعفر.[۳]

نماز استغفار

مؤلف گوید: نماز استغفار مثل نماز عفو است مگر آنکه عوض **رَبِّ عَفْوَکَ** باید **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ** گفته شود، و این نماز برای **توسعهٔ معاش** نافع است انشاءاللّه تعالی.

---

۱. مصباح‌المتهجّد، ص ۲۸۲، جمال‌الاسبوع، ص ۲۲۰، ف ۲۸.

۲. فلاح‌السائل، ص ۲۲۳، ف ۲۵، به نقل از مرآة الکمال، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۴، ف ۴، به نقل از بحار، ج ۹۱، ص ۳۵۴.

ذکر نمازهای ایّام هفته

نماز روز شنبه :

سیّد ابن طاووس از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود: خواندم از کتابهای پدرانم علیهم السلام که هر که روز شنبه چهار رکعت نماز گزارد، بخواند در هر رکعتی حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ وَ آیة الکرسی، بنویسد خداوند عزّوجلّ او را در درجهٔ پیغمبران و شهداء وصالحین و نیکو رفیقانند ایشان

نماز روز یکشنبه:

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود: هر که روز یکشنبه چهار رکعت نماز گزارد، بخواند در هر رکعت حمد و سورهٔ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ حقتعالی مکان دهد او را در بهشت هر کجائی که خواسته باشد

نماز روز دوشنبه:

و نیز فرمود: هر که روز دوشنبه ده رکعت نماز بجا آورد، بخواند در هر رکعت حمد و توحید ده مرتبه، حقتعالی در روز قیامت برای او نوری قرار دهد که روشنائی دهد موقف را، تا غبطه برند بر او جمیع خلق خدا در آن روز.

نماز روز سه‌شنبه:

و نیز از آن حضرت روایت شده است: هر که در روز سه‌شنبه شش رکعت نماز بگزارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ آمَنَ الرَّسُولُ را تا به آخر و سورهٔ إِذَا زُلْزِلَتْ را یک مرتبه، حقتعالی گناهان او را بیامرزد و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده.

نماز روز چهارشنبه:

و نیز از آن حضرت روایت شده است: هر که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگزارد

و بخواند و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و سُوره اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ، خداوند قبول فرماید توبهٔ او را از هر گناهی و تزویج فرماید به او حوریّه در بهشت.

نماز روز پنجشنبه:

آن حضرت فرمود: هر که روز پنجشنبه ده رکعت نماز گزارد و بخواند در هر رکعتی سورهٔ حمد و قل هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را ده مرتبه، ملائکه به او گویند: هر حاجتی که داری بخواه که برآورده خواهد شد.

نماز روز جمعه:

و نیز فرمود: هر که روز جمعه چهار رکعت نماز گزارد و بخواند در هر رکعتی سورهٔ حمد و تَبٰارَکَ الَّذي بِيَدِهِ الْمُلْکُ و حمٓ سجده، حقتعالیٰ او را داخل بهشت کند و شفاعت او را در حقّ اهل بیت او قبول فرماید، و نگهدارد او را از فشار قبر و هولهای روز قیامت.

راوی سؤال کرد از آن حضرت که در چه وقت از روزها این نمازها را باید بجا آورد؟ فرمود: از مابین طلوع آفتاب تا وقت زوال.[1]

۱. جمال‌الاسبوع، ص ۴۲، ف ۴، به نقل از بحار، ج ۹۰، ص ۲۷۸ ـ ۲۷۹؛ وسایل، ج ۵، ص ۲۹۳ ـ ۲۹۴.

نماز شب‌های هفته

سید بن طاووس‌ؒ از جد مادري خود ـ شیخ طوسیؒ ـ این نمازها را با فضائلش نقل کرده است که رسول خدا فرموده است:

۱ کسی که در شب‌شنبه چهار رکعت نماز بگزارد. در هر رکعتی حمد یک مرتبه، و آیة الکرسی سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یک مرتبه، پس از سلام نماز سه مرتبه آیةالکرسی بخواند؛ خدای تعالی او و پدر و مادرش را می‌آمرزد و از کسانی می‌باشد که رسول خدا حضرت محمدﷺ برای آنها شفاعت می‌نماید.

⟸

⇐

۲ کسی که در شب یکشنبه دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت حمد، آیة الکرسی، سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلیٰ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یک مرتبه بخواند، در روز قیامت صورتش مانند ماه شب چهارده باشد، و تا زنده است خدا او را از عقلش بهره‌مند می‌گرداند. (تا آخر عمر کودن و کم عقل نمی‌شود).

۳ کسی که در شب دوشنبه دو نماز دو رکعتی بگزارد: در هر رکعت فاتحة الکتاب (حمد) هفت مرتبه و اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ یک مرتبه. هنگامی که از دو نماز فارغ شد، صد مرتبه بگوید: أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ و صد مرتبه بگوید: أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ جَبْرَئِيلَ؛ خدای تعالی به هر رکعتی هفتاد قصر در بهشت به او می‌دهد که در هر قصر هفتاد خانه، و در هر خانه هفتاد اطاق، و در هر اطاقی هفتاد کنیز هست.

۴ کسی که در شب سه شنبه دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت حمد، آیة‌الکرسی، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ وَشَهِدَ اللّٰهُ را هر کدام یک مرتبه بخواند، آنچه را که خواسته است، خدای تعالی به او می‌دهد.

۵ کسی که در شب چهارشنبه دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت حمد، آیة‌الکرسی، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ وَاِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را هر کدام یک مرتبه بخواند؛ خدای تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد. (یعنی: به او توفیق می‌دهد که در آینده گناه نکند، و اگر از روی غفلت گناه کرد و توبه نمود، آن گناه آمرزیده می‌شود.)

۶ کسی که در شب پنجشنبه میان مغرب و عشاء دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت حمد یک مرتبه، آیة الکرسی پنج مرتبه، قُلْ يٰا اَيُّهَا الْكٰافِرُونَ، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و مُعَوِّذَتين را هر کدام پنج مرتبه بخواند؛ پس از پایان نماز پانزده مرتبه استغفار نماید و ثواب آن را برای پدر و مادرش قرار دهد، آنگاه بیقین حق والدین خود را ادا نموده است.

۷ کسی که در شب جمعه دو رکعت نماز بگزارد: در هر رکعت حمد (یک مرتبه) و اِذٰا زُلْزِلَتِ را پانزده مرتبه بخواند، خدای تعالی او را از عذاب قبر و ترسهای روز قیامت ایمن گرداند.

جمال الاسبوع، ص ۱۰۰ ـ ۹۴ به نقل از مصباح المتهجد، ص ۲۲۸ ـ ۲۲۱.

۳

باب سوّم

در ادعیّه و عوذات آلام و اسقام
و علل اعضاء و تب و غیره

[داستان شفا یافتن سعید بن ابی‌الفتح قمی]

سیّد ابن طاووس رحمه‌الله در مهج‌الدّعوات نقل کرده از سعید بن ابی‌الفتح قمّی ـ که در واسط ساکن بود ـ گفت: مرا مَرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز بودند و پدرم مرا به دارالشّفاء برد و طبیبان و «ساعور» که مقدّم ترسایان باشد در طبّ جمع کرد برای معالجهٔ من، پس ایشان فکر کردند و گفتند که این مرض را غیر از خدا کسی نمی‌تواند علاج کند. از این سخن شکسته دل و غمناک شدم و کتابی از کتابهای پدرم برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم، در پشت آن کتاب دیدم نوشته که از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده است که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ تَبَارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

و دست بر آنجا که علّت باشد بمالد، از آن صحّت یابد و حضرت عزّت او را شفا بخشد.»[1] پس من صبر کردم چون صبح شد فریضه را بجا آوردم و چهل نوبت این دعا

---

۱. مهج‌الدّعوات، ص ۷۸؛ عُدّة‌الدّاعی، ص ۲۵۷؛ مصباح کفعمی، ص ۱۴۸.

را خواندم و دست بر آن محلّ می‌مالیدم، پس خدای تعالی آن مرض را از من رفع نمود، و من نشسته بودم و می‌ترسیدم که مبادا برگردد، تا سه روز بدین حال بودم بازنگردید، بعد از آن پدرم را خبر دادم به این قصّه، پس شکر خدا را بجا آورد و برای بعضی از اطبّاء که ذمّی بود آن را نقل کرد، پس آن طبیب نزد من آمد و مرض را دید که برطرف شده، در همان حال مسلمان شد و کلمهٔ شهادت گفت و اسلامش نیکو گردید.[1]

دعای یا مَنْ کَبَسَ الْاَرْضَ

شیخ کفعمی در **مصباح** فرموده: که هرگاه در تو علّتی باشد دست بمال به موضع سجدهٔ خود و بمال آن را بر موضع علّت هفت مرتبه در عقب هر نماز فریضه و بگو:

«یا مَنْ کَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْمٰآءِ وَ سَدَّ الْهَوٰآءَ بِالسَّمٰآءِ وَ اخْتٰارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْمٰآءِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی کَذٰا وَ کَذٰا وَ ارْزُقْنی وَ عٰافِنی کَذٰا وَ کَذٰا»[2]

دعاء عافیت

کفعمی از **متهجّد** نقل کرده: هر کسی که طلب عافیت بکند از دردی که با اوست، پس بگوید در سجدهٔ دوّم از دو رکعت اوّل نماز شب:

«یا عَلِیُّ یا عَظیمُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ یا سَمیعَ الدَّعَواتِ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَ الْاٰخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ الْاٰخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَذْهِبْ عَنّی هٰذَا الْوَجَعَ (و نام بَرَد آن درد را) **فَاِنَّهُ قَدْ غٰاظَنی وَ اَحْزَنَنی»** و الحاح کند در دعا که عافیت به تعجیل به او می‌رسد إنشاءالله

---

۱. مهج الدعوات، ص ۹۸.
۲. مصباح کفعمی، ص ۱۴۸، ف ۱۴.

تَعالیٰ.[۱] و در عُدَةالدّاعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که بگو در نزد علّت[۲] در حالی که خود را ظاهر کنی در زیر آسمان و دستها را بلند کنی:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَيَّرْتَ اَقْوامًا فِي كِتابِكَ فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْوِيلاً فَيا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرّي وَ لا تَحْوِيلَهُ عَنّي اَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْشِفْ ضُرّي وَ حَوِّلْهُ اِلىٰ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ اِلٰهًا آخَرَ فَاِنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ غَيْرُكَ.»[۳]

و روایت شده: هر مؤمنی که هر بیماری و علّتی پیدا کند دست بمالد به موضع درد و بگوید با خلوص نیّت: «**وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظّالِمِينَ اِلاّ خَسارًا**» عافیت یابد از آن، هر نحو علّتی باشد[۴]، و مصداق این در خود آیه است که فرموده: «**شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ.**»

ایضاً برای دفع مرض

یک صاع گندم بخرد و قفا بخوابد و آن گندمها را بر روی سینهٔ خود بریزد و بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي اِذا سَئَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْاَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَنْ تُعافِيَني مِنْ عِلَّتي»

پس برخیزد و بنشیند وگندمها را از اطراف خود جمع کند و این دعا را بخواند، پس آن را قسمت کند به چهار قسمت و هر چارک آن را که یک مُدّ باشد به مسکینی دهد و این دعا را بخواند که إنْشاءَاللّهُ تَعالیٰ از مرض بهبودی حاصل کند.[۵]

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۱۲۱؛ مصباح کفعمی، ص ۱۴۸. ۲. در نزد علّت: به هنگام بیماری.
۳. عُدّةالداعی، ص ۲۵۶، ب ۵. ۴. مصباح کفعمی، ص ۱۵۲، ف ۱۲.
۵. عدّةالداعی، ص ۲۵۶، ب ۵ به نقل از مصباح کفعمی، ص ۱۵۰، ف ۱۲.

و ایضاً از امیرالمؤمنین﷣ منقول است: دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:
«اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبّي حَقًّا لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَها وَ لِكُلِّ عَظيمَةٍ فَفَرِّجْها عَنّي.»[۱]

و از حضرت صادق﷣ منقول است: که دست بر موضع درد گذار و بگو: «بِسْمِ اللّٰهِ»، پس دست بکش بر آن و بگو هفت مرتبه:
«اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ اَعُوذُ بِاَسْماءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلىٰ نَفْسي.»[۲]

دعای مادر برای شفای فرزندش

و روایت شده: هر گاه فرزند مریض شد، مادرش بالای بام رود و مقنعه از سر برگیرد که موی او در زیر آسمان ظاهر شود، پس به سجده رود و بگوید:
«اَللّٰهُمَّ رَبِّ اَنْتَ اَعْطَيْتَنيهِ وَ اَنْتَ وَهَبْتَهُ لي اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْيَوْمَ جَديدَةً اِنَّكَ قادِرٌ مُقْتَدِرٌ» پس سر بلند نکند تا آنکه خوب شود فرزند او.[۳]

خواند سورهٔ حمد برای شفا

و شیخ شهید﷫ نقل کرده که هر که درد شدیدی دارد، بخواند بر قدح آبی چهل مرتبه سورهٔ حمد، پس آن آب را بریزد بر خود و بگذارد مریض نزد خود زنبیلی که در آن گندم باشد، پس به دست خود از آن گندم به سائل دهد و امر کند او را که دعا کند برای او تا شفا یابد إِنْشاءَاللّٰهُ تَعالیٰ.[۴] و به اسانید معتبره وارد شده که دوا کنید بیماران خود

---

۱. عدة‌الداعی، ص ۲۵۸، ب ۵.
۲. عدة‌الداعی، ص ۲۵۸، ب ۵.
۳. مصباح کفعمی، ص ۱۵۱، ف ۱۲.
۴. مصباح کفعمی، ص ۱۵۱، ف ۱۲.

را به تصدّق.[1] و نیز شیخ شهید نقل کرده برای رفع مرض آنکه دست بگذارد بر بازوی راست مریض و بخواند حمد هفت مرتبه و بخواند این دعا را:

«اَللّٰهُمَّ اَزِلْ عَنْهُ الْعِلَلَ وَ الدّٰاءَ وَ اَعِدْهُ اِلَی الصِّحَّةِ وَالشِّفٰاءِ وَ اَمِدَّهُ بِحُسْنِ الْوِقٰایَةِ وَرُدَّهُ اِلیٰ حُسْنِ الْعٰافِیَةِ وَ اجْعَلْ مٰا نٰالَهُ فی مَرَضِهِ هٰذٰا مٰادَّةً لِحَیٰوتِهِ وَ کَفّٰارَةً لِسَیِّئٰاتِهِ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.» پس اگر اثر نکرد در خوب شدن او، مکرّر کند حمد را هفتاد مرتبه که اثر خواهد کرد إنْشاءَاللّٰهُ تَعالیٰ.

از حضرت باقر﷣ روایت است: هر کس را که سورهٔ حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ خوب نکند چیز دیگر او را خوب نکند، و هر علّتی را این دو سوره نیکو می‌کند.[2]

و از حضرت صادق﷣ منقول است: هر مؤمنی که علّتی داشته باشد از روی اخلاص بگوید:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مٰا هُوَ شِفٰاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ» و مسح کند موضع علّت را، حقتعالی او را شفا دهد.[3]

دعای حضرت رضا﷣ برای شفای بیماریها

و از حضرت امام رضا﷣ روایت شده است که برای رفع تمامی امراض بخوان بر آنها:

«یٰا مُنَزِّلَ الشِّفٰاءِ وَ مُذْهِبَ الدّٰاءِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَنْزِلْ عَلیٰ وَجَعِی الشِّفٰاءَ.»[4]

دعایی که جبرئیل به پیامبر آموخت

سیّد ابن طاووس﷫ در «مُهَج» از ابن عبّاس روایت کرده که گفت: من در نزد

---

۱. کافی، ج ۴، ص ۳، ح ۵: داوُوا مَرْضاکُمْ بِالصَّدَقَةِ (امام باقر﷣).

۲. همان، ص ۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۵۲.

حضرت اميرالمؤمنين‌ عليه السلام نشسته بودم، پس شخصی در آمد رنگ او رفته و گفت: يا اميرالمؤمنين! من هميشه بيمارم و دردهای بسيار دارم، پس مرا دعائی بياموز که به آن استعانت بجويم بر امراضم. حضرت فرمود: می‌آموزم تو را دعائی که جبرئيل آن را به حضرت پيغمبر صلی الله عليه و آله آموخت در وقتی که حسن و حسين عليهما السلام بيمار بودند، و آن دعا اين است:

«اِلٰهِي كُلَّما اَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِنِعْمَةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَها شُكْرِي وَ كُلَّما ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَها صَبْرِي فَيا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلاۤئِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يا مَنْ رَاٰنِي عَلَى الْمَعاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ يا مَنْ رَاٰنِي عَلَى الْخَطايا فَلَمْ يُعاقِبْنِي عَلَيْها صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْلِي ذَنْبِي وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

ابن عبّاس گفت: پس ديدم آن مرد را بعد از يک سال در حالی که رنگش نيکو و قرمز شده بود، و گفت: در هيچ دردی نخواندم اين دعا را مگر آنکه شفا يافتم، و داخل نشدم بر سلطانی که از او می‌ترسيدم مگر آنکه خداوند عزّوجلّ ردّ کرد شرّ او را از من.[1]

دعای در کلاه نجاشی

منقول است که به «نجاشی» از پدرانش کلاهی به ارث رسيده بود از چهارصد سال که بر هر دردی که نهاده می‌شد ساکن می‌گشت، پس آن کلاه را شکافتند که ببينند چه در آن است، ديدند که در آن اين دعا است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لاۤ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ وَ الْمَلاۤئِكَةُ وَ اُولُوا الْعِلْمِ قاۤئِماً بِالْقِسْطِ لاۤ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلامُ لِلّٰهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّةٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطانٌ وَ بُرْهانٌ لاۤ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ اٰدَمُ صَفِيُّ اللّٰهِ لاۤ اِلٰهَ اِلاّٰ

---

۱. مهج الدعوات، ص ۹؛ مصباح كفعمی، ص ۱۵۲.

اللّٰهُ اِبْراهيمُ خَليلُ اللّٰهِ لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ مُوسىٰ كَليمُ اللّٰهِ لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ مُحَمَّدٌ الْعَرَبِيُّ رَسُولُ اللّٰهِ وَ حَبيبُهُ وَ خِيَرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ اُسْكُنْ يا جَميعَ الْاَوْجاعِ وَ الْاَسْقامِ وَ الْاَمْراضِ وَ جَميعَ الْعِلَلِ وَ جَميعَ الْحُمَّيٰاتِ سَكَّنْتُكَ بِالَّذي سَكَنَ لَهُ ما فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعينَ.»[1]

در مکارم‌الأخلاق است که «نجاشی ملک» صُداعی داشت، مرض خود را برای حضرت رسولﷺ نوشت، حضرت این حِرز را برای او فرستاد، او در کلاه خود گذاشت دردش ساکن شد و آن حرز این است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ شَهِدَ اللّٰهُ (تا آخر آیه) لِلّٰهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ عِزٌّ وَ قُوَّةٌ وَ بُرْهانٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطانٌ وَ رَحْمَةٌ يا مَنْ لا يَنامُ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ اِبْراهيمُ خَليلُ اللّٰهِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ مُوسىٰ كَليمُ اللّٰهِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عيسىٰ رُوحُ اللّٰهِ وَ كَلِمَتُهُ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَصَفِيُّهُ وَ صِفْوَتُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ اُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ ما فِي السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ بِمَنْ سَكَنَ لَهُ ما فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ فَسَخَّرْنا لَهُ الرّيحَ تَجْري بِاَمْرِهِ رُخاءً حَيْثُ اَصابَ وَ الشَّياطينَ كُلَّ بَنّاءٍ وَ غَوّاصٍ اَلا اِلَى اللّٰهِ تَصيرُ الْاُمُورُ.»[2]

✓ تعویذ به جهت درد سر و درد گوش

از حضرت باقرالعلومؑ روایت شده است که به جهت تسکین درد سر، سر را مسح کند و هفت مرتبه بگوید:

«اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذي سَكَنَ لَهُ ما فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ ما فِي السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.»[3]

۱. دعوات راوندی به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۶۲، ح ۳۸. ۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۲۶۲۰ با اندک تفاوت.

۳. مصباح کفعمی، ص ۱۵۳، ف ۱۸.

و این دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادق ﷺ هفت مرتبه نقل شده. و نیز از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره در گوش که درد می‌کند بریز.[1]

✓ **ایضاً برای درد سر:** بخواند بر قدح آبی: «اَوَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوٓا اَنَّ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ کٰانَتٰا رَتْقًا فَفَتَقْنٰاهُمٰا وَ جَعَلْنٰا مِنَ الْمٰآءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلٰا یُؤْمِنُونَ» پس بیاشامد آن را.[2]

و روایت شده که هر گاه کسالت یا صُداع عارض حضرت رسول ﷺ می‌گشت دستها را می‌گشود و **فاتحه** و **معوذتین** می‌خواند و به صورت می‌کشید پس برطرف می‌شد از آن حضرت درد. و نیز از برای رفع صُداع، دست بکشد بر سر او و بگوید:

«اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِکُ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ اَنْ تَزُولٰا وَ لَئِنْ زٰالَتٰا اِنْ اَمْسَکَهُمٰا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کٰانَ حَلِیماً غَفُوراً.»

دعای در کلاه قیصر روم

و از ربیع‌الأبرار نقل است: که مأمون را در طرطوس صُداعی عارض شد و به هیچ وجه علاج آن نشد، قیصر رُوم کلاهی برای او فرستاد و نوشت برای او: «شنیدم خبر صُداع تو را، این کلاه را فرستادم که بر سر گذاری تا درد ساکن شود.» مأمون ترسید که در آن زهری تعبیه کرده باشد، امر کرد بر سر حاملش نهادند، دید ضرری به او نرسانید، پس امر کرد بر سر کسی دیگر که صداع داشت نهادند دردش ساکن شد، آن وقت مأمون آن کلاه را بر سر خود گذاشت دردش ساکن گشت! تعجّب نمود، آن را شکافت دید که در آن نوشته است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِی عِرْقٍ سٰاکِنٍ حٰمٓ عٓسٓقٓ لٰا

---

۱. طب‌الائمه، ص ۷۳، به نقل از بحار، ج ۶۲، ص ۱۴۶. ۲. مصباح کفعمی، ص ۱۵۳، ف ۱۸.

يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَ لَا يُنْزِفُونَ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمٰنِ خَمَدَتِ النّيرانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَ جٰالَ نَفْعُ الدَّوٰاءِ فِيكَ كَمٰا يَجُولُ مٰاءُ الرَّبِيعِ فِي الْغُصْنِ.»[1]

✓ تعویذ به جهت درد شقیقه: بگذارد دست بر محلّ درد و سه دفعه بگوید: «يٰا ظٰاهِراً مَوْجُوداً وَ يٰا بٰاطِناً غَيْرَ مَفْقُودٍ أُرْدُدْ عَلىٰ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أيٰادِيَكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَ أذْهِبْ عَنْهُ مٰا بِهِ مِنْ أذًى إنَّكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ. [وَدُودٌ]»[2]

✓ به جهت کری گوش: از حضرت باقرالعلوم؈ وارد شده است که بگذار دست بر آن و بخوان: لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ تا آخر سوره.[3]

✓ به جهت درد دهان: از حضرت صادق؈ روایت شده است که بگذار دست بر آن و بگو:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لٰا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دٰاءٌ أعُوذُ بِكَلِمٰاتِ اللّٰهِ الَّتِي لٰا يَضُرُّ مَعَهٰا شَيْءٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ أسْئَلُكَ يٰا رَبِّ بِاسْمِكَ الطّٰاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبٰارَكِ الَّذِي مَنْ سَئَلَكَ بِهِ أعْطَيْتَهُ وَ مَنْ دَعٰاكَ بِهِ أجَبْتَهُ أسْئَلُكَ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ أهْلِ بَيْتِهِ وَ أنْ تُعٰافِيَنِي مِمّٰا أجِدُ فِي فَمِي وَفِي رَأْسِي وَ فِي سَمْعِي وَ فِي بَصَرِي وَ فِي بَطْنِي وَ فِي ظَهْرِي وَ فِي يَدِي وَ فِي رِجْلِي وَفِي جَوٰارِحِي كُلِّهٰا» که شفا می‌یابی إنْشٰاءَاللّٰهُ تعالیٰ.[4]

✓ به جهت درد دندان: از حضرت صادق؈ روایت شده است که بخواند بر آن ـ بعد از گذاشتن دست بر آن ـ حمد و توحید و قدر و این آیهٔ مبارکه:

«وَ تَرَى الْجِبٰالَ تَحْسَبُهٰا جٰامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحٰابِ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِي أتْقَنَ

---

۱. بحار، ج ۹۵، ص ۶۳.
۲. مصباح کفعمی، ص ۱۵۳، ف ۱۸؛ طب الائمه، ص ۲۰.
۳. همان، ص ۱۵۳.
۴. همان، ص ۱۵۴.

كُلِّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ.»[۱]

ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که: دست بکش بر موضع سجدهٔ خود پس مسح کن دندانِ دردکن را و بگو:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَالشَّافِي [والکافی] اَللّٰهُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»[۲]

✓ **عوذه مُجرّبه برای درد دندان:** می‌خوانی حمد و دو قُلْ اَعُوذُ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را می‌خوانی با هر سوره: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ و بعد از قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ می‌گویی:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ لَهُ مٰا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنٰا يٰا نٰارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاٰماً عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَ أَرٰادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْنٰاهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النّٰارِ وَ مَنْ حَوْلَهٰا وَ سُبْحٰانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ.»

پس می‌گویی: «اَللّٰهُمَّ يٰا كٰافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لاٰ يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ إِكْفِ عَبْدَكَ وَ ابْنَ أَمَتِكَ مِنْ شَرِّ مٰا يُخٰافُ وَ يُحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ.»[۳]

و نیز روایت شده: کاردی یا برگ خرمائی بگیرد و بمالد بر آن جانب که درد می‌کند و بگوید هفت مرتبه:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَ إِبْرٰاهِيمُ خَلِيلُ اللّٰهِ اُسْكُنْ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مٰا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ بِإِذْنِهِ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»[۴]

و ایضاً وارد شده که چوبی یا آهنی بگذارد بر دندانِ دردکن و افسون کند آن را از جانب آن هفت مرتبه:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُودَةٌ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَ تُنْزِلُ الدَّمَ أَنَا الرّٰاقِي وَ اللّٰهُ الشّٰافِي وَ الْكٰافِي لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

---

۱. همان، ص ۱۵۳.
۲. همان، ص ۱۵۴.
۳. طب الائمه، ص ۲۵.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۱، ح ۲۶۲۴.

الْعالَمِينَ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارَأْتُمْ فِيها بخواند تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ هفت مرتبه این را بجا آورد.[۱]

✓ **به جهت درد سینه** : وارد شده آیهٔ : «وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارَأْتُمْ تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»[۲] و روایت شده که استشفا کن به قرآن زیرا که حقتعالی فرموده: «فِيهِ شِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ.»[۳] و از برای سُرفه دُعاء جامعه وارد شده: «اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَجائِي وَ أَنْتَ ثِقَتِي وَ عِمادِي» و این دعاء طویلی است طالبین رجوع کنند به مأخذ آن کتاب دعای بحار، ص ۲۰۹.[۴]

✓ **به جهت درد شکم:** از حضرت رسولﷺ روایت شده است که بیاشامد شربت عسل به آب گرم و تعویذ کند آن را به **فاتحة الکتاب** هفت مرتبه.[۵]

ایضاً از حضرت امیرالمؤمنینؑ روایت شده است که بیاشامد آب گرم و بگوید:

«**يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا رَبَّ الْأَرْبابِ يا إِلٰهَ الْآلِهَةِ يا مَلِكَ الْمُلُوكِ يا سَيِّدَ السّادَةِ اشْفِنِي بِشِفائِكَ مِنْ كُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ.**»[۶]

و نیز به جهت **درد شکم و غیره:** بگذارد دست بر آن و بگوید هفت مرتبه: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ جَلالِهِ مِنْ شَرِّ ما أَجِدُ»، بگذارد دست راست بر موضع درد و بگوید سه مرتبه «بِسْمِ اللّٰهِ.»[۷]

✓ **به جهت قولنج** : بنویسد بر لوحی یا کتفی حمد و توحید و دو قُلْ أَعُوذُ و در زیر

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۲۶۲۶. ۲. بقره، آیه ۷۲؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳. یونس، آیه ۵۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۲۵۳۵.

۴. بحار، ج ۹۵، ص ۱۰۲. ۵. طب الائمه، ص ۲۷.

۶. مصباح کفعمی، ص ۱۵۴؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۵.

۷. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۶.

آنها بنویسد: «اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتِی لاٰ تُرٰامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِی لاٰ یَمْتَنِعُ مِنْهٰا شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ مٰافِیهِ وَ مِنْ شَرِّ مٰا اَجِدُ مِنْهُ» پس بشوید آن را به آب باران و در وقتی که ناشتا است و در وقت خواب بیاشامد که إنْشاءَاللّٰهُ مبارک ونافع است.[1]

✓ **به جهت درد شکم و قولنج :** روایت شده که شخصی خدمت حضرت رسول ﷺ شکایت کرد از درد شکم برادرش، حضرت فرمود: امر کن برادرت را که بیاشامد شربتی از عسل با آب گرم، آن مرد رفت و فردای آن روز خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که آن شربت را به او آشامانیدم و فایده نبرد، فرمود: «صَدَقَ اللّٰهُ وَ کَذَبَ بَطْنُ اَخِیکَ» برو او را شربت عسل بده و تعویذ کن آن را به سورهٔ حمد هفت مرتبه. پس چون آن مرد رفت حضرت فرمود به امیرالمؤمنین ﷺ، **یا علی! به درستی که برادر این مرد منافق است و از این جهت است که آن شربت او را نفع نمی‌بخشد.**[2]

✓ **به جهت ثالول** ـ و آن میخچه‌ای است که غالباً در دست پیدا می‌شود ـ **وارد شده:** بگیر برای هر یک از آن هفت دانه جو، بخوان بر هر دانه جو از اوّلِ سورهٔ : «اِذٰا وَقَعَتْ» تا «هَبٰآءً مُنْبَثًّا». وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْجِبٰالِ فَقُلْ یَنْسِفُهٰا رَبِّی نَسْفاً فَیَذَرُهٰا قٰاعًا صَفْصَفًا لاٰ تَرىٰ فِیهٰا عِوَجًا وَ لاٰ اَمْتًا» هفت مرتبه، پس بگیر یک یک دانه‌های جو را و بمال به ثالول، پس ببند آنها را در خِرقه و با آن سنگی ببند و بیندازد آن را در چاهی، و بعضی گفته‌اند: که شایسته است این عمل در آخر ماه باشد که ماه در آن پنهان است.[3] و نیزنقل شده که صاحبش قطعهٔ نمکی بگیرد و بمالد به ثالول و بخواند بر آن سه مرتبه: لَوْ اَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلىٰ جَبَلٍ تا آخر سورهٔ حشر، و بیندازد آن را در تنوری و بشتاب بگذرد که برطرف خواهد شد إنْشاءَاللّٰهُ تَعالىٰ.[4] و در خزائن است که مالیدن نوره بر ثالول برطرف خواهد کرد آن را.

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۲۵۴۰؛ طب الائمه، ص ۶۵.

۲. طب الائمه، ص ۲۷ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۰۹، ح ۲.

۳. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵۰؛ مصباح کفعمی، ص ۱۵۸. ۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۲۷.

✓ **به جهت ورمهای بدن** : روایت شده که چون وضو سازی برای نماز فریضه بخوان بر آن پیش از نماز و بعد از آن: **لَوْ اَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰىٰ جَبَلٍ** تا آخر سوره[۱] و تدبّر کن در وقت خواندن آن که إنشاءالله وَرم ساکن خواهد شد.

✓ **به جهت رفع دشوار زائیدن زنان** : بنویسد در پوستی:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مٰا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلاّٰ سٰاعَةً مِنْ نَهٰارٍ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهٰا لَمْ يَلْبَثُوا اِلاّٰ عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰيهٰا، اِذْ قٰالَتِ امْرَاَتُ عِمْرٰانَ رَبِّ اِنّي نَذَرْتُ لَكَ مٰا في بَطْني مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ»

پس ببند آن را بر ران راست او و چون فرزندش متولّد شد آن را باز کند.[۲] و نیز روایت شده که بخواند بر آن : «**فَاَجٰاءَهَا الْمَخٰاضُ اِلىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ** تا **رُطَبًا جَنِيًّا**» پس صدا بلند کند به این آیه:

«وَ اللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهٰاتِكُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصٰارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ كَذٰلِكَ اُخْرُجْ اَيُّهَا الطَّلْقُ اُخْرُجْ بِاِذْنِ اللّٰهِ.»[۳]

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که برای آسان شدن ولادت بنویسد در پوستی یا کاغذی:

«اَللّٰهُمَّ فٰارِجَ الْهَمِّ وَ كٰاشِفَ الْغَمِّ وَ رَحْمٰنَ الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحيمَهُمٰا اِرْحَمْ فُلاٰنَةَ بِنْتَ فُلاٰنَةَ رَحْمَةً تُغْنيهٰا بِهٰا عَنْ رَحْمَةِ جَميعِ خَلْقِكَ تُفَرِّجُ بِهٰا كُرْبَتَهٰا وَ تَكْشِفُ بِهٰا غَمَّهٰا وَ تُيَسِّرُ وِلاٰدَتَهٰا وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لاٰ يُظْلَمُونَ وَ قيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ.»[۴]

✓ **به جهت باز کردن بسته شده** : بنویسد اوّل سورهٔ **اِنّٰا فَتَحْنٰا** تا **مُسْتَقيماً** و سورهٔ اِذٰا

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۵۶.
۲. همان، ص ۱۵۹.
۳. طبّ الائمه، ص ۶۹ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۱۶.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۸، ح ۲۴۲۵.

جاءَ نَصْرُاللّٰهِ و این آیات را:

«وَ مِنْ آياتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْواجًا لِتَسْكُنُوا اِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ في ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ثُمَّ ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبابَ فَاِذا دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غالِبُونَ فَفَتَحْنا اَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْماءُ عَلىٰ اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لي صَدْري وَ يَسِّرْ لي اَمْري وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِساني يَفْقَهُوا قَوْلي وَ تَرَكْنا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ في بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْناهُمْ جَمْعًا كَذٰلِكَ حَلَلْتُ فُلانَ ابْنَ فُلانٍ عَنْ بِنْتِ فُلانَةٍ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَريصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.»

پس این نوشته را همراه او نموده و بر او آویزان کنند.[1]

و در «طبّ الأئمه» دعائی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل شده که تعلیم «اسحاق صحّاف» فرموده، چون طولانی بود ذکر ننمودیم.

✓ **تعویذ تب:**

(۱) بخواند این تعویذ را که رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلیم امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده:

«اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِيَ الرَّقيقَ وَ عَظْمِيَ الدَّقيقَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَريقِ يا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللّٰهِ فَلا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَ لا تَشْرَبِي الدَّمَ وَ لا تَفُوري مِنَ الْفَمِ وَ انْتَقِلي اِلىٰ مَنْ يَزْعَمُ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهاً آخَرَ فَاِنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.»[2]

(۲) مواظبت کند در صبح و شام به خواندن **دعای نور** که سلمان از حضرت فاطمه

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۶۰؛ عدّة الدّاعی، ص ۲۷۷، ب ۶. ۲. دعوات راوندی به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۳۱.

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْها نقل کرده[۱] و در مفاتیح ذکر شده.

۳ روایت شده که ائمه علیهم السلام تب را به آب سرد معالجه می‌کردند، پیوسته یک جامه را در آب تر می‌کردند و بر بدن می‌چسبانیدند.[۲]

۴ به خطّ حضرت امام رضا علیه السلام دیده شده که برای تب به سه قطعه کاغذ بنویسند: بر قطعهٔ اوّل «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلیٰ.» و بر دوّم: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰالِمینَ.» و بر سوّم: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ تَبارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمینَ.» پس بخواند بر هر قطعه سه مرتبه توحید و ببلعد آن را تا سه روز در هر روزی یکی از آنها را که خوب خواهد شد إنشاءاللّٰهُ تعالیٰ.[۳]

۵ تکمه‌های پیراهن را بگشاید و سر را در پیراهن داخل کند و اذان و اقامه گوید و هفت مرتبه حمد بخواند که إنشاءاللّٰهُ خوب خواهد شد.[۴]

۶ روایت است از ائمه علیهم السلام که بنویسد در پوستی و آویزان کند بر تبدار این عوذه را:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ سُلْطانِكَ وَ ما اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ لا تُسَلِّطَ عَلیٰ فُلانِ ابْنِ فُلانٍ شَيْئاً مِمّا خَلَقْتَ بِسُوءٍ وَ ارْحَمْ جِلْدَةَ الرَّقیقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقیقَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَریقِ اُخْرُجي یا اُمَّ مِلْدَمٍ یا آكِلَةَ اللَّحْمِ وَ شارِبَةَ الدَّمِ حَرَّها وَ بَرْدَها مِنْ جَهَنَّمَ اِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللّٰهِ الْاَعْظَمِ اَنْ لا تَاْكُلي لِفُلانِ ابْنِ فُلانَةَ لَحْماً وَ لا تَمَصّي لَهُ دَماً وَ لا تَنْهَكي لَهُ عَظْماً وَ لا تُوَرّي عَلَیْهِ غَمّاً وَ لا تُهَیِّجي عَلَیْهِ صُداعاً وَ انْتَقِلي عَنْ شَعْرِهِ وَ بَشَرِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ اِلیٰ مَنْ زَعَمَ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهاً آخَرَ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ سُبْحانَهُ وَ تَعالیٰ عَمّا یُشْرِكُونَ» و بنویسد بعد از «عَمّا یُشْرِكُونَ» اسم یک نفر از اهل ذمّه یا یکی از دشمنان خدا را.[۵]

---

۱. مهج الدعوات، ص ۶ـ۹.

۲. طبّ الائمه، ص ۵۰ به نقل از بحار، ج ۶۲، ص ۹۶.

۳. مصباح کفعمی، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۴. طبّ الائمه، ص ۵۲ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۲۲.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰ به نقل از بحار، ص ۳۶، ج ۱۲.

۷ بنویسد از برای تب و ببندد بر بازوی راست تبدار:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ تا آخر سوره بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَعُوذُ بِكَلِمٰاتِ اللّٰهِ التّٰامّٰاتِ كُلِّهٰا الَّتِي لاٰ يُجٰاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لاٰ فٰاجِرٌ مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ وَ ذَرَءَ وَ بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ الْهٰامَّةِ وَ السّٰامَّةِ وَ الْعٰامَّةِ وَ اللاّٰمَّةِ وَ مِنْ شَرِّ طَوٰارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسّٰاقِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطٰانِ وَ شِرْكِهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا اِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ رَبَّنٰا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنٰا وَ اِلَيْكَ اَنَبْنٰا وَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ يٰا نٰارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ اِبْرٰاهِيمَ وَ اَرٰادُوا بِهِ كَيْدًا وَ جَعَلْنٰاهُمُ الْاَخْسَرِينَ بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ فُلاٰنِ ابْنِ فُلاٰنَةَ، رَبَّنٰا لاٰ تُؤٰاخِذْنٰا اِنْ نَسِينٰا اَوْ اَخْطَاْنٰا (تا آخر سوره) حَسْبِيَ اللّٰهُ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لاٰ يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبٰادِهِ خَبِيراً بَصِيرًا لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزٰابَ وَحْدَهُ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنٰا وَ رُسُلِي اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغٰالِبُونَ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.»[1]

۸ بر سه قطعه شکر بنویسد و هر قطعه را صبح ناشتا بخورد تا سه روز، در قطعهٔ اوّل: «عَقَدْتُ بِإِذْنِ اللّٰهِ.» و در دوّم: «شَدَدْتُ بِإِذْنِ اللّٰهِ» و در سوّم: «سَكَنْتُ بِإِذْنِ اللّٰهِ.»[2]

✓ **دعاء زحیر**: روایت شده: که شخصی شکایت کرد به حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام و گفت: مرا «زحیری» است که ساکن نمی‌شود، فرمود: هر گاه فارغ شدی از نماز شب بگو:

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲ ص ۲۶۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۷ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۳۲

«اَللّٰهُمَّ مٰا كٰانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لاٰ حَمْدَ لي فيهِ وَ مٰا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنيهِ لاٰ عُذْرَ لي فيهِ اَللّٰهُمَّ إنّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلىٰ مٰا لاٰ حَمْدَ لي فيهِ اَوْ آمَنَ مِمّٰا لاٰ عُذْرَ لي فيهِ.»[1]

✓ **دعاء قرقرهٔ شکم** : و نیز روایت است که شخصی شکایت کرد به آن حضرت و گفت: شکم من پیوسته صدا می‌کند و من حیا می‌کنم با مردم تکلّم کنم، زیرا آن صدا از شکم من بیرون می‌آید و مردم می‌شنوند پس دعا کنید از برای من به شفاء، آن حضرت فرمود: هر گاه فارغ شدی از نماز شب بگو: **«اَللّٰهُمَّ مٰا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لاٰ حَمْدَ لي فيهِ»** تا آخر آنچه گذشت.[2] و نیز از حضرت صادق علیه السلام وارد شده برای «قرقرهٔ شکم» که سیاه دانه با عسل بخورد.[3]

✓ **دعای بَرَص (پیسیِ اندام)** : از یونس روایت است که گفت: سپیدی در مابین دیدگان من عارض شده بود، شکایت کردم آن را به حضرت صادق علیه السلام، فرمود: وضو بگیر و دو رکعت نماز گزار و بگو:

«يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحيمُ يٰا سَميعَ الدَّعَواتِ يٰا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ اَعْطِني خَيْرَ الدُّنْيٰا وَ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَ قِني شَرَّ الدُّنْيٰا وَ شَرَّ الْآخِرَةِ وَ اَذْهِبْ عَنّي مٰا اَجِدُ فَقَدْ غٰاضَنِي الْاَمْرُ وَ اَحْزَنَني»

یونس گفت: چنان کردم که آن حضرت فرموده بود، حقتعالی آن پیسی را از من زایل کرد وَ لَهُ الْحَمْدُ.[4]

و در روایت عدّة الدّاعی است که حضرت با وی فرمود: چون ثلث آخر شب می‌شود برخیز در اوّل آن و وضو بگیر و مشغول نماز شب خود بشو و بگو در سجدهٔ آخر در

---

۱. همان، ج ۲ ص ۲۷۶، ح ۲۶۳۴.

زحیر: ناله، اسهال، پیچش شکم، اسهال خونی و دیسانتری (فرهنگ عمید)

۲. طب الائمه، ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۰۰ به نقل از بحار، ج ۶۲ ص ۱۷۷.

۴. طبّ الائمه، ص ۱۰۲.

رکعت اوّل:

«یا عَلِیُّ یا عَظیمُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا سامِعَ الدَّعَواتِ یا مُعْطِیَ الْخَیْراتِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِنی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَذْهِبْ عَنّی هٰذَا الْوَجَعَ فَاِنَّهُ قَدْ غاظَنی وَ اَحْزَنَنی» و الحاح و مبالغه کن در دعاء. یونس گفت: من بجا آوردم آنچه فرموده بود، به کوفه هنوز نرسیده بودم که خوب شدم.[۱] و نیز برای آن نوشتن سورهٔ یس با عسل در جامی و شستن و خوردن وارد است، چنانکه برای بواسیر نیز وارد شده، و همچنین تربت امام حسین‌علیه‌السلام با آب باران برای پیسی وارد شده.[۲] و حنا را با نوره مخلوط کردن و به روی آن مالیدن نیز روایت شده.[۳]

✓ **به جهت جَرَب و دُمل و قوباء** ـ و آن جوششی است در بدن با خارش بسیار که آن را **داد** گویند ـ: روایت شده که بخوانند بر او و بنویسند و بر او آویزان کنند:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ وَ مَثَلُ کَلِمَةٍ خَبیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ (تا آخر آیه) مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فیها نُعیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَةً اُخْریٰ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَ اَنْتَ لا تُکَبِّرُ اَللّٰهُ یَبْقیٰ وَ اَنْتَ لا تَبْقیٰ وَ اللّٰهُ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.»[۴]

✓ **به جهت درد عورت**: روایت شده که یکی از اصحاب ائمه‌علیهم‌السلام عورت خود را گشوده بود در موضعی که شایسته نبود، مبتلا شده بود به درد آن، خدمت حضرت صادق‌علیه‌السلام شکایت کرد حضرت تعلیم فرمود او را این عوذه، فرمود دست چپ خود را بر آن بگذار و بگو:

---

۱. عدّة الداعی، ص ۲۶۷، ب ۵.
۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۸ ـ ۲۵۴۷.
۳. طب الائمّه، ص ۱۰۲.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۲۵.

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ بَلىٰ مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْلَمْتُ وَجْهِي اِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ لاٰمَلْجَأَ وَ لاٰ مَنْجٰا اِلاّٰ اِلَيْكَ» این را سه مرتبه بگو که عافیت خواهی یافت اِنْشاءَاللّٰهُ تَعالىٰ.[1]

✓ **به جهت درد زانو:** از طبّ الائمة نقل است که «جابر جُعفی» از امام محمّد باقر(ع) روایت کرده که گفت: من نزد امام حسین(ع) بودم که مردی از شیعیان او از بنی‌امیّه آمد به خدمتش و عرض کرد: یَابْنَ رَسُولُ اللّٰهْ! من نمی‌توانم به خدمت شما بیایم به جهت درد پائی که دارم. حضرت فرمود: چرا غافلی از تعویض امام حسن(ع)؟! گفت: یابنَ رسُول اللّه چیست آن؟ فرمود: «اِنّٰا فَتَحْنٰا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا تا وَ كٰانَ اللّٰهُ عَزِيزاً حَكِيمًا» پس بجا آورد آن مرد آنچه فرموده بود آن حضرت، پس از آن احساس نکرد درد پا را.[2]

و نیز برای درد زانو وارد شده که چون نماز گزاردی بگو:

«يٰا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ يٰا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يٰا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ اعْفِنِي مِنْ وَجَعِي»[3]

و برای درد ساقها وارد شده هفت مرتبه بخوانند این آیهٔ شریفه را: «وَ اتْلُ مٰا اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتٰابِ رَبِّكَ لاٰ مُبَدِّلَ لِكَلِمٰاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا»[4]

✓ **به جهت درد چشم** روایات بسیار وارد شده که بعد از نماز صبح و نماز مغرب بخوانند:

«اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْاِخْلاٰصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلاٰمَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مٰا اَبْقَيْتَنِي.»[5]

---

۱. طبّ‌الائمة، ص ۳۱.
۲. همان، ص ۳۳.
۳. مصباح کفعمی، ص ۱۵۵.
۴. همان، ص ۱۵۵.
۵. امالی طوسی، ص ۱۹۶، مجلس ۷، ح ۳۶.

و «بزنطی» از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت وارد شدیم به حضرت صادق‌ﷺ، دیدیم آن حضرت را که درد چشم سختی کرده به حدّی که ما مغموم شدیم از جهت آن حضرت، روز دیگر که خدمتش رسیدیم دیدیم که چشمش دردی ندارد و خوب شده! گفتیم: فدایت شویم آیا معالجه فرمودید چشمان خود را به چیزی؟! فرمود: بلی به چیزی که آن از جملهٔ معالجات بود، گفتیم چه بود آن؟ فرمود: تعویذی بود، پس ما نوشتیم آن تعویذ را، و آن تعویذ این است:

«اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُوَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِنُورِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلٰالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمٰالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِبَهٰاۤءِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ»

گفتیم ما: چیست جَمْعُ‌اللّه؟ فرمود:

«بِكُلِّ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِغُفْرٰانِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِالْاَئِمَّةِ» و نام بُرد یک یک ایشان را، آنگاه گفت: **«عَلیٰ مٰا نَشٰاۤءُ مِنْ شَرِّ مٰا اَجِدُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْمُطیعینَ.»**[1]

و نیز برای درد چشم وارد شده که: بخواند بر آن آیةالکرسی و در دل گیرد خوب شدن آن را، و اگر پیش از آن دست بر چشم نهد و بگوید: **«اُعیذُ نُورَ بَصَری بِنُورِ اللّٰهِ الَّذي لاٰ یُطْفَأُ»** وارد شده برای ضعف باصره نافع است.[2]

و برای ضعف چشم و شبکوری وارد شده است که بنویسد آیهٔ نور را مکرّر در جامی و به آب محو کند و آن آب را در شیشه کند و از آن با میل به چشم کشد.[3] و روایت شده: هر که قرآن را از روی قرآن بخواند، بهره بَرَد از چشم خود.[4] ونیز روایت شده که هر که در هر روز بگوید: **«فَجَعَلْنٰاهُ سَمیعاً بَصیراً»** چشمانش از آفات سالم بماند.[5]

---

۱. مستطرفات السرائر، ص ۳۶۹ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۸۸

۲. مصباح کفعمی، ص ۱۷۶، ف ۲۱.

۳. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۵۳۱.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳: قٰالَ الصّادِقُ‌ﷺ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِی الْمُصْحَفِ مُتِّعَ بِبَصَرِهِ.

۵. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۲۵۲۹.

شیخ کفعمی فرموده: به تجربه رسیده برای درد چشم و جمیع دردهای اعضاء توسّل جستن به حضرت امام موسیٰ علیه السلام.[۱]

✓ **برای خون دماغ**: آب یخ بر سر و پیشانیش بریزد.[۲]

✓ **تعویذ بطلان سحر**: از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاه دارند:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ وَ لٰا حَوْلَ وَ لٰا قُوَّةَ اِلّٰا بِاللّٰهِ قٰالَ مُوسىٰ مٰا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لٰا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنٰالِكَ وَ انْقَلَبُوا صٰاغِرِينَ.»[۳]

و نیز از برای **دفع شیاطین و جادوگران**: از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که آیهٔ سخره بخوانند، و آن این است:

«اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذي خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضَ في سِتَّةِ اَيّٰامٍ ثُمَّ اسْتَوىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهٰارَ يَطْلُبُهُ حَثيثًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرٰاتٍ بِاَمْرِهِ اَلٰا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ تَبٰارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمينَ اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً اِنَّهُ لٰا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ وَ لٰا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلٰاحِهٰا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ» و در بعضی روایات است که تا **«تَبٰارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمينَ»**[۴،۵] بخوانند.

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که بر هر یک از برگ و دانهٔ درخت «إسفند» ملکی موکّل است که با آنها است تا آنکه بپوسد، و ریشه‌اش و شاخه‌اش غم و سحر را برطرف می‌کند، و در دانه‌اش شفای هفتاد درد است، پس مداوا کنید به إسفند و کُندر.[۶]

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۷۶، ف ۲۱.
۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۰.
۳. مصباح کفعمی، ص ۲۲۸، ف ۲۶.
۴. اعراف، آیهٔ ۵۴.
۵. بحار، ج ۹۵، ص ۱۳۲، ح ۱۱.
۶. فصول المهمة، ص ۴۵۳.

افسون برای دفع صرع

و از حضرت امام رضا منقول است که مصروعی را دید، پس طلب کرد قدحی از آب و خواند بر آن حمد و معوذتین و دمید در قدح، پس امر فرمود که از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد و فرمود: دیگر عود نخواهد کرد به سوی تو هرگز.[1]

دفع شرّ جنیان

و روایت شده از حضرت رسول که: اگر جنّ سنگی افکند آن سنگ را بگیرد و بیفکند به همان موضعی که سنگ از آنجا آمده و بگوید: «**حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ كَفَىٰ وَ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهىٰ.**»[2]

و نیز از برای شرّ جنّیان نگاهداشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه نافع است.[3]

و نیز از برای شرّ جنّیان در سفر و بیابان و مواضع هولناک آن، از حضرت صادق روایت شده است که دست بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند:

«**اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ اِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.**»[4]

و نیز در بیابان در مواضع موحشه و هولناک وارد شده است که بلند اذان گویند.[5]

✓ **حرز چشم زخم** : وارد شده آیهٔ وَ اِنْ يَكَادُ بخوانند،[6] و نیز از حضرت صادق روایت شده است که: چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تأثیر کند، سه مرتبه بگوید: «**مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**» و وارد شده که هر گاه احدی خود را به هیئت نیکو آراست، پس بخواند وقتی که از منزل بیرون می‌شود دو قُلْ اَعُوذ

---

۱. طب الائمة، ص ۱۱۱ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۵۰.
۲. طب الائمة، ص ۱۱۲ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۵۰، ح ۸.
۳. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۷۸ ـ ۲۸۳.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۱۹۱۴.
۵. محاسن، ص ۵۵؛ بحار ج ۹۵، ص ۱۴۸ و ۱۵۳.
۶. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ مصباح کفعمی، ص ۲۲۱.

را تا ضرر نرساند به او چیزی به اِذْنِ‌اللّهِ تَعالیٰ.[1] و نیز از برای دفع چشم زخم وارد شده که دستها را برابر رو بلند کند و سورۀ حمد و توحید و دو قُلْ اَعُوذُ را بخواند و دست بر پیش سر بکشد.[2]

✓ **ایضاً تعویذ چشم زخم :**

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حٰابِسٍ وَ حَجَرٍ یٰابِسٍ وَ لَیْلٍ دٰامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ یٰابِسٍ رُدَّ عَیْنَ الْعٰاینِ عَلَیْهِ فی کَبِدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مٰالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَریٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْکَ الْبَصَرُ خٰاسِئًا وَ هُوَ حَسیرٌ.»[3]

✓ **تعویذ دیگر :**

بگوید: **«اَللّٰهُمَّ ذَا السُّلْطٰانِ الْعَظیمِ وَ الْمَنِّ الْقَدیمِ وَ الْوَجْهِ الْکَریمِ ذَا الْکَلِمٰاتِ التّٰامّٰاتِ وَ الدَّعَوٰاتِ الْمُسْتَجٰابٰاتِ عٰافِ فُلاٰنًا مِنْ اَنْفُسِ الْجِنِّ وَ اَعْیُنِ الْاِنْسِ»**[4] و این تعویذی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حسنین علیهما السلام خواند و اصحاب خویش را فرمود: **زنهار! اولاد خویش را به این کلمات تعویذ کنید.**

✓ **تعویذ چشم زخم :** برای حیوانات و غیره؛ روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام :

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظیمِ عَبَسَ عٰابِسٌ وَ شِهٰابٌ قٰابِسٌ وَ حَجَرٌ یٰابِسٌ رَدَدْتُ عَیْنَ الْعٰاینِ عَلَیْهِ مِنْ رَأْسِهِ اِلیٰ قَدَمَیْهِ اَخَذَ عَیْنٰاهُ قٰابِضٌ بِکِلاٰهُ وَ عَلیٰ جٰارِهِ وَ اَقٰارِبِهِ جِلْدُهُ دَقیقٌ وَ دَمُهُ رَقیقٌ وَ بٰابُ الْمَکْرُوهِ تَلیقٌ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَریٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْکَ الْبَصَرُ خٰاسِئاً وَ هُوَ حَسیرٌ.»[5]

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۴ ـ ۲۵۵۳.
۲. همان، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۲۶۴۳.
۳. همان، ج ۲، ص ۲۸۹.
۴. مصباح کفعمی، ص ۲۲۰، ف ۲۶.
۵. بحار، ج ۹۵، ص ۴۲، ح ۴.

✓ **به جهت دفع وسوسهٔ شیطان :** روایت شده که استعاذه کند به خدای تعالی، پس بگوید: «**اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ بِرَسُولِهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ.**»[۱] و **شیخ شهید از حضرت رسول** نقل کرده که فرمودند: **شیطان بر دو قسم است شیطان جنّی و آن دور می‌شود به گفتن: «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.» و شیطان اِنسی و آن دور می‌شود به فرستادن صلوات بر محمّد و آل آن جناب.**[۲]

مؤلّف گوید: که در باب نمازها گذشت نماز حدیث نفس و ذکر بعضی عوذات به جهت دفع وسوسه، به آنجا مراجعه شود.

✓ **به جهت ایمنی از دزد :** بخواند بر حلقه‌ها و قفل: «**قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ**» تا آخر سوره.[۳]

✓ **عوذهٔ عقرب :** روایت شده که تیز نظر کند به ستارهٔ سُهی ـ و آن ستارهٔ کوچکی است نزدیک ستارهٔ وسطی بنات نعش ـ و بگوید سه مرتبه:

«**اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَسْلَمَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنٰا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ.**» و نیز روایت شده که بر آن نظر افکند و سه مرتبه بگوید: «**اَللّٰهُمَّ رَبَّ هُودِ بْنِ اٰسِيَةَ اٰمِنّي شَرَّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَ حَيَّةٍ**» هر شب که چنین گوید از شرّ مار و عقرب محفوظ ماند.[۴]

✓ **و نیز به جهت دفع شرّ عقارب و مارها: از حضرت صادق** روایت شده است که بخواند در نزد شب:

«**بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَخَذْتُ الْعَقٰارِبَ وَ الْحَيّٰاتِ كُلَّهٰا بِاِذْنِ اللّٰهِ تَبٰارَكَ وَ تَعٰالىٰ بِاَفْوٰاهِهٰا وَ اَذْنٰابِهٰا وَ اَسْمٰاعِهٰا وَ اَبْصٰارِهٰا وَ قُوٰاهٰا عَنّي وَ**

---

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۶۳.
۲. بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۶.
۳. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۶، ح ۲۱۰۶.
۴. همان، ج ۲، ص ۴۸، ح ۲۱۱۲ ـ ۲۱۱۳.

عَمَّنْ اَحْبَبْتُ اِلیٰ ضَحْوَةِ النَّهارِ اِنْشاءَ اللّٰهُ تَعالیٰ.»[۱]

✓ و نیز به جهت شرّ عقرب:

بخواند: «سَلامٌ عَلیٰ نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ اِنّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ اِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِینَ.»[۲]

و روایت شده وقتی که حضرت نوح﷤ سوار کشتی شد منع فرمود عقرب را از سوار شدن بر کشتی، عقرب گفت من معاهده می‌کنم با تو که نگزم کسی را که بگوید: «سَلامٌ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلیٰ نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ.» و در چند حدیث وارد شده است که مالیدنِ نمک رفع زهر عقرب و گزندگان می‌کند.[۳]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۶۳۸. ۲. مصباح کفعمی، ص ۲۲۲، ف ۲۶.

۳. دعوات راوندی به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۴۷.

۴

باب چهارم

در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی
و آن مشتمل بر چند فصل است.

فصل اوّل

در بعضی دعاهای وارده در وقت صبح و شام

ـ غیر آنچه در سابق گذشت ـ و آن ده دعا است.

۱ از حضرت صادق علیه السلام روایت است: حضرت علیّ بن الحسین علیهما السلام چون داخل صبح می‌شد می‌گفت:

«اَبْتَدِءُ یَوْمي هٰذا بَیْنَ یَدَیْ نِسْیاني وَ عَجَلَتي بِسْمِ اللّٰهِ وَ ما شاءَ اللّٰهُ.»[1]

۲ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس این کلمات را سه مرتبه بگوید در وقتی که داخل شب می‌شود، پوشیده شود به بالی از بالهای جبرئیل تا آنکه داخل صبح شود:

«اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلیلَ الْعَظیمَ نَفْسي وَ مَنْ یَعْنیني اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ نَفْسي اَلْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَيْءٍ.»[2]

۳ و نیز از آن حضرت روایت شده است: چون داخل شام شوی بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ عِنْدَ اِقْبالِ لَیْلِكَ وَ اِدْبارِ نَهارِكَ وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ وَ اَصْواتِ دُعائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»[3]، و دعا کن به آنچه خواهی.

---

۱. کافی، ج ۲، ۵۲۲، ح ۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۲، ح ۶.
۳. همان، ج ۲، ۵۲۳، ح ۷.

[۴] از حضرت صادق‌ؑ روایت شده است: پدرمؑ چون داخل صبح می‌شد می‌گفت:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ إِلَى اللّٰهِ وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قِبَلِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ نَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرٍّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضُغْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضِيقِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْإِحْرَامِ أَبْلِغْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرَقًا أَوْ حَرَقًا أَوْ شَرَقًا أَوْ قَوَدًا أَوْ صَبْرًا أَوْ مَسْمًا أَوْ تَرَدِّيًا فِي بِئْرٍ أَوْ أَكِيلَ السَّبُعِ أَوْ مَوْتَ الْفُجَاءَةِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ مِيتَاتِ السَّوْءِ وَ لٰكِنْ أَمِتْنِي عَلىٰ فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِينَ نَعَتَّهُمْ فِي كِتَابِكَ كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ، أُعِيذُ نَفْسِي وَ وَلَدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (تا آخر سوره) وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ وَلَدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (تا آخر سوره) و می‌گویی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضَا نَفْسِهِ، وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْوَقْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ

وَ الْوَلَدِ» و صلوات بفرست بر محمّد و آل محمّد ده مرتبه.[۱]

۵ و نیز از حضرت صادق﷣ منقول است که چون نماز مغرب و صبح بجا آوردی بگو هفت مرتبه: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس به درستی که هر کس این را بگوید نرسد به او جُذام و پیسی و دیوانگی و نه هفتاد نوع از انواع بلاها. و می‌گویی چون داخل صبح و داخل شام شدی «اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبٰاحِ اَلْحَمْدُ لِفٰالِقِ الْإِصْبٰاحِ» دو مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَ جٰاءَ بِالنَّهٰارِ بِرَحْمَتِهِ وَ نَحْنُ فِي عٰافِيَةٍ» و می‌خوانی آیة‌الکرسی و آخر حشر و ده آیه از صافّات.

«وَ سُبْحٰانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّٰا يَصِفُونَ وَ سَلاٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ فَسُبْحٰانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهٰا وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنٰا وَ رَبُّ الْمَلاٰئِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي [عَمِلْتُ سُوءً وَ] ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْلِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ اَنْتَ التَّوّٰابُ الرَّحِيمُ.»[۲]

۶ و نیز از حضرت صادق﷣ این دعا برای وقت صبح روایت شده:

«اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَحْمَدُكَ وَ اَسْتَعِينُكَ وَ اَنْتَ رَبِّي وَ اَنَا عَبْدُكَ اَصْبَحْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ وَ اُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ اُوفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَصْبَحْتُ عَلىٰ فِطْرَةِ

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۵، ح ۱۳.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۲۰.

الْإِسْلاٰمِ وَ كَلِمَةِ الْإِخْلاٰصِ وَ مِلَّةِ إِبْرٰاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمٰا وَ آلِهِمٰا عَلىٰ ذٰلِكَ أَحْيىٰ وَ أَمُوتُ إِنْشٰاءَ اللّٰهُ اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي مٰا أَحْيَيْتَنِي وَ أَمِتْنِي إِذٰا أَمَتَّنِي عَلىٰ ذٰلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذٰا بَعَثْتَنِي عَلىٰ ذٰلِكَ أَبْتَغِي بِذٰلِكَ رِضْوٰانَكَ وَ اتِّبٰاعَ سَبِيلِكَ إِلَيْكَ أَلْجٰاتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتِي لَيْسَ لِي أَئِمَّةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ أَئْتَمُّ وَ إِيّٰاهُمْ أَتَوَلّىٰ وَ بِهِمْ أَقْتَدِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيٰائِي فِي الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْنِي أُوٰالِي أَوْلِيٰائَهُمْ وَ أُعٰادِي أَعْدٰائَهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَةِ وَ أَلْحِقْنِي بِالصّٰالِحِينَ وَ آبٰائِي مَعَهُمْ.»[1]

[۷] و نیز از آن حضرت روایت شده است: هر چه را ترک کردی، خواندنِ این دعا را ترک مکن در هر صبح و شام:

«اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِي هٰذَا الصَّبٰاحِ وَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَ أَبْرَءُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَبْرَءُ إِلَيْكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَ فِي هٰذَا الصَّبٰاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرٰانَيْهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مِمّٰا كٰانُوا يَعْبُدُونَ إِنَّهُمْ كٰانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فٰاسِقِينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مٰا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمٰاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هٰذَا الصَّبٰاحِ وَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلىٰ أَوْلِيٰائِكَ وَ عِقٰابًا عَلىٰ أَعْدٰائِكَ اَللّٰهُمَّ وٰالِ مَنْ وٰالاٰكَ وَ عٰادِ مَنْ عٰادٰاكَ اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ لِي بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمٰانِ كُلَّمٰا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوٰالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمٰا كَمٰا رَبَّيٰانِي صَغِيرًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمٰاتِ الْأَحْيٰاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوٰاتِ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُتَقَلَّبَهُمْ وَ مَثْوٰهُمْ اَللّٰهُمَّ احْفَظْ إِمٰامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمٰانِ وَ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ وَ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰانًا نَصِيرًا اَللّٰهُمَّ الْعَنْ فُلاٰنًا وَ فُلاٰنًا وَ الْفِرَقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلىٰ رَسُولِكَ وَ وُلاٰةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۹، ح ۲۱.

شیعَتِهِمْ وَ اَسْئَلُكَ الزِّيادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْاِقْرارَ بِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِاَمْرِكَ وَ الْمُحافَظَةَ عَلىٰ ما اَمَرْتَ بِهِ لا اَبْتَغي بِهِ بَدَلاً وَ لا اَشْتَري بِهِ ثَمَنًا قَليلاً اَللّٰهُمَّ اهْدِني فيمَنْ هَدَيْتَ وَقِني شَرَّ ما قَضَيْتَ اِنَّكَ تَقْضي وَلا يُقْضىٰ عَلَيْكَ وَ لا يَذِلُّ مَنْ والَيْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنّي دُعائي وَ ما تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضاعِفْهُ لي اَضْعافًا [مُضاعَفَةً] كَثيرَةً وَ آتِنا مِنْ لَدُنْكَ [رَحْمَةً وَ] اَجْرًا عَظيمًا رَبِّ ما اَحْسَنَ ما اَبْلَيْتَني [اِبْتَلَيْتَني خ] وَ اَعْظَمَ ما اَعْطَيْتَني وَ اَطْوَلَ ما عافَيْتَني وَ اَكْثَرَ ما سَتَرْتَ عَلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ يا اِلٰهي كَثيرًا طَيِّبًا مُبارَكًا عَلَيْهِ مِلْاَ السَّمٰواتِ وَ مِلْاَ الْاَرْضِ وَ مِلْاَ ما شاءَ رَبّي وَ رَضِيَ وَ كَما يَنْبَغي لِوَجْهِ رَبّي ذِي الْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ.»[1]

[۸] از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت است: هر کس بگوید در وقت طلوع فجر: «لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيي وَ يُميتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ» ده مرتبه، و صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد ده مرتبه، و تسبیح کند سی و پنج مرتبه و تهلیل گوید سی و پنج مرتبه، و تحمید گوید خدا را سی و پنج مرتبه، نوشته نشود در آن روز از غافلین، و اگر در شب بگوید نیز نوشته نشود در آن شب از غافلین.[2]

[۹] از «محمّد بن فُضیل» روایت است : نوشتم به خدمت حضرت امام محمّد تقی علیه السلام و از آن حضرت درخواستم که مرا تعلیم فرماید دعائی؟ پس نوشت آن حضرت در جواب من که می‌گویی در وقت صبح و شام: «اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّيَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» پس دعا می‌کنی برای حاجت خود که این کلمات مقدّمه است برای سؤال هر حاجتی به اذن خدا.[3]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۹، ح ۲۳. ۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۳۵.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۳۶.

دعای مخزون

۱۰ از حضرت صادقؑ منقول است که به «داود رقّی» فرمود: که ترک مکن این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ» پس به درستی که پدرمؑ می‌فرمود که این از دعای مخزون است.[1]

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۵، ح ۲۷.

فصل دوّم

در بعض دعاهای وارده در وقت خوابیدن و بیدار شدن

و آن هفت دعا است:

۱ از حضرت صادق‌ علیه‌السلام روایت شده است: کسی که بگوید سه مرتبه در وقتی که در خوابگاه خود درآید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي عَلا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَ يُميتُ الْأَحْياءَ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.» بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که زائیده او را مادر او[1]. و این روایت را صدوق و شیخ نیز نقل کرده‌اند. و در عُدّة الدّاعی از حضرت صادق‌ علیه‌السلام نقل کرده که این آذنی چیزی است که مُجزی است از تحمید، و لکن در آن روایت حمد دوّم بعد از حمد سوّم است.[2]

۲ و نیز از آن حضرت روایت شده است: حضرت رسول‌ صلی‌الله‌علیه‌وآله چون در رختخواب خود جا می‌گرفت می‌خواند آیةالکرسی و می‌گفت: «بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ كَفَرْتُ

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳۵، ح ۱ ۲. الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۳۵۶، عدّة الداعی، ص ۲۳۶، ب ۵.

بِالطّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنی فی مَنامی وَ فی یَقَظَتی.»[۱]

۳ از «مفضّل بن عمر» منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: اگر بتوانی شب نکن مگر آنکه تعویذ کنی خود را به یازده حرف، گفتم: خبر ده مرا به آنها، فرمود بگو:

«اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِسُلْطانِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِدَفْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِمَنْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِمُلْكِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ بَرَءَ وَ ذَرَءَ» و تعویذ کن خود را به این هر وقت که خواهی.[۲]

۴ از حضرت صادق علیه السلام منقول است: کسی که بخواند صد مرتبه قُلْ هُوَاللّٰهُ اَحَدٌ در وقتی که در خوابگاه خود رَوَد، آمرزیده شود از گناهان پنجاه سالهٔ خود.[۳] و نیز از آن حضرت روایت شده است: کسی که بخواند در وقتی که در رختخواب خود رَوَد قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ، بنویسد حقتعالی برای او بیزاری از شرک را.

۵ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بخواهد برخیزد برای نماز شب و در رختخواب خود جا کرده باشد بگوید:

«اَللّٰهُمَّ لا تُؤْمِنّی مَکْرَکَ وَ لا تُنْسِنی ذِکْرَکَ وَ لا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ اَقُومُ ساعَةَ کَذا وَ کَذا» هرگاه چنین گفت حقتعالی موکّل فرماید به او ملکی که او را بیدار کند در آن ساعت.[۴]

۶ و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود: هرگاه یکی از شما برخاست در شب از خواب بگوید:

«سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ النَّبِیّینَ وَ اِلٰهِ الْمُرْسَلینَ وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفینَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۴.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۹.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۳۹، ح ۱۵.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۳۹، ح ۱۶.

الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ» پس به درستی که چون این را گفت، می‌گوید خدای تبارک و تعالی: راست گفت بندهٔ من و شکر نمود.[1]

(۷) از «عبدالرّحمٰن بن حجّاج» روایت است که حضرت صادق علیه السلام در آخر شب که از خواب برمی‌خاست صدا را بلند می‌فرمود به حدّی که اهل خانه بشنوند و می‌گفت:

«اَللّٰهُمَّ اَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَلَيَّ ضيقَ الْمَضْجَعِ وَ ارْزُقْني خَيْرَ ما قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْني خَيْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ.»[2]

۱. همان، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۹، ح ۱۲.

فصل سوّم

در ذکر چند دعائی که در وقت بیرون آمدن از منزل خوانده می‌شود

و آن هشت است:

۱ از حضرت صادق ﷺ منقول است: آدمی هر گاه خواست از منزل خود بیرون رَوَد، بگوید سه مرتبه در وقتی که اراده دارد: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ» و سه مرتبه: «بِاللّٰهِ اَخْرُجُ وَ بِاللّٰهِ اَدْخُلُ وَ عَلَی اللّٰهِ اَتَوَکَّلُ» پس بگوید: «اَللّٰهُمَّ افْتَحْ فی وَجْهی هٰذا بِخَیْرٍ وَ اخْتِمْ لی بِخَیْرٍ وَقِنی شَرَّ کُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلیٰ صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»، پیوسته در ضمان خداوند عزّوجلّ باشد تا بر گردد به همان مکانی که در آن بوده.[1]

۲ از حضرت امام زین‌العابدین ﷺ روایت شده است که در وقت بیرون شدن از دَرِ منزل بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ».[2]

۳ از حضرت امام محمّد باقر ﷺ منقول است: هر کس بگوید در وقتی که از منزل خود بیرون می‌شود: «بِسْمِ اللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ خَیْرَ اُمُوری کُلِّها وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْاٰخِرَةِ» کفایت فرماید حقتعالی آنچه را اندوهگین سازد او را از امر دنیا و آخرت.[3]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۲.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۳.

۴ از حضرت صادق﷣ منقول است: بگو در وقتی که از منزل خود بیرون روی:

«بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ خَيْرَ مٰا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّ مٰا خَرَجْتُ لَهُ اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طٰاعَتِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمٰا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.»[1]

۵ از حضرت امام رضا﷣ منقول است: پدرم﷣ این کلمات را می‌گفت در وقتی که از منزل بیرون می‌شد: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ لاٰ بِحَوْلٍ مِنِّي وَ لاٰ قُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يٰا رَبِّ مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ فَأْتِنِي بِهِ فِي عٰافِيَةٍ.»[2]

۶ از حضرت امام جعفر صادق﷣ روایت شده است: هر که بخواند قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ ده مرتبه هنگامی که از منزل خود بیرون می‌رود، پیوسته در حفظ خداوند عزّ وجلّ باشد و حقتعالی نگهبان او باشد تا برگردد به منزل خود.[3]

۷ از حضرت امام موسی﷣ روایت شده است: هر گاه خواستی سفر روی بایست بر دَرِ خانه‌ات و بخوان فاتحة الکتاب را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ و همچنین قُلْ هُوَاللّٰهُ أَحَدٌ را و همچنین قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ را، پس بگو: «اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مٰا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مٰا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مٰا مَعِيَ بَلاٰغًا حَسَنًا.»[4]

۸ و نیز از آن حضرت روایت شده است: هر گاه بیرون شدی از منزل خود در سفر یا در حَضَر پس بگو: «بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ.»[5]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۷.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۸.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۹.
۵. همان، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۲.

فصل چهارم

در ذکر بعض دُعاهای وارده قبل از نماز
و بعد از نماز

و آن پنج دعاء است:

۱ از حضرت صادق﷣ منقول است که حضرت امیرالمؤمنین﷣ فرمود: هر که بگوید این دعا را وقتی که برمی‌خیزد برای نماز پیش از آنکه افتتاح نماز کند با محمّد و آل محمّدﷺ خواهد بود:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَلَواتي وَ اَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَيْكَ فَاجْعَلْني بِهِمْ وَجيهاً فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لي بِطاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلايَتِهِمْ فَاِنَّها السَّعادَةُ وَ اخْتِمْ لي بِها فَاِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ»

پس نماز را بجا می‌آوری، و چون فارغ شدی می‌گویی:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ في كُلِّ عافِيَةٍ وَ بَلاءٍ وَ اجْعَلْني مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ في كُلِّ مَثْوىً وَ مُنْقَلَبٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْياهُمْ وَ مَماتي مَماتَهُمْ وَ اجْعَلْني مَعَهُمْ فِي الْمَواطِنِ كُلِّها وَ لا تُفَرِّقْ بَيْني وَ بَيْنَهُمْ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ

شَیْءٍ قَدِیرٌ.»[1]

۲ روایت شده از صفوان جمّال که دیدم حضرت صادق علیه السلام رو به قبله کرد پیش از تکبیر و گفت:

«اَللّٰهُمَّ لاٰ تُؤْیِسْنی مِنْ رَوْحِكَ وَ لاٰ تُقَنِّطْنی مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لاٰ تُؤْمِنّی مَكْرَكَ فَاِنَّهُ لاٰ یَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلاَّ الْقَوْمُ الْخٰاسِرُونَ.»[2]

۳ از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گفت بعد از آنکه فارغ از زوال می‌گشت:

«اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِمَلاٰئِكَتِكَ الْمُقَرَّبینَ وَ اَنْبِیاٰئِكَ الْمُرْسَلینَ وَ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْغَنِیُّ عَنّی وَبِیَ الْفاٰقَةُ اِلَیْكَ اَنْتَ الْغَنِیُّ وَاَنَا الْفَقیرُ اِلَیْكَ اَقَلْتَنی عَثْرَتی وَ سَتَرْتَ عَلَیَّ ذُنُوبی فَاقْضِ الْیَوْمَ حاٰجَتی وَ لاٰ تُعَذِّبْنی بِقَبیحِ ماٰ تَعْلَمُ مِنّی بَلْ عَفْوُكَ وَجُودُكَ یَسَعُنی»

آنگاه حضرت به سجده می‌افتاد و می‌گفت:

«یاٰ اَهْلَ التَّقْوىٰ وَ یاٰ اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ یاٰ بَرُّ یاٰ رَحیمُ اَنْتَ اَبَرُّ مِنْ اَبی وَ اُمّی وَ مِنْ جَمیعِ الْخَلاٰئِقِ اِقْلِبْنی بِقَضاٰءِ حاٰجَتی مُجاٰباً دُعاٰئی مَرْحُوماً صَوْتی قَدْ كَشَفْتَ اَنْواٰعَ الْبَلاٰءِ عَنّی.»[3]

۴ از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام منقول است: چون از نماز فریضه فارغ شدی بگو:

«رَضیتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نَبِیّاً وَ بِالْاِسْلاٰمِ دیناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتاٰباً وَ بِفُلاٰنٍ و فُلاٰنٍ [بجای فلان و فلان بگو و بعلیٍّ والْحَسَنِ والْحُسَینِ وَ عَلیٍّ و مُحَمَّدٍ وَ

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۴۴ ح ۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۴۴ ح ۲.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۴۵ ح ۱.

جَعْفَرٍ وَ مُوسىٰ و عَلِيٍّ و مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ]¹ اَئِمَّةُ اَللّٰهُمَّ وَلِيُّكَ فُلانٌ [بجای فلان بگو القائِم الحُجَّةُ]² فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمٰالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ امْدُدْ لَهُ فِي عُمْرِهِ وَاجْعَلْهُ الْقٰائِمَ بِأَمْرِكَ وَ الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مٰا يُحِبُّ وَ مٰا تُقِرُّبِهِ عَيْنَهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي اَهْلِهِ وَ مٰالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مٰا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مٰا يُحِبُّ وَ تُقِرُّبِهِ عَيْنَهُ وَ اشْفِ صُدُورَنٰا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.»

و فرمود: چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فارغ می‌شد از نماز می‌گفت:

«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِي مٰا قَدَّمْتُ وَ مٰا اَخَّرْتُ وَ مٰا اَسْرَرْتُ وَ مٰا اَعْلَنْتُ وَ إِسْرافِي عَلىٰ نَفْسِي وَ مٰا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ الْمُؤَخِّرُ لا إِلٰهَ إِلاّ اَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ مٰا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِي فَاَحْيِنِي وَ تَوَفَّنِي إِذٰا عَلِمْتَ الْوَفٰاةَ خَيْرًا لِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي اَسْئَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَ الْعَلانِيَةِ وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضٰا وَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنٰا وَ اَسْئَلُكَ نَعِيماً لا يَنْفَدُ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لا تَنْقَطِعُ وَ اَسْئَلُكَ الرِّضٰا بِالْقَضٰاءِ وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ لَذَّةَ الْمَنْظَرِ إِلىٰ وَجْهِكَ وَ شَوْقًا إِلىٰ رُؤْيَتِكَ وَ لِقٰائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرّٰاءَ مُضِرَّةٍ وَ لا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَيِّنّٰا بِزِينَةِ الْإِيمٰانِ وَاجْعَلْنٰا هُدٰاةً مُهْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنٰا فِيمَنْ هَدَيْتَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي اَسْئَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشٰادِ وَ الثَّبٰاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الرُّشْدِ وَ اَسْئَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنَ عٰافِيَتِكَ وَ اَدٰاءَ حَقِّكَ وَ اَسْئَلُكَ يٰا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَ لِسٰانًا صٰادِقًا وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِمٰا تَعْلَمُ وَ اَسْئَلُكَ خَيْرَ مٰا تَعْلَمُ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا تَعْلَمُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لا نَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلاّمُ الْغُيُوبِ.»³

---

۱ و ۲ـ مطالب داخل [ ] از مؤلف(ره) می‌باشد.

۳ـ همان، ج ۲، ص ۵۴۸ـ ۵۴۹، ح ۶.

دعا برای حفظ جان و مال و اولاد

۵ از حضرت صادق(ع) روایت است: هر کس این کلمات را بگوید نزد هر نماز فریضه، محفوظ ماند خودش و خانه‌اش و مالش و اولادش:

«أُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ أَهْلی وَ داری وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ وَ أُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ (تا آخر سوره) وَ أُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِرَبِّ النّاسِ مَلِکِ النّاسِ (تا آخر سوره) وَ أُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ کُلَّ ما هُوَ مِنّی بِاللّٰهِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ تا آخر آیة‌الکرسی.»[1]

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲۹، ح ۸.

فصل پنجم

در بعض دعاهای وارده به جهت رزق:

و آنها پنج است:

[۱] از معاویة بن عمّار منقول است که از حضرت صادق علیه السلام درخواستم که دعائی مرا تعلیم فرماید برای رزق، پس آن حضرت این دعا را تعلیم من فرمود، و من ندیدم چیزی برای زیاد شدن رزق بهتر از این، فرمود بگو:

«اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا واسِعًا حَلالاً طَيِّبًا بَلاغًا لِلدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ صَبًّا صَبًّا هَنيئًا مَريئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لا مَنٍّ مِنْ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلاّ سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ اسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ اَسْئَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ اَسْئَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْأَى اَسْئَلُ.»[۱]

[۲] از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است که به زید شحّام فرمود: بگو به جهت طلب روزی در سجدهٔ نماز فریضه:

«يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ وَ يا خَيْرَ الْمُعْطينَ اُرْزُقْني وَ ارْزُقْ عِيالي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ.»[۲]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۰، ح ۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۱، ح ۴.

۳ از ابوبصیر منقول است: شکایت کردم به سوی حضرت صادق علیه السلام از حاجت خود و خواستم از آن حضرت که مرا تعلیم فرماید دعائی به جهت رزق، پس حضرت این دعا را تعلیم من فرمود، که از زمانی که من خواندم آن را دیگر محتاج نشدم، فرمود: بگو در نماز شب در حال سجده:

«یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ وَ یا خَیْرَ مَسْئُولٍ وَ یا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطیٰ وَ یا خَیْرَ مُرْتَجیً اُرْزُقْنی وَ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ سَبِّبْ لی رِزْقاً مِنْ قِبَلِكَ [مِنْ فَضْلِكَ] اِنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.»[1]

مؤلّف گوید: شیخ طوسی این دعا را در سجدهٔ آخر رکعت هشتم نافلهٔ شب در مصباح ذکر فرموده.

۴ روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دُعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود:

«یا رازِقَ الْمُقِلّینَ وَ یا راحِمَ الْمَساکینَ وَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ وَ یا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتینَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ ارْزُقْنی وَ عافِنی وَ اکْفِنی ما اَهَمَّنی.»[2]

۵ ابوبصیر این دعا را به جهت طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن حضرت فرموده که این دعای علیّ بن الحسین علیه السلام است که خدا را به آن می‌خوانده:

«اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ حُسْنَ الْمَعیشَةِ مَعیشَةً اَتَقَوّیٰ بِها عَلیٰ جَمیعِ حَوآئِجی وَ اَتَوَصَّلُ بِها فِی الْحَیٰوةِ اِلیٰ آخِرَتی مِنْ غَیْرِ اَنْ تُتْرِفَنی فیها فَاَطْغیٰ اَوْ تُقَتِّرَبِها عَلَیَّ فَاَشْقیٰ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ وَ اَفِضْ عَلَیَّ مِنْ سَیْبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً مِنْكَ سابِغَةً وَ عَطآءً غَیْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لا تَشْغَلْنی عَنْ شُکْرِ نِعْمَتِكَ بِاِکْثارٍ مِنْها تُلْهینی بَهْجَتُهُ وَ تَفْتِنُنی زَهَراتُ زَهْوَتِهِ وَ لا بِاِقْلالٍ عَلَیَّ مِنْها یَقْصُرُ بِعَمَلی کَدُّهُ وَ یَمْلَأُ صَدْری هَمُّهُ اَعْطِنی مِنْ ذٰلِكَ یا اِلٰهی غِنیً عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ وَ بَلاغاً اَنالُ بِهِ

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۱، ح ۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۲، ح ۷.

رِضْوانَكَ وَ اَعُوذُ بِكَ يا اِلٰهي مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَ شَرِّ ما فيها وَ لا تَجْعَلْ عَلَيَّ الدُّنْيا سِجْنًا وَ لا فِراقَها عَلَيَّ حُزْنًا اَخْرِجْني مِنْ فِتْنَتِها مَرْضِيًّا عَنّي مَقْبُولاً فيها عَمَلي اِلىٰ دارِ الْحَيَوانِ وَ مَساكِنِ الْاَخْيارِ وَ اَبْدِلْني بِالدُّنْيا الْفانِيَةِ نَعيمَ الدّارِ الْباقِيَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُبِكَ مِنْ اَزْلِها وَ زِلْزالِها وَ سَطَواتِ شَياطينِها وَ سَلاطينِها وَ نَكالِها وَ مِنْ بَغْيِ مَنْ بَغىٰ عَلَيَّ فيها اَللّٰهُمَّ مَنْ كادَني فَكِدْهُ وَ مَنْ اَرادَني فَاَرِدْهُ وَ فُلَّ عَنّي حَدَّ مَنْ نَصَبَ لي حَدَّهُ وَ اَطْفِءْ عَنّي نارَ مَنْ شَبَّ لي وَقُودَهُ وَ اكْفِني مَكْرَ الْمَكَرَةِ وَ افْقَأْ عَنّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ وَ اكْفِني هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ ادْفَعْ عَنّي شَرَّ الْحَسَدَةِ وَ اعْصِمْني مِنْ ذٰلِكَ بِالسَّكينَةِ وَ اَلْبِسْني دِرْعَكَ الْحَصينَةَ وَ اَحْيِني في سِتْرِكَ الْواقي وَ اَصْلِحْ لي حالي وَ صَدِّقْ قَوْلي بِفِعالي وَ بارِكْ لي في اَهْلي وَ مالي.»[1]

مؤلف گوید: در باب دوّم در ذکر نمازها گذشت نمازهائی به جهت زیاد شدن روزی.

---

۱. همان، ج ۱، ص ۵۵۲، ح ۱۳.

دعای طلب روزی

از امیرالمؤمنین علی﵇ نقل شده است: هر که روزی‌اش کم شد و راههای کسب معیشت بر او بسته گردید، این دعا را بر پوست آهو یا بر قطعه پوستی بنویسد و برخود بیاویزد و یا در میان یکی از لباسهایش نهاده و از خود جدا نسازد، خدای تعالی وسعت رزق به او داده و از جائی که گمان نمی‌کند درهای طلب روزی را بر وی می‌گشاید. و آن دعا این است:

أَللّٰهُمَّ لا طاقَةَ لِفُلانِ بْنِ فُلانٍ [به جای فلان بن فلان نام خود و پدرش را بنویسد.] بِالْجُهْدِ وَلا صَبْرَ لَهُ عَلَى الْبَلاءِ وَلا قُوَّةَ لَهُ عَلَى الْفَقْرِ وَالْفاقَةِ أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلا

⇐

⇐

تَخْطُرُ عَلیٰ فُلانِ بْنِ فُلانٍ رِزْقَکَ وَلاٰ تَقْتُرَ عَلَیْهِ سَعَةَ ما عِنْدَکَ وَلاٰ تُحْرِمْهُ فَضْلَکَ وَلاٰ تَحْسِمْهُ مِنْ جَزِیلِ قِسَمِکَ وَلاٰ تَکِلْهُ إِلیٰ خَلْقِکَ وَلاٰ إِلیٰ نَفْسِهِ فَیَعْجِزَ عَنْها وَیَضْعَفَ عَنِ الْقِیامِ فِیما یُصْلِحُهُ وَیُصْلِحُ ما قِبَلَهُ بَلْ تَنْفَرِدُ بِلَمِّ شَعْثِهِ وَتَوَلّیٰ کِفایَتِهِ وَانْظُرْ إِلَیْهِ فی جَمیعِ اُمُورِهِ إِنَّکَ إِنْ وَکَلْتَهُ إِلیٰ خَلْقِکَ لَمْ یَنْفَعُوهُ، وَإِنْ اَلْجَأْتَهُ إِلیٰ اَقْرِبائِهِ حَرَمُوهُ، وَإِنْ اَعْطَوْهُ اَعْطَوْهُ قَلیلاً نَکِداً وَإِنْ مَنَعُوهُ مَنَعُوهُ کَثیراً، وَإِنْ بَخِلُوا بَخِلُوا وَهُمْ لِلْبُخْلِ اَهْلٌ، أَللّٰهُمَّ اَغْنِ فُلانَ بْنَ فُلانٍ مِنْ فَضْلِکَ وَلاٰ تُخْلِهِ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُضْطَرٌّ إِلَیْکَ فَقیرٌ إِلیٰ ما فی یَدَیْکَ وَأَنْتَ غَنِیٌّ عَنْهُ وَأَنْتَ بِهِ خَبیرٌ عَلیمٌ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لاٰ یَحْتَسِبُ.

مُهج الدعوات، ص ۱۲۶.

فصل ششم

در ذکر دو دُعا به جهت دَین

[۱] از حضرت صادق؈ منقول است که فرمود بگو:

«اَللّٰهُمَّ لَحْظَةٌ مِنْ لَحَظٰاتِكَ تُيَسِّرُ عَلىٰ غُرَمٰائي بِهَا الْقَضٰاءَ وَ تُيَسِّرُلي بِهَا الْاِقْتِضٰاءَ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.»[۱]

[۲] این دعا است که از حضرت موسی بن جعفر؈ روایت شده:

«اَللّٰهُمَّ ارْدُدْ اِلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ مَظٰالِمَهُمُ الَّتي قِبَلي صَغيرَهٰا وَ كَبيرَهٰا فى يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ وَ مٰا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتي وَلَمْ تَسَعْهُ ذٰاتُ يَدي وَ لَمْ يَقْوَ عَلَيْهِ بَدَني وَ يَقيني وَ نَفْسي فَأَدِّهِ عَنّي مِنْ جَزيلِ مٰا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ لاٰ تُخَلِّفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضيهِ مِنْ حَسَنٰاتي يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَريكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ الدّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ اَنَّ الْاِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ اَنَّ الْكِتٰابَ كَمٰا اَنْزَلَ وَ اَنَّ الْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبينُ ذَكَرَ اللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ وَ حَيّٰا مُحَمَّدٍ وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلاٰمِ.»[۲]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۴، ح ۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۵، ح ۴.

فصل هفتم

در ذکر بعض دعاهای وارده برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره

و مشتمل است بر دوازده دُعا:

۱ روایت شده از حضرت امام محمّد باقر﷣ که چون نازل شد به تو امری که از آن ترسانی رو کن به سوی قبله و دو رکعت نماز گزار، پس بگو: «يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» بگو این کلمات را هفتاد مرتبه و در هر مرتبه که گفتی حاجت خود را با آن ذکر کن.[1]

۲ از حضرت رسولﷺ روایت شده است که فرمود: هر که را برسد همّی یا غمّی یا اندوهی یا بلائی یا شدّتی پس بگوید:

«اَللّٰهُ رَبِّي لاٰ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لاٰ يَمُوتُ»[2]

۳ از حضرت صادق﷣ منقول است: چون برادران یوسف﷣ حضرت یوسف را در چاه افکندند جبرئیل﷣ آمد نزد او و گفت چه می‌کنی در اینجا ای پسر؟ جناب یوسف گفت: برادرانم مرا افکندند در این چاه، گفت: دوست داری که بیرون آئی از آن؟ گفت:

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۴، ح ۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۶، ح ۲.

این بسته به مشیّت خداوند عزّوجلّ است، اگر خواست بیرون خواهد آورد مرا. جبرئیل گفت: حقتعالی می‌فرماید بخوان مرا به این دعا، تا تو را از چاه بیرون آورم. گفت: کدام است آن دُعا؟ گفت بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْمَنّانُ بَديعُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ ذُوالْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ لي مِمّا اَنَا فيهِ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً» پس کاروان آمد و او را بیرون آورد، همچنان که حقتعالی قصّهٔ او را در قرآن مجید ذکر فرموده.[۱]

۴ از حضرت صادق علیه السلام منقول است: که هر گاه ترسیدی از امری پس بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لا يَكْفي مِنْكَ اَحَدٌ وَ اَنْتَ تَكْفي مِنْ كُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاكْفِني كَذا وَ كَذا.»

و در حدیث دیگر فرمود می‌گویی:

«يا كافِياً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لا يَكْفي مِنْكَ شَيْءٌ فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ اِكْفِني ما اَهَمَّني مِنْ اَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.»

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که داخل شود بر سلطانی که از او بترسد پس بگوید:

«بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَ بِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لي صُعُوبَتَهُ وَ سَهِّلْ لي حُزُونَتَهُ فَاِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتابِ.»

و بگوید نیز: «حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ.»[۲]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۷، ح ۳. ۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۷_۵۵۸، ح ۷.

۵ روایت شده که این دعای حضرت باقر﵇ است در امری که حادث شود:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْلي وَارْحَمْني وَزَكِّ عَمَلي وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبي وَ اهْدِقَلْبي وَ آمِنْ خَوْفي وَ عافِني في عُمْري كُلِّهِ وَ ثَبِّتْ حُجَّتي وَ اغْفِرْ خَطاياىَ وَ بَيِّضْ وَجْهي وَ اعْصِمْني في ديني وَ سَهِّلْ مَطْلَبي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ في رِزْقي فَاِنّي ضَعيفٌ وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئِ ما عِنْدي بِحُسْنِ ما عِنْدَكَ وَ لا تَفْجَعْني بِنَفْسي وَ لا تَفْجَعْ لي حَميمًا وَهَبْ لي يا اِلٰهي لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِكَ تَكْشِفُ بِها عَنّي جَميعَ ما بِهِ ابْتَلَيْتَني وَ تَرُدُّ بِها عَلَيَّ ما هُوَ اَحْسَنُ عاداتِكَ عِنْدي فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتي وَقَلَّتْ حيلَتي وَ انْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجائي وَ لَمْ يَبْقَ اِلاّٰ رَجاؤُكَ وَ تَوَكُّلي عَلَيْكَ وَ قُدْرَتُكَ عَلَيَّ يا رَبِّ اَنْ تَرْحَمَني وَ تُعافِيَني كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ اَنْ تُعَذِّبَني وَ تَبْتَلِيَني اِلٰهي ذِكْرُ عَوائِدِكَ يُؤْنِسُني وَالرَّجاءُ لِاِنْعامِكَ يُقَوِّيني وَ لَمْ اَخْلُ مِنْ نِعَمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَني فَاَنْتَ رَبّي وَ سَيِّدي وَ مَفْزَعي وَ مَلْجاي وَ الْحافِظُ لي وَ الذّابُّ عَنّي وَ الرَّحيمُ بي وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقي وَ في قَضائِكَ وَ قُدْرَتِكَ كُلُّ ما اَنَا فيهِ فَلْيَكُنْ يا سَيِّدي وَ مَوْلاىَ فيما قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ تَعْجيلُ خَلاصي مِمّا اَنَا فيهِ جَميعِهِ وَ الْعافِيَةُ لي فَاِنّي لا اَجِدُ لِدَفْعِ ذٰلِكَ اَحَدًا غَيْرَكَ وَ لا اَعْتَمِدُ فيهِ اِلاّٰ عَلَيْكَ فَكُنْ يا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنّي بِكَ وَ رَجائي لَكَ وَ ارْحَمْ تَضَرُّعي وَ اسْتِكانَتي وَ ضَعْفَ رُكْني وَ امْنُنْ بِذٰلِكَ عَلَيَّ وَ عَلیٰ كُلِّ داعٍ دَعاكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»[1]

دعای امان از شرّ جنّ و انس

۶ از حضرت امام جعفر صادق﵇ منقول است که فرمود حضرت علی بن

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۸، ح ۸.

الحسین‌علیه السلام می‌فرمود: باکی ندارم هر گاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جنّ و انس:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ إِلَى اللّٰهِ وَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مَا قِبَلِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.»[1]

دعای اهل بیت‌علیهم السلام

۷ برای دفع کُربة و خوف از سلطان وارد شده بخوانند دعاء اهل بیت‌علیهم السلام را:

«يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا بَاقِياً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواه.[2]

دعا برای گشایش در کار

۸ از حضرت امام محمّد تقی‌علیه السلام روایت شده است: برای فَرَج و گشایش امر مواظبت کن به خواندن «يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ إِكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي.»[3]

۹ از حضرت امام زین‌العابدین‌علیه السلام منقول است که می‌فرمود به فرزند خود: ای پسرك من! هر گاه برسد مصیبتی به یکی از شماها یا نازل شود به او نازله، وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز گزارد یا چهار رکعت و بگوید در آخر آن:

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۵۹، ح ۱۰.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۶۰، ح ۱۳.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۶۰، ح ۱۴ با اندک تفاوت

«یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوىٰ وَ یا سامِعَ کُلِّ نَجْوىٰ وَ یا شاهِدَ کُلِّ مَلَأٍ وَ یا عالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ وَ یا دافِعَ ما یَشاءُ مِنْ بَلِیَّةٍ یا خَلیلَ إِبْراهیمَ وَیا نَجِیَّ موسىٰ وَ یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ أَدْعُوکَ دُعاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حیلَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ دُعاءَ الْغَریبِ الْغَریقِ الْمُضْطَرِّ الَّذی لا یَجِدُ لِکَشْفِ ما هُوَ فیهِ إِلّا أَنْتَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ.» پس بدرستی که نمی‌خواند این دعا را اَحَدی مگر آنکه برطرف می‌کند حقتعالی از او نازله را إِنْشاءَاللّٰهُ تَعالیٰ.[1]

۱۰ از حضرت امام جعفر صادق منقول است: برای رفع همّ و غم غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گزاری و می‌گویی:

«یا فارِجَ الْهَمِّ وَ یا کاشِفَ الْغَمِّ یا رَحْمٰنَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَ رَحیمَهُما فَرِّجْ هَمّی وَ اکْشِفْ غَمّی یا اَللّٰهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ إِعْصِمْنی وَ طَهِّرْنی وَ اذْهَبْ بِبَلِیَّتی» و بخوان: آیةالکرسی و معوّذتین را.[2]

۱۱ روایت شده که برای رفع همّ [= غم و اندوه] می‌گویی در سجده صد مرتبه:

«یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغیثُ فَاکْفِنی ما أَهَمَّنی وَ لا تَکِلْنی إِلیٰ نَفْسی.»[3]

توسّل به حضرت پیغمبر و علی

۱۲ از حضرت موسی بن جعفر منقول است که به «سماعه» فرمود: ای سماعه! هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد حقتعالی پس بگو:

«اَللّٰهُمَّ إِنّی أَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ فَإِنَّ لَهُما عِنْدَکَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْرًا

۱. همان، ج ۲، ص ۵۶۰، ح ۱۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۵۷، ح ۶.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۲۰.

مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَ كَذٰا» پس به درستی که چون روز قیامت شود نماند ملک مقرّبی و نه پیغمبر مرسلی و نه مؤمن مُمتَحنی، مگر آنکه او محتاج است به سوی محمّد و علی صَلَواتُ‌الله عَلَیهِما وَ آلِهِما در آن روز.[۱]

فقیر گوید: ابن ابی الحدید نقل کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمود: وقتی سؤال کردم از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله که دعا کند برای من به مغفرت ، فرمود: دعا خواهم کرد، پس برخاست و نماز گزارد و دست به دُعا برداشت ،گوش دادم به دعای آن حضرت شنیدم می‌گوید: «اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ اِغْفِرْ لِعَلِيٍّ» یعنی: خدایا به حقّ علی نزد تو، بیامرز علی را. من گفتم: یا رسول الله این چه دعائی بود که کردی؟! فرمود: آیا کسی گرامیتر از او هست نزد خدا که من او را شفیع خود کنم نزد او؟![۲]

مؤلّف گوید: ما در باب اوّل در ذکر ادعیهٔ سجدهٔ شکر ذکر کردیم بعض دعاهائی که مناسبت با این فصل داشت.

۱. همان، ج ۲، ص ۵۶۲، ح ۲۱.
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ب ۴۳۵، ص ۳۱۶.

فصل هشتم

در ذکر چند دعائی برای علّتها و مرضها

۱ از حضرت صادق‌علیه‌السلام منقول است که می‌گویی از برای دردها:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلىٰ عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ» و می‌گیری ریش خود را به دست راست خود بعد از نماز فریضه و می‌گویی سه مرتبه: «اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضُرِّي» و حریص باش که این عمل با اشک و گریه باشد.[1]

۲ از حضرت صادق‌علیه‌السلام منقول است که: بگذار دست بر موضع درد و بگو:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ» و مسح می‌کنی به دست راست موضع درد را سه مرتبه.[2]

۳ از حضرت امام محمّد باقرعلیه‌السلام روایت شده است که امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام مریض شد، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله به دیدن او رفت و فرمود به او که بگو:

---

۱. همان، ج ۲، ۵۶۵ ح ۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۶۶ ح ۹.

«اَللّٰهُمَّ إِنّي اَسْئَلُكَ تَعْجِيلَ عافِيَتِكَ وَ صَبْرًا عَلىٰ بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجًا إِلىٰ رَحْمَتِكَ.»[1]

۴ از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: می‌گذاری دست خود را بر موضع درد و می‌گویی سه مرتبه:

«اَللّٰهُمَّ إِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْاَمينُ وَ هُوَ عِنْدَكَ في اُمِّ الْكِتابِ عَلِيٌّ حَكيمٌ اَنْ تَشْفِيَني بِشِفآئِكَ وَ تُداوِيَني بِدَوآئِكَ وَ تُعافِيَني مِنْ بَلآئِكَ» و صلوات می‌فرستی بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله.[2]

۵ از ابوحمزه روایت است که: مرا عارض شد دردی در زانویم، پس شکایت کردم آن را به حضرت امام محمّد باقر علیه السلام ، فرمود: هر گاه نماز گزاردی پس بگو:

«يا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطىٰ وَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفي وَ قِلَّةَ حيلَتي وَاعْفِني مِنْ وَجَعي» گفت خواندم آن را و عافیت یافتم.[3]

مؤلّف گوید: ما در اوّل باب سوّم دعاهائی برای علل و اسقام ذکر نمودیم.

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۶.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۹.

فصل نهم

در بعض احراز و عوذات است:

و آنچه ذکر می‌شود در اینجا پنج چیز است:

۱ روایت شده که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت از وحشت کرد، حضرت فرمود: آیا خبر ندهم شما را به چیزی که اگر بگوئید آن را وحشت نخواهید کرد، نه در شب و نه در روز؟ :

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ إِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ فِي جِوارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمانِكَ وَ فِي مَنْعِكَ.»

و روایت شده: مردی سی سال این را می‌خواند، شبی آن را ترک کرد عقرب او را در آن شب گزید.[1]

۲ روایت شده: کسی که شب به روز آورد در خانه یا اطاقی تنها، بخواند آیة‌الکرسی را و بگوید:

«اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ أَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي.»[2]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۷۳، ح ۱۳.

۳ روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تعویذ فرمود حسن و حسین علیهما السلام را به این کلمات:

«اُعیذُکُما بِکَلِماتِ اللهِ التّامَّةِ وَ اَسْمآئِهِ الْحُسْنیٰ کُلِّها عامَّةً مِنْ شَرِّ السّآمَّةِ وَ الْهامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لامَّةٍ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ» پس فرمود: همچنین تعویذ می‌کرد حضرت ابراهیم علیه السلام اسماعیل و اسحق را.[1]

۴ روایت شده که در بعضی غزوات اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله خدمت آن حضرت شکایت کردند از اذیّت کیکها، فرمود: در وقتی که به خوابگاه خود روند بگویند:

«اَیُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثّابُ الَّذي لا یُبالي غَلَقًا وَ لا بابًا عَزَمْتُ عَلَیْكَ بِاُمِّ الْکِتابِ اَنْ لا تُؤْذِیَني وَ اَصْحابي اِلیٰ اَنْ یَذْهَبَ اللَّیْلُ وَ یَجيءَ الصُّبْحُ بِما جآءَ.»[2]

۵ روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: چون دیدی سَبُع را ـ یعنی: جانور درنده را مانند شیر و پلنگ و گرگ و امثال آنها ـ بگو: «اَعُوذُ بِرَبِّ دانیالَ وَ الْجُبِّ مِنْ کُلِّ اَسَدٍ مُسْتَاْسِدٍ.»[3] و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: چون جانوری درنده دیدی بخوان در صورت او آیةالکرسي و بگو مر او را:

«عَزَمْتُ عَلَیْكَ بِعَزیمَةِ اللهِ وَ عَزیمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ عَزیمَةِ سُلَیْمانَ بْنِ داوُدَ وَ عَزیمَةِ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ عَلِيِّ بْنِ اَبیطالِبٍ علیه السلام وَ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرینَ علیهم السلام مِنْ بَعْدِهِ» پس به درستی که منصرف خواهد شد از تو اِنْشاءَاللهُ تعالیٰ.[4]

۶ روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین فرمود: یا علی! هر گاه واقع شدی در ورطه‌ای یا بلیّه‌ای بگو: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظیمِ» پس به درستی که خداوند عزّوجلّ برطرف می‌کند از تو آنچه بخواهد از انواع بلا.[5]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۳، ح ۳.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۷۱، ح ۸.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۷۱، ح ۹.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۷۲، ح ۱۱.
۵. همان، ج ۲، ص ۵۷۳، ح ۱۴.

فصل دهم

در ذکر چند دُعای مُوجز است که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است

و آنچه در اینجا ذکر می‌شود سی دعا است:

١ از حضرت صادق‌ؑ روایت شده است که بگو:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي اَخْشاكَ كَاَنّي اَراكَ وَ اَسْعِدْني بِتَقْويكَ وَ لا تُشْقِني بِنَشْطي لِمَعاصيكَ وَ خِرْ لي في قَضآئِكَ وَ بارِكْ لي في قَدَرِكَ حَتّىٰ لا اُحِبَّ تَاْخيرَ ما عَجَّلْتَ وَ لا تَعْجيلَ ما اَخَّرْتَ وَ اجْعَلْ غِنايَ في نَفْسي وَ مَتِّعْني بِسَمْعي وَ بَصَري وَ اجْعَلْهُمَا الْوارِثَيْنِ مِنّي وَ انْصُرْني عَلىٰ مَنْ ظَلَمَني وَ اَرِني فيهِ قُدْرَتَكَ يا رَبِّ وَ اَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْني.»[1]

٢ و نیز از آن حضرت منقول است که بگو:

«اَللّٰهُمَّ اَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَ اَخْرِجْني مِنَ الدُّنْيا سالِمًا وَ زَوِّجْني مِنَ الْحُورِ الْعينِ وَ اكْفِني مَؤُنَتي وَ مَؤُنَةَ عِيالي وَ مَؤُنَةَ النّاسِ وَ اَدْخِلْني بِرَحْمَتِكَ في عِبادِكَ الصّالِحينَ.»[2]

---

١. همان، ج ٢، ص ٥٧٧، ح ١.

٢. همان، ج ٢، ص ٥٧٨، ح ٣.

دعای یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمیلَ

[۳] این دعای شریف است که نگاه می‌دارد از گناهان و جامع دنیا و آخرت است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمیلَ وَ سَتَرَ الْقَبیحَ وَ لَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ عَنّی یا کَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَ یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوىٰ وَ یا مُنْتَهىٰ کُلِّ شَکْوىٰ یا کَریمَ الصَّفْحِ یا عَظیمَ الْمَنِّ یا مُبْتَدِئَ کُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ یا مَوْلَیاهُ یا غایَتاهُ یا غِیاثاهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ لا تَجْعَلَنی فِی النّارِ»؛ آنگاه می‌طلبی از حقتعالی هر چه بخواهی.[۱]

دعای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

[۴] از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا را خواند:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کُرْبَةٍ وَ اَنْتَ رَجائی فی کُلِّ شِدَّةٍ وَ اَنْتَ لی فی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بی ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ کَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَ تَقِلُّ فیهِ الْحیلَةُ وَ یَخْذُلُ عَنْهُ الْقَریبُ وَ الْبَعیدُ وَ یَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْیینی فیهِ الْاُمُورُ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَکَوْتُهُ اِلَیْكَ راغِبًا فیهِ عَمَّنْ سِواكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ کَشَفْتَهُ وَ کَفَیْتَنیهِ فَاَنْتَ وَلِیُّ کُلِّ نِعْمَةٍ وَ صاحِبُ کُلِّ حاجَةٍ وَ مُنْتَهىٰ کُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ کَثیرًا وَ لَكَ الْمَنُّ فاضِلاً.»[۲]

مؤلف‌گوید: که این دعا همان دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله است در یوم بَدر و احزاب، و نیز دعای حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام است که در روز عاشورا در کربلا خواند، و غیر از این نیز دو دعای دیگر از آن حضرت روایت شده است که در آن روز خواندند که یکی این دعا است که تعلیم حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود در آن وقتی که او را به سینهٔ

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۸، ح ۴.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۷۸، ح ۵.

خود چسبانید و خونها در بدن مبارکش می‌جوشید، برای حاجت مهمّ و اندوه و بلاهای سخت و امر عظیم دشوار:

«بِحَقِّ يٰسٓ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طٰهٰ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يٰا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوٰائِجِ السّٰائِلِينَ يٰا مَنْ يَعْلَمُ مٰا فِي الضَّمِيرِ يٰا مُنَفِّسًا عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يٰا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَغْمُومِينَ يٰا رٰاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يٰا رٰازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يٰا مَنْ لاٰ يَحْتٰاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذٰا وَ كَذٰا» و حاجت خود را بخواه.[۱]

۵ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

«رَبِّ لاٰ تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لاٰ أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَ لاٰ أَكْثَرَ.»[۲]

۶ و نیز از آن حضرت روایت شده است که این کلمات را می‌گفت:

«اِرْحَمْنِي مِمّٰا لاٰ طٰاقَةَ لِي بِهِ وَ لاٰ صَبْرَ لِي عَلَيْهِ.»[۳]

۷ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بگو:

«اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِجَلاٰلِكَ وَ جَمٰالِكَ وَ كَرَمِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذٰا وَ كَذٰا.»[۴]

۸ از فضل بن یونس منقول است : حضرت امام موسی علیه السلام به من فرمود که بسیار بگو:

«اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعٰارِينَ وَ لاٰ تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ»[۵] یعنی: خدایا! قرار مده مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و غیر ثابت است، یا آنکه قرار مده مرا از کسانی که آنها را به خودشان واگذاشته‌ای، مانند ستوری که مهارش را به گردنش افکنند و او را رها کنند به چَرا، که هر کاری خواهد بکند و هر کجا خواهد برود، و بیرون مکن مرا از

---

۱. دعوات راوندی، ص ۵۴، ح ۱۳۷ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۹۶.
۲. کافی، ج ۲، ص ۵۸۱، ح ۱۵.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۲۲.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۶.
۵. همان، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۷.

تقصیر، یعنی: چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم بلکه چنان باشم که همیشه خود را مقصّر درگاه تو بدانم.

۹ ازحضرت امام محمّد باقرعليه‌السلام روایت شده است: حقتعالی آمرزید مردی از اهل بادیه را به سبب این دو کلمه که دعا کرد به آن:

«اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْنی فَاَهْلٌ لِذٰلِكَ اَنَا وَ اِنْ تَغْفِرْلی فَاَهْلٌ لِذٰلِكَ اَنْتَ.»[1]

۱۰ از «داود رقّی» روایت شده است که گفت: می‌شنیدم از حضرت صادقعليه‌السلام که بیشتر چیزی که الحاح می‌کرد به آن در دعا می‌خواند خدا را به حقّ پنج تن یعنی: رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ.[2]

۱۱ از «یزید صایغ» روایت است که گفتم به حضرت صادقعليه‌السلام که بخوان خدا را برای ما، حضرت این دعا را نمود برای ما:

«اَللّٰهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدیثِ وَ اَداءَ الْاَمانَةِ وَ الْمُحافَظَةَ عَلَی الصَّلَواتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمْ اَحَقُّ خَلْقِكَ اَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اَللّٰهُمَّ افْعَلْهُ بِهِمْ.»[3]

۱۲ بخواند این دعا را که امیرالمؤمنینعليه‌السلام می‌خواند:

«اَللّٰهُمَّ مُنَّ عَلَیَّ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْكَ وَ التَّفْویضِ اِلَیْكَ وَ الرِّضا بِقَدَرِكَ وَ التَّسْلیمِ لِاَمْرِكَ حَتّیٰ لا اُحِبَّ تَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ وَ لا تَاْخیرَ ما عَجَّلْتَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.»[4]

دعایی که خدا به پیامبر آموخت

۱۳ روایت شده که جبرئیل خدمت حضرت رسولصلى‌الله‌عليه‌وآله آمد و عرض کرد که پروردگارت می‌فرماید: هر گاه خواستی مرا عبادت کنی روز و شبی حقّ عبادتِ مرا، دستهای خود را بلند کن به سوی من و بگو:

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۸.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۱۱.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۱۲.
۴. همان، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۱۴.

«اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لا مُنْتَهىٰ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لا اَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئَتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لا جَزاءَ لِقائِلِهِ اِلاّ رِضاكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْمَنُّ كُلُّهُ وَ لَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْبَهاءُ كُلُّهُ وَ لَكَ النُّورُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْعِزَّةُ كُلُّها وَ لَكَ الْجَبَرُوتُ كُلُّها وَ لَكَ الْعَظَمَةُ كُلُّها وَ لَكَ الدُّنْيا كُلُّها وَ لَكَ الْآخِرَةُ كُلُّها وَ لَكَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ عَلانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا اَبَدًا اَنْتَ حَسَنُ الْبَلاءِ جَليلُ الثَّناءِ سابِغُ النَّعْماءِ عَدْلُ الْقَضاءِ جَزيلُ الْعَطاءِ حَسَنُ الْآلاءِ اِلٰهٌ فِي الْاَرْضِ وَ اِلٰهٌ فِي السَّماءِ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشِّدادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْاَرْضِ الْمِهادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ طاقَةَ الْعِبادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبالِ الْاَوْتادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ اِذا يَغْشىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهارِ اِذا تَجَلّىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَثانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَ سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ الْاَرْضُ جَميعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَ السَّمٰواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالىٰ عَمّا يُشْرِكُونَ سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ اِلاّ وَجْهَهُ سُبْحانَكَ رَبَّنا وَ تَعالَيْتَ وَ تَبارَكْتَ وَ تَقَدَّسْتَ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَ قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَ عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِارْتِفاعِكَ وَ غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَ ابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَ عِلْمِكَ وَ بَعَثْتَ الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ وَ هَدَيْتَ الصّالِحينَ بِاِذْنِكَ وَ اَيَّدْتَ الْمُؤْمِنينَ بِنَصْرِكَ وَ قَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطانِكَ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ لا نَعْبُدُ غَيْرَكَ وَ لا نَسْئَلُ اِلاّ اِيّاكَ وَ لا نَرْغَبُ اِلاّ اِلَيْكَ اَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوانا وَ مُنْتَهىٰ رَغْبَتِنا وَ اِلٰهُنا وَ مَليكُنا.»[1]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۱، ح ۱۶.

دعای سریع الأجابة

۱۴ روایت شده که مردی خدمت حضرت امیرالمؤمنین﷣ شکایت کرد از دیر شدن جواب دعایش، فرمود: چرا نمی‌خوانی دعای سریع‌الأجابة را؟! پرسید: آن کدام دعا است؟ فرمود: بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظيمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهانِ الْمُبينِ الَّذي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ نُورٌ في نُورٍ وَ نُورٌ عَلىٰ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ تُضيءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَ يُكْسَرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَ كُلُّ شَيْطانٍ مَريدٍ وَ كُلُّ جَبّارٍ عَنيدٍ لا تَقِرُّ بِهِ اَرْضٌ وَ لا يَقُومُ بِهِ سَماءٌ وَ يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خائِفٍ يَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ ساحِرٍ وَ بَغْيُ كُلِّ باغٍ وَ حَسَدُ كُلِّ حاسِدٍ وَ يَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ وَ يَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلْكُ حينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلَكُ فَلا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبيلٌ وَ هُوَ اسْمُكَ الْاَعْظَمُ الْاَعْظَمُ الْاَجَلُّ الْاَجَلُّ النُّورُ الْاَكْبَرُ الَّذي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَ اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلىٰ عَرْشِكَ وَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَسْئَلُكَ بِكَ وَ بِهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا»[۱] به جای کذا و کذا حاجت بخواه.

دعای جامع دنیا و آخرت

۱۵ از «عمرو بن ابی المقدام» روایت شده است: حضرت صادق﷣ املاء کرد بر من این دعا را و این دعا جامع دنیا و آخرت است، می‌گوئی بعد از حمد و ثنای خداوند عزّوجلّ:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَليمُ الْكَريمُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْواحِدُ الْقَهّارُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَلِكُ

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۱۷.

الْجَبّارُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الرَّحیمُ الْغَفّارُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الشَّدیدُ الْمِحالُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْکَبیرُ الْمُتَعالِ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ السَّمیعُ الْبَصیرُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْمَنیعُ الْقَدیرُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَفُورُ الشَّکُورُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَمیدُ الْمَجیدُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَنّانُ الْمَنّانُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَلیمُ الدَّیّانُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْجَوادُ الْماجِدُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْواحِدُ الْاَحَدُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الْغائِبُ الشّاهِدُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ الظّاهِرُ الْباطِنُ وَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَیْتَ وَ بَسَطْتَ یَدَکَ فَاَعْطَیْتَ رَبَّنا وَجْهُکَ اَکْرَمُ الْوُجُوهِ وَ جِهَتُکَ خَیْرُ الْجِهاتِ وَ عَطِیَّتُکَ اَفْضَلُ الْعَطایا وَ اَهْنَاُها تُطاعُ رَبَّنا فَتَشْکُرُ وَ تُعْصیٰ رَبَّنا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجیبُ الْمُضْطَرّینَ وَ تَکْشِفُ السُّوءَ وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ تَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لا تُجازیٰ اَیادیکَ وَ لا تُحْصیٰ نِعَمُکَ وَ لا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قائِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ وَ راحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ وَ اَذِقْنی طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ اَهْلِکْ اَعْدائَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ وَ اجْعَلْنا مِنَ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ وَ اجْعَلْنی مِنَ الَّذینَ صَبَرُوا وَ عَلیٰ رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ وَ ثَبِّتْنی بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِی الْحَیٰوةِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَةِ وَ بارِکْ لی فِی الْمَحْیا وَ الْمَماتِ وَ الْمَوْقِفِ وَ النُّشُورِ وَ الْحِسابِ وَ الْمیزانِ وَ اَهْوالِ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ وَ سَلِّمْنی عَلَی الصِّراطِ وَ اَجِزْنی[۱] عَلَیْهِ وَ ارْزُقْنی عِلْمًا نافِعًا وَ یَقینًا صادِقًا وَ تُقیً وَ بِرًّا وَ وَرَعًا وَ خَوْفًا مِنْکَ وَ فَرَقًا یُبَلِّغُنی مِنْکَ زُلْفیٰ وَ لا یُباعِدُنی عَنْکَ وَ اَحْبِبْنی وَ لا تُبْغِضْنی وَ تَوَلَّنی وَ لا تَخْذُلْنی وَ

---

۱. به فتح همزه و کسر جیم و سکون زاء، یعنی: بگذران مرا بر صراط. منه (ره).

اَعْطِنِي مِنْ جَميعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَ الْاٰخِرَةِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اَعْلَمْ وَ اَجِرْني مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِحَذا فيرِهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ ما لَمْ اَعْلَمْ.»[۱]

۱۶ از معاویة بن عمّار منقول است که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا تخصیص نمی‌دهی مرا به آموختن دعائی؟ فرمود: بلی، بگو:

«يا واحِدُ يا ماجِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يا عَزيزُ يا كَريمُ يا حَنّانُ يا سامِعَ الدَّعَواتِ يا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يا خَيْرَ مَنْ اَعْطىٰ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ قُلْتَ وَ لَقَدْ نادٰينا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجيبُونَ.»

پس حضرت فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گفت:

«نَعَمْ لَنِعْمَ الْمُجيبُ اَنْتَ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ الْمَسْئُولُ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَدِرْعِكَ الْحَصينَةِ وَ بِجَمْعِكَ وَ اَرْكانِكَ كُلِّها وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْاَوْصِياءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا.»[۲]

۱۷ روایت شده که شخصی ـ معروف به «ابوجعفر» از اهل کوفه ـ به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: مرا دعائی بیاموز که بخوانم آن را، حضرت فرمود بگو:

«يا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ يا مَنْ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ [عُسْرَةٍ] وَ يا مَنْ يُعْطي بِالْقَليلِ الْكَثيرَ يا مَنْ اَعْطىٰ مَنْ سَئَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً يا مَنْ اَعْطىٰ مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِني بِمَسْئَلَتي مِنْ جَميعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَ جَميعِ خَيْرِ الْاٰخِرَةِ فَاِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَيْتَني وَ زِدْني مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ يا كَريمُ.»[۳]

۱۸ روایت شده که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام این دعا را تعلیم برادرش «عبدالله بن

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۱۸.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۱۹.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۲۰.

علی» فرمود:

«اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ظَنّي صاعِدًا وَ لا تُطْمِعْ فِيَّ عَدُوًّا وَ لا حاسِدًا وَ احْفَظْني قائِمًا وَ قاعِدًا وَ يَقْظانَ وَ راقِدًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلي وَ ارْحَمْني وَ اهْدِني سَبيلَكَ الْأَقْوَمَ وَقِني حَرَّ جَهَنَّمَ وَ احْطُطْ عَنّي الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْثَمَ وَ اجْعَلْني مِنْ خِيارِ الْعالَمِ.»[1]

دعای الحاح

۱۹ روایت شده که این دعاء الحاح است:

«اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَ ما بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ رَبَّ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرافيلَ وَ رَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ إِنّي أَسْئَلُكَ بِالَّذي تَقُومُ بِهِ السَّماءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تَرْزُقُ الْأَحْياءَ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمالِ وَ وَزْنَ الْجِبالِ وَ كَيْلَ الْبُحُورِ» پس صلوات می‌فرستی بر محمّد و آل محمّد و سؤال می‌کنی حاجت خود را، و الحاح و اصرار می‌کنی در طلب حاجت خود.[2]

دعای در نماز وتر

۲۰ از ثقهٔ جلیل «ابن ابی یعفور» روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را می‌خواند:

«اَللّٰهُمَّ امْلَأْ قَلْبي حُبًّا لَكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصْديقًا وَ إيمانًا بِكَ وَ فَرَقًا مِنْكَ وَ شَوْقًا إِلَيْكَ يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقاءَكَ وَ اجْعَلْ لي في لِقائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ أَلْحِقْني بِالصّالِحينَ وَ لا تُؤَخِّرْني مَعَ الْأَشْرارِ وَ أَلْحِقْني بِصالِحِ مَنْ مَضىٰ وَ اجْعَلْني مَعَ صالِحِ مَنْ بَقِيَ وَ خُذْ بي سَبيلَ الصّالِحينَ وَ أَعِنّي عَلىٰ نَفْسي بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لا تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۲۱.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۲۳.

مِنْهُ يَارَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْئَلُكَ إِيمَانًا لاٰ أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَآئِكَ تُحْيِينِي وَ تُمِيتُنِي عَلَيْهِ وَ تَبْعَثُنِي عَلَيْهِ إِذٰا بَعَثْتَنِي وَ أَبْرِءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيٰآءِ وَ السُّمْعَةِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِكَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَ قُوَّةً فِي عِبٰادَتِكَ وَ فَهْمًا فِي خَلْقِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمٰا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلىٰ مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ وَالْفَتْرَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ أَعُوذُ بِكَ يٰا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لاٰ تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لاٰ يَخْشَعُ وَ مِنْ دُعٰآءٍ لاٰ يُسْمَعُ وَ مِنْ صَلٰوةٍ لاٰ تَنْفَعُ وَ أُعِيذُ بِكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجِيمِ اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لاٰ يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَ لاٰ أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا فَلاٰ تَخْذُلْنِي وَ لاٰ تَرُدَّنِي فِي هَلَكَةٍ وَ لاٰ تَرُدَّنِي بِعَذٰابٍ أَسْئَلُكَ الثَّبٰاتَ عَلىٰ دِينِكَ وَ التَّصْدِيقَ بِكِتٰابِكَ وَ اتِّبٰاعَ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لاٰ تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رٰاغِبٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ثَوٰابَ مَنْطِقِي وَ ثَوٰابَ مَجْلِسِي رِضٰاكَ عَنِّي وَ اجْعَلْ عَمَلِي وَ دُعٰآئِي خٰالِصًا لَكَ وَاجْعَلْ ثَوٰابِيَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاجْمَعْ لِي جَمِيعَ مٰا سَئَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رٰاغِبٌ اَللّٰهُمَّ غٰارَتِ النُّجُومُ وَ نٰامَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لاٰ يُوٰارِي مِنْكَ لَيْلٌ سٰاجٍ وَ لاٰ سَمٰآءٌ ذٰاتُ أَبْرٰاجٍ وَ لاٰ أَرْضٌ ذٰاتُ مِهٰادٍ وَ لاٰ بَحْرٌ لُجِّيٌّ وَ لاٰ ظُلُمٰاتٌ بَعْضُهٰا فَوْقَ بَعْضٍ تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلىٰ مَنْ تَشٰآءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خٰائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مٰا تُخْفِي الصُّدُورُ أَشْهَدُ بِمٰا شَهِدْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ وَ شَهِدَتْ مَلاٰئِكَتُكَ وَ أُولُوا الْعِلْمِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلىٰ مٰا شَهِدْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ وَ شَهِدَتْ مَلاٰئِكَتُكَ وَ أُولُوا الْعِلْمِ فَاكْتُبْ شَهٰادَتِي مَكٰانَ شَهٰادَتِهِ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلاٰمُ وَ مِنْكَ السَّلاٰمُ أَسْئَلُكَ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ أَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ.»[1]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۵ ـ ۵۸۷، ح ۲۴.

مؤلّف گوید: این دعا را شیخ طوسی﴿ره﴾ در مصباح بعد از رکعت چهارم نافلهٔ شب ذکر فرموده، و علاّمهٔ مجلسی روایتی از حضرت صادق﴿ع﴾ نقل کرده که فرمود: این دعا را در نماز «وتر» بخوان.

دعای ابوذر

۲۱ روایت شده که این دعای ابوذر است که جبرئیل به حضرت رسول﴿ص﴾ عرض کرد که آن معروف است نزد اهل آسمان:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ الْاَمْنَ وَ الْاِيمانَ بِكَ وَ التَّصْديقَ بِنَبِيِّكَ وَ الْعافِيَةَ مِنْ جَميعِ الْبَلاۤءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَ الْغِنىٰ عَنْ شِرارِ النّاسِ.»[1]

دعای جامع

۲۲ از ابوحمزه روایت است که گفت گرفتم این دعا را از حضرت امام محمّد باقر﴿ع﴾، و آن حضرت این دعا را جامع می‌نامید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ اَشْهَدُ اَنْ لاۤ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَريكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَ بِجَميعِ رُسُلِهِ وَ بِجَميعِ ما اُنْزِلَ بِهِ عَلىٰ جَميعِ الرُّسُلِ وَ اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَ لِقاۤئَهُ حَقٌّ وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ بَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَ سُبْحانَ اللّٰهِ كُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّما حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُحْمَدَ وَ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ كُلَّما هَلَّلَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُكَبَّرَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مَفاتيحَ الْخَيْرِ وَ خَواتيمَهُ وَ سَوابِغَهُ وَ فَوائِدَهُ وَ بَرَكاتِهِ وَ ما بَلَغَ عِلْمَهُ عِلْمي وَ ما قَصُرَ عَنْ اِحْصاۤئِهِ حِفْظي اَللّٰهُمَّ انْهَجْ لي اَسْبابَ مَعْرِفَتِهِ وَ

۱. همان ج ۲، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

افْتَحْ لِي أَبْوابَهُ وَ غَشِّنِي بَرَكاتِ رَحْمَتِكَ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزالَةِ عَنْ دِينِكَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَ لا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيايَ وَ عاجِلِ مَعاشِي عَنْ آجِلِ ثَوابِ آخِرَتِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مالا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلَهُ وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسانِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّياءِ وَ لا تُجْرِهِ فِي مَفاصِلِي وَاجْعَلْ عَمَلِي خالِصاً لَكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَنْواعِ الْفَواحِشِ كُلِّها ظاهِرِها وَ باطِنِها وَ غَفَلاتِها وَ جَمِيعِ ما يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطانُ الرَّجِيمُ وَ ما يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطانُ الْعَنِيدُ مِمّا أَحَطْتَ بِعِلْمِهِ وَ أَنْتَ الْقادِرُ عَلىٰ صَرْفِهِ عَنِّي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوارِقِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ زَوابِعِهِمْ وَ بَوائِقِهِمْ وَ مَكائِدِهِمْ وَ مَشاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَ أَنْ يَكُونَ ذٰلِكَ مِنْهُمْ ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعاشِي أَوْ يَعْرِضَ بَلاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لا قُوَّةَ لِي بِهِ وَلا صَبْرَ لِي عَلَى احْتِمالِهِ فَلا تَبْتَلِيَنِّي يا إِلٰهِي بِمُقاساتِهِ فَيَمْنَعُنِي ذٰلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ يَشْغَلُنِي عَنْ عِبادَتِكَ أَنْتَ الْعاصِمُ الْمانِعُ الدّافِعُ الْواقِي مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ أَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ الرَّفاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي ما أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوىٰ بِها عَلىٰ طاعَتِكَ وَ أَبْلُغُ بِها رِضْوانَكَ وَ أَصِيرُ بِها إِلىٰ دارِ الْحَيَوانِ غَداً وَ لا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَ لا تَبْتَلِيَنِّي بِفَقْرٍ أَشْقىٰ بِهِ مُضَيَّقًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حَظًّا وافِرًا فِي آخِرَتِي وَ مَعاشًا واسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيايَ وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا عَلَيَّ سِجْنًا وَ لا تَجْعَلْ فِراقَها عَلَيَّ حُزْنًا أَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِها وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِيها مَقْبُولاً وَ سَعْيِي فِيها مَشْكُورًا اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَ مَنْ كادَنِي فِيها فَكِدْهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْماكِرِينَ وَافْقَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ الظَّلَمَةِ وَ الطُّغاةِ الْحَسَدَةِ اَللّٰهُمَّ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ وَ أَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ احْفَظْنِي بِسِتْرِكَ الْواقِي وَ جَلِّلْنِي عافِيَتَكَ النّافِعَةَ وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَفِعالِي وَ بارِكْ لِي فِي وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مالِي اَللّٰهُمَّ ما قَدَّمْتُ وَ ما

اَخَّرْتُ وَ ما اَغْفَلْتُ وَ ما تَعَمَّدْتُ وَ ما تَوانَيْتُ وَ ما اَعْلَنْتُ وَ ما اَسْرَرْتُ فَاغْفِرْهُ لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.»[۱]

۲۳ از محمّد بن مسلم روایت است که حضرت امام محمّد باقر ﷺ فرمود بخوان:

«اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ في رِزْقي وَامْدُدْ لي في عُمْري وَ اغْفِرْلي ذَنْبي وَاجْعَلْني مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ وَ لا تَسْتَبْدِلْ بي غَيْري.»[۲]

۲۴ روایت شده که حضرت صادق ﷺ این دعا را می‌خواندند:

«يا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي ذَهَبَتْ لَذَّتُها وَ بَقِيَتْ تَبِعَتُها.»

۲۵ و نیز روایت شده که آن حضرت این دعا را می‌خواندند:

«يا نُورُ يا قُدُّوسُ يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ وَ يا آخِرَ الْآخِرينَ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُحِلُّ النِّقَمَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلاءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُديلُ الْاَعْداءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَقْطَعُ الرَّجاءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُظْلِمُ الْهَواءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَكْشِفُ الْغِطاءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ غَيْثَ السَّماءِ.»[۳]

۲۶ و نیز این دعا از آن حضرت منقول است:

«يا عُدَّتي في كُرْبَتي وَ يا صاحِبي في شِدَّتي وَ يا وَلِيّي في نِعْمَتي وَ يا غِياثي في رَغْبَتي». فرموده: و این دعا دعاء امیرالمؤمنین ﷺ است:

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۷ـ ۵۸۹، ح ۲۶.
۲. همان، ج ۲، ص ۵۸۹، ح ۲۷.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۸۹، ح ۲۹.

دعای امیرالمؤمنین ﷺ

«اَللّٰهُمَّ کَتَبْتَ الْآثارَ وَ عَلِمْتَ الْأَخْبارَ وَ اطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرارِ فَحُلْتَ بَیْنَنا وَ بَیْنَ الْقُلُوبِ فَالسِّرُّ عِنْدَکَ عَلانِیَةٌ وَ الْقُلُوبُ إِلَیْکَ مُفْضاةٌ وَ إِنَّما أَمْرُکَ لِشَیْءٍ إِذا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَقُلْ بِرَحْمَتِکَ لِطاعَتِکَ أَنْ تَدْخُلَ فی کُلِّ عُضْوٍ مِنْ أَعْضائی وَ لا تُفارِقَنی حَتّی أَلْقاکَ وَ قُلْ بِرَحْمَتِکَ لِمَعْصِیَتِکَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ کُلِّ عُضْوٍ مِنْ أَعْضائی فَلا تَقْرَبَنی حَتّی أَلْقاکَ وَ ارْزُقْنی مِنَ الدُّنْیا وَ زَهِّدْنی فیها وَ لا تَزْوِها[1] عَنّی وَ رَغْبَتی فیها یا رَحْمٰنُ.»[2]

دعایی که امام صادق ﷺ به «پسر سیّابه» عطا کرد

۲۷ علیّ بن ابراهیم از پدرش از «ابن محبوب» از «علاء بن رزین» از «عبدالرّحمن بن سیابه» روایت کرده که گفت: عطا کرد حضرت صادق ﷺ به من این دعا را:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِیِّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ وَ مُنْتَهاهُ وَ مَحَلِّهِ أَخْلَصَ مَنْ وَحَّدَهُ وَ اهْتَدیٰ مَنْ عَبَدَهُ وَ فازَ مَنْ أَطاعَهُ وَ أَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ اَللّٰهُمَّ یا ذَا الْجُودِ وَ الْمَجْدِ وَ الثَّناءِ الْجَمیلِ وَ الْحَمْدِ أَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَکَ بِرَقَبَتِهِ وَ رَغِمَ لَکَ أَنْفُهُ وَ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ وَ ذَلَّلَ لَکَ نَفْسَهُ وَ فاضَتْ مِنْ خَوْفِکَ دُمُوعُهُ وَ تَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ وَ اعْتَرَفَ لَکَ بِذُنُوبِهِ وَ فَضَحَتْهُ عِنْدَکَ خَطیئَتُهُ وَ شانَتْهُ عِنْدَکَ جَریرَتُهُ فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذٰلِکَ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حیلَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبابُ خَدائِعِهِ وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ کُلُّ باطِلٍ وَ أَلْجَأَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلیٰ ذُلِّ مَقامِهِ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ خُضُوعِهِ لَدَیْکَ وَ ابْتِهالِهِ إِلَیْکَ أَسْئَلُکَ اَللّٰهُمَّ سُؤالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ أَرْغَبُ إِلَیْکَ کَرَغْبَتِهِ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ کَتَضَرُّعِهِ وَ أَبْتَهِلُ إِلَیْکَ

---

۱. این جمله مقابل جملهٔ اول است. حاصلش آن است که: چنان مکن که دنیا را از من بگیری و رغبت من به دنیا باشد بلکه دنیا را به من بده و رغبتم را بگیر که زهد در آن ورزم. منه (ره).

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۹۰، ح ۳۰.

كَاَشَدِّ ابْتِهالِهِ اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ اِسْتِكانَةَ مَنْطِقي وَ ذُلَّ مَقامي وَ مَجْلِسي وَ خُضُوعي اِلَيْكَ بِرَقَبَتي اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ الْهُدىٰ مِنَ الضَّلالَةِ وَ الْبَصيرَةَ مِنَ الْعَمىٰ وَ الرُّشْدَ مِنَ الْغِوايَةِ وَ اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ اَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخاءِ وَ اَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصيبَةِ وَ اَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَ التَّسْليمَ عِنْدَ الشُّبُهاتِ وَ اَسْئَلُكَ الْقُوَّةَ في طاعَتِكَ وَ الضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ الْهَرَبَ اِلَيْكَ مِنْكَ وَ التَّقَرُّبَ اِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضىٰ وَ التَّحَرِّيَ لِكُلِّ ما يُرْضيكَ عَنّي في اِسْخاطِ خَلْقِكَ اِلْتِماساً لِرِضاكَ رَبِّ مَنْ اَرْجُوهُ اِنْ لَمْ تَرْحَمْني اَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ اِنْ اَقْصَيْتَني اَوْ مَنْ يَنْفَعُني عَفْوُهُ اِنْ عاقَبْتَني اَوْ مَنْ اٰمُلُ عَطاياهُ اِنْ حَرَمْتَني اَوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرامَتي اِنْ اَهَنْتَني اَوْ مَنْ يَضُرُّني هَوانُهُ اِنْ اَكْرَمْتَني رَبِّ ما اَسْوَءَ فِعْلي وَ اَقْبَحَ عَمَلي وَ اَقْسىٰ قَلْبي وَ اَطْوَلَ اَمَلي وَ اَقْصَرَ اَجَلي وَ اَجْرَاَني عَلىٰ عِصْيانِ مَنْ خَلَقَني رَبِّ وَ ما اَحْسَنَ بَلاءَكَ عِنْدي وَ اَظْهَرَ نَعْماءَكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَما اُحْصيها وَ قَلَّ مِنّي الشُّكْرُ فيما اَوْلَيْتَنيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَ سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَ جُزْتُ مِنَ الْعَدْلِ اِلَى الظُّلْمِ وَ جاوَزْتُ الْبِرَّ اِلَى الْاِثْمِ وَ صِرْتُ اِلَى اللَّهْوِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْحُزْنِ فَما اَصْغَرَ حَسَناتي وَ اَقَلَّها في كَثْرَةِ ذُنُوبي وَ ما اَكْثَرَ ذُنُوبي وَ اَعْظَمَها عَلىٰ قَدْرِ صِغَرِ خَلْقي وَ ضَعْفِ رُكْني رَبِّ وَ ما اَطْوَلَ اَمَلي في قِصَرِ اَجَلي وَ اَقْصَرَ اَجَلي في بُعْدِ اَمَلي وَ ما اَقْبَحَ سَريرَتي في عَلانِيَتي رَبِّ لا حُجَّةَ لي اِنِ احْتَجَجْتُ وَ لا عُذْرَ لي اِنِ اعْتَذَرْتُ وَ لا شُكْرَ عِنْدي اِنِ ابْتَلَيْتَ وَ اُولِيتُ اِنْ لَمْ تُعِنّي عَلىٰ شُكْرِ ما اَوْلَيْتَ رَبّي ما اَخَفَّ ميزاني غَداً اِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَ اَزَلَّ لِساني اِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ اَسْوَدَ وَجْهي اِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لي بِذُنُوبِيَ الَّتي سَلَفَتْ مِنّي قَدْ هَدَّتْ لَها اَرْكاني رَبِّ كَيْفَ اَطْلُبُ شَهَواتِ الدُّنْيا وَ اَبْكي عَلىٰ خَيْبَتي فيها وَ لا اَبْكي وَ تَشْتَدُّ حَسَراتي عَلىٰ عِصْياني وَ تَفْريطي رَبِّ دَعَتْني دَواعِي الدُّنْيا

فَاَجَبْتُها سَرِيعًا وَ رَكَنْتُ اِلَيْها طائِعًا وَ دَعَتْني دَواعِي الْآخِرَةِ فَتَثَبَّطْتُ عَنْها وَ اَبْطَأْتُ فِي الْاِجابَةِ وَ الْمُسارَعَةِ اِلَيْها كَما سارَعْتُ اِلىٰ دَواعِي الدُّنْيا وَ حُطامِهَا الْهامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبائِدِ وَ سَرابِهَا [سَرابِها؟] الذّاهِبِ رَبِّ خَوَّفْتَني وَ شَوَّقْتَني وَ احْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرِقّي وَ تَكَفَّلْتَ لي بِرِزْقي فَاَمِنْتُ خَوْفَكَ وَ تَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ وَ لَمْ اَتَّكِلْ عَلىٰ ضَمانِكَ وَ تَهاوَنْتُ بِاحْتِجاجِكَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ اَمْني مِنْكَ في هٰذِهِ الدُّنْيا خَوْفًا وَ حَوِّلْ تَثَبُّطي شَوْقًا وَ تَهاوُني بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ ثُمَّ رَضِّني بِما قَسَمْتَ لي مِنْ رِزْقِكَ يا كَرِيمُ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ وَ الْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشَبُّهِ الْفِتْنَةِ رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتي مِنْ خَطايايَ حَصِينَةً وَ دَرَجاتي فِي الْجِنانِ رَفِيعَةً وَ اَعْمالي كُلُّها مُتَقَبَّلَةً وَ حَسَناتي مُضاعَفَةً زاكِيَةً اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّها ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ مِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ ما اَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ ما لا اَعْلَمُ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَ الْجَفا بِالْحِلْمِ وَ الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ وَ الْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ وَ الْجَزَعَ بِالصَّبْرِ اَوِ الْهُدىٰ بِالضَّلالَةِ اَوِ الْكُفْرَ بِالْاِيمانِ.»[۱]

حکایت عبدالرحمن بن سیابه و وصیّت حضرت صادق﷣ به او

مؤلّف گوید: این دعا مشتمل است بر مضامین عالیه. و «عبدالرّحمٰن بن سیابه» همان کس است که حضرت صادق﷣ او را **وصیّت نافعه** فرموده که شایسته است نقلش در اینجا، و آن چنان است که عبدالرّحمٰن نقل کرده که چون پدرم **سیابه** وفات کرد، مردی از دوستان او آمد درِ منزل ما را کوبید من به سوی او رفتم مرا تعزیت گفت، پس پرسید که پدرت چیزی گذاشته برای شما؟ گفتم: نه، پس کیسه‌ای که هزار درهم داشت به من

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۹۲ ـ ۵۹۰، ح ۳۲.

داد و گفت: این را نیکو محافظت کن و از کسب آن معاش کن. من خوشحال شدم و به نزد مادرم رفتم و او را به این خبر دادم، پس در آخر آن روز رفتم به نزد یکی از أصدقاء پدرم که برای من کسبی مهیّا کند، او برای من سرمایه از جامه‌های سابری خرید ، پس در دکّانی نشستم و مشغول کسب شدم، پس حقتعالی از آن کسب مرا خیر بسیاری روزی فرمود، پس وقت حجّ رسید در دلم افتاد که به حجّ روم، به نزد مادرم رفتم و گفتم می‌خواهم به حجّ روم، مادرم گفت : هزار درهم پول آن مرد را بده. عبدالرّحمن گفت: پول آن مرد را تهیّه کردم و بردم به او دادم، او خوشحال شد مثل آن که آن پول را به او بخشیدم! پس گفت: شاید این پول کم بوده تو را، اگر می‌خواهی بیشتر بدهم به تو؟ گفتم: نه، در دلم افتاده که به حجّ مشرّف شوم و خواستم که پول شما را به خودت ردّ کنم. پس به مکّه رفتم و اعمال حجّ را بجا آوردم و برگشتم به مدینه و با جمعی از مردم به خدمت حضرت صادق(ع) مشرّف شدم و در آن اوقات حضرت اذن عامّ می‌داد، پس من نشستم در آخر جمعیّتِ مردم ـ و من در آن وقت جوان بودم ـ پس مردم شروع کردند در سؤال کردن از آن حضرت و آن جناب جواب آنها را می‌داد و می‌رفتند تا آنکه جمعیّت کم شد، حضرت به سوی من اشاره کرد من نزدیک آن جناب شدم، فرمود: آیا حاجتی داری؟ گفتم فدایت شوم من عبدالرّحمٰن پسر سیّابه هستم، احوال پدرم را پرسید، گفتم پدرم وفات کرد، فَتَوَجَّعَ وَ تَرَحَّمَ یعنی: حضرت محزون و غمگین شد و گویا دردی او را عارض شد، و فرمود خدا او را رحمت کند، پس پرسید: ترکه‌ای گذاشت؟ گفتم: نه، فرمود: پس از کجا توانستی به حجّ بیایی؟! پس شروع کردم به قصّهٔ آن مردی که آمد و هزار درهم به من داد، عبدالرّحمٰن گفت: حضرت فرصت نداد تا من قصّه‌ام را تمام کنم، به من فرمود: تو آمدی حجّ، هزار درهم آن مرد را چه کردی؟! گفتم: ردّ کردم آن را به صاحبش ، فرمود: أَحْسَنْتَ، پس فرمود: آیا وصیّتی نکنم تو را؟ گفتم: چرا بفرمائید، فرمود: **ملازمت کن به راستی در گفتار و اداء امانت تا شریک شوی مردم را در اموال ایشان همچنین ـ و جمع فرمود مابین دو انگشت خود ـ یعنی: اگر قولت درست باشد و دروغ نگفتی و خلاف وعده نکردی و سر موعد که طلبکار را وعده کرده بودی مال را ردّ کردی و**

مال مردم را نخوردی از مردم هر چه بخواهی بگیری به تو می‌دهند، پس تو شریک مردم می‌شوی در مال ایشان به واسطهٔ امانت و صداقت که در تو هست. عبدالرّحمن گفت: من این وصیّت را از آن حضرت حفظ کردم، یعنی: رفتار به آن نمودم، و چندان مال پیدا کردم که زکات دادم سیصد هزار درهم را.[۱]

و در روایت دیگر وارد شده که این دعای حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام است و در آخرش این زیادی است آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

[۲۸] از «ابن محبوب» روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي لا تُنالُ مِنْكَ اِلاّ بِرِضاكَ وَ الْخُرُوجَ مِنْ جَميعِ مَعاصيكَ وَالدُّخُولَ في كُلِّ ما يُرْضيكَ وَ النَّجاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ وَ الْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبيرَةٍ اَتىٰ بِها مِنّي عَمْدٌ اَوْ زَلَّ بِها مِنّي خَطَأٌ اَوْ خَطَرَ بِها عَلَيَّ خَطَراتُ الشَّيْطانِ اَسْئَلُكَ خَوْفاً تُوقِفُني بِهِ عَلىٰ حُدُودِ رِضاكَ وَ تَشْعَبُ بِهِ عَنّي كُلَّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِها هَوايَ وَ اسْتَزَلَّ بِها رَأْيي لِيُجاوِزَ حَدَّ حَلالِكَ اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ الْاَخْذَ بِاَحْسَنِ ما تَعْلَمُ وَ تَرْكَ سَيِّئِ كُلِّ ما تَعْلَمُ اَوْ اُخْطِئُ مِنْ حَيْثُ لا اَعْلَمُ اَوْ مِنْ حَيْثُ اَعْلَمُ اَسْئَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَ الزُّهْدَ فِي الْكَفافِ وَ الْمَخْرَجَ بِالْبَيانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَ الصَّوابَ في كُلِّ حُجَّةٍ وَ الصِّدْقَ في جَميعِ الْمَواطِنِ وَ اِنْصافَ النّاسِ مِنْ نَفْسي فيما عَلَيَّ وَلِيَ وَ التَّذَلُّلَ في اِعْطاءِ النَّصَفِ مِنْ جَميعِ مَواطِنِ السَّخَطِ وَ الرِّضا وَ تَرْكَ قَليلِ الْبَغْيِ وَكَثيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنّي وَ الْفِعْلِ وَ تَمامَ نِعْمَتِكَ في جَميعِ الْاَشْياءِ وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْها لِكَيْ تَرْضىٰ وَ بَعْدَ الرِّضا وَ اَسْئَلُكَ الْخِيَرَةَ في كُلِّ ما يَكُونُ فيهِ الْخِيَرَةُ بِمَيْسُورِ الْاُمُورِ كُلِّها لا بِمَعْسُورِها يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ وَافْتَحْ لي بابَ الْاَمْرِ

---

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۳۴، ب اداء الأمانة، ح ۹.

الَّذي فيهِ الْعافِيَةُ وَ الْفَرَجُ وَافْتَحْ لي بابَهُ وَ يَسِّرْلي مَخْرَجَهُ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدُرَةً مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْعَنّي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَ يَدِهِ وَ خُذْهُ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ يَسارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدّامِهِ وَ امْنَعْهُ اَنْ يَصِلَ اِلَيَّ بِسُوءٍ عَزَّ جارُكَ وَ جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ وَ لا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَنْتَ رَبّي وَ اَنَا عَبْدُكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَجائي في كُلِّ كُرْبَةٍ وَ اَنْتَ ثِقَتي في كُلِّ شِدَّةٍ وَ اَنْتَ لي في كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَ تَقِلُّ فيهِ الحيلَةُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَعْيى فيهِ الْاُمُورُ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ اِلَيْكَ راغِبًا اِلَيْكَ فيهِ عَمَّنْ سِواكَ قَدْ فَرَّجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثيرًا وَ لَكَ الْمَنُّ فاضِلاً.»[1]

دعایی که امام صادق ﷺ به ابوبصیر یاد داد

۲۹ به سند معتبر روایت شده که حضرت صادق ﷺ این دعا را به ابوبصیر یاد داد که بخواند.

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ قَوْلَ التَّوّابينَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نُورَ الْاَنْبِياءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجاةَ الْمُجاهِدينَ وَ ثَوابَهُمْ وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَيْنَ وَ نَصيحَتَهُمْ وَ عَمَلَ الذّاكِرينَ وَ يَقينَهُمْ وَ ايمانَ الْعُلَماءِ وَفِقْهَهُمْ وَ تَعَبُّدَ الْخاشِعينَ وَ تَواضُعَهُمْ وَ حُكْمَ الْفُقَهاءِ وَ سيرَتَهُمْ وَ خَشْيَةَ الْمُتَّقينَ وَ رَغْبَتَهُمْ وَ تَصْديقَ الْمُؤْمِنينَ وَ تَوَكُّلَهُمْ وَ رَجاءَ الْمُحْسِنينَ وَ بِرَّهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ ثَوابَ الشّاكِرينَ وَ مَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبينَ وَ مُرافَقَةَ النَّبِيّينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ خَوْفَ الْعامِلينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخائِفينَ مِنْكَ وَ خُشُوعَ الْعابِدينَ لَكَ وَ يَقينَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ وَ تَوَكُّلَ الْمُؤْمِنينَ بِكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بِحاجَتي عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ وَ اَنْتَ لَها واسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ وَ اَنْتَ الَّذي لا يُحْفيكَ سائِلٌ وَ لا يَنْقُصُكَ نائِلٌ وَ لا

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۹۲، ح ۳۲.

يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قائِلٍ اَنْتَ كَما تَقُولُ وَ فَوْقَ ما نَقُولُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فَرَجًا قَريبًا وَ اَجْرًا عَظيمًا وَ سَتْرًا جَميلاً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنّي عَلىٰ ظُلْمي لِنَفْسي وَ إِسْرافي عَلَيْها لَمْ اَتَّخِذْلَكَ ضِدًّا وَلا نِدًّا وَ لا صاحِبَةً وَ لا وَلَدًا يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْمَسائِلُ وَ يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ وَ لا سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَ لا بَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ وَ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنّي في ساعَتي هٰذِهِ مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ اِنَّكَ تُحْيِ الْعِظامَ وَ هِيَ رَميمٌ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ يا مَنْ قَلَّ شُكْري لَهُ فَلَمْ يَحْرِمْني وَ عَظُمَتْ خَطيئَتي فَلَمْ يَفْضَحْني وَ رَاٰني عَلَى الْمَعاصي فَلَمْ يَجْبَهْني وَ خَلَقَني لِلَّذي خَلَقَني لَهُ فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذي خَلَقَني لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلىٰ اَنْتَ يا سَيِّدي وَ بِئْسَ الْعَبْدُ اَنَا وَجَدْتَني وَ نِعْمَ الطّالِبُ اَنْتَ رَبّي وَ بِئْسَ الْمَطْلُوبُ اَلْفَيْتَني عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ اَمَتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ ما شِئْتَ صَنَعْتَ بي اَللّٰهُمَّ هَدَاَتِ الْاَصْواتُ وَ سَكَنَتِ الْحَرَكاتُ وَ خَلاكُلُّ حَبيبٍ بِحَبيبِه وَ خَلَوْتُ بِكَ اَنْتَ الْمَحْبُوبُ اِلَيَّ فَاجْعَلْ خَلْوَتي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِتْقَ مِنَ النّارِ يا مَنْ لَيْسَتْ لِعالِمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يا مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنْعَةٌ يا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يا اٰخِرًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ وَ يا مَنْ لَيْسَ لِاٰخِرِهِ فَناءٌ وَ يا اَكْمَلَ مَنْعُوتٍ وَ يا اَسْمَحَ الْمُعْطينَ وَ يا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعىٰ بِها وَ يا مَنْ عَفْوُهُ قَديمٌ وَ بَطْشُهُ شَديدٌ وَ مُلْكُهُ مُسْتَقيمٌ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي شافَهْتَ بِهِ مُوسىٰ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ يا لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّمَدُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.»[1]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۹۵ ـ ۵۹۳، ح ۳۳.

دعایی کوتاه از امام رضا(ع)

۳۰ از یونس روایت است که به حضرت امام رضا(ع) عرض کردم: مرا تعلیم فرما دعای کوچکی، فرمود بگو:

«یا مَنْ دَلَّنِی عَلیٰ نَفْسِهِ وَ ذَلَّلَ قَلْبِی بِتَصْدِیقِهِ أَسْئَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِیمَانَ.»[۱]

۱. همان، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۲۴.

۵

باب پنجم

در ذکر بعض حرزها و دعاهای کوتاه

در ذکر بعض احراز و ادعیهٔ موجزه

که منتخب شده از کتاب **مهج‌الدّعوات** و **مُجتنیٰ** که هر دو از مصنّفات «رضی‌الدّین سیّدابن طاووس» است و آن چند امر است :

دعای پیامبر در کارهای دشوار

۱ از حضرت موسی بن جعفر روایت شده است که حضرت رسول فرمود به امیرالمؤمنین: هر گاه تو را امر دشواری پیش آید بگو:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُنْجِيَني مِنْ هٰذَا الْغَمِّ.» [1]

۲ **حرز حضرت فاطمه:**

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغيثُ فَاَغِثْني وَ لاٰ تَكِلْني اِلىٰ نَفْسي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ اَصْلِحْ لي شَأْني كُلَّهُ.» [2]

---

۱ . مهج‌الدعوات ، ص ۴.

۲ . همان، ص ۵.

۳ حرز امام زین‌العابدین علیه السلام:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ سَدَدْتُ اَفْوٰاهَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ الشَّيٰاطِينِ وَ السَّحَرَةِ وَ الْاَبٰالِسَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ السَّلاٰطِينِ وَ مَنْ يَلُوذُ بِهِمْ بِاللّٰهِ الْعَزِيزِ الْاَعَزِّ وَ بِاللّٰهِ الْكَبِيرِ الْاَكْبَرِ بِسْمِ اللّٰهِ الظّٰاهِرِ الْبٰاطِنِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الَّذِي اَقٰامَ بِهِ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ ثُمَّ اسْتَوىٰ عَلَى الْعَرْشِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمٰا ظَلَمُوا فَهُمْ لاٰ يَنْطِقُونَ قٰالَ اخْسَؤُا فِيهٰا وَ لاٰ تُكَلِّمُونِ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خٰابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا وَ خَشَعَتِ الْاَصْوٰاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلاٰ تَسْمَعُ اِلاّٰ هَمْسًا وَ جَعَلْنٰا عَلىٰ قُلُوبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي اٰذٰانِهِمْ وَقْرًا وَ اِذٰا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْاٰنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلىٰ اَدْبٰارِهِمْ نُفُورًا وَ اِذٰا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنٰا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لاٰ يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ حِجٰابًا مَسْتُورًا وَ جَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ لاٰ يُبْصِرُونَ اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلىٰ اَفْوٰاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنٰا اَيْدِيهِمْ فَهُمْ لاٰ يَنْطِقُونَ لَوْ اَنْفَقْتَ مٰا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا مٰا اَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لٰكِنَّ اللّٰهَ اَلَّفَ بَيْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطّٰاهِرِينَ.»[1]

۴ حرز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يٰا خٰالِقَ الْخَلْقِ وَ يٰا بٰاسِطَ الرِّزْقِ وَ يٰا فٰالِقَ الْحَبِّ وَ يٰا بٰارِئَ النَّسَمِ وَ مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ وَ مُمِيتَ الْاَحْيٰاءِ وَ دٰائِمَ الثَّبٰاتِ وَ مُخْرِجَ النَّبٰاتِ اِفْعَلْ بِي مٰا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لاٰ تَفْعَلْ بِي مٰا اَنٰا اَهْلُهُ وَ اَنْتَ اَهْلُ التَّقْوىٰ وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.»[2]

۵ **حرز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام**: روایت است از علی بن یقطین که گفت خبر دادند به ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام ـ و در نزد او جماعتی از اقوام او بودند ـ به آنچه قصد کرده است موسی بن مهدی در کار او، پس گفت: به اقوام خود چه رأی دارید در

---

۱. همان، ص ۱۵ ـ ۱۶.
۲. همان، ص ۲۳.

این باب؟ گفتند: رأی ما این است که از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی که ایمن از شرّ او نتوان شد، پس حضرت تبسّم فرمود و تمثّل جُست به شعر کعب بن مالک:

زَعَمَتْ سَخينَةُ اَنْ سَتَغْلِبُ رَبَّها فَلَيُغْلَبَنَّ مُغالِبُ الْغَلّابِ

پس بلند کرد دست خود را به سوی آسمان و گفت:

«اِلٰهي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَ اَرْهَفَ لي شَباحَدِّهِ وَ دافَ لي قَواتِلَ سُمُومِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنّي عَيْنُ حِراسَتِهِ فَلَمّا رَاَيْتَ ضَعْفي عَنِ احْتِمالِ الْفَوادِحِ وَ عَجْزي عَنْ مُلِمّاتِ الْجَوائِحِ صَرَفْتَ ذٰلِكَ عَنّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ لا بِحَوْلٍ مِنّي وَ لا قُوَّةٍ فَاَلْقَيْتَهُ فِي الْحَفيرِ الَّذي احْتَفَرَهُ لي خائِبًا مِمّا اَمَّلَهُ فِي الدُّنْيا مُتَباعِدًا مِمّا رَجاهُ فِي الْآخِرَةِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ذٰلِكَ قَدْرَ اسْتِحْقاقِكَ سَيِّدي اَللّٰهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِكَ وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنّي بِقُدْرَتِكَ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلاً فيما يَليهِ وَ عَجْزًا عَمّا يُناويهِ اَللّٰهُمَّ وَ اَعْدِني عَلَيْهِ عَدْوىٰ حاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غَيْظي شِفاءً وَ مِنْ حَنَقي عَلَيْهِ وَفاءً وَصِلِ اللّٰهُمَّ دُعائي بِالْاِجابَةِ وَ انْظِمْ شِكايَتي بِالتَّغْييرِ وَ عَرِّفْهُ عَمّا قَليلٍ ما اَوْعَدْتَ الظّالِمينَ وَ عَرِّفْني ما وَعَدْتَ في اِجابَةِ الْمُضْطَرّينَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ وَ الْمَنِّ الْكَريمِ.» گفت: پس متفرق شدند قوم و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر موت موسی بن مهدی.[۱]

حرز امام رضا و حکایت عجیب آن

[۶] **رقعة الجَيْب حرز حضرت امام رضا** علیه‌السلام: روایت است از «یاسر» ـ خادم مأمون ـ که گفت: زمانی که وارد شد ابوالحسن علیّ بن موسی الرّضا علیه‌السلام قصر «حمید بن قحطبه»، بیرون کرد از تن لباس را و داد به حمید و حمل کرد حمید و داد به جاریهٔ خود که بشوید آن را، پس نگذشت زمانی که آن جاریه آمد و با او رقعه‌ای بود و داد به حمید

۱. همان، ص ۲۸ ـ ۲۹.

و گفت: یافتم این رقعه را در گریبان لباس ابوالحسن علیه السلام. پس حمید به آن حضرت گفت: فدای تو گردم بدرستی که این جاریه یافته است رقعه‌ای در گریبان پیراهن تو، چیست آن؟ فرمود: تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم. حمید گفت: ممکن است که ما را مشرّف کنی به آن؟ پس فرمود: این تعویذی است که هر که نگاه دارد در گریبان خود رفع می‌شود بلا از او و می‌باشد برای او حرزی از شیطان رجیم، پس خواند تعویذ را بر حمید، و آن این است:

«**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلىٰ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ لاٰ سُلْطٰانَ لَكَ عَلَيَّ وَ لاٰ عَلىٰ سَمْعِي وَ لاٰ عَلىٰ بَصَرِي وَ لاٰ عَلىٰ شَعْرِي وَ لاٰ عَلىٰ بَشَرِي وَ لاٰ عَلىٰ لَحْمِي وَ لاٰ عَلىٰ دَمِي وَ لاٰ عَلىٰ مُخِّي وَ لاٰ عَلىٰ عَصَبِي وَ لاٰ عَلىٰ عِظٰامِي وَ لاٰ عَلىٰ مٰالِي وَ لاٰ عَلىٰ مٰا رَزَقَنِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذِي اسْتَتَرَ أَنْبِيٰاءُ اللّٰهِ بِهِ مِنْ سَطَوٰاتِ الْجَبٰابِرَةِ وَ الْفَرٰاعِنَةِ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ مِيكٰائِيلُ عَنْ يَسٰارِي وَ إِسْرٰافِيلُ عَنْ وَرٰائِي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمٰامِي وَ اللّٰهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطٰانَ مِنِّي اَللّٰهُمَّ لاٰ يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنٰاتَكَ أَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَ يَسْتَخِفَّنِي اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ**.»

و از برای این حرز حکایت عجیبی است که روایت کرده آن را «ابوالصّلت هروی» که گفت: مولای من علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام روزی نشسته بود در منزل خود، داخل شد بر او رسول مأمون و گفت که تو را امیر می‌طلبد، پس امام برخاست و مرا گفت: نمی‌طلبد مرا مأمون در این وقت مگر به جهت کاری سخت و به خدا که نمی‌تواند با من کاری بد کردن به جهت این کلمات که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رسیده، ابوالصّلت گفت: همراه امام علیه السلام بیرون رفتم نزد مأمون، چون نظر حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند، پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل مأمون نظر کرد به

سوی او مأمون و گفت: ای ابوالحسن! امر کرده‌ام که صد هزار درهم به جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری! پس چون امام پشت گردانید، مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت: اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر بوده است.[۱]

۷ حرز حضرت جوادؑ:

«يا نُورُ يا بُرْهانُ يا مُبِينُ يا مُنِيرُ يا رَبِّ اكْفِنِي الشُّرُورَ وَ آفاتِ الدُّهُورِ وَ أَسْئَلُكَ النَّجاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.»[۲]

۸ حرز امام علیّ نقیؑ:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ ما أَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يا عَزِيزُ أَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَ أَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَادْفَعْ عَنِّي هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَادْفَعْ عَنِّي بِدَفْعِكَ وَامْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيارِ خَلْقِكَ يا واحِدُ يا أَحَدُ يا فَرْدُ يا صَمَدُ.»[۳]

۹ حرز امام حسن عسکریؑ:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ يا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ يا مُونِسِي عِنْدَ وَحْدَتِي أُحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لا تَنامُ وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لا يُرامُ.»[۴]

۱۰ حرز مولانا القائمؑ:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يا مالِكَ الرِّقابِ وَ يا هازِمَ الْأَحْزابِ يا مُفَتِّحَ الْأَبْوابِ يا مُسَبِّبَ الْأَسْبابِ سَبِّبْ لَنا سَبَبًا لا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

۱. همان، ص ۲۳ ـ ۲۴.
۲. همان، ص ۴۲.
۳. همان، ص ۴۲.
۴. همان، ص ۴۵.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ آلِهِ أَجْمَعِينَ.»[۱]

[۱۱] قنوت امام حسین علیه السلام:

«اَللّٰهُمَّ مَنْ اٰوىٰ إِلىٰ مَأْوًى فَأَنْتَ مَأْوايَ وَ مَنْ لَجَأَ إِلىٰ مَلْجَأٍ فَأَنْتَ مَلْجَأي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدائي وَ أَجِبْ دُعائي وَ اجْعَلْ مَآبي عِنْدَكَ وَ مَثْوايَ وَ احْرُسْني في بَلْوايَ مِنِ افْتِتانِ الْاِمْتِحانِ وَ لَمَّةِ الشَّيْطانِ بِعَظَمَتِكَ الَّتي لا يَشُوبُها وَلَعُ نَفْسٍ بِتَفْتينٍ وَ لا وارِدُ طَيْفٍ بِتَظْنينٍ وَ لا يَلُمُّ بِها فَرَحٌ حَتّىٰ تَقْلِبَني إِلَيْكَ بِإِرادَتِكَ غَيْرَ ظَنينٍ وَ لا مَظْنُونٍ وَ لا مُرابٍ وَ لا مُرْتابٍ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ.»[۲]

مؤلّف گوید: که «سیّد ابن طاووس رحمه الله» قنوتات ائمه علیهم السلام را جمع کرده در مُهجالدّعوات و چون طولانی بود آنها، من به همین یک قنوت اکتفا کردم.

[۱۲] دعاء حضرت رسول صلی الله علیه و آله که امان است از جنّ و انس:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ أَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.»[۳]

دعای مجرب برای محفوظ بودن

[۱۳] دُعاء مجرّب: روایت است از «اَنس» که گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس این دعا را در هر صبح و شام بخواند، موکّل فرماید حقتعالی به او چهار فرشته که او را

---

۱. همان، ص ۳۵. ۲. همان، ص ۲۹.
۳. همان، ص ۷۱ ـ ۷۲.

حفظ کنند از پیش رُو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپش و در امان خداوند عزّوجلّ باشد، و اگر سعی کنند خلایق از جنّ و انس که ضرر به او برسانند نتوانند، و آن دُعا این است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمٰاءِ بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّمٰاءِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذي لٰا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَ لٰا دٰاءٌ بِسْمِ اللّٰهِ أَصْبَحْتُ وَ عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ قَلْبي وَ نَفْسي بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ ديني وَ عَقْلي بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ أَهْلي وَ مٰالي بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ مٰا أَعْطٰاني رَبّي بِسْمِ اللّٰهِ الَّذي لٰا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لٰا فِي السَّمٰاءِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبّي لٰا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَ أَعَزُّ وَ أَجَلُّ مِمّٰا أَخٰافُ وَ أَحْذَرُ عَزَّ جٰارُكَ وَ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ وَ لٰا إِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطٰانٍ شَديدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطٰانٍ مَريدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبّٰارٍ عَنيدٍ وَ مِنْ شَرِّ قَضٰاءِ السُّوءِ وَ مِنْ كُلِّ دٰابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا إِنَّكَ عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقيمٍ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفيظٌ إِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتٰابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّٰالِحينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.»[۱]

[۱۴] دعاء حضرت رسول صلی الله علیه و آله:

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ في غِنٰاكَ أَوْ أَضِلَّ في هُدٰاكَ أَوْ أَذِلَّ في عِزِّكَ أَوْ أُضٰامَ في سُلْطٰانِكَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا أَوْ أَغْشىٰ فُجُورًا أَوْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُورًا.»[۲]

---

۱. همان، ص ۷۵.

۲. مهج‌الدّعوات، ص ۱۲۹ به نقل از بحار، ج ۹۳، ص ۳۴۲.

دعای حضرت امام محمد باقر؏ برای کفایت مهمّات

۱۵ **دعائی است از حضرت امام محمّد باقر؏**: از «ابوحمزهٔ ثمالی» روایت است که گفت: از حضرت امام محمّد باقر؏ اجازه خواستم که به خدمتش مشرّف شوم، پس حضرت از خانه بیرون آمد و لبهای مبارکش می‌جنبید و فرمود دانستی تکلّم مرا؟ گفتم: بلی فدایت شوم، فرمود: تکلّم کردم به کلامی که تکلّم نکرد به آن احدی هرگز مگر آنکه کفایت کرده حقتعالی آنچه مهمّ او است از امر دنیا و آخرت او. گفتم: فدایت شوم پس خبر ده مرا به آن، فرمود: بلی، هر که این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند مهمّات او میسّر شود: «**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ.**»[1]

ادعیة الوسائل

۱۶ **اَدْعِيَةُ الْوَسٰائِلِ إِلَى الْمَسٰائِلِ**، از «محمّد بن حارث نوفلی» ـ خادم حضرت امام محمّد تقی؏ ـ منقول است: وقتی که تزویج کرد مأمون دختر خود را به حضرت امام محمّد تقی؏، نوشت حضرت برای او: **از برای هر زنی صداقی است از شوهرش و حقتعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده، و من به کابین دختر تو دادم وسائل الی المسائل را** و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از پدرش جناب **موسی بن جعفر** و به او رسیده از پدرش جعفر و به او رسیده از پدرش **محمّد** و به او رسیده از پدرش **علیّ بن الحسین** و به او رسیده از پدرش حسین و به او رسیده از برادرش **حسن** و به او رسیده از پدرش **امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب** صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ و به او رسیده از **رسول خدا**ﷺ که به آن حضرت داد جبرئیل؏ و گفت یا محمّد!ﷺ ربّ العزّة تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: **این مفاتیح گنجهای**

---

۱. محاسن، ص ۲۵۲ به نقل از بحار، ج ۷۶، ص ۱۷۱، ح ۲۰.

دنیا و آخرت است، آن را وسیلهٔ خود ساز به سوی مطالب خود تا بررسی به مرادِ خود و سرانجام گردد مطلب تو، و ایثار مکن آن را در حاجتهای دنیا که کم می‌گرداند حظّ آخرت را، و آن ده وسیله است که به واسطهٔ آن درهای رغبات گشوده می‌شود و طلب کرده می‌شود به سبب آنها حاجات و به انجام می‌رسد، و این است نسخهٔ آن:

مناجات استخاره

«اَللّٰهُمَّ إِنَّ خِيَرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ تُنِيلُ الرَّغَائِبَ وَ تُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ وَ تُغْنِمُ الْمَطَالِبَ وَ تُطَيِّبُ الْمَكَاسِبَ وَ تَهْدِي إِلَىٰ أَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ وَ تَسُوقُ إِلَىٰ أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ وَ تَقِي مَخُوفَ النَّوَائِبِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ قَادَنِي عَقْلِي إِلَيْهِ وَ سَهِّلِ اللّٰهُمَّ فِيهِ مَا تَوَعَّرَ وَ يَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَ اكْفِنِي فِيهِ الْمُهِمَّ وَ ادْفَعْ بِهِ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍّ وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ عَوَاقِبَهُ غُنْمًا وَ مَخُوفَهُ سِلْمًا وَ بُعْدَهُ قُرْبًا وَ جَدْبَهُ خِصْبًا وَ أَرْسِلِ اللّٰهُمَّ إِجَابَتِي وَ أَنْجِحْ طَلِبَتِي وَ اقْضِ حَاجَتِي وَ اقْطَعْ عَنِّي عَوَائِقَهَا وَ امْنَعْ عَنِّي بَوَائِقَهَا وَ أَعْطِنِي اللّٰهُمَّ لِوَاءَ الظَّفَرِ وَ الْخِيَرَةَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وُفُورَ الْمَغْنَمِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَ عَوَائِدَ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ وَ اقْرِنْهُ اللّٰهُمَّ بِالنَّجَاحِ وَ خُصَّهُ بِالصَّلَاحِ وَ أَرِنِي أَسْبَابَ الْخِيَرَةِ فِيهِ وَاضِحَةً وَ أَعْلَامَ غُنْمِهَا لَائِحَةً وَ اشْدُدْ خِنَاقَ تَعْسِيرِهَا وَ انْعَشْ صَرِيعَ تَيْسِيرِهَا وَ بَيِّنِ اللّٰهُمَّ مُلْتَبَسَهَا وَ أَطْلِقْ مُحْتَبَسَهَا وَ مَكِّنْ أُسَّهَا حَتَّىٰ تَكُونَ خِيَرَةً مُقْبِلَةً بِالْغُنْمِ مُزِيلَةً لِلْغُرْمِ عَاجِلَةً لِلنَّفْعِ بَاقِيَةَ الصُّنْعِ إِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْمَزِيدِ مُبْتَدِئٌ بِالْجُودِ.»[1]

---

۱. همان، ص ۲۵۹.

مناجات إستقاله

«اَللّٰهُمَّ إِنَّ الرَّجٰاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ أَنطَقَني بِاسْتِقٰالَتِكَ وَ الْأَمَلَ لِأَنٰاتِكَ وَ رِفْقِكَ شَجَّعَني عَلىٰ طَلَبِ أَمٰانِكَ وَ عَفْوِكَ وَلي يٰا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ وٰاجَهَتْهٰا أَوْجُهُ الْإِنْتِقٰامِ وَ خَطٰايٰا قَدْ لاٰحَظَتْهٰا أَعْيُنُ الْإِصْطِلاٰمِ وَ اسْتَوْجَبْتُ بِهٰا عَلىٰ عَدْلِكَ أَليمَ الْعَذٰابِ وَاسْتَحْقَقْتُ بِاجْتِرٰاحِهٰا مُبيرَ الْعِقٰابِ وَ خِفْتُ تَعْويقَهٰا لِإِجٰابَتي وَرَدَّهٰا إِيّٰايَ عَنْ قَضٰاءِ حٰاجَتي بِإِبْطٰالِهٰا لِطَلِبَتي وَ قَطْعَهٰا لِأَسْبٰابِ رَغْبَتي مِنْ أَجْلِ مٰا قَدْ أَنقَضَ ظَهْري مِنْ ثِقْلِهٰا وَ بَهَظَني مِنَ الْإِسْتِقْلاٰلِ بِحَمْلِهٰا ثُمَّ تَرٰاجَعْتُ رَبِّ إِلىٰ حِلْمِكَ عَنِ الْخٰاطِئِينَ وَ عَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَرَحْمَتِكَ لِلْعٰاصِينَ فَأَقْبَلْتُ بِثِقَتي مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ طٰارِحًا نَفْسي بَيْنَ يَدَيْكَ شٰاكِيًا بَثّي إِلَيْكَ سٰائِلاً مٰا لاٰ أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْريجِ الْهَمِّ وَ لاٰ أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفيسِ الْغَمِّ مُسْتَقيلاً لَكَ إِيّٰايَ وٰاثِقًا مَوْلاٰيَ بِكَ اَللّٰهُمَّ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْفَرَجِ وَ تَطَوَّلْ [عَلَيَّ] بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَ ادْلُلْني بِرَأْفَتِكَ عَلىٰ سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ أَزْلِقْني بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّريقِ الْأَعْوَجِ وَ خَلِّصْني مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ بِإِقٰالَتِكَ وَ أَطْلِقْ أَسْري بِرَحْمَتِكَ وَ طُلْ [تَطَوَّلْ] عَلَيَّ بِرِضْوٰانِكَ وَجُدْ عَلَيَّ بِإِحْسٰانِكَ وَ أَقِلْني عَثْرَتي وَ فَرِّجْ كُرْبَتي وَ ارْحَمْ عَبْرَتي وَ لاٰ تَحْجُبْ دَعْوَتي وَ اشْدُدْ بِالْإِقٰالَةِ أَزْري وَ قَوِّ بِهٰا ظَهْري وَ أَصْلِحْ بِهٰا أَمْري وَ أَطِلْ بِهٰا عُمْري وَ ارْحَمْني يَوْمَ حَشْري وَ وَقْتَ نَشْري إِنَّكَ جَوٰادٌ كَريمٌ غَفُورٌ رَحيمٌ.»[1]

مناجات سفر

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أُريدُ سَفَرًا فَخِرْلي فيهِ وَ أَوْضِحْ لي فيهِ سَبيلَ الرَّأْيِ وَ فَهِّمْنيهِ وَ افْتَحْ لي عَزْمي بِالْإِسْتِقٰامَةِ وَ اشْمُلْني في سَفَري بِالسَّلاٰمَةِ وَ أَفِدْني جَزيلَ الْحَظِّ وَ

۱ـ همان، ۷۵۹ ـ ۷۶۰.

الْكَرامَةِ وَ اكْلَأْني بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ الْحِراسَةِ وَ جَنِّبْنِي اَللّٰهُمَّ وَعْثاءَ الْأَسْفارِ وَ سَهِّلْ لِي حُزُونَةَ الْأَوْعارِ وَ اطْوِلي بِساطَ الْمَراحِلِ وَ قَرِّبْ مِنّي بُعْدَ نَأْيِ الْمَناهِلِ وَ باعِدْ فِي الْمَسيرِ بَيْنَ خُطَى الرَّواحِلِ حَتّىٰ تُقَرِّبَ نِياطَ الْبَعيدِ وَ تُسَهِّلَ وُعُورَ الشَّديدِ وَ لَقِّنِي اَللّٰهُمَّ في سَفَري نُجْحَ طَائِرِ الْواقِيَةِ وَهَبْني فيهِ غُنْمَ الْعافِيَةِ وَ خَفيرَ الْاِسْتِقْلالِ وَ دَليلَ مُجاوَزَةِ الْأَهْوالِ وَ باعِثَ وُفُورِ الْكِفايَةِ وَ سانِحَ خَفيرِ الْوِلايَةِ وَ اجْعَلْهُ اَللّٰهُمَّ سَبَبَ عَظيمِ السِّلْمِ حاصِلَ الْغُنْمِ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَيَّ سِتْرًا مِنَ الْآفاتِ وَ النَّهارَ مانِعًا مِنَ الْهَلَكاتِ وَ اقْطَعْ عَنّي قِطَعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ وَاحْرُسْني مِنْ وُحُوشِهِ بِقُوَّتِكَ حَتّىٰ تَكُونَ السَّلامَةُ فيهِ مُصاحِبَتي وَ الْعافِيَةُ فيهِ مُقارِنَتي وَ الْيُمْنُ سائِقي وَ الْيُسْرُ مُعانِقي وَ الْعُسْرُ مُفارِقي وَ الْفَوْزُ مُوافِقي وَ الْأَمْنُ مُرافِقي إِنَّكَ ذُوالطَّوْلِ وَ الْمَنِّ وَ الْقُوَّةِ وَ الْحَوْلِ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ بِعِبادِكَ بَصيرٌ خَبيرٌ.»[۱]

مناجات طلب رزق

«اَللّٰهُمَّ أَرْسِلْ عَلَيَّ سِجالَ رِزْقِكَ مِدْرارًا وَ أَمْطِرْ عَلَيَّ سَحائِبَ إِفْضالِكَ غِزارًا وَ أَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ إِلَيَّ سِجالاً وَ أَسْبِلْ مَزيدَ نِعَمِكَ عَلىٰ خَلَّتي إِسْبالاً وَ أَفْقِرْني بِجُودِكَ إِلَيْكَ وَ أَغْنِني عَمَّنْ يَطْلُبُ ما لَدَيْكَ وَ داوِداءَ فَقْري بِدَواءِ فَضْلِكَ وَ انْعَشْ صَرْعَةَ عَيْلَتي بِطَوْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلىٰ إِقْلالي بِكَثْرَةِ عَطائِكَ وَ عَلىٰ اخْتِلالي بِكَريمِ حِبائِكَ وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبيلَ الرِّزْقِ إِلَيَّ وَ ثَبِّتْ قَواعِدَهُ لَدَيَّ وَ بَجِّسْ لي عُيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ وَ فَجِّرْ أَنْهارَ رَغَدِ الْعَيْشِ قِبَلي بِرَأْفَتِكَ وَ أَجْدِبْ أَرْضَ فَقْري وَ أَخْصِبْ جَدْبَ ضُرّي وَ اصْرِفْ عَنّي فِي الرِّزْقِ الْعَوائِقَ وَ اقْطَعْ عَنّي مِنَ الضّيقِ الْعَلائِقَ وَ

۱. همان، ص ۲۶۰ ـ ۲۶۱.

ارْمِني مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اَللّٰهُمَّ بِأخْصَبِ سِهامِهِ وَ احْبُنِي مِنْ رَغَدِ الْعَيْشِ بِأكْثَرِ دَوامِهِ وَ اكْسُني اَللّٰهُمَّ سَرابِيلَ السَّعَةِ وَ جَلابِيبَ الدَّعَةِ فَإنِّي يا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِإنْعامِكَ بِحَذْفِ الْمَضيقِ وَ لِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْويقِ وَ لِتَفَضُّلِكَ بِإزالَةِ التَّقْتيرِ وَ لِوُصُولِ حَبْلي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسيرِ وَ أمْطِرِ اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ سَماءَ رِزْقِكَ بِسِجالِ الدِّيَمِ وَ اَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِعَوائِدِ النِّعَمِ وَ ارْمِ مَقاتِلَ الْإقْتارِ مِنّي وَ احْمِلْ كَشْفَ الضُّرِّ عَنّي عَلىٰ مَطايَا الْإعْجالِ وَاضْرِبْ عَنِّي الضّيقَ بِسَيْفِ الْإسْتِيصالِ وَ أتْحِفْني رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْإفْضالِ وَ امْدُدْني بِنُمُوِّ الْأمْوالِ وَ احْرُسْني مِنْ ضيقِ الْإقْلالِ وَ اقْبِضْ عَنّي سُوءَ الْجَدْبِ وَ ابْسُطْ لي بِساطَ الْخِصْبِ وَ اسْقِني مِنْ ماءِ رِزْقِكَ غَدَقًا وَ انْهَجْ لي مِنْ عَميمِ بَذْلِكَ طُرُقًا وَ فاجِئْني بِالثَّرْوَةِ وَ الْمالِ وَ انْعَشْني بِهِ مِنَ الْإقْلالِ وَ صَبِّحْني بِالْإسْتِظْهارِ وَ مَسِّني بِالتَّمَكُّنِ مِنَ الْيَسارِ إنَّكَ ذُوالطَّوْلِ الْعَظيمِ وَالْفَضْلِ الْعَميمِ وَ الْمَنِّ الْجَسيمِ وَ أنْتَ الْجَوادُ الْكَريمُ.»[1]

مناجات استعاذه

«اَللّٰهُمَّ إنّي أعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمّاتِ نَوازِلِ الْبَلاءِ و أهْوالِ عَظائِمِ الضَّرّاءِ فَأعِذْني رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَأساءِ وَ احْجُبْني مِنْ سَطَواتِ الْبَلاءِ وَ نَجِّني مِنْ مُفاجاتِ النِّقَمِ وَ أجِرْني مِنْ زَوالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ اجْعَلْنِي اَللّٰهُمَّ في حِياطَةِ عِزِّكَ وَ حِفاظِ حِرْزِكَ مِنْ مُباغَتَةِ الدَّوائِرِ وَ مُعاجَلَةِ الْبَوادِرِ اَللّٰهُمَّ رَبِّ وَ أرْضَ الْبَلاءِ فَاخْسِفْها وَ عَرْصَةَ الْمِحَنِ فَارْجُفْها وَ شَمْسَ النَّوائِبِ فَاكْسِفْها وَ جِبالَ السُّوءِ فَانْسِفْها وَ كُرَبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْها وَ عَوائِقَ الْأمُورِ فَاصْرِفْها وَ أوْرِدْني حِياضَ السَّلامَةِ وَ احْمِلْني عَلىٰ مَطايَا الْكَرامَةِ وَ اصْحَبْني بِإقالَةِ الْعَثْرَةِ وَ اشْمَلْني بِسَتْرِ الْعَوْرَةِ وَ جُدْ عَلَيَّ

۱. همان، ص ۲۶۱ ـ ۲۶۲.

يا رَبِّ بِالآئِكَ وَ كَشْفِ بَلاَئِكَ وَ دَفْعِ ضَرّائِكَ وَادْفَعْ عَنّي كَلاكِلَ عَذابِكَ وَاصْرِفْ عَنّي أليمَ عِقابِكَ وَ أعِذْني مِنْ بَوائِقِ الدُّهُورِ وَ أنْقِذْني مِنْ سُوءِ عَواقِبِ الْأُمُورِ وَ احْرُسْني مِنْ جَميعِ الْمَحْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفاةَ الْبَلاءِ عَنْ أمْري وَاشْلُلْ يَدَهُ عَنّي مَدىٰ عُمْري إنَّكَ الرَّبُّ الْمَجيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعيدُ الْفَعّالُ لِما تُريدُ.»[1]

مناجات طلب توبه

«اَللّٰهُمَّ إنّي قَصَدْتُ إلَيْكَ بِإخْلاصِ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ وَ تَثْبيتِ عَقْدٍ صَحيحٍ وَ دُعاءِ قَلْبٍ قَريحٍ وَ إعْلانِ قَوْلٍ صَريحٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنّي مُخْلَصَ التَّوْبَةِ وَ إقْبالَ سَريعِ الْأَوْبَةِ وَ مَصارِعَ تَخَشُّعِ الْحَوْبَةِ وَ قابِلْ رَبِّ تَوْبَتي بِجَزيلِ الثَّوابِ وَ كَريمِ الْمَآبِ وَ حَطِّ الْعِقابِ وَ صَرْفِ الْعَذابِ وَ غُنْمِ الْإيابِ وَ سِتْرِ الْحِجابِ وَامْحُ اَللّٰهُمَّ ما ثَبَتَ مِنْ ذُنُوبي وَ اغْسِلْ بِقَبُولِها جَميعَ عُيُوبي وَ اجْعَلْها جالِيَةً لِقَلْبي شاخِصَةً لِبَصيرَةِ لُبّي غاسِلَةً لِدَرَني مُطَهِّرَةً لِنَجاسَةِ بَدَني مُصَحِّحَةً فيها ضَميري عاجِلَةً إلَى الْوَفاءِ بِها بَصيرَتي وَ اقْبَلْ يا رَبِّ تَوْبَتي فَإنَّها تَصْدُرُ مِنْ إخْلاصِ نِيَّتي وَ مَحْضٍ مِنْ تَصْحيحِ بَصيرَتي وَ احْتِفالاً في طَوِيَّتي وَاجْتِهاداً في نَقاءِ سَريرَتي وَ تَثْبيتاً لِإنابَتي وَ مُسارِعَةً إلىٰ أمْرِكَ بِطاعَتي وَ اجْلُ اَللّٰهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنّي ظُلْمَةَ الْإصْرارِ وَ امْحُ بِها ما قَدَّمْتُهُ مِنَ الْأَوْزارِ وَ اكْسُني لِباسَ التَّقْوىٰ وَ جَلابيبَ الْهُدىٰ فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعاصي عَنْ جِلْدي[2] وَ نَزَعْتُ سِرْبالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدي مُسْتَمْسِكاً رَبِّ بِقُدْرَتِكَ مُسْتَعيناً عَلىٰ نَفْسي بِعِزَّتِكَ مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتي مِنَ النَّكْثِ بِخَفْرَتِكَ

---

۱ ـ همان، ص ۲۶۲.

۲ ـ جِلْد ـ محرّکة ـ پوست شتر کره که به چیزی آکنده کنند، تا ناقه به خیال بچهٔ خود مهربان شده و شیر دهد. و در این جا ذکر آن شاید برای آن باشد که اراده شده باشد به آنکه من در وقت معصیت و گناه کردن گویا شعور و ادراک و جان نداشتم و مجسّمهٔ بی روحی بودم، واگر نه معصیت و نافرمانی نمی‌کردم؛ والله تعالی العالم. منه (ره)

مُعْتَصِمًا مِنَ الْخِذْلانِ بِعِصْمَتِكَ مُقارِنًا بِهِ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِكَ.»[1]

مناجات طلب حجّ

«اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ الَّذِي افْتَرَضْتَهُ عَلىٰ مَنِ اسْتَطاعَ اِلَيْهِ سَبِيلاً وَاجْعَلْ لِي فِيهِ هادِيًا وَ اِلَيْهِ دَلِيلاً وَ قَرِّبْ لِي بُعْدَ الْمَسالِكِ وَ اَعِنِّي عَلىٰ تَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَ حَرِّمْ بِاِحْرامِي عَلَى النّارِ جَسَدِي وَزِدْ لِلسَّفَرِ قُوَّتِي وَ جَلَدِي وَ ارْزُقْنِي رَبِّ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ الْاِفاضَةَ اِلَيْكَ وَ اَظْفِرْنِي بِالنُّجْحِ بِوافِرِ الرِّبْحِ وَ اَصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اِلىٰ مُزْدَلَفَةِ الْمَشْعَرِ وَ اجْعَلْها زُلْفَةً اِلىٰ رَحْمَتِكَ وَ طَرِيقًا اِلىٰ جَنَّتِكَ وَقِفْنِي مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ مَقامَ وُقُوفِ الْاِحْرامِ وَ اَهِّلْنِي لِتَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَ نَحْرِ الْهَدْيِ التَّوامِكِ بِدَمٍ يَثُجُّ وَ اَوْداجٍ تَمُجُّ وَ اِراقَةِ الدِّماءِ الْمَسْفُوحَةِ وَ الْهَدايَا الْمَذْبُوحَةِ وَ فَرْيِ اَوْداجِها عَلىٰ ما اَمَرْتَ وَ التَّنَفُّلِ بِها كَما وَ سَمْتَ وَ اَحْضِرْنِي اَللّٰهُمَّ صَلوٰةَ الْعِيدِ راجِيًا لِلْوَعْدِ خائِفًا مِنَ الْوَعِيدِ حالِقًا شَعْرَ رَاْسِي وَ مُقَصِّرًا وَ مُجْتَهِدًا فِي طاعَتِكَ مُشَمِّرًا رامِيًا لِلْجِمارِ بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْاَحْجارِ وَ اَدْخِلْنِي اَللّٰهُمَّ عَرْصَةَ بَيْتِكَ وَ عَقْوَتِكَ وَ مَحَلَّ اَمْنِكَ وَ كَعْبَتِكَ وَ مَساكِينِكَ وَ سُؤّالِكَ وَ مَحاوِيجِكَ وَجُدْ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ بِوافِرِ الْاَجْرِ مِنَ الْاِنْكِفاءِ وَ النَّفْرِ وَ اخْتِمِ اَللّٰهُمَّ مَناسِكَ حَجِّي وَ انْقِضاءِ عَجِّي بِقَبُولٍ مِنْكَ لِي وَ رَأْفَةٍ مِنْكَ بِي يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.»[2]

مناجات كشف ظلم

«اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمَ عِبادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلادِكَ حَتّىٰ اَماتَ الْعَدْلَ وَ قَطَعَ السُّبُلَ وَ مَحَقَ الْحَقَّ وَ اَبْطَلَ الصِّدْقَ وَ اَخْفَى الْبِرَّ وَ اَظْهَرَ الشَّرَّ وَ اَخْمَدَ التَّقْوىٰ وَ اَزالَ الْهُدىٰ وَ اَزاحَ الْخَيْرَ وَ اَثْبَتَ الضَّيْرَ وَ اَنْمَى الْفَسادَ وَ قَوَّى الْعِنادَ وَ بَسَطَ الْجَوْرَ وَ عَدَى

---

۱. همان، ص ۲ ـ ۲۶۲.
۲. همان، ص ۲۶۳.

الطَّوْرَ اَللّٰهُمَّ يا رَبِّ لا يَكْشِفُ ذٰلِكَ اِلاّٰ سُلْطٰانُكَ وَ لا يُجيرُ مِنْهُ اِلاّٰ امْتِنٰانُكَ اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَبُثَّ جِبٰالَ الْغَشْمِ وَ اَخْمِدْ [اَخْمِلْ ځ] سُوقَ الْمُنْكَرِ وَ اَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ وَ احْصُدْ شٰافَةَ اَهْلِ الْجَوْرِ وَ اَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ وَ عَجِّلِ اَللّٰهُمَّ اِلَيْهِمُ الْبَيٰاتَ وَ اَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلاٰتِ وَ اَمِتْ حَيٰوةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَ يَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ يَشْبَعَ الْجٰائِعُ وَ يُحْفَظَ الضّٰائِعُ وَ يَأْوِىَ الطَّرِيدُ وَ يَعُودَ الشَّرِيدُ وَ يُغْنَى الْفَقيرُ وَ يُجٰارَ الْمُسْتَجيرُ وَ يُوَقَّرَ الْكَبيرُ وَ يُرْحَمَ الصَّغيرُ وَ يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَ يُذَلَّ الظّٰالِمُ وَ يُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ وَ تَنْفَرِجَ الْغَمّٰاءُ وَ تَسْكُنَ الدَّهْمٰاءُ وَ يَمُوتَ الاِخْتِلاٰفُ وَ يَعْلُوَ الْعِلْمُ وَ يَشْمُلَ السِّلْمُ وَ يُجْمَعَ الشَّتٰاتُ وَ يَقْوَى الْاِيمٰانُ وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ اِنَّكَ اَنْتَ الدَّيّٰانُ الْمُنْعِمُ الْمَنّٰانُ.»[۱]

مناجات شکر خدا

«اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ مَرَدِّ نَوٰازِلِ الْبَلاٰءِ وَ مُلِمّٰاتِ الضَّرّٰاءِ وَ كَشْفِ نَوٰائِبِ اللَّأْوٰاءِ وَ تَوٰالي سُبُوغِ النَّعْمٰاءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ هَنئِ عَطٰائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلاٰئِكَ وَ جَليلِ الاٰئِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ اِحْسٰانِكَ الْكَثيرِ وَ خَيْرِكَ الْغَزيرِ وَ تَكْليفِكَ الْيَسيرِ وَ دَفْعِ الْعَسيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ عَلىٰ تَثْميرِكَ قَليلَ الشُّكْرِ وَ اِعْطٰائِكَ وٰافِرَ الْاَجْرِ وَ حَطِّكَ مُثْقَلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيِّقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِكَ بٰاهِضَ الْاِصْرِ وَ تَسْهيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِكَ مُفْظِعَ الْاَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلاٰءِ الْمَصْرُوفِ وَ وٰافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ اِذْلاٰلِ الْعَسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ قِلَّةِ التَّكْليفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعيفِ وَ اِغٰاثَةِ اللَّهيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ سَعَةِ اِمْهٰالِكَ وَ دَوٰامِ اِفْضٰالِكَ وَ صَرْفِ اِمْحٰالِكَ وَ حَميدِ اَفْعٰالِكَ وَ تَوٰالي نَوٰالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ

۱. همان، ص ۳ ـ ۲۴۲.

تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ وَ تَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ وَ تَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَتَابِ وَ إِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ.»[1]

مناجات طلب حوائج

«جَدِيرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ أَنْ يَرْجُوكَ وَلِيَ اللَّهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِي وَ كَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي وَضَعُفَ عَنْ مَرَامِهَا قُوَّتِي وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِيَ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّيَ الْغَرُورُ الَّذِي أَنَا مِنْهُ مَبْلُوٌّ [مُبْتَلِيٌ] أَنْ أَرْغَبَ إِلَيْكَ فِيهَا اللَّهُمَّ وَ أَنْجِحْهَا بِأَيْمَنِ النَّجَاحِ وَاهْدِهَا سَبِيلَ الْفَلَاحِ وَ اشْرَحْ بِالرَّجَاءِ لِإِسْعَافِكَ صَدْرِي وَ يَسِّرْ فِي أَسْبَابِ الْخَيْرِ أَمْرِي وَ صَوِّرْ إِلَيَّ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ بِالْوُصُولِ إِلَىٰ مَا أَمَّلْتُهُ وَ وَفِّقْنِي اللَّهُمَّ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي بِبُلُوغِ أُمْنِيَّتِي وَ تَصْدِيقِ رَغْبَتِي وَ أَعِذْنِي اللَّهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ وَ الْأَنَاةِ وَ التَّثْبِيطِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَلِيءٌ بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَةِ وَفِيٌّ بِهَا وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِعِبَادِكَ خَبِيرٌ بَصِيرٌ.»[2]

۱۷ حجاب حضرت امام جعفر صادق(ع):

«يَا مَنْ إِذَا اسْتَعَذْتُ بِهِ أَعَاذَنِي وَ إِذَا اسْتَجَرْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ أَجَارَنِي وَ إِذَا اسْتَغَثْتُ بِهِ عِنْدَ النَّوَائِبِ أَغَاثَنِي وَ إِذَا اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَىٰ عَدُوِّي نَصَرَنِي وَ أَعَانَنِي إِلَيْكَ الْمَفْزَعُ وَ أَنْتَ الثِّقَةُ فَاقْمَعْ عَنِّي مَنْ أَرَادَنِي وَ اغْلِبْ لِي مَنْ كَادَنِي يَا مَنْ قَالَ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ، يَا مَنْ نَجَّا نُوحًا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، يَا مَنْ نَجَّا لُوطًا مِنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ يَا مَنْ نَجَّا هُودًا مِنَ الْقَوْمِ الْعَادِينَ، يَا مَنْ نَجَّا مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ نَجِّنِي مِنْ أَعْدَائِي وَ أَعْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ، يَا رَحْمٰنُ يَا

---

۱. همان، ص ۵ ـ ۲۶۴.
۲. همان، ص ۲۶۵.

رَحِيمٌ لا سَبِيلَ لَهُمْ عَلىٰ مَنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرآنِ وَ اسْتَجارَكَ بِالرَّحِيمِ، اَلرَّحْمٰنِ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ اِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَ يُعِيدُ وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ فَعّالٌ لِما يُرِيدُ، فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.»[1]

۱۸ حجاب حضرت امام موسی علیه السلام:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ وَاسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبْرِياءِ وَ الْمَلَكُوتِ مَوْلايَ اسْتَسْلَمْتُ اِلَيْكَ فَلا تُسْلِمْنِي وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلا تَخْذُلْنِي وَ لَجَأْتُ اِلىٰ ظِلِّكَ الْبَسِيطِ فَلا تَطْرَحْنِي اَنْتَ الْمَطْلَبُ وَ اِلَيْكَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ ما اُخْفِي وَ ما اُعْلِنُ وَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ فَاَمْسِكْ عَنِّي اللّٰهُمَّ اَيْدِي الظّالِمِينَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ اَجْمَعِينَ وَ اشْفِنِي وَ عافِنِي يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.»[2]

۱۹ حجاب حضرت امام محمد تقی علیه السلام:

«اَلْخالِقُ اَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ الرّازِقُ اَبْسَطُ يَدًا مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَ نارُ اللّٰهِ الْمُوصَدَةُ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ تَكِيدُ اَفْئِدَةَ الْمَرَدَةِ وَ تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْاَقْسامِ بِالْاَحْكامِ بِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ الْحِجابِ الْمَضْرُوبِ بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ احْتَجَبْتُ وَ اسْتَتَرْتُ وَ اسْتَجَرْتُ وَ اعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِالٓمٓ وَ بِكٓهٰيٰعٓصٓ وَ بِطٰهٰ وَ بِطٰسٓمٓ وَ بِحٰمٓ وَ بِحٰمٓعٓسٓقٓ وَ نٓوٓنٓ وَ بِطٰسٓ وَ بِقٓ وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ وَ اِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ وَ اللّٰهُ وَلِيِّي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.»[3]

---

۱. همان، ص ۲۹۹.
۲. همان، ص ۳۰۰.
۳. همان، ص ۳۰۰.

[۲۰] از کتاب «تعبیر الرّؤیا» ـ تصنیف «شیخ کلینی» ـ منقول است که «وشا» از حضرت امام رضا﷣ روایت کرده که فرمود: دیدم پدرم را در خواب که فرمود: ای فرزند! من هر گاه در شدّتی واقع شدی، بسیار بگو: «یٰا رَءُوفُ یٰا رَحِیمُ.» پس حضرت فرمود آنچه ما در خواب می‌بینیم همچنان است که در بیداری می‌بینیم.[۱]

[۲۱] **دعاء رزق و غیره منقول از کتاب «مُجتَنیٰ» تصنیف «سیّد بن طاووس﵀»:**

«اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهٰا اِلاّٰ رَجٰاءُ عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمٰانِ بَيْنَ يَدَيَّ فَاَنَا اَسْئَلُكَ مٰا لاٰ اَسْتَحِقُّهُ وَ اَدْعُوكَ مٰا لاٰ اَسْتَوْجِبُهُ وَ اَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ بِمٰالاٰ اَسْتَأْهِلُهُ وَ لَمْ يَخْفَ عَلَيْكَ حٰالي وَ اِنْ خَفِيَ عَلَى النّٰاسِ كُنْهُ مَعْرِفَةِ اَمْري اَللّٰهُمَّ اِنْ كٰانَ رِزْقي فِي السَّمٰاءِ فَاَهْبِطْهُ وَ اِنْ كٰانَ فِي الْاَرْضِ فَاَظْهِرْهُ وَ اِنْ كٰانَ بَعيدًا فَقَرِّبْهُ وَ اِنْ كٰانَ قَريبًا فَيَسِّرْهُ وَ اِنْ كٰانَ قَليلاً فَكَثِّرْهُ وَ بٰارِكْ لي فيهِ.»[۲]

[۲۲] **دعاء دفع شرّ ابلیس منقول از «مُجتَنیٰ»:**

«اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَبْلِيسَ عَبْدٌ مِنْ عَبيدِكَ يَرٰاني مِنْ حَيْثُ لاٰ اَرٰاهُ وَ اَنْتَ تَرٰاهُ مِنْ حَيْثُ لاٰ يَرٰاكَ وَ اَنْتَ اَقْوىٰ عَلىٰ اَمْرِهِ كُلِّهِ وَ هُوَ لاٰ يَقْوىٰ عَلىٰ شَيْءٍ مِنْ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ فَاَنَا اَسْتَعينُ بِكَ عَلَيْهِ يٰا رَبِّ فَاِنّي لاٰ طٰاقَةَ لي بِهِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ لي عَلَيْهِ اِلاّٰ بِكَ يٰا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَرٰادَني فَاَرِدْهُ وَ اِنْ كٰادَني فَكِدْهُ وَ اكْفِني شَرَّهُ وَ اجْعَلْ كَيْدَهُ في نَحْرِهِ بِرَحْمَتِكَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّٰاهِرينَ.»[۳]

دعا به جهت زنده شدن دل

[۲۳] و نیز در «مُجتَنیٰ» است: که شخصی در خواب حضرت پیغمبرﷺ را دید و از آن

---

۱. مهج الدّعوات، ص ۴۱۶.
۲. مُجتنیٰ، ص ۱۴ ـ ۱۵.
۳. همان، ص ۱۹.

حضرت خواست که مرا دعائی تعلیم فرمائید که دلم را زنده گرداند، حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود: «یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُحْیِیَ قَلْبی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.» آن شخص گفت: پس سه مرتبه این کلمات را خواندم، پس خدا قلبم را زنده گردانید.[۱]

دعای تأخیر اجل

[۲۴] از حضرت رسول ﷺ منقول است: هر که بخواهد اَجَلش تأخیر بیفتد و نصرت پیدا کند بر دشمنان خود و از مردن بد محفوظ بماند، پس بگوید سه مرتبه در وقت دخول در شب و سه مرتبه در وقت دخول در صبح: «سُبْحانَ اللّٰهِ مِلأَ الْمیزانِ وَ مُنْتَهَی الْحِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ.»[۲]

دعای اداء دین

[۲۵] نقل است از کتاب «نثر اللئالی» ـ تألیف: سیّد سعید علیّ بن فضل اللّه الحسینی راوندی ـ که: مردی به حضرت عیسی بن مریم علیه السلام شکایت کرد از دَین خود، فرمود بگو:

«اَللّٰهُمَّ یا فارِجَ الْهَمِّ وَ مُنَفِّسَ الْغَمِّ وَ مُذْهِبَ الْاَحْزانِ وَ مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ یا رَحْمٰنَ الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحیمَهُما اَنْتَ رَحْمٰنی وَ رَحْمٰنُ کُلِّ شَیْءٍ فَارْحَمْنی رَحْمَةً تُغْنینی بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَ تَقْضی بِها عَنِّی الدَّیْنَ.»

پس هر گاه به قدر پُریِ زمین طلا مدیون باشی، حقتعالی ادا فرماید از تو.[۳]

---

۱. همان، ص ۲۰.
۲. همان، ص ۳۸.

۶

باب ششم

در خواص بعضی از سوره‌ها و آیات
و ذکر بعضی از دعاها و مطالب متفرّقه

خواصّ بعضی سُوَر و آیات و ذکر بعض ادعیه
و مطالب متفرّقه

و آن مشتمل بر چهل امر است:

خواصّ خواندن مُسبّحات

[۱] شیخ کلینی در کافی از حضرت باقر روایت کرده که: هر کس بخواند مُسبّحات، یعنی: سورهٔ حدید و حشر و صفّ و جمعه و تغابن و اعلی را پیش از خواب، نمیرد تا درک نماید حضرت قائم را، و اگر مُرد در جوار حضرت پیغمبر خواهد بود.[۱]

خواصّ سورهٔ قدر، توحید و آیةالکرسی

[۲] و نیز در آن کتاب است که حضرت رسول فرمود: هر که بخواند چهار آیه از اوّل سورهٔ بقره و آیةالکرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیهٔ آخر بقره را، نبیند در جان و مال خود چیزی را که مکروه او باشد، و نزدیک نشود به او شیطان و فراموش نکند قرآن را.[۲]

[۳] و نیز روایت کرده از حضرت امام محمّد باقر : هر که سورهٔ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بخواند و صدا به آن بلند کند، مثل کسی باشد که شمشیر از نیام کشیده در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده باشد، و کسی که

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۴، باب فضل القرآن، ح ۲. ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۴، باب فضل القرآن، ح ۵.

ده مرتبه بخواند محو کند از او هزار گناه از گناهانش را.[۱]

۴ و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: پدرم می‌فرمود: **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** ثلث قرآن است و **قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرونَ** ربع قرآن.[۲]

خواص سورهٔ توحید و صد آیه از قرآن

۵ از حضرت امام موسی علیه السلام نقل کرده که: هر که بخواند آیةالکرسی را در وقت خواب نترسد از فلج إنْشاءَاللّٰهُ، و کسی که بخواند آن را در عقب هر فریضه ضرر نرساند به او صاحب زهری؛ و فرمود: کسی که مقدّم دارد **قُل هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** را بین خود و بین شخص جبّار، منع فرماید حقتعالی او را از شرّ او به خواندن آن سوره را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ خود، پس هر گاه چنین کرد حقتعالی روزی کند او را خیر او را و منع کند او را از شرّ او، و فرمود: هر گاه ترسیدی از امری، بخوان صد آیه از قرآن از هر جای قرآن که باشد، پس بگو: «**اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلاۤءَ**» سه مرتبه.[۳]

۶ و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، وانگذارد خواندن **قُلْ هُوِ اللّٰهُ اَحَدٌ** را در عقب فریضه، پس به درستی که کسی که بخواند آن را جمع فرماید حقتعالی برای او خیر دنیا و آخرت را، و بیامرزد او را و پدر و مادر و اولاد او را.[۴]

خواصّ سورهٔ تکاثر

۷ و نیز از آن حضرت روایت کرده: هر که سورهٔ «**اَلْهیٰکُمُ التَّکاثُرُ**» بخواند نزد خواب، نگاه داشته شود از عذاب قبر.[۵]

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۴، باب فضل القرآن، ح ۶.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۴، باب فضل القرآن، ح ۷.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۵، باب فضل القرآن، ح ۸.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۵، باب فضل القرآن، ح ۱۱.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۶، باب فضل القرآن، ح ۱۴.

خواصّ سورهٔ حمد

۸ و نیز از آن حضرت روایت کرده که: اگر خوانده شود سورهٔ حمد برمرده هفتاد مرتبه پس ردّ کرده شود روح به او، عجبی نخواهد داشت.[۱]

محفوظ ماندنِ کودک از بلاها

۹ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خاصیّت بسیار وارد شده برای خواندن کودک در هر شب سه مرتبه **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و سه مرتبه **قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ** و صد مرتبه **توحید** و اگر نتواند پنجاه مرتبه، و هر گاه مواظبت داشته باشد به آن محفوظ بماند از بلاها تا روزی که وفات کند.[۲]

۱۰ و نیز شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود به مفضّل: ای مفضّل! منع و حفظ کن خود را از تمام مردم به **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ** و به **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** که بخوانی آن را از طرف راست و طرف چپ و از پیش رو و از پشت سر و از بالای سر و پائین پای خود، و هر گاه داخل شدی بر سلطان جائری بخوان سه مرتبه آن را در وقتی که نظر به او افکنی و بشمار به دست چپ خود و دست خود را به همان حال که انگشتان را جمع کرده‌ای برای شماره بگذار باشد تا از نزد او بیرون شوی؛[۳] و بعضی گفته‌اند: خواندن سوره را ترک مکن تا از نزد او بیرون شوی.

برای ایمنی از سوختن و غرق شدن

۱۱ در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند:

«اَللّٰهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحينَ وَ ما قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۶، باب فضل القرآن، ح ۱۴. ۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۶، باب فضل القرآن، ح ۱۷.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۷، باب فضل القرآن، ح ۲۰.

الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَ السَّمٰوٰاتُ مَطْوِيّٰاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحٰانَهُ وَ تَـعٰالىٰ عَمّٰا يُشْرِكُونَ.»

براى رام شدن اسب سركش

و براى ذليل شدن اسب سركش در گوش راستش بخوانند:

«وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِى السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.»

براى ايمنى از درندگان

و در زمين مَسْبَعه، يعنى: زمينى كه جانوران درنده داشته باشد، به جهت ايمنى از آنها بخواند:

«لَقَدْ جٰاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مٰا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.»

براى پيدا شدن گمشده

و براى پيدا شدن گمشده بخواند يٰسٓ را در دو ركعت و بگويد: «يٰا هٰادِيَ الضّٰالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضٰالَّتِي.»

و براى رجوع عبد فرار كرده بخواند:

«أَوْ كَظُلُمٰاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشٰاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ (إِلىٰ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ) وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ.»

براى ايمنى از دزد

و براى ايمنى از دزد بخواند وقتى كه به رختخواب رود:

«قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ تا وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.»[۱]

فضیلت سورهٔ زلزله

۱۲ و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق﷣ روایت کرده که فرمود: ملول نشوید از قرائت إِذٰا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزٰالَهٰا زیرا که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند نرساند حقتعالی به او زلزله ابداً، و نمیرد به زلزله و نه به صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا تا بمیرد، و در وقت مردنِ او ملکی کریم از نزد حقتعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد سر او و بگوید: ای ملک الموت! رِفق و مدارا کن به وَلِیُّ‌اللّٰه زیرا که او بسیار مرا یاد می‌کرد، اَلْخَبَر؛ و در آخر خبر است که پرده از جلو چشمش برداشته شود و منازل خود را در بهشت ببیند و قبض روح او شود به نرمتر وجهی و مشایعت کنند روح او را هفتاد هزار فرشته که ببرند او را به سوی بهشت.[۲]

خواصّ سورهٔ ملک

۱۳ و نیز کلینی از حضرت امام محمّد باقر﷣ روایت کرده که فرمود: سورهٔ مُلْک **مانعه است، منع می‌کند از عذاب قبر؛** اَلْخَبَر.[۳]

۱۴ و نیز از آن حضرت روایت شده است: قرآنی در دریا افتاد چون آن را یافتند دیدند رفته بود کلمات او جز این آیه: «**أَلٰا إِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ.**»[۴]

توسّل به قرآن

۱۵ و نیز شیخ کلینی از «زُراره» روایت کرده که گفت: می‌گیری قرآن را در ثلث دوّم ماه رمضان و می‌گشائی و می‌گذاری مقابل خود و می‌گوئی:

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۷، باب فضل القرآن، ح ۲۱.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۸، باب فضل القرآن، ح ۲۴.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۳، باب النوادر، ح ۲۶.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۲، باب النوادر، ح ۱۸.

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَ ما فيهِ وَ فيهِ اسْمُكَ الْاَعْظَمُ الْاَكْبَرُ وَ اَسْماؤُكَ الْحُسْنىٰ وَ ما يُخافُ وَ يُرْجىٰ اَنْ تَجْعَلَني مِنْ عُتَقائِكَ مِنَ النّارِ.»

و دعا می‌کنی به آنچه حاجت داری.[1]

جهت خواب دیدن پیغمبر و امام یا والدین یا یکی از مردگان

۱۶ شیخ کفعمی در «مصباح» و محدّث فیض در «خلاصة الأذکار» فرمود: دیدم در بعض کتب اصحاب امامیّه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان علیهم السلام را یا یکی از مردمان یا والدین خود را، بخواند سورهٔ شمس و لیل و قدر و قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ و سورهٔ اخلاص و معوّذتین را، پس بخواند صد مرتبه سورهٔ اخلاص و صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صد مرتبه و بخوابد به وضو به جانب راست، خواهد دید هر که را اراده کرده إِنْ شاءَ اللّٰهُ و تکلّم خواهد کرد با او إِنْ شاءَ اللّٰهُ هر چه بخواهد. و در نسخهٔ دیگر دیدم که این عمل را بجا آورد، در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذي لا يُوصَفُ وَ الْاِيمانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ الْاَشْياءُ وَ اِلَيْكَ تَعُودُ فَما اَقْبَلَ مِنْها كُنْتَ مَلْجَاَهُ وَ مَنْجاهُ وَ ما اَدْبَرَ مِنْها لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَ لا مَنْجا مِنْكَ اِلاّ اِلَيْكَ فَاَسْئَلُكَ بِلا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ وَ اَسْئَلُكَ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ وَ بِحَقِّ حَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيّينَ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيّينَ وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُما سَيِّدَيْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ السَّلامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُرِيَني مَيِّتي فِي الْحالِ الَّتي هُوَ فيها.»

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، ح ۹.

برای رهایی از غم و غصّه

۱۷ و نیز در «خلاصه» است نقلاً عَنْ بَعْضِ الْكُتُب که یافتم در کتاب «آدابُ الْحَمِيدة» ـ تألیف : «محمّد بن جریر طبری» ـ از «حارث بن روح» از پدر از جدّش نقل کرده که گفت به فرزندان خویش: هر گاه اندوهگین ساخت شما را امری پس شب را به سر نیاورد احدی از شماها مگر در حالی که طاهر باشد و در فراش و لحاف طاهر باشد و با او نباشد زنی، پس بخواند هفت مرتبه وَالشَّمْس و هفت مرتبه وَاللَّيْل پس بگوید: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي مِنْ اَمْري هٰذٰا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا» هر گاه این عمل را بجا آورد، بیاید در خواب او شخصی در همان شب یا شب سوّم یا پنجم و گمان می‌کنم گفت یا در شب هفتم، و بگوید برای او طریق بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را.

فقیر گوید: بعضی گفته‌اند که سورهٔ والضُّحیٰ و اَلَمْ نَشْرَحْ را نیز بخواند.

برای خواب دیدن مطلب خود

و در «جواهر المنثوره» است که: کسی که بخواهد در خواب بیند مطلب خود را، بخواند وقت خوابیدن هر یک از این سوره‌ها را هفت مرتبه: وَالشَّمْس و اللَّيْل و التين و اِخْلاص، قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق، قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاس و بخوابد با طهارت در مکان پاکی در جامهٔ پاکی رو به قبله بر دست راست خود، یعنی به هیئت مرده که در لحد گذاشته می‌شود بخوابد، و نیّت کند مطلب خود را؛ اگر در شب اوّل ندید در شبهای بعد و از هفت شب تجاوز نمی‌کند؛ گفته شده مجرّب است.

چهار عمل پر فایده برای وقت خواب

۱۸ و نیز در «خُلاصةالأَذکار» است که از حضرت زهرا صَلَوٰاتُاللّٰهِ عَلَيْهٰا روایت است که: حضرت رسولﷺ بر من وارد شد، در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می‌خواستم بخوابم ، فرمود: ای فاطمه! مخواب مگر آنکه چهار عمل بجا آوری: ختم

قرآنی کنی، و پیغمبران را شفیعان خود گردانی، و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حجّ و عمره بکنی؛ این را فرمود و داخل نماز شد. من توقّف کردم تا نماز خود را تمام کرد، گفتم یا رسول اللّه! امر فرمودی به چهار چیز که من قدرت ندارم در این وقت آنها را بجا آورم. آن حضرت تبسّم کرد و فرمود: هر گاه بخوانی **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده‌ای؛ و هر گاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من، ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت؛ و هر گاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند؛ و هر گاه بگوئی: «**سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ**» پس حجّ و عمره کرده‌ای.

دعایی که معادل هزار رکعت نماز است

مؤلّف گوید: «کفعمی» روایتی نقل کرده که هر کس وقت خواب بگوید سه مرتبه: «**يَفْعَلُ وَ اللّٰهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ**» مثل آن است که هزار رکعت نماز کرده.[1]

دعای مطالعه

۱۹ و نیز در «خُلاصة الأذکار» است که در وقت مطالعه بخواند:

«**اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**»

جهت اداء قرض

۲۰ روایت شده که شخصی به خدمت حضرت امام محمّد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم، حضرت نوشتند که: **استغفار بسیار بکن و زبانت را تَرْ بدار به خواندن سورهٔ انّا انزلناه.**[2]

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۴۷.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۱۷؛ بحار، ج ۹۵، ص ۳۰۳.

دواء تنگی نفس و سرفه

[۲۱] در حدیث است که مفضّل به خدمت حضرت صادق‌ﷺ شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشینم، فرمود: بول شتر بخور تا ساکن شود.[۱] و در حدیث دیگر است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از سُرفه، فرمود: قدری از «انجدان رومی» با همانقدر از نبات سُفوف[نرم] کن و یک روز یا دو روز بخور، آن شخص گفت: یک مرتبه خوردم و برطرف شد.[۲]

دستورالعمل حضرت عیسی‌ﷺ برای رفع زردی صورت

[۲۲] از حضرت امیرالمؤمنین‌ﷺ منقول است: حضرت عیسی‌ﷺ به شهری گذشتند، دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است! و از بسیاری مرض به آن حضرت شکایت کردند، فرمود: شما گوشت را نشسته می‌پزید و هیچ حیواتی از دنیا بدر نمی‌رود، مگر آنکه جنابتی با او هست. بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماریشان برطرف شد. و حضرت عیسی‌ﷺ به شهر دیگر گذشتند که دندانهای ایشان ریخته بود و رویهایشان باد کرده بود! فرمود: در وقت خواب دهان را باز کنید و بر هم مگذارید. چنان کردند آن علّتها از ایشان زایل شد.[۳]

دعای وقت دیدن صاحبان بلا

[۲۳] از حضرت امام محمّد باقرﷺ منقول است: چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي عافاني مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ وَ لَوْ شاءَ فَعَلَ» که هر که چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد.[۴] و در روایات دیگر است که بگو: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي عافاني مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ وَ فَضَّلَني عَلَيْكَ وَ عَلىٰ كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ» و

۱. طبّ‌الائمّة، ص ۱۰۳؛ بحار، ج ۶۲، ص ۱۸۲.
۲. روضهٔ کافی، ص ۲۶۴، ص ۲۶۴؛ بحار، ج ۶۲، ص ۱۸۲.
۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۶۲، بحار ج ۶۲، ص ۱۶۲.
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۹۷.

آهسته بگو که او نشنود.[۱]

دعا به جهت پسر شدن حمل

[۲۴] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است: هر گاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد روی او را به قبله کن و آیة‌الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو: **اَللّٰهُمَّ اِنّی قَدْ سَمَّیْتُهُ مُحَمَّداً**، یعنی: خدایا من او را محمّد نام کردم؛ چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند، پس او را اگر محمّد نام کند مبارک باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد از او بگیرد و اگر خواهد به او ببخشد.[۲]

دعای عقیقه

[۲۵] روایت شده است که در وقت کشتن گوسفند «عقیقه» این دعا را بخواند:

«**بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ عَقیقَةٌ عَنْ فُلانٍ** (و نام او را بگوید) **لَحْمُها بِلَحْمِهِ وَ دَمُها بِدَمِهِ وَ عَظْمُها بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها وِقاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ.**»[۳]

و در حدیث دیگر فرمود که این دعا بخواند:

«**یا قَوْمِ اِنّی بَریءٌ مِمّا تُشْرِکُونَ اِنّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ حَنیفاً مُسْلِماً وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ اِنَّ صَلوٰتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ لا شَریکَ لَهُ وَ بِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَ لَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ**» و نام فرزند را ببرد پس آن را بکشد.[۴]

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶۵.	۲. کافی، ج ۶، ص ۱۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۰ با اندک تفاوت؛ حلیة المتقین، ص ۱۵۳، ط.قم.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۱؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۸۶، ح ۱۶۸۲، ط.قم.

احکام عقیقه

علامهٔ مجلسی در «حلیة» فرمود: بدان که **عقیقه فرزند سنّت مؤکّد است بر کسی که قادر بر آن باشد** و بعضی از علماء واجب می‌دانند، و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تأخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سُنّت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنّت است. و در احادیث معتبرهٔ بسیار وارد شده است : عقیقه واجب است بر کسی که او را فرزندی به هم رسد. و در احادیث بسیار منقول است: هر فرزندی در گرو عقیقه است، یعنی اگر نکند او در معرض مردن و انواع بلاها است. و از حضرت صادق﷣ منقول است: **عقیقه لازم است بر کسی که غَنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آنکه به هم رساند بکند و اگر به هم نرساند بر او چیزی نیست**، و اگر عقیقه برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مُجزي است، و در حدیث دیگر منقول است : از آن حضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند برای عقیقه و به دست نیامد، چه می‌فرمایید؟ تصدّق کنیم قیمتش را؟ فرمود: **طلب کنید تا بیابید، خدا دوست می‌دارد خورانیدن طعام و ریختن خون را**. و در حدیث دیگر پرسیدند: فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه‌اش می‌باید کرد؟ فرمود: اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند. و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که به خدمت آن حضرت عرض کرد: نمی‌دانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه؟ فرمود: عقیقه بکن. پس او در پیری خود را عقیقه کرد. و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است : فرزند را در روز هفتم نام می‌گذارند و عقیقه می‌کنند و سر را می‌تراشند و موی سرش را با نقره می‌کشند و آن نقره را تصدّق می‌کنند، و پای و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده در زائیدن می‌فرستند و باقی را بخورد مردم می‌دهند و تصدّق می‌کنند. و در حدیث موثّق دیگر فرمود: هر گاه پسری یا دختری برای تو متولّد شد عقیقه می‌کنی در روز هفتم گوسفندی یا شتری، و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و به وزن موی سرش طلا یا نقره تصدّق کن. و در حدیث دیگر وارد شده است: رُبع گوسفند را به قابله می‌دهد و اگر بی‌قابله زائیده باشد آن را به مادر می‌دهد که به هر که خواهد بدهد

و اقلاً بخوردِ ده کس از مسلمانان می‌دهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی‌خورد، و اگر قابله زن یهودیّه باشد قیمت رُبع گوسفند را به او می‌دهد. و در روایت دیگر وارد شده است که به قابله ثلث گوسفند را می‌دهند ، و مشهور میان علماء آن است که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بُز می‌باید باشد. و از حضرت امام محمّد باقرﷺ منقول است: حضرت رسولﷺ در روز ولادت، اذان در گوش حَسنین صَلَواتُاللّهِ عَلَیْهِما گفتند و حضرت فاطمهﷺ در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و به قابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی. و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد یا بیشتر، و اگر بُز باشد یک سال یا در دو باشد یا بیشتر، و اگر گوسفند باشد اقلاً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است، و می‌باید که خُصیه‌اش را نکشیده باشند و بهتر آن است که نمالیده باشند، و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد. امّا در حدیث معتبر از حضرت صادقﷺ منقول است: عقیقه از باب [=همانند] قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوب است، غرض گوشت است هر چند فربه‌تر باشد بهتر است. و مشهور میان علماء آن است که سنّت است که عقیقهٔ پسر نر باشد و عقیقهٔ دختر ماده باشد،و گمان فقیر این است که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبرهٔ بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است، و سنّت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است که از طعامی که در آن پخته باشد نخورند، و خوردن مادر کراهیّتش بیشتر است، و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانهٔ ایشان می‌باشند از آن گوشت و طعام نخورند، و سنّت است که بپزند و خام تصدّق نکنند و اقلّش آن است که با آب نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد، و اگر خام تصدّق کنند هم خوب است، و اگر حیوان عقیقه به هم نرسد قیمتش را تصدّق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا به هم رسد، و شرط نیست جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند امّا

صُلحا و فُقرا را طلبیدن بهتر است انتهی.[۱]

فقیر گوید: مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است و روایت «**يُكْسَرُ عَظْمُهَا وَ يُقْطَعُ لَحْمُهَا وَ تَصْنَعُ بِهَا بَعْدَ الذَّبْحِ مَا شِئْتَ**» منافات با کراهت ندارد، و صاحب جواهر فرموده: امّا آنچه مشهور شده بین مردم عراق از استحباب پیچیدن استخوانهای آن را در خرقهٔ سفیدی و دفن کردن آن، واقف نشدم بر نصّی در آن وَاللّٰهُ الْعَالِمُ.

دعای ختنه

[۲۶] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسّر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسّر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن رفع می‌کند، و دعا این است:

«**اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَ بِإِرَادَتِكَ وَ قَضَائِكَ لِأَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَ قَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَ اَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ وَ اَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ بِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ زِدْ فِي عُمْرِهِ وَ ادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَ الْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَ زِدْهُ مِنَ الْغِنىٰ وَ ادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا نَعْلَمُ.**»[۲]

تفأل به قرآن مجید و استخاره به آن

[۲۷] «سیّد بن طاووس» از «دعوات خطیب مُستغفری» نقل کرده که او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر گاه خواستی تفأل بزنی به کتاب اللّه عزّوجلّ، پس بخوان سورهٔ اخلاص سه مرتبه پس صلوات بفرست بر پیغمبر و آل آن حضرت سه مرتبه، پس بگو:

---

۱. حلیة المتقین، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۲.

۲. الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸، ب ۴۶۱، ح ۱۷.

«اَللّٰهُمَّ اِنّي تَفَأَّلْتُ بِكِتابِكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَأَرِني مِنْ كِتابِكَ ما هُوَ مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ في غَيْبِكَ» پس باز کن جامع را ـ یعنی: قرآنی که جامع تمام سُور و آیات باشد ـ و بگیر فال را از خطّ اوّل از جانب اوّل بدون آنکه بشمری اوراق و سطور.[۱]

دعای استخاره به قرآن عظیم

و بدان که علاّمهٔ مجلسی از بعض مؤلّفات اصحاب از خطّ «شیخ یوسف قطیفی» نقل کرده و او از خطّ «آیة اللّه علاّمه» که روایت شده از حضرت صادق عليه السلام که فرمود: هر گاه اراده کردی که استخاره کنی از کتاب عزیز بگو بعد از بِسْمِله:

«اِنْ كانَ في قَضآئِكَ وَ قَدَرِكَ اَنْ تَمُنَّ عَلىٰ شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله بِفَرَجِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ فَاَخْرِجْ اِلَيْنا آيَةً مِنْ كِتابِكَ نَسْتَدِلُّ بِها عَلىٰ ذٰلِكَ»، پس می‌گشائی مُصحف شریف را و می‌شمری شش ورق و از ورق هفتم می‌شمری شش سطر و نظر می‌کنی در آن و مطلب را از آن بیرون می‌آوری.[۲]

استخاره به تسبیح

و شیخ شهید رحمه الله در «ذِكْرىٰ» فرموده: و از جملهٔ استخاره‌ها استخاره به عدد است و این مشهور نبوده در عصرهای گذشته پیش از زمان سیّد کبیر عابد «رضی‌الدّین محمّد بن محمّد الاوىّ الحسینی» مجاور مشهد غروی رَضِيَ‌اللّٰهُ عَنْهُ، و ما روایت می‌کنیم این استخاره را با جمیع روایت شده‌ات او را از جماعتی از مشایخ خودمان از شیخ کبیر فاضل «جمال‌الدّین بن المطهّر» از والدش رَضِيَ‌اللّٰهُ عَنْهُما از «سیّد رضیّ‌الدّین» مذکور از حضرت صاحب‌الأمر عَلَيْهِ‌الصَّلٰوةُ وَالسَّلامُ، می‌خوانی **فاتحه** را ده مرتبه و اقلّش سه مرتبه و کمتر از آن یک مرتبه پس می‌خوانی سورهٔ قدر را ده مرتبه پس می‌خوانی این دعا را سه مرتبه:

---

۱. بحار، ج ۹۱، ص ۲۴۱، ح ۱.
۲. بحار، ج ۹۱، ص ۲۴۲.

«اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْأُمُورِ وَ أَسْتَشيرُكَ لِحُسْنِ ظَنّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ إِنْ كانَ الْأَمْرُ الْفُلانِي مِمّا قَدْ نيطَتْ بِالْبَرَكَةِ أَعْجازُهُ وَ بَوادِيهِ وَ حُفَّتْ بِالْكَرامَةِ أَيّامُهُ وَ لَياليهِ فَخِرْلي اَللّٰهُمَّ فيهِ خِيَرَةً تَرُدُّ شَمُوسَهُ ذَلُولاً وَ تَقْعَضُ أَيّامَهُ سُرُوراً اَللّٰهُمَّ إِمّا أَمْرٌ فَأْتَمِرُ وَ إِمّا نَهْيٌ فَأَنْتَهي اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خِيَرَةً في عافِيَةٍ»، پس می‌گیری یک قبضه از تسبیح را و نیّت می‌گیری حاجت را، اگر عدد آن قبضه جُفت است پس آن إِفْعَلْ است یعنی: بجا آور و اگر طاق است لا تَفْعَلْ است یعنی: مکن آن کار را، یا بعکس یعنی: طاق خوب است و جفت بد، و این بسته است به قصد استخاره کننده.[1]

فقیر گوید: تَقْعَضُ به ضاء معجمه است یعنی تَرُدُّ و تَعْطِفُ. و ما در باب نمازها استخارهٔ «ذات‌الرّقاع» و بعضی از اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم بدانجا رجوع شود.

استخاره برای غیر نمودن

و بدان که: «سیّد بن طاووس» فرموده کلامی که حاصلش این است: من نیافتم حدیث صریحی در آن که انسان استخاره کند برای غیر خود و لکن یافتم احادیث بسیار که امر شده در آن بر قضاء حاجات إخوان به دعوات و سائر توسّلات، بلکه در اخبار از فوائد دعا بر اخوان چندان ذکر شده که محتاج به ذکر نیست و استخاره نیز از جمله حاجات و از جملهٔ دعوات است، زیرا که انسان را که تکلیف کرد شخصی استخاره کردن برای او پس حاجتی برای او وارد کرده، پس آن شخصی که مباشر استخاره می‌شود می‌خواهد استخاره برای خود کند که آیا صلاح است که بگوید بکن یا نه، و می‌خواهد برای آن شخص که به او گفته استخاره کند که آیا مصلحت است در فعل یا در ترک، و این از چیزهائی است که داخل است در تحت عموم روایات به استخارات و به قضاء حاجات.

---

۱. ذکری الشیعة، ص ۲۵۴؛ وسایل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۹، ب ۸، ح ۱.

علامهٔ مجلسی فرمود: کلام سیّد در جواز استخاره برای غیر خالی از قوّت نیست به جهت عمومات، خصوص در وقتی که قصد کند نائب از برای خود که بگوید به شخص مستخیر بکن یا مکن چنانچه سیّد به آن اشاره فرموده، و این حیله‌ای است برای داخل کردن استخاره را در تحت اخبار خاصّه، لکن اولی و احوط آن است که صاحب حاجت خودش استخاره کند برای خود زیرا که ما ندیدیم خبری که وارد شده باشد در جواز وکالت در استخاره، و اگر این جایز یا راجح بود اصحاب سؤال می‌کردند از ائمه و اگر سؤال کرده بودند نقل می‌شد برای ما لااقلّ در یک روایتی، به علاوه آن که مضطرّ اولی است به اجابت و دعای او اقرب است به خلوص نیّت انتهی.[1]

دعا به هنگام دیدن یهود یا ترسا یا گبر

[۲۸] از حضرت رسول منقول است: که هر کس یهود یا ترسا یا گبری را ببیند و بگوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي فَضَّلَني عَلَيْكَ بِالْإِسْلامِ ديناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتاباً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَ بِعَلِيٍّ إِماماً وَ بِالْمُؤْمِنينَ إِخْواناً وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً» خدا میان او و آن کافر در جهنّم جمع نکند.[2]

مؤلّف گوید: از آیات و اخبار بسیار استفاده می‌شود که مسلمان باید از دوستی کفّار و محبّت و میل به ایشان و تشبّه به ایشان اجتناب کند و بر مسلکِ آنها سلوک نکند:

«قالَ اللّٰهُ تَعالىٰ: قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ في إِبْراهيمَ وَ الَّذينَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنّا بُرَءٰآؤُ مِنْكُمْ وَ مِمّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَ بَدا بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً.»[3]

---

۱. بحار، ج ۹۱، ص ۲۸۵. ۲. امالی صدوق، ص ۳۲۹، مجلس ۴۵، ح ۱۶.

۳. برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، ما نسبت به شما کافریم، و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن که به خدای یگانه ایمان بیاورید. «ممتحنه، آیهٔ ۴»

ذمّ تشبّه به کفّار و میل به آنها

شیخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: وحی فرستاد حقتعالی به سوی پیغمبری از پیغمبران خود که: **بگو به مؤمنین نپوشید لباس دشمنان مرا، و نخورید مَطاعم دشمنان مرا، و نروید بر مسلکها یعنی راههای دشمنان من، پس دشمنان من خواهید بود همچنانکه ایشان دشمنان منند.**

مذمت تراشیدن ریش

و لهذا در بسیاری از خبرها وارد شده که فلان عمل را بجا آورید و خود را به کفّار شبیه نگردانید، مانند روایتی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: **شارب را از تَه بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان وگبران خود را شبیه مگردانید**، و نیز فرمود: **گبران ریشهای خود را چیدند و سبیلان خود را زیاد کردند و ماها شارب خود را می‌چینیم و ریش را می‌گذاریم.**[1]

و چون نامهٔ دعوت آن جناب به مُلوک [= پادشاهان] رسید، کسریٰ به «باذان» ـ که عامل یمن بود نوشت که آن حضرت را نزد او فرستد، و او کاتب خود «بانویه» و مردی که او را «خرخسک» می‌گفتند به مدینه فرستاد و آن دو ریشها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند، پس آن جناب را ناخوش آمد که به ایشان نظر کند و فرمود: وای بر شما! کی امر کرده شما را به این؟! گفتند ربّ ما، یعنی: کسریٰ، فرمود: لکن پروردگار من امر کرده مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب.[2]

و بدان که حقتعالی در سورهٔ هود فرمود:

وَ لاٰ تَرْکَنُوا اِلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکُمُ النّٰارُ وَ مٰا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِیٰاءَ ثُمَّ لاٰ تُنْصَرُونَ.[3]

---

۱. الفقیه، ج ۸، ص ۱۳۰، ج ۱۰۴ و ۱۰۶.

۲. سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۰۸، واژهٔ «لحی».

۳. هود، آیهٔ ۱۱۳.

مفسّرین در معنی آن فرموده‌اند: یعنی میل اندک نکنید ـ چه جای بسیار ـ به سوی آنان که ستم کردند، پس برسد به شما آتش جهنّم؛ و بعضی گفته‌اند: رُکونِ مَنْهِیٌّ عَنْهُ، دخول با ایشان است در ظلم ایشان و اظهار رضایت به کار ایشان و اظهار موالات ایشان، و در روایت اهل بیت علیهم السلام است که رُکون مودّت و نصیحت و طاعت ایشان است.

دعای فرج از آفات

[۲۹] نوزده حرف است که اسباب فَرَج است برای داعی آن از آفات، تعلیم کرده آن را حضرت رسول خدا به امیرالمؤمنین صَلَواتُ اللّٰهُ عَلَیْهِما و آلِهِما و نقل کرده آن را شیخ صدوق در کتاب «خصال» در ابواب تِسْعَةَ عَشَر، فرموده می‌گوئی:

«یا عِمٰادَ مَنْ لاٰ عِمٰادَ لَهُ وَ یا ذُخْرَ مَنْ لاٰ ذُخْرَ لَهُ وَ یا سَنَدَ مَنْ لاٰ سَنَدَ لَهُ، وَ یا حِرْزَ مَنْ لاٰ حِرْزَ لَهُ وَ یا غِیٰاثَ مَنْ لاٰ غِیٰاثَ لَهُ وَ یا کَرِیمَ الْعَفْوِ وَ یا حَسَنَ الْبَلاٰءِ وَ یا عَظِیمَ الرَّجٰآءِ وَ یا عِزَّ الضُّعَفٰآءِ وَ یا مُنْقِذَ الْغَرْقیٰ وَ یا مُنْجِیَ الْهَلْکیٰ یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ اَنْتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ سَوٰادُ اللَّیْلِ وَ نُورُ النَّهٰارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعٰاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِیُّ الْمٰاءِ وَ حَفیفُ الشَّجَرِ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ اَنْتَ وَحْدَکَ لاٰ شَرِیکَ لَکَ پس می‌گوئی: **اَللّٰهُمَّ افْعَلْ بی کَذٰا وَ کَذٰا**» به جای این [کَذٰا وَ کَذٰا] حاجت خود را ذکر می‌کنی، پس به درستی که از جای خود برنخواهی خاست که مستجاب می‌شود إنْشاءَاللّه تَعالیٰ.[1]

فضیلت نوشتن بسم الله بر در خانه

[۳۰] شیخ کفعمی از «مفاتیح الغیب» نقل کرده: **هرکه بنویسد لفظ بِسْمِ اللّٰهِ را بر درِ بیرون از منزل خود، ایمن از هلاک خواهد گشت و اگرچه کافر باشد.** و گفته که فرعون را خداوند

---
۱. خصال، ج ۲، ص ۵۱۰، منشهای ۱۹ گانه، ح ۱.

زود هلاک نکرد و مهلت داد او را با ادّعای او ربوبیّت را، به جهت آنکه نوشته بود بر در منزل خود بِسْمِ اللّهِ را، و حقتعالی وحی فرمود به موسی ـ وقتی که از خدا خواست سرعت هلاک او را ـ تو نظر می‌کنی به کفر او و من نظر می‌کنم به آنچه نوشته بر دَرِ خود.[1]

جهت ایمنی از سوختن و هر بدی در صبح و شام

۳۱ شیخ «ابن فهد» روایت کرده است: روزی ابوالدّرداء را خبر دادند که خانه‌ات سوخته است، گفت نسوخته است! دیگری خبر داد باز چنین گفت تا سه مرتبه، پس معلوم شد که خانه‌های اطراف همه سوخته خانهٔ او نسوخته! گفتند از چه راه دانستی که خانهٔ تو نسوخته است؟! گفت: زیرا که شنیدم از رسول خدا ﷺ: هر که در صبح این دعا بخواند، در آن روز بدی به او نمی‌رسد و اگر در شام بخواند، در آن شب بدی به او نمی‌رسد، و من این دعا را خوانده بودم:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبّي لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَ مِنْ شَرِّ قَضاءِ السُّوءِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.»[2]

دعای زمان غیبت

۳۲ شیخ کلینی و غیر او روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که این دعا را تعلیم «زُراره» فرمود که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:

«اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني

۱. مصباح کفعمی، ص ۲۴۶، ف ۲۷.
۲. عدّة الدّاعی، ص ۲۰۰، تبریز ۱۲۷۴.

رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيني.»[1]

دعای پیش از خواب

[۳۳] در «عدّة الدّاعی» است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: هر گاه یکی از شما اراده کرد بخوابد بگذارد دست راست خود را در زیر صورت راست خود و بگوید:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبي لِلّٰهِ عَلىٰ مِلَّةِ إِبْراهيمَ وَ دينِ مُحَمَّدٍ وَ وِلايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طاعَتَهُ ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ» پس هر کسی که بگوید این را در نزد خواب، حفظ کند حقتعالی او را از دزد غارت کننده و از خراب شدن و طلب آمرزش کند برای او ملائکه.[2]

حرز چیزی که ذخیره و پنهان کنند

[۳۴] و نیز در «عدّة الدّاعی» است که خواندن إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر هر چیزی که ذخیره و پنهان می‌کنند حرز است از برای او، بنابر آنچه روایت شده از ایشان علیهم السلام.[3]

خواص تلاوت صد آیه از قرآن

[۳۵] و نیز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده: هر که بخواند صد آیه از قرآن ـ از هر آیه که باشد ـ پس بگوید هفت مرتبه يا اَللّٰهُ، پس اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آن را.[4]

---

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۱۱.

۲. عدّة الدّاعی، ص ۲۱۰، ط قم.

۳. عدّة الدّاعی، ص ۲۱۷.

۴. عدّة الدّاعی، ص ۲۲۰.

خواصّ قُلْ هُوَاللّه اَحَد

۳۶ و نیز از آن حضرت نقل کرده: کسی که بخواند قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را در وقتی که به خوابگاه خود رود سه مرتبه، موکّل فرماید حقتعالی به او پنجاه هزار فرشته که پاسبانی کنند او را در آن شب.[1]

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر که بگذرد بر او یک روز و در نماز خود قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ نخواند، روز قیامت به او گویند: ای بندهٔ خدا! نیستی تو از نمازگزارندگان. و نیز از آن حضرت منقول است: کسی که بگذرد بر او جمعه ـ یعنی هفته ـ و نخواند در آن قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ، پس بمیرد به دین ابی‌لهب.[2]

و نیز از آن جناب روایت شده است : کسی که برسد بر او مرضی یا شدّتی و نخواند در آن حال قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و بمیرد در آن مرض یا شدّت، پس او از اهل آتش است.[3]

رُقیه (دعا برای حفظ) زراعتها

۳۷ و نیز در «عدّة الدّاعی» نقل کرده این رقعه را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و جانوری که آن را فاسد می‌کند، و کیفیّت آن چنان است که بنویسد بر چهار پارچهٔ نی یا چهار رقعه و بگذارد در چهار نی و بگذارد آنها را در چهار طرف مزرعه:

«اَیُّهَا الدُّوْدُ اَیُّهَا الدَّوَآبُّ وَ الْهَوَآمُّ وَ الْحَیَوٰانٰاتُ اُخْرُجُوا مِنْ هٰذِهِ الْاَرْضِ وَ الزَّرْعِ اِلَی الْخَرابِ کَما خَرَجَ ابْنُ مَتّیٰ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ فَاِنْ لَمْ تَخْرُجُوا اَرْسَلْتُ عَلَیْکُمْ شُوٰاظًا مِنْ نٰارٍ وَ نُحٰاسٍ [نُحٰاساً] فَلاٰ تَنْتَصِرٰانِ اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیٰارِهِمْ وَ هُمْ اُلوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقٰالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوتُوا فَمٰاتُوا اُخْرُجُوا مِنْهٰا

---

۱. عدّة الدّاعی، ص ۲۷۱.

۲. عدّة الدّاعی، ص ۲۲۲.

۳. عدّة الدّاعی، ص ۲۲۲.

فَاِنَّكَ رَجِيمٌ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ سُبْحَانَ الَّذِي اَسْرىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصىٰ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا اِلاّٰ عَشِيَّةً اَوْ ضُحيٰهَا فَاَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنّٰاتٍ وَ عُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْاَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ اُخْرُجْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ اَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ اِنَّكَ مِنَ الصّٰاغِرِينَ اُخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لاٰ قِبَلَ لَهُمْ وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذِلَّةً وَ هُمْ صٰاغِرُونَ.»[1]

خواصّ انگشتر عقیق و نگاه کردن در صبح به آن

[۳۸] «سیّد بن طاووس» از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده است: هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد و در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را به جانب کف دست بگرداند و به آن نظر کند و سورهٔ اِنّا اَنْزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید:

«آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّٰاغُوتِ وَ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلاٰنِيَتِهِمْ وَ ظٰاهِرِهِمْ وَ بٰاطِنِهِمْ وَ اَوَّلِهِمْ وَ آخِرِهِمْ.»

پس چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شرّ آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بالا می‌رود به سوی آسمان و آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه بیرون می‌آید از زمین، و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام.[2]

دعای دفع فراموشی

[۳۹] شیخ کفعمی از کتاب «جمع‌الشّتات» از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هر گاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی و شیطان تو را فراموشی داده، بگذار دست خود را بر

۱. عدة الداعی، ص ۲۲۳.
۲. امان الاخطار، ص ۳۹؛ مستدرک الوسایل، ج ۴، ص ۲۹۷.

جبههٔ خود و بگو:

«صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ يا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفاعِلَهُ وَالْآمِرَ بِهِ ذَكِّرْني ما أَنْسانيهِ الشَّيْطانُ.»[1]

[دعای رفع فراموشی در نماز]

و در کتاب «مَنْ لا يَحْضُرُهُ الْفَقيهُ» از حضرت صادق علیه السلام نقل است که کسی که بسیار باشد سهو او در نماز، پس بگوید در وقتی که داخل خلا شود: «بِسْمِ اللّٰهِ [وَبِاللّٰهِ] أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ»[2]

دوا و دعا به جهت زیاد شدن حافظه

مؤلف گوید: کسی که می‌خواهد حافظه‌اش زیاد شود مسواک کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و خصوص آیة الکرسی و إدمان [= مداومت کند بر] خوردن مویز ناشتا خصوص اگر سُرخ و بیست و یک دانه باشد برای فهم و ذهن و حافظه نافع است، و خوردن حلوا و گوشتِ نزدیک گردن و عسل و عدس نیز مورث حفظ است؛ و نقل شده که از دواهائی که به تجربه رسیده است آن است که: کُندر و سُعد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و سَفوف[3] کرده روزی پنج درهم بخورند لکن سه روز متوالی بخورند و پنج روز ترک کنند و هکذا، و بگویند هر روزی بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلّم کنند:

«يا حَيُّ يا قَيُّومُ فَلا يَفُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ وَلا يَؤُدُهُ.»[4] و هم بخوانند عقب نمازها دعای: سُبْحانَ مَنْ لا يَعْتَدي عَلىٰ أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، [سُبْحانَ مَنْ لا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّؤُفِ الرَّحيمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي في قَلْبي نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَ

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۹۹.
۲. الفقیه، ج ۱، ص ۲۵، ب ۲، ح ۷.
۳. داروی خشک نرم شده.
۴. مصباح کفعمی، ص ۱۹۹.

عِلْماً إِنَّکَ عَلىٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ][1] را و بخوانند نمازی را که در باب دوّم به جهت قوّت حافظه نقل کردیم و غیر ذلک.

چیزهایی که سبب نسیان می‌شود

و اجتناب کنند از چیزهائی که سببِ نسیان می‌شود و آن خوردن سیب ترش، و گشنیز سبز، و پنیر، و پس خوردهٔ موش، و بول در آب ایستاده، و خواندنِ الواح قبرها، و رفتن از بین دو زن، و دور افکندن شپش زنده، و نچیدن ناخنها، و ترک قیلوله، و کثرت معاصی، و کثرت هُموم و أحزان در امر دنیا، و کثرت اشتغال، و علائق، و نظر افکندن به دار کشیده و مرور از بین قطار شتر.

دعای تمجید حقتعالی

[۴۰] شیخ «ابن فهد» نقل کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: هر دعائی که پیش از آن تمجید نباشد پس آن أبتر است، اوّل تمجید است پس ثنا. راوی گفت: کمتر چیزی که کفایت می‌کند از تمجید چیست؟ فرمود می‌گوئی:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الظّٰاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الْبٰاطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»[2]

---

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی! اگر می‌خواهی آنچه می‌شنوی را حفظ نمائی پس بعد از هر نماز بگو: «سُبْحانَ مَنْ لا...» (عدة الداعی، ص ۲۵۴، ب ۲؛ مصباح کفعمی، ص ۱۹۸).

۲. اصول کافی، ج ۲ ص ۳۶۵، باب التحمید، ح ۶.

خاتمه

در بعضی از آداب و ادعیهٔ
متعلّق به موت است

تأکید در امر وصیت

بدان که: چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اوّل کسی که باید به احوال او بپردازد، آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و درخور آن سفر او را توشه می‌باید. پس اوّل چیزی که او را ضرور است، اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته‌ها و توبهٔ کامل کردن است و تضرّع و زاری به جانب مقدّس ایزدی کردن که از گناهان گذشتهٔ او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را به خود و دیگران نگذارد، پس متوجّه وصیّت شود[1] و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمّهٔ او باشد ادا کند و به دیگران نگذارد [زیرا] که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و به حسرت در اموال خود نگرد، و شیاطین جنّ و انس وسوسه‌ها کنند اوصیاء و وارثان او را، و مانع شوند که ذمّهٔ او را بَری سازند و او را چاره نباشد و گوید: مرا برگردانید آنقدر که آنچه از اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد، پس به قدر ثُلث مال خود از برای خویشان و تصدّقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند وصیّت کند که زیاده از ثُلث را اختیار ندارد، پس إبراء ذمّه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری به او رسانیده باشد اگر حاضر

---

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: مَنْ مٰاتَ بِغَیْرِ وَصِیَّةٍ مٰاتَ مِیتَةً جٰاهِلِیَّةً؛ کسی که بی وصیت بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. روضةالواعظین، ص ۴۸۲؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰.

باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابراء ذمّه بخواهند. پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکّل بر جناب مقدّس الهی به امینی بگذارد و وصیّیی برای اولاد صغیر خود تعیین کند، پس کفن خود را مهیّا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است ـ و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد ـ به تربت حضرت امام حسین علیه السلام بفرماید بنویسند و این در صورتی است که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیّا نکرده باشد و اگر نه مؤمن می‌باید که همیشه کفنش مهیّا باشد و نزد او حاضر باشد، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است: **هر که کفنش با او باشد در خانه‌اش، او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر کند به آن کفن ثواب یابد.**[1]

و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجّه جناب مقدّس ایزدی شود و به یاد او باشد، و تفکّر کند که این امور فانی به کار او نمی‌آید و به غیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی‌رسد، و بداند که چون توکّل بر حقتعالی کند امور بازماندگان او به أحسنِ وُجوه صورت خواهد یافت، و بداند که **اگر خود باقی بماند بدون مشیّت الهی نفعی به ایشان نمی‌تواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمی‌تواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او به ایشان مهربانتر است.**

و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرات ائمّهٔ معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد، وبداند که همگی در آن وقت حاضر می‌شوند و شیعیان خود را بشارتها می‌دهند و ملک موت را سفارشها می‌کنند.

شیخ طوسی در «مصباح متهجّد» فرموده: «مستحب است برای انسان وصیّت و اخلال نکردن به آن، چه آنکه روایت شده: سزاوار است برای آدمی که شب به روز نیاورد مگر آنکه وصیّت‌نامه‌اش زیر سرش باشد، و مؤکّد است در حال مرض، و نیکو

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۲۳.

وصیّت کند و خلاص کند خود را از حقوقی که مابین او و خداست و از مظالم عباد.

عهدنامهٔ میت

و به تحقیق روایت شده از رسول خداﷺ که هر که نیکو نکند وصیت را در نزد مرگ خود، بوده است این نقص در عقل و مروت او، گفتند: یَا رَسُولَ اللّٰهِ! چگونه است آن وصیّت نیکو؟ فرمود: چون حاضر شود وفات او و جمع شده باشند مردم نزد او بگوید:

«اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ أَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ مَا وُعِدَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَ الْمَشْرَبِ وَ النِّكَاحِ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا وُصِفَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شُرِعَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قَالَ وَ أَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ وَ أَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ أَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَ إِمَامًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ عُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَ أَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَ إِلٰهِي وَ إِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ آنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُورًا.»

پس این عهد میّت است در روزی که وصیّت می‌کند به حاجت خود و وصیّت حق است بر هر مسلمانی، فرمود حضرت صادقؑ که تصدیق این در سورهٔ مریم است قول خداوند تبارک و تعالی لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا:

یعنی مالک نمی‌شود شفاعت را مگر کسی که فرا گرفته از نزد خدای بخشنده عهد و پیمان را و این همان عهد است. و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام که بیاموز آن را و تعلیم کن آن را به اهل بیت و شیعهٔ خود، فرمود آن حضرت که آموخت آن را به من جبرئیل.

نسخهٔ نوشته که گذاشته می‌شود با میّت

پس شیخ فرمود: نسخهٔ آن نوشته که گذارده می‌شود با میّت در نزد جریده بگوید پیش از نوشتن:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وآلِهِ وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ اَنَّ النّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ السّاعَةَ حَقٌّ اٰتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها وَ اَنَّ اللّٰهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ.»

آنگاه بنویسد: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّوْنَ فی هٰذَا الْكِتابِ اَنَّ اَخاهُمْ فِی اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ (فلان بن فلان) به جای این اسم آن شخص ذکر شود اَشْهَدَهُمْ وَ اسْتَوْدَعَهُمْ وَ اَقَرَّ عِنْدَهُمْ اَنَّهُ یَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وآلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمیعِ الْاَنْبِیاءِ وَ الرُّسُلِ علیهم السلام وَ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ وَ اِمامُهُ وَ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّتُهُ وَ اَنَّ اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِیُّ بْنُ مُوسیٰ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ وَ الْقائِمُ الْحُجَّةُ علیهم السلام وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النّارَ حَقٌّ وَ السّاعَةَ اٰتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها وَ اَنَّ اللّٰهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وآلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ جاءَ بِالْحَقِّ وَ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ وَ الْخَلیفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وآلِهِ وَ مُسْتَخْلَفُهُ فی اُمَّتِهِ مُؤَدِّیًا لِاَمْرِ رَبِّهِ تَبارَكَ وَ تَعالیٰ وَ اَنَّ فاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ وَ ابْنَیْهَا الْحَسَنَ وَ

الْحُسَیْنَ اِبْنا رَسُولِ اللّٰهِ وَ سِبْطاهُ وَاِماما الْهُدیٰ وَ قائِدَا الرَّحْمَةِ وَ اَنَّ عَلِیًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسیٰ وَ عَلِیًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِیًّا وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّةَ علیهم السلام اَئِمَّةٌ وَ قادَةٌ وَ دُعاةٌ اِلَی اللّٰهِ جَلَّ وَ عَلا وَ حُجَّةٌ عَلیٰ عِبادِهِ پس بگوید: یا شُهُودُ ای فُلان و ای فُلان» که نام بُرده شده‌اید در این نوشته ثابت کنید برای من این شهادت را نزد خودتان تا ملاقات کنید به آن مرا در نزد حوض کوثر، پس شهود بگویند:

ای فلان! «نَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَ الشَّهادَةُ وَ الْاِقْرارُ وَ الْاِخاءُ مَوْدُوعَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وآلِهِ وَ نَقْرَءُ عَلَیْكَ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ» پس به هم بپیچند آن صحیفه را و مُهر کنند او را و باید مختوم شود به مهر شهود و مهر میّت و گذاشته شود در طرف راست میّت با جریده، و نوشته شود صحیفه با کافور با سر چوبی و معطّر و خوشبو نباشد.

آداب محتضر و تلقین کلمات فرج به او

و سزاوار است که در وقتی که مرگ حاضر می‌شود باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند و بوده باشد نزد او کسی که بخواند سورهٔ یٰسٓ و **صافّات** و ذکر کند خدا را و تلقین کند او را شهادتین و اقرار به یک یک از امامان علیهم السلام، و تلقین کند او را کلمات فَرَج:

«لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْكَرِیمُ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَ ما فِیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ الصَّلٰوةُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ.»

و حاضر نشود نزد او جُنب و حایض، و چون از دنیا گذشت فرو خوابانند چشمانش را و بکشند دستهایش را و به هم گذارند دهانش را و بکشند ساقهایش را و ببندند چانه‌اش را و شروع کنند در تحصیل کفن او؛

کفن میّت

و کفن واجب او سه پارچه است: لنگ و پیراهن و ازار که سرتاسری باشد، و مستحبّ است که زیاد شود بر این پارچه‌ها جبرهٔ یَمَنیّه ـ و آن جامه‌ای است که از یمن می‌آورند ـ یا ازار دیگر و زیاد کنند پارچهٔ پنجمی که بپیچند به آنها رانهای میّت را، و مستحبّ است که علاوه بر اینها عِمامه برای او قرار دهند، پس تحصیل کنند برای او مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد، و افضل آن وزن سیزده درهم و ثلث است، و اوسط آن چهار مثقال و اقلّ آن یک درهم است، و اگر دشوار باشد هر قدر که ممکن است تحصیل کنند، و سزاوار است که بنویسند بر همه کفنها یعنی بر هر پارچه از آن:

«فلانٌ یَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ وَ اَنَّ عَلِیًّا اَمیرُالْمُؤْمِنینَ وَ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ (و یک یک امامان را ذکر کند) پس بنویسد **اَئِمَّتُهُ اَئِمَّةُ الْهُدَی الْاَبْرارُ»** و بنویسند این را به تربت امام حسین علیه السلام یا به انگشت و ننویسند به سیاهی.

در کیفیت و آداب غسل میّت

و باید غسل دهند میّت را به سه غسل: **اوّل به آب سِدر، دوّم به آب کافور، سوّم به آب خالص.** و کیفیّت غسلش مثل غسل جنابت است: ابتدا می‌کند اوّل به شستن دستهای میّت سه مرتبه پس می‌شوید عورت او را به کمی از اُشنان[1] سه مرتبه، پس غسل می‌دهد سر او را با کف سِدر سه مرتبه، پس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین نحو و می‌کشد دست خود را بر جمیع بدن میّت، و باید این شستنها به آب سدر باشد، پس بشوید ظرفها را تا اثر سدر برود و بریزد در ظرف آب دیگری و بیندازد در آن کمی از کافور، پس غسل دهد او را به آب کافور مثل غسل به آب سدر، و بریزد بقیهٔ آب را و

۱.

بشوید ظرفها را، پس آب خالص بیاورد و غسل سوّم بدهد به همان نحو، و بایستد غسل دهنده بر جانب راست او و بگوید هر زمانی که غسل دهد از او عضوی را: عَفْوًا عَفْوًا! و چون از غسل دادن فارغ شود بخشکاند بدن میّت را به جامهٔ تنظیفی و واجب است بر غسل دهنده غسل در این حال یا در مابعد. و مستحبّ است مقدّم داشتن وضو بر غسلهای میّت،

تلقین میت ، جریدتین و حنوط میّت

پس کفن کند او را و حاضر کند آن پارچه پنجمی که ران پیچ باشد و پهن کند و بگذارد بر روی آن مقداری از پنبه و بپاشد بر آن مقداری زَریره[1] و بگذارد آن را بر قُبل و دُبُر میّت، و بر سوراخ دُبر او پنبه بگذارد، پس آن پارچه را ببندد بر رانهای او و محکم ببندد رانهای او را، پس لُنگش را ببندد از نافش تا هر کجا که برسد، و بپوشاند بر او پیراهنش و بالای آن سرتاسری را و بالای آن حِبره و یا چیزی که قایم مقام آن باشد و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما یا از درخت دیگری و باید تر و تازه باشد و درازی آن به مقدار استخوان ذراع باشد، می‌گذارد یکی از آن دو را در جانب راست چسبیده به بدن از آن محلّی که موضع بستن لنگ است و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری، و بگذارد کافور را بر مواضع سجدهٔ میّت ـ که پیشانی و باطن کفها و سر زانوها و اطراف انگشتان پاها باشد ـ و اگر از کافور چیزی زیاد آمد بگذارد بر سینهٔ او و بپیچد بر او کفنهایش را و ببندد آن را از جانب سر و پاهایش تا او را به خاک سپرد و در آن وقت گره کفن را بگشاید، و چون از امر کفن فارغ شدند او را سوار بر تابوت کنند و ببرند او را تا مصلّی پس بر او نماز بخوانند.»[2]

۱ـ نوعی گیاه خوشبو.

۲ـ مصباح المهجّد، ص ۱۹ ـ ۱۴.

نماز میّت

علامهٔ مجلسی در «زادالمعاد» در باب **نماز میّت** فرموده آنچه که ملخّصش این است: این نماز واجب است بر همهٔ مسلمانان که علم به فوت شخصی به هم رسانند، و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می‌شود. و واجب است نماز بر شیعهٔ اثنی عشری که بالغ باشد بی‌خلاف، و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهراً به قصد قُربت اکتفا می‌توان کرد، و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولّد شده باشد بعضی سنّت دانسته‌اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است. و سزاوارترین مردم به نماز میّت وارث او است بنابر مشهور و شوهر اولیٰ است به زن خود، و واجب است که نماز گزارنده رو به قبله بایستد و سر جنازه به جانب راست او باشد و میّت بر پشت خوابیده باشد، و در این نماز طهارت از حَدَث شرط نیست و جنب و حایض و بی‌وضو این نماز را می‌توانند کرد، و سنّت است که با وضو باشد و اگر آب به هم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنّت است که تیمّم کند، و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمّم مستحبّ است. و سنّت است که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و سینهٔ زن بنابر مشهور، و سنّت است که کفش را بکَنَد، و واجب است که نیّت نماز کنند و پنج تکبیر بگویند و سنّت است که در هر تکبیر دستها را بردارند تا محاذی گوشها، و مشهور آن است که بعد از تکبیر اوّل بگوید:

«اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ.»

و بعد از تکبیر دوّم بگویند: **«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»**

و بعد از تکبیر سوّم بگویند: **«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ.»**

و بعد از تکبیر چهارم بگویند: **«اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ»**

و تکبیر پنجم را بگویند و فارغ شوند مُجزی است، و موافق مشهور بهتر آن است که چنین کنند: بعد از نیّت بگوید:

«اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَریکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشیرًا وَ نَذیرًا بَیْنَ یَدَیِ السّٰاعَةِ.»

پس بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلیٰ اِبْراهیمَ وَ آلِ اِبْراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ وَ صَلِّ عَلیٰ جَمیعِ الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ.»

پس بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ الْاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْواتِ تابِعْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْراتِ اِنَّکَ مُجیبُ الدَّعَواتِ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.»

پس بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلاّ خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ وَ اِنْ کانَ مُسیئاً فَتَجاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَکَ فی اَعْلیٰ عِلِّیّینَ وَ اخْلُفْ عَلیٰ اَهْلِهِ فِی الْغابِرینَ وَ ارْحَمْهُ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.»

پس بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ» و فارغ می‌شود.

و اگر میت زن باشد می‌گوید: «اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اَمَتُکَ وَ ابْنَةُ عَبْدِکَ وَ ابْنَةُ اَمَتِکَ نَزَلَتْ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْها اِلاّ خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِها مِنّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فی اِحْسانِها وَ اِنْ کانَتْ مُسیئَةً فَتَجاوَزْ عَنْها وَ اغْفِرْ لَها اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها عِنْدَکَ فی اَعْلیٰ عِلِّیّینَ وَ اخْلُفْ عَلیٰ اَهْلِها فِی الْغابِرینَ وَ ارْحَمْها بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.»

و اگر میّت مستضعف باشد بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ.»

و اگر میّت طفل نابالغ باشد بگوید: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَیْهِ وَ لَنا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اَجْراً.»

و سنّت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پیشنماز. و در روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید: «رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ.»[1]

تشییع جنازه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است: سزاوار آن است که برادران مؤمن را خبر کنند به مردنِ او تا به جنازهٔ او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند، و میّت و ایشان همه ثواب ببرند.[2] و در حدیث حَسَن از حضرت صادق علیه السلام منقول است: چون مؤمن را به قبر می‌گذارند او را ندا می‌کنند که اوّل عطائی که تو را دادیم بهشت است و اوّل عطائی که دادیم آنها را که با جنازهٔ تو آمده‌اند آمرزش گناهان است.[3] و در حدیث دیگر فرمود: اوّل تحفه‌ای که به مؤمن می‌دهند در قبر آن است که می‌آمرزند هر کس را که همراه جنازهٔ او بوده است.[4] و در حدیث دیگر فرمود: **هر که همراهی جنازهٔ مؤمنی بکند تا او را دفن بکنند، حقتعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب،**[5] و فرمود: هر که یک طرف جنازه‌ای را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید.[6]

آداب حمل جنازه

و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است که از برای کسی که تشییع جنازه کند اوّل دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، پس پای راست میّت را باز به دوش راست بردارد، پس از پشت جنازه برود و

---

۱. فقه الرّضا علیه السلام، ص ۱۹ به نقل از بحار، ج ۸۱، ص ۲۵۲ـ ۲۵۳، ح ۲۳.

۲. تهذیب، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۴۷۰.
۳. کافی، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۳.
۵. همان، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۲.

۶. همان، ج ۳، ص ۱۷۴، ح ۲.

پای چپ میّت را به دوش چپ خود بردارد، پس دست چپ میّت را که در جانب راست جنازه است به دوش چپ بردارد، و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز به همان روش تربیع کند، و اکثر علماء برعکس گفته‌اند که اوّل ابتداء به دست راست جنازه می‌کند پس به پای راست پس به پای چپ پس به دست چپ، و اوّل موافق احادیث معتبر اولی است و اگر هر دو را به عمل آورند بهتر است، و افضل آن است که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود، و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوب است، و در جنازهٔ خلاف مذهب خوب نیست، زیرا که ملائکه او را استقبال به عذاب می‌کنند.[1] و با جنازه سواره رفتن مکروه است.

دعای رؤیت جنازه

و از حضرت رسولﷺ منقول است: هر که جنازه را ببیند این دعا را بخواند: «**اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذٰا مٰا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنٰا اِیمٰانًا و تَسْلیمًا اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبٰادَ بِالْمَوْتِ**»[2]، هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحّم به او. و از حضرت امام جعفر صادقؑ منقول است که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخواند: «**بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ.**»[3] و منقول است که حضرت امام زین‌العابدینؑ هر گاه جنازه را می‌دید می‌گفت: «**اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَجْعَلْنی مِنَ السَّوٰادِ الْمُخْتَرَمِ**»[4]

و زنان را تشییع جنازه سنّت نیست، و بعضی گفته‌اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است، و مکروه است کسی را که به جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن.

---

۱. همان، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۷.
۲. تهذیب، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۴۷۱.
۳. همان، ج ۱، ص ۴۵۴، حدیث ۱۴۷۸.
۴. همان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۴۷۲.

فضیلت نماز بر جنازه

و نیز علامهٔ مجلسی در «حلیه» فرموده از حضرت رسولﷺ منقول است: هر که بر جنازه‌ای نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود، پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند به هر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب بـه او بدهند که قیراطی مانند کوه اُحد باشد.[۱] و در حدیث دیگر فرمود: **هر مؤمنی بر جنازه‌ای نماز کند بهشت او را واجب می‌شود مگر آنکه منافق یا عاقّ پدر و مادر باشد.**[۲]

شهادت چهل نفر در حق میّت

و به سند معتبر از حضرت صادقؑ منقول است: چون مؤمنی بمیرد و در جنازهٔ او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند: «اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلاّ خَيْرًا وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا» ـ یعنی: خداوندا ما از او به غیر از نیکی چیزی نمی‌دانیم و تو داناتری به احوال او از ما ـ چون این را بگویند حقتعالی فرماید که من شهادت شـما را قـبول کـردم، و آمرزیدم آن گناهانی را که می‌دانم و شما نمی‌دانید.[۳] و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسولﷺ منقول است: **اوّل چیزی که در عنوان نامهٔ مؤمن می‌نویسند بعد از مرگش آن چیزی است که مردم در حقّ او می‌گویند، اگر نیک می‌گویند نـیک مـی‌نویسند، و اگـر بـد می‌گویند بد می‌نویسند.**[۴]

فقیر گوید: شیخ طوسی در مصباح متهجّد فرموده: «و مستحبّ است تربیع جنازه یعنی به دوش بگیرد جانب کتف راست میّت را، پس از آن بیاید به طرف پا به دوش بگذارد پای راست او را پس از آن پای چپ او را و بعد از آن کتف چپ او را، حاصل آنکه چهار گوشهٔ جنازه را به این ترتیب بر دوش کشد که تعبیر از آن به دور رَحی کنند، یعنی مثل سنگ آسیا گردیدن او باشد.

---

۱. عقاب الاعمال، ص ۲۳۴.
۲. امالی صدوق، ص ۱۱۷ به نقل از بحار، ج ۸۱، ص ۳۴۶.
۳. الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۴۷۲.
۴. امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۷، مجلس ۲، ح ۲۶.

آداب و احکام دفن اموات

و چون جنازه را نزد قبر آورند اگر مرد است بگذارند او را به طرف پاهای قبر و بیاورند او را تا لب قبر در سه دفعه، و اگر جنازه زن است او را بگذارند طرف پیش قبر که جانب قبله است، پس داخل در قبر شود ولیّ میّت یا کسی که امر کند و نازل شود در قبر از طرف پای قبر که آن باب قبر است و چون نازل شد بگوید:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها رَوْضَةً مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ وَ لا تَجْعَلْها حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النّارِ»

و سزاوار است که شخص نازل[1] سر برهنه و پابرهنه باشد با بندهای گشاده، پس بگیرد میّت را و از سر او داخل در قبر کند و بگوید در آن حال:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فى سَبيلِ اللّٰهِ وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ ايماناً بِكَ وَ تَصْديقاً بِكِتابِكَ هٰذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنا ايماناً وَ تَسْليماً.»

پس بخواباند او را بر جانب راست و روی او را به قبله کند، و بگشاید بندهای کفن را از جانب سر و پای او و بگذارد صورت میّت را بر خاک، و مستحبّ است که بگذارد با او چیزی از تربت امام حسین علیه‌السلام پس بچینند بر او خشت و بگوید آن کسی که می‌چیند خشت را:

«اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْني بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ يَتَوَلّاهُ مِنَ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ.»

و مستحب است که تلقین کرده شود میت به شهادتین و اسماء ائمه علیهم‌السلام وقت گذاشتن در قبر پیش از چیدن خشت بر او، پس می‌گوید تلقین کننده: یا فُلانَ بنَ فُلانٍ و بجای این[2] اسم می‌برد آن میّت و پدر او را:

---

۱. شخصی که برای دفن میت داخل قبر می‌شود.

۲. فلان بن فلان.

«اُذْكُرِ الْعَهْدَ الَّذي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دارِ الدُّنْيا شَهادَةَ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ عَلِيّاً اَميرَالْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ و ذکر کند ائمه را یک یک تا آخر اَئِمَّتَكَ اَئِمَّةَ الْهُدَى الْاَبْرارُ.»

پس وقتی که فارغ شد از چیدن خشت بریزد خاک بر او، و مستحبّ است که خاک بریزند کسانی که حاضر شده‌اند با پشت دستهای خودشان و بگویند در آن حال:

«اِنّا لِلّٰهِ وَ اِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ هٰذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنا ايماناً وَ تَسْليماً.»

پس چون اراده کند بیرون آمدن از قبر را بیرون بیاید از طرف پاهای میّت، پس پُر کند قبر را و بلند کند از زمین به قدر چهار انگشت، و نریزد در قبر غیر از خاک قبر و گذارده شود نزد سر او خشتی یا لوحی، پس بریزد آب بر قبر و ابتدا کند به ریختن آب از جانب سر، پس دور داده شود آب ریختن بر چهار طرف قبر تا برگردد نزد سر آنجائی که اوّل شروع کرده است به آب ریختن، پس اگر از آن آب چیزی زیاد بیاید بریزد بر وسط قبر، پس وقتی که پوشانید قبر را بگذارد دست خود را بر قبر هر کسی که می‌خواهد و بگشاید انگشتان خود را و فرو ببرد در خاک قبر و دعا کند برای میّت پس بگوید:

دعای برای میّت

«اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ آسْكِنْ رَوْعَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَ آسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْني بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ يَتَوَلاّهُ.»

تلقین میّت

پس وقتی که برگشتند مردم از نزد قبر تأخیر بیندازد برگشتن خود را کسی که سزاوارتر است به آن میّت و مهربانی کند به او و بگوید به صدای بلند ـ اگر مقام تقیّه

نباشد ـ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ (اسم میت و پدر او را ببرد) «اَللّٰهُ رَبُّكَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ الْقُرْآنُ كِتابُكَ وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتُكَ وَ عَلِيٌّ إِمامُكَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ و نام ببرد ائمه عليهم‌السلام را یک یک اَئِمَّتُكَ اَئِمَّةُ الْهُدَى الْأَبْرارُ.»[۱]

مؤلّف گوید: غیر از وقت احتضار از برای میّت دو جا تلقین مستحبّ است: یکی وقتی که او را در قبر گذارند، و بهتر آن است که به دست راست دوش راست او را و به دست چپ دوش چپ او را بگیرند و او را حرکت دهند و تلقین کنند، و دیگر وقتی که او را دفن کردند سنّت است که ولیّ میّت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سر میّت بنشیند و به صدای بلند او را تلقین کند، و خوب است که دو کف دست را روی قبر گذارد و دهان را نزدیک قبر بَرَد، و اگر دیگری را نائب کند نیز خوب است. و در اخبار وارد شده است: چون این تلقین را بکنند، منکر به نکیر می‌گوید بیا برویم تلقین حجّتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست، پس برمی‌گردند و سؤال نمی‌کنند.[۲]

علّامهٔ مجلسی عَلَيْهِ‌الرَّحْمَةُ فرمود: و تلقین کننده به این نحو بگوید جامعتر است:

«اِسْمَعْ اِفْهَمْ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ (یعنی بشنو و بفهم ای فلان پسر فلان) و نام او و پدرش را بگوید: هَلْ اَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذي فارَقْتَنا عَلَيْهِ مِنْ شَهادَةِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيّينَ وَ خاتَمُ الْمُرْسَلينَ وَ اَنَّ عَلِيّاً اَميرُ الْمُؤْمِنينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ وَ اِمامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ طاعَتَهُ عَلَى الْعالَمينَ وَ اَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنينَ وَ حُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعينَ وَ اَئِمَّتَكَ اَئِمَّةُ هُدًى اَبْرارٌ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اِذا اَتاكَ الْمَلَكانِ الْمُقَرَّبانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِاللّٰهِ تَبارَكَ وَ تَعالى وَ سَئَلاكَ

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۱۹ ـ ۲۱.

۲. دعوات راوندی به نقل از بحار، ج ۸۲، ص ۵۴.

عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ اَئِمَّتِكَ فَلا تَخَفْ وَ قُلْ فِي جَوابِهِما اَللّٰهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي وَ الْاِسْلامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتابِي وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ اَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِيطالِبٍ اِمامِي وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبىٰ اِمامِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلاۤءَ اِمامِي وَ عَلِيٌّ زَيْنُ الْعابِدِينَ اِمامِي وَ مُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ اِمامِي وَ جَعْفَرٌ الصّادِقُ اِمامِي وَ مُوسَى الْكاظِمُ اِمامِي وَ عَلِيٌّ الرِّضا اِمامِي وَ مُحَمَّدٌ الْجَوادُ اِمامِي وَ عَلِيٌّ الْهادِي اِمامِي وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ اِمامِي وَ الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمامِي هٰؤُلاۤءِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَئِمَّتِي وَ سادَتِي وَ قادَتِي وَ شُفَعاۤئِي بِهِمْ اَتَوَلّٰى وَ مِنْ اَعْداۤئِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيا وَ الْاٰخِرَةِ ثُمَّ اعْلَمْ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اَنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ نِعْمَ الرَّبُّ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَ اَنَّ اَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ اَبِيطالِبٍ وَ اَوْلادَهُ الْاَئِمَّةَ الْاَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْاَئِمَّةُ وَ اَنَّ ما جاۤءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ﷺ حَقٌّ وَ اَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النُّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّراطَ حَقٌّ وَ الْمِيزانَ حَقٌّ وَ تَطايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ اَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» پس بگوید: «اَفَهِمْتَ يا فُلانُ» در حدیث است که میّت در جواب می‌گوید: بلی فهمیدم، پس بگوید: «ثَبَّتَكَ اللّٰهُ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ هَداكَ اللّٰهُ اِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَّفَ اللّٰهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اَوْلِياۤئِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ» پس بگوید: اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَ اصْعَدْ بِرُوحِهِ اِلَيْكَ وَ لَقِّهِ مِنْكَ بُرْهانًا اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ.»[۱]

---

۱. دعوات راوندی به نقل از بحار، ج ۸۲، ص ۵۳ ـ ۵۴.

ختم کتاب

به کلمهٔ شریفهٔ عفو ختم کردم این رساله را، رجاء واثق که عفو الهی شامل گردد حال این روسیاه و کسانی که به این رساله عمل می‌نمایند؛ وَ کانَ ذٰلِکَ فی آخِرِ یَوْمِ الْجُمُعَةِ التّاسِعَ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمِ الْحَرامِ سنة ۱۳۴۵ اَلْفٌ وَ ثَلٰثمِائَةٌ وَ خَمْسٌ اَرْبَعِینَ. فی جَوارِ إمامِنَا الْمَسْمُومِ مَوْلانَا الْغَرِیبِ الْمَظْلُومِ اَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا، عَلَیْهِ وَ عَلیٰ آبائِهِ السَّلامُ مِنَ الْحَیِّ الْقَیُّومِ.

وَالْحَمْدُلِلّٰهِ اَوَّلاً وَ آخِرًا وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.[1]

كَتَبَهُ بِیُمْناهُ الْوازِرَةِ عَبّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرِّضَا الْقُمّی عُفِیَ عَنْهُما

---

۱. پایان این کتاب آخر روز جمعه نوزدهم ماه محرّم الحرام ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج در جوار امام مسموم ما مولای غریب و مظلوم ما ابی الحسن علی بن موسی الرّضا علی وعلی آبائه السّلام [به توفیق] از خداوند حیّ و قیّوم، سپاس از خداست در آغاز و انجام و رحمت خدا بر محمد و آلش.

ملحقات باقیات صالحات

۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ذکر چند دعای موجز و عوذه‌های مختصره که نقل شده از کتاب بحار و ملحق شده به کتاب باقیات صالحات:

دعای موجز در حمد و استغفار

[۱] از حضرت امیرالمؤمنین﷣ منقول است که مردی را دید که می‌خواند از روی دفتری دعای طولانی، حضرت فرمود: ای مرد! آن خدائی که می‌شنود کثیر را جواب می‌دهد از قلیل، آن شخص عرض کرد ای مولای من! می‌فرمائی چه کنم؟ فرمود بگو:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ اَسْئَلُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ.»[۱]

دعای دفع هول و غمّ

[۲] دعائی است که حضرت صادق﷣ تعلیم فرمود آن را به بعضی از اصحاب خود که برای دفع هول و غم بخواند:

---

۱. عتیق غروی به نقل از بحار، ج ۹۴، ص ۲۴۲، ح ۱۰.

«اَعْدَدْتُ لِكُلِّ عَظيمَةٍ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِـاللّٰهِ مُحَمَّدٌ النُّورُ الْاَوَّلُ وَ عَلِيٌّ النُّورُ الثّاني وَ الْاَئِمَّةُ الْاَبْرارُ عُدَّةٌ لِلِقاءِ اللّٰهِ وَ حِجابٌ مِنْ اَعْدآءِ اللّٰهِ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَسْئَلُ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ الْكِفايَةَ»[۱]

دعا برای رفع بیماریها و ناخوشیها

۳ دعائی است برای رفع بیماریها وناخوشیها، سیّد بن طاووس فرموده ما تجربه کردیم آن را، می‌نویسی در رُقعه‌ای:

«یا مَنِ اسْمُهُ دَوآءٌ وَ ذِکْرُهُ شِفآءٌ یا مَنْ یَجْعَلُ الشِّفآءَ فیما یَشآءُ مِنَ الْاَشْیآءِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ شِفآئي مِنْ هٰذَا الدّآءِ فِي اسْمِكَ هٰذا.»

پس می‌نویسی ده مرتبه «یـا اَللّٰـهُ» ده مـرتبه «یـا رَبِّ» ده مـرتبه «یـا اَرْحَـمَ الرّاحِمینَ.»[۲]

دعای آبله ریزه

۴ برای بَثر ـ یعنی: آبلهٔ ریزی که بر اندام برآید ـ از حضرت صادق ؑ روایت شده که چون احساس کردی به آن بگذار انگشت سَبّابه را بر آن و بگردان دَور آن و بگو هفت مرتبه: «لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْحَليمُ الْكَريمُ» و دفعهٔ هفتم بچسبان انگشت سبّابه را بر روی آن و فشار بده آن را.[۳]

دعای خنازیر

۵ روایت شده که برای خنازیر[۴] مکرّر بگوئید: «یا رَؤُوفُ یا رَحیمُ یا رَبِّ یا سَیِّدي.»[۵]

---

۱. بحار، ج ۹۴، ص ۲۱۲. ۲. أمانُ الاخطار به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۶۷، ح ۴۸.

۳. طبّ الائمّة، ص ۲۸.

۴. غدّهٔ سخن که در گردن و زیر گلو پیدا می‌شود، و گاهی تبدیل به زخم و جراحت می‌گردد.

۵. دعوات راوندی، ص ۱۹۷؛ مکارم الاخلاق ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۵۹۶.

دعای درد کمر

۶ از برای درد کمر روایت شده که دست بگذارد بر موضعی که درد می‌کند و سه دفعه بخواند:

«وَما کانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلاّ بِاِذْنِ اللّٰهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَنَجْزِی الشّاکِرِینَ.»

پس هفت مرتبه اِنّا اَنْزَلْناهُ بخواند اِنْشاءَاللّٰهُ عافیت یابد.[1]

دعای درد ناف

۷ برای دردِ ناف روایت شده که دست بگذارد بر موضع درد و بگوید سه مرتبه:

«وَ اِنَّهُ لَکِتابٌ عَزِیزٌ لا یَأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ» عافیت یابد اِنْشاءَاللّٰهُ.[2]

تعویذ هر درد

۸ تعویذی است برای هر درد روایت شده از حضرت رضا(ع):

«اُعِیذُ نَفْسی بِرَبِّ الْاَرْضِ وَ رَبِّ السَّماءِ اُعِیذُ نَفْسی بِالَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دآءٌ اُعِیذُ نَفْسی بِاللّٰهِ الَّذِی اسْمُهُ بَرَکَةٌ وَ شِفآءٌ.»[3]

۹ برای درد خاصره ـ یعنی: تهیگاه ـ: روایت شده که چون فارغ شدی از نماز بگذار دست خود را بر موضع سجود خود، پس بکش بر روی خاصره و بخوان آخر سورهٔ قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ را اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً تا آخر سورهٔ مبارکه.[4]

۱۰ برای درد شکم و قولنج و نحو آن می‌خوانی: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَ ذَا النُّونِ اِذْ

---

۱. طبّ الائمه، ص ۳۰.

۲. مصباح کفعمی، ص ۱۵۵، ف ۱۸.

۳. طبّ الائمه، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۲۹.

ذَهَبَ مُغٰاضِبًا تا آخر آیه. پس می‌خوانی سورهٔ حمد را هفت مرتبه و این مجرّب است.[۱]

۱۱ **دعای شخص مهموم و آن کسی که بلیّه به او رسیده و چاره‌اش قطع گشته:** در شب جمعه چون از نماز عشاء فارغ شود بگوید: «**لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ سُبْحٰانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمينَ.**»[۲]

۱۲ **دعای حضرت موسی‌بن جعفر علیه‌السلام به جهت خلاصی از زندان:**

«**يٰا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلٍ وَ طينٍ وَ مٰاءٍ وَ يٰا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ وَ يٰا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشيمَةٍ وَ رَحِمٍ وَ يٰا مُخَلِّصَ النّٰارِ مِنْ بَيْنِ الْحَديدِ وَ الْحَجَرِ وَ يٰا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْاَحْشٰاءِ وَ الْاَمْعٰاءِ خَلِّصْني مِنْ يَدَيْ هٰرُونَ**» (به جای هرون اسم آن ظالم را ببرد که او را در زندان کرده) روایت شده که چون حضرت در حبس هٰرون این دعا را خواند بعد از آنکه شب درآمد و وضو تازه کرد و چهار رکعت نماز گذاشت، هٰرون خواب هولناکی دید بترسید، امر کرد تا آن حضرت را از زندان رها کردند.[۳]

۱۳ **دعاء فَرَج:** «**اَللّٰهُمَّ اِنْ كٰانَتْ ذُنُوبي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ فَاِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وَ عَلِيٍّ وَ فٰاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَالْاَئِمَّةِ علیهم‌السلام**».[۴]

و بدان که ادعیهٔ فَرَج بسیار است و از ادعیهٔ فَرَج است دُعای اِلٰهي طُمُوحُ الْاٰمٰالِ قَدْ خٰابَتْ اِلاّٰ لَدَيْكَ الخ و این دعا در مفاتیح در اعمال شب جمعه ذکر شد.

---

۱. بحار، ج ۹۵، ص ۱۰۸.
۲. طب الائمّه، ص ۳۹ به نقل از بحار، ج ۹۳، ص ۱۹۱.
۳. عیون اخبار الرّضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۹۳؛ امالی صدوق، ص ۳۶۰، م ۶۰، ح ۳.
۴. تفسیر قمی، ص ۳۲۲ به نقل از بحار، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

دعا در نماز وتر

۱۴ دعای شریفی که در نمازِ وتر خوانده می‌شود، علامهٔ مجلسی در بحار آن را از کتابِ «اختیار» نقل نموده، فرموده می‌کشی دست خود را به جانب آسمان و می‌گوئی:

«اِلٰهي كَيْفَ اَصْدُرُ عَنْ بٰابِكَ بِخَيْبَةٍ مِنْكَ وَ قَدْ قَصَدْتُهُ عَلىٰ ثِقَةٍ بِكَ اِلٰهي كَيْفَ تُؤْيِسُني مِنْ عَطٰائِكَ وَ قَدْ اَمَرْتَني بِدُعٰائِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْني اِذَا اشْتَدَّ الْاَنينُ وَ حُظِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ وَ انْقَطَعَ مِنِّي الْاَمَلُ وَ اَفْضَيْتُ اِلَى الْمَنُونِ وَ بَكَتْ عَلَيَّ الْعُيُونُ وَ وَدَّعَنِي الْاَهْلُ وَ الْاَحْبٰابُ وَ حُثِيَ عَلَيَّ التُّرٰابُ وَ نُسِيَ اِسْمي وَ بَلِيَ جِسْمي وَ انْطَمَسَ ذِكْري وَ هُجِرَ قَبْري فَلَمْ يَزُرْني زٰائِرٌ وَ لَمْ يَذْكُرْني ذٰاكِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنِّي الْمَآثِمُ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْمَظٰالِمُ وَ طٰالَتْ شِكٰايَةُ الْخُصُومِ وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْضِ خُصُومي عَنّي بِفَضْلِكَ وَ اِحْسٰانِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ رِضْوٰانِكَ اِلٰهي ذَهَبَتْ اَيّٰامُ لَذّٰاتي وَ بَقِيَتْ مَآثِمي وَ تَبِعٰاتي وَ قَدْ اَتَيْتُكَ مُنيبًا تٰائِبًا فَلٰا تَرُدَّني مَحْرُومًا وَ لٰا خٰائِبًا اَللّٰهُمَّ آمِنْ رَوْعَتي وَ اغْفِرْ زَلَّتي وَ تُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّٰابُ الرَّحيمُ.»[1]

دعای حزین

۱۵ دعاء حزین: دعائی است شریف بعد از نماز شب خوانده می‌شود، و آن دعا مطابق آنچه در «مصباح متهجّد» است این است:

«اُنٰاجيكَ يٰا مَوْجُودًا في كُلِّ مَكٰانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدٰائي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمي وَ قَلَّ حَيٰائي مَوْلٰايَ يٰا مَوْلٰايَ اَيَّ الْاَهْوٰالِ اَتَذَكَّرُ وَ اَيَّهٰا اَنْسىٰ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ اِلَّا الْمَوْتُ لَكَفىٰ كَيْفَ وَ مٰا بَعْدَ الْمَوْتِ اَعْظَمُ وَ اَدْهىٰ مَوْلٰايَ يٰا مَوْلٰايَ حَتّٰى مَتىٰ وَ اِلىٰ مَتىٰ

۱. اختیار به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۲۸۶، ح ۷۸.

اَقُولُ لَکَ الْعُتْبیٰ مَرَّةً بَعْدَ اُخْریٰ ثُمَّ لا تَجِدُ عِنْدي صِدْقًا وَ لا وَفاءً فَیاغَوْثاهُ ثُمَّ واغَوْثاهُ بِکَ یا اَللّٰهُ مِنْ هَوًی قَدْ غَلَبَني وَ مِنْ عَدُوٍّ قَدِاسْتَکْلَبَ عَلَيَّ وَ مِنْ دُنْیا قَدْ تَزَیَّنَتْ لي وَ مِنْ نَفْسٍ اَمّارَةٍ بِالسُّوءِ اِلاّ ما رَحِمَ رَبّي مَوْلايَ یا مَوْلايَ اِنْ کُنْتَ رَحِمْتَ مِثْلي فَارْحَمْني وَ اِنْ کُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلي فَاقْبَلْني یا قابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْني یا مَنْ لَمْ اَزَلْ اَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنیٰ یا مَنْ یُغَذّیني بِالنِّعَمِ صَباحًا وَ مَساءً اِرْحَمْني یَوْمَ اٰتیکَ فَرْدًا شاخِصًا اِلَیْکَ بَصَري مُقَلَّدًا عَمَلي قَدْ تَبَرَّءَ جَمیعُ الْخَلْقِ مِنّي نَعَمْ وَ اَبي وَ اُمّي وَ مَنْ کانَ لَهُ کَدّي وَ سَعْیي فَاِنْ لَمْ تَرْحَمْني فَمَنْ یَرْحَمُني وَ مَنْ یُؤْنِسُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتي وَ مَنْ یُنْطِقُ لِساني اِذا خَلَوْتُ بِعَمَلي وَ سَاَلْتَني عَمّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّي فَاِنْ قُلْتُ نَعَمْ فَاَیْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِکَ وَ اِنْ قُلْتُ لَمْ اَفْعَلْ قُلْتَ اَلَمْ اَکُنِ الشّاهِدَ عَلَیْکَ فَعَفْوَکَ عَفْوَکَ یا مَوْلايَ قَبْلَ سَرابیلِ الْقَطِرانِ عَفْوَکَ عَفْوَکَ یا مَوْلايَ قَبْلَ جَهَنَّمَ وَالنّیرانِ عَفْوَکَ عَفْوَکَ یا مَوْلايَ قَبْلَ اَنْ تُغَلَّ الْاَیْدي اِلَی الْاَعْناقِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ خَیْرَ الْغافِرینَ.»[۱]

ذکر شریفی که امام هفتم علیه السلام به عبدالله بن جُندب آموخت

[۱۶] روایت شده از ثقهٔ جلیل عالم و عابد «عبدالله بن جندب»، که از بزرگان اصحاب حضرت امام موسیٰ و امام رضا علیهما السلام و وکیل ایشان می‌باشد ـ آن که وقتی عریضه خدمت حضرت ابوالحسن یعنی امام موسی علیه السلام نوشت و در آن عرض کرد: فدایت شوم من پیر شدم و ضعف و عجز پیدا کردم از بسیاری از آنچه قوّت داشتم بر آن، و دوست دارم فدایت شوم که تعلیم فرمائی مرا کلامی که مرا به خداوند تعالی نزدیک و فهم و علم مرا زیاد کند. حضرت در جواب او را امر فرموده بود که بسیار بخواند این ذکر شریف را: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظیمِ.»[۲]

۱. مصباح المتهجّد، ص ۱۴۴ ـ ۱۴۵.
۲. تحف العقول، ص ۲۲۱.

دعای حدیث قدسی

۱۷ در حدیث قدسی است: ای محمد ﷺ بگو به کسانی که می‌خواهند تقرّب بجویند به سوی من، بدانید از روی یقین که این کلام افضل است از هر چیزی که تقرّب می‌جویند به سبب آن به سوی من بعد از فرایض، و آن کلام این است که می‌گوئی:

«اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعًا وَ لاٰ لَهُ أَدْوَمُ كَرٰامَةً وَ لاٰ عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلاً وَ لاٰ بِهِ أَشَدُّ تَرَفُّقًا وَ لاٰ عَلَيْهِ أَشَدُّ حِيٰاطَةً وَ لاٰ عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ وَ إِنْ كٰانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِنْ ذٰلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يٰا كٰافِيَ الشَّهٰادَةِ بِأَنِّي أُشْهِدُكَ بِنِيَّةِ صِدْقٍ بِأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِي إِنْعٰامِكَ عَلَيَّ مَعَ قِلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهٰا يٰا فٰاعِلَ كُلِّ إِرٰادَةٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَوِّقْنِي أَمٰانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقِلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيٰادَةً مِنْ إِتْمٰامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ أَمْطِرْنِي خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لاٰ تُقٰايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي وَ امْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضٰاكَ وَاجْعَلْ مٰا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خٰالِصًا وَ لاٰ تَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَةٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ رِيٰاءٍ [وَ كِبْرٍ] يٰا كَرِيمُ.»[1]

فقیر گوید: این دعا از ادعیهٔ سرّ قدسیّه است و آن سی و یک دعا است که برای حوائج دنیا و آخرت است و مشایخ آن را با اسانید متّصله نقل کرده‌اند، و بعضی از ادعیهٔ آن در «مصباح متهجّد» و «مصباح کفعمی» ذکر شده و هر که طالب تمام آن است رجوع کند به کتاب «بلدالأمین» یا کتاب دعای بحار یا «جواهر السّنیّه»، و ما در اینجا یک دعای دیگر از آن نقل می‌کنیم.

دعای وقت بیرون رفتن برای حاجتی یا سفری

۱۸ و نیز از ادعیهٔ سرّ است که هر که اراده کرده که بیرون رَوَد از اهل خود پی حاجتی

---

۱. بلد الامین به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۲۲۱ ـ ۲۲۲.

یا سفری و دوست داشته باشد که او را برگردانم سالم یا بر آوردن حاجتش، پس بگوید وقتی که بیرون می‌شود از خانه‌اش:

«بِسْمِ اللّٰهِ مَخْرَجِي وَ بِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَ قَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ خُـرُوجِي وَ قَـدْ أَحْصىٰ عِلْمُهُ مٰا فِي مَخْرَجِي وَ مَرْجِعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى الْإِلٰهِ الْأَكْبَرِ تَوَكُّلَ مُفَوِّضٍ إِلَيْهِ أَمْرَهُ وَ مُسْتَعِينٍ بِهِ عَلىٰ شُئُونِهِ مُسْتَزِيدٍ مِنْ فَضْلِهِ مُبْرِءٍ نَفْسَهُ مِنْ كُلِّ حَوْلٍ وَ مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ إِلاّٰ بِهِ خُرُوجَ ضَرِيرٍ خَرَجَ بِضُرِّهِ إِلىٰ مَنْ يَكْشِفُهُ وَ خُرُوجَ فَقِيرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ إِلىٰ مَنْ يَسُدُّهُ وَ خُرُوجَ عٰائِلٍ خَرَجَ بِعِيلَتِهِ إِلىٰ مَنْ يُغْنِيهٰا وَ خُرُوجَ مَنْ رَبُّهُ أَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَ أَعْظَمُ رَجٰائِهِ وَ أَفْضَلُ أُمْنِيَّتِهِ اَللّٰهُ ثِقَتِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهٰا بِـهِ فِـيهٰا جَـمِيعًا أَسْتَعِينُ وَ لاٰ شَيْءَ إِلاّٰ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ فِي عِلْمِهِ أَسْئَلُ اللّٰهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ وَ الْمَدْخَلِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ.»[1]

نماز و دعای شب زفاف

[۱۹] **در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف:** از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است: چون عروس را به نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز، و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگزارد، پس حمد الهی کن و صلوات بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده‌اند آمین بگویند و این دعا را بخوان:

«اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي إِلْفَهٰا وَ وُدَّهٰا وَ رِضٰاهٰا وَ أَرْضِنِي بِـهٰا وَ اجْـمَعْ بَـيْنَنٰا بِـأَحْسَنِ اجْتِمٰاعٍ وَ أَنَسِ ائْتِلاٰفٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلاٰلَ وَ تَكْرَهُ الْحَرٰامَ.»[2]

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است: چون در شب زفاف به نزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر رو به قبله آور و بگو:

---

۱. همان به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۳۱۵.
۲. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱.

«اَللّٰهُمَّ بِاَمٰانَتِكَ اَخَذْتُهٰا وَ بِكَلِمٰاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهٰا فَاِنْ قَضَيْتَ لي مِنْهٰا وَلَداً فَاجْعَلْهُ مُبٰارَكاً تَقِيّاً مِنْ شيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰ تَجْعَلْ لِلشَّيْطٰانِ فيهِ شِرْكاً وَ لاٰ نَصيباً.»[۱]

دعایی که امام موسی‌ﷺ در محراب عبادت آن را می‌خواند

۲۰ **دعای رهبه است**: روایت شده که حضرت موسی بن جعفرﷺ چون شب در محراب عبادت می‌ایستاد آن را می‌خواند، و آن دعای پنجاهم صحیفه است، و این است:

«اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَني سَوِيّاً وَ رَبَّيْتَني صَغيراً وَ رَزَقْتَني مَكْفِيّاً اَللّٰهُمَّ اِنّي وَجَدْتُ فيمٰا اَنْزَلْتَ مِنْ كِتٰابِكَ وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبٰادَكَ اَنْ قُلْتَ يٰا عِبٰادِيَ الَّذينَ اَسْرَفُوا عَلىٰ اَنْفُسِهِمْ لاٰ تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنّي مٰا قَدْ عَلِمْتَ وَ مٰا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّي فَيٰا سَوْاَتٰاهُ مِمّٰا اَحْصٰاهُ عَلَيَّ كِتٰابُكَ فَلَوْلاٰ الْمَوٰاقِفُ الَّتي اُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَاَلْقَيْتُ بِيَدي وَ لَوْ اَنَّ اَحَداً اسْتَطٰاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ اَنَا اَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَ اَنْتَ لاٰ تَخْفىٰ عَلَيْكَ خٰافِيَةٌ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ اِلاّٰ اَتَيْتَ بِهٰا وَ كَفىٰ بِكَ جٰازِياً وَ كَفىٰ بِكَ حَسيباً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ طٰالِبي اِنْ اَنَا هَرَبْتُ وَ مُدْرِكي اِنْ اَنَا فَرَرْتُ فَهٰا اَنَاذٰا بَيْنَ يَدَيْكَ خٰاضِعٌ ذَليلٌ رٰاغِمٌ اِنْ تُعَذِّبْني فَاِنّي لِذٰلِكَ اَهْلٌ وَ هُوَ يٰا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ وَ اِنْ تَعْفُ عَنّي فَقَدِيماً شَمَلَني عَفْوُكَ وَ اَلْبَسْتَني عٰافِيَتَكَ فَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ اَسْمٰائِكَ وَ بِمٰا وٰارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهٰائِكَ اِلاّٰ رَحِمْتَ هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَ هٰذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ الَّتي لاٰ تَسْتَطيعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطيعُ حَرَّ نٰارِكَ وَ الَّتي لاٰ تَسْتَطيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطيعُ غَضَبَكَ فَارْحَمْنِي اَللّٰهُمَّ فَاِنّي امْرُءٌ حَقيرٌ وَ خَطَري يَسيرٌ وَ لَيْسَ

۱. همان، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

عَذابي مِمّا يَزيدُ في مُلْكِكَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ وَلَوْ أَنَّ عَذابي مِمّا يَزيدُ في مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذٰلِكَ لَكَ وَلٰكِنْ سُلْطانُكَ اَللّٰهُمَّ أَعْظَمُ وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزيدَ فيهِ طاعَةُ الْمُطيعينَ أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبينَ فَارْحَمْني يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَتَجاوَزْ عَنّي يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.»[1]

۱. صحیفهٔ سجادیه، ص ۳۷۸ ـ ۳۸۱، ترجمه و شرح مرحوم فیض‌الاسلام (ره).

ملحقات باقیات صالحات

۲

دعاء حضرت سجّاد علیه السلام

وَ كانَ مِنْ دُعائِهِ علیه السلام فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَ طَلَبِها: [در ذكر توبه و طلب آن]:

«اَللّٰهُمَّ يا مَنْ لا يَصِفُهُ نَعْتُ الْواصِفينَ وَ يا مَنْ لا يُجاوِزُهُ رَجاءُ الرّاجينَ وَ يا مَنْ لا يَضيعُ لَدَيْهِ اَجْرُ الْمُحْسِنينَ وَ يا مَنْ هُوَ مُنْتَهىٰ خَوْفِ الْعابِدينَ وَ يا مَنْ هُوَ غايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقينَ هٰذا مَقامُ مَنْ تَداوَلَتْهُ اَيْدِي الذُّنُوبِ وَ قادَتْهُ اَزِمَّةُ الْخَطايا وَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطانُ فَقَصَّرَ عَمّا اَمَرْتَ بِهِ تَفْريطًا وَ تَعاطىٰ ما نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْريرًا كَالْجاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ اَوْ كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ اِحْسانِكَ اِلَيْهِ حَتّىٰ اِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدىٰ وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحائِبُ الْعَمىٰ اَحْصىٰ ما ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَ فَكَّرَ فيما خالَفَ بِهِ رَبَّهُ فَرَاٰى كَبيرَ عِصْيانِهِ كَبيرًا وَ جَليلَ مُخالَفَتِهِ جَليلًا فَاَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمِّلًا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ وَ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ اِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ فَاَمَّكَ بِطَمَعِهِ يَقينًا وَ قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ اِخْلاصًا قَدْ خَلا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فيهِ غَيْرِكَ وَ اَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِواكَ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ اِلَى الْاَرْضِ مُتَخَشِّعًا وَ طَاْطَاَ رَاْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا وَ اَبَثَّكَ مِنْ سِرِّهِ ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَ عَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ ما اَنْتَ اَحْصىٰ لَها خُشُوعًا وَ اسْتَغاثَ بِكَ مِنْ عَظيمِ ما وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَ قَبيحِ ما

فَضَحَهُ في حُكْمِكَ مِنْ ذُنوبٍ اَدبَرَتْ لَذّاتُها فَذَهَبَتْ وَ اَقامَتْ تَبِعاتُها فَلَزِمَتْ لا يُنْكِرُ يا اِلٰهي عَدْلَكَ اِنْ عاقَبْتَهُ وَ لا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ اِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ لِاَنَّكَ الرَّبُّ الْكَريمُ الَّذي لا يَتَعاظَمُهُ غُفْرانُ الذَّنْبِ الْعَظيمِ اَللّٰهُمَّ فَها اَنَاذا قَدْ جِئْتُكَ مُطيعًا لِاَمْرِكَ فيما اَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعاءِ مُتَنَجِّزاً وَعْدَكَ فيما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْاِجابَةِ اِذْ تَقُولُ ادْعُوني اَسْتَجِبْ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْقَني بِمَغْفِرَتِكَ كَما لَقيتُكَ بِاِقْراري وَ ارْفَعْني عَنْ مَصارِعِ الذُّنوبِ كَما وَضَعْتُ لَكَ نَفْسي وَ اسْتُرْني بِسِتْرِكَ كَما تَاَنَّيْتَني عَنِ الْاِنْتِقامِ مِنّي اَللّٰهُمَّ وَ ثَبِّتْ في طاعَتِكَ نِيَّتي وَ اَحْكِمْ في عِبادَتِكَ بَصيرَتي وَ وَفِّقْني مِنَ الْاَعْمالِ لِما تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطايا عَنّي وَ تَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ اِذا تَوَفَّيْتَني اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتُوبُ اِلَيْكَ في مَقامي هٰذا مِنْ كَبائِرِ ذُنوبي وَ صَغائِرِها وَ بَواطِنِ سَيِّئاتي وَ ظَواهِرِها وَ سَوالِفِ زَلّاتي وَ حَوادِثِها تَوْبَةَ مَنْ لا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ وَ لا يُضْمِرُ اَنْ يَعُودَ في خَطيئَةٍ وَ قَدْ قُلْتَ يا اِلٰهي في مُحْكَمِ كِتابِكَ اِنَّكَ: تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِكَ وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئاتِ وَ تُحِبُّ التَّوّابينَ فَاقْبَلْ تَوْبَتي كَما وَعَدْتَ وَاعْفُ عَنْ سَيِّئاتي كَما ضَمِنْتَ وَاَوْجِبْ لي مَحَبَّتَكَ كَما شَرَطْتَ وَ لَكَ يا رَبِّ شَرْطي اَلّا اَعُودَ في مَكْرُوهِكَ وَ ضَماني اَلّا اَرْجِعَ في مَذْمُومِكَ وَ عَهْدي اَنْ اَهْجُرَ جَميعَ مَعاصيكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ بِما عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لي ما عَلِمْتَ وَاصْرِفْني بِقُدْرَتِكَ اِلىٰ ما اَحْبَبْتَ اَللّٰهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ وَ تَبِعاتٌ قَدْ نَسيتُهُنَّ وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتي لا تَنامُ وَ عِلْمِكَ الَّذي لا يَنْسىٰ فَعَوِّضْ مِنْها اَهْلَها وَ احْطُطْ عَنّي وِزْرَها وَ خَفِّفْ عَنّي ثِقْلَها وَ اعْصِمْني مِنْ اَنْ اُقارِفَ مِثْلَها اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّهُ لا وَفاءَ لي بِالتَّوْبَةِ اِلّا بِعِصْمَتِكَ وَ لا اسْتِمْساكَ بي عَنِ الْخَطايا اِلّا عَنْ قُوَّتِكَ فَقَوِّني بِقُوَّةٍ كافِيَةٍ وَ تَوَلَّني بِعِصْمَةٍ مانِعَةٍ اَللّٰهُمَّ اَيُّما عَبْدٍ تابَ اِلَيْكَ وَ هُوَ في عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ وَ عائِدٌ في ذَنْبِهِ وَ خَطيئَتِهِ فَاِنّي

اَعُوذُبِكَ اَنْ اَكُونَ كَذٰلِكَ فَاجْعَلْ تَوْبَتي هٰذِهِ تَوْبَةً لا اَحْتاجُ بَعْدَها اِلىٰ تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ ما سَلَفَ وَ السَّلامَةِ فيما بَقِيَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ مِنْ جَهْلي وَ اَسْتَوْهِبُكَ سُوءَ فِعْلي فَاضْمُمْني اِلىٰ كَنَفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً وَ اسْتُرْني بِسِتْرِ عافِيَتِكَ تَفَضُّلاً اَللّٰهُمَّ وَ اِنّي اَتُوبُ اِلَيْكَ مِنْ كُلِّ ما خالَفَ اِرادَتَكَ اَوْزالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَراتِ قَلْبي وَ لَحَظاتِ عَيْني وَ حِكاياتِ لِساني تَوْبَةً تَسْلَمُ بِها كُلُّ جارِحَةٍ عَلىٰ حِيالِها مِنْ تَبِعاتِكَ وَ تَأْمَنُ مِمّا يَخافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ اَليمِ سَطَواتِكَ اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ وَحْدَتي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ وَجيبَ قَلْبي مِنْ خَشْيَتِكَ وَ اضْطِرابَ اَرْكاني مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ اَقامَتْني يا رَبِّ ذُنُوبي مَقامَ الْخِزْيِ بِفِنائِكَ فَاِنْ سَكَتُّ لَمْ يَنْطِقْ عَنّي اَحَدٌ وَ اِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاَهْلِ الشَّفاعَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ شَفِّعْ في خَطايايَ كَرَمَكَ وَعُدْ عَلىٰ سَيِّئاتي بِعَفْوِكَ وَ لا تَجْزِني جَزائي مِنْ عُقُوبَتِكَ وَابْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ وَ جَلِّلْني بِسِتْرِكَ وَافْعَلْ بي فِعْلَ عَزيزٍ تَضَرَّعَ اِلَيْهِ عَبْدٌ ذَليلٌ فَرَحِمَهُ اَوْ غَنِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقيرٌ فَنَعَشَهُ اَللّٰهُمَّ لا خَفيرَ لي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْني عِزُّكَ وَ لا شَفيعَ لي اِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لي فَضْلُكَ وَ قَدْ اَوْجَلَتْني خَطايايَ فَلْيُؤْمِنّي عَفْوُكَ فَما كُلُّ ما نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنّي بِسُوءِ اَثَري وَ لا نِسْيانٍ لِما سَبَقَ مِنْ ذَميمِ فِعْلي لٰكِنْ لِتَسْمَعَ سَماؤُكَ وَ مَنْ فيها وَ اَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْها ما اَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ وَ لَجَاْتُ اِلَيْكَ فيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُني لِسُوءِ مَوْقِفي اَوْ تُدْرِكُهُ الرِّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حالي فَيَنالَني مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ اَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعائي اَوْ شَفاعَةٍ اَوْكَدُ عِنْدَكَ مِنْ شَفاعَتي تَكُونُ بِها نَجاتي مِنْ غَضَبِكَ وَ فَوْزَتي بِرِضاكَ اَللّٰهُمَّ اِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً اِلَيْكَ فَاَنَا اَنْدَمُ النّادِمينَ وَ اِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ اِنابَةً فَاَنَا اَوَّلُ الْمُنيبينَ وَ اِنْ يَكُنِ الْاِسْتِغْفارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَاِنّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ اَللّٰهُمَّ فَكَما اَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَ ضَمِنْتَ الْقَبُولَ وَ حَثَثْتَ عَلَى الدُّعاءِ وَ وَعَدْتَ الْاِجابَةَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَ لاٰ تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ وَ الرَّحِيمُ لِلْخاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمٰا هَدَيْتَنٰا بِهِ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمٰا اسْتَنْقَذْتَنٰا بِهِ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلٰوةً تَشْفَعُ لَنٰا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَ يَوْمَ الْفٰاقَةِ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.»[1]

قَدْ تَمَّتْ بِعَوْنِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْمَنّٰانِ[2]

---

۱. صحیفهٔ سجّادیّه، دعای ۳۱.

۲. حروفچینی این کتاب شریف بر اساس یکی از نسخه‌های نفیس و صحیح می‌باشد که در شوال ۱۲۵۹ (هـ. ق) به قلم مرحوم طاهر خوشنویس(ره) استنساخ شده است.

۲

دستور العمل

اعمال روزهای سال، تاریخ ولادت
و وفات چهارده معصوم ﷺ
و شرح مختصری از زندگیِ آن بزرگواران

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ.

وبعد: چنين گويد اين فقير مُسيىء عبّاس بن محمّد رضا القمی ـ عَفَى اللّٰهُ عَنْهُما وَخَتَمَ لَهُما بِالسَّعادَةِ وَالْحُسْنىٰ ـ كه اين دستور العملی است برای طالبان عبادت و سالكان سبيل سعادت، ذكر كردم در آن به نحو فهرست و اجمال، بيشتر آنچه بما رسيده در ايّام سنه (سال) از اعمال، از مآخذ معتبره مانند: كتب مصباح و اقبال، و هم نگاشتم در آن تواريخ مواليد وَوَفيات حُجَجِ طاهرهٔ سادات دنيا و آخرت ـ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ را در ايّامی كه مختار داعی بود، و يا آنكه بواسطهٔ روايتی مشهور در آن روز بود، و هم ذكر كردم در آن ايّام و وقايع متعلّقهٔ به ايشان ـ سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ ـ به نحو اجمال، و در نقل اعمال هرگاه مأخذ ذكر نكردم، پس بدان كه آن در «زادالمعاد» و امثال آن موجود است و دست همه كس به آن می‌رسد، و اگر در آنجا نباشد اشاره می‌كنم به مأخذ، هرگاه در ذكر مأخذ، سيد گفتم، پس بدان كه مراد سيّد اجلّ سيّد رضی الدّين علیّ بن طاووس است و در اقبال ذكر نموده، و هرگاه شيخ گفتم، مراد شيخ‌الطّايفه شيخ طوسی است و در مصباح متهجّد ذكر فرموده، و از برادران دينی كه به اين دستورالعمل عمل می‌نمايند، خواهش می‌كنم كه اين مُذنب روسياه را در ثواب عمل خود شريک كنند و از دعای خير فراموشم نفرمايند؛ و اين رساله مشتمل است بر يک مقدّمه و دوازده باب و يک خاتمه، وَما تَوْفِيقِي إِلاّ بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.

مقدّمه

در بیان اعمالی که در هر ماه باید بجا آورد و آنها چند امر است:

۱ در وقت دیدن هلال خواندن دعای هلال است و اقلّش آن است که سه مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ، و سه مرتبه لااِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ بگوید، پس بگوید: اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي اَذْهَبَ شَهْرَ کَذٰا وَجٰاءَ بِشَهْرِ کَذٰا، و بهترین دعاها دعای چهل و سوم صحیفهٔ کامله [سجّادیّه] است.[1]

۲ در وقت دیدن هلال هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند که امان از درد چشم است.[2]

۳ در اوّل هر ماه نو، اندکی پنیر بخورد.

۴ در شب اوّل هر ماه دو رکعت نماز کند و در هر رکعت حمد و سورهٔ انعام بخواند، و از حقتعالی سوال (درخواست) کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند.

۵ در روز اوّل هر ماه دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه توحید، و در دوّم سی مرتبه اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ بخواند، و بعد از نماز تصدّق کند به آنچه ممکن شود، تا سلامتیِ آن ماه را برای خود بخرد.

۶ روزه بدارد سه روز از هر ماه را ـ که پنجشنبهٔ اوّل و آخر و چهارشنبه وسط ماه است ـ که مقابلِ روزه دَهر و از سُنَن وَکیدهٔ نبویّه است، و وَسوسهٔ سینه را می‌برد.

۷ روزه بگیرد ایّام البیض[3] هر ماه را، که فضیلت دارد.

---

۱. اقبال، ص ۶۲۸.
۲. همان.
۳. روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه را گویند.

۱

باب اوّل

در ماه رجب است و در آن دو فصل است

فصل اوّل

بدان که: رجب ماه بزرگ خدا است و از ماههای حرام است که در جاهلیّت محترم بوده، و در اسلام نیز تعظیم و احترام او وارد شده، و از برای روزهٔ آن ـ خصوص روز اوّل و وسط و آخر آن ـ فضیلت بسیار وارد شده و اعمال مشترکهٔ آن که متعلّق به همهٔ ماه است و خصوصیّتی به روز معیّن ندارد، چند امر است:

١ در تمام ایّام ماه خصوص روز اوّل بخواند:

یٰا مَنْ یَمْلِکُ حَوٰآئِجَ اَلسّٰآئِلینَ، [وَ یَعْلَمُ ضَمیرَ الصّٰامِتینَ، لِکُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْکَ سَمْعٌ حٰاضِرٌ، وَ جَوٰابٌ عَتیدٌ، اَللّٰهُمَّ وَ مَوٰاعیدُکَ الصّٰادِقَةُ وَ اَیٰادیکَ الْفٰاضِلَةُ وَ رَحْمَتُکَ الْوٰاسِعَةُ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَقْضِیَ حَوٰآئِجی لِلدُّنْیٰا وَ الْاٰخِرَةِ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.][1]

٢ بخواند در هر روز دعای:

خٰابَ الْوٰافِدُونَ [عَلیٰ غَیْرِکَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلاّٰ لَکَ، وَ ضٰاعَ الْمُلِمُّونَ اِلاّٰ بِکَ، وَ اَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ اِلاّٰ مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ، بٰابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرّٰاغِبینَ، وَ خَیْرُکَ

---

١. مصباح المتهجّد، ص ٧٣٧.

مَبْذُولٌ لِلطّالِبِينَ، وَ فَضْلُكَ مُباحٌ لِلسّائِلِينَ، وَ نَيْلُكَ مُتاحٌ لِلْآمِلِينَ، وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواكَ، عادَتُكَ الْإِحْسانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَ سَبِيلُكَ الْإِبْقاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، اَللّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ، وَ ارْزُقْنِي اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدِينَ، وَ لا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ، وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ.][۱]

[۳] دعای: اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ صَبْرَ الشّاكِرِينَ [لَكَ، وَ عَمَلَ الْخائِفِينَ مِنْكَ، وَ يَقِينَ الْعابِدِينَ لَكَ، اَللّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبائِسُ الْفَقِيرُ، أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ، وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْنُنْ بِغِناكَ عَلى فَقْرِي، وَ بِحِلْمِكَ عَلى جَهْلِي، وَ بِقُوَّتِكَ عَلى ضَعْفِي، يا قَوِيُّ يا عَزِيزُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَ اكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.][۲]

[۴] دعاء مسجد صعصعه: اَللّهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السّابِغَةِ [وَ الْآلاءِ الْوازِعَةِ، وَ الرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، وَ الْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ، وَ النِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَ الْمَواهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَ الْأَيادِي الْجَمِيلَةِ، وَ الْعَطايَا الْجَزِيلَةِ، يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَ لا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَ لا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَ أَلْهَمَ فَأَنْطَقَ، وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلا فَارْتَفَعَ، وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَأَتْقَنَ، وَ احْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَ أَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَ أَعْطى فَأَجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَأَفْضَلَ، يا مَنْ سَما فِي الْعِزِّ فَفاتَ نَواظِرَ (خَواطِرَ)[ع] الْأَبْصارِ، وَ دَنا فِي اللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْكارِ، يا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ، وَ تَفَرَّدَ بِالْآلاءِ وَ الْكِبْرِياءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ، يا مَنْ حارَتْ فِي كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ

۱. اقبال، ص ۶۳۴.
۲. مصباح المتهجد، ص ۷۳۸.

دَقٰايِقُ لَطٰايِفِ الْاَوْهٰامِ، وَ انْحَسَرَتْ دُونَ اِدْرٰاكِ عَظَمَتِهِ خَطٰايِفُ اَبْصٰارِ الْاَنٰامِ، يٰا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَ خَضَعَتِ الرِّقٰابُ لِعَظَمَتِهِ، وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خيفَتِهِ، اَسْئَلُكَ بِهٰذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتي لاٰ تَنْبَغي اِلاّٰ لَكَ، وَ بِمٰا وَاَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِداٰعيكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَ بِمٰا ضَمِنْتَ الْاِجٰابَةَ فيهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِلدّٰاعينَ، يٰا اَسْمَعَ السّٰامِعينَ، وَ اَبْصَرَ النّٰاظِرينَ، وَ اَسْرَعَ الْحٰاسِبينَ، يٰا ذَاالْقُوَّةِ الْمَتينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيّينَ وَ عَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اقْسِمْ لي في شَهْرِنٰا هٰذٰا خَيْرَ مٰا قَسَمْتَ، وَ احْتِمْ لي في قَضٰايٰاكَ خَيْرَ مٰا حَتَمْتَ، وَ اخْتِمْ لي بِالسَّعٰادَةِ فيمَنْ خَتَمْتَ، وَ اَحْيِني مٰا اَحْيَيْتَني مَوْفُوراً، وَ اَمِتْني مَسْرُوراً وَ مَغْفُوراً، وَ تَوَلَّ اَنْتَ نَجٰاتي مِنْ مُسٰائَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنّي مُنْكَراً وَ نَكيراً، وَ اَرِ عَيْني مُبَشِّراً وَ بَشيراً، وَ اجْعَلْ لي اِلىٰ رِضْوٰانِكَ وَ جِنٰانِكَ [جَنّٰاتِكَ]ٕ مَصيراً، وَ عَيْشاً قَريراً وَ مُلْكاً كَبيراً وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثيراً.]¹

۵ دعاء ناحية مقدسه: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَعٰاني جَميعِ مٰا يَدْعُوكَ [بِهِ وُلاٰةُ اَمْرِكَ، اَلْمَاْمُونُونَ عَلىٰ سِرِّكَ، اَلْمُسْتَبْشِرُونَ بِاَمْرِكَ، اَلْوٰاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ اَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، اَسْئَلُكَ بِمٰا نَطَقَ فيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعٰادِنَ لِكَلِمٰاتِكَ، وَ اَرْكٰاناً لِتَوْحيدِكَ وَ آيٰاتِكَ، وَ مَقٰامٰاتِكَ الَّتي لاٰ تَعْطيلَ لَهٰا في كُلِّ مَكٰانٍ يَعْرِفُكَ بِهٰا مَنْ عَرَفَكَ، لاٰ فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهٰا اِلاّٰ اَنَّهُمْ عِبٰادُكَ وَ خَلْقُكَ، فَتْقُهٰا وَ رَتْقُهٰا بِيَدِكَ، بَدْؤُهٰا مِنْكَ، وَ عَوْدُهٰا اِلَيْكَ، اَعْضٰادٌ وَ اَشْهٰادٌ وَ مُنٰاةٌ وَ اَذْوٰادٌ وَ حَفَظَةٌ وَ رُوّٰادٌ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمٰائَكَ وَ اَرْضَكَ، حَتّىٰ ظَهَرَ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ، فَبِذٰلِكَ اَسْئَلُكَ وَ بِمَوٰاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بِمَقٰامٰاتِكَ وَ عَلاٰمٰاتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَنْ تَزيدَني ايمٰاناً

---

۱. همان، ص ۷۳۸.

وَ تَثْبِيتاً، يا باطِناً في ظُهُورِهِ، وَ ظاهِراً في بُطُونِهِ وَ مَكْنُونِهِ، يا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَ الدَّيْجُورِ، يا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ وَ مَعْرُوفاً بِغَيْرِ شِبْهٍ، حادَّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَ شاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَ مُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَ مُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَالْجُودِ، يا مَنْ لا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ، وَ لا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ، يا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يا دَيْمُومُ يا قَيُّومُ، وَ عالِمَ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَلىٰ عِبادِكَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَ بَشَرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الْبُهْمِ الصَّافِّينَ الْحافِّينَ، وَ بارِكْ لَنا في شَهْرِنا هٰذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكَرَّمِ، وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْنا فِيهِ النِّعَمَ، وَ أَجْزِلْ لَنا فِيهِ الْقِسَمَ، وَ أَبْرِرْ لَنا فِيهِ الْقَسَمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهارِ فَأَضاءَ، وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَ اغْفِرْ لَنا ما تَعْلَمُ مِنّا وَ ما لا نَعْلَمُ، وَ اعْصِمْنا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصَمِ، وَ اكْفِنا كَوافِيَ قَدَرِكَ، وَ امْنُنْ عَلَيْنا بِحُسْنِ نَظَرِكَ، وَ لا تَكِلْنا إِلىٰ غَيْرِكَ، وَ لا تَمْنَعْنا مِنْ خَيْرِكَ، وَ بارِكْ لَنا فيما كَتَبْتَهُ لَنا مِنْ أَعْمارِنا، وَ أَصْلِحْ لَنا خَبِيئَةَ أَسْرارِنا، وَ أَعْطِنا مِنْكَ الْأَمانَ، وَ اسْتَعْمِلْنا بِحُسْنِ الْإِيمانِ، وَ بَلِّغْنا شَهْرَ الصِّيامِ وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الْأَيّامِ وَ الْأَعْوامِ، يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.] [1]

۶ زيارت كن در هر مشهد كه هستى به اين زيارت: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ أَوْلِيائِهِ في رَجَبٍ، [وَ أَوْجَبَ عَلَيْنا مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَ عَلىٰ أَوْصِيائِهِ الْحُجُبِ، اَللّٰهُمَّ فَكَما أَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ، [مَشاهِدَهُمْ]؟ فَأَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَ أَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ في دارِ الْمُقامَةِ وَ الْخُلْدِ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ إِنّي [قَدْ]؟ قَصَدْتُكُمْ وَ اعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتي وَ

۱. همان، ص ۷۳۹.

حاجَتي، وَ هِيَ فَكاكُ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَ الْمَقَرُّ مَعَكُمْ في دارِ الْقَرارِ مَعَ شيعَتِكُمُ الْأَبْرارِ، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ، أَنَا سائِلُكُمْ وَ آمِلُكُمْ فيما إِلَيْكُمُ التَّفْويضُ، وَ عَلَيْكُمُ التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ، وَ يُشْفَى الْمَريضُ وَ ما تَزْدادُ الْأَرْحامُ وَ ما تَغيضُ، إِنّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ [مُؤْمِّمٌ]؟ وَ لِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ عَلَى اللّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ في رَجْعي بِحَوائِجي وَ قَضائِها وَ إِمْضائِها وَ إِنْجاحِها وَ إِبْراحِها [إِبْزاحِها] وَ بِشُؤُوني لَدَيْكُمْ وَ صَلاحِها، وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَ لَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْئَلُ اللّهَ إِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ، وَ أَنْ يَرْجِعَني مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلى جَنابٍ مُمْرِعٍ وَ خَفْضٍ [عَيْشٍ]؟ مُوَسَّعٍ، وَ دَعَةٍ وَ مَهَلٍ إِلى حينِ [خَيْرِ] الْأَجَلِ، وَ خَيْرِ مَصيرٍ وَ مَحَلٍّ فِي النَّعيمِ الْأَزَلِ، وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَ دَوامِ الْأُكُلِ، وَ شُرْبِ الرَّحيقِ وَ السَّلْسَلِ [وَ السَّلْسَبيلِ]؟ وَ عَلٍّ وَ نَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَ لا مَلَلَ، وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ تَحِيّاتُهُ عَلَيْكُمْ، حَتَّى الْعَوْدِ إِلى حَضْرَتِكُمْ، وَ الْفَوْزِ في كَرَّتِكُمْ، وَ الْحَشْرِ في زُمْرَتِكُمْ، وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ، وَ صَلَواتُهُ وَ تَحِيّاتُهُ وَ هُوَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَكيلُ.[1] و این زیارت و دو دعای پیش، در مصباح و اقبال است.

[۷] دعای: اَللّهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ في رَجَبٍ، [مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ] الثّاني وَ ابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ] الْمُنْتَجَبِ، وَ أَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ، يا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَ فيما لَدَيْهِ رُغِبَ، أَسْئَلُكَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَ أَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطالَ عَلَى الْخَطايا دُؤُوبُهُ، وَ مِنَ الرَّزايا خُطُوبُهُ، يَسْئَلُكَ التَّوْبَةَ وَ حُسْنَ الْأَوْبَةِ وَ النُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَ مِنَ النّارِ فَكاكَ رَقَبَتِهِ، وَ الْعَفْوَ عَمّا في رِبْقَتِهِ،

---

۱. مفاتیح، ص ۷۵۶.

فَاَنْتَ مَوْلاٰیَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَ ثِقَتِهِ، اَللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُکَ بِمَسٰائِلِکَ الشَّریفَةِ وَ وَسٰائِلِکَ الْمُنیفَةِ، اَنْ تَتَغَمَّدَنی فی هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْکَ واسِعَةٍ، وَ نِعْمَةٍ وازِعَةٍ، وَ نَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَةٍ، اِلیٰ نُزُولِ الْحافِرَةِ وَ مَحَلِّ الْاٰخِرَةِ، وَ ما هِیَ اِلَیْهِ صائِرَةٌ.[۱]

۸ در عقب نمازهای شبانه روز بخواند و در هر صبح و شام بخواند: یا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ، [وَ] امَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ، یا مَنْ یُعْطِی الْکَثیرَ بِالْقَلیلِ، یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَئَلَهُ، یامَنْ یُعْطی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً، اَعْطِنی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ خَیْرِ الدُّنْیا وَجَمیعَ خَیْرِ الْاٰخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنّی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ شَرِّ الدُّنْیا وَشَرِّ الْاٰخِرَةِ، فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَیْتَ، وَزِدْنی مِنْ فَضْلِکَ یا کَریمُ.

راوی گفت: پس گرفت حضرت محاسن شریف خود را در پنجهٔ چپ خود، و خواند این دعا را به حال التجا و تضرّع به حرکت دادن انگشت سبابهٔ دست راست پس گفت بعد از این: یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ، یا ذَا النَّعْماءِ وَالْجُودِ، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمْ شَیْبَتی عَلَی النّارِ.[۲]

۹ در این ماه صد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ، و ختم کند آن را به صدقه، تا خداوند ختم فرماید برای او بـه رحمت و مغفرت، و اگر چهار صد مرتبه بگوید، ثواب صد شهید داشته باشد.[۳]

۱۰ در جمیع این ماه هزار مرتبه بگوید: «اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ مِنْ جَمیعِ الذُّنُوبِ وَالْاٰثامِ»، تا خداوند او را بیامرزد.

۱۱ در این ماه هزار مرتبه لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ بگوید، تا صد هزار حسنه برای او نوشته شود.

۱. اقبال، ص ۶۳۷.
۲. همان، ص ۶۴۸.
۳. مفاتیح، ص ۱۳۷.

۱۲ در جمیع ماه در وقت صبح هفتاد مرتبه، و در وقت پسین (نیز هفتاد مرتبه) بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْه**، و چون تمام کرد دستها را بلند کند و بگوید: **اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلي وَ تُبْ عَلَيَّ.**[۱]

۱۳ در جمیع ماه ده هزار مرتبه توحید یا هزار مرتبه یا صد مرتبه بخواند، که فضیلت بسیار دارد.[۲]

۱۴ در یک روز جمعهٔ این ماه صد مرتبه **توحید** بخواند، تا از برای او نوری باشد در قیامت که او را به بهشت کشد.[۳]

۱۵ در یک روز جمعه این ماه چهار رکعت نماز کند ما بین ظهر و عصر، در هر رکعت **حمد** یک مرتبه و **آیةالکرسی** هفت مرتبه و توحید پنج مرتبه، پس ده مرتبه بگوید: «**اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ الَّذي لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ**» که فضیلت بسیار **سید** برای آن نقل فرموده.[۴]

۱۶ هر که قادر نباشد که در این ماه روزه بگیرد، در هر روز از آن صد مرتبه بگوید: «**سُبْحٰانَ الْاِلٰهِ الْجَليلِ، سُبحانَ مَنْ لاٰ يَنْبَغي التَّسبيحُ اِلاّٰ لَهُ، سُبْحٰانَ الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ، سُبْحٰانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ**»، تا ثواب روزهٔ آن را در یابد.[۵]

۱۷ در هر شب از این ماه دو رکعت نماز کند، در هر رکعت بعد از **حمد** سه مرتبه **جحد**[۶]

۱. اقبال، ص ۶۴۸.
۲. همان.
۳. همان، ص ۶۳۷.
۴. همان. که از رسول خدا ﷺ نقل شده است: هر کس این نماز را بخواند، از روزی که این نماز را خوانده تا روز مرگش خدای تعالی هزار حسنه برای او می‌نویسد، و به هر آیه‌ای که خوانده است، خدای تعالی شهری از یاقوت سرخ در بهشت به او می‌دهد، و به هر حرفی قصری از دُرّ سفید به او می‌دهد، و حور العین را به او تزویج می‌نماید، و از او چنان خوشنود می‌شود که خشمی پس از آن نیست، و از عبادت کنندگان نوشته می‌شود، و خدای تعالی عمر او را به سعادت و آمرزش پایان می‌دهد و به هر رکعتی که نماز گزارده است پنجاه هزار نماز برای او می‌نویسد و هزار تاج بر سر او نهاده می‌شود و در بهشت با صدیقان مسکن می‌گزینند و از دنیا بیرون نمی‌رود مگر اینکه جای خود در بهشت را می‌بیند.
۵. همان.
۶. جحد یعنی: سورهٔ قل یا ایّها الکافرون. [منه ره]

و یک مرتبه **توحید** بخواند، و بعد از سلام دستها را بلند کند و بگوید:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ [لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ، وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ آلِهِ.][1]

۱۸ در یک شب از این ماه صد مرتبه **توحید** در دو رکعت نماز بخواند که ثواب بسیار دارد.[2]

۱۹ در یک شب از این ماه ده رکعت نماز کند، در هر رکعت **حمد** و **جحد** یک مرتبه و **توحید** سه مرتبه.

۲۰ آنکه سه روز از این ماه ـ که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد ـ روزه بدارد، روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه بدارد، حقتعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد.

۲۱ در این ماه و ماه شعبان و رمضان در هر روز و شب بخواند: **حمد** و **آیةالکرسی** و **قلاقل**[3] و **تسبیحات اربع** و **لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ** و صلوات را هر کدام سه مرتبه، و سه مرتبه: **اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**، و بعد از فراغ از همه، چهار صد مرتبه استغفار کند.

نماز لیلةالرّغائب

و بدان که: شب جمعه اوّل ماه رجب را **لیلةالرّغائب** می‌گویند و از برای آن عملی از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) وارد شده با فضیلت بسیار که **سیّد** و غیره نقل کرده‌اند، و کیفیّت

۱. همان، ص ۶۳۰.

۲. از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: کسی که این نماز را در شبی از ماه رجب بخواند، پس مانند آن است که صد سال در راه خدا روزه گرفته است و خدای تعالی صد قصر در بهشت به او می‌دهد که هر قصری در همسایگی پیامبری از پیامبران(علیهم السلام) خواهد بود. همان، ص ۶۳۰.

۳. سوره‌های جحد، توحید، فلق و ناس.

آن چنان است که: روز پنجشنبهٔ اوّل آن ماه را روزه می‌داری، چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و عشا دوازده رکعت نماز می‌گزاری هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و دوازده مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ** می‌خوانی، و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلىٰ آلِهِ**، پس به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ**؛ پس سر از سجده بر می‌داری و هفتاد مرتبه می‌گویی: **رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجٰاوَزْ عَمّٰا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ**، پس باز به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ**، پس حاجت خود را می‌طلبی که إِنْشٰاءَاللّٰهُ برآورده خواهد شد.[1]

و بدان نیز که: در ماه رجب زیارت حضرت امام رضا ﷺ مندوب (مستحبّ) است و اختصاصی دارد، چنانچه عُمرهٔ در این ماه فضیلت دارد، و روایت شده که تالی حجّ است در فضیلت، و منقول است که جناب علیّ بن الحُسین ﷺ مُعتمر شده بود در ماه رجب، و شبانه روز نماز در نزد کعبه می‌گذاشت و پیوسته در سجده بود در شب و روز، و این ذکر از آن حضرت شنیده می‌شد که در سجده می‌گفت: **عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ.**

---

۱. اقبال، ص ۶۳۲.

فصل دوّم

در ذکر ایّام و لیالیِ ماه رجب است.

شبِ اوّل شب شریفی است و در آن چند عمل است:

۱ غسل

۲ چون هلال را بیند بگوید: **اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ وَالْإيمانِ، وَالسَّلامَةِ وَالْإِسْلامِ، رَبّي وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ.**

۳ زیارت کند امام حسین علیه السلام را.[1]

۴ احیا کند این شب را به دعا و تلاوت قرآن مجید و نماز.

۵ بعد از مغرب بیست رکعت نماز کند به حمد و توحید، تا محفوظ بماند خود و اهل و مال او، و از عذاب قبر در پناه باشد و از صراط مانند برق بگذرد.[2]

۶ **بعد از نماز عشا بخواند دعای: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَليكٌ [مَلِكٌ] وَ اَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ، وَ اَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّي اَتَوَجَّهُ بِكَ**

---

۱. بشیر دهّان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: هر کس در روز اول رجب امام حسین علیه السلام را زیارت کند، البته خدا او را می‌آمرزد. مصباح المتهجّد، ص ۷۲۷.

۲. اقبال، ص ۶۲۹.

إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي، لِيُنْجِحَ [لِي] بِكَ طَلِبَتِي، اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَ عَلَيْهِمْ أَنْجِحْ طَلِبَتِي پس سؤال كن حاجتت را.[1]

۷ بعد از نماز شب و بعد از وتر بخواند دعاهای وارده را؛

و بدان که: علما از برای هر شب این ماه نماز مخصوص ذکر کرده‌اند، [که] این مختصر گنجایش ذکر آن را ندارد.

روز اوّل، روز شریفی است و در آن چند عمل است:

۱ روزه گرفتن: روایت شده که حضرت نوح علیه السلام در این روز به کشتی سوار شد، و امر فرمود کسانی را که با او بودند روزه بدارند، و هر که این روز را روزه بدارد آتش جهنّم یک سال راه از او دور شود.[2]

۲ غسل کند.

۳ زیارت امام حسین علیه السلام کند تا حقتعالی بیامرزد او را.

۴ بخواند دعای طویلی که سیّد [در اقبال] نقل فرموده.

۵ شروع کند به نماز **سلمان** - رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ - بدین طریق که: پنج دو رکعت نماز گزارد، و در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه مرتبه **توحید** و سه مرتبه **جحد** بخواند، و بعد از هر سلام دستها را بلند کند و بگوید: لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، پس بگوید: اَللّٰهُمَّ لاٰ مانِعَ لِما أَعْطَيْتَ وَلاٰ مُعْطِيَ لِما مَنَعْتَ، وَلاٰ يَنْفَعُ ذَاالْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، پس دستها را بر روی خود کشد؛ و در روز نیمهٔ ماه نیز این نماز را به همین کیفیّت بخواند، لکن عوض این دعا بعد از **تهلیل** بگوید: إِلٰهاً واحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلاٰ وَلَداً، و در روز آخر ماه نیز چنین کند، لکن بعد از تهلیل مذکور

۱. مصباح المتهجّد، ص ۷۳۵؛ اقبال، ص ۶۲۸.
۲. اقبال، ص ۶۳۵.

بگوید: وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ، پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود را بطلبد، و از فواید این نماز نباید غفلت نمود که آن بسیار است.[1]

و سیّد نیز برای این روز، چهار رکعت نماز نقل کرده هر که خواهد به اقبال مراجعه کند؛[2] و در این روز سنهٔ ۵۷ به قولی ولادت حضرت باقر ﷺ واقع شده، و لکن مختار داعی سوّم صفر است.

و در روز دوّم، یا پنجم سنه ۲۱۲ دویست و دوازده، ولادت حضرت امام علی نقی ﷺ به روایت ابن عیّاش واقع شده، ولکن مشهور بین علماء در نیمهٔ ماه ذی الحجّة است، و از دعای «اَللّٰهُمَّ إنّي أسْئَلُكَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فِي رَجَبٍ» ظاهر شود که ولادت شریف در این ماه بوده، والده ماجده‌اش جلیلهٔ نجیبه معروفه به سیّدة و مُکَنّاة به امّ الفضل مغربیّه است.

وَفِي الدُّرِ النَّظیمِ لِلشَّیْخِ یُوسُفَ بْنِ حٰاتِمِ الشّامِيِّ تِلْمیذِ الْمُحَقِّقِ قٰالَ فِي أحْوٰالِ أبِي الحَسَنِ عَلِيِّ الْهٰادي ﷺ وروی محمّد بن الفرج وعلی بن مهزیار عن السّیّد ﷺ أنَّهُ قٰالَ: أُمّي عٰارِفَةٌ بِحَقّي وَهِيَ مِنْ أهْلِ الْجَنَّةِ، لا یَقْرَبُهٰا شَیْطٰانٌ مٰارِدٌ، وَلا یَنٰالُهٰا کَیْدُ جَبّٰارٍ عَنیدٍ، وَهِيَ مَکْلُوَّةٌ بِعَیْنِ اللّٰهِ الَّتي لا تَنٰامُ، وَلا تَخَلَّفُ عَنْ أُمَّهٰاتِ الصِّدّیقینَ وَالصّٰالِحینَ.[3]

و مکان ولادت موضعی بوده در حوالی مدینه که آن را صُریا گویند، و اسم آن حضرت علی، و کنیتش ابوالحسن است، و چون امام موسی و امام رضا را نیز ابوالحسن می‌گفتند، از جهت تعیین آن جناب را ابوالحسن الثّالث می‌گویند، و امام رضا را

---

۱. اقبال، ص ۶۳۷.   ۲. همان.

۳. در دُرّالنّظیم شیخ یوسف... از محمّد بن فرج و علی مهزیار روایت شده که امام هادی ﷺ فرمود: مادرم عارفه به حقّ من است و او از اهل بهشت می‌باشد، شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شود، و مکر جبّار کینه توز به وی نمی‌رسد، و خدای تعالی نگهبان و حافظ اوست و از (روش) مادران صدّیقین و صالحین تخلّف نمی‌کند. دُرّ النّظیم، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۷.

ابوالحسن الثّانی و گاهی مکان ثالث ماضی یا هادی یا عسکری ذکر می‌کنند، و چون آن جناب و فرزندش امام حسن در سامره سُکنی فرمودند در محلّه‌ای که عسکر نام داشت، از این جهت این دو امام را نسبت به آن مکان داده و عسکری می‌گفتند، و آن جناب، گندمگون بوده و نقش نگینش: اَللّٰهُ رَبِّي وَهُوَ عِصْمَتِي مِنْ خَلْقِهِ.[1]

و در روز وفات آن حضرت اختلاف است و آنچه مختار داعی است، روز سوم سنهٔ (۲۵۴) دویست و پنجاه و چهار وفات آن حضرت است به سنّ چهل و یک سالگی تقریباً، و در این مدّت درک فرمود زمان سلطنت معتصم، واثق، متوکّل، مُنتصر و مُعتزّ را، و در ایّام مُعتزّ آن حضرت را زهر دادند و شهید نمودند، و در وقت شهادت آن امام غریب غیر از امام حسن عسکری علیه‌السلام نزد بالین آن جناب نبود، و چون رحلت فرمود جمیع اُمراء و أشراف حاضر شدند، و امام حسن علیه‌السلام در مصیبت پدر بزرگوار خود گریبان چاک زد، و خود متوجّه غسل و کفن و دفن آن جناب شد، و آن بزرگوار را در حجره‌ای که محلّ عبادت آن حضرت بود دفن کردند، و جمعی از جاهلانِ احمق بر آن حضرت اعتراض کردند که گریبان چاک زدن در مصیبت شایسته نبود! حضرت به آنها فرمود: چه می‌دانید احکام دین خدا را؟! حضرت موسی علیه‌السلام پیغمبر خدا بود و در ماتم برادر خود هارون گریبان چاک زد.

و مسعودی در مُروج الذّهب گفته که: آن حضرت در روز دوشنبه، چهار روز به آخر جمادی الآخرة مانده وفات کرد، و گاهی که جنازهٔ آن حضرت را حرکت می‌دادند به جانب قبر، شنیدند که کنیزکی می‌گفت: مٰاذٰا لَقِينٰا فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ قَدِيماً وَحَدِيثاً یعنی: ما چه کشیدیم از نُحوست روز دوشنبه از قدیم الأیّام تا این زمان[2] ـ و اشاره کرد به روز وفات پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ پس آن حضرت را در خانهٔ خود در سامره دفن نمودند.

فقیر گوید: صدمات و أذیّتهایی که به آن جناب رسید در زمان خلفای بنی عبّاس، خصوصاً در زمان رجس پلید متوکّل عَنید ـ چه به خود آن حضرت، چه به شیعیان و

---

۱. فصول المهمّة، ص ۲۷۴.
۲. مروج الذّهب، ج ۴، ص ۸۴.

دوستان و علویین و اولاد فاطمه علیها السلام، و چه به قبر امام حسین علیه السلام و زائران آن قبر مطهّر، که بازگشت تمام به آن حضرت است ـ زیاده از آن است که در حوصلهٔ بیان بگنجد.

ابوالفرج نقل کرده: متوکّل، «عمربن فرج» را والی مدینهٔ مشرّفه و مکّه معظّمه کرده بود، عُمر منع کرد مردم را از احسان با آل ابوطالب و سخت در عقب این کار شد، به حدّی که اگر خبر می‌رسید به او که یکی احسانی کرده به ایشان، اگرچه به چیز کمی بوده، او را عقوبت می‌کرد! لاجَرَم مردم دست از رعایت ایشان برداشته و ایشان را به حال خود گذاشتند، پس به حدّی کار برایشان سخت شد که زنهای علویّات تمام لباسهای ایشان کهنه و پاره شده بود و لباس درست نداشتند که نماز در آن بخوانند مگر یک پیراهن درست که برای ایشان مانده بود! هر گاه می‌خواستند نماز بخوانند یک یک به نوبت آن پیراهن را می‌پوشیدند و نماز میخواندند، و چون هر یک فارغ می‌شد از تن بیرون می‌کرد و به دیگری می‌داد بپوشد و خود به چرخ ریسی می‌نشست، و پیوسته به آن عُسرت روزگار گذرانیدند تا متوکّل هلاک شد.[1]

و حکایت منعِ متوکّل مردم را از زیارت قبر امام حسین و پدر بزرگوارش، و آنکه همّت خود را گماشت که آثار قبر مطهّر حسینی را مَحو و نابود کند، أشهر از آن است که ذکر شود، و گفته شده که: **هفده مرتبه آن قبر شریف را خراب کرد و باز به صورت اوّلی برگشت.**

و شیخ أجلّ «علیّ بن الحُسین المسعُودی» روایت کرده که در باب امام علی‌نقی علیه السلام نزد متوکّل سعایت کردند، گفتند: در منزل آن جناب اسلحه بسیار و کاغذهای زیاد است که شیعیان او از قم برای او فرستاده‌اند، و آن جناب عزم آن دارد که بر تو خروج کند. متوکّل جماعتی از ترکان را به خانهٔ آن حضرت فرستاد، ایشان در شب به خانه آن حضرت ریختند و هر چه تفتیش کردند چیزی نیافتند، و دیدند آن حضرت در حجره‌ای

---

۱. مقاتل الطّالبیّین، ص ۳۹۶.

است و در را بر روی خود بسته، و جامه‌ای از پشم پوشیده و بر روی زمین که رمل و ریگ ریزه بود نشسته و توجّهش به سوی حقتعالی است و مشغول خواندن آیات قرآنی است. پس آن جناب را با آن حال به نزد متوکّل بردند و گفتند: در خانهٔ او ریختیم و چیزی نیافتیم، و دیدیم او را که رو به قبله نشسته بود و قرآن تلاوت می‌نمود؛ و متوکّل در آن حال در مجلس شراب بود، پس آن امام معصوم را در آن مجلس میشوم (نامبارک) وارد کردند در وقتی که متوکّل جام شراب در دستش بود، پس از برای آن حضرت تعظیم کرد و آن جناب را در پهلوی خود نشانید، و جام شراب را خواست به آن حضرت بدهد! آن جناب فرمود: وَاللهِ! شراب داخل گوشت و خون من نشده هرگز، مرا مَعْفُوّ دار. پس او را مَعْفُوّ داشت، آنگاه گفت برای من شعر بخوان! فرمود: إِنّی قَلیلُ الرِّوایَةِ لِلشِّعْرِ؛ من از شعر چندان روایت نشده‌ام. گفت از این چارهٔ نیست، پس آن حضرت انشاء فرمود آن اشعاری را که مشتمل است بر بی وفائی دنیا و مرگ مُلوک و سلاطین و ذلّت و خواری ایشان پس از مرگشان، و اوّلش این است:

بٰاتُوا عَلیٰ قُلَلِ الْأَجْبالِ تَحْرِسُهُمْ غُلْبُ الرِّجالِ فَما أَغْناهُمُ الْقُلَلُ.

متوکّل از شنیدن این اشعار چندان گریست که اشک چشمش ریشش را تر نمود! و حاضرین نیز گریستند، و به روایتی متوکّل جام شراب را بر زمین زد و عیشش مُنغّص شد، و آن حضرت را مُکرّماً به خانه‌اش رد (روانه) کرد.[1]

روز دهم سنهٔ ۱۹۵، صد و نود و پنج، بنا بر روایت «ابن عیّاش»، ولادت با سعادت حضرت امام محمّد تقی علیه السلام واقع شده، لکن مشهور بین علماء و مشایخ آن است که ولادت در ماه رمضان واقع شده، والدهٔ ماجدهٔ آن حضرت اُمّ ولَدی (کنیزی) بوده نوبیه از اهل بیتِ ماریهٔ قبطیّه ـ مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ـ و افضل زنهای زمان خود بوده، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله اشاره به این مخدّره و فرزندش جواد فرموده در آنجا که فرمود: بِأَبِی ابْنِ خِیَرَةِ الْإِماءِ النُّوبِیَّةِ الطَّیِّبَةِ؛[2] و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در خبر

۱. مروج الذّهب، ج ۴، ص ۱۱؛ بحار، ج ۵۰، ص ۲۱۱.
۲. پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان که از اهل «نوبه» و پاکیزه است.

«یزید بن سلیط» سلام خود را برای این مخدّره فرستاده[۱]، و اسم آن معظّمه سَبیکه یا خَیْزُران است.

و اما کیفیّت ولادت چنان است که: «ابن شهر آشوب» از حکیمه خاتون ـ دختر امام موسی﷣ ـ روایت کرده است: روزی امام رضا﷣ مرا طلبید و فرمود: ای حکیمه! امشب فرزند مبارک خیزُران متولّد می‌شود، باید که در وقت ولادت او حاضر شوی، من در خدمت آن حضرت ماندم، چون شب در آمد مرا با خیزران و زنان قابله در حجره‌ای در آورد و از حُجره بیرون رفت، و چراغی نزد ما افروخت و در را بر روی ما ببست، و چون او را درد زائیدن گرفت و او را بالای طشت نشانیدیم چراغ ما خاموش شد! و ما به [خاطر] خاموشی چراغ مغموم شدیم، که ناگاه دیدیم که آن خورشید فَلک امامت طالع گردید و در طشت نزول فرمود، و بر آن حضرت پردهٔ نازکی مانند جامه إحاطه کرده بود، و نوری از آن جناب ساطع (درخشان) بود که تمام آن حجره منوّر شد و ما از چراغ مُستغنی شدیم، پس آن نور مبین را بر گرفتم و در دامن خود گذاشتم و آن پرده را از خورشید جمالش دور کردم، ناگاه امام رضا﷣ به حجره در آمد بعد از آنکه ابوجعفر را در جامه‌های پاکیزه پوشانیده بودیم، پس آن گوشوارهٔ عرش امامت را از ما گرفت و در گهوارهٔ عزّت و کرامت گذاشت، و آن مهد شرف و عزّت را به من سپُرد و فرمود: از این گهواره جدا مشو.

و چون روز سوم ولادت آن جناب شد، دیدهٔ حق بین خود را به سوی آسمان گشود و به جانب راست و چپ نظر کرد و به زبان فصیح گفت: **اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللّهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ!** چون این حالت غریبه را از آن نور دیده مشاهده کردم، به خدمت پدرش شتافتم و آنچه دیده و شنیده بودم عرض کردم، حضرت فرمود: آنچه بعد از این از عجائبِ احوال او مشاهده خواهی کرد، زیاده است از آنچه اکنون مشاهده کرده‌ای.[۲] و از کلثوم بن عمران روایت شده که به خدمت حضرت امام رضا﷣ عرض

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۵۲، ۱۴.

۲. مناقب، ج ۴، ص ۳۹۴.

کردم: دعا کن حقّ تعالی به تو فرزندی کرامت فرماید. فرمود: حقتعالی به من یک پسری کرامت خواهد کرد و او وارث امامت من خواهد بود. چون امام محمد تقی‌ؑ متولّد شد، حضرت فرمود: حقتعالی به من فرزندی عطا کرده که شبیه است به موسی بن عمرانؑ که دریاها را می‌شکافد، و نظیر عیسی بن مریمؑ است که [خدای تعالی] مقدّس گردانیده بود مادر او را، و طاهر و مطهّر آفریده شده بود، پس فرمود: این فرزند من به جور و ستم کشته خواهد شد. و اهل آسمان‌ها بر او خواهند گریست، و حقتعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشندهٔ او و ستم کنندهٔ بر او، و بعد از قتل او از زندگانی بهره نخواهند دید و بزودی به عذاب الهی واصل خواهند گردید.

امام رضاؑ در شب ولادت آن حضرت تا به صبح در گهواره با او سخن می‌گفت و اسرار الهی را به او می‌فرمود.[۱]

علاّمهٔ مجلسی فرمود: بعضی از روایات در خصوص فضیلت روز دهم وارد شده است.

بدان که: مستحبّ است در هر یک از ماه رجب و شعبان و رمضان آنکه در شب سیزدهم هر یک دو رکعت نماز بگزارند، در هر رکعت حمد و یٰس و تبارک الملك و توحید بخوانند، و در شب چهاردهم چهار رکعت به دو سلام به همین کیفیّت، و در شب پانزدهم شش رکعت به سه سلام به همین کیفیّت. از حضرت صادقؑ روایت شده است: هر که چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک.[۲]

روز سیزدهم اول ایّام البیض است و ثواب بسیاری برای روزهٔ این روز و دو روز بعد وارد شده، و اگر کسی خواهد عمل امّ داوود بجا آورد باید امروز روزه بگیرد؛

و در این روز بنا بر مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنینؑ در میان کعبهٔ معظّمه واقع شده است[۳]، و کیفیّت آن چنان است که:

---

۱. عیون المعجزات، ص ۱۲۱.
۲. همان، ۶۵۵.
۳. اقبال، ص ۶۵۵.

کیفیت ولادت امیرالمؤمنین علی‌ؑ

روزی عبّاس بن عبدالمطّلب با «یزید بن قعنب» با گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیلهٔ «بنی عبدالعُزّی» در برابر خانه کعبه نشسته بودند، که ناگاه «فاطمهٔ بنت اسد» به مسجد در آمد در حالتی که حامله بود به حضرت امیرالمؤمنینؑ و نُه ماه از حملش گذشته بود، پس او را درد زائیدن گرفت، آن مُخدّره در برابر خانهٔ کعبه ایستاد و نظر به جانب آسمان افکند و گفت: پروردگارا! من ایمان آورده‌ام به تو و بـه هـر پـیغمبری و رسولی که فرستاده‌ای و به هر کتابی که نازل گردانیده‌ای، و تصدیق کرده‌ام به گفته‌های جدّم ابراهیم خلیلؑ، که خانهٔ کعبه بنا کردهٔ او است، پس سؤال می‌کنم از تو به حقّ این خانه و به حقّ آن کسی که این خانه را بنا کرده است، و به حقّ این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و به سخن گفتنِ خود مونس من گردیده است، و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است، که آسان کنی بر من ولادتِ مرا.

عبّاس و یزید بن قعنب گفتند: چون حضرت فاطمه از این دعا فارغ شد، دیدیم که دیوار خانهٔ کعبه شکافته شد! فاطمه از آن موضع داخل خانه شد و از دیده‌های ما پنهان گردید و شکاف دیوار بهم پیوست به اذن خدا! پس ما خواستیم که دَرِ خانه را بگشاییم، چندانکه سعی کردیم در گشوده نشد! دانستیم که این امری است از جانب خـدا واقـع شده، و فاطمه سه روز در اندرون کعبه ماند. اهل مکّه در کوچه و بازارهـا و زنـها در خانه‌ها این واقعه را نقل می‌کردند و تعجّب می‌نمودند تا روز چهارم رسید، دیگر باره همان مـوضع از دیـوار خـانه شکـافته شـد، فـاطمه بـیرون آمـد در حـالتی کـه امـیر المؤمنینؑ را در دست خود داشت و می‌گفت: **ای گروه مردم!** بدرستی که حقتعالی مرا برگزیده میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده‌ای که پیش از من بوده، زیرا که حقتعالی برگزید آسیه دختر مُزاحم را و او عبادت کرد خدا را پنهان در موضعی که عبادت خدا در آنجا سزاوار نبود مگر در حال ضرورت ـ یعنی خانهٔ فرعون ـ و برگزید مریم دختر عمران را و ولادت عیسی را بر او آسان گردانید، و در بیابان درخت خشک را جنبانید و رُطب تازه از برای او از آن درخت فرو ریخت، و حقتعالی مرا بر آن هـر دو

زیادتی داد و همچنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته‌اند، زیرا که من فرزندی آورده‌ام در میان خانه برگزیدهٔ او، و سه روز در آن خانهٔ محترم ماندم و میوه‌ها و طعامهای بهشت تناول کردم.الخ[1]

و بالجمله ولادت به این کیفیّت و فضیلت از خصائص آن حضرت است، چه آنکه متولّد نشد مولودی در روز جمعه سیّد ایّام، در ماه رجب شهر اللّٰه الحرام، در خانه کعبهٔ بیت اللّٰه الحرام، سوایِ امیرالمؤمنین اَبُوالْأَئِمَّةِ الْکِرٰامِ عَلَیْهِ وَعَلیٰ اَوْلٰادِهِ اَفْضَلُ التَّحِیَّةِ وَآلٰافُ السَّلٰامِ.

هٰذِهِ مِنْ عُلٰاهُ اِحْدَی الْمَعٰالِی — وَعَلیٰ هٰذِهِ فَقِسْ مٰا سِوٰاهٰا[2]

ای سنایی به قوت ایمان — مدح حیدر بگو پس از عثمان

با مدیحش مدایح مطلق — زَهَقَ الْبٰاطِل است و جٰاءَ الحقّ

در پس پرده آنچه بود آمد — اسداللّٰه در وجود آمد

فقیر گوید: چون این روز، روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است، مناسب است که چند شعر دیگر از حکیم سنایی که در منقبت آن حضرت است ذکر کنم و هدیّهٔ دوستان نمایم، قٰالَ ره:

هم نبی را وصیّ و هم داماد — جان پیغمبر از جمالش شاد

نایب مصطفی به روز غدیر — کرده در شرع خود مر او را امیر

خوانده در دین و مُلک مختارش — هم دَرِ علم و هم علمدارش

بهر او گفت مصطفی به آله — کای خداوندا والِ مَن وٰالاهُ

کد خدایِ زمانه چاکر او — خواجهٔ روزگار قنبر او

آنکه تن دشمن است و یزدان دوست — وانکه وَالرّٰاسِخُونَ فِی الْعِلْم اوست

مرتضایی که کرد یزدانش — همره جان مُصطفی جانش

هر دو یک قبله و خردشان دو — هر دو یک روح و کالبدشان دو

دو رونده چه اختر گردون — دو برادر چو موسی و هارون

هر دو یک دُرّ ز یک صدف بودند — هر دو پیرایهٔ شرف بودند

---

۱. بحار، ج ۳۵، ص ۳۶.

۲.

تا نه بگشاد علم حیدر در — ندهد سنّت پیمبر بر
مهر و کینش دلیل منبر و دار — حلم و خشمش نشان جنّت و نار
عقد او با بتول در سلوی — بود در زیر سایهٔ طوبی
تنگ از آن شد بر او جهانِ سترگ — که جهان تنگ بود و مرد بزرگ

شب نیمهٔ این ماه، شب شریفی است و در آن چند عمل است:

۱ غسل

۲ احیاء آن.

۳ زیارت امام حسین علیه السلام.

۴ شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد.

۵ سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید، و این نماز را سیّد از حضرت رسول نقل کرده با فضیلت بسیار[1]

۶ دوازده رکعت نماز هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت هر یک از سورهٔ حمد و توحید و فلق و ناس و آیةالکرسی و قدر را چهار مرتبه بخواند، و بعد از سلام چهار مرتبه بگوید: **اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبّي لاٰ اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَلاٰ اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً**، و هر چه می‌خواهد بخواند [یعنی: هر دعایی که می‌خواهد بخواند، و هر حاجتی که می‌خواهد درخواست نماید][2]؛ سیّد و این نماز را بدین طریق سیّد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده، و شیخ به نحو دیگر چنانکه در زاد المعاد است.

---

۱. که هر که این نماز را به جا آورد، از نماز خود فارغ نشود تا آنکه پاداش هفتاد شهید به او داده می‌شود، و در حالی در قیامت می‌آید که نور او برای اهل محشر می‌درخشد، آنگونه که میان مکّه و مدینه (را روشن گرداند) و خدای تعالی بیزاری از آتش دوزخ و بیزاری از نفاق را به او عطا می‌کند، و عذاب قبر از او برداشته می‌شود (اقبال، ص ۶۵۶).

۲. همان، ص ۶۵۵

روز نیمه، روز مبارکی است و در آن چند عمل است:

۱ غسل

۲ زیارت امام حسین علیه السلام

۳ نماز سلمان به نحوی که در روز اوّل گذشت.

۴ چهار رکعت نماز بخواند و بعد از سلام دستها را پهن کند و بگوید: **اَللّٰهُمَّ یا مُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ [وَیا مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ، اَنْتَ کَهْفی حینَ تُعْیینِی الْمَذاهِبُ، وَاَنْتَ بارِئُ خَلْقی رَحْمَةً بی، وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقی غَنِیًّا، وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَکُنْتُ مِنَ الْهالِکینَ، وَاَنْتَ مُؤَیِّدی بِالنَّصْرِ عَلیٰ اَعْدائی، وَلَوْلا نَصْرُكَ اِیّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحینَ، یا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعادِنِها، وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَواضِعِها، یا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ، فَاَوْلِیاۤؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ، وَیا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نیرَ الْمَذَلَّةِ عَلیٰ اَعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، اَسْئَلُكَ بِکَیْنُونِیَّتِكَ الَّتِی اشْتَقَقْتَها مِنْ کِبْرِیاۤئِكَ، وَاَسْئَلُكَ بِکِبْرِیاۤئِكَ الَّتِی اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِكَ، وَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِها عَلیٰ عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِها جَمیعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ]** و این دعا را هر که بخواند برای رفع شدّت و غمش، **اِنْشاءَ اللّٰهُ** رفع می‌شود.[1]

۵ عمل اُمّ داوود،[2] که عمدهٔ اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و کشف

---

۱. همان، ص ۶۵۸.

۲. بدان که: عمدهٔ اعمال نصف رجب، دعای اُمّ داوود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سیّد بن طاووس ـ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ ـ به سندهای معتبر روایت کرده‌اند، و برای برآمدن حاجات و کشف کُربات و دفع ظالمان مجرّب است، و مجمل روایاتش آن است که: فاطمه مادر «داوود بن الحسن» ـ پسر زادهٔ حسن مجتبی علیه السلام ـ دایهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و به شیر «داوود» آن حضرت را شیر داده بود، و چون «محمّد بن عبدالله بن الحسن» در مدینه خروج کرد و «منصور دوانقی» لشکر فرستاد و او را کشتند و ابراهیم ـ برادر محمّد ـ را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن و جمعی از سادات حسینی را با غُل و ⟸

⟸ زنجیر از مدینه به عراق بردند و «داوود» نیز در میان ایشان بود.

«اُمّ داوود» گفت: چون مدّتی از حبس فرزند من گذشت و از او خبری به من نرسید، پیوسته دعا و تضرّع می‌کردم و از صُلحا و نیکان و برادران مؤمن استدعای دعا می‌نمودم، و ایشان تقصیر نمی‌کردند و مطلقاً آن را استجابت نمی‌یافتم؛ و گاهی خبر به من می‌رسید که داوود را کشتند، و گاه می‌گفتند: او را با پسران عَمّ او در زیر عمارت زنده گذاشتند، و روز به روز مصیبت من زیاده و اندوه من بیشتر می‌شد تا آنکه از غم او گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم، تا آنکه شنیدم که حضرت صادق عليه السلام را علّتی (بیماری) عارض شده است، به عیادت آن حضرت رفتم، چون احوال گرفتم و دعا کردم، چون خواستم که برگردم، حضرت فرمود: از داوود چه خبر داری؟ - و من شیر داوود را به آن حضرت داده بودم - چون نام داوود را شنیدم گریستم و گفتم: فدای تو شوم؛ داوود کجاست؟! او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده‌ام و از شما التماس دعا می‌کنم که او را دعا کنید، او برادر رضاعی شماست.

حضرت فرمود: چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح، و آن دعایی است که درهای آسمان برای او گشوده می‌شود، و ملائکه استقبال می‌کنند خوانندهٔ آن را و او را به اجابت بشارت می‌دهند، و آن دعایی است که از مجیب الدّعوات محجوب نمی‌گردد و خوانندهٔ آن را ثوابی به غیر از بهشت نیست.

اُمّ داوود گفت: ای فرزند طاهرین و راستگویان! چگونه است آن دعا؟! حضرت فرمود: ای مادر داوود! ماه محترم - یعنی: ماه رجب - نزدیک شده است، و آن ماهی است مبارک و محترم و حُرمتِ آن عظیم است، و دعاها در آن مستجاب است، و چون آن ماه درآید، سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را - که ایّام البیض اند - روزه بدار. پس حضرت کیفیّت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود:

این دعا را حفظ کن و به همه کس تعلیم مکن که می‌ترسم به دست کسی افتد که از برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخواند، به درستی که این دعای بسیار شریفی است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا، که هر که بخواند البتّه حاجت او برآورده می‌شود، و اگر درهای زمین و آسمان همه بسته شود یا دریا‌ها حائل باشند میان تو و حاجت تو، چون این دعا را بخوانی البتّه حق تعالی آسان می‌گرداند رسیدن تو را به مطلب تو و حاجت تو را بر می‌آورد، و هر که این دعا را بخواند، خدا [دعایش را] مستجاب می‌گرداند - خواه مرد باشد و خواه زن - و اگر جنّ و اِنس همه دشمن فرزند تو باشند، خداوند قادر کفایت شرّ دشمنان از او می‌کند و زبان ایشان را می‌بندد و ایشان را مُنقاد فرزند تو می‌گرداند.

اُمّ داوود گفت: حضرت این دعا را برای من نوشت و به خانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد، آنچه حضرت فرموده بود به عمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و به خواب رفتم، در خواب دیدم که جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عُبّاد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم، و حضرت رسول صلى الله عليه وآله مرا خطاب فرمود: ای مادر داوود! بشارت باد تو را که این جماعت می‌بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواَند، و از برای تو طلب آمرزش می‌کنند و بشارت می‌دهند تو را به آنکه حاجت تو برآورده است، پس بشارت می‌دهند تو را به آمرزش خدا و خوشنودی خدا، و خدا تو را جزای خیر دهد، و شاد باش که حق تعالی فرزند تو را حفظ می‌کند و به تو برمی‌گرداند إن‌شاءَ اللّهُ تعالی.

اُمّ داوود گفت: من از خواب بیدار شدم و بعد از آن به آنقدر زمان که سوار تندرویی از عراق به مدینه آید داوود به نزد من آمد و گفت: ای مادر! من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و از خلاص شدن نا امید بودم، چون ⟸

کُربات [= غمها] و دفع ظلم ظالمان مؤثر است؛ [و کیفیّت آن بنابر آنچه در مصباح شیخ است آن است که: چون خواهد این عمل را بجا آورد روزه بگیرد روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را، پس در روز پانزدهم نزد (هنگام) زوال غسل کند، و چون وقت زوال داخل شد نماز ظهر و عصر را بجا آورد و در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو کند، و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نسازد و انسانی با او تکلّم ننماید، پس چون از نماز فارغ شود رو به قبله کند و بخواند حمد را صدمرتبه و سورهٔ اخلاص را صد مرتبه، و آیةالکرسی را ده مرتبه، و بعد از اینها بخواند: سورهٔ انعام، بنی‌اسرائیل، کهف، لقمان، یٰس، صافات، حٰم سجده، حٰمعسق، حٰم دخان، فتح و واقعه، مُلک، ن و إِذَاالسَّمَاءُ انْشَقَّتْ و مابعدش را تا آخر قرآن، و چون از اینها فارغ شود بگوید در حالی که رو به قبله باشد:

صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِیمُ الَّذِي لَاۤ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَیُّومُ، ذُوالْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ، الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِي لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ الْبَصِیرُ الْخَبِیرُ، شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَاۤ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ، وَ الْمَلَاۤئِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَاۤئِماً بِالْقِسْطِ، لَاۤ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ، وَ بَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ، وَ أَنَا عَلیٰ ذٰلِکَ مِنَ الشَّاهِدِینَ، اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ لَکَ الْمَجْدُ، وَ لَکَ الْعِزُّ وَ لَکَ الْفَخْرُ، وَ لَکَ الْقَهْرُ وَ لَکَ النِّعْمَةُ،

⟸ شب نصف رجب شد، در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و تو را دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی، و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین! و تسبیح و تنزیه خدا می‌کردند. پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامه‌های بسیار پاکیزه در برداشت، و گمان کردم حضرت رسالت پناه ﷺ جدّ من است، خطاب کرد با من که: بشارت باد تو را ای فرزند عجوزهٔ صالحه، که حق تعالی دعای مادر تو را در حق تو مستجاب کرد. چون بیدار شدم رسولان «منصور دوانقی» به در زندان رسیده به طلب من آمده بودند، در میان شب مرا به نزد او بردند. پس امر کرد که زنجیرها را از تن برمی داشتند و ده هزار درهم ـ که زیاده از هزار تومان بوده به حساب آن زمان ـ به من عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر راهوار سوار کنند و به نهایت سرعت به مدینه بیاورند.
امّ داود گفت: من داوود را به خدمت حضرت صادق ﷺ بردم، حضرت فرمود: سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ را در خواب دید که به او فرمود: فرزندم را رها کن، و اگر [رها] نکنی تو را در این آتش می‌اندازم. چون نظر کرد، دریای آتشی در زیر پای خود دید! پس از دهشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان گردید و تو را رها کرد...». زاد المعاد، ص ۲۱ـ۲۴.

وَلَکَ الْعَظَمَةُ وَ لَکَ الرَّحْمَةُ، وَ لَکَ الْمَهابَةُ وَ لَکَ السُّلْطانُ، وَ لَکَ الْبَهآءُ وَ لَکَ الْاِمْتِنانُ، وَ لَکَ التَّسْبیحُ وَ لَکَ التَّقْدیسُ، وَ لَکَ التَّهْلیلُ وَ لَکَ التَّکْبیرُ، وَ لَکَ ما یُری وَ لَکَ ما لا یُری، وَ لَکَ ما فَوْقَ السَّمٰواتِ الْعُلیٰ، وَ لَکَ ما تَحْتَ الثَّریٰ، وَ لَکَ الْاَرَضُونَ السُّفْلیٰ، وَ لَکَ الْاٰخِرَةُ وَ الْاُولیٰ، وَ لَکَ ما تَرْضیٰ بِهِ مِنَ الثَّناءِ وَ الْحَمْدِ وَ الشُّکْرِ وَ النَّعْمآءِ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ جَبْرَئیلَ اَمینِکَ عَلیٰ وَحْیِکَ، وَ الْقَوِیِّ عَلیٰ اَمْرِکَ، وَ الْمُطاعِ فی سَمٰواتِکَ، وَ مَحالِّ کَراماتِکَ الْمُتَحَمِّلِ لِکَلِماتِکَ، اَلنّاصِرِ لِاَنْبِیآئِکَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدآئِکَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ میکائیلَ مَلَکِ رَحْمَتِکَ، وَ الْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِکَ، وَ الْمُسْتَغْفِرِ الْمُعینِ لِاَهْلِ طاعَتِکَ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اِسْرافیلَ حامِلِ عَرْشِکَ، وَ صاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِکَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خیفَتِکَ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطّاهِرینَ، وَ عَلَی السَّفَرَةِ الْکِرامِ الْبَرَرَةِ الطَّیِّبینَ، وَ عَلیٰ مَلآئِکَتِکَ الْکِرامِ الْکاتِبینَ، وَ عَلیٰ مَلآئِکَةِ الْجِنانِ وَ خَزَنَةِ النّیرانِ، وَ مَلَکِ الْمَوْتِ وَ الْاَعْوانِ، یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اَبینا اٰدَمَ بَدیعِ فِطْرَتِکَ، اَلَّذی کَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلآئِکَتِکَ وَ اَبَحْتَهُ جَنَّتَکَ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اُمِّنا حَوّآءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ، اَلْمُصَفّاتِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاِنْسِ، اَلْمُتَرَدِّدَةِ بَیْنَ مَحالِّ الْقُدْسِ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ هابیلَ وَ شَیْثَ وَ اِدْریسَ وَ نُوحٍ وَ هُودٍ وَ صالِحٍ وَ اِبْراهیمَ وَ اِسْمٰعیلَ وَ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوبَ وَ یُوسُفَ وَ الْاَسْباطِ وَ لُوطٍ وَ شُعَیْبٍ وَ اَیُّوبَ وَ مُوسیٰ وَ هٰرُونَ وَ یُوشَعَ وَ میشا وَ الْخِضْرِ وَ ذِی الْقَرْنَیْنِ وَ یُونُسَ وَ اِلْیاسَ وَ الْیَسَعَ وَ ذِی الْکِفْلِ وَ طالُوتَ وَ داوُدَ وَ سُلَیْمانَ وَ زَکَرِیّا وَ شَعْیا وَ یَحْییٰ وَ تُورَخَ وَ مَتّیٰ وَ اِرْمِیا وَ حَیْقُوقَ وَ دانِیالَ وَ عُزَیْرٍ وَ عیسیٰ وَ شَمْعُونَ وَ جِرْجیسَ وَ الْحَوارِیّینَ وَ الْاَتْباعِ وَ خالِدٍ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمانَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ، وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بارَکْتَ عَلیٰ

اِبْرٰهِيمَ، وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيٰاءِ، وَ السُّعَدٰاءِ وَالشُّهَدٰاءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدىٰ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدٰالِ وَ الْاَوْتٰادِ، وَالسُّيّٰاحِ وَ الْعُبّٰادِ، وَ الْمُخْلِصِينَ وَ الزُّهّٰادِ، وَاَهْلِ الْجِدِّ وَ الْاِجْتِهٰادِ، وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَ اَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ اَجْزَلِ كَرٰامٰاتِكَ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنّي تَحِيَّةً وَ سَلاٰماً، وَزِدْهُ فَضْلاً وَ شَرَفاً وَ كَرَماً، حَتّىٰ تُبَلِّغَهُ اَعْلىٰ دَرَجٰاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَالْاَفٰاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ؛ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلىٰ مَنْ سَمَّيْتُ وَ مَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلاٰئِكَتِكَ وَ اَنْبِيٰآئِكَ وَ رُسُلِكَ وَ اَهْلِ طٰاعَتِكَ، وَ اَوْصِلْ صَلَوٰاتي اِلَيْهِمْ وَ اِلىٰ اَرْوٰاحِهِمْ، وَ اجْعَلْهُمْ اِخْوٰاني فيكَ وَ اَعْوٰاني عَلىٰ دُعٰآئِكَ؛ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ، وَ بِكَرَمِكَ اِلىٰ كَرَمِكَ، وَ بِجُودِكَ اِلىٰ جُودِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ اِلىٰ رَحْمَتِكَ وَ بِاَهْلِ طٰاعَتِكَ اِلَيْكَ؛ وَ اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مٰا سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَريفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِمٰا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجٰابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ، يٰااَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ؛ يٰا كَرِيمُ يٰا عَظِيمُ، يٰا جَلِيلُ يٰا مُنيلُ، يٰا جَمِيلُ يٰا كَفِيلُ، يٰا وَكِيلُ يٰا مُقِيلُ، يٰا مُجِيرُ يٰا خَبِيرُ، يٰا مُنِيرُ يٰا مُبِيرُ، يٰا مَنِيعُ يٰا مُدِيلُ، يٰا مُحِيلُ يٰا كَبِيرُ، يٰا قَدِيرُ يٰا بَصِيرُ، يٰا شَكُورُ يٰا بَرُّ، يٰا طُهْرُ يٰا طٰاهِرُ، يٰا قٰاهِرُ يٰا ظٰاهِرُ، يٰا بٰاطِنُ يٰا سٰاتِرُ، يٰا مُحِيطُ يٰا مُقْتَدِرُ، يٰا حَفِيظُ يٰا مُتَجَبِّرُ، يٰا قَرِيبُ يٰا وَدُودُ، يٰا حَمِيدُ يٰا مَجِيدُ، يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعِيدُ، يٰا شَهِيدُ يٰا مُحْسِنُ، يٰا مُجْمِلُ يٰا مُنْعِمُ، يٰا مُفْضِلُ يٰا قٰابِضُ، يٰا بٰاسِطُ يٰا هٰادي، يٰا مُرْسِلُ يٰا مُرْشِدُ، يٰا مُسَدِّدُ يٰا مُعْطي، يٰا مٰانِعُ يٰا دٰافِعُ يٰا رٰافِعُ، يٰا بٰاقي يٰا وٰاقي، يٰا خَلاّٰقُ يٰا وَهّٰابُ يٰا تَوّٰابُ، يٰا فَتّٰاحُ يٰا نَفّٰاحُ يٰا مُرْتٰاحُ، يٰا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتٰاحٍ، يٰا نَفّٰاعُ يٰا رَؤُفُ يٰا عَطُوفُ، يٰا كٰافي يٰا شٰافي يٰا مُعٰافي يٰا مُكٰافي، يٰا وَفِيُّ يٰا مُهَيْمِنُ يٰا عَزِيزُ، يٰا جَبّٰارُ يٰا مُتَكَبِّرُ، يٰا سَلاٰمُ يٰا مُؤْمِنُ، يٰا اَحَدُ يٰا صَمَدُ يٰا نُورُ، يٰا مُدَبِّرُ يٰا فَرْدُ يٰا وِتْرُ، يٰا قُدُّوسُ يٰا نٰاصِرُ يٰا مُونِسُ، يٰا بٰاعِثُ يٰا وٰارِثُ يٰا عٰالِمُ يٰا حٰاكِمُ، يٰا بٰادي يٰا مُتَعٰالي،

يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ يا مُتَحَبِّبُ، يا قائِمُ يا دائِمُ يا عَليمُ يا حَكيمُ، يا جَوادُ يا بارِئُ يا بارُّ يا سارُّ، يا عَدْلُ يا فاصِلُ، يا دَيّانُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا سَميعُ يا بَديعُ، يا خَفيرُ يا مُعينُ، يا ناشِرُ يا غافِرُ، يا قَديمُ يا مُسَهِّلُ، يا مُيَسِّرُ يا مُميتُ يا مُحْيي، يا نافِعُ يا رازِقُ، يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ يا مُغيثُ، يا مُغْني يا مُقْني، يا خالِقُ يا راصِدُ يا واحِدُ يا حاضِرُ، يا جابِرُ يا حافِظُ، يا شَديدُ يا غِياثُ يا عائِدُ، يا قابِضُ يا مَنْ عَلافَاسْتَعْلى، فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، يا مَنْ قَرُبَ فَدَنا وَ بَعُدَ فَنَأىٰ، وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ أَخْفىٰ، يا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبيرُ وَلَهُ الْمَقاديرُ، وَ يا مَنِ الْعَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلىٰ ما يَشاءُ قَديرٌ، يا مُرْسِلَ الرِّياحِ، يا فالِقَ الْإِصْباحِ، يا باعِثَ الْأَرْواحِ يا ذَاالْجُودِ وَ السَّماحِ، يا رادَّ ما قَدْفاتَ، يا ناشِرَالْأَمْواتِ، يا جامِعَ الشَّتاتِ، يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ، وَ يا فاعِلَ ما يَشاءُ كَيْفَ يَشاءُ، وَ يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيّاً حينَ لا حَيَّ، يا حَيُّ يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ بَديعُ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ، يا إِلٰهي وَ سَيِّدي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلىٰ إِبْرٰهيمَ وَ آلِ إِبْرٰهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، وَ ارْحَمْ ذُلّي وَ فاقَتي وَ فَقْري وَانْفِرادي وَ وَحْدَتي، وَ خُضُوعي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمادي عَلَيْكَ وَ تَضَرُّعي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعاءَ الْخاضِعِ الذَّليلِ الْخاشِعِ الْخائِفِ الْمُشْفِقِ الْبائِسِ الْمَهينِ الْحَقيرِ، الْجائِعِ الْفَقيرِ الْعائِذِ الْمُسْتَجيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكينِ لِرَبِّهِ دُعاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ، وَ عَظُمَتْ فَجيعَتُهُ، دُعاءَ حَرِقٍ حَزينٍ ضَعيفٍ مَهينٍ بائِسٍ مُسْتَكينٍ بِكَ مُسْتَجيرٍ، اَللّٰهُمَّ وَ أَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ مَليكٌ وَ أَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَ أَنَّكَ عَلىٰ ما تَشاءُ قَديرٌ، وَ أَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ، وَ الْبَيْتِ الْحَرامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ، وَ الْمَشاعِرِ

الْعِظَامِ، وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْئاً، وَ لِإِبْراهِيمَ إِسْمٰعِيلَ وَ إِسْحٰقَ، وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلىٰ يَعْقُوبَ، وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلاٰءِ ضُرَّ أَيُّوبَ، يَا رَادَّ مُوسىٰ عَلىٰ أُمِّهِ، وَ زَائِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ، وَيَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمٰانَ، وَلِزَكَرِيّٰا يَحْيىٰ، وَ لِمَرْيَمَ عِيسىٰ، يٰاحٰافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ، وَيٰا كٰافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسىٰ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَلِي ذُنُوبِي كُلَّهٰا، وَ تُجِيرَنِي مِنْ عَذٰابِكَ، وَ تُوجِبَ لِي رِضْوٰانَكَ وَ أَمٰانَكَ وَ إِحْسٰانَكَ وَ غُفْرٰانَكَ وَ جِنٰانَكَ، وَ أَسْئَلُكَ أَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بٰابٍ، وَ تُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نٰاطِقٍ بِشَرٍّ، وَ تَكُفَّ عَنِّي كُلَّ بٰاغٍ، وَ تَكْبِتَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حٰاسِدٍ، وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظٰالِمٍ، وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عٰائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حٰاجَتِي، وَ يُحٰاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ طٰاعَتِكَ، وَ يُثَبِّطَنِي عَنْ عِبٰادَتِكَ، يٰامَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَ قَهَرَ عُتٰاةَ الشَّيٰاطِينِ، وَ أَذَلَّ رِقٰابَ الْمُتَجَبِّرِينَ، وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ، وَتَسْهِيلِكَ لِمٰا تَشٰاءُ كَيْفَ تَشٰاءُ، أَنْ تَجْعَلَ قَضٰاءَ حٰاجَتِي فِيمٰا تَشٰاءُ؛ پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار دو طرف روی خود را و بگو: أَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلِّي وَفٰاقَتِي وَ اجْتِهٰادِي، وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْكَنَتِي وَ فَقْرِي إِلَيْكَ يٰا رَبِّ، و کوشش کن که اشک بریزد چشمهای تو، اگر چه به قدر بال مگسی باشد، بدرستی که این علامت استجابت است.][1]

شیخ فرموده: «در مثل این روز رسول خدا ﷺ از شعب بیرون آمد؛ و در چنین روز، در ماه پنجم از هجرت، عقد بست رسول خدا ﷺ فاطمه را برای امیرالمؤمنین ؑ انتهی»؛[2] و در این روز سنهٔ ۲ تحویل قبله شد از بیت المقدّس به

---

۱. اقبال، ص ۶۵۹_۶۶۲؛ مصباح المتهجّد، ص ۷۴۳_۷۴۸. ۲. مصباح المتهجّد، ص ۷۴۱_۷۴۲.

سوی مکهٔ معظّمه و در این روز سنهٔ ۶۰ شصتم معاویة ابن أبی سفیان وفات کرد.

روز هیجدهم، وفات حضرت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله واقع شد.[۱]

روز بیست و سوم، خنجر به ران مبارک حضرت امام حسن علیه السلام زدند،[۲] زیارت آن حضرت و لعن بر قاتلان و ظالمان آن جناب در این روز مناسب است.

روز بیست و چهارم، سنهٔ ۷ هفتم، فتح خیبر و قتل مَرحب بر دست معجز نمای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام واقع شد.[۳] شیخ اُزْری در این مقام در مدح آن حضرت سروده:

وَلَــــهُ یَــوْمَ خَــیْبَرٍ فَــتَکَاتٌ ... کَــبُرَتْ مَــنْظَراً عَــلَیٰ مَــنْ رَاهَا

یَــوْمَ قَــالَ النَّــبِیُّ إِنِّــي لَأُعْــطِي ... رَایَــتي لَــیْثُهَا وَحَــامي حِــمَاهَا

فَــاسْتَطَالَتْ أَعْــنَاقُ کُــلِّ فَــرِیقٍ ... لِــیَرَوْا أَيَّ مَــاجِدٍ یُــعْطَاهَا

فَدَعَیٰ أَیْنَ وَارِثُ الْعِلْمِ وَالْبَأْسِ ... مُــجِیرُ الْأَیْــتَامِ مِــنْ بَأْسَاهَا

أَیْنَ ذُوالنَّــجْدَةِ الْــعُلیٰ لَــوْ دَعَــتْهُ ... فِــي الثُّــرَیَّا مُــرُوعَةٌ لَــبَّاهَا

فَــأَتَاهُ الْــوَصِيُّ أَرْمَــدَعَیْنٍ ... فَسَــقَاهَا مِــنْ رِیــقِهِ فَشَــفَاهَا

وَمَضیٰ یَطْلُبُ الصُّفُوفَ فَوَلَّتْ ... عَــنْهُ عِــلْماً بِــأَنَّهُ أَمْــضَاهَا

وَبَــرَیٰ مَــرْحَباً بِکَــفِّ اقْــتِدَارٍ ... أَقْــوِیَاءُ الْأَقْــدَارِ مِــنْ ضَــعْفَاهَا

وَدَحَــیٰ بَــابَهَا بِــقُوَّةِ بَأْسٍ ... لَــوْ حَــمَتْهُ الْأَفْــلَاکُ مِــنْهُ دِحَاهَا

عَــائِذاً لِــلْمُؤْمِنِینَ مُــجِیبٌ ... سَــامِعٌ مَــا تَسِــرُّ مِــنْ نَجْوَاهَا

روز بیست و پنجم سنهٔ ۱۸۳، صدو هشتاد و سه، شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به سنّ پنجاه و پنج سالگی در بغداد واقع شد،[۴] و روزی است که أحزان آل محمّد علیهم السلام و شیعیان ایشان تازه می‌شود.

روز بیست و ششم، به قول «ابن عیّاش» وفات سیّد بطحا **حضرت ابوطالب علیه السلام** واقع شده،[۵] و جلالت شأن ابوطالب و نصرتِ او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خدماتش

---

۱. همان، ص ۷۴۸.
۲. همان، ص ۷۴۹.
۳. همان، ص ۷۴۹.
۴. مصباح المتهجّد، ص ۷۴۹.
۵. همان، ص ۷۴۹.

نسبت به آن جناب أشهر از آن است که ذکر شود. ابن أبی الْحدید گفته:

وَلَــوْلاَ أَبُــوطَالِبٍ وَابْــنُهُ   لَمَا مَثُلَ الدِّینُ شَخْصٌ فَقَامَا
فَــذَاكَ بِــمَكَّةَ آوىٰ وَحَـامىٰ   وَذَاكَ بِــيَثْرِبَ جَسَّ الْـحِمَامَا

ابن ابی الحدید مـی‌گوید: **اگر ابوطالب و پسرش امیرالمؤمنین عليه السلام نبود، دین پـیغمبر قائم نمی‌شد. قیام دین به واسطهٔ حمایت ابوطالب از پیغمبر و شمشیر علی عليه السلام شد.**[1]

فقیر گوید: اقتدا کرد به دو پدر خود حضرت عباس بن علی بن ابـیطالب در مـقام نصرت از دین خدا و حمایت از پسر پیغمبر صلى الله عليه وآله در کربلا، و شاهد بر این عبارت زیارت آن حضرت است: **فَأَلْحَقَكَ اللّٰهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ**. خوب ملاحظه کن در اشعار ابوطالب در مقام حمایت خویش از حضرت پیغمبر چه می‌فرماید:

فَــلاَ تَــحْسَبُونَا خَـاذِلِینَ مُـحَمَّداً   لَــدىٰ غُــرْبَةٍ مِــنَّا وَلاَ مُــتَقَرَّبِ
سَــــتَمْنَعُهُ مِــــنَّا یَــدٌ هَــاشِمِیَّةٌ   وَمَرْكَبُهَا فِي النَّاسِ أَخْشَنُ مَرْكَبِ[2]

ابوالفضل نیز در روز عاشورا در مقام حمایت خود از پسر پیغمبر قریب بـه هـمین می‌فرماید:

وَاللّٰــهِ إِنْ قَــطَعْتُمْ یَــمِینِي   إِنِّي أُحَامِي أَبَداً عَنْ دِیـنِي
وَعَنْ إِمَامٍ صَـادِقِ الْـیَقِینِ   نَجْلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِـینِ[3]

بالجمله وفات ابوطالب روز آخر سال دهم از بعثت حضرت رسول صلى الله عليه وآله واقع شد، و بعد از سه روز حضرت خدیجه ـ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا ـ وفات کرد، پس برای حضرت پیغمبر دو

---

۱. [ابن ابی الحدید در] شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۸۴ می‌نویسد: یک نفر از علمای شیعه کتابی دربارهٔ ایـمان ابوطالب نوشته بود، و آن را پیش من آورد که من تقریظی بر آن بنویسم. من به جای تقریظ این اشعار را، که شمارهٔ آنها به هفت می‌رسد، بر پشت آن کتاب نوشتم (فروغ ابدیّت، ج ۱، ص ۲۷۱).

۲. ای دشمنان محمّد! تصوّر نکنید که ما از محمّد صلى الله عليه وآله دست برمی داریم نه! او پیوسته او در نزد دور و نزدیک ما گرامی است. بازوان قوی هاشمی او را از هر گزندی مـصون مـی‌دارد. «فروغ ابـدیّت» ج ۱، ص ۲۶۲ بـه نـقل از مـناقب، ج ۱، ص ۱۱۶۴.

۳. به خدا سوگند! اگر دست راستم را بریدید من برای همیشه از دینم و از پیشوایم، که در ایمان و باور خود راستگو می‌باشد و فرزند پاک و امین پیامبر است حمایت می‌کنم. (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰۸).

مصیبت جمع شد، و آن سال عام‌الحُزن نامیده شد، و حضرت امیرالمؤمنین﷣ در مرثیهٔ پدر فرموده:

أَبا طالِبٍ عِصْمَةَ الْمُسْتَجيرِ ... وَغَيْثَ الْمُحُولِ وَنُورَ الظُّلَمِ
لَقَدْ هَدَّ فَقْدُكَ أَهْلَ الْحِفاظِ ... لَقَدْ كُنْتَ لِلْمُصْطَفىٰ خَيْرَ عَمٍّ[1]

شب بیست و هفتم، شب مبعث است. و از لیالی متبرّکه است، و آن شبی است که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر او می‌تابد، و عبادت در آن [برای شیعیان] اجر شصت سال عبادت دارد؛[2] و از برای آن چند عمل است.

۱ غسل چنانچه شیخ فرموده.

۲ زیارت حضرت امیرالمؤمنین﷣ که افضل اعمال این شب است، چنانکه سیّد فرموده[3] و از برای آن حضرت در این شب سه زیارت است.

[اوّل] زیارت رجبیّه: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ أَوْلِيائِهِ فِي رَجَبٍ لِقَوْلِ الشَّيْخِ مُحَمَّد بن الْمَشْهَدي فِي الْمَزارِ الْكَبيرِ: وَمِمّا يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزارَ بِهِ أَميرُالْمُؤْمِنينَ﷣ فِي لَيْلَةِ الْمَبْعَثِ هٰذِهِ الزِّيادة مُشيراً إِلَى الزِّيارَةِ الْمُشارُ إِلَيْها وَكُلِّ إِمامٍ حَضَرْتَ عِنْدَهُ فِي رَجَبٍ.

دوم: زیارت هفتم تحفه: لِما فِي الْمَزارِ الْقَديمِ زِيارَةٌ أُخْرىٰ لِمَوْلانا أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بن ابيطالِبٍ﷣ الْمُخْتَصَّةُ بِلَيْلَةِ سَبْعَةٍ وَعِشْرينَ مِنْ رَجَبٍ تَقِفُ عَلىٰ ضَريحِهِ﷣ وَتَقُولُ: اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي الْأَئِمَّةِ وَمَعْدِنِ النُّبُوَّةِ... و این همان زیارتی است که علامهٔ مجلسی(ره) زیارت هفتم تحفةالزّایر آن را قرار داده.

سوم: زیارت مختصّه معروفه که از برای شب و روز مبعث در کتب مزاریّه ذکر شده،

---

۱. ابوطالب نگاهدار و پناهگاه پناهنده، و باران (رحمت به هنگام) خشکسالی و نور در تاریکی‌ها است؛ همانا فقدان تو (پشت) اهل حفاظ را شکست و همانا تو برای مصطفی بهترین عمو بودی.

۲. مصباح المتهجّد، ص ۷۴۹.

۳. اقبال، ص ۶۷۰.

و احقر هر سه زیارة را در هدیةالزائرین ایراد کردم.

۳ خواندن اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّ الْأَعْظَمِ.

۴ دوازده رکعت نماز کند هر وقت از شب که باشد، و بخواند در هر رکعت حمد و دو قُلْ اَعوذُ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ را چهار مرتبه ـ یعنی بعد از آنکه حمد خواندی هر یک از این سوره‌ها را چهار مرتبه بخوان، چنانکه مجلسی ـ رَحِمَهُ اللّٰهُ ـ معنی فرموده ـ و چون از همه فارغ شدی در همان مکان چهار مرتبه بگو: لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحٰانَ اللّٰهِ وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ پس هر حاجت که خواهی بطلب.[1]

روز بیست و هفتم از جملهٔ اعیاد عظیمه است، و روزی است که حضرت رسول ﷺ در آن روز به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد، و از برای آن چند عمل است:

۱ غسل.

۲ روزه، و آن یکی از چهار روز است که در تمام سال امتیاز دارد برای روزه گرفتن و برابر است با روزهٔ هفتاد سال.[2]

۳ بسیار صلوات فرستادن.

۴ زیارت حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما السلام.

۵ دوازده رکعت نماز به طرقی که سید ذکر فرموده.[3]

۶ بخواند: يا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ [وَ ضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَ التَّجاوُزَ]، يا مَنْ

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۷۳۹.　　۲. اقبال، ص ۶۷۱.

۳. از رسول خدا ﷺ نقل شده است: کسی که در روز بیست و هفتم ماه رجب ـ در هر ساعت که بخواهد ـ دوازده رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت حمد و یس بخواند، پس از فراغ از نماز جای خود بنشیند و چهار مرتبه حمد بخواند، پس از فراغ از نماز در حالی که در جای خود (به حالت تشهد) نشسته است چهار مرتبه بگوید: لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، سپس چهار مرتبه بگوید: اَللّٰهُ رَبّي لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً آنگاه دعا کن، پس هر حاجتی که بخواهی برآورده می‌شود مگر اینکه هلاکت گروهی یا قطع رحم را درخواست نمایی. اقبال، ص ۶۷۶.

عَفىٰ وَ تَجاوَزَ، اُعْفُ عَنّي وَ تَجاوَزْ يا كَريمُ، اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَكْدَى الطَّلَبُ، وَ اَعْيَتِ الْحيلَةُ وَ الْمَذْهَبُ، وَ دَرَسَتِ الْآمالُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلاّٰ مِنْكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَ مَناهِلَ الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً، وَ اَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةً، وَ الْاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً، وَ اَعْلَمُ اَنَّكَ لِداعيكَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ، وَ لِلصّارِخِ اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ، وَ اَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلىٰ جُودِكَ وَ الضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْباخِلينَ، وَ مَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ، وَ اَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلاّٰ اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرادَةٍ يَخْتارُكَ بِها، وَ قَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ قَلْبي، وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ، اَوْ صارِخٌ اِلَيْكَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ، اَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ كَرْبَهُ، اَوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ، اَوْ مُعافىً اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ، اَوْ فَقيرٌ اَهْدَيْتَ غِناكَ اِلَيْهِ، وَ لِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلاّٰ صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ قَضَيْتَ حَوائِجي حَوائِجَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، وَ هٰذا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ، الَّذي اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ، اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ يا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، فَنَسْئَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ، الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلىٰ غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ، وَ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ، وَ الْآمِلينَ فيهِ بِشَفاعَتِكَ، اَللّٰهُمَّ وَ اهْدِنا اِلىٰ سَوآءِ السَّبيلِ، وَ اجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ في ظِلٍّ ظَليلٍ، فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَكيلُ، وَ السَّلامُ عَلىٰ عِبادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ، وَ صَلَواتُهُ (صَلَوٰتُهُ) عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ، اَللّٰهُمَّ وَ بارِكْ لَنا في يَوْمِنا هٰذَا الَّذي فَضَّلْتَهُ، وَ بِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ، وَ بِالْمَنْزِلِ الْعَظيمِ الْاَعْلىٰ اَنْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلىٰ مَنْ فيهِ اِلىٰ عِبادِكَ اَرْسَلْتَهُ، وَ بِالْمَحَلِّ الْكَريمِ اَحْلَلْتَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً دائِمَةً، تَكُونُ

لَكَ شُكْراً وَ لَنا ذُخْراً، وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا يُسْراً، وَ اخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ اِلىٰ مُنْتَهىٰ اٰجالِنا، وَ قَدْ قَبِلْتَ الْيَسيرَ مِنْ اَعْمالِنا، وَ بَلَّغْتَنا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ اٰمالِنا، اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ][1]

و این دعا را حضرت موسی بن جعفر ﷺ خواند در آن روزی که آن جناب را به جانب بغداد حرکت دادند، و آن روز ۲۷ رجب بوده، و این دعا از مذخور ادعیهٔ رجب است.

۷ بخواند. اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِالتَّجَلِّي الْاَعْظَمِ [في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَ الْمُرْسَلِ الْمُكَرَّمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ بِهِ مِنّا اَعْلَمُ، يا مَنْ يَعْلَمُ وَ لا نَعْلَمُ، اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا في لَيْلَتِنا هٰذِهِ الَّتي بِشَرَفِ الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها، وَ بِكَرامَتِكَ اَجْلَلْتَها وَ بِالْمَحَلِّ الشَّريفِ اَحْلَلْتَها، اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَسْئَلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّريفِ، وَ السَّيِّدِ اللَّطيفِ وَ الْعُنْصُرِ الْعَفيفِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَنْ تَجْعَلَ اَعْمالَنا في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ في سائِرِ اللَّيالي مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنا مَغْفُورَةً، وَ حَسَناتِنا مَشْكُورَةً، وَ سَيِّئاتِنا مَسْتُورَةً، وَ قُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً، وَ اَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَدْرُورَةً؛ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ وَ لا تُرىٰ، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ، وَ اِنَّ اِلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَ الْمُنْتَهىٰ، وَ اِنَّ لَكَ الْمَماتَ وَ الْمَحْيا، وَ اِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَ الْاُولىٰ، اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزىٰ، وَ اَنْ نَأْتِيَ ما عَنْهُ تَنْهىٰ، اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ نَسْتَعيذُ بِكَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنا مِنْها بِقُدْرَتِكَ، وَ نَسْئَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعينِ فَارْزُقْنا بِعِزَّتِكَ، وَ اجْعَلْ اَوْسَعَ اَرْزاقِنا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنا، وَ اَحْسَنَ اَعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ اٰجالِنا، وَ اَطِلْ في طاعَتِكَ وَ ما يُقَرِّبُ اِلَيْكَ وَ يُحْظي عِنْدَكَ، وَ يُزْلِفُ لَدَيْكَ اَعْمارَنا، وَ اَحْسِنْ في جَميعِ اَحْوالِنا وَ اُمُورِنا مَعْرِفَتَنا، وَ لا تَكِلْنا اِلىٰ اَحَدٍ

---

۱. همان، ص ۶۷۸ـ۶۷۹.

مِنْ خَلْقِكَ فِيمَنْ عَلَيْنا، وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنا بِجَمِيعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، وَ ابْدَأْ بِآبائِنا وَ أَبْنائِنا وَ جَمِيعِ إِخْوانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ ما سَأَلْناكَ لِأَنْفُسِنا، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ؛ اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اَللّٰهُمَّ وَ هٰذا رَجَبٌ الْمُكَرَّمُ الَّذِي أَكْرَمْتَنا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ، أَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ، وَ أَنْ تَجْعَلَنا مِنَ الْعامِلِينَ فِيهِ بِطاعَتِكَ، وَ الْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفاعَتِكَ؛ اَللّٰهُمَّ اهْدِنا إِلىٰ سَواءِ السَّبِيلِ، وَ اجْعَلْ مَقِيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَ مُلْكٍ جَزِيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ، غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنا وَ لا ضالِّينَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ؛ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَ بِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ النَّجاةَ مِنَ النّارِ؛ اَللّٰهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَ دَعَوْتُكَ، وَ سَأَلَكَ السّائِلُونَ وَ سَأَلْتُكَ، وَ طَلَبَ إِلَيْكَ الطّالِبُونَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ؛ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الثِّقَةُ وَ الرَّجاءُ، وَ إِلَيْكَ مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ فِي الدُّعاءِ؛ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَ النَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي، وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ عَلىٰ لِسانِي، وَ رِزْقاً واسِعاً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَ لا مَحْظُورٍ، فَارْزُقْنِي وَ بارِكْ لِي فِيما رَزَقْتَنِي، وَ اجْعَلْ غِنايَ فِي نَفْسِي، وَ رَغْبَتِي فِيما عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. پس به سجده برو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ، وَ خَصَّنا بِوِلايَتِهِ، وَ وَفَّقَنا لِطاعَتِهِ شُكْراً شُكْراً صد مرتبه، پس سر از سجده بردار و بگو: اَللّٰهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ بِحاجَتِي، وَ اعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي، وَ تَوَجَّهْتُ

إِلَيْكَ بِأَئِمَّتِي وَ سادَتِي، اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ، وَأَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ، وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زُمْرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. و این دعا را [با اندک تفاوتی] سیّد برای روز مبعث ذکر کرده.][1]

روز آخر ماه غسل در آن وارد شده است و روزه‌اش به سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است، و نماز سلمان به نحوی است که در روز اوّل گذشت.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۵۰ به نقل از اقبال.

۲

باب دوم

در ماه شعبان است و در آن دو فصل است:

فصل اوّل

در اعمال مشترکه این ماه شریف است.

بدان که: شعبان ماه بسیار شریفی است و منسوب است به حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله، و ماهی است که زیاد می‌شود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان، و زینت می‌کنند در آن بهشت‌ها را،[1] و در فضیلت روزه‌اش روایات بسیار است، حتّی وارد شده که نفع می‌بخشد برای کسی که اَلْعِیاذُ بِاللهِ مرتکب خون حرام شده باشد، با آنکه روایت شده از حضرت صادق علیه السلام: **هر که بکُشد مرد مؤمنی را، به او گویند: بمیر به هر نحوی که می‌خواهی به مذهب یهود یا نصاریٰ یا مجوس، وَعَنْهُ عَلَیْهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ اَعانَ عَلیٰ مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ کَلِمَةٍ، جاءَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ مَکْتُوبٌ بَیْنَ عَیْنَیْهِ آیِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ.**

بالجمله اعمال مشترکه این ماه چند امر است:

۱. در هر روزی هفتاد مرتبه بگوید: **اَسْتَغْفِرُاللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ.**

۲. در هر روز هفتاد بار بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ، اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ**؛ و در بعضی روایات **اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ** پیش از **الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ** است[2] و عمل به هر دو خوب است؛ و از روایات مستفاد می‌شود که بهترین دعاها و

---

۱. اقبال، ص ۶۸۲.

۲. همان، ص ۶۸۵.

اذکار در این ماه، استغفار است.

[۳] در هر روز در وقت زوال و در شب نیمه این صلوات را بخواند: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ [وَ مَوْضِعِ الرِّسالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلائِكَةِ، وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ اَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَلْفُلْكِ الْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها، وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَها، اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ، وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ، وَ اللّازِمُ لَهُمْ لاحِقٌ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَلْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَ غِياثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَ مَلْجَإِ الْهارِبِينَ، وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلٰوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضاً، وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَداءً وَ قَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ يا رَبَّ الْعالَمِينَ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبِينَ الْاَبْرارِ الْاَخْيارِ، اَلَّذِينَ اَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ، وَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَ وِلايَتَهُمْ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ، وَ لا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ ارْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ، بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ نَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ، وَ اَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ، وَ هٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوانِ، اَلَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ يَدْأَبُ فِي صِيامِهِ وَ قِيامِهِ فِي لَيالِيهِ وَ اَيّامِهِ، بُخُوعاً لَكَ فِي اِكْرامِهِ وَ اِعْظامِهِ اِلیٰ مَحَلِّ حِمامِهِ، اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَی الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَ نَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ؛ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً، وَ طَرِيقاً اِلَيْكَ مَهِيعاً، وَ اجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً، حَتّیٰ اَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَنِّي راضِياً، وَ عَنْ ذُنُوبِي غاضِياً، قَدْ اَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّضْوانَ، وَ اَنْزَلْتَنِي دارَ الْقَرارِ وَ مَحَلَّ الْاَخْيارِ][1]

۱. همان، ص ۶۷۸.

۴ بخواند مناجات مرویّه از حجج طاهره علیهم السّلام: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعٰائي [إِذٰا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ نِدٰائي إِذٰا نٰادَيْتُكَ، وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذٰا نٰاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكيناً لَكَ مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ، رٰاجِياً لَدَيْكَ ثَوٰابي، وَ تَعْلَمُ مٰا في نَفْسي، وَ تَخْبُرُ حٰاجَتي، وَ تَعْرِفُ ضَميري، وَ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبي وَ مَثْوٰايَ، وَ مٰا أُريدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقي، وَ أَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتي، وَ أَرْجُوهُ لِعٰاقِبَتي، وَ قَدْ جَرَتْ مَقٰاديرُكَ عَلَيَّ، يٰا سَيِّدي فيمٰا يَكُونُ مِنّي إِلىٰ آخِرِ عُمْري مِنْ سَريرَتي وَ عَلاٰنِيَتي، وَ بِيَدِكَ لاٰ بِيَدِ غَيْرِكَ زِيٰادَتي وَ نَقْصي وَ نَفْعي وَ ضَرّي؛ إِلٰهي إِنْ حَرَمْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَرْزُقُني، وَإِنْ خَذَلْتَني فَمَنْ ذَا الَّذي يَنْصُرُني، إِلٰهي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ، إِلٰهي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ؛ إِلٰهي كَأَنّي بِنَفْسي وٰاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ قَدْ أَظَلَّهٰا حُسْنُ تَوَكُّلي عَلَيْكَ، فَقُلْتَ (فَفَعَلْتَ)خ مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَغَمَّدْتَني بِعَفْوِكَ؛ إِلٰهي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ بِذٰلِكَ، وَإِنْ كٰانَ قَدْ دَنٰا أَجَلي وَ لَمْ يُدْنِني (يُدْنُ)خ مِنْكَ عَمَلي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرٰارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَ سيلَتي؛ إِلٰهي قَدْ جُرْتُ عَلىٰ نَفْسي فِي النَّظَرِ لَهٰا، فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهٰا إِلٰهي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيّٰامَ حَيٰوتي، فَلاٰ تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنّي في مَمٰاتي؛ إِلٰهي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لي بَعْدَ مَمٰاتي، وَ أَنْتَ لَمْ تُوَلِّني (تُولِني)خ إِلاّٰ الْجَميلَ في حَيٰوتي؛ إِلٰهي تَوَلَّ مِنْ أَمْري مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلىٰ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، إِلٰهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِي الدُّنْيٰا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلىٰ سَتْرِهٰا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْأُخْرىٰ (إِلٰهي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ)خ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهٰا لِأَحَدٍ مِنْ عِبٰادِكَ الصّٰالِحينَ، فَلاٰ تَفْضَحْني يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلىٰ رُؤُسِ الْأَشْهٰادِ؛ إِلٰهي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلي، وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلي؛ إِلٰهي فَسُرَّني بِلِقٰائِكَ يَوْمَ تَقْضي فيهِ بَيْنَ عِبٰادِكَ؛ إِلٰهي اعْتِذٰاري إِلَيْكَ اعْتِذٰارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ

قَبُولِ عُذْرِهِ، فَاقْبَلْ عُذْري يا أَكْرَمَ مِنَ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسيئُونَ. إِلٰهي لا تَرُدَّ حاجَتي، وَ لا تُخَيِّبْ طَمَعي، وَ لا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجائي وَ أَمَلي؛ إِلٰهي لَوْ أَرَدْتَ هَوانـي لَـمْ تَهْدِني، وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضيحَتي لَمْ تُعافِني؛ إِلٰهي ما أَظُنُّكَ تَرُدُّني في حاجَةٍ، قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْري في طَلَبِها مِنْكَ؛ إِلٰهي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَداً دائِماً سَرْمَداً يَزيدُ وَ لا يَبيدُ، كَما تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ. إِلٰهي إِنْ أَخَذْتَني بِجُرْمي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَ إِنْ أَخَذْتَني بِذُنُوبي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَها أَنّي أُحِبُّكَ؛ إِلٰهي إِنْ كانَ صَغُرَ في جَنْبِ طاعَتِكَ عَمَلي، فَقَدْ كَبُرَ في جَنْبِ رَجائِكَ أَمَلي؛ إِلٰهي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً، وَ قَدْ كانَ حُسْنُ ظَنّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَني بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً؛ إِلٰهي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْري في شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ، وَ أَبْلَيْتُ شَبابي في سَكْرَةِ التَّباعُدِ مِنْكَ؛ إِلٰهي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيّامَ اغْتِراري بِكَ، وَ رُكُوني إِلىٰ سَبيلِ سَخَطِكَ؛ إِلٰهي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ، قائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ؛ إِلٰهي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمّا كُنْتُ أُواجِهُكَ بِهِ، مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيائي مِنْ نَظَرِكَ، وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِكَرَمِكَ؛ إِلٰهي لَمْ يَكُنْ لي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، إِلاّ في وَقْتٍ أَيْقَظْتَني لِمَحَبَّتِكَ، وَ كَما أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخالي في كَرَمِكَ، وَ لِتَطْهيرِ قَلْبي مِنْ أَوْساخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ؛ إِلٰهي انْظُرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نادَيْتَهُ فَأَجابَكَ، وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطاعَكَ، يا قَريباً لا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ، وَ يا جَواداً لا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ؛ إِلٰهي هَبْ لي قَلْباً يُدْنيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَ لِساناً يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَ نَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ؛ إِلٰهي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ، وَ مَنْ لاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَ مَنْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ (مَمْلُولٍ)، إِلٰهي إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنيرٌ، وَ إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجيرٌ، وَ قَدْ لُذْتُ بِكَ يا إِلٰهي فَلا تُخَيِّبْ ظَنّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لا تَحْجُبْني عَنْ رَأْفَتِكَ؛ إِلٰهي أَقِمْني في أَهْلِ وِلايَتِكَ

مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّيادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ، اِلٰهي وَ اَلْهِمْني وَلَهاً بِذِكْرِكَ اِلىٰ ذِكْرِكَ، وَ هِمَّتي في رَوْحِ نَجاحِ اَسْمائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ، اِلٰهي بِكَ عَلَيْكَ اِلاّ اَلْحَقْتَني بِمَحَلِّ اَهْلِ طاعَتِكَ، وَ الْمَثْوَى الصّالِحِ مِنْ مَرْضاتِكَ، فَاِنّي لا اَقْدِرُ لِنَفْسي دَفْعاً، وَ لا اَمْلِكُ لَها نَفْعاً، اِلٰهي اَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الْمُذْنِبُ، وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنيبُ (الْمَعيبُ) فَلا تَجْعَلْني مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ، اِلٰهي هَبْ لي كَمالَ الْاِنْقِطاعِ اِلَيْكَ، وَ اَنِرْ اَبْصارَ قُلُوبِنا بِضِياءِ نَظَرِها اِلَيْكَ، حَتّىٰ تَخْرِقَ اَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ اِلىٰ مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَ تَصيرَ اَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، اِلٰهي وَ اجْعَلْني مِمَّنْ نادَيْتَهُ فَاَجابَكَ، وَ لاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِكَ، فَناجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَكَ جَهْراً، اِلٰهي لَمْ اُسَلِّطْ عَلىٰ حُسْنِ ظَنّي قُنُوطَ الْاَياسِ، وَ لاَ انْقَطَعَ رَجائي مِنْ جَميلِ كَرَمِكَ، اِلٰهي اِنْ كانَتِ الْخَطايا قَدْ اَسْقَطَتْني لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنّي بِحُسْنِ تَوَكُّلي عَلَيْكَ، اِلٰهي اِنْ حَطَّتْنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ نَبَّهَنِي الْيَقينُ اِلىٰ كَرَمِ عَطْفِكَ، اِلٰهي اِنْ اَنامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْاِسْتِعْدادِ لِلِقائِكَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلائِكَ، اِلٰهي اِنْ دَعاني اِلَى النّارِ عَظيمُ عِقابِكَ، فَقَدْ دَعاني اِلَى الْجَنَّةِ جَزيلُ ثَوابِكَ، اِلٰهي فَلَكَ اَسْئَلُ وَ اِلَيْكَ اَبْتَهِلُ وَ اَرْغَبُ، وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَجْعَلَني مِمَّنْ يُديمُ ذِكْرَكَ، وَ لا يَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَ لا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَ لا يَسْتَخِفُّ بِاَمْرِكَ، اِلٰهي وَ اَلْحِقْني بِنُورِ عِزِّكَ الْاَبْهَجِ، فَاَكُونَ لَكَ عارِفاً وَ عَنْ سِواكَ مُنْحَرِفاً، وَ مِنْكَ خائِفاً مُراقِباً، يا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ، وَ سَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.[1] و اين از مناجاتهای جليل القدر ائمه عليهم السلام است و بر مضامين عاليه مشتمل است و در هر وقت كه حضورقلبی باشد خواندن آن مناسبت است.]

---

۱. همان، ص ۶۸۵ـ۶۸۷.

۵ تصدّق کند در این ماه اگرچه به نصف دانهٔ خرما باشد، تا حقتعالی بدن او را به آتش جهنّم حرام گرداند؛ و روایت است که بهترین اعمال در این ماه تصدّق کردن و طلب آمرزش نمودن است.[۱]

۶ در مجموع این ماه هزار بار بگوید: لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَلاٰ نَعْبُدُ اِلاُّ اِیّٰاهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ که ثواب بسیار دارد، و از جمله آنکه عبادت هزار ساله در نامهٔ عملش بنویسند. [و گناه هزار ساله از او محو شود، و روز قیامت در حالی از قبرش بیرون می‌آید که صورتش مثل ماه شب چهارده می‌درخشد و نزد خدا صدّیق نوشته می‌شود.][۲]

۷ روزهٔ دوشنبه و پنجشنبه این ماه برای حوایج دنیا و آخرت نافع است.

۸ در هر پنجشنبهٔ این ماه دو رکعت نماز کند، در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد بار صلوات بفرستد، و روزه‌اش نیز فضیلت دارد، و روایت شده که: در هر روز پنجشنبهٔ ماه شعبان زینت می‌کنند آسمانها را، پس ملائکه عرض می‌کنند: **خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مُستجاب گردان.**[۳]

۹ در این ماه صلوات بسیار بفرستد.

۱۰ از روز جمعهٔ آخر ماه تا بقیّهٔ ماه بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنا فیما مَضیٰ مِنْ شَعْبانَ، فَاغْفِرْلَنا فیما بَقِیَ مِنْهُ.[۴]

---

۱. همان، ص ۶۸۵

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۸۸

۴. زاد المعاد، ص ۸۲

فصل دوم

در ذكر ايّام و لَيالي ماه شعبان است:

روز اوّل: روزه‌اش فضيلت دارد، و وارد شده كه بهشت او را واجب گردد البتّه.[1]

روز سوم: روز مباركى است، و موافق مشهور روز ولادت با سعادت حضرت سيّدالشّهداء عليه السلام است، سنهٔ ۳ سوّم در مدينهٔ طيّبه، و بنابر ولادت روزى است كه ملائكهٔ آسمانها به تهنيت پيغمبر صلى الله عليه و آله به اين مولود مسعود آمدند، و از خاک قبرش براى جدّش آوردند و آن جناب را تعزيت نيز بگفتند، و **فُطرس ملك يا دردائيل** پناه به آن طفل معصوم و امام مظلوم برد، حقتعالى او را ببخشيد و بجاى خودش برگردانيد، و از براى آن چند عمل است:

۱ روزه.

۲ خواندن دعاى: **اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ في هٰذَا الْيَوْمِ [اَلْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ وَ وِلادَتِهِ، بَكَتْهُ السَّمٰاءُ وَ مَنْ فيها وَ الْاَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْها، وَ لَمّا يَطَأْ لابَتَيْها قَتيلِ الْعَبْرَةِ، وَ سَيِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ اَلْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَ الشِّفٰاءَ في تُرْبَتِهِ، وَ الْفَوْزَ مَعَهُ في اَوْبَتِهِ، وَ الْاَوْصِياءَ**

---

۱. اقبال، ص ۶۸۵.

مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قٰائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ، حَتّىٰ يُدْرِكُوا الْأَوْتٰارَ وَ يَثْأَرُوا الثّٰارَ، وَ يُرْضُوا الْجَبّٰارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ أَنْصٰارٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلاٰفِ اللَّيْلِ وَ النَّهٰارِ؛ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَ أَسْئَلُ سُؤٰالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسيءٍ إِلىٰ نَفْسِهِ، مِمّٰا فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَ أَمْسِهِ، يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلىٰ مَحَلِّ رَمْسِهِ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ، وَاحْشُرْنٰا فِي زُمْرَتِهِ، وَ بَوِّئْنٰا مَعَهُ دٰارَ الْكَرٰامَةِ وَ مَحَلَّ الْإِقٰامَةِ؛ اَللّٰهُمَّ وَ كَمٰا أَكْرَمْتَنٰا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنٰا بِزُلْفَتِهِ، وَ ارْزُقْنٰا مُرٰافَقَتَهُ وَ سٰابِقَتَهُ، وَ اجْعَلْنٰا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَ يُكْثِرُ الصَّلوٰةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَ عَلىٰ جَميعِ أَوْصِيٰائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيٰائِهِ، اَلْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنىٰ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ، وَ الْحُجَجِ عَلىٰ جَميعِ الْبَشَرِ؛ اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنٰا فِي هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وَ أَنْجِحْ لَنٰا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمٰا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَ عٰاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عٰائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمينَ رَبَّ الْعٰالَمينَ][1]

[۳] خواندن دعای: اَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُتَعٰالِي الْمَكٰانِ [عَظيمُ الْجَبَرُوتِ، شَديدُ الْمِحٰالِ، غَنِيٌّ عَنِ الْخَلاٰئِقِ، عَريضُ الْكِبْرِيٰاءِ، قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ، قَريبُ الرَّحْمَةِ، صٰادِقُ الْوَعْدِ، سٰابِغُ النِّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلاٰءِ، قَريبٌ إِذٰا دُعيتَ، مُحيطٌ بِمٰا خَلَقْتَ، قٰابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تٰابَ إِلَيْكَ، قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا أَرَدْتَ، وَ مُدْرِكٌ مٰا طَلَبْتَ، وَ شَكُورٌ إِذٰا شُكِرْتَ، وَ ذَكُورٌ إِذٰا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتٰاجاً وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقيراً، وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خٰائِفاً وَ أَبْكي إِلَيْكَ مَكْرُوباً، وَ أَسْتَعينُ بِكَ ضَعيفاً، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كٰافِياً، أُحْكُمْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَ قَوْمِنٰا (بِالْحَقِّ) فَإِنَّهُمْ غَرُّونٰا وَ خَدَعُونٰا، وَ خَذَلُونٰا وَ غَدَرُوابِنٰا وَ قَتَلُونٰا، وَ نَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ (وُلْدُ) حَبيبِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ ﷺ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ

---

۱. اقبال، ص ۶۸۹-۶۹۰.

بِالرِّسالَةِ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ، فَاجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا فَرَجاً وَ مَخْرَجاً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ][1] و این آخر دعایی است که حضرت امام حسین﵇ خواند در آن روزی که کفّار دور او را احاطه کرده بودند، و علماء این دعا را از دعاهای روز سوّم این ماه گرفته‌اند.

و بدان که: سه دعا نقل شده که امام حسین﵇ هر سه را در روز عاشورا خواندند:

اوّل دعایی است که در وقت صبح عاشورا خواند، دست به درگاه الهی بلند کرد و گفت: **أَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتي في كُلِّ كَرْبٍ [وَأَنْتَ رَجائي في كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لي في كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِهِ ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضْعُفُ فيهِ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فيهِ الْحيلَةُ وَيَخْذُلُ فيهِ الصَّديقُ وَيَشْمَتُ فيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنّي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِواكَ فَفَرَّجْتَهُ عَنّي وَكَشَفْتَهُ أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ]**.[2]

دوم: این دعا است که تعلیم امام زین العابدین فرمود در آن روز، در وقتی که آن حضرت را در بر گرفت و خونها در بدن مبارکش می‌جوشید: **بِحَقِّ يٰس وَالْقُرْآنِ الْحَكيمِ، وَبِحَقِّ طٰه وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ، يا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ السّائِلينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فِي الضَّميرِ، يا مُنَفِّسَ الْمَكْرُوبينَ، يا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومينَ، يا راحِمَ الشَّيْخِ الْكَبيرِ، يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ إِلَى التَّفْسيرِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي كَذا وَكَذا**.[3]

سوم: دعای **أَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُتَعالِي الْمَكانِ** است که آخر دعای آن حضرت بوده.

علامهٔ مجلسی فرموده: زیارت آن حضرت﵇ و غُسل زیارت در این روز مستحب

۱. همان، ص ۶۹۰.
۲. اثبات الوصیّه، ص ۱۲۶؛ اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۸۲.
۳. نفس المهموم، ص ۳۲۷ به نقل از دعوات راوندی.

است. و بدان نیز که در مثل چنین روزی از سنهٔ شصتم جناب سیّدالشّهداء وارد مکّهٔ معظّمه شد.

روز پنجم سنهٔ ۴ بنا به روایتی ولادت امام حسین﴾ع﴿ واقع شده، علّامه مجلسی فرمود: اگر احتیاطاً امروز و روز سوم را حرمت بدارند و اعمال آن روز را در این روز نیز بعمل آورند خصوصاً زیارت، بهتر است.

اعمال شب نیمهٔ شعبان

شب نیمه، شب بسیار مبارکی است و بعد از شب قدر افضل لیالی است، و حقتعالی به فضل خویش در این شب به بندگان خود عطا مرحمت فرماید، و گناهان ایشان را بیامرزد وسائلی را از درگاه خویش رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا بطلبد.[۱] و روایت است که از اوّل این شب تا به آخر آن از جانب حقتعالی ندا می‌رسد که: آیا استغفار کننده‌ای هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود، تا من او را بیامرزم؟ آیا کسی هست که طلب روزی کند، تا من او را روزی دهم؟[۲]

و از جمله برکات این شب مبارک آن است که ولادت با سعادت **سلطان عصر امام زمان** ـ ارواحنالهالفداء ـ در سحر این شب سنهٔ ۲۵۵ «دویست و پنجاه و پنج» در سُرَّ مَنْ رایٰ واقع شده، و باعث مزید شرافت این لیلهٔ مبارکه شده؛ و از برای این شب چند عمل است:

۱. غسل است که باعث تخفیف گناهان می‌شود.[۳]

۲. احیاء این شب است به نماز و دعا و استغفار، چنانچه امام زین العابدین﴾ع﴿ می‌کردند.

۳. زیارت حضرت امام حسین﴾ع﴿ است، که افضل اعمال این شب و باعث آمرزش گناهان است، و هر که خواهد با او مصافحه کند روح صدوبیست چهار هزار پیغمبر،

---

۱. اقبال، ص ۶۹۵. ۲. همان، ص ۷۰۱.

۳. از امام صادق﴾ع﴿ منقول است: روزه بدارید ماه شعبان را، و در شب نیمهٔ آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد. «زاد المعاد، ص ۵۹».

زیارت کند آن جناب را در این شب. و اقلّ زیارت آن حضرت آن است که به بامی یا صحنی گشاده در آید و به جانب راست و چپ خود نظر کند، پس سر به جانب آسمان کند آن حضرت را به این کلمات [زیارت کند]: اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِاللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.[1] و هر کس در هر کجا که باشد در هر وقت که آن حضرت را به این کیفیّت زیارت کند، امید است که ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود. و ما دو زیارت مخصوصهٔ این شب را در «هدیه» ذکر کردیم.

۴ خواندن این دعا که به منزلهٔ زیارت امام زمان علیه السلام است: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَیْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها [وَ حُجَّتِكَ، وَ مَوْعُودِهَا الَّتي قَرَنْتَ اِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ وَ لا مُعَقِّبَ لِآياتِكَ، نُورُكَ الْمُتَأَلِّقُ، وَ ضِياۤؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَ الْعَلَمُ النُّورُ في طَخْياۤءِ الدَّيْجُورِ، اَلْغاۤئِبُ الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَ الْمَلاۤئِكَةُ شُهَّدُهُ، وَ اللّٰهُ ناصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ اِذا آنَ ميعادُهُ، وَ الْمَلاۤئِكَةُ اَمْدادُهُ سَيْفُ اللّٰهِ الَّذي لا يَنْبُو، وَ نُورُهُ الَّذي لا يَخْبُو، وَ ذُوالْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو، مَدارُ الدَّهْرِ وَ نَواميسُ الْعَصْرِ، وَ وُلاةُ الْاَمْرِ، وَ الْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ ما يَتَنَزَّلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ اَصْحابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ، تَراجِمَةُ وَحْيِهِ، وَ وُلاةُ اَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ؛ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَ قاۤئِمِهِمُ، الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ؛ اَللّٰهُمَّ وَ اَدْرِكْ بِنا اَيّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيامَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ، وَ اقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَ اكْتُبْنا في اَعْوانِهِ وَ خُلَصاۤئِهِ، وَ اَحْيِنا في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ، وَ بِصُحْبَتِهِ غانِمينَ، وَ بِحَقِّهِ قاۤئِمينَ، وَ مِنَ السُّوۤءِ سالِمينَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلَواتُهُ عَلىٰ (وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ) سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، وَ عَلىٰ اَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقينَ وَ عِتْرَتِهِ النّاطِقينَ، وَ الْعَنْ جَميعَ الظّالِمينَ، وَ احْكُمْ بَيْنَنا وَ بَيْنَهُمْ يا اَحْكَمَ الْحاكِمينَ][2]

---

۱. همان، ص ۶۰.

۲. مفاتیح، ص ۱۶۶.

۵ بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ [ما يَحُولُ بَيْنَنا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَ مِنْ طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ، وَ مِنَ الْيَقينِ ما يَهُونُ عَلَيْنا بِهِ مُصيباتُ الدُّنْيا، اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنا بِاَسْماعِنا وَ اَبْصارِنا وَ قُوَّتِنا ما اَحْيَيْتَنا، وَاجْعَلْهُ الْوارِثَ مِنّا، وَاجْعَلْ ثارَنا عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنا، وَانْصُرْنا عَلىٰ مَنْ عادانا، وَ لا تَجْعَلْ مُصيبَتَنا في دينِنا، وَ لا تَجْعَلِ الدُّنْيا اَكْبَرَ هَمِّنا وَ لا مَبْلَغَ عِلْمِنا، وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ][1]

۶ بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ [الْعَلِيُّ الْعَظيمُ الْخالِقُ الرّازِقُ الْمُحْيِي الْمُميتُ، الْبَدِيءُ الْبَديعُ لَكَ الْجَلالُ وَ لَكَ الْفَضْلُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الْجُودُ، وَ لَكَ الْكَرَمُ وَ لَكَ الْاَمْرُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ، يا واحِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَارْحَمْني، وَاكْفِني ما اَهَمَّني، وَاقْضِ دَيْني، وَ وَسِّعْ عَلَيَّ في رِزْقي، فَاِنَّكَ في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ كُلَّ اَمْرٍ حَكيمٍ تَفْرُقُ، وَ مَنْ تَشاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ، فَارْزُقْني وَ اَنْتَ خَيْرُ الرّازِقينَ، فَاِنَّكَ قُلْتَ وَ اَنْتَ خَيْرُ الْقائِلينَ النّاطِقينَ، وَ اسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ، فَمِنْ فَضْلِكَ اَسْئَلُ وَ اِيّاكَ قَصَدْتُ وَ ابْنَ نَبِيِّكَ اعْتَمَدْتُ، وَ لَكَ رَجَوْتُ فَارْحَمْني يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ][2]

۷ بخواند صلوات هر روز را که در وقت زوال می‌خواند.

۸ دعای کُمیل است که ورودش در این شب است و در شبهای جمعه نیز خوانده می‌شود.

۹ آنکه بگوید هر یک از سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ را صد مرتبه، که سبب آمرزش گناهان و بر آمدن حوائج است.[3]

---

۱. همان، ص ۶۹۹-۷۰۰.

۲. همان، ص ۶۹۸.

۳. همان، ص ۶۹۵.

۱۰ بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل حمد و جُحد، و در دوم حمد و توحید بخواند، و بعد از سلام تسبیح زهرا‌عليها‌السلام را بگوید بعکس ترتیب مشهور پس بگوید: يا مَنْ إلَيْهِ مَلْجَاءُ الْعِبادِ فِي الْمُهِمَّاتِ، [وَإلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمّاتِ، يا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيّاتِ، يا مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خَواطِرُ الْأَوْهامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ، يارَبَّ الْخَلائِقِ وَالْبَرِيّاتِ، يا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرَضِينَ وَالسَّمٰواتِ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إلٰهَ إلاّ أَنْتَ، أَمُتُّ إلَيْكَ بِلا إلٰهَ إلاّ أَنْتَ، فَيا لا إلٰهَ إلاّ أَنْتَ، اِجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ، وَسَمِعْتَ دُعاءَهُ فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ، وَتَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَأْتُ إلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي؛ اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ خَطايايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَغَمَّدْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ بِسابِغِ كَرامَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِيها مِنْ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَصَفْوَتَكَ؛ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ، وَفازَ فَغَنِمَ، وَاكْفِنِي شَرَّ ما أَسْلَفْتُ وَاعْصِمْنِي مِنَ الْإزْدِيادِ فِي مَعْصِيَتِكَ، وَحَبِّبْ إلَيَّ طاعَتَكَ، وَما يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَيُزْلِفُنِي عِنْدَكَ، سَيِّدِي إلَيْكَ يَلْجَأُ الْهارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطّالِبُ، وَعَلىٰ كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التّائِبُ، أَدَّبْتَ عِبادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ اَللّٰهُمَّ فَلا تَحْرِمْنِي ما رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلا تُؤْيِسْنِي مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ، وَلا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طاعَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ، رَبِّ إنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذٰلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِما أَنْتَ أَهْلُهُ لا بِما أَسْتَحِقُّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجائِي لَكَ، وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ؛ اَللّٰهُمَّ

وَاخْصُصْنى مِنْ كَرَمِكَ بِجَزيلِ قِسَمِكَ، وَاَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّىٰ اَقُومَ بِصالِحِ رِضاكَ، وَاَنْعَمَ بِجَزيلِ عَطآئِكَ وَاَسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمآئِكَ، فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ، وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ، فَجُدْ بِما سَئَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ، اَسْئَلُكَ بِكَ لا بِشَيْءٍ هُوَ اَعْظَمُ مِنْكَ؛ پس به سجده می‌روی و می‌گوئی: یٰارَبُّ بیست مرتبه یٰا اَللّٰهُ هفت مرتبه لاٰحَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ هفت مرتبه مٰاشٰآءَ اللّٰهُ ده مرتبه لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ ده مرتبه، پس صلوات می‌فرستی بر پیغمبر وآل اوﷺ و می‌خواهی از خدا حاجت خود را، پس قسم به خدا! که اگر حاجت بخواهی به سبب این عمل به عدد قطرات باران، هر آینه برساند به تو خداوند عزّوجلّ آن حاجتها را به کرم عمیم و فضل جسیم خود.][1]

۱۱ شیخ و کفعمی فرمود: بخواند دعای اِلٰهی تَعَرَّضَ لَكَ فی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ [وَقَصَدَكَ الْقاصِدُونَ، وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطّالِبُونَ، وَلَكَ فی هٰذَا اللَّیْلِ نَفَحاتٌ وَجَوآئِزُ وَعَطایا وَمَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلىٰ مَنْ تَشآءُ مِنْ عِبادِكَ، وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَةُ مِنْكَ، وَها اَنَا ذا عُبَیْدُكَ الْفَقیرُ اِلَیْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ، فَاِنْ كُنْتَ یا مَوْلایَ تَفَضَّلْتَ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَعُدْتَ عَلَیْهِ بِعآئِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ، وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ یا رَبَّ الْعالَمینَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَآلِهِ الطّاهِرینَ، وَسَلَّمَ تَسْلیماً اِنَّ اللّٰهَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَ، اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ][2] و این دعایی است که شبها در عقب نماز شفع خوانده می‌شود.

---

۱. همان، ص ۶۹۶-۶۹۷. ۲. همان، ص ۶۹۷-۶۹۸.

۱۲ بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و وتر دعاهایی را که شیخ و سیّد ذکر فرموده‌اند.

۱۳ بجا آورد سَجَدات [سجده‌ها] و دَعَواتی [دعاهائی] را که شیخ و سیداز رسول خداﷺ روایت کرده‌اند.

۱۴ نماز جعفر بجا آورد، چنانکه شیخ از حضرت امام رضا؟ع؟ روایت کرده.[۱]

۱۵ بجا آورد نمازهای این شب را، و آنها بسیار است از جمله چهار رکعت است که سی نفر از اصحاب صادق؟ع؟ بدین طریق از آن حضرت روایت کرده‌اند: در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید بخواند و بعد از نماز بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْكَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذٰابِكَ خٰائِفٌ وَبِكَ مُسْتَجیرٌ، [اَللّٰهُمَّ] رَبِّ لاٰ تُبَدِّلْ اِسْمی وَلاٰ تُغَیِّرْ جِسْمی، رَبِّ وَلاٰ تَجْهَدْ بَلاٰئی، وَلاٰ تُشْمِتْ بی اَعْدٰائی، اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقٰابِكَ، وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذٰابِكَ، وَاَعُوذُ بِرِضٰاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ، اَنْتَ كَمٰا اَثْنَیْتَ عَلیٰ نَفْسِكَ وَفَوْقَ مٰا یَقُولُ الْقٰائِلُونَ[۲] فیكَ. [سپس آنچه می‌خواهی دعا کن][۳]

روز نیمهٔ شعبان

روز نیمهٔ سنهٔ ۲۵۵، ولادت با سعادت امام زمان حضرت حجّةابن الحسن بن علی العسکری ـ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلیٰ آبٰائِهِ ـ واقع شده؛ والدهٔ ماجده‌اش حضرت نرجس خاتون از اولاد حَواری حضرت عیسی؟ع؟ است **وَیُسْتَحَبُّ زِیٰارَتُهُ فی كُلِّ زَمٰانٍ وَالدُّعٰاءُ بِتَعْجیلِ الْفَرَجِ عِنْدَ زِیٰارَتِهِ وَتَتَأَكَّدُ زِیٰارَتُهُ فِی السِّرْدٰابِ بِسُرَّ مَنْ رَایٰ وَهُوَالْمُتَیَقَّنُ ظُهُورُهُ وَتَمَلُّكُهُ وَاَنَّهُ یَمْلَاُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً كَمٰا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً.**

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۶۹.
۲. همان، ص ۷۶۲.
۳. اقبال، ص ۶۹۵.

و در مثل چنین روز سنه ۳۲۹ «سیصدوبیست و نه»، و شیخ جلیل معظّم «ابوالحسن علی بن محمد سمری» ـ عَلَیْهِ الرَّحْمَةُ ـ که آخر نوّاب امام عصر عَجَّلَ اللّٰه فَرَجَهُ بوده وفات کرد و اوّل غیبت کبری شد، و تا این زمان هزار و دوازده سال است که از غیبت کبری گذشته و این نور عالمتاب از انظار محجوب گشته و ما منتظران امام منتظَر هستیم، و در توقیع شریف حضرت عسکری علیه السلام است برای «علیّ بن بابویه قمی»: وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانْتِظارِ الْفَرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قالَ: أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِي انْتِظارُ الْفَرَجِ.[1]

قبر جناب «سمری» در بغداد است نزدیک قبر شیخ کلینی به قُرب جِسر.

شب آخر: شیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در شب آخر شعبان و شب اوّل ماه مبارک رمضان می‌خواند: اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبارَكَ [الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَ جُعِلَ هُدىً لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ، قَدْ حَضَرَ فَسَلِّمْنا فِيهِ وَ سَلِّمْهُ لَنا، وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ، يا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَ شَكَرَ الْكَثِيرَ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ؛ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلىٰ كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً، وَ مِنْ كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعاً، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، يامَنْ عَفا عَنِّي وَ عَمّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئاتِ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْنِي بِارْتِكابِ الْمَعاصِي، عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ، يا كَرِيمُ إِلٰهِي وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ، وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ، فَما عُذْرِي فَاعْفُ عَنِّي يا كَرِيمُ عَفْوَكَ، عَفْوَكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ، عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ التَّجاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَ يا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ؛ اَللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ (وَ) ابْنُ عَبْدِكَ (وَ) ابْنُ أَمَتِكَ، ضَعِيفٌ فَقِيرٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنىٰ وَ الْبَرَكَةِ عَلَى الْعِبادِ، قاهِرٌ مُقْتَدِرٌ

---

۱. بهجة الآمال، ج ۵، ص ۴۱۹؛ انوار البهیة، ص ۳۲۰، ط قم.

اَحْصَيْتَ اَعْمالَهُمْ، وَ قَسَمْتَ اَرْزاقَهُمْ، وَ جَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَلْوانُهُمْ، خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ وَ لا يَعْلَمُ الْعِبادُ عِلْمَكَ، وَ لا يَقْدِرُ الْعِبادُ قَدْرَكَ، وَ كُلُّنا فَقيرٌ اِلىٰ رَحْمَتِكَ، فَلا تَصْرِفْ عَنّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْني مِنْ صالِحي خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَ الْاَمَلِ وَ الْقَضاءِ وَ الْقَدَرِ؛ اَللّٰهُمَّ اَبْقِني خَيْرَ الْبَقاءِ، وَ اَفْنِني خَيْرَ الْفَناءِ عَلىٰ مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَ مُعاداةِ اَعْدائِكَ، وَ الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَ الْخُشُوعِ وَ الْوَفاءِ وَ التَّسْليمِ لَكَ، وَ التَّصْديقِ بِكِتابِكَ وَ اتِّباعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ؛ اَللّٰهُمَّ ما كانَ في قَلْبي مِنْ شَكٍّ اَوْ ريبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَذَخٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ خُيَلاءَ اَوْ رِياءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقاقٍ اَوْ نِفاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ اَوْ عِصْيانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ لا تُحِبُّ؛ فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ اَنْ تُبَدِّلَني مَكانَهُ ايماناً بِوَعْدِكَ، وَ وَفاءً بِعَهْدِكَ وَ رِضاً بِقَضائِكَ، وَ زُهْداً فِي الدُّنْيا وَ رَغْبَةً فيما عِنْدَكَ، وَ اَثَرَةً وَ طُمَأْنينَةً وَ تَوْبَةً نَصُوحاً، اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ؛ اِلٰهي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصىٰ، (فَكَاَنَّكَ لَمْ تَرَ)؛ وَ مِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطاعُ، فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَ اَنَا، وَ مَنْ لَمْ يَعْصِكَ سُكّانُ اَرْضِكَ، فَكُنْ عَلَيْنا بِالْفَضْلِ جَواداً، وَ بِالْخَيْرِ عَوّاداً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلٰوةً دائِمَةً لا تُحْصىٰ وَ لا تُعَدُّ، وَ لا يَقْدِرُ قَدْرَها غَيْرُكَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ][1]

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۸۱-۷۸۲.

۳

باب سوم

در ماه مبارک رمضان است و در آن دو فصل است:

فصل اوّل

در اعمال مشترکهٔ ماه رمضان است.

بدان که: «این ماه بهترین ماهها است، و ماهی است که مردم را خوانده‌اند به مهمانی الهی، نَفَسها در آن ثواب تسبیح و خوابها ثواب عبادت دارد، و دعا در آن مستجاب است، پس باید پیران را تعظیم کرد و کودکان را ترحّم و خویشان را نوازش و صله باید نمود، و بر فقرا تصدّق کرد، و نگاهداشت زبان و گوش و چشم را از چیزهایی که نباید گفت و شنید و دید، و مهربانی بایدکرد بر یتیمان، و در اوقات نمازها دستها را به دعا بلند کرد که بهترین ساعتها است، و باید سبک کرد پشتها را از بارهای گناه به طول دادن سجده‌ها، و باید سعی کرد در افطار دادن به روزه داران که هر که مؤمنی را افطار دهد ثواب بنده آزاد کردن دارد، و باید خُلقها را خوب کرد، و خدمت غلام و کنیز را سبک نمود و شرّ خود را از مردم باز داشت، و نماز بسیار بجا آورد، و صلوات بسیار فرستاد، و قرآن بسیار خواند، زیرا که در این ماه خواندنِ یک آیه از قرآن ثواب یک ختم در ماهها دیگر دارد، و خداوند در این ماه بسیاری از گناهان را می‌آمرزد، پس باید هر کسی سعی کند که آمرزش الهی شامل حال او شود، همانا شَقی آن کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم».[1]

---

۱. اقتباس از حدیث ۴، مجلس ۲۰، امالی صدوق.

و بدان که اعمال مشترکهٔ این ماه بر چهار قسم است:

قسم اوّل: اعمالی است که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می‌شود و آنها چند امر است:

اعمال هر شب و روز ماه مبارک رمضان

۱ خواندن این دعا بعد از هر فریضه: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ [فِي عامِي هٰذا وَفِي كُلِّ عامٍ، مٰا اَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ، وَلاٰ تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوٰاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَزِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفِي جَمِيعِ حَوٰائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، فَكُنْ لِي، اَللّٰهُمَّ إِنِّي اَسْئَلُكَ فِيمٰا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضٰاءِ الَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَلاٰ يُبَدَّلُ، اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ، اَلْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئٰاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فِيمٰا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي (فِي طٰاعَتِكَ)ع، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمٰانَتِي وَدَيْنِي، آمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ]**[۱]

و خواندن: **يا عَلِيُّ يا عَظِيمُ [يا غَفُورُ يا رَحِيمُ، اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَ هٰذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ، وَ شَرَّفْتَهُ وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ، وَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيامَهُ عَلَيَّ، وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضانَ، الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدىً لِلنّاسِ وَ بَيِّنٰاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ، وَ جَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ جَعَلْتَها خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ، فَيٰاذَا الْمَنِّ وَ لاٰ يُمَنُّ عَلَيْکَ، مُنَّ عَلَيَّ بِفَكاكِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَ اَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِکَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ]**[۲]

---

۱. اقبال، ص ۲۴.
۲. همان.

و خواندن دعای: [اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلیٰ اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرورَ، اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقیرٍ، اَللّٰهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جائِعٍ، اَللّٰهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْیانٍ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ دَیْنَ كُلِّ مَدینٍ، اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَریبٍ، اَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ اَسیرٍ، اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فاسِدٍ مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمینَ، اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَریضٍ، اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنا بِغِناكَ، اَللّٰهُمَّ غَیِّرْ سُوءَ حالِنا بِحُسْنِ حالِكَ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَ اَغْنِنا مِنَ الْفَقْرِ، اِنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ][1].

۲ در این ماه قرآن بسیار بخواند، و اگر روزی یک ختم بخواند خوب است ۳ـ در شب و روز این ماه ذکر صلوات و استغفار و لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ را بسیار بگوید، و نوافل شب و روز را بجا آورد و شعر نخواند، و چشم و گوش و زبان خود را نیز روزه دارد از محرمات، و بداند که روزه مجرّد امساك از اطعام و شراب نیست.

اعمال شبهای ماه مبارک رمضان

قسم دوّم: اعمالی است که در شبهای ماه مبارک رمضان باید بجا آورد و آن نیز چند چیز است:

۳ افطار است و مستحبّ است که بعد از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد، یا جمعی منتظر او باشند.[2]

۴ آنکه افطار کند بر چیز پاکیزه از حرام و شُبهات، و بهتر آن است که به خرمای حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد، و به خرما و آب و به رطب و به لبن و به حلوا و به نبات و به آب گرم، به هر کدام که افطار کند نیز خوب است.[3]

۵ آنکه در وقت افطار دعاهای وارده آن را بخواند، از جمله آنکه بگوید: اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلیٰ رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ وَعَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ، تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را

۱. مصباح کفعمی، ص ۶۱۷ـ۶۱۸. ۲. اقبال، ص ۱۱۴.
۳. همان، ص ۱۱۲.

که در این روز روزه داشته؛[۱] و اگر دعای اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ را که سیّد روایت کرده بخواند فضیلت بسیار یابد.

۶ در لقمهٔ اول بگوید: یٰا وٰاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْلي.

۷ در وقت افطار سورهٔ قدر بخواند.

۸ در وقت افطار تصدّق کند و افطار دهد روزه داران را، اگرچه به چند دانه خرما یا شربتی آب باشد.

۹ در هر شب خواندن هزار مرتبه إِنّٰا أَنْزَلْنٰاه وارد است.

۱۰ در هر شب صد مرتبه حم دُخان بخواند، اگر میسّر شود.

۱۱ این دعا را در هر شب بخواند تا گناه چهل ساله او آمرزیده شود: اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضٰانَ [الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَ افْتَرَضْتَ عَلىٰ عِبٰادِكَ فِيهِ الصِّيٰامَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ، فِي عٰامِي هٰذٰا وَ فِي كُلِّ عٰامٍ، وَ اغْفِرْلِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظٰامَ، فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُهٰا غَيْرُكَ يٰا رَحْمٰنُ يٰا عَلاّٰمُ.][۲]

۱۲ در هر شب بعد از نماز مغرب دعا کند برای حجّ به این دعا: اَللّٰهُمَّ إِنِّي بِكَ وَمِنْكَ أَطْلُبُ [حٰاجَتِي وَ مَنْ طَلَبَ حٰاجَةً إِلَى النّٰاسِ، فَإِنِّي لاٰ أَطْلُبُ حٰاجَتِي إِلاّٰ مِنْكَ وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوٰانِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عٰامِي هٰذٰا إِلىٰ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ، سَبِيلاً حِجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زٰاكِيَةً خٰالِصَةً لَكَ تَقَرُّ بِهٰا عَيْنِي وَ تَرْفَعُ بِهٰا دَرَجَتِي، وَ تَرْزُقَنِي أَنْ أَغُضَّ بَصَرِي، وَ أَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي، وَ أَنْ أَكُفَّ بِهٰا عَنْ جَمِيعِ مَحٰارِمِكَ، حَتّٰى لاٰ يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طٰاعَتِكَ، وَ خَشْيَتِكَ وَ الْعَمَلِ بِمٰا أَحْبَبْتَ، وَ التَّرْكِ لِمٰا كَرِهْتَ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ اجْعَلْ ذٰلِكَ فِي يُسْرٍ وَ يَسٰارٍ وَ عٰافِيَةٍ، وَ مٰا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَسْئَلُكَ أَنْ

---

۱. همان، ص ۱۱۷.
۲. اقبال، ص ۶۱

تَجْعَلَ وَفٰاتي قَتْلاً في سَبيلِكَ، تَحْتَ رٰايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ اَوْلِيٰائِكَ، وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَقْتُلَ بي اَعْدٰآئَكَ وَ اَعْدٰآءَ رَسُولِكَ، وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُكْرِمَني بِهَوٰانِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ لاٰ تُهِنّي بِكَرٰامَةِ اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيٰآئِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً، حَسْبِيَ اللّٰهُ مٰا شٰآءَ اللّٰهُ

مؤلف گوید: این دعاء موسوم به دعاء حج است][1] و این دعا را سیّد در اقبال روایت کرده در ضمن دعاهای بعد از فریضه مغرب.

۱۳ در هر شب دعای افتتاح[2] را بخواند: [اَللّٰهُمَّ اِنّي اَفْتَتِحُ الثَّنٰآءَ بِحَمْدِكَ، وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوٰابِ بِمَنِّكَ. وَاَيْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ في مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعٰاقِبينَ في مَوْضِعِ النَّكٰالِ وَ النَّقِمَةِ، وَ اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ في مَوْضِعِ الْكِبْرِيٰآءِ وَ الْعَظَمَةِ، اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لي في دُعٰآئِكَ وَ مَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يٰا سَميعُ مِدْحَتي، وَ اَجِبْ يٰا رَحيمُ دَعْوَتي، وَ اَقِلْ يٰا غَفُورُ عَثْرَتي، فَكَمْ يٰآ اِلٰهي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهٰا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهٰا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهٰا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهٰا، وَ حَلْقَةِ بَلٰآءٍ قَدْ فَكَكْتَهٰا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صٰاحِبَةً وَ لاٰ وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَميعِ مَحٰامِدِهِ كُلِّهٰا عَلىٰ جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّهٰا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لاٰ مُضٰادَّ لَهُ في مُلْكِهِ، وَ لاٰمُنٰازِعَ لَهُ فيٓ اَمْرِهِ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي لاٰ شَريكَ لَهُ في خَلْقِهِ، وَ لاٰ شَبيهَ لَهُ في عَظَمَتِهِ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الْفٰاشي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ، وَ حَمْدُهُ الظّٰاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْبٰاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ الَّذي لاٰ تَنْقُصُ خَزٰآئِنُهُ، وَ لاٰ تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطٰآءِ اِلاّٰ جُودًا وَ

۱. مصباح کفعمی، ص ۶۱۷؛ اقبال، ص ۲۴.

۲. به سند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که به شیعیان نوشتند که: در هر شب ماه مبارک [رمضان] این دعا را بخوانید، که دعای این ماه را ملائکه می‌شنوند و برای صاحبش استغفار می‌کنند و دعا این است: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَفْتَتِحُ... زاد المعاد، ص ۱۰۹ـ۱۱۰.

كَرَماً، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهّابُ؛ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حاجَةٍ بِيَ إِلَيْهِ عَظِيمَةٌ، وَ غِناكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَ هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ؛ اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَ تَجاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَ صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي، وَ سِتْرَكَ عَنْ قَبِيحِ عَمَلِي، وَ حِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي، عِنْدَ ما كانَ مِنْ خَطَأي وَ عَمْدِيَ، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْئَلَكَ ما لاٰ أَسْتَوْجِبُهُ، مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَرَيْتَنِي مَنْ قُدْرَتِكَ، وَ عَرَّفْتَنِي مِنْ إِجابَتِكَ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِناً، وَ أَسْئَلُكَ مُسْتَأْنِساً لاٰ خائِفاً وَ لاٰ وَجِلاً، مُدِلاًّ عَلَيْكَ فِيما قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرَ مَوْلاً كَرِيماً أَصْبَرَ عَلىٰ عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُوَلِّي عَنْكَ، وَ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ، وَ تَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلاٰ أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِيَ التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذٰلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَ الْإِحْسانِ إِلَيَّ، وَ التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسانِكَ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ الْإِصْباحِ، دَيّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعالَمِينَ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ طُولِ أَناتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَ هُوَ قادِرٌ عَلىٰ ما يُرِيدُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خالِقِ الْخَلْقِ باسِطِ الرِّزْقِ، فالِقِ الْإِصْباحِ ذِي الْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرامِ، وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعامِ، الَّذِي بَعُدَ فَلاٰ يُرىٰ وَ قَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوىٰ، تَبارَكَ وَ تَعالىٰ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ، وَ لاٰ شَبِيهٌ يُشاكِلُهُ، وَ لاٰ ظَهِيرٌ يُعاضِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزّاءَ، وَ تَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَماءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ ما يَشاءُ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنادِيهِ، وَ يَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَ أَنَا أَعْصِيهِ، وَ يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلاٰ أُجازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطانِي، وَ عَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفانِي، وَ بَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرانِي، فَأُثْنِي عَلَيْهِ

حٰامِدًا، وَاَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي لاٰ يُهْتَكُ حِجٰابُهُ، وَ لاٰ يُغْلَقُ بٰابُهُ، وَ لاٰ يُرَدُّ سٰائِلُهُ، وَ لاٰ يُخَيَّبُ اٰمِلُهُ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي يُؤْمِنُ الْخٰائِفينَ، وَ يُنَجِّي الصّٰالِحينَ، وَ يَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ، وَ يَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ، وَ يُهْلِكُ مُلُوكاً وَ يَسْتَخْلِفُ اٰخَرينَ، وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ قٰاصِمِ الْجَبّٰارينَ، مُبيرِ الظّٰالِمينَ، مُدْرِكِ الْهٰارِبينَ، نَكٰالِ الظّٰالِمينَ، صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ، مَوْضِعِ حٰاجٰاتِ الطّٰالِبينَ، مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنينَ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّمٰاءُ وَ سُكّٰانُهٰا، وَ تَرْجُفُ الْاَرْضُ وَ عُمّٰارُهٰا، وَ تَمُوجُ الْبِحٰارُ وَ مَنْ يَسْبَحُ في غَمَرٰاتِهٰا؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدٰانٰا لِهٰذٰا، وَ مٰا كُنّٰا لِنَهْتَدِيَ لَوْلاٰ اَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ، اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي يَخْلُقُ وَ لَمْ يُخْلَقْ، وَ يَرْزُقُ وَ لاٰ يُرْزَقُ، وَ يُطْعِمُ وَ لاٰ يُطْعَمُ، وَ يُميتُ الْاَحْيٰاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتىٰ، وَ هُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ؛ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ اَمينِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَبيبِكَ، وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ حٰافِظِ سِرِّكَ وَ مُبَلِّغِ رِسٰالاٰتِكَ، اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ، وَ اَزْكىٰ وَ اَنْمىٰ وَ اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنىٰ، وَ اَكْثَرَ مٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ، وَ سَلَّمْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ عِبٰادِكَ وَ اَنْبِيٰائِكَ، وَ رُسُلِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكَرٰامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ؛ اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ اَخي رَسُولِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَ اٰيَتِكَ الْكُبْرىٰ وَ النَّبَاِ الْعَظيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطّٰاهِرَةِ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمينَ وَ صَلِّ عَلىٰ سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَ اِمٰامَيِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبٰابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلىٰ اَئِمَّةِ الْمُسْلِمينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفِ الْهٰادِي الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلىٰ عِبٰادِكَ وَ اُمَنٰائِكَ في بِلاٰدِكَ، صَلٰوةً كَثيرَةً دٰائِمَةً؛ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ

اَمْرِکَ الْقٰآئِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، وَ حُفَّهُ بِمَلاۤئِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ، وَاَیِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ یٰا رَبَّ الْعٰالَمِینَ؛ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدّٰاعِیَ اِلیٰ کِتٰابِکَ، وَ الْقٰآئِمَ بِدِینِکَ، اِسْتَخْلِفْهُ فِي الْاَرْضِ کَمٰا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِ، مَکِّنْ لَهُ دِینَهُ الَّذِي ارْتَضَیْتَهُ لَهُ، اَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْناً، یَعْبُدُکَ لاٰ یُشْرِکُ بِکَ شَیْئاً؛ اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَ اَعْزِزْ بِهِ، وَانْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ، وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِیزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً یَسِیراً، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطٰاناً نَصِیراً؛ اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دِینَکَ وَ سُنَّةَ نَبِیِّکَ، حَتّیٰ لاٰ یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِّ، مَخٰافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛ اَللّٰهُمَّ اِنّٰا نَرْغَبُ اِلَیْکَ فِي دَوْلَةٍ کَرِیمَةٍ تُعِزُّبِهَا الْاِسْلاٰمَ وَ اَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفٰاقَ وَ اَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنٰا فِیهٰا مِنَ الدُّعٰاةِ اِلیٰ طٰاعَتِکَ، وَ الْقٰادَةِ اِلیٰ سَبِیلِکَ، وَ تَرْزُقُنٰا بِهٰا کَرٰامَةَ الدُّنْیٰا وَ الْاٰخِرَةِ؛ اَللّٰهُمَّ مٰا عَرَّفْتَنٰا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنٰاهُ، وَ مٰا قَصُرْنٰا عَنْهُ فَبَلِّغْنٰاهُ؛ اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنٰا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنٰا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنٰا، وَ کَثِّرْبِهِ قِلَّتَنٰا، وَ اَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنٰا، وَ اَغْنِ بِهِ عٰآئِلَنٰا، وَ اَقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنٰا، وَاجْبُرْبِهِ فَقْرَنٰا، وَسُدَّ بِهِ خُلَّتَنٰا، وَ یَسِّرْ بِهِ عُسْرَنٰا، وَ بَیِّضْ بِهِ وُجُوهَنٰا، وَفُکَّ بِهِ اَسْرَنٰا، وَ اَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنٰا، وَ اَنْجِزْبِهِ مَوٰاعِیدَنٰا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنٰا، وَ اَعْطِنٰا بِهِ سُؤْلَنٰا، وَ بَلِّغْنٰا بِهِ مِنَ الدُّنْیٰا وَ الْاٰخِرَةِ اٰمٰالَنٰا، وَاَعْطِنٰا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنٰا، یٰا خَیْرَ الْمَسْئُولِینَ وَ اَوْسَعَ الْمُعْطِینَ، اِشْفِ بِهِ صُدُورَنٰا، وَاَذْهِبْ بِهِ غَیْظَ قُلُوبِنٰا، وَ اهْدِنٰا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِکَ، اِنَّکَ تَهْدِي مَنْ تَشٰآءُ اِلیٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِیمٍ، وَ انْصُرْنٰا بِهِ عَلیٰ عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّنٰا، اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِینَ؛ اَللّٰهُمَّ اِنّٰا نَشْکُو اِلَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنٰا، صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ غَیْبَةَ وَلِیِّنٰا، وَ کَثْرَةَ عَدُوِّنٰا، وَ قِلَّةَ عَدَدِنٰا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنٰا، وَ تَظٰاهُرَ الزَّمٰانِ عَلَیْنٰا، فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَ اَعِنّٰا عَلیٰ ذٰلِکَ بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ، وَ بِضُرٍّ تَکْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَ سُلْطٰانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْکَ تُجَلِّلُنٰاهٰا، وَعٰافِیَةٍ

مِنْکَ تُلْبِسُناها، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ][1]

۱۴ در هر شب بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی [وَ تُقَدِّرُ، مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی الْأَمْرِ الْحَکیمِ، مِنَ الْقَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ وَ لا یُبَدَّلُ، اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّاجِ بَیْتِكَ الْحَرامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْ سَیِّئاتِهِمْ (عَنْهُمْ سَیِّئاتُهُمْ)خ، وَ اَنْ تَجْعَلَ فیما تَقْضی وَ تُقَدِّرُ، اَنْ تُطیلَ عُمْری فی خَیْرٍ وَ عافِیَةٍ، وَ تُوَسِّعَ فی رِزْقی، وَ تَجْعَلَنی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدینِكَ وَ لا تَسْتَبْدِلْ بی غَیْری.][2]

و بخواند ایضاً: اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِی الصّالِحینَ [فَاَدْخِلْنا، وَ فی عِلِّیّینَ فَارْفَعْنا، وَ بِکَأْسٍ مِنْ مَعینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبیلٍ فَاسْقِنا، وَ مِنَ الْحُورِ الْعینِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا، وَ مِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدینَ کَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَکْنُونٌ فَاَخْدِمْنا، وَ مِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَ لُحُومِ الطَّیْرِ فَاَطْعِمْنا، وَ مِنْ ثِیابِ السُّنْدُسِ وَ الْحَریرِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا، وَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرامِ وَ قَتْلاً فی سَبیلِكَ فَوَفِّقْ لَنا، وَ صالِحَ الدُّعاءِ وَ الْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا، (یا خالِقَنا اسْمَعْ وَ اسْتَجِبْ لَنا)خ وَ اِذا جَمَعْتَ الْأَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ یَوْمَ الْقِیمَةِ فَارْحَمْنا، وَ بَرائَةً مِنَ النّارِ فَاکْتُبْ لَنا، وَ فی جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا، وَ فی عَذابِكَ وَ هَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا، وَ مِنَ الزَّقُّومِ وَ الضَّریعِ فَلا تُطْعِمْنا، وَ مَعَ الشَّیاطینِ فَلا تَجْعَلْنا، وَ فِی النّارِ عَلیٰ وُجُوهِنا فَلا تَکْبُبْنا (تَکُبَّنا)خ وَ مِنْ ثِیابِ النّارِ وَ سَرابیلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا، وَ مِنْ کُلِّ سُوءٍ یا لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ، بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ فَنَجِّنا][3] و بدان که از چیزهاییکه در شبهای ماه رمضان باید بجا آورده شود هزار رکعت نماز است در مجموع این ماه به نحوی که در جای خود بشرح رفته.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۲۰.
۲. اقبال، ص ۶۱.
۳. همان، ص ۶۱.

اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان

قسم سوم در اعمال سحرهای ماه مبارک است و آن نیز چند است:

۱۵ سحور خوردن و ترک نکند سحور را، اگر چه به یک دانه خرمای زبون یا شربت آب باشد، و بهترین سحورها سَویق یعنی قاووت و خرما است، و وارد شده که: **حقتعالی وملائکه صلوات می‌فرستند بر آنها که استغفار می‌کنند در سحرها و سَحور می‌خورند.**[1]

۱۶ سورهٔ **اِنّا اَنْزَلْناهُ** در وقت سحور بخواند، که هر که این سوره مبارکه را در وقت افطار کردن و سحور بخواند در ما بین این دو وقت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا در خون خود بغلطد.[2]

۱۷ دعای **«ابوحمزهٔ ثمالی»** را در سحرها بخواند.

۱۸ **اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ** در سحرها بخواند [**اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ بَهٰآئِکَ بِاَبْهٰاهُ، وَ کُلُّ بَهٰآئِکَ بَهِيٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِبَهٰآئِکَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ جَمٰالِکَ بِاَجْمَلِهِ، وَ کُلُّ جَمٰالِکَ جَميلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِجَمٰالِکَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ جَلاٰلِکَ بِاَجَلِّهِ وَ کُلُّ جَلاٰلِکَ جَليلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِجَلاٰلِکَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِهٰا، وَ کُلُّ عَظَمَتِکَ عَظيمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّهٰا، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهِ، وَ کُلُّ نُورِکَ نَيِّرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِاَوْسَعِهٰا، وَ کُلُّ رَحْمَتِکَ وٰاسِعَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّهٰا، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ کَلِمٰاتِکَ بِاَتَمِّهٰا، وَ کُلُّ کَلِمٰاتِکَ تٰامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِکَلِمٰاتِکَ کُلِّهٰا، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ کَمٰالِکَ بِاَکْمَلِهِ، وَ کُلُّ کَمٰالِکَ کٰامِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِکَمٰالِکَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ اَسْمٰآئِکَ بِاَکْبَرِهٰا، وَ کُلُّ اَسْمٰآئِکَ کَبيرَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِاَسْمٰآئِکَ**

---

۱. همان، ص ۸۲.
۲. همان، ص ۸۳.

كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِها عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ، وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ، وَكُلُّها (كُلُّ مَسائِلِكَ)خ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ، وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِاَعْلاهُ، وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ، وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ آياتِكَ بِاَكْرَمِها، وَكُلُّ آياتِكَ كَريمَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِآياتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشَّأْنِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُني بِهِ حينَ اَسْئَلُكَ، فَاَجِبْني يا اَللّٰهُ][1] در سحرها بخواند.

۱۹ در سحرها بخواند این دعا را که شیخ و سید ذکر کرده‌اند: يا عُدَّتي عِنْدَ [في]خ كُرْبَتي [وَ يا صاحِبي في شِدَّتي وَ يا وَلِيّي في نِعْمَتي وَ يا غايَتي في رَغْبَتي اَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتي وَ الْمُقيلُ عَثْرَتي فَاغْفِرْ لي خَطيئَتي اَللّٰهُمَّ اِنّي

۱. مفاتیح، ص ۱۸۴.

أَسْئَلُكَ خُشُوعَ الْإِيمانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي النّارِ يا واحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، يا مَنْ يُعْطي مَنْ سَئَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً، وَ يَبْتَدِىءُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَماً بِكَرَمِكَ الدّائِمِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ لي رَحْمَةً واسِعَةً جامِعَةً أَبْلُغُ بِها خَيْرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، اَللّهُمَّ إِنّي أَسْتَغْفِرُكَ لِما تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فيهِ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ، فَخالَطَني فيهِ ما لَيْسَ لَكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْفُ عَنْ ظُلْمي وَ جُرْمي بِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ يا كَريمُ، يا مَنْ لا يَخيبُ سائِلُهُ، وَ لا يَنْفَدُ نائِلُهُ، يا مَنْ عَلا فَلا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَدَنىٰ فَلا شَيْءَ دُونَهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْني يا فالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسىٰ أَللَّيْلَةَ أَللَّيْلَةَ أَللَّيْلَةَ، اَلسّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ، اَللّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبي مِنَ النِّفاقِ، وَ عَمَلي مِنَ الرِّياءِ، وَ لِساني مِنَ الْكِذْبِ، وَعَيْني مِنَ الْخِيانَةِ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ، يا رَبِّ هٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ، هٰذا مَقامُ الْمُسْتَجيرِ بِكَ مِنَ النّارِ، هٰذا مَقامُ الْمُسْتَغيثِ بِكَ مِنَ النّارِ، هٰذا مَقامُ الْهارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النّارِ، هٰذا مَقامُ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطيئَتِهِ، وَ يَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَ يَتُوبُ إِلىٰ رَبِّهِ، هٰذا مَقامُ الْبائِسِ الْفَقيرِ، هٰذا مَقامُ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ، هٰذا مَقامُ الْمَحْزُونِ الْمَكْرُوبِ، هٰذا مَقامُ الْمَغْمُومِ، (الْمَحْزُونِ) الْمَهْمُومِ، هٰذا مَقامُ الْغَريبِ الْغَريقِ، هٰذا مَقامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِقِ، هٰذا مَقامُ مَنْ لا يَجِدُ لِذَنْبِهِ غافِراً غَيْرَكَ، وَ لا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً إِلاّ أَنْتَ، وَ لا لِهَمِّهِ مُفَرِّجاً سِواكَ، يا أَللّهُ يا كَريمُ لا تُحْرِقْ وَجْهي بِالنّارِ بَعْدَ سُجُودي لَكَ، وَ تَعْفيري بِغَيْرِ مَنٍّ مِنّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَنُّ وَ التَّفَضُّلُ عَلَيَّ، إِرْحَمْ أَيْ رَبِّ أَيْ رَبِّ؛ أَيْ رَبِّ بگويد تا آنكه نفس قطع شود، ضَعْفي وَ قِلَّةَ حيلَتي، وَرِقَّةَ جِلْدي وَ تَبَدُّدَ أَوْصالي، وَ تَناثُرَ لَحْمي وَ جِسْمي وَ جَسَدي وَ وَحْدَتي، وَ وَحْشَتي في قَبْري وَ جَزَعي مِنْ صَغيرِ الْبَلاءِ، أَسْئَلُكَ يا رَبِّ

قُرَّةَ الْعَيْنِ وَ الْإِغْتِباطَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ النَّدامَةِ، بَيِّضْ وَجْهي يا رَبِّ يَوْمَ تَسْوَدُّ الْوُجُوهُ، اٰمِنّي مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، اَسْئَلُكَ الْبُشْرىٰ يَوْمَ تُقَلَّبُ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ، وَ الْبُشْرىٰ عِنْدَ فِراقِ الدُّنْيا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَرْجُوهُ عَوْناً (لي) في حَياتي، وَ اُعِدُّهُ ذُخْراً لِيَوْمِ فاقَتي، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَدْعُوهُ وَ لا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعائي، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَرْجُوهُ وَ لا اَرْجُو غَيْرَهُ، وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجائي، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُنْعِمِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ، ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَ مُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ، وَ قاضي كُلِّ حاجَةٍ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي الْيَقينَ، وَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، وَ اَثْبِتْ رَجاءَكَ في قَلْبي، وَ اقْطَعْ رَجائي عَمَّنْ سِواكَ، حَتّىٰ لا اَرْجُو غَيْرَكَ، وَ لا اَثِقَ اِلاّ بِكَ، يا لَطيفاً لِما تَشاءُ، اُلْطُفْ لي في جَميعِ اَحْوالي بِما تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ، يا رَبِّ اِنّي ضَعيفٌ عَلَى النّارِ فَلا تُعَذِّبْني بِالنّارِ، يا رَبِّ ارْحَمْ دُعائي وَ تَضَرُّعي وَ خَوْفي وَ ذُلّي وَ مَسْكَنَتي وَ تَعْويذي وَ تَلْويذي، يا رَبِّ اِنّي ضَعيفٌ عَنْ طَلَبِ الدُّنْيا وَ اَنْتَ واسِعٌ كَريمٌ، اَسْئَلُكَ يا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلىٰ ذٰلِكَ، وَ قُدْرَتِكَ عَلَيْهِ وَ غِناكَ عَنْهُ وَ حاجَتي اِلَيْهِ، اَنْ تَرْزُقَني في عامي هٰذا، وَ شَهْري هٰذا، وَ يَوْمي هٰذا، وَ ساعَتي هٰذِهِ رِزْقاً تُغْنيني بِهِ عَنْ تَكَلُّفِ ما في اَيْدِي النّاسِ، مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ الطَّيِّبِ، اَيْ رَبِّ مِنْكَ اَطْلُبُ وَ اِلَيْكَ اَرْغَبُ، وَ اِيّاكَ اَرْجُو وَ اَنْتَ اَهْلُ ذٰلِكَ، لا اَرْجُو غَيْرَكَ، وَ لا اَثِقُ اِلاّ بِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَيْ رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسي، فَاغْفِرْلي وَ ارْحَمْني وَ عافِني، يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، وَ يا جامِعَ كُلِّ فَوْتٍ، وَ يا بارِىءَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا مَنْ لا تَغْشاهُ الظُّلُماتُ، وَ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ، وَ لا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ اَفْضَلَ ما سَئَلَكَ، وَ اَفْضَلَ ما سُئِلْتَ لَهُ، وَ اَفْضَلَ ما اَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ، وَهَبْ لِيَ الْعافِيَةَ حَتّىٰ تُهَنِّئَنِي الْمَعيشَةَ، وَ اخْتِمْ لي

بِخَيْرٍ حَتّىٰ لاٰ تَضُرَّنِى الذُّنُوبُ، اَللّٰهُمَّ رَضِّنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي حَتّىٰ لاٰ اَسْئَلَ اَحَداً شَيْئاً، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْتَحْ لِي خَزٰائِنَ رَحْمَتِكَ، وَ ارْحَمْنِي رَحْمَةً لاٰ تُعَذِّبُنِي بَعْدَهٰا اَبَداً فِى الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَةِ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوٰاسِعِ، رِزْقاً حَلاٰلاً طَيِّباً لاٰ تُفْقِرُنِي اِلىٰ اَحَدٍ بَعْدَهُ سِوٰاكَ، تَزِيدُنِي بِذٰلِكَ شُكْراً، وَ اِلَيْكَ فٰاقَةً وَ فَقْراً، وَ بِكَ عَمَّنْ سِوٰاكَ غِنىً وَ تَعَفُّفاً، يٰا مُحْسِنُ يٰا مُجْمِلُ، يٰا مُنْعِمُ يٰا مُفْضِلُ، يٰا مَلِيكُ يٰا مُقْتَدِرُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِى الْمُهِمَّ كُلَّهُ، وَ اقْضِ لِي بِالْحُسْنىٰ، وَ بٰارِكْ لِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي، وَ اقْضِ لِي جَمِيعَ حَوٰائِجِي اَللّٰهُمَّ يَسِّرْلِي مٰا اَخٰافُ تَعْسِيرَهُ (تَعَسُّرَهُ)خ، فَاِنَّ تَيْسِيرَ مٰا اَخٰافُ تَعْسِيرَهُ (تَعَسُّرَهُ)خ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، وَ سَهِّلْ لِي مٰا اَخٰافُ حُزُونَتَهُ، وَ نَفِّسْ عَنِّي مٰا اَخٰافُ ضِيقَهُ، وَ كُفَّ عَنِّي مٰا اَخٰافُ هَمَّهُ (غَمَّهُ)خ، وَاصْرِفْ عَنِّي مٰا اَخٰافُ بَلِيَّتَهُ، يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبّاً لَكَ، وَ خَشْيَةً مِنْكَ، وَ تَصْدِيقاً لَكَ، وَ اِيمٰاناً بِكَ، وَفَرَقاً مِنْكَ، وَ شَوْقاً اِلَيْكَ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ حُقُوقاً فَتَصَدَّقْ بِهٰا عَلَيَّ، وَ لِلنّٰاسِ قِبَلِي تَبِعٰاتٌ فَتَحَمَّلْهٰا عَنِّي، وَ قَدْ اَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرىً وَ اَنٰا ضَيْفُكَ، فَاجْعَلْ قِرٰايَ اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ، يٰا وَهّٰابَ الْجَنَّةِ، يٰا وَهّٰابَ الْمَغْفِرَةِ، وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِكَ.][1]

[۲۰] بخواند دعای ادریس را که هر دو نیز روایت کرده‌اند: سُبْحٰانَكَ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ.

[۲۱] بخواند این تسبیحات را که سیّد روایت کرده: سُبْحٰانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوٰارِحَ الْقُلُوبِ [سُبْحٰانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْهِ خٰافِيَةٌ فِى السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرَضِينَ، سُبْحٰانَ الرَّبِّ الْوَدُودِ، سُبْحٰانَ الْفَرْدِ الْوِتْرِ، سُبْحٰانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يَعْتَدِي عَلىٰ اَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يُؤٰاخِذُ اَهْلَ

---

۱. همان، ص ۷۸ـ۸۰.

الْأَرْضِ بِأَلْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الْحَنّانِ الْمَنّانِ، سُبْحانَ الرَّؤُفِ الرَّحيمِ، سُبْحانَ الْجَبّارِ الْجَوادِ، سُبْحانَ الْكَريمِ الْحَليمِ، سُبْحانَ الْبَصيرِ الْعَليمِ، سُبْحانَ الْبَصيرِ الْواسِعِ، سُبْحانَ اللّهِ عَلىٰ إِقْبالِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللّهِ عَلىٰ إِدْبارِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللّهِ عَلىٰ إِدْبارِ اللَّيْلِ وَ إِقْبالِ النَّهارِ، (سُبْحانَ اللّهِ عَلىٰ إِقْبالِ النَّهارِ وَإِدْبارِ اللَّيْلِ سُبْحانَ اللّهِ عَلىٰ إِقْبالِ النَّهارِ وَ إِقْبالِ اللَّيْلِ)ع وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْكِبْرِياءُ مَعَ كُلِّ نَفَسٍ، وَكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَكُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ في عِلْمِهِ، سُبْحانَكَ مِلْأَ ما أَحْصىٰ كِتابُكَ، سُبْحانَكَ زِنَةَ عَرْشِكَ، سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ][1]

۲۲ بخواند این دعا را که مختصرترین دعاهای سحر است: يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي [وَ يا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي، إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَ بِكَ اسْتَغَثْتُ، وَ بِكَ لُذْتُ لا أَلُوذُ بِسِواكَ، وَ لا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلاّ مِنْكَ، فَأَغِثْني وَ فَرِّجْ عَنّي، يا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسيرَ، وَ يَعْفو عَنِ الْكَثيرِ، إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ، اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي، وَ يَقيناً حَتّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصيبَني إِلاّ ما كَتَبْتَ لي، وَ رَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ لي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا عُدَّتي في كُرْبَتي، وَ يا صاحِبي في شِدَّتي، وَ يا وَلِيّي في نِعْمَتي، وَ يا غايَتي في رَغْبَتي، أَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي، وَ الْآمِنُ رَوْعَتي، وَ الْمُقيلُ عَثْرَتي، فَاغْفِرْ لي خَطيئَتي يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ][2] و بدان که علما فرموده‌اند: اگر نیّت روزه را بعد از سَحور بکند، بهتر است و از اوّل شب تا آخر شب نیّت می‌توان کرد، و همین که می‌داند و قصد دارد که فردا از برای خدا روزه می‌گیرد و امساک از مُفطرات می‌کند بس است، و شایسته است که در سحرها نماز شب را ترک نکند و تهجّد بعمل آورد.

۱. همان، ص ۸۲

۲. همان، ص ۸۲

اعمال روزهای ماه مبارک رمضان

قسم چهارم: در اعمال روزهای ماه رمضان است و آن چند چیز است:

۱ در هر روز بخواند: اَللّٰهُمَّ هٰذا شَهْرُ الصِّیامِ و این دعا به دو نحو روایت شده: یکی مختصر است چنانکه در کافی است ـ و حقیر در هدیة الزائر آن را نقل کرده‌ام ـ و دیگر مبسوط است چنانکه در اقبال است و علامهٔ مجلسی‌؇ آن را در زادالمعاد نقل فرموده.

۲ خواندن این تسبیحات عشر (دهگانه) است در هر روز: سُبْحانَ اللّٰهِ بارِیءِ النَّسِمِ.

۳ خواندن این صلوات است: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ [یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً، لَبَّیْكَ یا رَبِّ وَ سَعْدَیْكَ، وَ سُبْحانَكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِكْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما صَلَّیْتَ وَ بارَكْتَ عَلیٰ اِبْراهیمَ وَ آلِ اِبْراهیمَ، اِنَّكَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما رَحِمْتَ اِبْراهیمَ وَ آلَ اِبْراهیمَ، اِنَّكَ حَمیدٌ مَجیدٌ. اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما سَلَّمْتَ عَلیٰ نُوحٍ فِی الْعالَمینَ. اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ عَلیٰ مُوسیٰ وَ هٰرُونَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما شَرَّفْتَنا بِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَما هَدَیْتَنا بِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ، عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ، عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَیْنٌ اَوْ بَرَقَتْ، عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ، عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ السَّلامُ كُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ، اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِی الْاَوَّلینَ، وَ السَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِی الْآخِرینَ، وَ السَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقامِ، وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرامِ، اَبْلِغْ مُحَمَّداً نَبِیَّكَ عَنَّا (وَ اَهْلَ بَیْتِهِ عَنّا اَفْضَلَ التَّحِیَّةِ وَالسَّلامِ) ع السَّلامَ، اَللّٰهُمَّ

اَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهآءِ وَ النَّضْرَةِ وَ السُّرُورِ، وَ الْكَرامَةِ وَ الْغِبْطَةِ وَ الْوَسيلَةِ وَ الْمَنْزِلَةِ، وَ الْمَقامِ وَ الشَّرَفِ وَ الرِّفْعَةِ، وَ الشَّفاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيمَةِ اَفْضَلَ ما تُعْطي اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، وَ اَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِي الْخَلآئِقَ مِنَ الْخَيْرِ اَضْعافاً (مُضاعَفَةً) كَثيرَةً لا يُحْصيها غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَزْكىٰ وَ اَنْمىٰ، وَ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلينَ وَ الْاٰخِرينَ، وَ عَلىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ شَرِكَ في دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ (وَ والِ مَنْ والاها، و عادِ مَنْ عاداها، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَها)ح وَالْعَنْ مَنْ اٰذىٰ نَبِيَّكَ فيها، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اِمامَيِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُما، وَ عادِ مَنْ عاداهُما، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ شَرِكَ في (دَمِهِما)ح دِمآئِهِما، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَهُ، (شَرِكَ في دَمِهِ)ح اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَهُ، (شَرِكَ في دَمِهِ)ح اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ (ظَلَمَهُ) شَرِكَ في دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَ والِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ (ظَلَمَهُ)ح شَرِكَ في دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمامِ الْمُسْلِمينَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ (شَرِكَ في دَمِهِ)ح ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمامِ الْمُسْلِمِينَ، وَ والِ مَنْ والاٰهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ (شَرِكَ في دَمِهِ)ع ظَلَمَهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمامِ الْمُسْلِمِينَ، وَ والِ مَنْ والاٰهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ ضاعِفِ الْعَذابَ عَلىٰ مَنْ (شَرِكَ في دَمِهِ)ع ظَلَمَهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمامِ الْمُسْلِمِينَ، وَ والِ مَنْ والاٰهُ، وَ عادِ مَنْ عاداهُ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقاسِمِ وَ الطّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَ الْعَنْ مَنْ آذىٰ نَبِيَّكَ فِيها. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَ الْعَنْ مَنْ آذىٰ نَبِيَّكَ فِيها. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ. اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ في أَهْلِ بَيْتِهِ. اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ عَدَدِهِمْ وَ مَدَدِهِمْ، وَ أَنْصارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَ الْعَلانِيَةِ. اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَ وِتْرِهِمْ وَ دِمائِهِمْ، وَ كُفَّ عَنّا وَ عَنْهُمْ وَ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ باغٍ وَ طاغٍ، وَ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها، إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْساً وَ أَشَدُّ تَنْكِيلاً][1]

۴ خواندن این دعای عظیم الشأن است: اَللّٰهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَني[2]

۵ خواندن این دعا که در اقبال است: يا عُدَّتي في كُرْبَتي [وَ يا صاحِبي في شِدَّتي، وَ يا وَلِيّي في نِعْمَتي، وَ يا غايَتي في رَغْبَتي، أَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي، وَ الْمُؤْمِنُ رَوْعَتي، وَ الْمُقِيلُ عَثْرَتي، فَاغْفِرْ لي خَطِيئَتي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. و می‌گوئی: اَللّٰهُمَّ إِنّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ، وَ لِرَحْمَةٍ لا تُنالُ إِلّا بِكَ، وَ لِكَرْبٍ لا يَكْشِفُهُ إِلّا أَنْتَ، وَ لِرَغْبَةٍ لا تُبْلَغُ إِلّا بِكَ، وَ لِحاجَةٍ لا يَقْضِيها إِلّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ شَأْنِكَ ما أَذِنْتَ لي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ، وَ رَحِمْتَني بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ، سَيِّدي الْإِجابَةُ لي فِيما دَعَوْتُكَ، وَ عَوائِدُ الْإِفْضالِ فِيما رَجَوْتُكَ، وَ النَّجاةُ مِمّا فَزِعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلُ

۱. همان، ص ۹۶ـ۹۸.
۲. همان، ص ۱۰۰ـ۱۰۷.

اَنْ تُبَلِّغَنی وَ تَسَعَنی، وَ اِنْ لَمْ اَكُنْ لِلْاِجابَةِ اَهْلاً فَاَنْتَ اَهْلُ الْفَضْلِ، وَ رَحْمَتُكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ، فَلْتَسَعْنی رَحْمَتُكَ یا اِلٰهی یا كَریمُ، اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَریمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ، وَ اَنْ تُفَرِّجَ هَمّی وَ تَكْشِفَ كَرْبی وَ غَمّی، وَ تَرْحَمَنی بِرَحْمَتِكَ، وَ تَرْزُقَنی مِنْ فَضْلِكَ اِنَّكَ سَمیعُ الدُّعاءِ قَریبٌ مُجیبٌ][1]

۶ خواندن این دعا که شیخ و سیّد روایت کرده‌اند، و حقیر در «هدیّه» نقل کرده‌ام:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ [وَ كُلُّ فَضْلِكَ فاضِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِاَعَمِّهِ، وَ كُلُّ رِزْقِكَ عامٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَطآئِكَ بِاَهْنَاَهِ، وَ كُلُّ عَطآئِكَ هَنیءٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَطآئِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِكَ بِاَعْجَلِهِ، وَ كُلُّ خَیْرِكَ عاجِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِخَیْرِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اِحْسانِكَ بِاَحْسَنِهِ، وَ كُلُّ اِحْسانِكَ حَسَنٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاِحْسانِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِما تُجیبُنی بِهِ حینَ اَسْئَلُكَ، فَاَجِبْنی یا اَللّٰهُ، وَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضیٰ، وَ رَسُولِكَ الْمُصْطَفیٰ، وَ اَمینِكَ وَ نَجِیِّكَ دُونَ خَلْقِكَ، وَ نَجیبِكَ مِنْ عِبادِكَ، وَ نَبِیِّكَ بِالصِّدْقِ وَ حَبیبِكَ، وَ صَلِّ عَلیٰ رَسُولِكَ وَ خِیَرَتِكَ مِنَ الْعالَمینَ، اَلْبَشیرِ النَّذیرِ السِّراجِ الْمُنیرِ، وَ عَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَبْرارِ الطّاهِرینَ، وَ عَلیٰ مَلآئِكَتِكَ الَّذینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ حَجَبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ، وَ عَلیٰ اَنْبِیآئِكَ الَّذینَ یُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصِّدْقِ، وَ عَلیٰ رُسُلِكَ الَّذینَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْیِكَ، وَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَی الْعالَمینَ بِرِسالاتِكَ، وَ عَلیٰ عِبادِكَ الصّالِحینَ الَّذینَ اَدْخَلْتَهُمْ فی رَحْمَتِكَ، اَلْاَئِمَّةِ الْمُهْتَدینَ الرّاشِدینَ وَ اَوْلِیآئِكَ الْمُطَهَّرینَ، وَ عَلیٰ جَبْرَئیلَ وَ میكآئیلَ وَ اِسْرافیلَ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ، وَ عَلیٰ رِضْوانَ خازِنِ الْجِنانِ، وَ عَلیٰ مالِكٍ خازِنِ النّارِ، وَ رُوحِ

---

[1] همان، ص ۹۸.

الْقُدُسِ وَ الرُّوحِ الْأَمِينِ، وَ حَمَلَةِ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلٰوةِ الَّتِي تُحِبُّ اَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ اَهْلُ السَّمٰوٰاتِ وَ اَهْلُ الْأَرَضِينَ، صَلٰوةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً، تُبَيِّنُ (تُبِينُ) بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ اَللّٰهُمَّ (و) اَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَةَ، وَ اجْزِهِ (عَنَّا) خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ وَ اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً، وَ مَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً، وَ مَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً، وَ مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً، تُعْطِي (اَللّٰهُمَّ اَعْطِ) مُحَمَّداً وَ آلَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ، اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَدْنَى الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِساً، وَ اَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلاً، وَ اَقْرَبَهُمْ اِلَيْكَ وَسِيلَةً، وَ اجْعَلْهُ اَوَّلَ شَافِعٍ وَ اَوَّلَ مُشَفَّعٍ وَ اَوَّلَ قَائِلٍ، وَ اَنْجَحَ سَائِلٍ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي، وَ تُجِيبَ دَعْوَتِي، وَ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَ تَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِي، وَ تُنْجِحَ طَلِبَتِي، وَ تَقْضِيَ حَاجَتِي، وَ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ تُقِيلَ عَثْرَتِي، وَ تَغْفِرَ ذُنُوبِي، وَ تَعْفُوَ عَنْ جُرْمِي، وَ تُقْبِلَ عَلَيَّ وَ لاٰ تُعْرِضَ عَنِّي، وَ تَرْحَمَنِي وَ لاٰ تُعَذِّبَنِي، وَ تُعَافِيَنِي وَ لاٰ تَبْتَلِيَنِي، وَ تَرْزُقَنِي مِنَ الرِّزْقِ اَطْيَبَهُ وَ اَوْسَعَهُ، وَ لاٰ تَحْرِمَنِي يَا رَبِّ، وَ اقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَضَعْ عَنِّي وِزْرِي، وَ لاٰ تُحَمِّلْنِي مَا لاٰ طَاقَةَ لِي بِهِ يَا مَوْلاٰيَ، وَ اَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ اَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ السَّلاٰمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. پس سه مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي. پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، وَ غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَ هُوَ عِنْدِي

کَثِيرٌ. وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، فَامْنُنْ عَلَيَّ بِهِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.[۱]

۷ـ خواندن این دعا است که شیخ کفعمی ذکر فرموده: يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقىٰ وَيَفْنىٰ كُلُّ شَيْءٍ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلىٰ، وَلَا فِي الْأَرَضِينَ السُّفْلىٰ، وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ، إِلٰهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً لَا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ.[۲] در هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید، که محدّث فیض در «خلاصة‌الاذکار» ذکر فرموده: سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ، سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالىٰ.

---

۱. همان، ص ۹۸ـ۱۰۰.　۲. مصباح کفعمی، ص ۶۲۳.

نماز شبهای ماه رمضان

مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی‌ؒ به نقل از «زادالمعاد»، نماز شبهای ماه مبارک رمضان را به این کیفیت نقل کرده است:

نماز شب اول: چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید. **دوم:** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ. **سوم:** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید. **چهارم:** هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ. **پنجم:** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. **ششم:** چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ. **هفتم:** چهار رکعت در هررکعت حمد و سیزده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ. **هشتم:** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ. **نُهُم:** شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه ⟸

آیةالکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**. **دهم:** بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید. **یازدهم:** دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه **اِنّٰا اَعْطَیْنٰاکَ الْکَوْثَرَ**. **دوازدهم:** هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه **اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ**. **سیزدهم:** چهار رکعت که در هر رکعت حمد و بیست و پنجمرتبه توحید. **چهاردهم:** شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه **اِذٰا زُلْزِلَتْ**. **پانزدهم:** چهار رکعت در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید. **شانزدهم:** دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه **اَلْهٰیکُمُ التَّکٰاثُرُ**. **هفدهم:** دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه **لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ**. **هیجدهم:** چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه **اِنّٰا اَعْطَیْنٰاکَ الْکَوْثَرَ**. **نوزدهم:** پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه **اِذٰا زُلْزِلَتْ** و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیر که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه **اِذٰا زُلْزِلَتْ** خواندن. **بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم:** در هر یک هشت رکعت به هر سوره که میسّر شود. **بیست و پنجم:** هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید. **بیست و ششم:** هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید. **بیست و هفتم:** چهار رکعت در هر رکعت حمد و **تَبٰارَکَ الَّذِي بِیَدِهِ الْمُلْکُ** و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید. **بیست و هشتم:** شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد.

فقیر گوید: نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم بدین کیفیت است: شش رکعت نماز کند به فاتحة الکتاب و ده مرتبه آیةالکرسی و ده مرتبه کوثر و ده مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ أحد** و صد مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر ﷺ. **بیست و نهم:** دو رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید. **سی‌ام:** دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن، صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است.

فصل دوم

در اعمال مخصوصهٔ شب و روز این ماه مبارک است:

اعمال شب اول ماه مبارک رمضان

شب اوّل: در آن چند عمل است:

۱ آنکه طلب هِلال کند و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته‌اند.

۲ چون رؤیت هلال کرد اشاره به هلال نکند، بلکه رو به قبله کند و دستها را به آسمان بلند کند و بگوید: **رَبّي وَ رَبُّكَ اللّٰهُ [رَبُّ الْعالَمينَ، اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنا بِالْأَمْنِ وَ الْإيمانِ وَ السَّلامَةِ وَ الْإِسْلامِ، وَ الْمُسارَعَةِ إِلىٰ ما تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ، اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا في شَهْرِنا هٰذا، وَ ارْزُقْنا خَيْرَهُ وَ عَوْنَهُ، وَاصْرِفْ عَنّا ضُرَّهُ وَ شَرَّهُ وَ بَلائَهُ وَ فِتْنَتَهُ]**.[1]

۳ بخواند دعای ۴۳ صحیفهٔ کامله را در وقت رویت هلال.

۴ مُجامعت با حلالِ خود کند و این از خصوصیات این ماه است و الاّ در ماههای دیگر جماع در شبِ اوّل مکروه است.[2]

۵ غسل شب اوّل ماه کند.

---

۱. اقبال، ص ۱۸.

۲. زاد المعاد، ص ۹۹.

۶ در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر ریزد.[۱]

۷ زیارت قبر امام حسین﷣ کند، تا گناهانش ریخته شود و ثواب حجّاج و معتمرین آن سال را در یابد.

۸ در این شب ابتدا کند به خواندن هزار رکعت نماز این ماه.

۹ آنکه در نافلهٔ این شب و سایر شبهای این ماه سورهٔ إِنَّا فَتَحْنَا بخواند.

۱۰ دو رکعت نماز کند در این شب در هر رکعت حمد و سورهٔ انعام بخواند و سوال کند که حقتعالی از او کفایتِ شُرور کند.[۲]

۱۱ بخواند دعای اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ و این دعایی است که حضرت صادق﷣ در شب آخر ماه شعبان و در این شب می‌خواند.

۱۲ بعد از نماز مغرب بخواند این دعاء واردهٔ از حضرت جواد﷣ را که در اقبال است:

اَللّٰهُمَّ يا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبيرَ [وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ]، يا مَنْ يَعْلَمُ خٰائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مٰا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ تُجِنُّ الضَّميرُ، وَ هُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا مِمَّنْ نَوىٰ فَعَمِلَ، وَ لاٰ تَجْعَلْنٰا مِمَّنْ شَقِيَ فَكَسِلَ، وَ لاٰ مِمَّنْ هُوَ عَلىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ، اَللّٰهُمَّ صَحِّحْ اَبْدانَنٰا مِنَ الْعِلَلِ، وَ أَعِنّٰا عَلىٰ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنٰا مِنَ الْعَمَلِ، حَتّٰى يَنْقَضِيَ عَنّٰا شَهْرُكَ هٰذٰا، وَ قَدْ اَدَّيْنٰا مَفْرُوضَكَ فيهِ عَلَيْنٰا، اَللّٰهُمَّ أَعِنّٰا عَلىٰ صِيٰامِهِ، وَ وَفِّقْنٰا لِقِيٰامِهِ، وَ نَشِّطْنٰا فيهِ لِلصَّلٰوةِ، وَ لاٰ تَحْجُبْنٰا مِنَ الْقِرٰاءَةِ، وَ سَهِّلْ لَنٰا فيهِ اِيتٰاءَ الزَّكٰوةِ، اَللّٰهُمَّ لاٰ تُسَلِّطْ عَلَيْنٰا وَصَباً وَ لاٰ تَعَباً وَ لاٰ سَقَماً وَ لاٰ عَطَباً، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا الْإِفْطٰارَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلاٰلِ، اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لَنٰا فيهِ مٰا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَ يَسِّرْ مٰا قَدَّرْتَهُ مِنْ اَمْرِكَ، وَاجْعَلْهُ حَلاٰلاً طَيِّباً نَقِيّاً مِنَ الْآثٰامِ، خٰالِصاً مِنَ الْآصٰارِ وَ الْأَجْرٰامِ، اَللّٰهُمَّ لاٰ تُطْعِمْنٰا

---

۱. از حضرت صادق﷣ منقول است: هر که در شب اول ماه مبارک رمضان در نهر جاری غسل کند، و سی کف آب بر سر ریزد، با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده؛ و در حدیث دیگر فرمود: هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال به او نرسد. (همان، ص ۹۹).

۲. همان، ۱۰۰.

اِلاّٰ طَيِّباً غَيْرَ خَبيثٍ وَ لاٰ حَرامٍ، وَ اجْعَلْ رِزْقَكَ لَنا حَلالاً لاٰ يَشُوبُهُ دَنَسٌ وَ لاٰ اَسْقامٌ، يا مَنْ عِلْمُهُ بِالسِّرِّ كَعِلْمِهِ بِالْاِعْلانِ، يا مُتَفَضِّلاً عَلىٰ عِبادِهِ بِالْاِحْسانِ، يا مَنْ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ خَبيرٌ، اَلْهِمْنا ذِكْرَكَ وَجَنِّبْنا عُسْرَكَ، وَاَنِلْنا يُسْرَكَ، وَاهْدِنا لِلرَّشادِ، وَ وَفِّقْنا لِلسَّدادِ، وَ اعْصِمْنا مِنَ الْبَلايا، وَصُنّا مِنَ الْاَوْزارِ وَ الْخَطايا، يا مَنْ لاٰ يَغْفِرُ عَظيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ، وَ لاٰ يَكْشِفُ السُّوءَ اِلاّٰ هُوَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ اَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ، وَ اجْعَلْ صِيامَنا مَقْبُولاً، وَ بِالْبِرِّ وَ التَّقْوىٰ مَوْصُولاً، وَكَذٰلِكَ فَاجْعَلْ سَعْيَنا مَشْكُوراً، وَ قِيامَنا مَبْرُوراً، وَ قُرْآنَنا (قِرائَتَنا)خ مَرْفُوعاً، وَ دُعاءَنا مَسْمُوعاً، وَاهْدِنا لِلْحُسْنىٰ (واهْدِنَا الْحُسْنىٰ)خ وَ جَنِّبْنَا الْعُسْرىٰ، وَ يَسِّرْنا لِلْيُسْرىٰ، وَ اَعْلِ لَنَا الدَّرَجاتِ وَ ضاعِفْ لَنَا الْحَسَناتِ، وَ اقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَ الصَّلٰوةَ، وَ اسْمَعْ مِنَّا الدَّعَواتِ، وَ اغْفِرْلَنَا الْخَطيئاتِ، وَ تَجاوَزْ عَنَّا السَّيِّئاتِ، وَ اجْعَلْنا مِنَ الْعامِلينَ الْفائِزينَ، وَ لاٰ تَجْعَلْنا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ الضّالّينَ، حَتّىٰ يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضانَ عَنّا، وَ قَدْ قَبِلْتَ فيهِ صِيامَنا وَقِيامَنا، وَ زَكَّيْتَ فيهِ اَعْمالَنا، وَ غَفَرْتَ فيهِ ذُنُوبَنا، وَ اَجْزَلْتَ فيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصيبَنا، فَاِنَّكَ الْاِلٰهُ الْمُجيبُ وَ الرَّبُّ الْقَريبُ (الرَّقيبُ)خ، وَ اَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحيطٌ][1]

[۱۳] بخواند در این شب این دعای مأثور از حضرت صادق؛ را که در اقبال است:
اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ مُنَزِّلَ الْقُرْآنِ [هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، وَ اَنْزَلْتَ فيهِ آياتٍ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا صِيامَهُ وَ اَعِنّا عَلىٰ قِيامِهِ، اَللّٰهُمَّ سَلِّمْهُ لَنا وَ سَلِّمْنا فيهِ، وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا في يُسْرٍ مِنْكَ وَ مُعافاةٍ، وَاجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَ فيما تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكيمِ، في لَيْلَةِ

۱. اقبال، ص ۲۲ـ۲۳.

اَلْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَ لا يُبَدَّلُ، اَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ اَنْ تُطيلَ لي عُمْري، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ.][1]

۱۴ بخواند دعای ۴۴ صحیفه کامله را : [اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَنا مِنْ اَهْلِهِ لِنَكُونَ لِاِحْسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ، وَ لِيَجْزِيَنا عَلىٰ ذٰلِكَ جَزاءَ الْمُحْسِنينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي حَبانا بِدينِهِ، وَ اخْتَصَّنا بِمِلَّتِهِ، وَ سَبَّلَنا في سُبُلِ اِحْسانِهِ لِنَسْلُكَها بِمَنِّهِ اِلىٰ رِضْوانِهِ، حَمْداً يَتَقَبَّلُهُ مِنّا، وَ يَرْضىٰ بِهِ عَنّا وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضانَ، شَهْرَ الصِّيامِ، وَ شَهْرَ الْاِسْلامِ، وَ شَهْرَ الطَّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْحيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيامِ الَّذي اُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ، هُدىً لِلنّاسِ، وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقانِ، فَاَبانَ فَضيلَتَهُ عَلىٰ سائِرِ الشُّهُورِ بِما جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُماتِ الْمَوْفُورَةِ، وَ الْفَضائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فيهِ ما اَحَلَّ في غَيْرِهِ اِعْظاماً، وَ حَجَرَ فيهِ الْمَطاعِمَ وَ الْمَشارِبَ اِكْراماً، وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتاً بَيِّناً لا يُجيزُ - جَلَّ وَ عَزَّ - اَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لا يَقْبَلُ اَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ. ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً واحِدَةً مِنْ لَياليهِ عَلىٰ لَيالي اَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ، تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ سَلامٌ، دائِمُ الْبَرَكَةِ اِلىٰ طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلىٰ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ بِما اَحْكَمَ مِنْ قَضائِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَلْهِمْنا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ اِجْلالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحَفُّظَ مِمّا حَظَرْتَ فيهِ، وَ اَعِنّا عَلىٰ صِيامِهِ بِكَفِّ الْجَوارِحِ عَنْ مَعاصيكَ، وَ اسْتِعْمالِها فيهِ بِما يُرْضيكَ حَتّىٰ لا نُصْغِيَ بِاَسْماعِنا اِلىٰ لَغْوٍ، وَ لا نُسْرِعَ بِاَبْصارِنا اِلىٰ لَهْوٍ وَ حَتّىٰ لا نَبْسُطَ اَيْدِيَنا اِلىٰ مَحْظُورٍ، وَ لا نَخْطُوَ بِاَقْدامِنا اِلىٰ مَحْجُورٍ، وَ حَتّىٰ لا تَعِيَ بُطُونُنا اِلّا ما اَحْلَلْتَ، وَ لا تَنْطِقَ اَلْسِنَتُنا اِلّا بِما مَثَّلْتَ، وَ لا

---

۱ ـ همان، ص ۷۳ـ۷۴.

تَتَكَلَّفَ اِلاّٰ مٰا يُدْني مِنْ ثَوابِكَ، وَ لا تَتَعاطىٰ اِلاّٰ الَّذي يَقي مِنْ عِقابِكَ، ثُمَّ خَلِّصْ ذٰلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئآءِ الْمُرآئينَ، وَ سُمْعَةِ الْمُسْمِعينَ، لا نُشْرِكُ فيهِ اَحَداً دُونَكَ، وَ لا نَبْتَغي فيهِ مُراداً سِواكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَقِفْنا فيهِ عَلىٰ مَواقيتِ الصَّلَواتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتي حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتي فَرَضْتَ، وَ وَظآئِفِهَا الَّتي وَظَّفْتَ، وَ اَوْقاتِهَا الَّتي وَقَّتَّ وَ اَنْزِلْنا فيها مَنْزِلَةَ الْمُصيبينَ لِمَنازِلِها، الْحافِظينَ لِاَرْكانِها، الْمُؤَدّينَ لَها في اَوْقاتِها عَلىٰ ما سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ - صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - في رُكُوعِها وَ سُجُودِها وَ جَميعِ فَواضِلِها عَلىٰ اَتَمِّ الطَّهُورِ وَ اَسْبَغِهِ، وَ اَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَ اَبْلَغِهِ. وَ وَفِّقْنا فيهِ لِاَنْ نَصِلَ اَرْحامَنا بِالْبِرِّ وَالصِّلَةِ، وَ اَنْ نَتَعاهَدَ جيرانَنا بِالْاِفْضالِ وَ الْعَطِيَّةِ، وَ اَنْ نُخَلِّصَ اَمْوالَنا مِنَ التَّبِعاتِ، وَ اَنْ نُطَهِّرَها بِاِخْراجِ الزَّكَواتِ، وَ اَنْ نُراجِعَ مَنْ هاجَرَنا، وَ اَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنا، وَ اَنْ نُسالِمَ مَنْ عادانا حاشىٰ مَنْ عُودِيَ فيكَ وَ لَكَ، فَاِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذي لا نُواليهِ، وَ الْحِزْبُ الَّذي لا نُصافيهِ. وَ اَنْ نَتَقَرَّبَ اِلَيْكَ فيهِ مِنَ الْاَعْمالِ الزّاكِيَةِ بِما تُطَهِّرُنا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ تَعْصِمُنا فيهِ مِمّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ، حَتّىٰ لا يُورِدَ عَلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ مَلآئِكَتِكَ اِلاّٰ دُونَ ما نُورِدُ مِنْ اَبْوابِ الطّاعَةِ لَكَ، وَ اَنْواعِ الْقُرْبَةِ اِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الشَّهْرِ، وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ مِنِ ابْتِدآئِهِ اِلىٰ وَقْتِ فَنآئِهِ: مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتَهُ، اَوْ نَبِيٍّ اَرْسَلْتَهُ، اَوْ عَبْدٍ صالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَهِّلْنا فيهِ لِما وَعَدْتَ اَوْلِيآءَكَ مِنْ كَرامَتِكَ، وَ اَوْجِبْ لَنا فيهِ ما اَوْجَبْتَ لِاَهْلِ الْمُبالَغَةِ في طاعَتِكَ، وَ اجْعَلْنا في نَظْمِ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفيعَ الْاَعْلىٰ بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ جَنِّبْنَا الْاِلْحادَ في تَوْحيدِكَ، وَ التَّقْصيرَ في تَمْجيدِكَ، وَ الشَّكَّ في دينِكَ، وَالْعَمىٰ عَنْ سَبيلِكَ، وَ الْاِغْفالَ لِحُرْمَتِكَ، وَ الْاِنْخِداعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اِذا كانَ لَكَ في كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيالي شَهْرِنا

هٰذا رِقابٌ يُعْتِقُها عَفْوُكَ، اَوْيَهَبُها صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقابَنا مِنْ تِلْكَ الرِّقابِ، وَ اجْعَلْنا لِشَهْرِنا مِنْ خَيْرِ اَهْلٍ وَ اَصْحابٍ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْحَقْ ذُنُوبَنا مَعَ امِّحاقِ هِلالِهِ، وَ اسْلَخْ عَنّا تَبِعاتِنا مَعَ انْسِلاخِ اَيّامِهِ حَتّىٰ يَنْقَضِيَ عَنّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئاتِ، وَ اَخْلَصْتَنا فِيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اِنْ مِلْنا فِيهِ فَعَدِّلْنا، وَ اِنْ زُغْنا فِيهِ فَقَوِّمْنا، وَاِنِ اشْتَمَلَ عَلَيْنا عَدُوُّكَ الشَّيْطانُ فَاسْتَنْقِذْنا مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبادَتِنا اِيّاكَ، وَ زَيِّنْ اَوْقاتَهُ بِطاعَتِنا لَكَ، وَ اَعِنّا فِي نَهارِهِ عَلىٰ صِيامِهِ، وَ فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلٰوةِ وَ التَّضَرُّعِ اِلَيْكَ، وَ الْخُشُوعِ لَكَ، وَ الذِّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتّىٰ لا يَشْهَدَ نَهارُهُ عَلَيْنا بِغَفْلَةٍ، وَ لا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ. اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْنا فِي سائِرِ الشُّهُورِ وَ الْاَيّامِ كَذٰلِكَ ما عَمَّرْتَنا، وَ اجْعَلْنا مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيها خالِدُونَ، وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، اَنَّهُمْ اِلىٰ رَبِّهِمْ راجِعُونَ، وَ مِنَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ اَوانٍ وَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ عَدَدَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَ اَضْعافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ بِالْاَضْعافِ الَّتِي لا يُحْصِيها غَيْرُكَ، اِنَّكَ فَعّالٌ لِما تُرِيدُ.][1]

[۱۵] بخواند دعای وارده از موسی بن جعفر؈ را: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ [وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَواضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَها كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ يا باقِياً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

۱. صحيفهٔ سجاديه، دعای ۴۴.

تُنْزِلُ النِّقَمَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجاءَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُديلُ الْأَعْداءَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعاءَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّماءِ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطاءَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَناءَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَ أَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصينَةَ الَّتِي لا تُرامُ، وَ عافِنِي مِنْ شَرِّ ما أُحاذِرُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ، فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرَضينَ السَّبْعِ وَ ما فيهِنَّ، وَ ما بَيْنَهُنَّ، وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ، وَ رَبَّ إِسْرافيلَ وَ ميكائيلَ وَ جَبْرَئيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلينَ وَ خاتَمِ النَّبِيّينَ، أَسْئَلُكَ بِكَ وَ بِما سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، يا عَظيمُ أَنْتَ الَّذي تَمُنُّ بِالْعَظيمِ، وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ، وَ تُعْطِي كُلَّ جَزيلٍ، وَ تُضاعِفُ (مِنَ)[خ] الْحَسَناتِ بِالْقَليلِ وَ بِالْكَثيرِ، وَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ، يا قَديرُ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ سِتْرَكَ، وَ نَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَ أَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ، وَ بَلِّغْنِي رِضْوانَكَ وَ شَريفَ كَرامَتِكَ وَ جَسيمَ عَطِيَّتِكَ، وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ ما عِنْدَكَ، وَ مِنْ خَيْرِ ما أَنْتَ مُعْطيهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ عافِيَتَكَ، يا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ، وَ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ، وَ يا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يا دافِعَ ما تَشاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يا كَريمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ، وَ تَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّةِ إِبْراهيمَ وَ فِطْرَتِهِ، وَ عَلىٰ دينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلىٰ خَيْرِ الْوَفاةِ فَتَوَفَّنِي مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ وَ مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، اَللّٰهُمَّ وَ جَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُباعِدُنِي مِنْكَ، وَ اجْلِبْنِي إِلىٰ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ امْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنّي أَخافُ

ضَرَرَ عاقِبَتِهِ، وَ اَخافُ مَقْتَكَ اِيّايَ عَلَيْهِ حِذاراً اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَريمَ عَنّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لي عِنْدَكَ يا رَؤُفُ يا رَحيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني في مُسْتَقْبَلِ سَنَتي هٰذِهِ في حِفْظِكَ، وَ في جِوارِكَ وَ في كَنَفِكَ، وَ جَلِّلْني سِتْرَ عافِيَتِكَ، وَهَبْ لي كَرامَتَكَ، عَزَّ جارُكَ وَ جَلَّ ثَناؤُكَ، وَ لا اِلٰهَ غَيْرُكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني تابِعاً لِصالِحي مَنْ مَضىٰ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَ اَلْحِقْني بِهِمْ، وَاجْعَلْني مُسَلِّماً لِمَنْ قالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ، وَ اَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ (يا اِلٰهي)خ اَنْ تُحيطَ بي خَطيئَتي، وَ ظُلْمي وَاِسْرافي عَلىٰ نَفْسي، وَ اتِّباعي لِهَوايَ وَ اشْتِغالي بِشَهَواتي، فَيَحُولُ ذٰلِكَ بَيْني وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوانِكَ، فَاَكُونُ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَ نِقْمَتِكَ، اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني لِكُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرْضىٰ بِهِ عَنّي وَ قَرِّبْني اِلَيْكَ زُلْفىٰ، اَللّٰهُمَّ كَما كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَ فَرَّجْتَ هَمَّهُ وَ كَشَفْتَ غَمَّهُ (كَرْبَهُ)خ، وَ صَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَ اَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِني هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَ آفاتِها، وَ اَسْقامَها وَ فِتْنَتَها وَ شُرُورَها، وَ اَحْزانَها وَ ضيقَ الْمَعاشِ فيها، وَ بَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ كَمالَ الْعافِيَةِ بِتَمامِ دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدي اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي، اَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنْ اَساءَ وَ ظَلَمَ، وَ اسْتَكانَ وَ اعْتَرَفَ، وَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لي ما مَضىٰ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتي حَصَرَتْها حَفَظَتُكَ، وَ اَحْصَتْها كِرامُ مَلائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَ اَنْ تَعْصِمَني اِلٰهي (اَللّٰهُمَّ)خ مِنَ الذُّنُوبِ فيما بَقِيَ مِنْ عُمْري اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي، يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَ آتِني كُلَّ ما سَئَلْتُكَ وَ رَغِبْتُ اِلَيْكَ فيهِ، فَاِنَّكَ اَمَرْتَني بِالدُّعاءِ وَ تَكَفَّلْتَ لي بِالْاِجابَةِ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ][1]

۱۶ بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ الخ كه سيّد نقل كرده.[2]

۱۷ بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذي اَنْزَلْتَ

۱. اقبال، ص ۳۵ـ۳۶.
۲. همان، ص ۸۹ـ۹۲.

فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلىٰ صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا.[۱]

اعمال روز اوّل ماه مبارک رمضان

روز اول : در آن چند عمل است:

۱۸ غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف آب بر سر، که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماریها است در تمام سال.[۲]

۱۹ کفی از گلاب به رو بزند تا از خواری و پریشانی نجات یابد، و قدری گلاب هم بر سر خود بزند تا در آن سال از «سر سام» ایمن شود.[۳]

۲۰ دو رکعت نماز اوّل ماه و تصدّق را بعمل آورد.[۴]

۲۱ دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل حمد و **إِنَّا فَتَحْنَاهُ** و در دوّم حمد و هر سوره که خواهد بخواند، تا حقتعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده.[۵]

۲۲ بعد از طلوع فجر این دعا بخواند: **اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَاَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقَانِ، اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلىٰ صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**[۶]

۲۳ بخواند دعای **۴۴** صحیفهٔ کامله را اگر در شب نخوانده.

روز ششم سنهٔ ۲۰۱ «دویست و یک» مردم بیعت کردند با حضرت امام رضا علیه السلام؛ و سیّد روایت کرده که برای شکرانهٔ این نعمت دو رکعت نماز در این روز بگزارند، در هر

۱. همان، ص ۵۷ـ۵۸.
۲. همان، ص ۸۶.
۳. همان، ص ۸۶.
۴. همان، ص ۸۷.
۵. همان، ص ۸۷.
۶. همان، ص ۸۸.

رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید بخوانند.[۱]

و روایت شده که: چون مردم بیعت کردند با امام رضاؑ، مامون امر کرد که بدره‌های زر آوردند و جوایز بسیار به مردم بخشید، و خطبا و شُعرا بر خواستند و خُطَب و قصایدِ غَرّا در شأن آن حضرت خواندند و جایزه گرفتند، و امر شد سیاه پوشی را که بدعت بنی عباس بود ترک کنند، و جامه‌های سبز بپوشند، و در رؤس مَنابر و منایر (منارهها) نام آن حضرت را بلند کنند، و وُجوه و دَنانیر و دینار را به نام نامی و لقب گرامی آن حضرت مزیَّن گردانند.[۲]

و نقل شده: چون شعرا مدح آن حضرت کردند «ابونواس» ساکت ماند و مدح آن حضرت نگفت! مأمون او را عتاب کرد که: با آنکه تو شیعه مذهب و مایل به اهل بیت می‌باشی و هم شاعر زمان و فرید دورانی، چرا آن حضرت را مدح نگفتی؟! ابونواس بگفت:

قیلَ لي أنْتَ أوْحَدُ النّاسِ طُرّاً — فـي فُنُونٍ مِنَ الْكَلامِ النَّبِيهِ
لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلامِ بَديعٌ — يُثْمِرُ الدُّرَّ في يَدَيْ مُجْتَنِيهِ
فَعَلى مَ تَرَكْتَ مَدْحَ ابْنِ مُوسىٰ — وَالْخِصالَ الَّتي تَجَمَّعْنَ فيهِ؟!
قُلْتُ لا أسْتَطيعُ مَدْحَ إمامٍ — كانَ جِبْريلُ خادِماً لِأبيهِ [۳]

مأمون حُقّهٔ لُؤلؤی طلبید و دهان او را پر از لُؤلؤ کرد.

اعمال شب سیزدهم ماه مبارک رمضان

شب سیزدهم اول لیالي بیض است و در آن سه عمل است:

(۱) غسل.

---

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۴.

۳. به من گفته شده: تو که در دانشهای گوناگون سرآمد و یگانه‌ای، و پی تأمّل اشعار نغز و نیکو می‌سرایی، پس با این حال چرا مدح فرزند موسی بن جعفرؑ و (ستایش) خصلت‌هایی که در او جمع شده است را رها نموده‌ای؟! (در پاسخ) گفتم: نمی‌توانم پیشوایی را مدح و ستایش کنم که جبرئیل خدمتگزار پدر اوست. (همان، ج ۴، ص ۳۴۲).

۲ چهار رکعت نماز، در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه **توحید**.[۱]

۳ دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و شعبان نیز خوانده می‌شود، در هر رکعت بعد از حمد **یٰس** و **تبارک الملک** و **توحید** بخواند،[۲] و در شب چهاردهم این نماز خوانده می‌شود به چهار رکعت به دو سلام.

اعمال شب پانزدهم ماه مبارک رمضان

شب پانزدهم از لیالی متبرّکه است و در آن چند عمل است:

۱ غسل.[۳]

۲ زیارت امام حسین علیه‌السلام.[۴]

۳ شش رکعت نماز بحمد به یٰس و تبارک و توحید.[۵]

۴ صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.[۶]

۵ کسی که در این شب نزد قبر امام حسین علیه‌السلام است، مستحبّ است که بعد از نماز عشا ده رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه **توحید** بخواند و به خدا پناه برد از آتش جهنّم.[۷]

روز نیمهٔ سنهٔ ۲ تولد با سعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام واقع شد.[۸]

و شیخ مفید فرمود: تولّد امام محمّد تقی علیه‌السلام در سنهٔ «۱۹۵»[۹] در این روز بوده، لکن

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۵۶۳؛ کسی که این نماز را در شب سیزدهم بخواند، همانند برق جهنده از صراط می‌گذرد.

۲. اقبال، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۱۵۰.

۴. همان، ص ۱۵۰.

۵. زاد المعاد، ص ۱۷۹.

۶. امام صادق علیه‌السلام از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نقل نموده که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که در شب پانزدهم ماه رمضان صد رکعت نماز بگزارد، در هر رکعتی یک حمد و ده مرتبه توحید بخواند، خدای تعالی ده فرشته فرو می‌فرستد که دشمنان او ـ از جنّ و انس ـ را از او دور گردانند و به هنگام مرگش سی فرشته را فرو می‌فرستد که او را به بهشت مژده دهند و سی فرشته او را از دوزخ ایمن گردانند (اقبال، ص ۱۵۰).

۷. خدای تعالی او را رها شده از آتش دوزخ می‌نویسد، و نمی‌میرد تا اینکه در خواب می‌بیند که فرشتگانی به او مژدهٔ بهشت می‌دهند و فرشتگانی او را از آتش جهنم ایمن می‌گردانند. (حدیث از امام صادق علیه‌السلام؛ اقبال، ص ۱۵۱).

۸. مناقب، ج ۴، ص ۲۸؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۰۲.

۹. ارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

مشهور دهم رجب است؛[۱] به هر حال روز بسیار شریفی است و صَدَقات و مَبرّات در آن فضیلت بسیار دارد.

و در این روز سنهٔ «۶۰ شصتم»، حضرت امام حسین﷣ مسلم بن عقیل را به جانب کوفه روانه کرد و کاغذهای کوفیان را جواب فرمود، و در آن نوشت که: **فرستادم به سوی شما برادر و پسر عم و ثقهٔ اهل بیت خویش «مسلم بن عقیل» را، پس اگر او بنویسد به سوی من که مجتمع شده است رای عقلا و دانایان و أشراف شما بر آنچه در نامه‌ها درج کرده‌اید، همانا من بزودی به سوی شما خواهم آمد إنْشاءَ اللّهُ تَعالیٰ.**[۲]

جنگ بدر

روز **هفدهم** سنهٔ ۲ واقعهٔ بَدر اتفاق افتاد، و مسلمانان سیصدو سیزده نفر بودند و مشرکین نهصد و بیست تن، و از مشرکین هفتاد نفر اسیر شدند و هفتاد نفر کشته شدند، که از جمله رؤساء ایشان عُتبه، شِیبه، وَلید، حنظلة بن ابی سفیان، عاص بن سعید، رمعة بن الأسود و نُوفل بود، و بیشتر ایشان به شمشیر امیرالمؤمنین﷣ به درکات جهنّم شتافتند.[۳]

نقل است: چون جنگ برطرف شد و فتح برای حضرت رسولﷺ واقع شد، حضرت فرمود: کیست که از ابوجهل خبری آورد؟ عبداللّه بن مسعود گفت: یا رسول اللّه! من حاضرم و برخاست و در میان کشتگان قریش فَحص (جستجو) کرد، ابوجهل را دید که مجروح بر روی خاک افتاده، عبداللّه پا بر گردنِ او نهاد و بر سینهٔ او نشست و مویِ زَنخ او را بکشید و گفت: **اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذی اَخْزاكَ.**[۴] **ابوجهل** گفت: ای شبانک گوسفند! بر جای بلندی بر آمدی، بگو: فتح با کیست؟ گفت: با خدا و رسول خداست، هم اکنون سرت از تن دور کنم. ابوجهل بعد از کلماتی گفت: سر من را از پایینِ گردن

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۷۴۱؛ مناقب، ج ۳، ص ۲۷۹. ۲. مناقب، ج ۴، ص ۹۰.

۳. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۸ـ۱۶۹.

۴. حمد و ستایش شایستهٔ خدایی است که تو را خوار و ذلیل کرد.

جدا کن تا بزرگ و مَهیب نماید در چشم محمّد ﷺ! و به او بگو: من پیوسته با تو دشمن بودم و امروز عداوتم سخت‌تر است! عبداللّه گفت: من لختی از اعضای سرت را بگردن خواهم افزود، تا از همهٔ سرها حقیرتر و خُردتر نماید. پس شمشیر کشید تا کار او را تمام نماید، شمشیرش را حدّت (تیزی) نبود، لاجَرَم تیغ ابوجهل را بر کشید و سرش را بر گرفت، و به نزد رسول خدا ﷺ آورده در خاک افکند. حضرت در او تأمّل کرد و حمد خدایتعالی بجا آورد.[۱] رُوِیَ اَنَّهُ لَمّا قُتِلَ قالَ النَّبِیُّ ﷺ: اِنَّ هٰذا اَعْتیٰ عَلَی اللّٰهِ تَعالیٰ مِنْ فِرْعَوْنَ، اِنَّ فِرْعَوْنَ لَمّا اَیْقَنَ بِالْهَلاکِ وَحَّدَاللّٰهَ وَاِنَّ هٰذا لَمّا اَیْقَنَ بِالْهَلاکِ دَعا بِاللّاتِ وَالْعُزّیٰ[۲]

و بدان که: ابوجهل مبتلا بود به درد اُبنه.[۳]

فضیلت شبهای قدر

شب نوزدهم اوّل شبهای قدر است، و شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد، و عمل در آن بهتر است از عمل کردن در هزار ماه، **و در آن شب تقدیر امور سال می‌شود و ملائکه و روح ـ که اعظم ملائکه است ـ در آن شب باذن پروردگار به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان ﷺ مشـرّف مـی‌شوند و آنچه برای هر کس مقدّر شده است بر امام ﷺ عرض می‌کنند.**[۴]

اعمال مشترکهٔ شبهای قدر

و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است: **یکی:** آن که در هر شب باید کرد و دیگران که مخصوص است به هر شبی. **امّا اوّل:** پس آن چند چیز است:

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۷۱؛ تفسیر قمی، ج ۱، ۲۶۷ـ۲۶۸؛ حیات القلوب، ج ۴، ص ۹۰۳.

۲. این طاغی (سرکش)تر از فرعون بود، چون فرعون یقین کرد به هلاکت، اقرار کرد به یگانگی خدا، و این ملعون چون یقین کرد به هلاک (و نابودی خود)، لات و عزّی را خواند. امالی شیخ طوسی، ص ۳۱۰؛ حیات القلوب، ج ۴، ص ۹۰۴.

۳. نام مرضی در مقعد.

۴. زاد المعاد، ص ۱۷۹ـ۱۸۰.

۱ غسل است.

۲ دو رکعت نماز است، در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید و بعد از فراغ [از نماز]، هفتاد مرتبه **أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.**[1]

۳ قرآن مجید را بگیرد و بگشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید: **اَللّٰهُمَّ إِنّي اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ، وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنىٰ، وَمَا يُخَافُ وَيُرْجىٰ، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ**، پس هر حاجت دارد بخواهد.

۴ آنکه مُصحف شریف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید: **اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَاالْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ**، پس ده مرتبه بگوید: **بِكَ يَا اَللّٰهُ** و ده مرتبه **بِمُحَمَّدٍ**، پس هر یک از معصومین علیهم السلام را نام برد و ده مرتبه بگوید تا **بِحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ** علیه السلام برسد، آن وقت حاجت خود را از خدا بخواهد.[2]

۵ زیارت کند امام حسین علیه السلام را.

۶ احیا بدارد این شبها را.[3]

۷ صد رکعت نماز کند.

۸ **جوشن کبیر** را بخواند.

۹ بخواند: **اَللّٰهُمَّ إِنّي اَمْسَيْتُ لَكَ عَبْداً دَاخِراً [لَا اَمْلِكُ لِنَفْسي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً، وَلَا اَصْرِفُ عَنْهَا سُوءاً، اَشْهَدُ بِذٰلِكَ عَلىٰ نَفْسي، وَاَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتي وَقِلَّةِ**

---

۱. پس [از خواندن این نماز] از جای خود برنمی‌خیزد تا آنکه خدای تعالی او و پدر و مادرش را می‌آمرزد، و خدای تعالی فرشتگانی را می‌فرستد که تا سال دیگر برای وی حسنات بنویسند، و فرشتگانی را به سوی بهشت می‌فرستد که برای او درخت بکارند و قصرها بسازند و نهرها جاری نمایند، و از دنیا بیرون نمی‌رود تا اینکه تمام آنها را ببیند (اقبال، ص ۱۸۶).

۲. همان، ۱۸۶-۱۸۷.

۳. امام محمد باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرده است: کسی که شب قدر را احیا بدارد، گناهان او آمرزیده می‌شود هر چند به عدد ستارگان آسمان و وزن کوهها و دریاها باشد. همان، ص ۲۶۳.

حِيلَتي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْجِزْ لي ما وَعَدْتَني وَ جَميعَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ ما آتَيْتَني، فَإِنّي عَبْدُكَ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ الضَّعيفُ الْفَقيرُ الْمَهينُ، اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْني ناسِياً لِذِكْرِكَ فيما أَوْلَيْتَني، وَ لا (غافِلاً)خ لِإِحْسانِكَ فيما أَعْطَيْتَني، وَ لا آيِساً مِنْ إِجابَتِكَ وَ إِنْ أَبْطَأَتْ عَنّي في سَرّاءَ (كُنْتُ)خ أَوْ ضَرّاءَ، أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخاءٍ، أَوْ عافِيَةٍ أَوْ بَلاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْماءَ، إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ][1] و این دعا را کفعمی از امام زین‌العابدین علیه السلام روایت کرده که در این سه شب می‌خوانده در حال قیام و قعود و رکوع و سجود.

و علامهٔ مجلسی رحمه الله فرمود: بهترین دعا و اعمال در این شبها، طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرتِ خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مردهٔ ایشان است، و اذکار و صلوات بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله آنچه مقدور شود.[2]

و امّا دوم: یعنی: اعمال مخصوصهٔ این شبها، پس اعمال شب نوزدهم چند چیز است:

۱ صد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

۲ صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ.

۳ بخواند دعای يا ذَا الَّذي كانَ که در قسم چهارم گذشت.

۴ بخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ [مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَ فيما تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكيمِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ فِي الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَ لا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ، وَ اجْعَلْ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ أَنْ تُطيلَ عُمْري، وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ في رِزْقي، وَ تَفْعَلَ بي كَذا وَ كَذا و بجای این کلمه حاجت خود را ذکر کند][3]

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۵۸۵ـ۵۸۶.

۲. زاد المعاد، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۷ـ۱۸۶.

کابین خون

روز نوزدهم در صبح آن سنهٔ ۴۰ حضرت امیرالمؤمنین﴿ع﴾ را ضربت زدند، و مجمل آن واقعه آنکه: در سال چهلم گروهی از خوارج در مکّهٔ معظّمه جمع شدند و مذاکرهٔ **نهروان** کردند و بر کشتگان **نهروان** بگریستند، و سه نفر با هم معاهده کردند که در یک شب امیرالمؤمنین﴿ع﴾ و عمروعاص و معاویه را بکشند. «ابن ملجم ملعون» کشتن امیرالمؤمنین را بر ذِمّت (عهده خود) نهاد وارد کوفه شد، و «قَطام بنت اخضر» را ملاقات کرد، و آن زنی بود از خوارج که امیرالمؤمنین﴿ع﴾ پدر و برادر او را در نهروان کشته بود، و چون در غایتِ حُسن و جمال بود، «ابن ملجم» او را خواستگاری کرد. قَطام گفت مهر من سه هزار درهم است با غلام و کنیزی و کشتن علیّ بن ابیطالب﴿ع﴾. «ابن ملجم» گفت چگونه علی را بکشم؟! گفت: غیلةً (ناگهانی) او را می‌کشی و «وَردان بن مُجَالد» را که از قبیلهٔ خودش بود برای یاری «ابن ملجم» طلبید، و «ابن ملجم» نیز «شبیب بن بجرهٔ» خارجی را همدست کرد، و در انتظار بودند تا شب نوزدهم ماه رمضان رسید، و در آن شب قَطام در مسجد خیمه زده بود و مشغول اعتکاف بود! آن سه ملعون به عزیمت قتل امیرالمؤمنین﴿ع﴾ به مسجد آمدند، قَطام بافتهٔ چند از حریر بر سینه‌های ایشان بست و شمشیرهای زهرآب داده به ایشان داد تا حمایل کردند و بیامدند به نزدیک آن دری که امیرالمؤمنین﴿ع﴾ از آن در داخل مسجد می‌شد نشستند، و کسی از راز ایشان مطّلع نبود جز «اَشعث بن قیس» که او نیز با ایشان متّفق بود و به یاری ایشان آمده بود، همین که وقت صبح حضرت امیرالمؤمنین﴿ع﴾ داخل مسجد شد و صدای نازنینش بلند شد به: **یا اَیُّهَا النّاسُ! اَلصَّلوٰةُ!** که «ابن ملجم» و همراهانش شمشیرها کشیدند و بر آن حضرت حمله آوردند و گفتند: **اَلْحُکْمُ لِلّٰهِ لا لَکَ یا عَلِیُّ!** شمشیر «شبیب» خطا کرد و شمشیر «ابن ملجم» بر فرق مبارک آن حضرت جا کرد و شکافت و خون جاری شد،[۱] و محاسن شریفش که در عزای رسول خدا﴿ص﴾ خضاب

---

۱. ارشاد ج ۱، ص ۳۰-۱۷ به اختصار.

نشده بود به خون خضاب شد، و واقع شد آنچه خدا و رسول به آن خبر داده بودند، و امیرالمؤمنین﷣ در انتظار آن بود، و آسوده شد آن جناب از صدمات دنیا و از غـدر و مَکر «معاویه» و «عمر و عاص» و از بی وفایی کوفیانِ غدّار ـ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ وَ سَلاٰمُهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلىٰ قٰاتِليهِ وَ مُعٰانِديهِ. [درود و سلام خدا بر آن حضرت، و لعنت خدا بر کشندگان و دشمنانش باد]

روز بیستم[1] سنهٔ ۸، فتح مکّه معظّمه واقع شد، و حضرت رسـولﷺ جـرم و جنایت قریش را مَعْفُوّ داشت و فرمود: **اِذْهَبُوا فَاَنْتُمُ الطُّلَقاٰءُ**.[2]

اعمال شب بیست و یکم

شب بیست و یکم، فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و باید اعمال آن شب را از غسل و احیاء و زیارت، و نماز هفت **قُلْ هُوَ اللّٰهُ**، و قرآن بر سر گرفتن، و صد رکعت نماز و **دعای جوشن کبیر** و غیرها در این شب بعمل آورد، و از این شب شروع کند به دعای شبهای آخر که از جمله این دعاست ـ که «ابن أبی عُمیر» از حضرت صادق﷣ نقل کرده ـ که در هر شب از این دهه خوانده می‌شود: **اَعُوذُ بِجَلاٰلِ وَجْهِكَ الْكَريمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنّي شَهْرُ رَمَضانَ، اَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتي هٰذِهِ، وَيَبْقىٰ لَكَ عِنْدي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُني عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقاٰكَ**.[3]

و در این شب واقع شد شهادت مولای ما امیرالمؤمنین﷣، **شیخ مفید** فرمود: در این شب تجدید می‌شود أحزانِ آل محمّد﷩ و أشیاع (پیروان) ایشان؛ و در این شب غسل کند و صد رکعت نماز بجا آورد و صلوات بسیار بفرستد، و سعی و کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمّد﷩ و لعن بر قاتل امیرالمؤمنین﷣ انتهی.

۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. اکثر گفته‌اند در روز سیزدهم ماه بود [مانند: مناقب، ج ۱، ص ۲۵۸، اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۲۶] و بعضی بیستم گفته‌اند [العدد القویه، ص ۲۱۸]. حیات القلوب، ج ۳، ص ۱۱۸۳.

۳. اقبال، ص ۱۹۹.

و در این شب «حمّادبن عثمان» بر حضرت صادق ﷺ وارد شد، حضرت سؤال کرد: غُسل کرده‌ای؟ عرض کرد: بلی. پس حضرت خصیری طلبید و «حمّاد» را نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد، و پیوسته آن حضرت نماز خواند و «حمّاد» نیز خود را به آن حضرت چسبانیده بود و نماز می‌خواند، تا از نمازهای خویش فارغ شدند. پس آن حضرت دعا کرد و «حمّاد» آمین گفت تا صبح طلوع کرد. آن جناب اذان و اقامه گفت و بعضی از غلامان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند، در رکعت اوّل حمد و قدر، و در دوم حمد و توحید خواند، و بعد از نماز مشغول به تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای بر خدا و صلوات به رسول ﷺ و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد، پس سر به سجده نهاد و مقدار یک ساعت بجز نفس چیزی از آن جناب شنیده نشد، پس از آن این دعا خواند: **لاٰ اِلٰهَ اَلاّ اَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصٰارِ** تا آخر دعا که در اقبال است.[1]

روز بیست و یکم روز قتل حضرت امیرالمؤمنین ﷺ است، و مناسب است زیارت آن جناب و کلمات حضرت خضر ﷺ در این روز، که به منزلهٔ زیارت آن حضرت است، **رَوَى الشَّيْخُ الْكُلَيْنِي ﷺ بِسَنَدِهِ عَنْ أُسَيْدِبْنِ صَفْوٰانٍ صٰاحِبُ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ قٰالَ: لَمّٰا كٰانَ الْيَوْمُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ اِرْتَجَّ الْمَوْضِعُ بِالْبُكٰاءِ وَدَهِشَ النّٰاسُ كَيَوْمٍ قُبِضَ فِيهِ النَّبِيُّ ﷺ وَجٰاءَ رَجُلٌ بٰاكِياً وَهُوَ مُسْرِعٌ مُسْتَرْجِعٌ وَهُوَ يَقُولُ اَلْيَوْمَ اِنْقَطَعَتْ خِلاٰفَةُ النُّبُوَّةِ حَتّٰى وَقَفَ عَلٰى بٰابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ اَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَقٰالَ: رَحِمَكَ اللّٰهُ يٰا اَبَاالْحَسَنِ كُنْتَ اَوَّلَ الْقَوْمِ اِسْلاٰماً، وَاَخْلَصَهُمْ ايمٰاناً الزيارة وَسَكَتَ الْقَوْمُ حَتّٰى اِنْقَضٰى كَلاٰمُهُ وَبَكٰى، وَبَكٰى اَصْحٰابُ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ ثُمَّ طَلَبُوهُ فَلَمْ يُصٰادِفُوهُ.**[2]

---

۱. اقبال، ص ۲۰۱-۲۰۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۴؛ یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ به نام اُسید بن صفوان نقل می‌کند همان روزی که ←

وَ مِنَ الْمَصَائِبِ الْكَادِحَةِ: إِنَّ بَعْضَ مَنْ خَالَفَنَا أَوْرَدَ الزِّيَارَةَ لِأَبِي بَكْرٍ وَأَنَّ عَلِيّاً زَارَهُ بِهَا! فَرَوَى الْخَطَّابِي وَغَيْرُهُ مُسْنَداً عَنْ أُسَيدِبْنِ صَفْوَانَ إِنَّ أَبَابَكْرٍ لَمَّا مَاتَ قَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَىٰ بَابِ الْبَيْتِ الَّذِي هُوَ مُسَجىٰ فِيهِ، فَقَالَ: كُنْتَ وَاللّٰهِ لِلدِّينِ يَعْسُوباً أَوَّلاً حِينَ تَفَرَّقَ النَّاسُ الخ وَاللّٰهُ الْحَاكِمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ.

اعمال شب بیست و سوم

شب بیست و سوم، از دو شب قدر سابق افضل است، و از احادیث بسیار مُستفاد می‌شود که شب قدر همین است، و این شب جُهَنی است،[1] و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدّر می‌گردد، و از برای این شب غیر از اعمالی که با دو شب سابق شریک است چند عمل دیگر است:

۱ خواندن سورهٔ عنکبوت و روم، که حضرت صادق علیه السلام قسم یاد فرموده که: خوانندهٔ این دو سوره در این شب از اهل بهشت است.[2]

۲ خواندن حٰمٓ دخان.[3]

امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شد، مردم همانند روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت ترسان شده و گریه می‌کردند و مردی گریان و شتابان در حالی که «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» می‌گفت، بر در خانهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاد و گفت: خدا رحمت کند تو را ای ابوالحسن! تو اوّلین کسی بودی که از گروه مسلمین اسلام را پذیرفتی و در ایمان از همه خالص‌تر، و در یقین کاملتر، و خداترس‌تر و (برای اسلام) زحمتکش‌تر بودی، و بیش از دیگر یاران پیامبر از آن حضرت محافظت نموده و امین‌تر از آنان بودی، و در مناقب از همه برتر، و در کارهای نیک پرسابقه‌تر از دیگران، و درجه و مقامت از همه بالاتر، و به پیامبر از همه نزدیکتر، و در روش و اخلاق و کردار به آن حضرت شبیه‌تر بودی و... مردم در حالی که سکوت کرده بودند به تمام سخنان او گوش دادند، تا اینکه سخنش تمام شد و گریه کرد و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کردند، آنگاه هرچه جستجو کردند او را نیافتند.

۱. اسم جُهَنی «عبدالرحمان بن انیس انصاری» است، «و آن اعرابی بود که به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: منزل من از مدینه دور است، می‌خواهم شبی را برایم تعیین کنی که بهترین شب‌ها باشد که در آن شب به خدمت تو برسم. حضرت شب بیست و سوم را برای او تعیین فرمود، و او پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می‌شد و چون صبح می‌شد برمی‌گشت». زاد المعاد، ص ۱۸۰؛ اقبال، ص ۲۰۷.

۲. اقبال، ص ۲۱۱.

۳. زاد المعاد، ص ۱۸۸.

۳ خواندن سورهٔ قدر هزار مرتبه.[۱]

۴ آنکه تکرار کند در این شب ـ بلکه در تمام اوقات ـ این دعا را که برای وجود مبارک امام عصر صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وارد شده: **اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ [وَعَلیٰ آبائِهِ] فی هٰذِهِ السّاعَةِ، وَفی کُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَلِیّاً وَحافِظاً، وَقائِداً وَناصِراً، وَدَلیلاً وَعَیْناً، حَتّیٰ تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.**[۲]

۵ بخواند: **اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لی فی عُمْری [وَاَوْسِعْ لی فی رِزْقی، وَاَصِحَّ لی جِسْمی وَبَلِّغْنی اَمَلی، وَاِنْ کُنْتُ مِنَ الْاَشْقِیٰآءِ فَامْحُنی مِنَ الْاَشْقِیٰآءِ، وَاکْتُبْنی مِنَ السُّعَدٰآءِ، فَاِنَّکَ قُلْتَ فی کِتٰابِکَ الْمُنْزَلِ عَلیٰ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ، صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یَمْحُوا اللّٰهُ مٰا یَشٰآءُ وَیُثْبِتُ، وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتٰابِ]**[۳]

۶ بخواند: **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فیمٰا تَقْضی وَفیمٰا تُقَدِّرُ [مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ، وَفیمٰا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَکیمِ، فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضٰآءِ الَّذی لٰا یُرَدُّ وَلٰا یُبَدَّلُ، اَنْ تَکْتُبَنی مِنْ حُجّٰاجِ بَیْتِکَ الْحَرٰامِ فی عٰامی هٰذَا الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْکُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُکَفَّرِ عَنْهُمْ سَیِّئٰاتُهُمْ، وَاجْعَلْ فیمٰا تَقْضی وَتُقَدِّرُ، اَنْ تُطیلَ عُمْری وَتُوَسِّعَ لی فی رِزْقی.]**[۴]

۷ بخواند دعای علی بن الحسین علیه السلام را که در اقبال است: **یٰا بٰاطِناً فی ظُهُورِهِ [وَیٰا ظٰاهِراً فی بُطُونِهِ، وَیٰا بٰاطِناً لَیْسَ یَخْفیٰ، وَیٰا ظٰاهِراً لَیْسَ یُریٰ، یٰا مَوْصُوفاً لٰا یَبْلُغُ بِکَیْنُونَتِهِ مَوْصُوفٌ، وَلٰا حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَیٰا غٰآئِباً (غائِبٌ) غَیْرَ مَفْقُودٍ، وَیٰا شٰاهِداً**

---

۱. از حضرت صادق علیه السلام منقول است: هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سورهٔ إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ بخواند، هر آینه صبح کند با یقین شدید به اعتراف به آنچه مخصوص ماست از کرامتها در این شب به سبب آنچه در خواب ببیند (زاد المعاد، ص ۱۸۸).

۲. مصباح المتهجّد، ص ۴-۵۷۳ با اندک تفاوت.

۳. اقبال، ص ۲۰۹.

۴. همان، ص ۲۱۲.

(شاهِدٌ) غَيْرَ مَشْهُودٍ، يُطْلَبُ فَيُصابُ، وَلَمْ يَخْلُ مِنْهُ السَّمٰواتُ وَالْأَرْضُ وَما بَيْنَهُما طَرْفَةَ عَيْنٍ، لايُدْرَكُ بِكَيْفٍ، وَلايُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ وَلابِحَيْثٍ، أَنْتَ نُورُ النُّورِ وَرَبُّ الْأَرْبابِ، أَحَطْتَ بِجَميعِ الْأُمُورِ، سُبْحانَ مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا وَلا هٰكَذا غَيْرُهُ، پس دعا می‌کنی به آنچه بخواهی.][1]

۸ آنکه غیر از غسل اوّل شب غسلی نیز در آخر شب کند.

وبدان که: از برای غسل و احیاء این شب و زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز فضیلت بسیار تاکید شد.

و روایت شده که حضرت صادق علیه السلام سخت مریض شده بود، چون شب بیست و سوم ماه رمضان شد مَوالي خود را امر فرمود که حرکتش دادند به مسجد بردند، و آن شب را در مسجد بود تا به صبح.[2]

علّامه مجلسی فرمود: هر مقدار قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند، و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند، خصوصاً دعای **مکارم الاخلاق** و دعای توبه، و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد، زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که: **روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است.**[3]

شب بیست و هفتم، بالخصوص غسل وارد شده، و منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در این شب این دعا را مکرّر می‌خواند، از اول شب تا به آخر شب:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجافِيَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنابَةَ إِلىٰ دارِ الْخُلُودِ، وَالْاِسْتِعْدادَ

---

۱. همان، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۲۱۴؛ و نیز از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است: هر که شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان را احیا کند و صد رکعت نماز بکند، حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا، و شر دشمنان را از او کفایت کند، و او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان پناه دهد، و هول منکر و نکیر را از او دفع کند، و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی بخشد به اهل محشر را، و نامه‌اش را به دست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنّم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب را، و بی حساب داخل بهشت شود، و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان. (زاد المعاد، ص ۱۸۸ـ۱۸۹؛ اقبال، ص ۲۱۴).

۳. زاد المعاد، ص ۱۹۰.

لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.[۱]

اعمال شب آخر ماه مبارک رمضان

شب آخر ماه شب بسیار مبارکی است و از برای این شب چند عمل است:

۱ غسل.

۲ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام.

۳ خواندن سورهٔ انعام و کهف و یٰس و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ.

۴ وداع ماه رمضان به دعاهای وداع که سیّد و غیره نقل کرده‌اند و بهترین آنها دعای ۴۵ صحیفهٔ کامله است، و سیّد روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر شب آخر ماه رمضان وداع کند آن ماه شریف را و بگوید: «اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَاَعُوذُ بِكَ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلاّ وَقَدْ غَفَرْتَ لی»، بیامرزد حقتعالی او را پیش از آنکه صبح کند، و روزی فرماید او را توبه و انابه[۲].

و سیّد و شیخ صدوق از جابربن عبدالله انصاری روایت کرده‌اند که گفت: رفتم به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعهٔ آخر ماه رمضان، چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود: ای جابر! این آخر جمعه‌ای است از ماه رمضان، پس آن را وداع کن و بگو: اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ آخِرَالْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ، فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً، وَلاٰ تَجْعَلْنی مَحْرُوماً، پس به درستی که هر که این دعا را در این روز بخواند، به یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد: یا به رسیدن به ماه رمضان آینده، یا به آمرزش خدا و رحمت بی انتها.[۳]

روز سی‌ام: سیّد برای روز آخر دعایی نقل کرده که اوّلش این است: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ.[۴]

---

۱. خدایا دوری کردن از سرای غرور (دنیا)، و بازگشت به سرای جاوید (بهشت) و آمادگی برای مردن پیش از فرا رسیدن مرگ را روزیِ من گردان (همان، ص ۱۹۰).

۲. اقبال، ص ۲۵۶.

۳. همان، ص ۲۴۳.

۴. همان، ص ۲۶۱.

دعای ختم قرآن

و چون در این روز غالبِ مردم قرآن ختم می‌کنند، سزاوار است که بعد از ختم بخوانند دعای ۴۲ صحیفهٔ کامله را، و اگر خواسته باشند این دعای مختصر را بخوانند که شیخ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده: **اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي، وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِكَ.**[1]

---

۱. مصباح المتهجّد.

۴

باب چهارم

در ماه شوّال است

اعمال شب اول ماه شوّال

شب اوّل، از جملهٔ لیالی شریفه است، و در فضیلت و ثواب عبادت و إحیای آن احادیث بسیار وارد شده است و روایت شده است که آن شب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است:

۱ غسل است در وقت غروب آفتاب.

۲ إحیاء آن شب به نماز و دعا و سؤال از حقتعالی و استغفار و بیتوتهٔ در مسجد.[۱]

۳ آنکه بخواند در عقب نماز مغرب و عشا و نماز صبح و عقب نماز عید: **اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ، لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ، اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ ما هَدٰینٰا، وَلَهُ الشُّکْرُ عَلیٰ ما اَوْلٰینٰا.**[۲]

۴ آنکه چون نماز مغرب و نافله آن را خواند، دستها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: **یا ذَاالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا ذَاالْجُودِ، یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَناصِرَهُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْلی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَهُوَ عِنْدَکَ فی کِتابٍ مُبینٍ**؛ پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید: **اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ**؛ پس هر حاجت که دارد از حقتعالی

---

۱. ابن بابویه از رسول خدا ﷺ روایت کرده است: کسی که شب قدر را احیا بدارد، دلش نمی‌میرد در روزی که دل‌ها می‌میرند (اقبال، ص ۲۷۴) و شب عید فطر در فضیلت مثل شب قدر است.

۲. اقبال، ص ۲۷۱،۲۷۲.

بخواهد که انشاءاللّٰه تعالی بر آورده خواهد شد.[۱]

۵ زیارت امام حسین علیه السلام.

۶ آنکه ده مرتبه بگوید: یادائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّةِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّةِ، یا صاحِبَ الْمَواهِبِ السَّنِیَّةِ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَیْرِ الْوَریٰ سَجِیَّةً، وَاغْفِرْ لَنا یا ذَاالْعُلیٰ فی هٰذِهِ الْعَشِیَّةِ؛ و در هر شب عید و هر شب جمعه این دعا ده مرتبه خوانده می‌شود، چنانکه کفعمی ذکر فرموده.[۲]

۷ بجا آوردن دو رکعت نماز است، در رکعت اوّل بعد از حمد هزار مرتبه توحید، و در [رکعت] دوم یک مرتبه بخواند، و بعد از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید: اَتُوبُ اِلَی اللّٰهِ، پس بگوید: یاذَاالْمَنِّ وَالْجُودِ، یا ذَاالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا، و بجای آن حاجات خود را بطلبد و روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این دو رکعت را به این کیفیّت بجا می‌آورد، پس سر از سجده بر می‌داشت و می‌فرمود: بحقّ آن خداوندی که جانم به دست قدرت او است! هر که این نماز را بکند، هر حاجت از خدا بطلبد البتّه عطا کند، و اگر به عدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد. و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه وارد شده، لکن نماز را بعد از نماز مغرب و نافله آن باید بجا آورد؛[۳] و شیخ و سیّد بعد از این نماز دعایی نقل کرده‌اند مشتمل بر اسامی مبارکهٔ حقتعالی، و آن دعا در زادالمعاد مسطور است.[۴]

اعمال روز اول ماه شوّال

روز اوّل، روز عید فطر است و اعمال آن چند چیز است:

۸ آنکه بخوانی بعد از نماز صبح و نماز عید، آن تکبیراتی را که در شبش بعد از نماز

---

۱. همان، ص ۲۷۱. ۲. مصباح کفعمی، ص ۶۴۷.

۳. اقبال، ص ۲۷۲.

۴. زاد المعاد، ص ۲۲۴ـ۲۲۱؛ اقبال، ص ۲۷۲؛ مصباح المتهجّد، ص ۵۹۵ـ۵۹۲.

فریضه می‌خواندی.

۹ آنکه بخوانی بعد از نماز صبح دعایی را که سیّد روایت کرده: اَللّٰهُمَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ اِمامی الخ، و شیخ این دعا را بعد از نماز عید ذکر کرده.[۱]

۱۰ بیرون کردن زکات فطره به تفصیلی که در کتب فقهیه است.

۱۱ غسل است، و روایت است که در زیر سقفی بکن، و چون خواستی غسل کنی بگو: اَللّٰهُمَّ ایماناً بِکَ وَتَصْدیقاً بِکِتابِکَ وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پس بِسْمِ اللّٰهِ بگو و غسل کن، و چون فارغ شدی از غسل بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ کَفّارَةً لِذُنُوبی وَطَهِّرْ دینی، اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنّی الدَّنَسَ.[۲]

۱۲ پوشیدن جامهٔ نیکو و بکار بردن بوی خوش، و رفتن به صحرا برای نماز کردن در زیر آسمان.

۱۳ پیش از نماز عید در اوّل روز افطار کنی، و بهتر آن است که به خرما یا شرینی باشد. و شیخ مفید فرمود: مستحبّ است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیّد الشهداء ﷺ که شفاست ازبرای هر دردی.

۱۴ آنکه چون مهیّا شد از برای رفتن به نماز عید بخواند: اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهی، و چون متوجه به نماز عید شد بخواند: اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَیَّأَ فی هٰذَا الْیَوْمِ [اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلیٰ مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ، وَ نَوافِلِهِ وَ فَواضِلِهِ وَ عَطایاهُ، فَاِنَّ اِلَیْکَ یا سَیِّدی تَهْیِئَتی وَ تَعْبِئَتی وَ اِعْدادی وَ اسْتِعْدادی رَجاءَ رِفْدِکَ وَ جَوائِزِکَ، وَ نَوافِلِکَ وَ فَواضِلِکَ وَ فَضائِلِکَ وَ عَطایاکَ، وَ قَدْ غَدَوْتُ اِلیٰ عیدٍ مِنْ اَعْیادِ اُمَّةِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ عَلیٰ آلِهِ، وَ لَمْ اَفِدْ اِلَیْکَ الْیَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ، وَ لا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ، وَ لٰکِنْ اَتَیْتُکَ خاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبی، وَ اِساءَتی اِلیٰ نَفْسی، فَیا عَظیمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ، اِغْفِرْلِیَ الْعَظیمَ مِنْ ذُنُوبی، فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ

۱. مصباح المتهجّد، ص ۶۰۲-۵۹۹.
۲. اقبال، ص ۲۷۹.

الذُّنوبَ الْعِظامَ إلاّ أنْتَ، يا لا إلٰهَ إلاّ أنْتَ، يا أرْحَمَ الرّاحِمينَ.][۱]

[۱۵] خواندن نماز عید است، و آن دو رکعت است: در رکعت اوّل حمد و سورهٔ أعْلیٰ بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیری قنوت معروف: اَللّٰهُمَّ أهْلَ الْكِبْرِيآءِ وَالعَظَمَةِ را بخواند: [اَللّٰهُمَّ أهْلَ الْكِبْرِيآءِ وَ الْعَظَمَةِ، وَ أهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ أهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أهْلَ التَّقْوىٰ وَ الْمَغْفِرَةِ، أسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عيداً، وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً (وشَرَفاً)[خ] وَمَزيداً أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أنْ تُدْخِلَني في كُلِّ خَيْرٍ أدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأنْ تُخْرِجَني مِنْ كُلِّ سُوءٍ أخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ (أجْمَعينَ)، اَللّٰهُمَّ إنّي أسْئَلُكَ خَيْرَ ما سَئَلَكَ (مِنْهُ)[خ] عِبادُكَ الصّالِحُونَ، وَ أعُوذُ بِكَ (فيهِ)[خ] مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ (الْمُخْلِصُونَ)[خ]][۲]

پس تکبیر ششم بگوید و به رکوع، رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد به رکعت دوم، و بعد از حمد سورهٔ والشّمس بخواند و در این رکعت نیز آن قنوت را چهار مرتبه بخواند، پس نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهرا(ع) بفرستد.[۳] و بعد از نماز عید دعاهای بسیار وارد شده است، و شاید بهترین آنها دعای (۴۶) صحیفهٔ کامله باشد، و مستحب است که نماز عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بوریا واقع شود، و آنکه برگردد از مُصَلّیٰ از غیر آن راهی که رفته بود،[۴] و دعا کند از برای برادران دینی خود به قبولیِ اعمال.

[۱۶] زیارت کند حضرت امام حسین(ع) را.

[۱۷] بخواند دعای ندبه را.

---

۱. همان، ص ۲۸۰.
۲. مفاتیح، ص ۴۳۲.
۳. همان، ص ۲۸۹.
۴. همان، ص ۲۸۳.

جنگ اُحد

روز پانزدهم، سنهٔ ۳، غزوهٔ اُحدواقع شد،[1] و این بعد از غزوهٔ بَدر بود به یک سال، و ابوسفیان و بعضی از مشرکین زنان خود را نیز همراه آورده بودند، و در اوّل کار غلبه برای مسلمانان واقع شد برای کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام «طلحة بن ابی طلحة» را، که کَبشُ الکتیبه و علمدار لشکر کفّار بود، کفّار فرار کردند مسلمانان به اخذ (گرفتن) غنائم جمع شدند. پس «خالدبن الولید» با جمعی دیگر که در کمین بودند بیرون آمدند، و دور پیغمبر را با شمشیر و نیزه احاطه کردند و پیشانی آن جناب را شکستند، و از اصحاب آن حضرت هفتاد نفر کشته گشت، و «ابن قمیئه» فریاد برداشت: **محمّد را کشتم!** اصحاب رسول فرار کردند و کسی باقی نماند جز امیرالمؤمنین علیه السلام، و رسول خدا صلی الله علیه و آله مدهوش گشته بود و امیرالمؤمنین علیه السلام کفّار را از آن حضرت دور می‌کرد، و نود جراحت بر بدن امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده بود، و در آن روز از مُواساهٔ آن جناب ملائکه تعجّب کردند و در میان آسمان و زمین ندا بلند شد که: **لا سَیْفَ اِلاّ ذُوالْفَقارِ وَلا فَتىٰ اِلاّ عَلِیٌّ**.[2]

پس بعضی اصحاب به آن جناب ملحق شدند مانند: «عاصم بن ثابت» و «ابودجانه» و «سهل بن حُنَیف» و در آن روز اَسَدُاللّه ـ **حضرت حمزه** ـ به دست «وحشی» شهید گشت و «هند» مادر «معاویه» از بُغض و عِداوتی که با حمزه داشت جگر حمزه را طلبید و در دهان گذاشت، در دهانش به قدرت خدا سخت شد! از دهان بیفکند از این جهت او را اٰکِلَةُالْأَکْباد لقب دادند.[3]

---

۱. به روایت شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب و اکثر محدّثان شیعه، نزول قریش به اُحُد در چهارشنبه دوازدهم ماه [شوال] شد و حضرت در روز جمعه چهاردهم در اُحُد نزول اجلال فرمود، و در روز شنبه پانزدهم قتال واقع شد. [حیاة القلوب، ج ۴، ص ۹۶۴؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۹۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۹.

۲. علامهٔ مجلسی رحمه الله گوید: حدیث ندای «لا فتیٰ» از طرق خاصه و عامّه متواتر است [مناقب ابن مغازلی، ص ۱۹۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۵؛ الاغانی، ج ۱۵، ص ۱۸۷؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۳۵۷؛ سیرة ابن هشام، ج ۳، ص ۱۰۰] و ابن ابی الحدید و دیگران از مشاهیر علمای ایشان گفته‌اند که: این از جمله احادیث مشهوره است و انکار نمی‌توان کرد (حیاة القلوب، ج ۴، ص ۹۵۸).

۳. جریان جنگ اُحُد به تفصیل در کتاب «حیاة القلوب، ج ۴، ص ۹۲۵-۹۸۶» بیان شده است.

جنگ خندق

روز هفدهم، سنه ۵، غزوه خَندق پیش آمد و آن را غزوهٔ أحزاب نیز می‌گویند، زیرا که قریش از همهٔ قبایل استمداد کردند و جُهودان بني‌النَّضیر ـ که پیغمبر ایشان را از مدینه بیرون شدن فرموده بود ـ به کفّار مکه پیوستند و با ایشان مهیّای جنگ پیغمبر شدند، چون خبر به پیغمبرﷺ رسید در باب ایشان مشورت کرد. سلمان عرض کرد که دور مدینه را خندق بکشند. پس حفر خندق کردند، مشرکین که وارد شدند در آن طرف خندق منزل کردند، و مسلمانان از ایشان ترس بسیار پیدا کردند، و زیاده از بیست روز حربی واقع نشد جز آنکه تیر و سنگ به هم می‌انداختند، آخِرالامر یک روز جماعتی از قریش مانند «عمروبن عَبْدود» و «نوفل بن عبداللّه» و «هبیرةبن ابی وهب» و «عکرمةبن ابی جهل» و «ضراربن الخطّاب» مهیای حرب شدند و اسپهای خود را سوار شده از موضعی که تنگتر بود از خندق جستن کردند، و «عمروبن عبدود» مبارز طلب کرد، و چون «عمرو» را فارسِ یَلْیَلْ می‌نامیدند و او را با هزار سوار برابر می‌دانستند، و اصحاب وصف شجاعت او را شنیده بودند، کسی جرأت میدان او نکرد همه سرها به زیر افکندند، و «ابن الخطّاب» بجهتِ عذر اصحاب سخنی چند از شجاعت «عمرو» تذکره کرد، که خاطر اصحاب شکسته‌تر شد و منافقین چیره شدند. رسول خدا صَلَوٰاتُ اللّهِ عَلَیْهِ چون شنید که «عمرو» مبارز می‌طلبد، فرمود: هیچ دوستی باشد که شرّ این دشمن بگرداند؟ علیّ مرتضیﷺ عرض کرد: من مبارزت کنم با او؟ حضرت خاموش شد. دیگر باره «عمرو» ندا کرد که کیست به نزد من آید؛ و اسب خود را از چپ و راست بجولان در آورد و گفت:

وَلَقَدْ بَحَحْتُ مِنَ النِّداءِ بِجَمْعِکُمْ هَلْ مِنْ مُبارِزٍ

وَوَقَفْتُ إذْ جَبُنَ الشُّجاعُ مَواقِفَ الْقِرْنِ الْمُناجِزِ

إِنِّـي كَـذٰلِكَ لَـمْ أَزَلْ مُـتَسَرِّعاً نَـحْوَالْـهَزٰاهِـزِ
إِنَّ الشُّجاعَةَ فِي الْفَتىٰ وَالْجُودَ مِنْ خَيْرِ الْغَرائِزِ[۱]

رسول خدا ﷺ فرمود: کیست از برای [مبارزهٔ با] این سگ؟ کسی جوابش نداد! امیرالمؤمنین برخاست گفت: یا رَسُولَ اللهِ! من می‌روم به مبارزت او. حضرت فرمود: یا علی! این «عمروبن عَبدود» فارس یَلْیَلْ است. امیرالمؤمنین عرض کرد: من هم علیّ بن ابی طالبم.

خدا رحمت کند مَلِکُ‌الشعراء را که در این مقام چه نیکو گفته:

پیمبر سرودش که «عمرو» است این — کـه دست یـلی آخـته زاستین
عـلی گـفت ای شـاه! اینک منم — که یک بیشه شیر است در جوشنم

پس امیرالمؤمنین اذن قِتال گرفت و هَروله کنان آهنگ میدان کرد، و در جواب اشعار «عمرو» فرمود:

لا تَعْجَلَنَّ فَقَدْ أَتٰاكَ مُجيبُ صَوْتِكَ غَيْرُ عاجِزٍ
ذُو نِيَّةٍ وَبَصيرَةٍ وَالصِّـدْقُ مُـنْجِي كُـلِّ فـائِزٍ
إِنّي لَأَرْجُو أَنْ أُقـيمَ عَـلَيْكَ نـائِحَةَ الْجَـنائِزِ
مِنْ ضَرْبَةٍ نَجْلاءٍ يَبْقىٰ صَوْتُها بَعْدَ الْهَزاهِزِ[۲]

پس امیرالمؤمنین «عمرو» را دعوت فرمود به یکی از سه امر: یا اسلام آورد، یا دست از جنگ پیغمبر بدارد، یا از اسب پیاده شود. «عمرو» امر سوّم را اختیار کرد، امّا در نهان از جنگ با امیرالمؤمنین ترسناک بود! لاجَرم گفت: یا علی! به سلامت باز شو، هنوز تو را هنگام میدان و نبرد با مردان نرسیده ـ **هنوزت دهان شیر بوید همی** ـ دیگر

۱. صدایم گرفته شد از بس ندا کردم در مجمع شما چه کسی با من مبارزه می‌کند، و ایستادم در هنگامی که شجاع می‌ترسد در مقام قرنی که نگریزد، و من پیوسته چنین مسارعت کننده بودم در جنگ‌های عظیم، به درستی که شجاعت و بخشش در جوان از بهترین خصلتهاست. (حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۰۳۹).

۲. تعجیل مکن که آمد به سوی تو اجابت کنندهٔ آواز تو که عاجز نیست از مقاومت تو، و صاحب نیّت درست و بینائست در راه حق، و راستگویی نجات دهندهٔ هر رستگار است، و به درستی که امیدوارم به زودی برای تو برپا کنم نوحه را که بر جنازه‌ها می‌کنند، از ضربت شکافنده که آوازش بماند بعد از جنگ‌ها. (حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۰۳۹)

آنکه من با پدرت دوست بودم و دوست نمی‌دارم که تو را بکشم، و نمی‌دانم پسر عمّت به چه ایمنی تو را به جنگ من فرستاد؟! و حال آنکه من قدرت دارم تو را به نیزه‌ات بربایم و درمیان آسمان و زمین معلّق بدارم، که نه مرده باشی و نه زنده!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این سخنان بگذار، همانا من دوست می‌دارم که تو را در راه خدا بکشم. پس «عمرو» پیاده شد و اسب خود را پی کرد، و با شمشیر آخته بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام تاخت و با یکدیگر سخت بکوشیدند که زمین از گَرد تاریک شد، و لشکریان از دو جانب ایشان را نمی‌دیدند، آخرالامر «عمرو» فرصتی کرد و شمشیر خود را بر امیرالمؤمنین علیه السلام فرود آورد، امیرالمؤمنین علیه السلام سپر در سر کشید، «عمرو» سپر را دو نیمه کرد و سر آن جناب را جراحتی رسانید. امیرالمؤمنین علیه السلام چون شیر زخم خورده بر «عمرو» شتافت و به یک ضربت کار او را بساخت، و تکبیر بگفت. مسلمانان دانستند که امیرالمؤمنین علیه السلام غلبه کرده شاد شدند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مبارزت علی علیه السلام روز خندق افضل از اعمال امّت من است تا روز قیامت.

و «عکرمة» و «هبیرة» و «نوفل» و «ضرار» که همراه «عمرو» بودند فرار کردند.

و تفصیل را این رساله گنجایش ندارد،[1] و شایسته است اشعار شیخ اُزری را که در این مقام سروده در اینجا ذکر نمایم و این رساله را به آن زینت دهم قٰالَ وَلِلّٰهِ دَرُّهُ.

ظَهَرَتْ مِنْهُ فِی الْوَرَی سَطَوٰاتٌ ... مٰا أَتَی[2] الْقَوْمُ کُلُّهُمْ مٰا أَتٰاهٰا

یَوْمَ غَصَّتْ بِجَیْشِ عَمْروبْنِ وَدٍّ ... لَهَوٰاتُ الْفَلاٰ وَضٰاقَ فَضٰاهٰا

وَتَخَطّٰی[3] إِلَی الْمَدِینَةِ فَرْداً ... لاٰ یَهٰابُ الْعِدیٰ وَلاٰ یَخْشٰاهٰا

---

۱. به روایت ابن ابی الحدید، چون شیر خدا متوجهٔ معرکهٔ هیجا (جنگ) شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کُل ایمان در برابر کل شرک رفت: [بَرَزَ الْإِیمٰانُ کُلُّهُ إِلَی الشِّرْکِ کُلِّهِ] حیاة القلوب، ج، ص ۱۰۴۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۸۵؛ کنز الفوائد، ص ۱۳۷. برای اطلاع بیشتر به «حیاة القلوب، ج ۴، ص ۱۰۵۶ـ۱۰۲۵» مراجعه شود.

۲. أَتَی الْأَمْرَ: یعنی: کرد این کار را (منه ره).

۳. تَخَطَّی النّٰاسَ: یعنی: گام زد در رقاب مردم و گذشت از آنها علی (منه ره)

قَدْعَاهُمْ وَهُمْ أُلُوفٌ وَلَكِنْ   يَنْظُرُونَ الَّذِي يَشِبُّ[1] لَظَاهَا
أَيْنَ أَنْتُمْ مِنْ قَسْوَرٍ عَامِرِيٍّ   تَتَّقِي الْأُسْدُ بَأْسَهُ فِي شَرَاهَا
أَيْنَ مَنْ نَفْسُهُ تَتُوقُ[2] إِلَى الْجَنَّاتِ   أَوْ يُورِدُ الْجَحِيمَ عِدَاهَا[3]
فَابْتَدَى الْمُصْطَفَى يُحَدِّثُ عَمَّا   يُوجَرُ الصَّابِرُونَ فِي أُخْرَاهَا
قَائِلاً إِنَّ لِلْجَلِيلِ جِنَاناً   لَيْسَ غَيْرُ الْمُجَاهِدِينَ يَرَاهَا
مَنْ لِعَمْرٍو وَقَدْ ضَمِنْتُ عَلَى اللهِ   لَهُ مِنْ جِنَانِهِ أَعْلَاهَا
فَالْتَوَوْا[4] عَنْ جَوَابِهِ كَسَوَامٍ[5]   لَا تَرَاهَا مُجِيبَةً مَنْ دَعَاهَا
وَإِذَا هُمْ بِفَارِسٍ قُرَشِيٍّ   تَرْجُفُ الْأَرْضُ خِيفَةً أَنْ يَطَاهَا
قَائِلاً مَا لَهَا سِوَايَ كَفِيلٌ   هَذِهِ ذِمَّةٌ عَلَيَّ وَفَاهَا
وَمَشَى يَطْلُبُ الْبِرَازَ[6] كَمَا تَمْشِي   خِمَاصُ[7] الْحَشَى إِلَى مَرْعَاهَا
فَانْتَضَى مَشْرَفِيَّهُ[8] فَتَلَقَّى   سَاقَ عَمْرٍو بِضَرْبَةٍ فَبَرَاهَا[9]
وَإِلَى الْحَشْرِ رَنَّةُ[10] السَّيْفِ مِنْهُ   يَمْلَأُ الْخَافِقَيْنِ[11] رَجْعُ صَدَاهَا[12]
يَا لَهَا ضَرْبَةً حَوَتْ مَكْرُمَاتٍ[13]   لَمْ يَزِنْ ثِقْلَ أَجْرِهَا ثَقَلَاهَا
هَذِهِ مِنْ عُلَاهُ إِحْدَى الْمَعَالِي   وَعَلَى هَذِهِ فَقِسْ مَا سِوَاهَا

---

۱. شَبَّ: برافروختن آتش و حرب و مانند آن، لَظیٰ: یعنی: آتش (منه ره)
۲. تاق از باب نصر: یعنی: آرزومند شد (منه ره)
۳. عِدیٰ بِالْکَسْرِ وَالضَّمِّ: یعنی ستمکاران و دشمنان و دزدان، جمع عادی است. (منه ره).
۴. اِلْتِواء: سستی و کاهلی کردن در کار و روی گردانیدن. (منه ره)
۵. سَوام به فتح: یعنی: چرنده (منه ره).
۶. بارَزَ مُبارَزَةً، وَبِرازاً: از میان صف بیرون آمدن برای حرب.
۷. رَجُلٌ خُمْصانٌ بِالضَّمِّ وَالتَّحْرِیکِ: مرد باریک شکم، خِماص جمع.
۸. مشرَفیّة به فتح راء: یعنی شمشیر منسوب به مشارف شام، و آن دههاست که شمشیرها را به آن نسبت می‌دهند.
۹. بَراها: یعنی: جدا کردن آن را. ۱۰. رَنَّة بِالْفَتْحِ: آواز و آواز گریه از حلق.
۱۱. خافقین: مشرق و مغرب.
۱۲. صَدیٰ، کَرَجیٰ: آواز کوه و سری و مانند آن؛ رَجْع: یعنی برگشتن آواز آن.
۱۳. مَکْرُمَة به ضمّ راء: بزرگی و جوانمردی [تمام پاورقیهای اشعار مرحوم اُزری، از مؤلف می‌باشد]

شهادت امام صادق

روز بیست و پنجم، سنهٔ **۱۴۸** صدوچهل هشت، به قول بعضی وفات امام جعفر صادق واقع شده،[۱] و بعضی روز وفات را نیمهٔ رجب گفته‌اند؛[۲] و سبب وفات آن حضرت زهری بوده که در انگور به آن حضرت خورانیده بودند.[۳]

و نقل است که: چون هنگام وفات آن حضرت شد چشمهای خود را گشود، فرمود: خویشان مرا جمع کنید. چون همه جمع شدند به سوی ایشان نظر کرد و فرمود: **شفاعت ما نمی‌رسد به کسی که نماز را سبک شمارد و اعتنا به شأن او ننماید.**[۴] پس فرمود: هفتاد دینار طلا به «حسن افطس»[۵] بدهید. و برای هر یک از آقارب خویش وصیتی فرمود.[۶]

قبر شریف آن حضرت در مدینهٔ طیّبه در بقیع در بقعهٔ پدر بزرگوارش و جدّش امام زین العابدین و عمّش امام حسن مجتبی واقع است.

---

۱. جنات الخلود.

۲. اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۱۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۱۲.

۳. ارشاد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۰۲.

۴. ثواب الاعمال، ص ۲۷۲.

۵. پسر عموی آن حضرت بود.

۶. جلاء العیون، ص ۸۸۴ با سرور.

۵

باب پنجم

در ماه ذی القعده است

بدان که: این ماه اول ماههای حرام است که حقتعالی در قرآن مجید ذکر فرموده،[1] و سید روایتی نقل کرده که: **ذی القعده محلّ اجابت دعا است در وقت شدّت؛**[2]

نماز یک شنبهٔ ماه ذیقعده: و در روز یک شنبهٔ این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که مجملش آن است که: در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گزارد، در هر رکعت حمد یک مرتبه و **قُلْ هُوَ اللّٰه** سه مرتبه و **معوذتین** یک مرتبه، پس استغفار کند هفتاد مرتبه[3] و ختم کند استغفار را به «**لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَظيمِ**» پس بگوید: **يٰا عَزيزُ يٰا غَفّٰارُ، إغْفِرْلي ذُنُوبي وَذُنُوبَ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إلاّٰ أَنْتَ.**[4]

و بدان که: روایت شده هر که در یکی از ماههای حرام سه روز متوالی ـ که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد ـ روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود.[5]

---

۱. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنٰا عَشَرَ شَهْراً في كِتٰابِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهٰا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ؛ همانا تعدا ماهها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است، که چهار ماه از آن، ماه حرام است و (جنگ در آن ممنوع می‌باشد). توبه / آیهٔ ۳۶.

۲. اقبال، ص ۳۰۶.

۳. ظاهر آن است که این استغفار و دعای بعد را بعد از نماز باید بجا آورد. (منه ره)

۴. همان، ص ۳۰۸.

۵. همان، ص ۳۰۸.

روز پنجم، به مفاد آیهٔ «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»،[1] رفع قواعد خانهٔ کعبهٔ معظّمه شد به دست ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

ولادت با سعادت حضرت امام رضا علیه السلام

روز یازدهم[2] سنه ۱۴۸ صد و چهل و هشت،[3] ولادت با سعادت حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده در مدینه بنابر مشهور؛ در تعیین اسم والدهٔ ماجده‌اش اختلاف است، و مشهور در اخبار «**تُکْتَم** و **نَجمه**» است و بعد از ولادت حضرت رضا علیه السلام طاهره‌اش گفتند، و روایت شده از آن مخدّره که گفت: چون حامله شدم به فرزند بزرگوارم، به هیچ وَجه ثِقلِ حَمل در خود احساس نمی‌کردم، و چون به خواب می‌رفتم صدای تسبیح و تَهلیل و تمجیدِ حقتعالی از شکم خود می‌شنیدم و خائف و ترسان می‌شدم، چون بیدار می‌گشتم صدا نمی‌شنیدم! چون آن فرزند سعادتمند از من متولّد شد، دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر مُطهّر خود را به سوی آسمان بلند کرد و لبهای مبارکش حرکت می‌کرد و سخنی می‌گفت که نفهمیدم! و در آن ساعت امام موسی علیه السلام نزد من آمد و فرمود: **گوارا باد تو را ای نَجمه! کرامت پروردگار تو.**

پس آن فرزند سعادتمند را در جامهٔ سفیدی پیچیدم و به آن حضرت دادم، در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه گفت، و آب فرات طلبید و کامش را به آن برداشت، پس او را به من داد فرمود: **بگیر این را که بقیّة‌الله است در زمین و حجّت خداست بعد از من.**[4]

و روایت شده که حضرت امام موسی به پسران خود می‌فرمود: ای اولاد من! برادر شما «علی بن موسی علیه السلام» عالم آل محمّد است، از او سوال کنید معالمِ دینِ خود را و

---

۱. بقره، آیهٔ ۱۲۷.

۲. جمعه / ۱۱ ذی القعده / ۱۵۳ (پنج سال بعد از شهادت امام صادق علیه السلام)، اعلام الوری به نقل از عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۸.

۳. اعلام الوری، ج ۲، ص ۴۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۸۶.

۴. جلاء العیون، ص ۹۲۸ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹.

حفظ کنید فرمایشات او را، همانا شنیدم از پدرم که مکرّر به من می‌فرمود: عالم آل محمّد ﷺ در صُلب تو است، و ای کاش من او را درک می‌کردم، همانا او همنام امیرالمؤمنین علی ﷺ است.[1]

برخی از راه و روشهای امام رضا ﷺ

و شیخ صدوق از ابراهیم بن العبّاس روایت کرده که گفت: هرگز ندیدم که حضرت امام رضا ﷺ کسی را به کلام خویش جفا کند، و ندیدم که هرگز کلام کسی را قطع کند - یعنی در میان سخن کسی سخن گوید - و ردّ نکرد حاجت اَحَدی را که مقدور او بود بر آورد، و هیچ گاهی در حضور کسی پا دراز نفرمود، و در مجلس در محضر مردم تکیه نمی‌فرمود، و هیچ وقت ندیدم او را که به یکی از غلامان خود بد گوید و فحش دهد، و هیچ گاهی ندیدم که آب دهان خود را دور افکند، و هیچ گاهی ندیدم که در خندهٔ خود قهقهه کند بلکه خندهٔ او تبسّم بود، و چون خلوت می‌فرمود و خوان طعام نزد او می‌نهادند مَمالیک (غلامان) خود را تمام بر سر سفره می‌طلبید، حتّی دربان و میراخور خود را و با آنها طعام میل می‌فرمود، و عادت آن جناب آن بود که شبها کم می‌خوابید و بیشتر شب را بیدار بود، و روزه بسیار می‌گرفت و روزهٔ سه روز از هر ماه - که پنجشنبهٔ اوّل ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبه میان ماه باشد - از او فوت نشد، و می‌فرمود: روزه این سه روز مقابل روزهٔ دهر است، و آن حضرت کثیرالمعروف بود، و در پنهانی صدقهٔ بسیار می‌داد و بیشتر صدقات آن جناب در شبهای تار بود، پس اگر کسی ادّعا کرد که مثل آن حضرت رادر فضل دیده است، پس تصدیق نکنید او را.[2]

شب پانزدهم ذیقعده

شب پانزدهم، شب مبارکی است خداوند نظر مرحمت می‌فرماید بر بندگان

---

۱. اعلام الوری، ج ۲، ص ۶۵-۶۴.

۲. عیون اخبار الرّضا ﷺ، ج ۲، ص ۱۸۴؛ بحار، ج ۴۹، ص ۹۰.

مؤمنین خود، و کسی که در این شب به طاعت حقتعالی مشغول باشد، از برای او باشد اجر صد نفر سائح ـ یعنی: روزه دار مُلازم مسجد ـ که معصیت نکرده باشد خدا را طرفةالعینی چنانکه در روایت نبوی است، پس این شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را به طاعت و عبادت و نماز و طلب حاجات از خدا، همانا روایت شده که: هر که سوال کند در این شب حاجتی از خداوند تعالی، به او عطا خواهد شد.[۱]

روز بیست و سیّم، سنهٔ ۲۰۳ به قولی شهادت حضرت امام رضا﷣ واقع شده، و زیارت آن حضرت از نزدیک و دور سنّت است. **قٰالَ السَّیِّدُ بْنُ طٰاوُسٍ فِی الْإِقْبٰالِ وَرَأَیْتُ فِي بَعْضِ تَصٰانِیفِ أَصْحٰابِنَا الْعَجَمِ ـ رِضْوٰانُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ ـ أَنَّهُ یُسْتَحَبُّ أَنْ یُزٰارَ مَوْلٰینَا الرِّضٰا﷣ یَوْمَ ثٰالِثِ عِشْرِینَ مِنْ ذِی الْقَعْدَةِ مِنْ قُرْبٍ أَوْ بُعْدٍ بِبَعْضِ زِیٰارٰاتِهِ الْمَعْرُوفَةِ أَوْ بِمٰا یَکُونُ کَالزِّیٰارَةِ مِنَ الرِّوٰایَةِ بِذٰلِکَ.**[۲]

دَحوُالارض

شب بیست و پنجم، شب دَحْوُالْأَرْضِ ـ است، و از لیالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل می‌شود، و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد؛ و از «حسن بن علی وُشّا» روایت است که گفت: من با پدرم در خدمت امام رضا﷣ شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعده، پس فرمود: امشب حضرت ابراهیم﷣ و حضرت عیسی﷣ متولّد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است، پس هر که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد.[۳] و به روایت دیگر است که فرمود: **در این روز حضرت قائم﷣ قیام خواهد نمود.**[۴]

---

۱. اقبال، ص ۳۰۹.

۲. سیّد بن طاووس﷫ گفت: در بعضی از کتابهای علمای شیعهٔ عجم ـ که خوشنودی خدا بر آنان باد ـ دیدم که زیارت مولای ما حضرت رضا﷣ در ماه ذیقعده از نزدیک و دور مستحبّ است...». همان، ص ۳۱۰.

۳. همان، ص ۳۱۰؛ ثواب الاعمال، ص ۱۰۴.

۴. همان، ص ۳۱۰.

اعمال روز دَحوالارض

روز بیست و پنجم روز **دَحْوُالْأَرْض**[1] است، و یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است، و روزه‌اش مثل روزه هفتاد سال است، و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبادت به سر آورد، از برای او عبادت صدسال نوشته شود، و از برای روزه دار این روز هر چه در میان آسمان و زمین است استغفار کند، و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر گردیده، و از برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیار است؛[2] و از برای این روز به غیر از روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دو عمل وارد است:

۱ نمازی که در کتب شیعهٔ قُمیین روایت شده، و آن دو رکعت است در وقت چاشت، در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والشّمس بخواند و بعد از نماز بخواند: **لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**، پس دعا کند و بخواند: **يٰا مُقِيلَ الْعَثَرٰاتِ أَقِلْنِي عَثْرَتِي، يٰا مُجِيبَ الدَّعَوٰاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي، يٰا سٰامِعَ الْأَصْوٰاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجٰاوَزْ عَنْ سَيِّئٰاتِي وَمٰا عِنْدِي يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ**.[3]

۲ خواندنِ این دعا است که شیخ روایت فرموده: **اَللّٰهُمَّ دٰاحِيَ الْكَعْبَةِ**[4] الخ

و بدان که: میرداماد رحمه‌الله در رسالهٔ «اربعة ایّام» خود در بیان اعمال روز **دَحْوُالْأَرْض** فرمود: زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام در این روز افضل اعمالِ مستحبّه و آکِد آداب مَسنونه (مستحبّی) است؛ و هم چنین زیارت آن حضرت در روز اوّل ماه **رَجَبُ الْفَرد** نیز بغایت مؤکّد و مَحْثُوثٌ عَلَيْهِ[5] است.

---

۱. دحوالارض: یعنی پهن شدن زمین از زیر خانهٔ کعبه. (ص)

۲. همان، ص ۲۱۲.

۳. همان، ص ۲۱۴.

۴. مصباح المتهجّد، ص ۶۱۲ـ۶۱۱.

۵. کاری که بر (انجام) آن تشویق و ترغیب شده است.

شهادت امام محمّد تقی علیه السلام

روز آخر ماه، سنهٔ ۲۲۰ دویست و بیست، بنابر مشهور حضرت امام محمّدتقی علیه السلام به زهر «معتصم» در بغداد شهید شد،[۱] و این بعد از دو سال و نیم تقریباً از فوت مأمون گذشته بود، چنانکه خود آن جناب می‌فرمود: اَلْفَرَجُ بَعْدَ الْمَأْمُونِ بِثَلٰثِینَ شَهْراً، و این کلمه مُشعر است بر آنکه حضرت از سوء معاشرت مأمون در کمال اذیّت و صدمه بوده که مرگ خود را فرج و گشایش خود تعبیر فرموده، چنانکه پدر بزرگوارش حضرت امام رضا علیه السلام در زمان ولایت عهد خود نیز چنین بوده، در هر جمعه که از مسجد جامع مراجعت می‌فرموده، به همان حالی که عرقدار و غبار آلوده بوده دستها را به درگاه الهی بلند می‌کرد و می‌گفت: اَلّهی اگر فرج و گشایش امر من در مرگ من است، پس همین ساعت در مرگ من تعجیل فرما؛ و پیوسته در غم و غُصّه بود تا از دنیا رحلت فرمود.

و حضرت امام محمدتقی علیه السلام در وقتی که وفات کرد، از سنّ شریفش بیست و پنج سال و چند ماهی گذشته بود. قبر شریفش در بُقعه مبارکهٔ کاظمیّه در پشت سر جدّ بزرگوارش حضرت امام موسی علیه السلام واقع است، و کیفیّت شهادت آن مظلوم به اختلاف نقل شده، اشهر آن است که زوجه‌اش «امّ الفضل» دختر مأمون به تحریک عمویش «معتصم» آن حضرت را مسموم کرد، چه آنکه «امّ‌الفضل» از آن حضرت منحرف بود، به سبب آنکه آن جناب میل به زنان دیگر خود می‌فرمود و والدهٔ امام علیّ‌نقی علیه السلام را بر او ترجیح می‌داد، و به این سبب امّ‌الفضل همیشه از آن حضرت در تشکّی (شکایت کردن) بود و در زمان حیات پدرش مکرّر به نزد او شکایت می‌کرد، و مأمون گوش به سخن او نمی‌داد و به سبب آنچه با امام رضا علیه السلام کرده بود دیگر مُتعرّض اذیّت کردن اهل بیت رسالت را مناسب دولت خود نمی‌دانست، مگر یک شب که «امّ‌الفضل» رفت نزد مأمون و شکایت کرد که حضرت جواد علیه السلام زنی از اولاد عمّار یاسر گرفته، و بدگویی برای آن حضرت کرد. مأمون چون مست شراب بود در غضب شد و شمشیر برداشت و

---

۱. جلاء العیون، ص ۹۶۷.

آمد به بالینِ آن حضرت، و چندان شمشیر بر بدن آن جناب زد که حاضرین گمان کردند که بدن آن جناب پاره پاره شد. چون صبح شد دیدند آن حضرت سالم است و اثر زخمی در بدن ندارد! پس حضرت مأمون را نصیحت کرد که شُربِ خَمر نکند، و فرمود: چون شب با من یک دعایی بود، ضرری از آن زخمها به من نرسید و آن دعا را تعلیم مأمون فرمود و برای او نوشت، و آن دعا معروف است به **حرز جواد** علیه‌السلام.[1]

مکشوف باد که: چون مأمون حضرت جواد علیه‌السلام را بعد از فوت پدرش به بغداد طلبید و دختر خود را تزویج او نمود، حضرت چندی که در بغداد بود از معاشرت مأمون مُنزجِر گردید، از مأمون رخصت طلبید و متوجّه حجّ بیت اللّه شد و از آن جا به مدینه جدّ خود مُعاودت فرمود، و بود تا مأمون وفات کرد و مُعتصم به جای او نشست، و این در ۱۷ رجب سنهٔ ۲۱۸ دویست و هیجده بود، و چون مُعتصم خلیفه شد از وُفور إستماع فضایل و کمالات آن معدن سعادت و خیرات، نائرهٔ حسد در کانون سینه‌اش اشتعال یافت و در صَددِ دفع آن حضرت بر آمد، و آن جناب را به بغداد طلبید. حضرت فرزند دلبند خود امام علیّ‌نقی علیه‌السلام را خلیفه و جانشین خود گردانید و ودایع نبوّت و آثار رسالت را به او تسلیم فرمود، و او را وداع کرد و با دل خونین مفارقت تربت جدّ خود اختیار فرموده روانهٔ بغداد شد، و در روز ۲۸ محرّم سنهٔ ۲۲۰ دویست و بیست داخل بغداد شد، و «معتصم» چون انحراف «اُمّ‌الفضل» را از آن حضرت دانست، او را طلبید و به قتل آن حضرت او را راضی کرده [و] زهری برای او فرستاد که در طعام آن جناب داخل کند. آن ملعونه **انگور رازقی** را زهر آلوده کرده به نزد آن امام مظلوم آورد. چون از آن تناول فرمود، اثر زهر در بدن مبارکش ظاهر شد. «اُمّ‌الفضل» از کردهٔ خود پشیمان شده و چاره نمی‌توانست کرد گریه و زاری می‌کرد! حضرت فرمود الحال که مرا کشتی گریه و زاری می‌کنی؟! به خدا سوگند که به بلایی مبتلا خواهی شد که مَرهم‌پذیر نباشد [به درستی که مستمند خواهی گردید که در دنیا و آخرت رسوا شوی].[2]

---

۱. جلاء العیون، ص ۹۶۶ـ۹۶۵؛ منهج الدعوات، ص ۴۶؛ عیون المعجزات، ص ۱۱۳.

۲. عیون المعجزات، ص ۱۱۷.

چون آن نونهال جویبار امامت در اوّل سنّ جوانی از پا در آمد، معتصم «امّ‌الفضل» را به حرم خود طلبید و در همان زودی ناسوری[۱] در بعضی از اعضای او به هم رسید که هر چند أطبّا معالجه کردند مفید نیفتاد، تا آنکه از حرم معتصم بیرون آمد و آنچه از مال دنیا داشت صرف مداوا کرد، و چنان پریشان شد که محتاج به سؤال شد و با بدترین احوال هلاک شد.[۲]

و به روایت دیگر معتصم شربت حُماضی زهرآلوده برای آن حضرت فرستاد و به آن حضرت خورانید و شهیدش نمود.[۳]

و شیخ عیاشی روایتی نقل کرده که به سبب سعایت «ابن ابی دواد ـ قاضی معتصم ـ یکی از نویسندگان خود را امر کرد که آن حضرت را به ضیافت طلبید و طعام مسموم به او خورانید و آن حضرت را شهید گردانید.[۴]

و روایت شده از مردی که همیشه با امام محمّدتقی﷣ بود گفت: در وقتی که آن حضرت در بغداد بود، روزی در خدمت امام علیّ‌نقی﷣ در مدینه نشسته بودیم و آن حضرت کودک بود و لوحی در پیش داشت می‌خواند، ناگاه تغییری در حال آن حضرت ظاهر شد! پس برخاست و داخل خانه شد. ناگاه صدای شیون شنیدیم که در خانهٔ آن حضرت بلند شد، بعد از ساعتی حضرت بیرون آمد از سبب آن احوال سؤال کردیم، فرمود: در این ساعت پدر بزرگوارم وفات فرمود! گفتم از کجا معلومِ شما شد؟! فرمود: از إجلال و تعظیم حقتعالی مرا حالتی عارض شد که پیش از این در خود چنین حالتی نمی‌یافتم، از این حالت دانستم که پدرم وفات کرده و امامت به من منتقل شده است.

پس بعد از مدّتی خبر رسید که حضرت در همان ساعت به رحمت الهی واصل شده بود.[۵]

---

۱. زخمی که آب کشیده و چرک و ورم کرده باشد، در عربی زخم و ورمی را گویند که در اطراف مقعد یا گوشه چشم و بن دندان پیدا می‌شود و جمع آن نواسیر است.

۲. جلاء العیون، ص ۹۶۷.

۳. همان، ص ۹۶۸؛ مناقب، ج ۴، ص ۴۱۶.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ جلاء العیون، ص ۹۶۹.

۵. جلاء العیون، ص ۹۷۰ به نقل از بصائر الدرجات، ص ۴۶۷.

۶

باب ششم

در اعمال ذی الحجّه است

بدان که: این ماه از ماههای شریفه است و چون این ماه داخل می‌شد صُلَحای صحابه و تابعین[1] اِهتمام عظیم در عبادت می‌کردند، و دههٔ اوّل آن ایّامش ایّام **معلومات** و در نهایت فضیلت و برکت است، و از رسولخدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که: عمل خیر و عبادت در هیچ ایّامی نزد حقتعالی محبوبتر نیست از این دهه[2] و از برای این دهه اعمالی چند است:

اعمال دههٔ اوّل ذی‌الحجّة

۱ روزه گرفتنِ نُه روز از اوّل این دهه، که ثواب روزهٔ تمام عُمر دارد.[3]

۲ خواندنِ دو رکعت نماز ما بین مغرب و عشا در تمام شبهای این دهه، در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه توحید و آیهٔ **وَوٰاعَدْنٰا مُوسىٰ ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنٰاهٰا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقٰاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقٰالَ مُوسىٰ لِأَخِيهِ هٰارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلاٰ تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ**[4] بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود.[5]

---

۱. به کسانی گفته می‌شود که توفیق مصاحبت با پیامبر صلی الله علیه و آله نداشته‌اند ولی اصحاب آن حضرت را درک کرده‌اند.

۲. اقبال، ص ۳۱۷.

۳. همان، ص ۳۲۵.

۴. اعراف، آیهٔ ۱۴۲.

۵. اقبال، ص ۳۱۷.

۳ از روز اوّل تا روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب این دعای صادقی را بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيّامُ الَّتِي فَضَّلْتَها الخ.[۱]

۴ در هر روز از دهه بخواند پنج دعایی را که جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه آورده[۲] [و گفت: یا عیسی! این پنج دعا را در دههٔ اول ذی الحجّه بخوان، به درستی که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از عبادت کردن در این دههٔ اوّل]:

۵ بخواند تهلیلاتِ علویه[۳] را و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است: لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيالِي وَالدُّهُورِ، لا اِلٰهَ إِلاّ اللّٰهُ عَدَدَ الخ.

اعمال روز اول ذی الحجّه

روز اوّل روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل است:

۱ روزه که ثواب هشتاد ماه دارد.[۴]

۲ خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام و شیخ فرموده که: روایت شده که آن چهار رکعت است به دو سلام مثل نماز امیرالمؤمنین علیه السلام، در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید پنجاه مرتبه، و بعد از سلام تسبیح آن حضرت بخواند و بگوید: سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ [الشّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحانَ اللّٰهِ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا لا هٰكَذا غَيْرُهُ].[۵]

۳ دو رکعت نماز پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از توحید و آیة‌الکرسی و قدر ده مرتبه.[۶]

۴ هر که از ظالمی ترسد در این روز بگوید: حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤالِي

---

۱. همان، ص ۳۲۲.
۲. همان، ص ۳۲۳-۳۲۴.
۳. همان، ص ۳۲۴.
۴. همان، ص ۳۱۸.
۵. اقبال، ص ۳۲۲؛ مصباح المتهجد، ص ۶۱۳.
۶. همان، ص ۳۲۵.

عِلْمُكَ بِحالِي، تا حقتعالی کفایت کند شرّ ظالم را از او.[۱]

و بدان که: در این روز تولّد شده حضرت ابراهیم خلیل ﷺ؛[۲] و در این روز به روایت شیخین تزویج شده حضرت فاطمه به امیرالمؤمنین ﷺ.[۳]

در سنهٔ ۹ این روز حضرت رسول ﷺ ابوبکر را فرستاد به سمت مکّه که آیات اوائل سوره برائت را بر کفّار مکّه بخواند، پس از رفتن او جبرئیل نازل شد که: اداءِ [انجام] این امر باید به دست تو یا به دست مردی که از تو باشد بشود؛ و به روایت دیگر: باید علی ﷺ تبلیغ کند از جانب تو. پس رسول خدا ﷺ امیرالمؤمنین ﷺ را، که به منزلهٔ جانش بود، از برای این امر اختیار فرمود، و ابوبکر را از اداء آن عزل فرمود، به تفصیلی که در کتب معتبره مسطور است.[۴] «ابن ابی الحدید» در خطاب با وی گفته:

تَنَحَّ عَنِ الْعُلْیا یَسْحَبُ ذَیْلَها ... هُمامٌ تَرَدّی بِالْعُلیٰ وَتَأَزَّرا
فَتیً لَمْ یُعَرِّقْ فیهِ تَیْمُ بنُ مُرَّةٍ ... وَلا عَبَدَ اللّاتَ الْخَبیثَةَ اَعْصُرا
وَلا کانَ مَعْزُولاً غَداةَ بَرائَةٍ ... وَلا عَنْ صَلوٰةٍ اَمَّ فیها مُؤَخَّراً.[۵]

روز هفتم،[۶] سنهٔ ۱۱۴ صدوچهارده، به سنّ پنجاه و هفت[۷] وفات حضرت امام محمّد باقر ﷺ در مدینه واقع شده؛ شیخ کلینی و دیگران از حضرت صادق ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: پدرم را بیماریِ صعبی عارض شد، که اکثر مردم بر آن حضرت خائف

۱. همان، ص ۳۲۵.
۲. همان، ص ۳۱۷.
۳. مصباح المتهجّد، ص ۶۱۳؛ مرحوم شیخ طوسی علاوه بر روزه اول، می‌فرماید، روایت شده است که ازدواج حضرت فاطمه ﷺ روز ششم ذی الحجه بوده است.
۴. اقبال، ص ۳۲۱-۳۱۹.
۵. دور شو از این خیال، تو را چه به مرتبهٔ عالیه؟! بگذار تا در این مرتبه قدم گذارد آن بزرگوای که از عُلوّ و مجد رداء و ازار بر تن کرده؛ آن جوانمردی که رگ «تیم بن مرّه» در او نیست ـ مرادش از «تیم بن مرّه» جدّ ابوبکر است که معروف به دنائت و پستی می‌باشند و... ـ مجد و بزرگواری برای آن بزرگواری است که هیچ گاهی بت «لات» را پرستش نکرد ـ و تمام اهل تسنّن قبول دارند که امیرالمؤمنین ﷺ هیچ وقت [بر] بت سجده نکرد، و لهذا هر گاه اسم آن جناب را می‌برند، «کَرَّمَ اللّٰهُ وَجْهَهُ» می‌گویند و... ـ و آن جوانمردی که در بردن آیات برائت معزول نشد... آن جوانمردی که رسول خدا ﷺ او را از مرتبهٔ امامت به جماعت عقب نکشید. (فصول العلیّه، ص ۲۷-۲۶ ط قم به نقل از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید)
۶. شیخ شهید و دیگران گفته‌اند: وفات آن حضرت روز دوشنبه هفتم ذیحجّه بود (جلاء العیون، ص ۸۶۴).
۷. اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۹۸؛ کافی، ج ۱، ص ۴۷۲.

شدند و اهل بیت آن حضرت گریان شدند. حضرت فرمود: من در این مرض نخواهم رفت، زیرا که دو کس نزد من آمدند و مرا چنین خبر دادند. پس از آن مرض صحّت یافت و مدّتی صحیح و سالم ماند، پس روزی مرا طلبید و فرمود: جمعی از قریش از اهل مدینه را حاضر کن. چون ایشان را حاضر کردم فرمود: ای جعفر! چون من به عالم بقا رحلت کنم، مرا غسل ده و کفن کن و قبر مرا چهار انگشت از زمین بلند کن، و آب بر قبر من ریز و اهل مدینه را گواه گرفت. چون ایشان بیرون رفتند، گفتم: ای پدر! آنچه می‌فرمودی بعمل می‌آوردم و احتیاج به گواه نبود. فرمود: ای فرزند! برای این گواه گرفتم که بدانند تویی وصیّ من و در امانت من با تو نزاع نکنند.[1]

گفتم: ای پدر! امروز شما را از همه روز صحیح‌تر می‌بینم و آزاری در شما مشاهده نمی‌کنم. فرمود: آن دو کس که مرا در آن مرض خبر دادند که صحّت می‌یابم، در این مرض به نزد من آمدند و گفتند به عالم بقا رحلت می‌نمایی. و به روایت دیگر فرمود: ای فرزند! مگر نشنیدی که حضرت علیّ بن الحسین ﷺ از پس دیوار مرا ندا کرد: ای محمّد! بیا، زود باش که ما انتظار تو می‌کشیم.[2]

و روایت شده که آن حضرت هشتصد درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیّت فرمود،[3] و از حضرت صادق ﷺ پدرم گفت: ای جعفر! از مالِ من وقفی بکن برای ندبه کنندگان، که ده سال در مِنیٰ در موسم حجّ بر من گریه کنند و رسم ماتم را تجدید نمایند.[4]

وبالجمله آن حضرت را به زهر شهید کردند، و آیا قاتل آن حضرت هشام بن عبدالملک است یا ابراهیم بن الولید؟ اختلاف است؛ و در بعضی روایات است که عبدالملکِ مروان زینی فرستاد در مدینه و بر اسب زدند و حضرت امام محمّدباقر ﷺ سوار شد، و در آن زهری تعبیه کرده بودند پس بدن مکرّمش ورم کرد، و آثار موت در خود مشاهده نمود پس وصیّت خود را فرمود، و سه روز در درد و الم بود و در روز سوم

۱. جلاء العیون، ص ۸۶۳-۸۶۲ به نقل از کافی، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۲۰۰.
۲. جلاء العیون، ص ۸۶۳ به نقل از بصائر الدّرجات، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.
۳. همان، ص ۸۶۴ به نقل از کافی، ج ۳، ص ۲۱۷، ح ۴. ۴. همان، ص ۸۶۴ به نقل از کافی، ج ۸، ص ۱۱۷.

از اثر زهر شهید شد.[۱] این روایت مخالفِ اقوال مشهوره و تواریخ مضبوطه است، چه آنکه عبدالملک در سنهٔ هشتاد و شش وفات کرد و وفات حضرت باقر را از سال صدوچهارده تا صدوهفده ذکر کرده‌اند و آن در ایّام خلافت هشام‌ابن عبدالملک بوده، و شاید از روایت، لفظِ هشام سقط شده باشد و آن زین زهر آلود را هشام بن عبدالملک فرستاده باشد وَاللّٰهُ الْعَالِم.

و در این روز سنهٔ صد و هفتاد و نه حضرت امام موسی را وارد بصره کردند و به «عیسی بن جعفر بن أبی جعفر منصور» تسلیم کردند، عیسی آن حضرت را در یکی از حجرات خانهٔ خود ـ که نزدیک به دیوانخانه بود ـ محبوس کرد و مشغول فرح و سرور عید گردید! از یکی از کاتبان او که نصرانی بوده نقل شده که می‌گفت: این عبد صالح و بندهٔ شایستهٔ خدا ـ یعنی: موسی بن جعفر ـ در این ایّام که در این خانه محبوس بود، چیزی چند شنید از لهو و لعب و ساز و خوانندگی و انواع فَواحش و مُنکرات که گمان ندارم هرگز به خاطر شریفش آنها خطور کرده باشد. مدّت یک سال در بصره محبوس بود، پس آن جناب را به بغداد بردند و در نزد فضل بن ربیع حبس کردند.[۲]

روز هشتم روز ترویه است، و روزه‌اش فضیلت دارد و کفّارهٔ شصت سال روایت شده؛[۳] و شیخ شهید غسل این روز را مستحبّ دانسته.

و در این روز سنهٔ شصتم «مسلم بن عقیل» خود را در کوفه ظاهر کرد و اصحاب خود را امر به خروج فرمود،[۴] و در همان روز بعینه «عمروبن سعیدبن العاص» با جماعت بسیاری به بهانهٔ حجّ به مکّه آمدند، و از جانب یزید مأمور بودند که امام حسین را در مکّهٔ معظّمه به هر حال که باشد بگیرند و به نزد یزید ببرند یا آنکه او را به قتل رسانند. لاجَرم امام حسین احرام حج را به عمره عدول فرمود و طواف خانه و سعی ما بین صفا و مروه بجای آورد و مُحِل شد و متوجّه عراق گردید، و «ابن

۱. همان، ص ۸۶۲ـ۸۶۱ به نقل از خرائج، ج ۲، ص ۶۰۰.
۲. همان، ص ۹۰۰ـ۸۹۹ به نقل از عیون اخبار الرّضا، ج ۱، ص ۸۴.
۳. اقبال، ص ۳۲۵.
۴. ارشاد، ج ۲، ص ۶۶.

عباس» گفته که: پیش از آنکه متوجّه عراق گردد، بر درِ کعبه ایستاده بود و دست جبرئیل در دست او بود و جبرئیل ندا می‌کرد مردم را: **هَلُمُّوا اِلىٰ بَيْعَةِ اللّٰهِ**.[۱]

شب نهم از لیالی متبرکه، شب مناجات با قاضی الحاجات است، وتوبه در آن شب مقبول و دعا در آن مستجاب است، و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد، اجر صد و هفتاد سال عبادت داشته باشد،[۲] و از برای آن شب چند عمل است:

۱ـ بخواند **اَللّٰهُمَّ يا شاهِدَ كُلِّ نَجْوىٰ**[۳] الخ.

۲ـ بخواند آن تسبیحات عشر را که سیّد ذکر کرده. [**سُبْحانَ مَنْ فِي السَّماءِ عَرْشُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي الْأَرْضِ سَطْوَتُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي الْبَحْرِ سَبيلُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي النّارِ سُلْطانُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي الْقُبُورِ قَضاؤُهُ، سُبْحانَ الَّذي فِي الْهَواءِ اَمْرُهُ، سُبْحانَ الَّذي رَفَعَ السَّماءَ، سُبْحانَ الَّذي وَضَعَ الْأَرْضَ، سُبْحانَ مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ اِلّا اِلَيْهِ**].[۴]

۳ـ بخواند دعای «**اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ**» را که در روز عرفه و شبهای جمعه نیز وارداست.

۴ـ زیارت کند زمین کربلا را و بماند در آنجا تا روز عید، تا آنکه از شرّ آن سال نگاه داشته شود.[۵]

اعمال روز عرفه

روز **نهم** روز عرفه و از اعیاد عظیمه است اگر چه به اسم **عید** نامیده نشده است، و روزی است که حقتعالی بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود خوانده، و موائد (مائده‌های) جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده[۶] و از برای آن اعمالی چند است:

---

۱. نفس المهموم، ص ۱۶۳.
۲. اقبال، ص ۳۲۵.
۳. همان، ص ۳۲۵.
۴. همان، ص ۳۳۰.
۵. همان.
۶. همان.

۱ غسل.

۲ زیارت امام حسین علیه السلام، و اگر کسی توفیق یابد که در این روز در تحت قُبّهٔ مقدّسه آن حضرت باشد، ثوابش کمتر از کسی که در عرفات باشد نیست، بلکه زیاده است.

۳ بعد از نماز عصر پیش از آنکه مشغول به خواندنِ دعاهای عرفه شود، دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان، و اعتراف کند نزد حقتعالی به گناهان خود تا فایز شود به ثوابِ عرفات و گناهانش آمرزیده گردد و شیخ کفعمی رحمه الله بعد از این دو رکعت فرموده که دو رکعت دیگر بجا آورد، در رکعت اول **حمد** و **توحید** و در دوم **حمد** و **جحد**، پس از آن چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید.[1]

فقیر گوید: این چهار رکعت نماز بعینه نماز امیرالمؤمنین علیه السلام است که فضیلت بسیار دارد.

۴ دعای ۴۷ صحیفهٔ کامله بخواند.

۵ دعای عرفه حضرت سیدالشهداء علیه السلام را بخواند.

۶ بخواند تسبیحاتی را که کفعمی نقل کرده و فرموده که ثواب آن از کثرت اِحصا نمی‌شود، و اوّل آن **سُبْحَانَ اللّٰهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ** است.[2] [**سُبْحَانَ اللّٰهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَعَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ يَبْقىٰ رَبُّنَا وَ يَفْنىٰ كُلُّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلاً كَثِيراً قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلاً كَثِيراً بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلاً كَثِيراً مَعَ كُلِّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَفْضُلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلاً كَثِيراً لِرَبِّنَا الْبَاقِي وَ يَفْنىٰ كُلُّ اَحَدٍ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً لاٰ يُحْصىٰ وَ لاٰ يُدْرىٰ وَ لاٰ يُنْسىٰ وَ لاٰ يَبْلىٰ وَ لاٰ يَفْنىٰ وَ لَيْسَ لَهُ مُنْتَهىٰ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَدُومُ بِدَوَامِهِ وَ يَبْقىٰ بِبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ وَ**

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۶۶۱.

۲. همان، ص ۶۶۲.

شُهُورِ الدُّهُورِ وَ اَيّامِ الدُّنيا وَ ساعاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ سُبْحانَ اللّٰهِ اَبَدَ الْأَبَدِ مِمّا لا يُحْصيهِ الْعَدَدُ و لا يُفنيهِ الْأَمَدُ ولا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ وَ تَبارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخالِقينَ

پس بگو وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ تا آخر دعا لکن بجای سُبْحانَ اللّٰهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگو و چون به اَحْسَنُ الْخالِقينَ رسیدی بگو لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ تا به آخر بجای سُبْحانَ اللّٰهِ، لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ می‌گوئی و بعد از آن بگو وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ تا به آخر بجای سُبْحانَ اللّٰهِ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ می‌گوئی.]

۷ بخواند دعاهای عرفهٔ نبویّه و سجّادیه و صادقیه و کاظمیه و رضویه علیهم السلام روایت شده در اقبال را.

و بالجمله؛ کسی که توفیق یابد و امروز در عرفات باشد ادعیّه و اعمال بسیار دارد، و بهترین اعمال در این روز دعاست و در تمام ایّام سال این رز شریف بجهة دعا امتیازی دارد، و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد؛ و روایت وارده در حال «عبدالله بن جندب» در موقف عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود مشهور است، و رجاء واثق از برادران دینی آنکه این گنه کار رو سیاه را در حال حیات و ممات از دعای خیر فراموش نفرمایند.

۸ آنکه بخواند آخر روز عرفه: يا رَبِّ اِنَّ ذُنُوبي لا تَضُرُّكَ، وَ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ لي لا تَنْقُصُكَ، فَاَعْطِني ما لا يَنْقُصُكَ وَاغْفِرْ لي ما لا يَضُرُّكَ.

ايضاً در عشيّهٔ عرفه بخواند اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْني خَيْرَ ما عِنْدَكَ لِشَرِّ ما عِنْدي، فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْني بِتَعَبي وَنَصَبي، فَلا تَحْرِمْني اَجْرَ الْمُصابِ عَلىٰ مُصيبَتِهِ.[۱]

و در این روز توبهٔ حضرت آدم قبول شده، وحضرت ابراهیم و عیسی علیهما السلام متولّد شده‌اند، و تورات نازل شده؛ و در این روز اصحاب رسول صلی الله علیه و آله مامور شدند که درهای خانه‌های خود را که به مسجد آن حضرت باز می‌شد ببندند، مگر حضرت

---

۱. اقبال، ص ۲۱-۴۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام؛[1]

و در این روز سنهٔ شصتم شهید شد مسلم بن عقیل و هانی بن عروه[2] رَحْمَةُ اللّٰهِ وَرِضْوانُهُ عَلَيْهِما.

شب دهم از لیالی متبرّکه و از آن چهار شبی است که اِحیاءِ آنها مندوب است، و درهای آسمان در این شب باز است، و سنّت است در آن زیارت امام حسین علیه السلام و دعای **يا دائِمَ الْفَضْلِ** که شب عید فطر به آن اشاره شد.

اعمال روز عید قربان

روز دهم روز عید اَضحیٰ است و بسیار روز شریفی است، و ما در عید فطر به مختصری از آداب عید اشاره کردیم و در اینجا نیز چند عمل مذکور می‌شود:

۱. غسل است که در این روز سنّت مؤکّد است و بعضی از علما واجب دانسته‌اند.

۲. نماز عید است به همان نحو که در عید فطر ذکر شد، لکن در این روز مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود.

۳. خواندن دعاهایی است که وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن، و بهترین دعاهای این روز دعای ۴۸ صحیفهٔ کامله **اَللّٰهُمَّ هٰذا يَوْمٌ مُبارَكٌ** است، و دعای ۴۶ [صحیفهٔ سجّادیه:] **يا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِبادُ** را نیز بخواند.

۴. خواندن دعای ندبه است.

۵. قربانی است که سنّت مؤکّد است.

۶. خواندن تکبیرات است برای کسی که در مِنیٰ باشد عقیب پانزده نماز ـ که اوّلش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم ـ و کسانی که در سایر شهرها هستند بخوانند عقیب ده نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم، و تکبیرات این است:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ، لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلىٰ ما

---

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۵؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۴؛ اسد الغابة، ج ۳، ص ۳۱۴.

۲. اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۴۵؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۴۳.

هَذٰینا، اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلیٰ ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَةِ الْأَنْعامِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ ما اَبْلانا. و مستحب است تکرار این تکبیرات عقیب نمازها به قدر امکان و خواندن بعد از نوافل.[1]

روز پانزدهم، سنهٔ ۲۱۲ دویست و دوازده،[2] ولادت با سعادت حضرت امام علیّ نقی علیه السلام واقع شد در قریهٔ «صُریا» ـ که در حوالی مدینهٔ طیّبه[3] ـ است و ما در دوّم رجب اشاره به ولادت آن حضرت نمودیم.

شب هیجدهم، شب عید غدیر و شب با شرافتی است. سیّد در «اقبال» دوازده رکعت نماز به یک سلام به کیفیّتی مخصوص برای این شب با دعایی نقل کرده است.

فضیلت روز عید غدیر

روز عید غدیر و عید آل محمد صلی الله علیه و آله و عظیمترین اعیاد است، و روایت است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که: آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر؟ فرمود: بلی، عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است. راوی گفت: کدام عید است؟! فرمود: آن روزی است که نصب کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خود، و فرمود: **هر که من مولی و آقای اویم، پس علی مولیٰ و آقا و پیشوای اوست**، و آن روز هیجدهم ذی الحجّه است. راوی گفت: چه کار در آن روز باید کرد؟ فرمود: باید که روزه بدارید و عبادت کنید، و محمّد و آل محمّد علیهم السلام را یاد کنید و برایشان صلوات بفرستید و وصیّت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را که این روز را عید گرداند، و هر پیغمبری وصیّ خود را وصیت می‌کرد که این روز را عید گردانند.[4]

و در حدیث «ابن ابی نصر بزنطی» است از حضرت رضا علیه السلام که فرمود: ای پسر ابی نصر! هر کجا که باشی، سعی کن که نزد قبر مطهّر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوی، بدرستی که خدا در این روز می‌آمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت

---

۱. زاد المعاد، ص ۳۲۳.
۲. کافی، ج ۱، ص ۴۹۷.
۳. اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۹.
۴. اقبال، ص ۴۶۵.

سالهٔ ایشان را، و در این روز آزاد می‌کند از آتش جهنّم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر، و یک درهم که در این روز به برادران مؤمن بدهی، برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی، و احسان کن در این روز به برادران مؤمن خود، و شادگردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را، به خدا قسم! اگر مردم فضیلتِ این روز را بدانند چنانکه باید، هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند.[1]

اعمال روز عید غدیر

و بالجمله اعمال این روز مبارک چند چیز است:

۱ روزه است که کفّارهٔ شصت سال گناه است.[2]

۲ غسل است.

۳ زیارت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ است، و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند که خود را به قبر مطهّر آن حضرت برساند، و از برای آن جناب در این روز سه زیارت مخصوصه نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه بـه امـین اللّـه است کـه از نزدیک و دور خوانده می‌شود و آن از زیارت جامعه مطلقه است نیز.

۴ بخواند تعویذی را که سیّد از حضرت رسول ﷺ روایت کرده.[3]

۵ دو رکعت نماز کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند، پس سر از سجده بردارد و بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدُ[4] الخ و بهتر آنکه این نماز را نزدیک به زوال گزارد، و در رکعت اول قدر و در دوم توحید بخواند.

۶ دو رکعت نماز کند پیش از زوال به نیم ساعت، در هر رکعت بعد از حمد هر یک از توحید و قدر و آیة‌الکرسی را ده مرتبه بخواند، که مقابل صدهزار حجّ و صدهزار عمره و باعثِ قضاء حوائج است؛ و بهتر آنکه بعد از نماز این دعا را بخواند رَبَّنا اِنَّـنا سَـمِعْنا

۱.
۲. زاد المعاد، ص ۳۲۶.
۳. اقبال، ص
۴. همان، ص ۴۷۳.

مُنادِياً الخ.[۱]

[۷] بخواند دعای ندبه را.

[۸] بخواند دعای: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ[۲] الخ و اگر بتواند بخواند دعاهای مبسوطه را که سیّد روایت کرده.

[۹] آنکه چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّكينَ بِوِلايَةِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَالْأَئِمَّةِ عليهم السلام،[۳] و نیز بخواند دعای: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي اَكْرَمَنا بِهٰذَا الْيَوْمِ [وَجَعَلَنا مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَجَعَلَنا مِنَ الْمُوفينَ بِعَهْدِهِ الَّذي عَهِدَهُ اِلَيْنا وَميثاقَهُ الَّذي واثَقَنا بِهِ مِنْ وِلايَةِ وُلاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ][۴]

وبدان که: در این روز شریف از برای پوشیدن جامه‌های نیکو و زینت کردن و شاد کردن و شادی نمودن شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و عفو از تقصیرات ایشان و توسعهٔ بر عیال و اطعام مؤمنان و افطار دادن روزه داران و مصافحه با مؤمنین و رفتن به زیارت ایشان و تبسّم کردن بر رویشان، و شکر الهی بجا آوردن بجهت نعمت بزرگ ولایت و بسیار فرستادن صلوات، و اکثار در عبادات و طاعات از برای هر یک فضیلتی عظیم است، و یک درهم که کسی در این روز به برادر مؤمن خود بدهد برابر است با هزار درهم در غیر این روز و طعام دادن به مؤمنی در این روز، مثل طعام دادن به جمیع پیغمبران و صدّیقان است، و این روز روز قبولی اعمال شیعیان و روز بر طرف شدن غمهای ایشان است، و این روزی است که حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه کرده، و خداوند آتش را بر ابراهیم خلیل علیه السلام سرد و سلامت کرده،[۵] و موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصیّ خود گردانیده، و عیسی شمعون الصّفا را وصیّ خود قرار داده، و سلیمان علیه السلام

---

۱. همان، ص ۴۷۶.

۲. همان، ص ۳_۴۹۲.

۳. همان، ص ۴۶۴.

۴. همان، ص ۴۷۶.

۵. همان، ص ۴۶۶_۴۶۴؛ زاد المعاد، ص ۲۲۷.

رعیّت خود را بر استخلاف «آصف بن برخیا» إشهاد کرده و رسول خدا ﷺ ما بین اصحاب خود برادری افکنده؛[۱] و در این روز نیز سنهٔ ۳۵ بیعت کردند مردم با امیرالمؤمنین ﷺ بر خلافتِ بعد از عثمان.[۲]

فضیلت روز مباهله و اعمال آن

روز بیست و چهارم، بنابر اشهر، روزی است که مباهله کرد رسول خدا ﷺ با نصارای نَجران، و پیش از آنکه خواست مباهله کند عَبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین ﷺ را داخل در زیر عبا نمود و گفت: پروردگارا! هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص‌ترین خلق بوده‌اند به او، خداوندا! اینها اهل بیت منند، پس از ایشان بر طرف کن شکّ و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی.

پس جبرئیل نازل شد و آیهٔ تطهیر در شأن ایشان آورد پس حضرت رسول ﷺ آن چهار بزرگوار را بیرون برد از برای مباهله، چون نگاه نَصاریٰ بر ایشان افتاد و حقّیتِ آن حضرت و آثار نزول عذاب مشاهده کردند، جرأتِ مباهله ننمودند و استدعای مصالحه و قبول جزیت[۳] نمودند.[۴]

و در این روز نیز حضرت امیرالمؤمنین ﷺ در حال رکوع انگشتری خود را به سائل داد، و آیهٔ **إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ**[۵] در شانش نازل شد؛[۶] و **بالجمله،** این روز روز شریفی است و در آن چند عمل وارد است:

۱۰ غسل.

---

۱. حیاة القلوب، ج ۴، ص ۸۶۶؛ ینابیع المودّة، ص ۵۷ـ۵۶؛ کنز العمّال، ج ۶، ص ۵۹ و...

۲. مصباح کفعمی، ص ۷۰۱.

۳. جزیه مالیاتی است که حکومت اسلامی از کفّار و اهل ذمّه می‌گیرد.

۴. اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۵۷ـ۲۵۴. ۵. مائده، آیهٔ ۵۵.

۶. نهج الحق، ص ۱۷۲؛ الغدیر، ج ۲، ص ۲۵؛ جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛ مصباح کفعمی، ص ۵۲۵.

۱۱ روزه.

۱۲ دو رکعت نماز و آن مثل روز غدیر است در وقت و کیفیّت و ثواب.

۱۳ خواندن دعای مباهله که شبیه به دعای سحرهای ماه رمضان است.[1]

۱۴ دو رکعت نماز کند با ادب و شرایط، و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند، پس اشاره کند به موضع سجود و بخواند اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الخ.[2] و شایسته است در این روز تصدّق بر فقراء بجهت تأسّی به مولای هر مؤمن و مؤمنه ـ امیرالمؤمنین علیه السلام ـ و زیارت کردنِ آن حضرت، و أنسب خواندنِ زیارت جامعه است.

روز بیست و پنجم روز شریفی است، و روزی است که [سورهٔ] هَلْ اَتیٰ در حقّ اهل بیت نازل شده بجهت آنکه سه روز روزه گرفتند، و افطار خود را در هر سه شب به مسکین و یتیم و اسیر دادند و به آب افطار نمودند. و شایسته است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایّام تأسّی به موالی خود نمایند در تصدّق به مساکین و ایتام و سعی در اطعام ایشان و روزه بدارند،[3] و چون بعضی علماء این روز را روز مباهله می‌دانند، زیارت جامعه و دعای مباهله را در این روز خواندن مناسب است.

روز بیست و هفتم سنهٔ ۱۳۲، «مروان» به قتل رسید و دولتِ آل مروان مُنقرض شد،[4] و در این روز سنهٔ ۲۱۲ ـ به روایت شیخین ـ ولادت با سعادت حضرت هادی علیه السلام واقع شده،[5] و روز سُرور و روزه و نماز شکر و صدقات است.[6]

واقعهٔ حَرّه

روز بیست و هشتم سنهٔ ۶۳ شصت و سه، واقعهٔ حَرّة اتفاق افتاد و آن واقعه آن بود که: چون اهل مدینه بر شنائعِ اعمال یزید اطّلاع یافتند، بیعت او را از خود خلع کردند و عامل او را از مدینه بیرون کردند. «یزید» «مسلم بن عقبه» را با لشکر فراوان

۱. اقبال، ص ۵۱۷.
۲. همان، ص ۵۱۵ـ۵۱۶.
۳. ۵۲۷ـ۵۲۹.
۴. همان، ص ۵۲۹.
۵. مصباح المتهجّد، ص ۷۱۲.
۶. اقبال، ص ۵۲۹.

به مدینه فرستاد. چون لشکر «یزید» به سنگستان مدینه ـ که معروف به حرّهٔ واقـم است ـ رسیدند، اهل مدینه به دفع ایشان بیرون شدند. اهل شام شـمشیر در مـیان ایشان کشیدند و جماعت بسیاری از اهل مدینه را بکشتند، و حربی عظیم فیما بـین واقع شد. اهل مدینه تاب نیاوردند و به مدینه گریختند و پناه به روضهٔ رسـول‌ﷺ بردند. لشکر شام ایشان را تعاقب (تعقیب) کردند، و اصلاً از خدا و رسول شرم نکرده با اسبان خود داخل روضهٔ منوّره شدند! و پیوسته از مردم کشتند تا روضه و مسجد پر از خون شد و تا قبر مطهّر نبوی خون رسید! پس از فراغ از حرب،«ابن عـقبهٔ» مـلعون اموال و زنان اهل مدینه را تا سه روز بر لشکر خویش مباح داشت!

نماز روز آخر سال عربی

روز سی‌ام ـ که آخر سال عرب است ـ به روایت سیّد دو رکعت نماز وارد است: در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید و آیةالکرسی هر یک ده مـرتبه، و بـعد از سـلام بخواند **اَللّٰهُمَّ ما عَمِلْتُ في هٰذِهِ السَّنَةِ [مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَني عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ وَنَسيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَني اِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائي عَـلَيْكَ، اَللّٰـهُمَّ فَـاِنّي اَسْـتَغْفِرُكَ مِـنْهُ فَاغْفِرْلي، وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقَرِّبُني اِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنّي وَلا تَقْطَعْ رَجائي مِنْكَ يا كَريمُ].**[۱]

۱. اقبال، ص ۵۳۰.

۷

باب هفتم

در ماه محرّم است

نمازهای شب اوّل ماه محرم

شب اول در آن چند نماز وارد است:

۱ صد رکعت نماز به حمد و توحید.

۲ دو رکعت نماز در رکعت اوّل حمد و انعام و در [رکعت] دوم حمد و یٰس.

۳ دو رکعت نماز و یازده قُلْ هُوَ اللّٰه و در روایت است که: **«هر که در این شب این دو رکعت نماز را بجا آورد و صبحش را که اوّل سال است روزه بدارد، مثل کسی است که تمام سال را مداومت به خیر کرده و در آن سال محفوظ باشد، و اگر بمیرد به بهشت برود».**[1] و سیّد برای هلال این ماه دعای مبسوطی ذکر کرده.

دو عمل در روز اوّل محرّم

روز اوّل : بدان که اوّل محرّم اوّل سال است، و در آن دو عمل است:

۱ روزه است و در روایت «ریّان بن شبیب» از حضرت امام رضا ﷺ روایت شده است: هر که در این روز روزه بدارد و خدا را بخواند، خداوند دعای او را مُستجاب کند

---

۱. همان، ص ۵۵۳

چنانکه دعای «زکریّا» را مستجاب فرمود.[۱]

۲ دو رکعت نماز است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده و بعد از فراغ دست به دعا بر دارد و سه دفعه بخواند دعای اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدیمُ الخ.[۲]

شیخ طوسی فرمود: مستحبّ است روزهٔ دههٔ اوّل محرّم، و لکن روز عاشورا را امساک نماید از طعام و شراب تا بعد از عصر، آن وقت به قدر کمی تربت تناول نماید.[۳]

روز تاسوعا

روز نهم روز تاسوعاست، از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: تاسوعا روزی بود که جناب حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند، و «ابن مرجانه» و «عمر سعد» خوشحال شدند به سبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع شده بود، و جناب حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف شمردند، و یقین کردند که یاوری از برای آن حضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد نخواهند نمود، پس فرمود: **پدرم فدای آن ضعیف غریب.**[۴]

شب عاشورا و فضیلت احیاء آن

شب دهم شب عاشورا است، و سیّد در **اقبال** از برای این شب دعا و نمازهای بسیار با فضیلتهای بسیار نقل کرده، از جمله چهار رکعت نماز است در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید، و این نماز مطابق است با نماز امیرالمؤمنین علیه السلام که فضیلت بسیار دارد؛ و بعد از نماز فرموده: ذکر خدا بسیار کند و صلوات بفرستد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، و لعن کند بر دشمنان ایشان آنچه می‌تواند.[۵]

و در فضیلت احیای این شب روایت کرده که مثل آن است که عبادت کرده باشد به

---

۱. همان، ص ۵۴۵.
۲. همان، ۵۵۳.
۳. مصباح المتهجّد، ص ۷۱۳.
۴. کافی، ج ۴، ص ۱۴۷.
۵. اقبال، ص ۵۵۶.

عبادت جمیع ملائکه، و اگر کسی را توفیق شامل حال شود و در این شب در کربلا باشد و زیارت امام حسین علیه السلام کند و بیتوته نزد آن جناب نماید تا صبح، خدا او را در جملهٔ شهدا محشور فرماید: فَعَنِ الصّادِقِ علیه السلام: مَنْ باتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام لَیْلَةَ عاشُوراءَ لَقِیَ اللّٰهَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ مُلَطَّخاً بِدَمِهِ وَکَأَنَّما قُتِلَ مَعَهُ فی عَرْصَةِ کَرْبَلاٰ.[1]

روز عاشورا

روز دهم روز عاشوراء، و روز شهادت امام حسین علیه السلام است، و در این روز در کربلا در وقت صباح حضرت امام حسین علیه السلام دست به دعا برداشت و گفت: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کَرْبٍ، وَاَنْتَ رَجائی فی کُلِّ شِدَّةٍ الخ.

پس صف آرائی لشکر خود نمود و امر فرمود تا آتش در هیزمهای خندق زدند، که آن خندقِ آتش حاجب باشد از رفتن لشکر به جانب خیمه‌های زنان،[2] و از آن طرف عمر سعد نیز صفوف لشکر خود را آراست. پس حضرت سوار بر شتری شد و ما بین دو لشکر ایستاد و اهل عراق را ندا کرد، و بعد از حمد و صلوة نَسَبِ خود را اظهار نمود، و بیان فرمود: آیا شما نیستید که نامه‌های مُتواتر به من نوشتید و مرا بدین جا دعوت کردید، اَلْحال چه شده؟! آیا من کسی را کشته‌ام؟! یا کسی را آسیبی زده‌ام؟! یا مالی را از کسی برده‌ام؟! برای چه برای کشتن من جمع شده‌اید؟! پس «عمر سعد» تیری به چلّهٔ کمان گذاشت و با لشکر گفت: که شهادت دهید نزد امیر که من بودم اوّل کسی که تیر به جانب امام حسین علیه السلام افکند! همین که آن تیر را افکند، لشکر او نیز لشکر سیّد الشّهدا را تیر باران کردند. حضرت فرمود به اصحاب خود که: خدا رحمت کند شماها را، مهیّا شوید مرگی را که چاره ندارد؛ و در همان ساعت جماعتی از اصحاب آن جناب شهید شدند،[3] و پیوسته یک یک به میدان رفتند و شهید شدند تا وقت ظهر شد. ابوثمامه

---

۱. همان، ص ۵۵۸.
۲. ارشاد ج ۲، ص ۹۵.
۳. لهوف، ص ۱۵۸.

عرض کرد وقت زوال است، یک نمازی دیگر با شما بجا بیاوریم. از لشکر عُمر سعد مهلت نماز خواستند، آن کافران بی حیا مهلت ندادند! لاُجَرم «زهیر بن قین» و «سعید بن عبداللّٰه» خود را وقایهٔ آن جناب کردند تا آن جناب نماز کند.[۱]

پس یک یک از اصحاب به میدان رفتند و شهید شدند، تا نوبت به جوانان هاشمی رسید. ایشان نیز یک یک به جهاد رفتند و به نحوی جهاد کردند و شهید شدند که از تصور حالشان جگرها آتش می‌گیرد. مثلاً جناب علیّ اکبر چون خواست به میدان برود، پدر نگاه مأیوسانه به قامت او کرد، گریه او را فرو گرفت و کلمات معروفه «اَللّٰهُمَّ اشْهَدْ عَلیٰ هٰؤُلاٰءِ الْقَوْمِ...» را فرمود. علی اکبر چون به میدان رفت و جنگ کرد و تشنگی در او خیلی تأثیر کرد برگشت به نزد پدر و گفت: یٰا اَبَتٰاهُ اَلْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنی وَثِقْلُ الْحَدیدِ اَجْهَدَنی خدا داند که در آنحال بر آن پدر مهربان چه گذشت! که آبی نداشت که جگر تفتهٔ فرزندش را خُنک کند. لاجرم سخت بگریست و علی به میدان برگشت و جهاد کرد تا او را شهید نمودند. همین که پدر بالای سر او آمد و آن بدنِ پاره پاره و صورت شبیه رسول خدا ﷺ را به خون و غبار آلوده دید، صورت به آن صورت نهاد و فرمود: قَتَلَ اللّٰهُ قَوْماً قَتَلُوكَ، مٰا اَجْرَئَهُمْ عَلَی الرَّحْمٰنِ وَعَلیٰ انْتِهٰاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ، عَلَی الدُّنْیٰا بَعْدَكَ الْعَفٰا.[۲]

وَهٰكَذا ملاحظهٔ شهادت قاسم، و واقعهٔ قطع شدن دستهای جناب ابوالفضل، و کیفیّت شهادت آن مظلوم و سایر شهدا، که مجال ذکر نیست، و بالاتر از همه تذکر شهادت آن طفلِ رضیع است. نمی‌دانم که سیّد مظلومان چه حالی داشته آن وقتی که آن طفل را به آن جناب دادند که آبی برای او بگیرد، عوض آن که آن قوم بی حیا آن طفل را آب دهند، تیری به گلوی نازکش زدند که آن طفل در دست پدر جان داد.[۳]

و تأمّل کن در حال «عبداللّٰه بن الحسن» آن هنگامی که عموی خود را در میان لشکر تنها دید، از خیمه نزد آن جناب دوید. وقتی رسید که ظالمی شمشیر بلند کرده

۱. جلاء العیون، ص ۶۶۸؛ لهوف، ص ۱۶۵.
۲. لهوف، ص ۱۶۷ـ۱۶۶.
۳. همان، ۱۶۹ـ۱۶۸.

بود که به آن حضرت زند، عبدالله گفت: وای بر تو ای فرزند خبیثه! می‌خواهی عموی مرا بکشی؟! پس دست خود را سپر کرد، شمشیر دست مقدّسش را قطع کرد و به پوست آویزان شد. پس ناله‌اش بلند شد که: یَا عَمّاهُ! [امّاه]؟ حضرت او رادر برگرفت، و او را تسلّی می‌داد که «حرمله» او را تیری بزد و شهید کرد.[۱]

و ملاحظه کن کیفیّت شهادت خود آن مظلوم را ببین؛ چه گذشته بر آن حضرت و بر اهل بیت او، خصوص آن وقتی که به جهت وداع ایشان به خیام آمد، و آنها را صدا زد و با یک یک وداع کرد و ایشان را امر به صبر فرمود، و آن لباس کهنه را طلبید و در زیر جامه‌های خود پوشید، و به میدان رفت و رجز خواند، و با آن حالِ تشنگی و داغهایِ کمر شکن، که آن حضرت دیده، پیشانی مقدّسش را شکستند! جامه بلند کرد که خون از چهره پاک نماید، تیر زهرآلود سه شعبه به قلب مبارکش رسید، همین که آن تیر را از قفا بیرون کشید، مانند ناودان خون از جای آن جاری شد! حضرت دستها را از آن خون پُر می‌کرد و به جانب آسمان می‌ریخت و هم به سر و صورت خویش می‌مالید. در این وقت به واسطهٔ این زخم و زخمهای فراوان دیگر، که بر بدنش بود، ضعف و ناتوانی عارضِ آن جناب شد، از کار زار ایستاد. «مالك بن یُسر» به جانب آن جناب روان شد و ناسزا گفت! و شمشیری بر سر مبارکش زد که کلاه زیر عمامهٔ آن حضرت مملوّ از خون شد.[۲] «صالح بن وهب» ملعون نیزه‌ای بر پهلوی مبارکش زد که از اسب بر روی زمین افتاد. جناب زینب چون این بدید از خیمه بیرون دوید و فریاد برداشت: وَا اَخَاهُ وَاسَیِّدَاهُ وَااَهْلَ بَیْتَاه، ای کاش آسمان خراب می‌شد و بر زمین می‌افتاد، و کاش کوهها از هم می‌پاشید؛ و عمر سعد را فرمود: ای عمر! ابوعبدالله را می‌کشند و تو او را نظاره می‌کنی؟! آن ملعون جواب نگفت. زینب با لشکر فرمود: وای بر شما! مگر میان شما یک نفر مسلمان نیست؟! احدی جواب او را نداد.

بالجمله شمر لشکر را ندا کرد: مادر بر شماها بگرید! چه انتظار می‌برید؟! چرا کار

---

۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۴.

حسین را تمام نمی‌کنید؟! پس همگی بر آن حضرت از هر سو حمله کردند.[۱] «حصین بن نمیر» تیری بر دهان مقدّسش زد، و «ابوایّوب غنوی» تیری بر حلقوم شریفش زد،[۲] پس آن جناب را شهید کردند به نحویکه ذکرش را شایسته نمی‌دانم.

و شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند، و از برای خانهٔ خود چیزی ذخیره نکنند، و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند، و تعزیت حضرت امام حسین را اقامه نمایند، و به ماتم اشتغال نمایند به نحوی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می‌نمایند،[۳] و زیارت کنند آن حضرت را به زیارت عاشورا، و سعی کنند بر نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت، و یکدیگر را تعزیت گویند در مصیبت آن جناب و بگویند: **اَعْظَمَ اللّٰهُ اُجُورَنا وَاُجُورَكُمْ بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عليه السلام وَجَعَلَنا وَاِيّاكُمْ مِنَ الطّالِبينَ بِثارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام**؛[۴] و اگر کسی در این روز نزد قبر امام حسین عليه السلام باشد و مردم را آب دهد، مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد و با آن جناب در کربلا حاضر شده باشد؛[۵] و خواندن هزار مرتبه توحید در این روز فضیلت دارد.[۶]

و نیز شایسته است که شیعیان در این روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند، و در آخر روز بعد از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می‌خورند، مثل: ماست یا شیر و امثال آنها ـ نه مثل غذاهای لذیذه ـ و آنکه جامه‌های پاکیزه بپوشند و بندها را بگشایند و آستین‌ها را بالا کنند به هیئت صاحبانِ مصیبت.

شیخ طوسی در مصباح از «عبدالله بن سنان» روایت کرده است که گفت: من در روز عاشورا به خدمت امام جعفر صادق عليه السلام رفتم، دیدم که رنگ مبارکش متغیّر و آثار حُزن و اندوه از روی شریفش ظاهر است، و مانند مروارید آب از دیده‌های مبارکش می‌ریزد! گفتم: يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ! سبب گریهٔ شما چیست؟! هرگز دیدهٔ شما گریان مباد. فرمود:

---

۱. همان، ص ۱۷۷؛ جلاء العیون، ص ۶۸۸.
۲. ارشاد ج ۲، ص ۱۱۲؛ جلاء العیون، ص ۶۸۹.
۳. ارشاد ج ۲، ص ۱۱۲؛ جلاء العیون، ص ۶۸۹.
۴. مصباح المتهجّد، ص ۷۱۴.
۵. اقبال، ص ۵۵۸.
۶. همان، ص ۵۷۷.

مگر غافلی که امروز چه روزی است؟! مگر نمی‌دانی که در مثل این روز جدّ من حسین شهید شده است؟! گفتم: یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ! چه می‌فرمایی در روزهٔ این روز؟! فرمود: روزه بدار بی‌نیّت روزه و در روز افطار کن نه از روی شماتت، و تمام روز را روزه مدار، و بعد از عصر به یک ساعت به شربتی از آب افطار کن، که در مثل این روز در این وقت جنگ از آل رسول منقضی شده، و سی نفر از ایشان با مَوالی ایشان بر زمین افتاده بودند، که هر یک از ایشان اگر در حیات حضرت رسولﷺ فوت می‌شد آن حضرت صاحب تعزیهٔ او بود. پس حضرت آن قدر گریست که محاسن شریفش تر شد الخ.[1]

و در آخر روز عاشورا سزاوار است که یادآوری از حال حرم امام حسین و دختران و اطفال آن حضرت که در این وقت در کربلا اسیر اعداء به حُزن و بُکاء بودند، و مصیبتهایی بر ایشان گذشته که در خاطر هیچ آفریده‌ای خطور نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد، پس برخیزی و سلام کنی به رسول خدا و علیّ مرتضی و فاطمهٔ زهرا و حسن مجتبی و سایر امامان از ذریّهٔ سیّدالشّهداء، و ایشان را تعزیت گویی بر این مصائب عظیمه با دل بریان و چشم گریان.

شهادت امام زین العابدین

روز بیست و پنجم سنه ۹۴ به قول شیخین،[2] و کفعمی و غیره؛ و روز دوازدهم[3] به قول **شیخ شهید**، سنهٔ ۹۵ نود و پنجم که آن سال را سَنَةُ الْفُقَهاء می‌گفتند.

حضرت امام زین العابدین از دنیا رحلت فرمود و قاتل آن حضرت را «ولید بن عبدالملک» گفته‌اند.[4] روایت شده که در شب وفاتش آب وضو طلبید، چون آب برایش آوردند، فرمود: در این آب میته است! چون نزدیک چراغ بردند نگاه کردند موش مرده‌ای در آن بود. آن را ریختند و آب دیگر برایش آوردند. پس خبر فوت خود را داد، و هم در آن شب حالِ اغمایی برایش روی داد، چون به هوش آمد، سورهٔ **واقعه** و **إِنَّا فَتَحْنَا**

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۲۴.
۲. همان، ص ۷۲۹.
۳. مناقب، ج ۴، ص ۱۸۹.
۴. جلاء العیون، ص ۸۴۱؛ فصول المهمّة، ص ۱۹۴.

خواند و گفت: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي صَدَقَنا وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشٰاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰامِلينَ.[۱]

و در وقت وفات، حضرت امام محمد باقر را به سینه چسبانیده و این وصیّت را ـ که پدر در وقت شهادت به او فرموده بود ـ به پسر کرد که زنهار! ستم مکنید بر کسی که یاوری بر تو به غیر از خدا نداشته باشد.[۲]

و روایت است که این کلمات را مکرّر نمود تا وفات فرمود: «اَللّٰهُمَّ ارْحَمْني فَإِنَّكَ كَريمٌ، اَللّٰهُمَّ ارْحَمْني فَإِنَّكَ رَحيمٌ»[۳]

و بعد از وفات تمامی مردم بجز «سعید بن المسیّب» بر جنازهٔ آن جناب حاضر شدند و بر او نماز گزاردند و آن حضرت را به بقیع بردند و در نزد عمّش حضرت مجتبی علیه السلام دفن نمودند، و چون جسد مبارکش را از برای غسل برهنه کردند و بر مُغْتَسل نهادند، بر پشت مبارکش از آن انبانهای طعام و سایر چیزها که بر دوش کشیده بود برای فُقرا و أرامل (بیوه زنان) و أیتام اثرها دیدند که مانند زانوی شتر پینه بسته بود.[۴]

و آن جناب را ناقه‌ای بود که بیست و دو حجّ بر آن گزارده و یک تازیانه بر او نزده بود! بعد از دفن آن حضرت، آن ناقه از حظیرهٔ خود بیرون آمد و به نزدیک قبر آن جناب رفت ـ بی آنکه آن قبر را دیده باشد ـ و سینهٔ خود را بر آن قبر گذاشت و فریاد و ناله کرد و آب از دیدگان خود ریخت! خبر به حضرت باقر دادند، تشریف آورد و به ناقه فرمود: ساکت شو و برگرد، خدا برکت دهد برای تو. ناقه به جای خود برگشت، بعد از اندک زمانی به نزد قبر آمد و باز شروع به ناله و اضطراب کرد، تا سه روز چنین بود تا هلاک شد.[۵]

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۶۸. ۲. همان، ج ۲، ص ۳۳۱.
۳. بحار، ج ۴، ص ۲۴۱ به نقل از دعوات راوندی، ص ۲۵۰. ۴. بحار، ج ۴۶، ص ۶۱ به نقل از خصال، ص ۵۱۷، ح ۲۳.
۵. جلاء العیون، ص ۸۴۰ به نقل از بصائر الدرجات، ص ۴۸۳.

شهادت علیّ بن حسن مثلّث﷩

روز بیست و ششم سنهٔ ۱۴۶ صدوچهل و شش، وفات کرد «علیّ بن الحسن المثلث» در زندان منصور، و این علی همان است که در میان بَنِی الحسن به عبادت و ذکر و صبر بر شَداید ممتاز بود. نقل است که وقتی عمویش عبدالله از ضَجْرت حبس و ثِقالت قید و بند علی را گفت: می‌بینی ابتلاء و گرفتاري ما را؟! از خدا نمی‌خواهی که ما را از این زندان و بلا نجات دهد؟! علی زمان طویلی پاسخ نداد! آنگاه گفت: ای عَمّ! همانا از برای ما در بهشت درجه‌ای است که نمی‌رسیم به آن درجه مگر به این بلیّه یا به چیزی که اعظم از این باشد، و هم از برای منصور درکه‌ای است در جهنّم که نمی‌رسد به آن مگر آنکه بجا آوَرد به ما آنچه را که می‌بینی از بلایا، پس اگر می‌خواهی صبر می‌کنیم بر این بلایا و شدایِد، و به زودی راحت می‌شویم، و اگر می‌خواهی دعا می‌کنیم به جهت خلاصی، لکن منصور به آن درکه که در جهنّم دارد نخواهد رسید. گفتند: بلکه صبر می‌کنیم، پس سه روز بیشتر نگذشت که در زندان جان دادند و راحت شدند، و «علیّ بن الحسن» در حالت سجده از دنیا رخت [بر] کشید، عبدالله را گمان [که] او را خواب ربوده! گفت: فرزند برادرم را بیدار کنید. چون او را حرکت دادند، دیدند بیدار نمی‌شود، دانستند که وفات کرده.[1]

---

۱. مقاتل الطّالبیّین، ص ۲۹۰.

۸

باب هشتم

در ماه صفر است

بدان که: این ماه معروف به نُحوست و برای رفع نُحوست، هیچ چیز بهتر از تصدّق و ادعیه واستعاذات وارده نیست، و اگر کسی خواهد که محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه، در هر روز ده مرتبه بخواند، چنانکه محدّث فیض فرموده: **يٰا شَديدَ الْقُوىٰ يٰا شَديدَ الْمِحٰالِ، يٰا عَزيزُ يٰا عَزيزُ يٰا عَزيزُ، ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَميعُ خَلْقِكَ، فَاكْفِني شَرَّ خَلْقِكَ، يٰا مُحْسِنُ يٰا مُجْمِلُ، يٰا مُنْعِمُ، يٰا مُفْضِلُ، يٰا لٰا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحٰانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمينَ، فَاسْتَجَبْنٰا لَهُ وَنَجَّيْنٰاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّٰاهِرينَ**؛ و سید دعایی برای هلال این ماه روایت کرده.

روز اوّل سنهٔ ۳۷ شروع به جنگ صفّین شد، و در این روز سنهٔ ۶۱ به قولی سر مبارک حضرت سیّدالشّهداءﷺ را وارد دمشق کردند، و بنی امیّه آن روز را عید قرار دادند! و آن روزی است که تازه می‌شود در آن احزان

كٰانَتْ مَآتِمُ بِالْعِرٰاقِ تَعُدُّهٰا　　　أَمَوِيَّةٌ بِالشّٰامِ مِنْ أَعْيٰادِهٰا

و در این روز و به قولی روز سوم سنهٔ ۱۲۱ صدوبیست و یک، «زید بن علی بن

الحسین» شهید شده.[۱]

ولادت با سعادت امام محمّد باقر علیه السلام

روز سیّم سنهٔ ۵۷ پنجاه و هفت، در مدینهٔ طیّبه حضرت امام محمدباقر علیه السلام متولّد شد؛[۲] و شیخ و بعضی از علماء روز ولادت را غرّه [اول] رجب گفته‌اند.[۳] والدهٔ ماجده‌اش حضرت «فاطمه» مکنّاة به «اُمّ عبدالله» دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود، و آن حضرت اِبْنُ الْخِیَرَتَیْنِ وَعَلَوِیٌّ بَیْنَ عَلَوِیَّیْنِ بود.

از آن حضرت روایت است که فرمود: روزی مادرم در زیر دیواری نشسته بود، که ناگاه صدایی از دیوار بلند شد و از جا کنده شد! چون خواست که بر زمین فرود آید، مادرم به دست خود اشاره کرد به دیوار، و فرمود: نباید فرود آیی قسم بحقّ مصطفی! که حقتعالی رخصت نمی‌دهد تو را در افتادن. پس آن دیوار معلّق در میان زمین و هوا باقی ماند، تا آنکه مادرم از آنجا گذشت. پس پدرم امام زین العابدین علیه السلام صد اشرفی برای او تصدّق داد. و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که آن جناب یادکرد آن مخدّره را، و فرمود که جدّه‌ام صدّیقه بود و در آلِ حضرت حسن علیه السلام زنی به درجه و مرتبهٔ او نرسید.[۴]

و به روایت سیّد، مستحبّ است در این روز دو رکعت نماز، در رکعت اوّل حمد و اِنّا فَتَحْنا و در دوم حمد و توحید بخواند، و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه بگوید: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ آلَ اَبِی سُفْیانَ و صدمرتبه استغفار کند، پس حاجت خود را بخواهد.[۵]

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۷۲۹.
۲. مناقب، ج ۴، ص ۲۲۷؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۵۸.
۳. مصباح المتهجّد، ص ۷۳۷؛ اعلام الوری، ص ۲۶۴.
۴. بحار، ج ۴۶، ص ۲۱۵ به نقل از دعوات راوندی، ص ۶۸.
۵. اقبال، ص ۵۸۷.

شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

روز هفتم به قول **شیخ** و **کفعمی** و دیگران، و به قول **شیخین** در روز بیست و هشتم سنهٔ پنجاهم، شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شده.

بدان که: بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، مردم با فرزندش امام حسن بیعت کردند و آن جناب قریب شش ماه بر سَریر خلافت مستقر بود. پس از آن با معاویه صلح فرمود ـ به شرحی که در جای خودش به شرح رفته ـ و این در پنج روز به آخر ماه ربیع الاول مانده سنهٔ ۴۱ بود، و بعد از آن مصالحه، معاویه داخل کوفه شد و بر گردن آرزو و آمال خود سوار گشت، و امام حسن علیه السلام به مدینه رفت و پیوسته کَظم غیض فرموده و مُلازمِ منزل خود داشت و منتظر امر پروردگار خود بود، تا آنکه ده سال از مدّت امارت معاویه بگذشت و معاویه عازم شد که بیعت بگیرد برای فرزند خود یزید، و چون این خلاف شرایط معاهده و مصالحه‌ای بود که با امام حسن علیه السلام کرده بود، لاجَرم بدین سبب و هم به ملاحظهٔ حشمت و جلال امام حسن علیه السلام و اقبال مردم به آن جناب، از آن حضرت بیم داشت. پس یکدل و یکجهت تصمیم قتل آن حضرت نمود، و زهری از پادشاه روم طلبیده با صدهزار درهم برای جَعده ـ زوجهٔ آن حضرت دختر اشعث بن قیس ـ فرستاد و ضامن شد که اگر آن حضرت را مسموم نماید، او را در حبالهٔ یزید در آورد. لاجَرم جَعده به طمعِ مال و آن وعدهٔ کاذبه امام حسن علیه السلام را به شربتی مسموم ساخت؛ و آن حضرت چهل روز به حالت مرض (بیماری) می‌زیست، و پیوسته زهر در وجود مبارکش اثر می‌کرد تا در ماه صفر سنهٔ ۵۰ به سنّ چهل و هشت از دنیا رحلت کرد، و برادرش امام حسین علیه السلام متولّیِ تجهیز و تغسیل و تکفین او گشت، و در نزد جدّه‌اش فاطمه بنت اسد ـ رَضِیَ اللّهُ عَنْها ـ در بقیع مدفون گشت،[۱] و واقعهٔ تیر باران کردن جنازهٔ مبارکه در «مناقب ابن شهرآشوب»[۲] و در زیارت جامعهٔ ائمةالمؤمنین علیهم السلام مذکور است.

---

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۱۲.

۲. مناقب، ج ۴، ص ۴۳.

ولادت با سعادت امام موسی کاظم

و نیز در این روز سنهٔ ۱۲۸ صدوبیست و هشت، ولادت با سعادت حضرت موسی بن جعفر واقع شد در «ابواء»[۱] ـ که منزلی است میان مکّه و مدینه ـ از ابوبصیر روایت است که گفت در سالی که حضرت امام موسی متولّد شد، من در خدمت حضرت امام جعفر صادق به سفر حج رفتم چون به منزل «ابواء» رسیدیم، حضرت برای ما چاشت طلبید و بسیار و نیکو آوردند، در أثنای طعام خوردن پیکی از جانب مکرّمهٔ معظّمه «حمیده» به سوی آن جناب آمد که «حمیده» می‌گوید: «اثر وضع حمل در من ظاهر شده، و فرموده بودی که چون اثر آن ظاهر شود تو را خبر کنم که این فرزند مثل فرزندان دیگر نیست». پس حضرت شاد و خوشحال برخاست و متوجّه خیمهٔ حرم مبارک شد، و بعد از اندک زمانی مُعاودت نمود شکفته و خندان، و آستینهای مبارک خود را بر زده. گفتم: خدا همیشه دهانِ مبارکت را خندان و دلت را شادمان بدارد، حال حمیده چگونه شد؟ فرمود: حق تعالی به من پسری عطا فرمود که بهترین خلق خداست، و حمیده مرا به امری خبر داد که من از او مطّلعتر بودم به آن. ابوبصیر گفت: چه خبر داد تو را حمیده؟ فرمود: گفت که چون آن مولود مبارک به زمین آمد، دستهای خود را بر زمین نهاد و سر خود را به سوی آسمان بلند کرد! من به او گفتم: چنین است علامتِ ولادت حضرت رسالت و اوصیاء بعد از آن حضرت.[۲]

و از «منهال‌قصاب» روایت شده است که: چون حضرت صادق به مدینه مراجعت فرمود، برای آن مولود مسعود سه روز اهل مدینه را ولیمه داد.[۳]

و بدان که: حضرت صادق به مرتبه‌ای حضرت امام موسی را دوست می‌داشت که «ابن جوزی» روایت کرده که از آن حضرت پرسیدند: به چه درجه است دوستی شما با پسرت موسی؟ فرمود: به مرتبه‌ای است که دوست می‌داشتم که

۱. اعلام الوری، ج ۲، ص ۶.
۲. جلاء العیون، ص ۸۹۳ به نقل از محاسن، ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۱۰۲.
۳. همان، ص ۸۹۵ به نقل از محاسن، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۱۵۵۶.

فرزندی غیر از او نداشته باشم، که تمام دوستی و محبّت من برای او باشد و شریک در حُبّ نداشته باشد.[1]

وعُلیا جناب حمیده «والدهٔ امام موسی» از اَشراف عجم است؛ و از بعض روایات استفاده می‌شود که حضرت صادق در اخذ [فراگیری] احکام، زنها را به آن مخدّره ارجاع می‌فرمودند. وَرُوِیَ مِنْهُ: قالَ: حَمیدَةُ مُصَفّاةٌ مِنَ الْأَدْناسِ کَسَبیکَةِ الذَّهَبِ مازالَتِ الْأَمْلاکُ تَحْرِسُها حَتّیٰ اُدِّیَتْ إلَیَّ کَرامَةً مِنَ اللّٰهِ لي وَالْحُجَّةُ مِنْ بَعْدي.[2]

شهادت عمّار یاسر

روز نهم سنهٔ ۳۷ سی و هفت، موافق نقل مسعودی و «سبط بن جوزی»، شهادت عمّار یاسر در صفّین واقع شده.

بدان که: چون روز پنجشنبه نهم صفر سنهٔ ۳۵ شد، جناب امیرالمؤمنین در صفّین به مبارزت بیرون شد، جنگ سختی شد و در آن روز عمّار یاسر داد مردی و مردانگی می‌داد و می‌فرمود:

إنّي لَأَرَیٰ وُجُوهَ قَوْمٍ لا یَزالُونَ ... یُقاتِلُونَ حَتّیٰ یَرْتابَ الْمُبْطِلُونَ

وَاللّٰهِ لَوْ هَزَمُونا حَتّیٰ یَبْلُغُوا بِنا سَعَفاتِ ... هَجَرَ لَکُنّا عَلَی الحَقِّ وَهُمْ عَلَی الْباطِلِ

پس حمله کرد و جنگ نمایانی نمود و برگشت به موضع خود، و طلب آبی نمود. زنی از «بنی شیبان» کاسه‌ای از لَبن برای او آورد. عمّار کاسهٔ لبن را دید گفت: اَللّٰهُ اَکْبَرُ امروز روزی است که شهید شوم و دوستان خود را در آن سرا ملاقات نمایم! پس رجز خواند و مقاتله کرد تا شهید شد، و در آن وقت از سنین عمرش نود و سه سال گذشته بود، و شهادتش بر امیرالمؤمنین خیلی اثر کرد و در مجالس‌المؤمنین و غیره است که: چون عمّار شهد شهادت نوشید، امیرالمؤمنین بر بالین او آمد و سر او را بر زانوی مبارک نهاده فرمود:

---

۱. عوالم (فی المستدرک)، ج ۲۱، ص ۶۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۷۷.

أَلا أَيُّهَا الْمَوْتُ الَّذي لَسْتَ تارِكي ... أَرِحْني فَقَدْ أَفْنَيْتَ كُلَّ خَليلِ
أَراكَ بَصيراً بِالَّذينَ أُحِبُّهُمْ ... كَأَنَّكَ تَنْحُو نَحْوَهُمْ بِدَليلِ

أَقُولُ إِذا كانَ حالُ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عليه السلام بَعْدَ قَتْلِ عَمّارٍ هٰكَذا، فَكَيْفَ حالُ ابْنِهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام بَعْدَ قَتْلِ أَخيهِ وَناصِرِهِ الْعَبّاسِ عليه السلام وَقَدْ رَآهُ مُلْقًى عَلَى الْأَرْضِ مَقْطُوعَ الْيَدَيْنِ مُعَفَّرَ الْخَدَّيْنِ مُضَرَّجٌ بِالدِّماءِ مُرَمَّلٌ بِالْعَراءِ.

روز هفدهم به قولی شهادت حضرت امام رضا عليه السلام واقع شده در سنهٔ ۲۰۳ دویست و سه.

روز بیستم روز اربعین و به قول شیخین روز رجوع حرم امام حسین عليه السلام است از شام به مدینه، و روز ورود جابر بن عبدالله انصاری است به کربلا بجهت زیارت امام حسین عليه السلام، و او اوّل زائر آن حضرت است، و زیارت آن حضرت در این روز مستحبّ است.[1]

نشانه‌های مؤمن (شیعه)

و از حضرت عسکری عليه السلام روایت شده که فرمود: **علامات مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گزاردن، و زیارت اربعین کردن، وانگشتر بر دست راست کردن، و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ را بلند گفتن.**[2]

و شیخ در تهذیب، زیارت مخصوصهٔ این روز را از حضرت صادق عليه السلام نقل کرده.

وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روز بیست و هشتم سنهٔ ۱۱، روز وفات حضرت خاتم الأنبیاء صلوات الله علیه و اله است،[3] و روز وفات روز دوشنبه بوده بالاتّفاق، و در وقت وفات سنین عمر مبارکش

---

۱. مصباح المتهجّدين، ص ۷۳۰. ۲. همان.
۳. همان، ص ۷۳۳.

به شصت و سه رسیده بود، چهل سال از سن شریفش گذشته بود که وحی بر حضرتش نازل شد، و بعد از آن سیزده سال در مکّه مردم را دعوت به خداپرستی نمود، و سه سال داشت که به مدینه هجرت فرمود، و در سال دهم هجری وفات فرمود و بعد از وفات، امیرالمؤمنین ﷺ متوجّه غسل و حنوط آن حضرت شد و بعد از تغسیل و تکفین بر آن جناب نماز گزاشت، و حضرت امیرالمؤمنین ﷺ آن جناب را در حجرهٔ طاهره در همان محلّی که از دنیا رفته بود مدفون ساخت. از «انس بن مالک» روایت است که: چون از دفن پیغمبر فارغ شدیم، حضرت فاطمه ﷺ سوی من آمد و گفت: ای انس! چگونه نَفس شما همراهی کرد که خاک به صورت پیغمبر خدا ﷺ بریزید؟! پس گریست و فرمود:

يـا أبَـتاهُ أجـابَه رَبّاً دَعـاهُ — يا أبَتاهُ مِنْ رَبِّهِ ما أدْناهُ الخ.

ای دو جهان زیر زمین از چـه‌ای — خاک نه‌ای خاک نشین از چه‌ای

و به روایت معتبر است که آن مخدّره مشتی از خاک پاک آن قبر مطهّر گرفت و بر دیدگان گذاشت و گفت:

ماذا عَلَى الْمُشْتَمِّ تُـرْبَةَ أحْـمَدٍ — أنْ لا يَشَمَّ مَدَى الزَّمانِ غَوالِـيا

صُبَّتْ عَـلَيَّ مَـصائِبُ لَـوْ أنَّـها — صُبَّتْ عَلَى الأيّامِ صِرْنَ لَـيالِيا[1]

و شیخ یوسف شامی در دُرّالنّظیم نقل کرده که آن حضرت این اشعار را در مرثیه پدر فرموده:

قُلْ لِلْمُغَيَّبِ تَحْتَ أثْـوابِ الثَّـرى — إنْ كُنْتَ تَسْمَعُ صَرْخَتي وَنِـدائِـيا

صُـبَّتْ عَـلَيَّ مَـصائِبُ لَـوْ أنَّـها — صُبَّتْ عَلَى الأيّامِ صِـرْنَ لَـيالِيا

قَد كُنْتُ ذاتِ حِمىً بِـظِلِّ مُـحَمَّدٍ — لا أخْشَ مِنْ ضَيْمٍ وَكـانَ جَـمالِيا

---

۱. چه می‌شود بر کسی که تربت (خاک قبر) احمد ﷺ را بوئید، دیگر تا پایان عمرش بوی خوش غالیه را استشمام ننماید؟! آن اندازه سختیها و دشواریها بر جانم ریخته است که اگر بر روزها فرود می‌آمد، همانند شبها تیره و تار می‌شد. (معتبر، ص ۱۱۹؛ ذکری، ص ۷۳)

به جانم ریخته چندان غم و درد و مصیبتها — که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

فَالْيَوْمَ اَخْضَعُ لِلذَّلِيلِ وَاَتَّقِي ضَيْمى وَاَدْفَعُ ظالِمي بِرِدائِيا
فَإذا بَكَتْ قُمْرِيَّةٌ في لَيْلِها شَجَناً عَلىٰ غُصْنٍ بَكَيْتُ صَباحِيا
فَلَاَجْعَلَنَّ الْحُزْنَ بَعْدَكَ مُونِسي وَلَاَجْعَلَنَّ الدَّمْعَ فيكَ وِشاحِيا

شهادت امام رضا ﷺ

روز آخر ماه سنهٔ ۲۰۳ به قول شیخ طبرسی شهادت امام رضا ﷺ واقع شده به انگور مسموم، سنّ مبارکش پنجاه و پنج رسیده بود، و قبر شریفش واقع شد در خانهٔ «حمید بن قحطبه» در قریهٔ سناباد از أرض طوس، و در آن خانه است قبر رشید نیز.[۱]

۱. اعلام الوری، ج ۲، ص ۴۱ و ص ۸۱

۹

باب نهم

در ماه ربیع الاول است

لیلة المَبیت (شب هجرت)

شب اول سال سیزدهم بعثت، مَبدأ هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود از مکهٔ معظمه به مدینهٔ منوّره،[1] و در آن شب در غار ثَور مختفی شد، و حضرت امیر جان خود را فدای جان شریف او نمود، و در جای آن حضرت خوابیده از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرد، و فضل خود و مواسات و برادري خود را با رسول صلی الله علیه و آله بر جمیع عالم ظاهر گردانید، و آیهٔ کریمه: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ[2] در شأنش نازل شد.[3]

روز اوّل علماء گفته‌اند: مستحبّ است که برای تشکر نعمت سلامتی رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام روزه بدارند، و زیارت آن دو بزرگوار در این روز مناسب است. و سیّد در **اقبال** برای این روز دعایی نقل فرموده،[4] و در این روز بـه قـول شـیخ[5] و کـفعمی حضرت عسکری علیه السلام وفات کرده، و مشهور روز هشتم است، و شاید در چنین روز اوّل مرض آن حضرت بوده.

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۷۳۱.

۲. بقره، آیهٔ ۲۰۷.

۳. نهج الحق، ص ۱۷۶؛ اسد الغابه، ج ۴۳، ص ۲۵؛ تفسیر طبری، ج ۹، ص ۱۴۰؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۲.

۴. اقبال، ص ۵۹۶.

۵. مصباح المتهجّد، ص ۷۳۱؛ مصباح کفعمی، ص ۶۵۳.

روز سوم واقعهٔ احراق مکّه شد در سنهٔ ۶۴ شصت و چهارم، به واسطهٔ محاربهٔ لشکر یزید با «عبداللّه بن زبیر» به نحوی که در جای خود مذکور است.

وفات سیکنه و رُباب علیهما السلام

روز پنجم سنهٔ ۱۱۷ صد و هفدهم، حضرت سکینه بنت الحسین علیه السلام در مدینه وفات یافت، و اتّفاقاً در همان سال خواهرش جناب فاطمه نیز وفات یافت. مادر جناب سکینه «رُباب» ـ دختر إمرء القیس[1] ـ است که مادر همان طفل رضیع است که در کربلا به زخم تیر شهید گشت،[2] و رُباب را بعد از شهادت امام حسین علیه السلام اشراف قریش خواستگاری کردند، ابداً اجابت نکرد و گفت: من بعد از مواصلت با پیغمبر، با کس دیگر مواصلت نکنم، و بعد از امام حسین علیه السلام شوهری دیگر نخواهم. و در مجلس «ابن زیاد» چون نظرش بر سر آن حضرت افتاد بی‌تاب شد، و آن سر مقدّس را گرفت و بوسید و در کنار خود نهاد و نوحه سرائی کرد و گفت:

وٰا حُسَیْنا فَلاٰ نَسیتُ حُسَیْنا ... اَقْصَدَتْهُ[3] اَسِنَّةُ الْأَعْدٰاءِ

غٰادَرُوهُ[4] بِکَرْبَلاٰءِ صَریعاً ... لاٰ سَقَی اللّٰهُ جٰانِبَیْ کَرْبَلاٰءِ

و بعد از واقعهٔ کربلا یک سال زیاده زنده نماند، و لاٰیَزال در گریه و سوگواری گذرانید تا وفات یافت.[5]

---

۱. این «امرء القیس» غیر از «امرء القیس» شاعر معروف است، و ابوالفرج در «اغانی» آورده که: او شخص معتبری بود از عیسویان، در زمان خلافت «عمر» ایمان آورد و سه دختر داشت: محیات، سلمیٰ و رُباب. «محیات» را تزویج امیرالمؤمنین علیه السلام کرد، و سلمیٰ را به امام حسن علیه السلام و رُباب را به امام حسین علیه السلام تزویج نمود و از این سه دختر، رباب برگزیده و ممتاز بود. «وقایع الایام، ص ۲۰۶، تألیف مؤلف(ره)».

۲. «مقام زخار، ص ۶۵۳.

۳. اَقْصَدَ فُلاٰناً، یعنی: نیزه زد او را، پس خطا نکرد. (منه).

۴. مُغٰادَرَة: ماندن و گذشتن (منه).

۵. «ابن اثیر» در «کامل [ج ۴، ص ۸۸]» گفته که: قولی است که رُباب یک سال سر قبر امام حسین علیه السلام اقامت نمود و پس از آن عود کرد (برگشت) به مدینه، و از غصه و حُزن بر آن حضرت وفات یافت. (وقایع الایام، ص ۲۰۶).

وفات امام حسن عسکری علیه السلام

روز هشتم سنهٔ ۲۶۰ دویست و شصت، بنابر مشهور وفات کرد حضرت ابی محمّد امام حسن عسکری علیه السلام، و آن در ایّام خلافت «معتمد عَلَی اللّهِ احمد بن جعفر متوکّل» بوده، و در وقت وفات از سنّ شریف آن حضرت بیست و هشت سال گذشته بود، و آن جناب را دفن نمودند در همان خانه که پدر بزرگوارش حضرت هادی علیه السلام دفن شده بود، و صدمات و اذیّتها و گرفتاریها که برای جَواری (کنیزان) و زنان آن حضرت روی داد از حبس و اعتقال [بند کردن و بازداشت نمودن] و شدّت صُعوبت طلب سلطان زمان در پیدا کردن حضرت حجّةبن الحسن علیه السلام امام زمان و تفتیش خانه‌ها و إخافهٔ (ترساندن) شیعیان و تشرید [پراکندن و راندن] ایشان به سعایت جعفر کذّاب؛ شیخ مفید در ارشاد به آن اشاره فرموده.[1]

و در حدیث احمدبن عبید اللّه خاقان ناصبی ـ که از جانب خلفا والی اوقاف و صدقات بوده در بلدهٔ طیبهٔ قم ـ مذکور است که گفت: به خدا سوگند! در هنگام وفات حسن بن علی علیه السلام حالتی بر خلیفه و دیگران عارض شد که من گمان نداشتم که در وفات هیچ کس چنین امری تواند شد! و این واقعه چنان بود که: روزی برای پدرم ـ که وزیر خلیفه بود ـ خبر آوردند که ابن الرّضا رنجور شده! پدرم به سرعت تمام به نزد خلیفه رفت و خبر را به خلیفه داد، خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود با او همراه کرد ـ یکی از آنها نحریر خادم بود، که از محرمان خاصّ خلیفه بود ـ امر کرد ایشان را که پیوسته ملازم خانهٔ آن حضرت باشند و بر احوال آن حضرت مطّلع گردند، و چند نفر طبیبی را مقرّر کرد که هر بامداد و پسین نزد آن جناب بروند و از احوال او با خبر باشند. بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آن حضرت صَعب (سخت) شده است و ضعف بر او مستولی شده است. پس بامداد سوار شد نزد آن حضرت رفت، و اطبّا را امر کرد که از خدمت آن حضرت دور نشوند، و قاضی القُضات را طلبید و گفت:

---

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۲۱ـ۳۲۲، ط علمیّه اسلامیه.

ده نفر از علمای مشهور را حاضر گردان که پیوسته نزد آن حضرت باشند؛ و پیوسته ایشان ملازم خانهٔ آن حضرت بودند تا آنکه بعد از گذشتن ایّامی از ماه ربیع الاول سنهٔ ۲۶۰ آن حضرت وفات کرد چون خبر وفات آن حضرت در شهر سامره منتشر شد قیامتی بر پا شد، از جمیع مردم صدای ناله و فغان و شیون بلند گردید. خلیفه در تفحّص فرزند آن حضرت در آمد، جمعی را فرستاد که بر در خانهٔ آن حضرت حراست نمایند و جمیع حجره‌ها را تفحّص کنند و مهر نمایند، شاید که آن حضرت را بیابند؛ و زنان قابله را فرستاد که کنیزان آن حضرت را تفحّص کنند، که مبادا حملی در ایشان باشد پس یکی از زنان گفت که یکی از کنیزان آن جناب را احتمال حملی هست. خلیفه نحریر خادم را بر او موکّل گردانید که بر احوال او مطلّع باشد تا صدق و کذب آن سخن ظاهر شود. بعد از آن در تهیهٔ جنازه بر آمدند، و جمیع بازارها بسته شد. صغیر و کبیر و وضیع و شریف خلایق در جنازهٔ آن برگزیدهٔ خالق جمع آمدند. پدرم با سایر وزراء و نویسندگان و أتباع خلیفه و بنی هاشم و علویان به تجهیز آن جناب حاضر شدند. در آن روز سامره مانند صحرای قیامت بود از کثرت ناله و شیون و گریهٔ مردم! چون از غسل و کفن آن جناب فارغ شدند، خلیفه «ابوعیسی» را فرستاد که بر آن جناب نماز کند.

چون جنازهٔ شریف را برای نماز بر زمین گذاشتند، «ابوعیسی» نزدیک آمد و کفن را از روی مبارک آن حضرت دور کرد و برای رفع تهمت خلیفه جماعت حاضرین را نزدیک طلبید و گفت: بیایید نظر کنید این حسن بن علی فرزند زادهٔ امام رضا﷣ است، که بر فراش خود به مرگ خود مرده است و کسی آسیبی به او نرسانیده است! و در مدّت مرض او أطبّا و قُضات و معتمدان و عدول حاضر بوده‌اند و بر احوال او مطّلع گردیده‌اند و بر این معنی شهادت می‌دهند. پس پیش ایستاد و بر آن حضرت نماز کرد، و بعد از نماز آن حضرت را در پهلوی پدر بزرگوار خود دفن کردند، و بعد از آن خلیفه به تجسّس فرزند آن حضرت شد، زیرا که شنیده بود که فرزند آن جناب بر عالم مستولی خواهد شد و أهل باطل را منقرض خواهد کرد. چندانکه تفحّص کردند، خبری از آن حضرت نیافتند، و آن کنیز را که گمانِ حمل به او می‌بردند، تا دو سال تفحّص احوال او

می‌کردند و اثری ظاهر نشد.[۱]

عید بزرگ (نهم ربیع)

روز نهم روز عید بزرگ و روز عید بَقَر است، و از برای آن شرح بزرگی است که در جای خود ذکر شده، و روایتی نقل شده که: هر که در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده شود.[۲]

و گفته‌اند که: مستحبّ است در این روز اطعامِ برادران مؤمن و خوشنود گردانیدن ایشان، و توسعه دادن در نفقه و پوشیدن جامه‌های نو، و شکر و عبادت حقتعالی کردن؛ و این روز روز برطرف شدنِ غمهاست و روز بسیار شریفی است؛ و چون روز هشتم ماه وفات امام حسن عسکری‌علیه‌السلام بوده، این روز روز اوّل امامت حضرت صاحب الزّمان ـ اَرْواحُ الْعالَمینَ فِداهُ ـ خواهد شود و سبب مزیدِ شرافتش خواهد بود.[۳]

روز دوازدهم به قول شیخ کلینی[۴] و مسعودی و مشهور بین عامّه، ولادت با سعادت حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله است، و مستحب است در آن دو رکعت نماز، در رکعت اوّل بعد از حمد سه مرتبه **جُحد**[۵] و در دوم سه مرتبه توحید؛[۶] و در این روز نیز آن حضرت به مدینه ورود فرمود.[۷]

روز چهاردهم سنهٔ ۶۴، یزید بن معاویه به درکات جحیم شتافت؛[۸] و در «اخبار الدُّوَل» است که: یزید به مرض «ذات الجنب» در **حوران** از دنیا رفت، جنازه‌اش را به دِمِشق بردند و در «باب صغیر» او را دفن کردند، و قبرش اینک مَزبله می‌باشد، و سنین عمرش سی و هفت رسیده بود و خلافتش سه سال و نه ماه طول کشید انتهی؛

و شرح کفر و زندقه و الحاد یزید و اشعار کفرآمیز او و لعنت کردن «ابوالفرج بن

---

۱. جلاء العیون، ص ۹۹۵ـ۹۹۳، ارشاد، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. زاد المعاد، ص ۴۱۱ به نقل از مصباح کفعمی.

۳. زاد المعاد، ص ۴۱۱ـ۴۰۴.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۵. جحد، یعنی: قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ (منه ره).

۶. اقبال، ص ۵۹۸.

۷. همان.

۸. همان، ص ۶۰۱.

الجوزی» او را در منبر بغداد در کتب مشهور است، و جماعتی از اهل سنّت اعتقاد به کفر او کرده‌اند و احمد بن حنبل و جماعت بسیاری تجویز لعن او نموده‌اند، بلکه «ابن الجوزی» در این باب کتابی نوشته موسوم به کتاب «اَلرَّد عَلَی الْمُتَعَصِّبِ الْعَنیدِ الْمانِعِ عَنْ لَعْنِ یَزیدٍ».

روز شانزدهم، در «کامل بهایی» است که اهل بیت امام حسین علیه السلام در این روز وارد شام شدند.

شب معراج

شب هفدهم، شب ولادت حضرت خاتم الانبیاء ـ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ ـ و شب بسیار مبارکی است و سیّد نقل کرده که در مثل چنین شب نیز معراج آن حضرت بوده.[1]

ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله

روز هفدهم بنابر مشهور بین علماء امامیه روز ولادت با سعادت حضرت خاتِمُ الْأَنْبِیاءِ محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است، و معروف آن است که ولادت با سعادت در مکّهٔ معظّمه در خانهٔ خود آن حضرت واقع شده، در روز جمعه در وقت طلوع فجر، در عام الفیل در ایّام سلطنت انوشیروان عادل. و روایت شده که: «در صبیحهٔ ولادت آن جناب هر بُتی که بر روی زمین بود بر رو در افتاده بود، و ایوان کسریٰ بلرزید و چهارده کنگره از آن ساقط شد، و دریاچه ساوه آبش فرو رفت، و در وادیِ سماوه آب جاری شد، و آتشکدهٔ فارس خاموش شد و حال آنکه هزار سال بود که خاموش نشده بود، و نوری در آن شب از طرف حجاز ظاهر شد و منتشر گردید تا به مشرق عالم رسید، و سَریر هر سلطانی از سلاطین دنیا در آن صبح سرنگون شده بود، و در آن روز هیچ سلطانی نتوانست تکلّم کند و تمامی گنگ شده بودند، و علم کَهَنه (کاهنان) و سحر سَحَره باطل

۱. همان، ص ۶۰۱.

شد، و هر کاهنی که بود میان او و همزادی که داشت ـ که خبرها به او می‌گفت ـ جدایی افتاد، و ابلیس در آن وقت صیحه‌ای زد و اَبالسهٔ خود را جمع کرد! اَبالِسه گفتند: ای سیّد ما! چه شما را به فزع آورده؟! گفت: وای بر شما! همانا حادثهٔ عجیبی در زمین واقع شده که از زمانِ رفع عیسی تا به حال واقع نشده! بروید و بگردید ببینید چه واقع شده، برای من خبر آرید. برفتند و برگشتند و گفتند: چیزی نیافتیم! خود ابلیس گفت: اِستعلام این امر کار من است، پس فرو رفت در دنیا، و جولانی کرد تا به حرم مکّه رسید. دید که اطراف حرم را ملائکه فرو گرفته‌اند! خواست داخل حرم شود، او را صیحه‌ای زدند برگشت و از طرف کوه حرا داخل شد. جبرئیل او را صیحه زد: که برگرد لعنت خدا بر تو باد. گفت: ای جبرئیل! از تو سؤالی دارم، بگو که امشب چه حادثه‌ای رو کرده؟! فرمود: ولادت محمد(ص) واقع شده. گفت: از برای من در او نصیبی هست؟ فرمود: نه. گفت: در امّت او بهره‌ای دارم؟ فرمود: بلی. گفت: راضی شدم.[1]

و هم روایت شده که: چون آن حضرت متولّد شد، بُتهایی که بر کعبه گذاشته بودند همه بر رو در افتادند! و چون شب داخل شد صیحه‌ای از آسمان بلند شد که: «جٰاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبٰاطِلُ اِنَّ الْبٰاطِلَ کٰانَ زَهُوقاً»، و آن شب جمیع دنیا روشن شد، و هر سنگ و کلوخی و درختی که بود بخندید، و هر چیزی که در آسمان و زمین بود تسبیح کرد خدا را، و شیطان گریخت و می‌گفت: **بهترینِ امّتها و بهترینِ خلایق و گرامی‌ترینِ بندگان و بزرگترینِ عالمیان محمد(ص) است.**[2]

ولادت امام جعفر صادق(ع)

و هم در این روز شریف سنهٔ **۸۳** هشتادوسه، ولادت امام جعفر صادق(ع) واقع شده[3] و باعث مزیدِ فضل و شرافت این روز گردیده؛ والدهٔ ماجدهٔ آن حضرت جناب «اُمّ فروه» ـ دختر قاسم بن محمّد بن ابی‌بکر ـ است؛ و آن مخدّره از پرهیزکاران و

۱. جلاء العیون، ص ۷۱ـ۶۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۳۵. ۲. همان، ص ۷۸ـ۷۷؛ مناقب، ج ۴، ص ۵۸.
۳. اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۱۴؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۷۹؛ مناقب، ج ۴، ص ۲۷۹.

نیکوکاران بوده، و قاسم از فقهاء سبعهٔ مدینه و از معتمدان و مخصوصان حضرت امام زین العابدینؑ، و سبط یزدجرد ـ پادشاه عجم ـ است و با جناب علی بن الحسینؑ پسر خاله است و فقیه حجاز و پدر عبدالرّحمان بن قاسم است ـ [که او] نیز که یکی از فضلای قریش است ـ و از اینجا جلالت و فقاهتِ جناب «اُمّ فروه» معلوم می‌شود که نشو و نما کرده در حجرهٔ علم، آنگاه به خانهٔ حضرت باقر العلومؑ مشرّف شده و در بیت وحی تربیت شده، آنگاه ممتاز شده به این کرامت که حق تعالی او را حاملِ نور ولیّ خود حضرت صادقؑ قرار داده.

شیخ کلینی از «عبدالأعلی» روایت کرده که: اُمّ فروه را دیدم که طواف می‌کرد دور کعبه متنکّرةً، و بر او بود کسائی به نحوی که کسی او را نشناسد، پس إستلامِ کرد حجر الاسود را به دست چپ خود؛ یکی از اشخاص که طواف می‌کرد با وی گفت: یَا اَمَةَ اللّٰهِ! اَخْطَأْتِ السُّنَّةَ: یعنی: با دست چپ استلام کردی و این خلاف سنّت است! ـ و معلوم می‌شود که آن مرد یکی از فقها و علمای عامّه بوده ـ آن مخدّره در جواب فرمود: اِنّٰا لَأَغْنِیٰاءُ عَنْ عِلْمِکَ: ما از علم تو بی نیازیم. یعنی: نمی‌خواهد چیزی تعلیم ما نمائید، حقتعالیٰ ما را از احتیاج به علم شماها مستغنی کرده.

اعمال روز هفدهم ربیع الاوّل

بالجمله این روز بسیار شریفی است و از برای آن چند عمل است:

۱ غسل.

۲ روزه و از برای آن فضیلت بسیار است، و روایت شده: **هر که این روز را روزه بدارد ثواب روزه یک سال برای او خدا بنویسد،**[۱] و این روز یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است.

۳ زیارت حضرت رسولؐ از نزدیک و دور.

---

۱. اقبال، ص ۶۰۳.

۴ زیارت امیرالمؤمنین به همان زیارتی که حضرت صادق علیه السلام کرده و تعلیم «محمّد بن مسلم» فرموده.[۱]

۵ در وقتی که روز بلند شود دو رکعت نماز کند، در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و ده مرتبه توحید بخواند، و بعد از سلام در مصلّای خود بنشیند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ أَنْتَ حَيٌّ لاٰ تَمُوتُ الخ.[۲]

۶ آنکه مسلمانان این روز را تعظیم بدارند و تصدّق و خیرات بنمایند، و مؤمنین را مسرور کنند و به زیارت مَشاهد مشرّفه روند.

و سیّد در **اقبال** شرحی از لزوم تعظیم این روز ذکر نموده و فرمود: من یافتم طایفهٔ نصاری و جمعی از مسلمین را که تعظیم بزرگی از روز ولادت عیسی علیه السلام می‌نمایند، و تعجّب کردم که چگونه مسلمانان قانع شدند که روز مولود پیغمبرشان ـ که اعظم از همه پیغمبران است ـ به این مرتبه از تعظیم باشد که أَدْوَن از تعظیم نصاری است مولد عیسی علیه السلام را؟![۳]

روز بیست و دوم سنهٔ ۴ چهارم، غزوهٔ بَنِی النَّضیر واقع شد، و سورهٔ مبارکهٔ حشر در بیان این غزوه است.

روز بیست و ششم سنهٔ ۴۱، جناب امام حسن با معاویه مصالحه فرمود به نحوی که در جای خود به شرح رفته.

ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام

روز آخر ماه سنهٔ ۳ سوم: ولادت با سعادت حضرت امام حسین علیه السلام واقع شده، بنابر آنچه مختار شیخ مفید در «مُقنعه» و شیخ طوسی در «تهذیب» و شیخ شهید در «دروس» و شیخ بهایی در «توضیح المقاصد» است؛ و لکن مشهور سوم شعبان است، و بنابر آنکه ولادت در این روز باشد درست می‌شود روایتِ کافی از حضرت صادق علیه السلام

۱. همان، ص ۶۰۸.
۲. همان، ص ۶۱۵_۶۱۱.
۳. همان، ص ۶۱۵.

که: ما بین حسن و حسین علیهما السلام طُهری فاصله شده، و مابین میلاد آن دو بزرگوار شش ماه و ده روز واقع شده.[1] وَاللّٰهُ الْعَالِمُ.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۲.

۱۰

باب دهم

در ماه ربیع الثّانی است

روز اوّل بخواند دعایی را که سیّد نقل کرده: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اِلٰهُ کُلِّ شَیْءٍ[1] الخ.

ولادت با سعادت امام حسن عسکری علیه السلام

روز دهم و به قولی روز هشتم سنهٔ ۲۳۲ دویست و سی و دو، ولادت حضرت امام حسن عسکری واقع شده،[2] نام والدهٔ آن جناب حُدیث[3] و بعضی سلیل گفته‌اند،[4] و آن معظّمه در نهایت عفّت و صلاح و ورع و تقوا، و از عارفات صالحات و مَفْزع (پناهگاه) شیعه بوده.

علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد فرمود: شیخ مفید گفته است که: در روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولد شده است، و روز شریف بسیار مبارکی است، و مستحبّ است که به شکر این نعمت عُظمیٰ روزه بدارند.[5]

مؤلّف گوید: زیارت آن حضرت و سایر اعمالِ خیر در این روز با برکت مناسب است.

---

۱. اقبال، ص ۶۱۸-۶۱۶.
۲. همان، ص ۶۱۸.
۳. کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.
۴. عیون المعجزات، ص ۱۲۲.
۵. زاد المعاد، ص ۴۲۸.

۱۱

باب یازدهم

در ماه جمادی الاولی است

روز اوّل: بخواند دعایی را که سیّد نقل کرده **اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الخ.**[1]

روز دهم سنهٔ ۳۶، غزوهٔ **جمل** واقع شد و «زیدبن صوحان» و برادرش شهید شدند، و طَلحه را مَروان، و زُبیر را «ابن جُرموز» به قتل رسانید.

وفات حضرت فاطمه(فاطمیّه اول)

روز سیزدهم: اوّل ایّام فاطمیّه است.

روز چهاردهم: علامهٔ مجلسی در **زادالمعاد** فرمود: کلینی به سند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است: حضرت فاطمه هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت زنده بود، پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بوده، باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا در چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد. پس زیارت آن حضرت در این ایّام مناسب است، خصوصاً در چهاردهم که ظاهرتر است انتهی.[2]

واحقر وفات آن مخدّره را در سوم جمادی الاخرة ذکر می‌کنم.

---

۱. اقبال، ص ۶۲۱ـ۶۱۸.

۲. زاد المعاد، ص ۴۵۵.

فتح بصره و ولادت امام زین‌العابدین(ع)

روز پانزدهم سنهٔ ۳۶ سی و ششم، فتح بصره شد و نزول نصر شد بر امیرالمؤمنین(ع)؛ و در همین روز بعینه ولادت با سعادت حضرت علی بن الحسین(ع) واقع شده؛[1] والدهٔ ماجدهٔ آن حضرت معظّمه شهربانو دختر یزدجرد ـ پادشاه عجم ـ است، که در ایّام ولادت آن حضرت از دنیا رحلت کرد، و حضرت علی بن الحسین(ع) را «اِبْنُ الْخِيَرَتَيْنِ» می‌گفتند، به واسطهٔ حدیثی که از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: **إنَّ لِلّهِ في عِبادِهِ خِيَرَتَيْنِ فَخِيَرَتُهُ مِنَ الْعَرَبِ قُرَيْشٌ و مِنَ الْعَجَمِ فَارِسٌ**؛[2] و اشاره به آن جناب کرده «اَبوالأسود» در این شعر:

وَإنَّ غُلاماً بَيْنَ كِسرىٰ وهَاشِمٍ ... لَأكْرَمُ مَنْ نِيطَتْ عَلَيْهِ التَّمائِمُ[3]

---

۱. اقبال، ص ۶۲۱.

۲. همانا خدای تعالی در میان بندگانش دو برگزیده دارد: برگزیدهٔ از عرب، قریش است و برگزیدهٔ از عجم فارس می‌باشد. (بحار، ج ۴۶، ص ۷).

۳. و همانا پسری از نسل کسری و هاشم، گرامی‌ترین کسی است که تعویذها بر او آویخته می‌شود.

۱۲

باب دوازدهم

در ماه جمادی الاخره است

روز اول بخواند دعایی را که سیّد در اقبال ذکر کرده: اَللّٰهُمَّ یا اَللّٰهُ اَنْتَ الدّٰائِمُ الْقٰائِمُ؛[1]

چهار رکعت نماز در ماه جمادی الثّانی

و سیّد روایت کرده که در این ماه در هر وقت که خواهد، چهار رکعت نماز کند، یعنی: به دو سلام، در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیةالکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ؛ و در دوم حمد و تکاثر و ۲۵ توحید؛ و در سوم حمد و جحد و ۲۵ فلق و در چهارم حمد و نصر و ۲۵ سورهٔ ناس بخواند، و بعد از سلام از رکعت چهارم هفتاد مرتبه تسبیحات اربع و هفتاد مرتبه صلوات و سه مرتبه: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بگوید، پس سر به سجده بگذارد و سه مرتبه بگوید: یٰا حَيُّ یٰا قَيُّومُ یٰا ذَاالْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ یٰا اَللّٰهُ یٰا رَحْمٰنُ یٰا رَحيمُ یٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ پس حاجت خود را بخواهد، پس هر کس این عمل را بجا آورد خدا او را و مال و اهل و اولاد و دین و دنیای او را تا سال آینده حفظ کند، و اگر در آن سال بمیرد بر شهادت بمیرد. یعنی: ثواب شهیدان داشته باشد.[2]

---

۱. اقبال، ص ۶۲۲ـ۶۲۱.

۲. همان، ص ۶۲۳ـ۶۲۲.

وفات حضرت فاطمه عليها السلام (فاطميّه دوم)

روز سوم سنهٔ ۱۱ یازدهم، وفات حضرت فاطمه عليها السلام واقع شده، پس باید در این روز شیعیان به مراسم تعزیتِ آن حضرت قیام نمایند، و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حقّ او کنند.[۱]

بدان که: در روز وفات حضرت زهرا عليها السلام اختلاف بسیار است و اظهر نزد احقر آن است که: بقای آن مظلومه بعد از پدر بزرگوارش نود و پنج روز بوده و در این روز وفات کرده، و از برای روایت هفتاد و پنج روز وجهی توان ذکر کرد که جای ذکرش نیست، لکن خوب است عمل شود به هر دو روایت در عزای آن مظلومه و اقامهٔ مصیبت آن معظّمه.

شرح مظلومیت حضرت زهرا عليها السلام

به هر حال بعد از پدر بزرگوار خود در دنیا چندان مکث نکرد و پیوسته نالان و گریان بود به حدّی که او را یکی از بکّاؤن خمس شمردند،[۲] و اهل مدینه از کثرت گریهٔ او شکایت کردند، و در این مدّتِ قلیل آن قدر اذیّت و درد کشید که خدای داند! و اگر کسی تأمّل کند در این کلمات ـ که امیرالمؤمنین بعد از دفن او با قبر پیغمبر خطاب کرده ـ می‌داند که چه مقدار بوده صدماتِ آن مظلومه، چه به سندهای معتبره وارد شده که: چون امیر المؤمنین از دفن فاطمه عليها السلام فارغ شد، حُزن و اندوه آن حضرت هیجان کرد، آب دیده‌های مبارکش بر روی انورش جاری شد و رو به قبر حضرت رسالت گردانید، و بر آن حضرت سلام کرد از جانب خود و فاطمه، و بعضی از دردهای دل خود را ذکر کرد تا آنکه عرض کرد: امانت خود را بخود بر گردانیدی و گروگان خود را از من باز گرفتی، و حضرت زهرا را از من ربودی، چه بسیار قبیح است آسمان سبز و زمین گرد آلود در نظر من. یا رسول‌اللّٰه! اندوه من بدر نخواهد رفت تا آنکه حقتعالی از برای من اختیار کند آن خانه را که اکنون تو در آنجا مقیمی. در دلم جراحتی است چرک آورنده، و در سینه‌ام

---

۱. همان، ص ۶۲۳.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۷۲، ب ۵، ح ۱۵.

اندوهی است از جا به در آورنده، چه بسیار زود جدایی افتاد میان ما، و به سوی خدا شکایت می‌کنم حال خود را: **وَسَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَافُرِ اُمَّتِكَ عَلىٰ هَضْمِهَا فَاحْفِهَا السُّؤالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحالَ فَكَمْ مِنْ غَليلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ اِلىٰ بَثِّهِ سَبِيلاً وَسَتَقُولُ وَيَحْكُمُ اللهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ** یعنی: و بزودی خبر خواهد داد تو را دختر تو به معاونت و یاری کردن امّت تو یکدیگر را بر غصب حقّ من و ظلم کردن در حقّ او، پس از او بپرس احوال را، چه بسیار غمها در سینهٔ او بر روی هم نشسته بود که به کسی اظهار نمی‌توانست کرد، و بزودی همه را به تو خواهد گفت، و خدا از برای او حکم خواهد کرد و او بهترین حکم کنندگان است.[1]

شیخ طوسی از ابن عبّاس روایت کرده است که: چون هنگام وفات حضرت رسول الله ﷺ رسید، آن قدر گریست که آب دیده‌اش بر محاسن مبارکش جاری شد! گفتند: یا رسول الله ﷺ! سبب گریهٔ شما چیست؟! فرمود گریهٔ می‌کنم برای فرزندان خود و آنچه نسبت به ایشان خواهند کرد بدانِ امت من بعد از من. گویا می‌بینم فاطمه دختر خود را بر او ستم کرده باشند بعد از من. و او ندا کند که: یا اَبَتاهُ! یا اَبَتاهُ اَحدی از امّت من او را اعانت نکند. چون فاطمه ﷺ این سخن را شنید گریست. حضرت فرمود: گریه مکن ای دختر! فاطمه گفت: گریه نمی‌کنم برای آنچه بعد از تو با من خواهند کرد، ولیکن می‌گریم از مفارقتِ تو یا رَسُولَ الله! حضرت فرمود: بشارت باد تو را ای دختر! که زود به من ملحق خواهی شد، و تو اوّل کسی خواهی بود که از اهل بیت من به من ملحق می‌شود.

و در روضةالواعظین و غیره روایت است که: حضرت فاطمه را مرض شدیدی عارض شد و تا چهل روز مُمتد شد، چون دانست موت خود را، «اُمّ ایمن» و «اسماء بنت عُمیس» را طلبید و فرستادن ایشان را که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ را حاضر سازند. چون حضرت امیرالمؤمنین ﷺ را حاضر ساختند، گفت: ای پسر عَمّ! از آسمان

---

۱. امالی طوسی، ص ۱۰۹، مجلس ۴، ح ۲۰.

خبر فوت من به من رسید و من در جَناح سفر آخرتم، تو را وصیّت می‌کنم به چیزی چند که در خاطر دارم. حضرت فرمود: آنچه خواهی وصیّت کن ای دختر رسول خدا! پس بر بالین آن حضرت نشست و هر که در آن خانه بود [را] بیرون کردند. پس فرمود: که ای پسر عَمّ! هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی، و از روزی که با من معاشرت کرده‌ای مخالفت تو نکرده‌ام. حضرت فرمود: مَعَاذَ اللّٰهِ! تو داناتری به خدا و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و کریمتر و از خدا ترسان‌تری از آنکه تو را سرزنش کنم به مخالفت خود، و بر من بسیار گران است مفارقتِ تو، و لیکن مرگ امری است که چاره‌ای از آن نیست، به خدا سوگند! که تازه کردی بر من مصیبت رسول خدا را و عظیم شد وفات تو بر من، پس می‌گویم: «اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ» برای مصیبتی که چه بسیار درد آورنده است مرا، و چه بسیار سوزنده و به حُزن آورنده است مرا، به خدا سوگند! که این مصیبتی است که تسلّی دهنده ندارد و رَزیّه‌ای است که هیچ چیز عوض آن نمی‌تواند شد. پس ساعتی هر دو گریستند.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام سرِ فاطمه علیها السلام را ساعتی به دامن گرفت و به سینهٔ خود چسبانید، فرمود: هر چه می‌خواهی وصیّت بکن که آنچه فرمایی بعمل می‌آورم، و امر تو را بر امر خود اختیار می‌کنم. پس فاطمه علیها السلام گفت: خدا جزای خیر دهد تو را ای پسر عَمّ رسولخدا! وصیّت می‌کنم تو را اوّل که بعد از من «اُمامه» را به عقد خود در آوری، زیرا که مردان را چاره‌ای از زن گرفتن نیست، او برای فرزندان من مثل من است. پس گفت: برای من نَعشی قرار ده، زیرا که ملائکه را دیدم که صورت نعش برای من ساختند. حضرت فرمود که وصف کن آن را برای من. پس وصف آن را بیان کرد، حضرت از برای او درست کرد، و اوّل نعشی که در زمین ساختند آن بود. پس گفت: باز **وصیّت می‌کنم تو را که نگذاری بر جنازهٔ من حاضر شوند یکی از آنهایی که بر من ستم کردند و حقّ مرا گرفتند، چه ایشان دشمن من و دشمن رسول خدااند، و نگذاری که أحدی از ایشان**

و أتباع ایشان بر من نماز کنند، و مرا در شب دفن کن در وقتی که دیده‌ها در خواب باشد.[1]

و در کشف الغمّه و غیره روایت کرده‌اند که: چون وفات حضرت فاطمه(علیها السلام) نزدیک شد، «اسماء بنت عُمیس» را فرمود: آبی بیاور که من وضو بسازم. پس وضو ساخت، و به روایتی غسل کرد نیکوترین غسلها، و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو کرد، و جامه‌های نو طلبید و پوشید و فرمود: ای اسماء! جبرئیل در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور آورد از بهشت، پدرم آن را سه قسمت کرد: یک حصّه را برای خود گذاشت، و یکی از برای من و یکی از برای علی(علیه السلام)؛ آن کافور را بیاور که مرا به آن حنوط کنند، چون کافور را آورد فرمود: نزدیک سرِ من بگذار، پس پای خود را به قبله کرد و خوابید و جامه بر روی خود کشید و فرمود ای اسماء! ساعتی صبر کن بعد از آن مرا بخوان، اگر جواب نگویم علی(علیه السلام) را طلب کن و بدان که من به پدر خود ملحق گردیده‌ام.

اسماء ساعتی انتظار کشید، بعد از آن، آن حضرت را ندا کرد. صدایی نشنید! پس گفت: **ای دختر مصطفی! ای دختر بهترین فرزندان آدم! ای دختر بهترین کسی که روی زمین راه رفته است! ای دختر آن کسی که در شب معراج به مرتبهٔ قابَ قوسین أو أدنی رسیده است!** چون جواب نشنید جامه را از روی مبارکش برداشت، دید که مرغ روحش به ریاضِ جنّت پرواز کرده است! پس بر روی آن حضرت افتاد و آن حضرت را می‌بوسید و می‌گفت: چون به خدمت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) برسی، سلام «اسماء بنت عُمیس» را به آن حضرت برسان.

در این حال حسنین(علیهما السلام) از در در آمدند و گفتند: ای اسماء! مادرِ مادر این وقت چرا به خواب رفته است؟! اسماء گفت: مادرِ شما به خواب نرفته ولیکن به رحمت ربّ الارباب واصل گردیده. پس حضرت امام حسن(علیه السلام) خود را بر روی مادر افکند و روی أنورش را می‌بوسید و می‌گفت: **ای مادر! با من سخن بگو پیش از آنکه روحم از جسد مفارقت کند، و حضرت امام حسین(علیه السلام) بر پایش افتاد می‌بوسید آن را و می‌گفت: ای مادرِ بزرگوار! منم**

---
۱. جلاء العیون، ص ۲۷۰ـ۲۶۹ به نقل از روضة الواعظین، ص ۱۵۱.

فرزند تو حسین، با من سخن بگو پیش از آنکه دلم شکافته شود و از دنیا مفارقت کنم.

پس اسماء گفت: ای دو جگر گوشهٔ رسول خدا! بروید و پدربزرگوار خود را خبر کنید و وفاتِ مادر خود را به او برسانید. پس ایشان بیرون رفتند، چون نزدیک مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند. پس صحابه به استقبال ایشان دویدند، گفتند: سبب گریهٔ شما چیست ای فرزندان رسول خدا؟! حقتعالی هرگز دیدهٔ شما را گریان نگرداند، مگر جای جدّ خود را خالی دیده‌اید گریان گردیده‌اید از شوق ملاقات او؟! گفتند: مادر ما از دنیا مفارقت کرده. چون حضرت امیر﷤ این خبر وحشت اثر را شنید بر رو در آمد، و فرمود: بعد از تو خود را به که تسلّی دهم؟![1] پس این دو شعر را در مصیبت آن حضرت آدا فرمود.

لِكُلِّ اجْتِماعٍ مِنْ خَليلَيْنِ فُرْقَةٌ   وَكُلُّ الَّذي دُونَ الْفِراقِ قَليلٌ
وَإِنَّ افْتِقادي واحِداً بَعْدَ واحِدٍ[2]   دَليلٌ عَلىٰ أَنْ لا يَدُومَ خَليلٌ[3] و [4]

و چون خبر وفات حضرت فاطمه در مدینه منتشر گردید، مردان و زنان همه گریان شدند در مصیبت آن حضرت، و صدای شیون از خانه‌های مدینه بلند شد، زنان و مردان به سوی خانهٔ آن حضرت دویدند و زنان بنی هاشم در خانهٔ آن حضرت جمع شدند و نزدیک شد که از صدای شیون ایشان مدینه به لرزه در آید! و ایشان می‌گفتند: ای سیّده و خاتون زنان! ای دختر پیغمبر آخرالزّمان! مردم فوج فوج به تعزیه به سوی حضرت امیرالمؤمنین﷤ می‌آمدند. آن حضرت نشسته بود و حسنین﷣ در پیش آن حضرت نشسته بودند و می‌گریستند. «امّ کلثوم» به نزد قبر رسول خدا آمد و گفت: يا أَبَتاهُ! يا رَسُولَ اللّٰهِ! امروز مصیبت تو بر ما تازه شد و امروز تو از دنیا رفتی، دختر خود را به سوی خود بردی. مردم جمع شده بودند و گریه می‌کردند و انتظار بیرون آمدن جنازه می‌کشیدند. پس ابوذر بیرون آمد و گفت: ای مردم! بیرون آوردن جنازه تأخیر افتاد.

---

۱. همان، ص ۲۷۲ـ۲۷۱ به نقل از کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. فاَلیاً بَعْدَ آخَرٍ (خ ل).

۳. یعنی: هر اجتماعی از دو دوست آخر به جدایی منتهی می‌شود، و هر مصیبتی که غیر از جدایی و مرگ است اندک است، و رفتن فاطمه بعد از حضرت رسول﷑ پیش من دلیل است بر آنکه به هیچ دوستی باقی نمی‌ماند. (منه ره).

۴. مروج الذّهب، ج ۲، ص ۲۹۷؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۶۴.

پس مردم متفرّق شدند و برگشتند.

چون پاسی از شب گذشت و دیده‌ها به خواب رفت، جنازه را بیرون آوردند. حضرت امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام و عمّار و مقداد و عقیل و زُبیر و ابوذر و سلمان و بُریده و گروهی از بنی هاشم و خواصّ آن حضرت بر حضرت فاطمه علیها السلام نماز کردند، و در همان شب او را دفن کردند، و حضرت امیر علیه السلام بر دور قبر او هفت قبر دیگر ساخت که ندانند قبر آن مظلومه کدام است. و به روایتی دیگر چهل قبر دیگر را آب پاشید که قبر فاطمه علیها السلام در آنها مشتبه باشد. و به روایت دیگر قبر آن مظلومه را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد. اینها برای آن بود که عین موضعِ آن قبر منوّر را ندانند و بر آن قبر نماز نکنند و خیال نبش قبر آن حضرت را بخاطر نگذرانند؛[1] و به این سبب در موضع قبر آن مظلومه اختلاف واقع شده است، بعضی گفته‌اند که در بقیع است، و بعضی گفته‌اند ما بین قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و منبر آن حضرت مدفون است، زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: **ما بین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت.** و بعضی گفته‌اند که: آن حضرت را در خانهٔ خود دفن کردند و این أصَحّ اقوال است، چنانکه روایت صحیحه بر آن دلالت می‌کند.[2]

و «ابن شهر آشوب» و غیره روایت کرده که: چون آن حضرت را خواستند در قبر گذارند، دو دست از میان قبر پیدا شد شبیه به دستهای پیغمبر، و آن حضرت را گرفت و به قبر برد.[3]

اعمال روز ولادت با سعادت حضرت فاطمه علیها السلام

روز بیستم سال پنجم از بعثت و به قولی سال دوم آن، ولادت با سعادت حضرت فاطمه علیها السلام واقع شده[4] و در آن چند عمل مناسب است:

۱ روزه.

---

۱. جلاء العیون، ص ۲۷۲؛ روضة الواعظین، ص ۱۵۱.
۲. همان، ص ۲۷۳.
۳. همان، ص ۲۷۳ به نقل از مناقب، ج ۳، ص ۴۱۲.
۴. اقبال، ص ۶۲۴.

۲ خیرت و صدقات بر مؤمنین.

۳ زیارت آن مخدّره؛ و سیّد در **اقبال** زیارتی برای آن حضرت نقل کرده که در **زادالمعاد** نیز مذکور است. [سید بن طاووس روایت کرده است: هر که آن حضرت را زیارت کند به این زیارت که بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النّاسِ اَجْمَعینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها** پس بگوید: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ، وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ، صَلوٰةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفىٰ عِبادِکَ الْمُکْرَمینَ مِنْ اَهْلِ السَّماواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضینَ.** پس طلب آمرزش کند از خدا، حق تعالی گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند.][1]

کیفیت ولادت حضرت زهرا علیها السلام

وکیفیّت ولادت چنان بوده که: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین و حمزه و عبّاس و عمّار و بعضی دیگر در أبطح نشسته بود، که ناگاه جبرئیل نازل شد با صورتِ اصلیِ خود و بالهای خود را گشود تا مشرق و مغرب را پُر کرد، و ندا کرد آن حضرت را و گفت: خداوند علیّ أعلیٰ تو را سلام می‌رساند و امر می‌فرماید که چهل شبانه روز از خدیجه دوری اختیار کنی. پس آن حضرت چهل شبانه روز به خانهٔ خدیجه نرفت و روزها روزه می‌داشت و شبها تا صباح عبادت می‌کرد، و عمّار را به سوی خدیجه فرستاد و فرمود: «به او بگو که نیامدن من به سوی تو از کراهت و عداوت نیست، ولیکن پروردگار من چنین امر کرده است که تقدیرات خود را جاری سازد، و گمان مَبر در حقّ خود مگر نیکی، و بدرستی که حق تعالی به تو مباهات می‌کند هر روز چند مرتبه با ملائکهٔ خود، باید که هر شب درِ خانهٔ خود را ببندی و در رختخواب خود

۱ـ زاد المعاد ص ۴۵۷ به نقل از اقبال، ص ۶۲۳.

بخوابی، و من در خانهٔ «فاطمهٔ بنت اسد» می‌باشم تا مدّت وعدهٔ الهی مُنقضی گردد». و خدیجه هر روز چند نوبت از مفارقت آن حضرت می‌گریست، و چون چهل روز تمام شد جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: ای محمّد! خداوند اَعلی تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: **مهیّا شو برای تحفه و کرامت من.** پس ناگاه میکائیل نازل شد و طبقی آورد که دستمالی از سُندسِ بهشت بر روی آن پوشیده بودند و در پیش آن حضرت گذاشت و گفت: پروردگار تو می‌فرماید که امشب بر این طعام افطار کن.

و حضرت امیرالمؤمنین گفت که هر شب چون هنگام افطار آن حضرت می‌شد، مرا امر می‌کرد که در را می‌گشودم که هر که خواهد بیاید و با آن حضرت افطار نماید، و در این شب مرا فرمود: بر در خانه بنشین و مگذار کسی داخل شود که این طعام بر غیر من حرام است. پس چون ارادهٔ افطار نمود طبق را گشود و در میان آن طبق از میوه‌های بهشت یک خوشه خرما و یک خوشه انگور بود و جامی از آب بهشت، پس از آن میوه‌ها تناول فرمود تا سیر شد، و از آن آب آشامید تا سیراب شد، و جبرئیل از ابریق بهشت آب بر دست مبارکش می‌ریخت، و میکائیل دستش را شست، و اسرافیل دستش را با دستمال بهشت پاک کرده و طعام باقی مانده با ظرفها به آسمان بالا رفت، و چون حضرت برخاست که مشغول نماز شود، جبرئیل گفت: در این وقت تو را نماز جایز نیست، باید که اَلحال به منزل خدیجه روی و با او مُضاجعت نمایی که حقتعالی می‌خواهد که در این شب از نسل تو ذرّیهٔ طیّبه‌ای خلق نماید.

پس آن حضرت متوجّه خانه خدیجه شد، خدیجه گفت که من با تنهایی الفت گرفته بودم، و چون شب می‌شد درها را می‌بستم و پرده‌ها را می‌آویختم، و نماز خود را می‌کردم و در جامهٔ خواب می‌خوابیدم و چراغ را خاموش می‌کردم، و در این شب در میان خواب بودم که صدای دَرِ خانه را شنیدم! پرسیدم: کیست در را می‌کوبد که بغیر از مُحمّد دیگری را روا نیست کوبیدن آن؟! حضرت فرمود: منم محمّد، چون صدای فرح افزای آن حضرت را شنیدم از جا جُستم و در را گشودم، و پیوسته عادت آن حضرت آن بود که چون ارادهٔ خوابیدن می‌نمود، آب می‌طلبید و وضو تجدید می‌کرد و

دو رکعت نماز بجا می‌آورد و داخل رختخواب می‌شد، و در این شب هیچ از اینها نکرد و تا داخل شد دست مرا گرفت و به رختخواب برد، و بعد از آن من نور فاطمه را در شکم خود یافتم».[۱]

شیخ صدوق‌ﷺ از «مفضّل بن عمر» روایت کرده است که گفت: از حضرت صادق‌ﷺ سؤال کردم که چگونه بود ولادت حضرت فاطمه‌ﷺ؟ حضرت فرمود: چون خدیجه اختیار مزاوجت حضرت رسول فرمود، زنان مکّه از عداوتی که با آن حضرت داشتند از خدیجه هجرت نمودند. و بر او سلام نمی‌کردند! و نمی‌گذاشتند که زنی به نزد او برود! پس خدیجه را به این سبب وحشتی عظیم عارض شد، و لکن عمدهٔ غم و جزع خدیجه برای حضرت رسول بود، که مبادا از شدّت عداوت ایشان آسیبی به آن حضرت برسد. چون به حضرت فاطمه حامله شد، فاطمه در شکم با او سخن می‌گفت و مونس او بود و او را صبر می‌فرمود. خدیجه این حال را از حضرت رسالت پنهان می‌داشت. پس روزی حضرت داخل شد شنید که خدیجه سخن می‌گوید با شخصی و کسی را نزد او ندید! فرمود ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟! خدیجه گفت: فرزندی که در شکم من است، با من سخن می‌گوید و مونس من است. حضرت فرمود: اینک جبرئیل مرا خبر می‌دهد که: **این فرزند دختر است، او و نسل او طاهر با میمنت و برکت است، و حقتعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد، و از نسل او امامان و پیشوایان دین به هم خواهند رسید، و حقتعالی بعد از انقضای وحی ایشان را خلیفه‌های خود خواهد گردانید در زمین.**

و پیوسته خدیجه در این حالت بود تا آنکه ولادت جناب فاطمه نزدیک شد، چون درد زائیدن را در خود احساس کرد به سوی زنان قریش و فرزندان هاشم کس فرستاد، که نزد او حاضر شوند. ایشان در جواب او فرستادند که: فرمان ما نبردی و قبول ما نکردی، و زن یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد، و ما به این سبب به خانهٔ تو نمی‌آییم و متوجّه امور تو نمی‌شویم. خدیجه چون پیغام ایشان را شنید اندوهناک گردید، در این حالت بود که ناگاه دید چهار زنِ گندم‌گون بلند بالا نزد او حاضر شدند، و

۱. حیاة القلوب، ج ۳، ص ۲۵۶ـ۲۵۵ به نقل از البلد الغویه، ص ۲۲۰.

به زنان بنی هاشم شبیه بودند! خدیجه از ایشان بترسید، پس یکی از ایشان گفت: مترس ای خدیجه! که ما رسولان پروردگاریم به سوی تو، و ما ظهیران توییم. منم ساره زوجهٔ ابراهیم، و دوم آسیه دختر مزاحم است، که رفیق تو و زن شوهر تو خواهد بود در بهشت، و سوم مریم دختر عمران است و چهارم کلثوم خواهر موسی بن عمران است. حقتعالی ما را فرستاده است که در وقت ولادت تو نزد تو باشیم و تو را بر این حال معاونت نماییم. پس آن چهار زن هر یک در یک طرف خدیجه نشست، و حضرت فاطمه پاک و پاکیزه متولّد شد و چون به زمین رسید نور او ساطع گردید به حدّی که خانه‌های مکّه را روشن گردانید، و در مشرق و مغرب زمین موضعی نماند مگر آنکه از آن نور روشن شد! و ده نفر از حورالعین به آن خانه در آمدند، و هر کدام ابریقی و طشتی از بهشت در دست داشتند و ابریقهای ایشان مملوّ بود از آب کوثر، پس آن زنی که در پیش روی خدیجه نشسته بود جناب فاطمه را برداشت و به آب کوثر غسل داد، و دو جامهٔ سفیدی بیرون آورد که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود، و فاطمه؊ را در یک جامه پیچیده و جامهٔ دیگر را مقنعهٔ او گردانید، پس او را به سخن در آورد، فاطمه گفت: اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاَنَّ اَبي رَسُولُ اللّٰهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيٰاءِ وَاَنَّ بَعْلي سَيِّدُالأَوْصِيٰاءِ وَوُلْدي سٰادَةُ الْأَسْبٰاطِ؛ پس بر هر یک از آن زنان سلام کرد و هر یک را به نام ایشان خواند، پس آن زنان شادی کردند، و حوریان بهشت خندان شدند و یکدیگر را بشارت دادند، و اهل آسمانها یکدیگر را بشارت دادند به ولادت آن سیّدهٔ زنان، و در آسمان نور روشنی هویدا شد که پیشتر چنان نوری مشاهده نکرده بودند! پس آن زنان مقدّسه با خدیجه خطاب کردند و گفتند: بگیر این دختر را که طاهر و مطهّر است، و پاکیزه و با برکت است، حق تعالی برکت داده است او را و نسل او را.

پس خدیجه آن حضرت را گرفت شاد و خوشحال و پستان خود را در دهان او گذاشت، پس فاطمه؊ در روزی آن قدر نُموّ می‌کرد که اطفال دیگر در سالی نموّ کنند.[1]

وبدان که: آن مظلومه را نُه نام است نزد حقتعالی: فاطمه یعنی: بریده شده از بدیها؛

---

۱. جلاء العیون، ص ۱۶۱ـ۱۵۹ به نقل از امالی شیخ صدوق، ص ۶۹۲ـ۶۹۰؛ بحار، ج ۴۳، ص ۲.

یا بمعنی آنکه حقتعالی او را و شیعیان او را از آتش جهنم بریده است **صدّیقه** یعنی: معصومه، **مبارکه** یعنی: صاحب برکة در علم و کمالات و معجزات و اولاد کرام و غیرها. **طاهره** یعنی: پاکیزه از هر رجس و نقصی. **زکیّه** یعنی: نمو کننده در کمالات و خیرات. **راضیه** یعنی: راضی به قضای حقتعالی **مرضیّه** یعنی: پسندیدهٔ خدا و دوستان خدا. **محدّثه** یعنی: ملک با او سخن گفته. **زهراء** یعنی: نورانی به نور صوری و معنوی.[1] و **معلوم باد که**: فضایل آن مخدّره زیاده از آن است که إحصا شود، و من بجهت تبرّک به چند سطری اکتفا می‌نمایم:

مشایخ فنّ حدیث از طریق عامّه روایت کرده‌اند که حضرت رسولﷺ فرمود: **فاطمه پارهٔ تن من است، هر که او را شاد گرداند مرا شاد گردانیده، است و هر که او را آزرده کند مرا آزرده کرده است، فاطمه عزیزترین مردم است نزد من.**[2]

و از عایشه روایت است که گفت: ندیده‌ام أحدی راکه در گفتار و سخن شبیه‌تر باشد از فاطمه به رسولخداﷺ چون فاطمه به نزد آن حضرت می‌آمد او را مرحبا می‌گفت و دستهای او را می‌بوسید و در جای خود می‌نشانید، و چون حضرت به خانهٔ فاطمه می‌رفت برمی‌خاست و استقبال آن حضرت می‌کرد و مرحبا می‌گفت و دستهای آن حضرت را می‌بوسید.[3]

و از امام حسنؑ روایت است که فرمود: در شب جمعه‌ای مادرم در محراب عبادت خود ایستاد و مشغول بندگی حقتعالی گردید، و پیوسته در رکوع و سجود و قیام و دعا بود تا صبح طالع شد، شنیدم که پیوسته دعا می‌کرد از برای مؤمنین و مؤمنات و ایشان را نام می‌برد و دعا برای ایشان بسیار می‌کرد و از برای خود دعا نمی‌کرد! پس گفتم: ای مادر! چرا از برای خود دعا نکردی چنانچه از برای دیگران کردی؟! فرمود: یَا بُنَيَّ اَلْجَارُ

---

۱. همان، ص ۱۶۲ به نقل از علل الشرایع، ص ۱۷۸.
۲. همان، ص ۱۷۰، کنز العقال، ج ۶، ص ۲۲۰؛ الغدیر، ج ۷، ص ۲۲۶_۲۳۲.
۳. همان، ص ۱۷۲ به نقل امالی طوسی، ص ۴۰۰، مجلس ۱۴، ح ۴۰.

ثُمَّ الدّارُ؛ ای پسر جانِ من! اول همسایه را باید رسید، بعد خود را.[۱]

حِمیری از حضرت باقر(ع) روایت کرده است که: حضرت رسالت(ص) مقرّر فرمود که هر چه خدمتِ بیرون در باشد، از آب و هیزم آوردن و امثال آنها، حضرت امیرالمؤمنین(ع) بجا آورد و هر چه خدمتِ اندرونِ خانه باشد، از آسیا کردن و نان و طعام پختن و جاروب کردن و امثال اینها، با حضرت فاطمه(ع) باشد.[۲]

و **ابونعیم** روایت کرده که: حضرت فاطمه(ع) **آن قدر آسیا گردانید که دستهایش آبله پیدا کرد و از اثر آسیا دستهایش پینه کرد.**[۳]

و **ثعلبی** از حضرت صادق(ع) روایت کرده که: روزی حضرت رسول(ص) به خانهٔ فاطمه(ع) در آمد، فاطمه(ع) را دید که جامه پوشیده بود از جُلهای شتر، و به دستهای خود آسیا می‌گردانید و در آن حالت فرزند خود را شیر می‌داد! چون حضرت او را بر آن حالت مشاهده کرد، آب از دیده‌های مبارکش روان شد و فرمود: **ای دختر گرامی! تلخیهای دنیا را امروز بچش برای خلاوتهای آخرت.** پس فاطمه گفت یا رسول خدا(ص) حمد می‌کنم خدا را بر نعمتهای او، و شکر می‌کنم خدا را بر کرامتهای او. پس حقتعالی این آیه را فرستاد: **وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ**[۴] یعنی: حقتعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی.[۵]

و از حسن بصری منقول است که می‌گفت: حضرت فاطمه عابدترین مردم بود، در عبادت آنقدر بر پا می‌ایستاد که پاهای مبارکش ورم می‌کرد.[۶]

وقتی پیغمبر خدا به او فرمود: **چه چیز بهتر است از برای زن؟ فاطمه گفت: آن که نبیند مردی را و نبیند مردی او را.** پس حضرت نور دیدهٔ خود را به سینهٔ خود چسبانید و فرمود: **ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ**[۷].

---

۱. همان، ص ۱۹۳ به نقل از علل الشرایع، ص ۱۸۱.
۲. همان، ص ۱۹۲ به نقل از قرب الاسناد، ص ۵۲.
۳. مناقب، ج ۳، ص ۳۴۱.
۴. ضحی، آیهٔ ۵.
۵. جلاء العیون، ص ۱۹۶ به نقل از مناقب، ج ۳، ص ۳۴۲.
۶. همان، ص ۱۹۶ به نقل از مناقب، ج ۳، ص ۳۴۱.
۷. مناقب، ج ۳، ص ۳۴۱.

و هم روایت است که روزی آن حضرت از اصحاب خود از زن سؤال فرمود، اصحاب گفتند: زن عورت است. فرمود: در چه حالی زن به خدا نزدیکتر است اصحاب جواب نتوانستند. چون فاطمه این مطلب را شنید گفت: **نزدیکترین حالات زن به خدا آن است که ملازمِ خانهٔ خود باشد، و بیرون از خانه نشود.** حضرت فرمود: **فاطمه پارهٔ تن من است.**[۱]

روز بیست و هفتم سنهٔ **۲۵۴** به قولی وفات امام علی نقی‌ﷺ است، و احقر وفات آن حضرت را در سوم رجب ذکر کردم.

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۹۲؛ نوادر راوندی، ص ۱۱۹، ط دار الحدیث؛ مناقب ابن مغازلی، ص ۲۸۱؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۴۷۶.

خاتمه

در مختصری از فضایل و اعمال
شب و روز جمعه است.

بدان که: شب و روز جمعه را امتیاز تامّ است از سایر لَیالی و ایّام، به مزید رفعت و شرافت و مضاعَف شدن ثواب حسنات و عِقاب سیّئات و إستجابت دَعَوات و آمرزش خَطیئات، و **آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد.**[1]

و در حدیث نبوی است که: شب و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و در هر ساعت حقتعالی ششصد هزار کس از جهنّم آزاد کند.[2]

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: **هر که بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه، خدا پناه دهد او را از فشار قبر.**[3]

و نیز فرمود: چون عصر پنجشنبه می‌شود، ملائکه از آسمان به زیر می‌آیند با قلمهای طلا و صحیفه‌های نقره، و نمی‌نویسند در پسین پنجشنبه و شب و روز جمعه تا آفتاب غروب کند، بغیر از صلوات بر محمّد و آل محمّد.[4]

و در حدیثی است که: چون برادران یوسف از حضرت یعقوب استدعای طلب آمرزش کردند، فرمود: **سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي** یعنی: بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود. حضرت فرمود: تأخیر کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا

---

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۶ و ۲۸۹.

۲. خصال، ج ۲، ص ۳۹۲، ب ۷، ح ۹۲.

۳. امالی صدوق، ص ۲۵۵، مجلس ۴۷، ح ۱۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۳۹۳، ب ۷، ح ۹۵.

مستجاب گردد.[۱]

و نیز فرمودند که چون شب جمعه می‌آید، ماهیانِ دریا سر از آب بیرون می‌آورند و وحشیان صحرا گردن می‌کشند و حقتعالی را ندا می‌کنند که: پروردگارا! ما را عذاب مکن به گناهان آدمیان.[۲]

و فضائل شب جمعه و روز جمعه زیادتر از آن است که در اینجا ذکر شود، و در اینجا سه مقام است.

مقام اوّل: در اعمال روزِ پنجشنبه است و آن چند امر است:

۱ در نماز صبح این روز و روز دوشنبه سورهٔ هَلْ أَتیٰ بخواند.[۳]

۲ کسی که حاجتی داشته باشد در اوّل صبح این روز پیِ حاجت خود رود، و چون متوجّه حاجت خود شود بخواند: **حمد** و **معوّذتین** و **توحید** و **قدر** و **آیةالکرسی** و **پنج آیهٔ آخر سورهٔ آل عمران** را پس بگوید: **مَوْلاٰیَ اِنْقَطَعَ الرَّجٰاءُ اِلاّٰ مِنْكَ، وَخٰابَتِ الْآمٰالُ اِلاّٰ فیكَ، اَسْئَلُكَ اِلٰهی بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ وٰاجِبٌ عَلَیْكَ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ الْحَقَّ عِنْدَكَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِیَ حٰاجَتی.**[۴]

۳ سورهٔ مائده در این روز بخواند.[۵]

۴ در این روز زیارت قبور شهداء و مؤمنین کند.[۶]

۵ از مَشاهد مشرّفه بیرون نرود تا جمعه بگذرد.[۷]

۶ حجامت در این روز مستحب است، و دَوا خوردن نیک نیست.[۸]

۷ در این روز مهیّای جمعه شود به گرفتن شارب و ناخنها و گذاشتنِ یکی از آنها برای جمعه، که در جمعه گرفته شود.[۹]

---

۱. بحار، ج ۸۹، ص ۲۷۱ به نقل از مقنعه، ص ۲۵.
۲. بحار، ج ۸۹، ص ۲۸۱ به نقل از جامع الاحادیث از کتاب «العروس»، ص ۱۳۹ ط آستان قدس.
۳. جمال الاسبوع، ص ۱۷۶.
۴. همان.
۵. همان، ص ۱۷۹.
۶. مصباح المتهجّد، ص ۲۲۶.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان.

۸ غسل جمعه کند، اگر ترس داشته باشد که در جمعه ممکن نشود غُسلش.[۱]

۹ **هزار مرتبه صلوات بفرستد.**[۲]

۱۰ دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل بعد از **حمد** سیصد مرتبه **توحید** بخواند و در دوم دویست مرتبه.[۳]

۱۱ اگر حاجتی داشته باشد بخواند نماز حوائج را که حضرت صادق‌ؑ تعلیم «اسماعیل بن قیس موصلی»[۴] کرده بنحوی که در «هدیّه» ایراد کردم.

۱۲ در آخر روز استغفار کند به این نحو: **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، تَوْبَةَ عَبْدٍ خاضِعٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَلا عَدْلاً وَلا نَفْعاً وَلا ضَرّاً وَلا حَيٰوةً وَلا نُشُوراً، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ**

---

۱. همان. ۲. همان.

۳. جمال الاسبوع، ص ۷۸.

۴. امام صادق‌ؑ به او فرمود: این غم و نفس [کشیدن پشت سر هم] و متواتر که از تو مشاهده می‌کنم برای چیست؟! عرض کرد: ای مولای من! فدایت شوم، به حق تو قسم است که طاقتم به نهایت رسیده و سینه‌ام تنگ شده! حضرت فرمود: چرا نماز حوائج را نمی‌کنی؟! عرض کرد: فدایت شوم چگونه بکنم؟ فرمود: چون روز پنجشنبه شود بعد از چاشت غسل بکن و به جای نماز خود برو و چهار رکعت نماز بکن، و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ إِنّا أَنْزَلْناهُ بخوان، و چون سلام نماز گفتی ـ یعنی: از رکعت چهارم که سلام دادی ـ صد مرتبه بگو: أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، پس دستها را به سوی آسمان بلند کن و ده مرتبه بگو: «یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ»، پس انگشت شهادت خود را حرکت بده و بگو: یا رَبُّ ـ آنقدر که نفس وفا کند ـ پس دستها را در برابر روی خود به جانب قبله بکش و پهن کن و بگو: یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ ده مرتبه، پس این دعا بخوان:

یا أَفْضَلَ مَنْ رُجِيَ، وَيا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَيا أَجْوَدَ مَنْ سَمَحَ وَأَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ، يا مَنْ لا يَعْزُبُ عَلَيْهِ ما يَفْعَلُهُ [يا مَنْ لا يَعِزُّ عَلَيْهِ ما فَعَلَهُ] يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ أَجابَ، أَسْئَلُكَ بِمُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَأَسْئَلُكَ بِأَسْمائِكَ الْعِظامِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ عَظِيمٍ، وَأَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِفَضْلِكَ الْعَظِيمِ، وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ، دَيّانَ الدِّينِ مُحْيِيَ الْعِظامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، وَأَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حاجَتِي وَتُيَسِّرَ لِي مِنْ أَمْرِي فَلا تُعَسِّرْ عَلَيَّ وَتُسَهِّلَ لِي مَطْلَبَ رِزْقِي مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ، يا قاضِيَ الْحاجاتِ يا قَدِيراً عَلىٰ ما لا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

بعد از دعا حضرت صادق‌ؑ فرمود: پس بگو این را چند مرتبه.

راوی گفت: بعد از یک سال در خانه آن حضرت بودیم که آن مرد داخل شد و از آستین خود کیسه‌ای بیرون آورد و گفت: فدایت شوم، این پانصد اشرفی است که به برکت شما و برکت دعا و نمازی که تعلیم من فرمودید، از خمس بر من واجب شده است. (جمال الاسبوع، ص ۱۰۷ با ترجمهٔ مرحوم حاج شیخ عباس قمی‌ره).

الطّاهِرينَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْليماً.[۱]

مقام دوم: در اعمال شب جمعه است و در آن چند عمل است:

۱ بسیار صلوات بر محمّد و آل او بفرستد، و اقلّش صد مرتبه است و آنچه زیاد کند بهتر است.

۲ بسیار بگوید: سُبْحانَ اللّهِ وَاللّهُ اَكْبَرُ وَلا اِلٰهَ اِلاَّ اللّهُ.

۳ این سورها را بخواند که برای هر یک فواید و ثواب بسیاری است: بنی‌اسرائیل، کهف، سه طسٓین، شعرا، نمل، قصص، یٓس، صٓ، احقاف، واقعه، لقمان، الٓم، سجده، طور، حمٓ، دُخان، اِقتَرب، جمعه؛ و اگر فرصت ندارد اختیار کند هفت تای اوّل را.[۲]

۴ در رکعت اوّل نماز مغرب و عشا سورهٔ جمعه بخواند، و در دوّم مغرب توحید و دوم عشا اَعلیٰ بخواند.[۳]

۵ دعا در حقّ مؤمنین بسیار کند، چنانکه حضرت زهرا علیها السلام می‌نموده، و اگر برای ده نفر از برادران مؤمن که مرده باشند طلب آمرزش کند، وارد شده که بهشت برای او واجب شود.[۴]

۶ نماز حاجت و نماز خضر علیه السلام بخواند، چنانکه در «هدیه» ذکر کردم.

۷ هفت مرتبه بخواند: اَللّٰهُمَّ رَبّي لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ، خَلَقْتَني وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ، وَفي قَبْضَتِكَ وَناصِيَتي بِيَدِكَ، اَمْسَيْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، اَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ، اَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَاَبُوءُ بِذَنْبي، فَاغْفِرْلي ذُنُوبي اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ.[۵]

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۲۲۶.
۲. همان، ص ۱۸۴.
۳. همان، ص ۲۳۰.
۴. بحار، ج ۸۹، ص ۳۱۲ به نقل از کتاب «العروس»، ص ۱۵۲ ط آستان قدس.
۵. مصباح المتهجّد، ص ۲۲۸.

۸ آنکه بخواند دعای کمیل را.

۹ بخواند دعای **اَللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَتَهَيَّأَ**، را که در روز جمعه و شب عرفه نیز خوانده می‌شود.[۱]

۱۰ انار تناول کند، چنانکه حضرت صادق علیه السلام در هر شب جمعه میل می‌فرمود،[۲] و اگر در وقت خوابیدن بخورد شاید بهتر باشد، چه آنکه روایت شده: **هر که در وقت خوابیدن انار بخورد، ایمن خواهد بود در نفس خود تا صبح کند.**[۳] و سزاوار است که هر گاه انار بخورد و دستمالی در زیر آن پهن کند که دانه‌اش را ضبط کند و بعد از آن بخورد،[۴] و در انار خود دیگری را شریک نکند.[۵]

مقام سوم : در اعمال روز جمعه است و آن چند عمل است:

۱ آنکه در نماز صبح این روز در رکعت اوّل سورهٔ **جمعه** بخواند و در دوم توحید.[۶]

۲ بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید این دعا بخواند، تا کفّارهٔ گناهان او باشد از جمعه تا جمعهٔ دیگر: **اَللّٰهُمَّ ما قُلْتُ فِي جُمْعَتي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ حَلَفْتُ فيها مِنْ**

---

۱. همان، ص ۲۳۷.

۲. محاسن، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. بحار، ج ۶۶، ص ۱۶۴، ح ۴۹ به نقل از طب الائمه، ص ۱۳۴.

۴. محاسن، ج ۲، ص ۳۵۵.

۵. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است: بر روی زمین هیچ میوه‌ای محبوبتر از انار در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود، به خدا سوگند دوست داشت که در خوردن آن کسی با او شریک نشود (کافی، ج ۶، ص ۳۵۲) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ طعامی را نمی‌خورم مگر اینکه دوست دارم انسانی در خوردن آن طعام با من شریک شود مگر در خوردن انار، زیرا هیچ اناری نیست مگر اینکه دانه‌ای از (انار) بهشت در او هست. (همان، ج ۶، ص ۳۵۳) زیاد بن یحیی حنظلی گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، دیدم طبقی از انار در نزد آن حضرت است، به من فرمود: نزدیک بیا و از این انارها بخور، آگاه باش که چیزی در نزد من مبغوض‌تر از آن نیست که کسی در خوردن (یک) انار با من شریک شود؛ آگاه باش هیچ اناری نیست مگر اینکه دانه‌ای از (انار) بهشت در او می‌باشد (محاسن، ج ۲، ص ۳۵۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در هر انار دانه‌ای از انار بهشتی وجود دارد، پس (به هنگام خوردن انار) آنچه از آن پراکنده می‌شود را بخورید. (همان، ج ۲، ص ۳۵۵) امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کسی که در روز جمعه ناشتا یک انار بخورد، چهل صبح قلب او نورانی گردد، و وسوسهٔ شیطان از او دور گردد و کسی که وسوسهٔ شیطان از او دور شود گناه نمی‌کند و کسی که گناه نکرد خدا او را وارد بهشت می‌نماید. (کافی، ج ۶، ص ۳۵۵).

۶. بحار، ج ۸۹، ص ۳۵۴ به نقل از کتاب «العروس»، ص

حَلْفٍ، اَوْ نَذَرْتُ فيها مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَى ذٰلِكَ كُلِّهِ، فَما شِئْتَ مِنْهُ اَنْ يَكُونَ كانَ، وَما لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلي وَتَجاوَزْ عَنّي. اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَواتي عَلَيْهِ، وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتي عَلَيْهِ؛ و اقلاً در هر ماهی یک مرتبه این عمل را بجا آورد.[1]

۳ روایت است که: هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، نمیرد تا حضرت قائم را دریابد.[2]

۴ بعد از نماز صبح سورهٔ رحمٰن بخواند، و بعد از فَبِاَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ بگوید لا بِشَيْءٍ مِن الاٰئِكَ رَبِّ اُكَذِّبُ.

۵ شیخ طوسی(ره) فرمود: سنّت است بعد از نماز صبح روز جمعه، صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و صد مرتبه استغفار کند و هر یک از این سوره‌ها را بخواند: نساء، هُود، کهف، صافّات، الرّحمٰن.[3]

۶ سورهٔ احقاف و مؤمنین بخواند.

۷ سورهٔ جُحد را بخواند پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه و دعا کند تا دعایش مستجاب شود.[4]

۸ غسل جمعه کند و آن از سنّتهای مؤکّده است، و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زوال آفتاب، و هر چه به زوال نزدیک شود بهتر است.[5]

۹ سر را به خَطمی [گل] بشوید.[6]

۱۰ ناخن و شارب بگیرد و در آن حین بخواند: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

---

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. همان، ص ۲۶۱؛ مصباح المتهجّد، ص ۲۲۸.

۳. مصباح لمتهجّد، ص ۲۲۸.

۴. بحار، ج ۸۹، ص ۱۲۲ به نقل از بلد الامین.

۵. مصباح المتهجّد، ص ۲۵۰.

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: گرفتن شارب و ناخن و شستن سر با (گل) خطمی، تهیدستی را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند. (فروع کافی، ج ۳، ص ۴۱۷؛ جمال الاسبوع، ص ۲۲۶).

مُحَمَّدٍﷺ، و در گرفتن ناخن ابتدا کند به انگشت کوچک دست چپ و ختم کند به انگشت کوچک دست راست، و همچنین کند در گرفتن ناخنهای پای خود نیز، پس ریزه‌های ناخن را دفن کن.[1]

۱۱ بوی خوش بکار بَرد.[2]

۱۲ تصدّق کند، که موافق روایتی هزار برابر اوقات دیگر است.

۱۳ آنکه برای اهل و عیال چیز نیکویی تازه از میوه و گوشت بخرد، تا شاد شوند به آمدنِ جمعه.

۱۴ هنگامی که ناشتاست انار بخورد.[3]

۱۵ خود را از کارهای دنیا فارغ سازد و مشغول به آموختن مسائل دین خود شود،[4] نه آنکه روز جمعه را صرف کند به سیر و گشت و تفرّج در باغها و مزارعِ مردمان، و مصاحبتِ با آراذل و بیعاران، و مسخرگی و عیب‌گویی مردمان، و خنده‌های قهقهه، و خواندن اشعار و خوضِ در باطل و امثال اینها، که مفاسدش زیاده از آن است که ذکر شود.

۱۶ هزار مرتبه صلوات بفرستد.[5]

۱۷ زیارت حضرت رسول و ائمهٔ طاهرینﷺ نماید.

۱۸ به زیارت اموات و زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از ایشان برود که فضیلت دارد.

۱۹ نماز کامله و نماز حضرت رسولﷺ بجا آورد.

۲۰ نماز امیرالمؤمنینﷺ بکند، و آن چهار رکعت است به دو سلام، در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه توحید.

---

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۲۷_۲۲۶.

۲. امام محمّد باقرﷺ فرمود: غسل روز جمعه را ترک مکن ـ زیرا آن سنّت است ـ و نیز (در روز جمعه) بوی خوش ببوی (خود را خوشبو کن) و نیکوترین لباس‌هایت را بپوش... (همان، ص ۲۲۴).

۳. خصال، ج ۲، ص ۳۹۱، ب ۷، ح ۸۵.

۴. امام صادقﷺ فرمود: اُف بر مسلمانی که در هفته روز جمعه خود را برای فراگیری (احکام) دینش فارغ نسازد. (خصال، ج ۲، ص ۳۹۳، ح ۹۶).

۵. مصباح المتهجّد، ص ۳۴۴.

۲۱ نماز حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و آن دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ قدر، و در دوّم صد مرتبه سورهٔ توحید و بعد از سلام تسبیح آن حضرت را بخواند.

۲۲ نماز جعفر بخواند.

۲۳ دعای نُدبه را که از اعمال اعیاد اربعه است بخواند.

۲۴ در وقت زوال دعای مَروی از «محمّد بن مسلم» را بخواند. [لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ، وَسُبْحانَ اللّٰهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيرا] (جمال، ۲۵۴، مصباح ص ۲۸).

۲۵ نماز ظهر جمعه را به [سورهٔ] جمعه، و منافقین، و عصر را به جمعه و توحید بخواند.[1]

۲۶ بعد از سلام نماز ظهر بخواند هفت مرتبه سورهٔ حمد و هر یک از چهار قُل را هفت مرتبه، و بخواند آخر سورهٔ برائة: لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ و آخر حشر: لَوْ اَنْزَلْنا هٰذَا الْقُرْآنَ و پنج آیه از آل عمران: اِنَّ في خَلْقِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ تا اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ، تا آنکه کفایت شرّ دشمنان و بلاها از او تا جمعهٔ دیگر بشود.[2]

۲۷ بعد از نماز ظهر سه مرتبه بگوید: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلٰئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، تا برای او امان باشد از بلاها تا جمعهٔ دیگر؛[3] و در «جامع بزنطی» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: **هر که میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد، ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد.**[4]

۲۸ بعد از نماز عصر جمعه دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل حَمد و آیةالکرسی و بیست و پنج مرتبه سورهٔ فلق و در دوم حمد و توحید و بیست و پنج مرتبهٔ سورهٔ ناس و بعد از سلام پنج مرتبه بگوید: لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، از دنیا بیرون

---

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۵۵.
۲. همان، ص ۲۲۷؛ جمال الاسبوع، ص ۲۵۸.
۳. بحار، ج ۹۰، ص ۶۵ به نقل از اعلام الدین.
۴. بحار، ج ۸۶، ص ۷۵ به نقل از سرائر، ص ۴۷۰.

نرود تا در خواب جای خود را در بهشت ببیند.[۱]

۲۹ بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند، تا مثل ثواب عمل جنّ و انس در آن روز به او عطا کنند: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَلْاَوْصِیٰاءِ الْمَرْضِیّینَ بِاَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ، وَبٰارِكْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ، وَالسَّلاٰمُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَعَلیٰ اَرْوٰاحِهِمْ وَاَجْسٰادِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ**؛ و اگر ده مرتبه و اگر نه هفت مرتبه بخواند افضل است.[۲]

۳۰ روایت شده که: بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است، و صدمرتبه می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**؛[۳] و مستحبّ است نیز خواندن صلوات کبیر: **اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّداً كَمٰا وَصَفْتَهُ فى كِتٰابِكَ الخ.**[۴]

۳۱ بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید: **اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ.**[۵]

۳۲ بعد از نماز عصر صد مرتبه سورهٔ قدر بخواند،[۶] و اگر نتواند ده مرتبه را ترک نکند، و خواندن ده مرتبه قدر بعد از عصر در هر روزی مستحب است و فضیلتِ بسیار دارد.[۷]

۳۳ از جمله اعمال عصر جمعه خواندن دعای عشرات است که به سندهای بسیار معتبره وارد شده با فضیلت و ثواب بسیار، و مستحب است خواند آن در هر صبح و شام[۸] نیز، و ما بین نُسَخِ آن اختلاف است.

۳۴ در ساعت آخر روز جمعه دعای سِمات بخواند.[۹]

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۲۸۲؛ جمال الاسبوع، ص ۲۲۰.
۲. جمال الاسبوع، ص ۲۷۶-۲۷۴.
۳. همان، ص ۲۷۷.
۴. همان، ص ۲۸۸.
۵. همان، ص ۲۷۸.
۶. از حضرت موسی بن جعفر(ع) روایت شده است: در روز جمعه برای خدا هزار نسیم رحمت است که هر بنده را از آنچه خواهد از آن رحمتها عطا فرماید، پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سورهٔ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بخواند، حق تعالی آن هزار رحمت را با مثل آن به او عطا فرماید. (جمال الاسبوع، به همراه ترجمهٔ عناوین و احادیث از مرحوم حاج شیخ عباس قمی(ره)، ص ۴۵۲.)
۷. بحار، ج ۸۶، ص ۸۰ به نقل از فلاح السائل، ص ۱۹۹.
۸. جمال الاسبوع، ص ۲۷۹؛ مصباح المتهجّد، ص ۷۵.
۹. همان، ص ۴۲۴-۴۲۱؛ مصباح المتهجّد، ص ۳۷۷-۳۷۵.

[۳۵] شیخ طوسی فرمود: ساعت إستجابت دعا، ساعتِ آخر روز جمعه است تا غروب آفتاب؛ و سزاوار است که دعا در آن ساعت بسیار بکند. و روایت شده که: ساعتِ استجابت آن وقتی است که فرو رود نصف قرص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد، و حضرت فاطمه‌ علیها السلام دعا می‌کرد در آن وقت؛ پس مستحبّ است دعا در آن ساعت.[۱]

[۳۶] آنکه بخواند در ساعت استجابت دعا، دعای نبوی صلی الله علیه و آله را: **سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا بَديعَ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.**

تمام شد این مجموعهٔ مبارکه در ماه ذی‌الحجة سنه ۱۳۴۲ و چون خاتمهٔ آن مشتمل بر اعمال جمعه بود، بعضی از مؤمنین درخواست کردند که دعای کمیل و دعای سمات را در آخر آن ذکر نمایم، لاجَرَم این دو دعای شریف با ترجمه در آخر آن نگاشته شد، تا مؤمنین به فیض آن نائل و داعی را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۳۵۷.

دعای کمیل

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ، بِرَحْمَتِکَ الَّتي وَسِعَتْ کُلَّ شَيْءٍ، وَ بِـقُوَّتِکَ الَّـتي قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَيْءٍ، وَ خَضَعَ لَها کُـلُّ شَـيْءٍ، وَ ذَلَّ لَـها کُـلُّ شَـيْءٍ، وَ بِجَبَرُوتِکَ الَّتي غَلَبْتَ بِها کُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِکَ الَّتي لايَقُومُ لَها شَيْءٌ، وَ بِعَظَمَتِکَ الَّتي مَلَأَتْ کُلَّ شَيْءٍ، وَ بِسُلْطانِکَ الَّذي عَلا کُـلَّ شَـيْءٍ، وَ بِوَجْهِکَ الْباقي بَعْدَ فَناءِ کُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمائِکَ الَّتي مَلَأَتْ اَرْکانَ کُـلِّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِکَ الَّذي اَحاطَ بِکُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذي اَضاءَ لَـهُ کُلُّ شَيْءٍ، يا نُورُ يا قُدُّوسُ، يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ، وَ يا آخِرَ الْآخِرينَ،

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِکُ الْعِصَمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِـرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُـغَيِّـرُ النِّـعَمَ، اَللّٰـهُمَّ اغْـفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ الدُّعاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُـنْزِلُ الْـبَلاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلي کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَکُلَّ خَطيئَةٍ اَخْطَاْتُها، اَللّٰهُمَّ اِنّـي اَتَـقَرَّبُ اِلَيْکَ بِذِکْرِکَ، وَاَسْـتَشْفِعُ بِکَ اِلىٰ نَـفْسِکَ، وَ اَسْـئَلُکَ بِـجُودِکَ اَنْ تُدْنِيَني مِنْ قُـرْبِکَ، وَ اَنْ تُـوزِعَني شُکْـرَکَ، وَاَنْ تُـلْهِمَني ذِکْـرَکَ،

ابتدا می‌کنم به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان

[ترجمهٔ دعای کمیل به قلم مؤلف‌﷫]

خدایا! بدرستی که من درخواست می‌کنم از توبه رحمت تو که فراگرفته هر چیزی را، و توانایی تو که مقهور گردانیده به آن هر چیزی را، و فروتنی نموده مرآن را هر چیز، و پست شده به آن هر چیز، و به جبروت تو که غالب شده بدان هر چیزی را، و به عزّت تو که نتواند ایستادم آن را هر چیز، و به عظمت تو که پُر کرده هر چیزی را، و به نامهای تو که پُر گردانیده رُکنهای هر چیزی را، و به دانشِ تو که احاطه کرده به هر چیز، و به نور ذات تو که روشن شده برای آن هر چیزی. ای نور! ای مُنزّه! ای اوّلِ اوّلان! و ای آخر آخران!

خدایا! بیامرز برای من گناهانی را که می‌درد پردهٔ عصمت را. خداوندا! بیامرز برای من گناهانی را که فرومی آورد عذاب را. خدایا! بیامرز برای من گناهانی را که تغییر می‌دهد نعمتها را. خدایا! بیامرز برای من گناهانی را که نگاه دارد دعا را [و مانع استجابت دعاست] خدایا! بیامرز برای من گناهانی را که فرو می‌آورد بلا را. خدایا! بیامرز برای من گناهانی را که می‌برد امیدواری را.

خدایا! بیامرز برای من هر گناهی را که مرتکب شده‌ام آن را، و هر خطایی که کرده‌ام آن را، خدایا! به درستی که من نزدیکی می‌جویم به سوی تو به یاد کردنِ تو، و طلب شفاعت می‌نمایم به تو به سوی خودت، و درخواست می‌کنم تو را به جود تو اینکه نزدیک کنی مرا از قُرب خود، و اینکه توفیق دهی مرا سپاس خود، و اینکه الهام کنی مرا یاد کردنت.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ، اَنْ تُسامِحَني وَ تَرْحَمَني، وَ تَجْعَلَني بِقِسْمِکَ راضِياً قانِعاً، وَ في جَميعِ الْاَحْوالِ مُتَواضِعاً، اَللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُکَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَ اَنْزَلَ بِکَ عِنْدَ الشَّدآئِدِ حاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فيما عِنْدَکَ رَغْبَتُهُ، اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُکَ، وَ عَلا مَکانُکَ، وَ خَفِيَ مَکْرُکَ، وَ ظَهَرَ اَمْرُکَ، وَ غَلَبَ قَهْرُکَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُکَ، وَلا يُمْکِنُ الْفِرارُ مِنْ حُکُومَتِکَ، اَللّٰهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبي غافِراً، وَلا لِقَبآئِحي ساتِراً، وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَکَ، لا اِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ وَ بِحَمْدِکَ، ظَلَمْتُ نَفْسي، وَ تَجَرَّأْتُ بِجَهْلي، وَ سَکَنْتُ اِلىٰ قَديمِ ذِکْرِکَ لي، وَ مَنِّکَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ مَوْلايَ، کَمْ مِنْ قَبيحٍ سَتَرْتَهُ، وَکَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ اَقَلْتَهُ، وَکَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ، وَکَمْ مِنْ مَکْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَ کَمْ مِنْ ثَنآءٍ جَميلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلائي، وَ اَفْرَطَ بي سُوءُ حالي، وَ قَصُرَتْ بي اَعْمالي، وَ قَعَدَتْ بي اَغْلالي، وَ حَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ اَمَلي، وَ خَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها، وَ نَفْسي بِجِنايَتِها وَ مِطالي يا سَيِّدي، فَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ اَنْ لا يَحْجُبَ عَنْکَ دُعائي، سُوءُ عَمَلي وَ فِعالي، وَلا تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي، وَلا تُعاجِلْني بِالْعُقُوبَةِ عَلىٰ ما عَمِلْتُهُ في خَلَواتي، مِنْ سُوءِ فِعْلي وَ اِسآئَتي، وَ دَوامِ

خدایا! به درستی که من سؤال می‌کنم تو را درخواست کردن فروتن خود را با خشوع، اینکه مُسامحه کنی با من و رحم کنی مرا و بگردانی مرا به قسمت خود خوشنود با قناعت و در همهٔ حالها تواضع کننده.

خدایا! و درخواست می‌کنم درخواست کردنِ کسی که سخت گشته درماندگیِ او، و فرو آورده به تو در نزد سختیها حاجتش را، و بزرگ است در آنچه نزد تو است رغبتِ او.

خدایا! بزرگ است سلطنت تو، و بلند است مکان تو، و پنهان است مکر تو، و آشکار است امر تو، و غالب است قهر تو، و روان است قدرت تو، و نیست ممکن گریختن از حکومتِ تو.

خدایا! نمی‌یابم برای گناهانم آمرزنده‌ای، و نه برای زشتیهای خودم پوشنده‌ای، و نه برای چیزی از کردارم که زشت است به خوبی بَدَل کننده جز تو، نیست خدایی مگر تو، به پاکی یاد می‌کنم تو را و ستایش تو را. ستم کردم نفسِ خود را، و جرأت کردم به نادانیِ خود، و اعتماد کردم به سوی دیرینه یادِ کردنت مرمرا، و منّت منیّ تو بر من.

خدایا! و ای مولای من! چه بسیار از لغزشها که نگاهداری کردی او را، و چه بسیار از مکروه که دفع کردی او را، و چه بسیار مدح نیکو که نیستم سزاوار، مر آن را پراکنده کردی آن را.

خدایا! بزرگ است بلای من، و افراط کرده به من بدیِ حالم، و کوتاه است به من کردارهایم، و زمینگیر کرده مرا بندهایم، و محبوس کرده‌ام از سودم دوری آرزوهایم، و فریب داده مرا دنیا به فریفتنِ خودش و نفس من به خیانتش، پس انداخت مرا.

ای آقای من! پس درخواست می‌کنم تو را به عزّت تو اینکه محجوب نگرداند از خودت خواندنِ مرا بدیِ کردارم و کارم، و رُسوا نگردانی مرا به پنهان آنچه مطلّع گشته [ای] برا و از پنهان من، و شتاب نکنی به عقوبت بر آنچه کرده‌ام او را در خلوتهایم، از بدیِ کردارم و بد کردنم، و همیشه بد کردنم و نادانی‌ام، و بسیاریِ

تَفْرِيطي وَ جَهالَتي،وَكَثْرَةِ شَهَواتي وَ غَفْلَتي،وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِکَ لي في كُلِّ الْأَحْوالِ رَؤُفاً، وَ عَلَيَّ في جَميعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً،اِلٰهي وَ رَبّي مَنْ لي غَيْرُکَ، اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرّي، وَالنَّظَرَ في اَمْري، اِلٰهي وَ مَوْلايَ، اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اِتَّبَعْتُ فيهِ هَوىٰ نَفْسي، وَلَمْ اَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ تَزْيينِ عَدُوّي، فَغَرَّني بِما اَهْوىٰ وَاَسْعَدَهُ عَلىٰ ذٰلِکَ الْقَضاءُ، فَتَجاوَزْتُ بِما جَرىٰ عَلَيَّ مِنْ ذٰلِکَ بَعْضَ حُدُودِکَ، وَخالَفْتُ بَعْضَ اَوامِرِکَ، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَيَّ في جَميعِ ذٰلِکَ، وَلا حُجَّةَ لي فيما جَرىٰ عَلَيَّ فيهِ قَضاؤُکَ، وَاَلْزَمَني حُكْمُکَ وَ بَلاؤُکَ، وَ قَدْ اَتَيْتُکَ يا اِلٰهي، بَعْدَ تَقْصيري وَ اِسْرافي عَلىٰ نَفْسي، مُعْتَذِراً نادِماً، مُنْكَسِراً مُسْتَقيلاً، مُسْتَغْفِراً مُنيباً، مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً، لا اَجِدُ مَفَرّاً مِمّا كانَ مِنّي، وَلا مَفْزَعاً اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ في اَمْري، غَيْرَ قَبُولِکَ عُذْري، وَ اِدْخالِکَ اِيّايَ في سَعَةِ رَحْمَتِکَ، اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْري، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّي، وَفُكَّني مِنْ شَدِّ وَثاقي، يارَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَني، وَرِقَّةَ جِلْدي، وَدِقَّةَ عَظْمي، يامَنْ بَدَءَ خَلْقي وَ ذِكْري، وَ تَرْبِيَتي وَ بِرّي وَ تَغْذِيَتي، هَبْني لِابْتِداءِ كَرَمِکَ، وَ سالِفِ بِرِّکَ بي، يا اِلٰهي وَ سَيِّدي وَ رَبّي، اَتُراکَ مُعَذِّبي بِنارِکَ بَعْدَ تَوْحيدِکَ، وَ بَعْدَ مَا انْطَوىٰ عَلَيْهِ قَلْبي مِنْ مَعْرِفَتِکَ، وَلَهِجَ بِهِ لِساني مِنْ ذِكْرِکَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَميري مِنْ حُبِّکَ،

خواهشهایم و غفلتم، و بوده باش خدایا به عزّتت برای من در احوالها همهٔ آن مهربان، و بر من در همهٔ کارها مهربان.

خدای من و پروردگار من! کیست مرمرا جز تو که در خواهم او را برداشتن زیانِ خود را، و نگریستن در کارم، **خدای من و پروردگار من و آقای من!** رَوان (جاری) کردی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را، و نگاهبانی کردم در آن از آراستنِ دشمنم، پس فریب داد مرا آنچه خواست، و یاری کرد او را بر این قضا، پس درگذشتم به آنچه جاری شد بر من از این پارهٔ (بعضی) احکام تو را، و مخالفت کردم پاره‌ای فرمانهای تو را، پس مرتوراست ستایشی بر من در همهٔ این، و نیست حجّتی مرمرا در آنچه جاری شد بر من در آن حکم تو، و الزام کرد مرا در آن حکم تو و آزمودنِ تو، و به درستی که آمدم.

تو را ای خدای من! پس از تقصیر کردنم و گذشتنم از حدّ بر نفس خود، عذر خواهندهٔ پشیمان، شکسته، عفو خواهنده، آمرزش خوانده، بازگشت کنان، اقرار دهنده، اِذعان نماینده، اعتراف کننده. نمی‌یابم گُریزگاهی که رو آورم به سوی آن در کارم، جز پذیرفتنِ تو عذر مرا و در آوردنِ تو مرا در فراخيِ از رحمت خود.

خدایا! پس بپذیر عُذر مرا، و رحم کن سختی و بد حالیِ مرا، و رها کن مرا از سختیِ بند من.

ای پروردگار من! رحم کن ناتوانیِ بدنم را و نازکیِ پوستم را و باریکیِ استخوانم را، ای کسی که ابتدا کرده‌ای آفرینش مرا و یاد کردن مرا، و پروریدنِ مرا و خوبیِ مرا و غذا دادنِ مرا؛ ببخش مرا به جهت ابتدای کرمت و گذشتهٔ نیکویی‌ات به من.

ای خدای من و آقای من و پروردگار من! آیا دیده می‌شوی تو عذاب کنندهٔ من به آتشت، پس از یگانه دانستنِ تو، پس از آنکه پیچیده بر او دل من از شناختنِ تو، و متکلّم شده بدان زبان من از یاد تو، و اعتقاد کردن آن را ضمیر من از دوستیِ تو

وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافي وَ دُعٰآئي، خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِکَ، هَيْهاتَ، اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، اَوْ تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَيْتَهُ، اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ اٰوَيْتَهُ، اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلآءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ، وَ لَيْتَ شِعْري يا سَيِّدي وَ اِلٰهي وَ مَوْلايَ، اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلىٰ وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً، وَ عَلىٰ اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِکَ صادِقَةً، وَ بِشُكْرِکَ مادِحَةً، وَ عَلىٰ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِيَّتِکَ مُحَقِّقَةً، وَ عَلىٰ ضَمآئِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِکَ حَتّىٰ صارَتْ خاشِعَةً، وَ عَلىٰ جَوارِحَ سَعَتْ اِلىٰ اَوْطانِ تَعَبُّدِکَ طآئِعَةً، وَ اَشارَتْ بِاسْتِغْفارِکَ مُذْعِنَةً، ماهٰكَذَا الظَّنُّ بِکَ، وَ لا اُخْبِرْنا بِفَضْلِکَ عَنْکَ، يا كَريمُ يا رَبِّ، وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي، عَنْ قَليلٍ مِنْ بَلآءِ الدُّنْيا وَ عُقُوباتِها، وَ ما يَجْري فيها مِنَ الْمَكارِهِ عَلىٰ اَهْلِها، عَلىٰ اَنَّ ذٰلِکَ بَلآءٌ وَ مَكْرُوهٌ، قَليلٌ مَكْثُهُ، يَسيرٌ بَقآئُهُ، قَصيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلآءِ الْاٰخِرَةِ، وَ جَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها، وَ هُوَ بَلآءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مَقامُهُ، وَلا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ، لِاَنَّهُ لا يَكُونُ اِلاّ عَنْ غَضَبِکَ، وَ انْتِقامِکَ وَ سَخَطِکَ، وَ هٰذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمٰواتُ وَالْاَرْضُ، يا سَيِّدي، فَكَيْفَ لي وَ اَنَا عَبْدُکَ الضَّعيفُ، الذَّليلُ الْحَقيرُ، الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ، يا اِلٰهي وَ رَبّي، وَ سَيِّدي وَ مَوْلايَ، لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْکَ اَشْكُو، وَ لِما مِنْها اَضِجُّ وَ اَبْكي، لِاَليمِ الْعَذابِ

و بعد از راستیِ اعتراف من و خواندنم در حالتی که فروتنی کننده‌ام مر پروردگاریت را؟!

ای مولای من! دور است، تو کریمتری از اینکه ضایع گردانی کسی را که پروردی او را، یا دور گردانی کسی را که نزدیک ساختی او را، یا پراکنده کنی کسی را که جا دادی او را، یا روان کنی به سوی بلا کسی را که کفایت نمودی اش و رحم کردی اش. و کاش دانستمی **ای خدای من و آقای من و مولای من!** آیا مسلّط خواهی کرد آتش را بر رویهایی که در افتاده‌اند به جهت بزرگیِ تو سجده کننده، بر زبانهایی که گویا شدند به توحید تو به راستی و به سپاس تو مدح گویان، و بر دلهایی که اعتراف نمودند به خدائیت از روی تحقیق، و بر ضمیرهایی که پُر است از دانش به تو تا گردیده‌اند با خشوع، و بر اعضایی که رفته‌اند به سوی وطنها پرستیدن تو فرمانبردار، و اشاره کرده به بازگشت به تو از راه اعتقاد. نیست این چنین گمان به تو، و نه خبر دادنِ ما را به فضل تو از تو.

ای کریم! ای پروردگار! و تو می‌دانی ناتوانیِ مرا از اندک از بلای دنیا و عقوبتهایش، و آنچه جاری می‌شود در آن از ناخوشیهای بر اهل آن، با آنکه آن بلایی است و مکروهی است اندک، درنگِ آن کم است و دوام آن کوتاه است مدت آن، پس چگونه است تحمل آن مر بلای آخرت را و بزرگیِ واقع شدن ناخوشیها در آن، و حال آنکه او بلایی است که دراز است مدت آن و همیشه است زیست آن، و سبک کرده نمی‌شود از اهل آن به علّت آنکه نخواهد بود مگر از غضب تو و انتقام تو و خشم تو، و آن چیزی است که پایداری نمی‌کند مر آن را آسمان‌ها و زمین؛ **ای آقای من!** پس چگونه باشد به من و حال آنکه من بندهٔ توأم، ناتوان، خوار، حقیر، محتاج زار.

ای خدای من و پروردگار من و آقایم و بزرگ من! برای کدام یک از کارها به سوی تو شکوه کنم؟! و برای کدام یک از آنها بخروشم و گریه کنم؟! برای دردناک عذاب و

وَ شِدَّتِهِ، اَمْ لِطُولِ الْبَلآءِ وَ مُدَّتِهِ، فَلَئِنْ صَيَّرْتَني لِلْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدآئِکَ، وَ جَمَعْتَ بَيْني وَ بَيْنَ اَهْلِ بَلاَئِکَ، وَ فَرَّقْتَ بَيْني وَ بَيْنَ اَحِبّآئِکَ وَ اَوْلِيآئِکَ، فَهَبْني يا اِلٰهي وَ سَيِّدي، وَ مَوْلايَ وَ رَبّي، صَبَرْتُ عَلىٰ عَذابِکَ، فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلىٰ فِراقِکَ، وَهَبْني صَبَرْتُ عَلىٰ حَرِّ نارِکَ، فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلىٰ كَرامَتِکَ، اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي النّارِ، وَ رَجائي عَفْوُکَ، فَبِعِزَّتِکَ يا سَيِّدي وَ مَوْلايَ، اُقْسِمُ صادِقاً، لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً، لَأَضِجَّنَّ اِلَيْکَ بَيْنَ اَهْلِها ضَجيجَ الْآمِلينَ، وَلَأَصْرُخَنَّ اِلَيْکَ صُراخَ الْمَسْتَصْرِخينَ، وَلَاَبْكِيَنَّ عَلَيْکَ بُكآءَ الْفاقِدينَ، وَلَاُنادِيَنَّکَ اَيْنَ كُنْتَ ياوَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ، يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ، وَ يا اِلٰهَ الْعالَمينَ، اَفَتُراکَ سُبْحانَکَ يا اِلٰهي وَ بِحَمْدِکَ، تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ، سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَ ذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَ حُبِسَ بَيْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَ جَريرَتِهِ، وَ هُوَ يَضِجُّ اِلَيْکَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِکَ، وَ يُناديکَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحيدِکَ، وَ يَتَوَسَّلُ اِلَيْکَ بِرُبُوبِيَّتِکَ، يا مَوْلايَ، فَكَيْفَ يَبْقىٰ فِي الْعَذابِ، وَ هُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِکَ، اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ، وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَکَ وَ رَحْمَتَکَ، اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهيبُها، وَ اَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، وَ تَرىٰ مَكانَهُ،

سختیِ آن؟! یا برای درازی بلا و مدّت آن؟! پس هر گاه بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنانت، و گردآوری میان من و میان اهل بلایت، و جدایی اندازی میان من و میان دوستانت و اولیائت. پس گرفتم **ای خدای من و بزرگ من و آقای من و پروردگارم من!** که صبر کردم بر عذاب تو، پس چگونه صبر کنم بر فراق تو؟ او گرفتم، صبر کردم بر گرمیِ آتشِ تو، پس چگونه صبر نمایم از نگریستن به سوی کرامت تو؟! یا چگونه ساکن گردم در آتش و امیدواری ام به عفو تو است؟!

پس به عزّت تو **ای بزرگ من و آقای من!** سوگند می‌خورم! به راستی هر گاه مرا بازگذاری مرا گویا، هر آینه بخروشم به سوی تو میان اهل آتش، خروشیدنِ امیدواران، و هر آینه فریاد می‌کنم به سوی تو همچو فریاد کنندگان، و هر آینه گریم بر تو گریه کردن ناپایندگان، البته ندا کنم تو را که کجایی تو؟! **ای دوست مؤمنان! ای منتهای آرزوی عارفان! ای فریاد رس فریاد خواهان! ای محبوب دلهای راستگویان! و ای خدای جهانیان!**

آیا دیده می‌شوی تو که منزّهی تو، ای خدای من! و حمد تو راست، بشنوی در آن آواز بندهٔ گردن نهاده که زندان کرده شده در آن به سبب مخالفت آن، و چشیده است مزهٔ عذاب آن را به نافرمانیِ او، و محبوس کرده شده میان طبقهایش به سبب جرم و گناهش و او می‌خروشد به سوی تو خروشیدنِ آرزومند مر رحمت تو را، و می‌خواند تو را به زبان اهل توحید تو و توسّل می‌جوید به سوی تو به پرردگاریت.

ای آقای من! پس چگونه در عذاب می‌ماند و حال آنکه او امید دارد چیزی را که گذشته است از بردباریِ تو و مهربانیِ تو و رحمت تو؟! آیا چگونه به درد خواهد آورد او را آتش و حال آنکه او امید می‌دارد فضل تو را و رحمت تو را؟! یا چگونه می‌سوزاندش زبانهٔ [آتش قهر] تو و تو می‌شنوی آوازش را و می‌بینی مکان او را؟!

اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفيرُها، وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، اَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ اَطْباقِها، وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُها، وَ هُوَ يُناديكَ يا رَبَّهُ، اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْها، فَتَتْرُكُهُ فيها، هَيْهاتَ، ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدينَ، مِنْ بِرِّكَ وَ اِحْسانِكَ، فَبِالْيَقينِ اَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ، مِنْ تَعْذيبِ جاحِديكَ، وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ مُعانِديكَ، لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَ سَلاماً، وَ ما كانَ لِأَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَ لا مُقاماً، لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُكَ، اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَأَها مِنَ الْكافِرينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ، وَ اَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ، قُلْتَ مُبْتَدِئاً، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعامِ مُتَكَرِّماً، اَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً، كَمَنْ كانَ فاسِقاً، لا يَسْتَوُونَ، اِلٰهي وَ سَيِّدي، فَاَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي قَدَّرْتَها، وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتي حَتَمْتَها وَ حَكَمْتَها، وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَها، اَنْ تَهَبَ لي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ في هٰذِهِ السّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَ كُلَّ قَبيحٍ اَسْرَرْتُهُ، وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ، اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ، وَ كُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتَ بِاِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبينَ، الَّذينَ وَكَّلْتَهُمْ، بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّي، وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحي، وَ كُنْتَ اَنْتَ الرَّقيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرائِهِمْ،

یا چگونه شامل می‌شود بر آن شعلهٔ آن و تو می‌دانی ناتوانیش را؟! یا چگونه فرو رود میان طبقهایش و تو می‌دانی راستي او را؟! یـا چگـونه زجـر کـند او را زبـانهٔ آن و او بازگذاریش در آن؟! دور است، نیست این گمان به تو و نه معروف از فضل تو، و نـه مانند مَر آنچه را معامله نمودی به آن یگانه پرستان را از نیکوئیت و احسانت.

پس به یقین قطع دارم که اگر، هر آینه گردانیده بودی آتش را تمام سرد و سلامت، و نبودی مر احدی را در آن قرارگاه و نه جایگاه، لیکن تو پاکیزه است نامهای تو، سوگند یاد کرده‌ای که پُر گردانی آن را از کافران از جنّیان و آدمیان همه، و اینکه جاوید داری در آن دشمنان را، و حال آنکه تو بزرگ آمده ثناي تو، گفته [ای] ابتدا کننده و بخشنده به نعمت دادن، گرامی دارنده، آیا پس کسی که باشد گرونده، همچو کسـی است کـه باشد از فرمان بیرون رونده، یکسان نیستند.

ای خـــدای مـن و بـزرگ مـن! پس درخـواست مـی‌کنم تـو را بـه آن تـوانـایی کـه تـقدیر کـــردی آن را، و بـــه حکـــمی کـــه لازم کـــرده آن را، و حکـم کـرده آن را و غالب گشته بر کسی که بر او روان ساخته آن را، اینکه ببخشی مرا در این شب و در این ساعت هر جرمی که کرده‌ام، و هر گناهی که نموده‌ام، و هـر زشـتی کـه پـنهان بـجا آورده‌ام، و هر نادانی که کرده‌ام، پوشیده باشم آن را و یا آشکار کرده باشم، پنهان نموده باشم آن را یا هویدا نموده باشم، و هر بدی که امر فرموده به ثابت نمودنِ آن گرامی نویسندگان را که گماشته‌ای آنان را به نگاهداشتن هر چه باشد از مـن، و گـردانـیدی ایشان را گواه بر من با اعضای من، و هستـی تـو نگـاهبان بـر مـن از وَرای ایشـان،

وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنْهُمْ، وَ بِرَحْمَتِکَ اَخْفَيْتَهُ، وَ بِفَضْلِکَ سَتَرْتَهُ، وَ اَنْ تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ، اَوْ اِحْسانٍ فَضَّلْتَهُ، اَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ، اَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، اَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يارَبِّ، يا اِلٰهي وَ سَيِّدي وَ مَوْلايَ، وَ مالِکَ رِقّي، يا مَنْ بِيَدِهِ ناصِيَتي، يا عَليماً بِضُرّي وَ مَسْكَنَتي، يا خَبيراً بِفَقْري وَفاقَتي، يارَبِّ يارَبِّ يارَبِّ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّکَ وَ قُدْسِکَ، وَ اَعْظَمِ صِفاتِکَ وَ اَسْمآئِکَ، اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتي، مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِکَ مَعْمُورَةً، وَ بِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً، وَ اَعْمالي عِنْدَکَ مَقْبُولَةً، حَتّىٰ تَكُونَ اَعْمالي وَ اَوْرادي كُلُّها وِرْداً واحِداً، وَ حالي في خِدْمَتِکَ سَرْمَداً، يا سَيِّدي، يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلي، يا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ اَحْوالي، يارَبِّ يارَبِّ يارَبِّ، قَوِّ عَلىٰ خِدْمَتِکَ جَوارِحي، وَ اشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحي، وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِکَ، وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِکَ، حَتّىٰ اَسْرَحَ اِلَيْکَ في مَيادينِ السّابِقينَ، وَاُسْرِعَ اِلَيْکَ فِي الْبارِزينَ، وَ اَشْتاقَ اِلىٰ قُرْبِکَ فِي الْمُشْتاقينَ، وَ اَدْنُوَ مِنْکَ دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ، وَ اَخافَکَ مَخافَةَ الْمُوقِنينَ، وَ اَجْتَمِعَ في جِوارِکَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ، اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ اَرادَني بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ، وَ مَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَاجْعَلْني مِنْ اَحْسَنِ عَبيدِکَ نَصيباً عِنْدَکَ، وَ اَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْکَ، وَ اَخَصِّهِمْ زُلْفَةً

و گواه مر آنچه را که پوشیده ماند از ایشان، و به رحمت پنهان داشته آن را و به فضلت پوشیده‌ای آن را، و اینکه وافر گردانی بهرهٔ مرا از هر خیری که فرو فرستی آن را، یا نیکی کردنی که زیاد کنی آن را، یا خوبی که پراکنده کنی آن را، یا روزی که بگسترانی او را، یا گناهی که بیامرزی او را، و یا خطایی که بپوشانی او را، **ای پروردگار من! ای پروردگار من! ای پروردگار من!**

ای خدای من و بزرگ من و ای آقای من و مالک بندگی من! ای آن که به دست اوست موی پیشانی من! ای دانا به سختی من و درماندگی من! ای آگاه به احتیاج من و فاقهٔ من! **ای پروردگار من! ای پرودگار من! ای پروردگار من!** درخواست می‌کنم تو را به حقّ تو و پاکیزگی تو و بزرگترین صفتهای تو و نامهای تو، اینکه بگردانی وقتهای مرا در شب و روز به یاد کردن تو آبادان، و به خدمت تو پیوسته شده، و کردارهایم را به نزد تو پذیرفته، تا آنکه باشد کردارهای من و وِردهای من همهٔ آن وِردی واحد، و حالم در خدمت تو پیوسته، ای آقای من! ای کسی که بر اوست اعتماد من! ای کسی که به سوی او شکوه می‌برم احوالم را! **ای پروردگار من! ای پروردگار من! ای پروردگار من!**

توانا گردان بر خدمتت اعضایم را، و سخت گردان بر عزیمت اطرافم را، و ببخش مرمرا کوشیدن در ترسیدن از تو و همیشه در پیوستن به خدمت تو، تا اینکه روان شوم به سوی تو در میدانهای پیشی گیرندگان، و مشتاق گردم به سوی قُرب تو در میان مشتاقان، و نزدیک گردم به تو نزدیک شدن مُخلصان، و بترسم از تو ترسیدن یقین کنندگان، و گردانم در جوار تو با گروندگان.

خدایا! و هر که اراده کند مرا به بدی، پس اراده کن او را، و هر که کید (مکر) کند، پس کید فرما او را، و بگردان مرا از نیکوترین بندگانت از روی بهره نزدیک تو، و نزدیکترین ایشان از روی منزلت به تو و مخصوص ایشان در نزدیکی نزد تو، پس

لَدَیْکَ، فَاِنَّهُ لایُنالُ ذٰلِکَ اِلاّٰ بِفَضْلِکَ، وَجُدْ لی بِجُودِکَ، وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ، وَاحْفَظْنی بِرَحْمَتِکَ، وَاجْعَلْ لِسانی بِذِکْرِکَ لَهِجاً، وَ قَلْبی بِحُبِّکَ مُتَیَّماً، وَ مُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجابَتِکَ، وَ اَقِلْنی عَثْرَتی، وَاغْفِرْ زَلَّتی، فَاِنَّکَ قَضَیْتَ عَلیٰ عِبادِکَ بِعِبادَتِکَ، وَ اَمَرْتَهُمْ بِدُعائِکَ، وَ ضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجابَةَ، فَاِلَیْکَ یارَبِّ نَصَبْتُ وَجْهی، وَ اِلَیْکَ یارَبِّ مَدَدْتُ یَدی، فَبِعِزَّتِکَ اسْتَجِبْ لی دُعائی، وَ بَلِّغْنی مُنایَ، وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِکَ رَجائی، وَاکْفِنی شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدائی، یا سَریعَ الرِّضا، اِغْفِرْ لِمَنْ لایَمْلِکُ اِلاَّ الدُّعاءَ، فَاِنَّکَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ، یا مَنِ اسْمُهُ دَواءٌ، وَ ذِکْرُهُ شِفاءٌ، وَ طاعَتُهُ غِنیً، اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مالِهِ الرَّجاءُ، وَ سِلاحُهُ الْبُکاءُ، یا سابِغَ النِّعَمِ، یا دافِعَ النِّقَمِ، یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشینَ فِی الظُّلَمِ، یا عالِماً لا یُعَلَّمُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ، وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ رَسُولِهِ، وَالْاَئِمَّةِ الْمَیامینَ مِنْ آلِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.

بدرستی که رسیده نمی‌شود این مگر به فضل تو، و ببخش مرا به جودت، و مهربانی کن بر من به بزرگواریت، و نگاهداری کن مرا به رحمتت، و بگردان زبانم را به یاد کردنت گویا، و دلم را به دوستی تو بی تاب، و منّت گذار بر من به نیکویی اجابت کردن، و درگذر از من لغزش مرا، و بیامرز برای من گناه مرا، پس بـه درستی کـه تـو حکـم کرده‌ای بر بندگانت به عبادتت، و امر کردی آنها را به خواندن، و ضامن شده‌ای برای ایشان اجابت را،

پس **تو ای پروردگارم!** بازداشته‌ام روی خود را و به جانب تو ای پروردگارم کشیده‌ام دست خود را، پس به عزّتت اجابت نما برای من دعای مرا و برسان مرا به آرزویم، و بریده مکن از فضل خودمت امیدم را، و کفایت کن مرا از شرّ جن و آدمیان از دشمنانم. **ای زود خوشنود شونده!** بیامرز مر آنان را که مالک نمی‌شود مگر خوانـدن را، پس بـه درستی که تو کننده‌ای مر آنچه را خواهی، **ای کسی کـه نـام او دواست و یـاد کـردن او شفاست و طاعتش بی نیازی است! رحم کن کسی را کـه سـرمایه‌اش امیدواری است و سلاحش گریه است.**

ای کامل نعمت! ای دفع کنندهٔ بدیها! ای نـور وحشت دارنـدگان در تـاریکیها! ای دانایی که آموزیده نشده است؟ رحمت فرست بر **محمد و آل محمد**ﷺ، و بکن به من آنچه را تویی سزاوار آن، و رحمت کناد خدا بر فرستادهٔ او و امامان پیشوایان از آل او، و درود دِه او را درودی بسیار بسیار.

دعای سمات

دعای سِمات[1] معروف به دعای شَبّور ـ که مستحبّ است خواندنِ آن در آخر روز جمعه ـ مخفی نماند: این دعا از ادعیهٔ مشهوره است، و اکثر علمای سَلف بر این دعا مواظبت می‌نموده‌اند، در مصباح شیخ، و جمال الاسبوع سید بن طاووس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از محمد بن عثمان عمروی ـ که از نُوّاب حضرت صاحب‌الامر عليه السلام است ـ و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق عليهما السلام روایت کرده‌اند، و علامهٔ مجلسی آن را با شرح در بحار ذکر فرموده است.

دعایی که پیش از دعای سمات خوانده می‌شود

و خوب است ـ چنانکه بعضی گفته‌اند ـ پیش از دعای سمات این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ»

اَللّٰهُمَّ اَنتَ الْأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الظّاهِرُ[2] فَلَيسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الْباطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، وَاَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا بَديعَ السَّمواتِ وَالْاَرضِ، يا ذَاالْجَلالِ وَالْاِكْرامِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ تَسْليماً:

خدایا! تویی آغاز هر چیزی، پس نیست پیش از تو چیزی، و تویی انجام هر چیزی، پس نیست پس از تو چیزی، و تویی برتر از هر چیزی، پس نیست بالای تو چیزی، و تویی درونِ هر چیزی، پس نیست به جز تو چیزی، و تویی غالب بر هر چیز و راست گفتار و درست کردار، نیست کسی شایستهٔ پرستش بجز تو، ای مهربان! ای بخشانده! ای آفریننده آسمانها و زمین! ای خداوند بزرگی و ارجمندی! ببخشای بر محمّد و آل محمّد، و ثنای ایشان بگو ثنا گفتنی.

---

۱. سِمات ـ به کسر کسین ـ جمع سِمه است که به معنی علامت است، و این دعا را از این جهت سِمات گویند که علامت اجابت در او پیداست. (منه ره)

۲. وصف خدای تبارک و تعالی به ظاهر و باطن تواند بود که به اعتبار احاطهٔ علمی یا به اعتبار وصول اثر قدرت او باشد به ظواهر و بواطن اشیاء و شاید که به اعتبار آشکارایی وجود آن حضرت به جهت کثرت ادلّه و نهانی حقیقت ذات آن جناب از اِکْتِناهِ عقول باشد. (منه ره) [اِکْتِناه: به کُنه چیزی رسیدن، به ماهیت چیزی پی بردن. «فرهنگ عمید»]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

دعای سمات

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ، الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ، الَّذي اِذا دُعيتَ بِهِ، عَلٰى مَغالِقِ اَبْوابِ السَّماءِ، لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ اِذا دُعيتَ بِهِ، عَلٰى مَضائِقِ اَبْوابِ الْاَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَاِذا دُعيتَ بِهِ، عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ، وَاِذا دُعيتَ بِهِ، عَلَى الْاَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَاِذا دُعيتَ بِهِ، عَلٰى کَشْفِ الْبَأْساءِ وَالضَّرّاءِ انْکَشَفَتْ، وَ بِجَلالِ وَجْهِکَ الْکَريمِ، اَکْرَمِ الْوُجُوهِ[1]، وَ اَعَزِّالْوُجُوهِ، الَّذي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقابُ، وَ خَشَعَتْ لَهُ الْاَصْواتُ، وَ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِکَ، وَ بِقُوَّتِکَ الَّتي بِها تُمْسِکُ السَّماءَ، اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلاّ بِاِذْنِکَ، وَ تُمْسِکُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ، اَنْ تَزُولا، وَ بِمَشِيَّتِکَ الَّتي دانَ لَهَا الْعالَمُونَ، وَ بِکَلِمَتِکَ[2] الَّتي خَلَقْتَ بِهَا السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ، وَ بِحِکْمَتِکَ[3] الَّتي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ، وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ، وَ جَعَلْتَها لَيْلاً، وَ جَعَلْتَ اللَّيْلَ سَکَناً، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهاراً، وَ جَعَلْتَ النَّهارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِياءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْکَواکِبَ وَ جَعَلْتَها نُجُوماً وَ بُرُوجاً،

ترجمهٔ دعای سمات به قلم مؤلف

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان

خدایا! به درستی که من سؤال* می‌کنم از تو به حقّ نام تو، آن نام بزرگ بزرگتر، ارجمندتر، بلند مرتبه‌تر، گرامی‌تر، که هر گاه خوانده وی به آن نام بر قفلهای درهای آسمان برای باز شدن به جهت نزولِ رحمت، باز شود؛ و هر گاه خوانده شوی به آن نام بر تنگناهای درهای زمین از برای گشایش کارها، گشوده شود؛ و هر گاه خوانده شوی به آن نام بر بستگیهای درهای دشواری از برای آسان شدن، آسان گردد؛ و هر گاه خوانده شوی به آن نام بر مردگان از برای زنده شدن، زنده شوند؛ و هر گاه خوانده شوی به آن نام بر برطرف سختیها و رنجوریها، برطرف شود؛

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ بلند مرتبه گی ذات تو که گرامی و گرامی‌ترین ذاتهاست، و ارجمندترین ذاتهاست که ذلیل و خوار شده از او ذاتها، و فروتنی کرده مر او را گردنها، و زار و نزار شده از برای او آوازها، و ترسان گردیده از او دلها از بیم تو.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ توانایي تو که نگاه می‌داری آسمان را از آنکه بأفتد بر زمین مگر به فرمان تو، و نگاه می‌داری آسمانها و زمین را از آنکه از جای خود پذر روند، و به آینه اگر از جای خود پذر روند، نتواند نگاهداشت آنها را کسی جز تو.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ خواستن تو که فرمان بردارند مر آن را دانایان، و سؤال می‌کنم از تو به حقّ کلمه‌ای که آفریده‌ای به آن کلمه آسمانها و زمین را.

و سؤال می‌کنم از توبه حقّ حکمت تو که ساختی تو به آن چیزهای شگفت را، و آفریدی به آن حکمت تاریکی را و گردانیدی آن را شب، و گردانیدی شب را زمان آرام گرفتن، و آفریدی به آن حکمت روشنایی را و گردانیدی او را روز، و گردانیدی روز را پراکنده کننده برانگیزانندهٔ بینا؛ و آفریدی به آن حکمت آفتاب را و گردانیدی آفتاب را تابنده و درخشنده؛ و آفریدی به آن حکمت ماه را و گردانیدی ماه را روشن؛ و آفریدی به آن حکمت ستارگان را و گردانیدی آنها را ستارگان هویدا و بُرجها

---

* . سؤال: عبارت است از طلب نمودن چیزی مقرون با تضرّع و خضوع. (منه ره).

وَ مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُوماً، وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ مَغَارِبَ،
وَ جَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَ مَسَابِحَ،
وَ قَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ[۴]، فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَ صَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ
تَصْوِيرَهَا، وَ أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَ دَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً[۵]،
وَ أَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَ سَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ[۶] اللَّيْلِ وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ،
وَالسَّاعَاتِ وَ عَدَدِ السِّنِينَ وَ الْحِسَابِ، وَ جَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ
مَرْئً وَاحِداً، وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ، الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ
رَسُولَكَ، مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ[۷]، فَوْقَ إِحْسَاسِ
الْكَرُوبِينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ[۸]، فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ[۹] فِي عَمُودِ النَّارِ، وَ
فِي طُورِ سَيْنَاءَ[۱۰]، وَ فِي جَبَلِ حُورِيثَ[۱۱]، فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبَارَكَةِ، مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ[۱۲]، مِنَ الشَّجَرَةِ[۱۳]، وَ فِي أَرْضِ مِصْرَ
بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ[۱۴]، وَ يَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ فِي
الْمُنْبَجِسَاتِ[۱۵] الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ، فِي بَحْرِ سُوفٍ[۱۶]، وَ عَقَدْتَ مَاءَ
الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ، وَ جَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ تَمَّتْ
كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ
مَغَارِبَهَا، الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ، وَ جُنُودَهُ وَ

و چراغها و آرایش آسمانها و تیرهای شهاب، و گردانیدی از برای آنها مواضع برآمدن و مواضع فرو رفتن؛ و آفریدی از برای آنها آشکار شدنها و راه روشها؛ و آفریدی از برای هر یک فلکی و راههای شنار به اندازه‌ای قراردادی در آسمان منزلها، پس نیکو گردانیدی اندازهٔ آنها را، و صورت دادی آنها را، پس نیکو گردانیدی صورت آنها را، و شماره کردی آنها را به نامهای خود شماره کردنی، و به جا آوردی تدبیر آنها را به حکمت خود تدبیر کردنی، پس نیکو کردی تدبیر آنها را و بار بردار گردانیدی آنها را به روز آوردن بر شب، و روز آوردن بر روز، و ساعتها و شمردن سالها و شمارهٔ آنها، و گردانیدی دیدنِ آنها را از برای همهٔ مردمان دیدنِ یکسان.

و سؤال می‌کنم از تو خدایا به حقّ کرم تو و بزرگي تو که سخن گفتی به آن بنده و فرستادهٔ خود «موسی» پسر «عمران» بر او باد درود و در جایگاه پاکیزه بالای ادراک فرشتگان، نزدیک بالای ابرهای نور، بالای صندوق شهادت در ستون آتش و در کوه سینا و در کوه حوریث در صحرای پاکیزه در زمین فرّخ و فیروز، از سوی کوه راست از درخت معهود و در زمین مصر به نُه نشانه‌های هویدا، و روزی که شکافتی از برای فرزندان یعقوب دریا را، و در شکافهای آب که ساختی به آن چیزهای شگفت را در دریای عمیق، و بستی آب دریا را در دل گرداب بسان سنگ، و گذرانیدی بنی اسرائیل را از دریا، و انجام پذیرفت وعدهٔ نیکوی تو دربارهٔ ایشان به سبب شکیبایی که ورزیدند، و به ایشان دادی اطراف و نواحي شرقي زمین را و اطراف، و پیدا کردی برکت و زیادتی در آن زمینها از برای مردم عالم، و فرو بردی پادشاه مصر را و لشکرهای او را و اسبان او را در دریا.

مَرَاكِبِهُ فِي الْيَمِّ، و بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِى تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسىٰ،كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ فِي طُورِ سَيْنٰآءَ، وَ لِإِبْرٰاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَ لِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ فِي بِئْرِ شِيَعٍ[۱۷]، وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ فِي بَيْتِ إِيلٍ[۱۸]، وَ اَوْفَيْتَ لِإِبْرٰاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ بِمِيثٰاقِكَ[۱۹]، وَ لِإِسْحٰقَ بِحَلْفِكَ، وَ لِيَعْقُوبَ بِشَهٰادَتِكَ، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَ لِلدّٰاعِينَ بِاَسْمٰآئِكَ فَاَجَبْتَ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِى ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرٰانَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، عَلىٰ قُبَّةِ الرُّمّٰانِ[۲۰]، وَ بِآيٰاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلىٰ اَرْضِ مِصْرَ، بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ، بِآيٰاتٍ عَزِيزَةٍ، وَ بِسُلْطٰانِ الْقُوَّةِ، وَ بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَ بِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التّٰامَّةِ[۲۱]، وَ بِكَلِمٰاتِكَ الَّتِي، تَفَضَّلْتَ بِهٰا عَلىٰ اَهْلِ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ، وَ اَهْلِ الدُّنْيٰا وَ اَهْلِ الْآخِرَةِ، وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهٰا عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ بِاسْتِطٰاعَتِكَ الَّتِي اَقَمْتَ بِهٰا عَلَى الْعٰالَمِينَ، وَ بِنُورِكَ الَّذِى قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنٰآءَ، وَ بِعِلْمِكَ وَ جَلاٰلِكَ، وَ كِبْرِيٰآئِكَ وَ عِزَّتِكَ، وَ جَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهٰا الْأَرْضُ، وَ انْخَفَضَتْ لَهَا السَّمٰوٰاتُ، وَ انْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَكْبَرُ، وَ رَكَدَتْ لَهَا الْبِحٰارُ وَالْأَنْهٰارُ، وَ خَضَعَتْ لَهَا الْجِبٰالُ، وَ سَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنٰاكِبِهٰا، وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلاٰئِقُ

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ نام تو که بزرگتر است، بزرگتر بزرگتر، ارجمندتر، شریفتر.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ بزرگی تو که آشکار شدی به آن از برای موسی همراز تو، بر او باد درود، در طور سینا؛ و از برای ابراهیم دوست تو، بر او باد درود، پیش از موسی در مسجد منی [خیف]؛ و از برای اسحاق برگزیدهٔ تو، بر او باد درود، در چاه شیَع؛ و از برای یعقوب پیغمبر تو، بر او باد درود، در خانهٔ خدا، و وفا کردی از برای ابراهیم، بر او باد درود، به پیمان خود؛ و از برای اسحاق به سوگند خود؛ و از برای یعقوب به گواهیِ خود؛ و از برای مؤمنین به وعدهٔ خود؛ و از برای خوانندگان تو را به نامهای تو، پس برآوردی حاجتِ ایشان را.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ بزرگواری که هویدا گردید از برای موسی پسر عمران، بر او باد درود، بر بیت المقدّس.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ قدرت تو که بلند شد در زمین مصر به بزرگواری ارجمندی و زبردستی به نشانه‌های ارجمند.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ زور آوری و زبردستی، و به حقّ برتری تواناییِ تو، و به حقّ شأن سخن تمام تو، و به حقّ سخنان تو که احسان کردی به آن سخنان بر اهل آسمانها و زمین و اهل دنیا و آخرت.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ مهربانیِ تو که احسان نمودی به آن بر همهٔ آفریدگان و به حقّ تواناییِ تو که بر پا داشته به آن توانایی اهل عالم را، و به روشناییِ تو که به درستی که از هم پاشید از ترس آن طور سینا، و به حقّ داناییِ تو و بلندیِ مرتبهٔ تو، و بزرگیِ تو، و ارجمندیِ تو و قهر و غلبهٔ تو که بر نتواند داشت او را زمین، و پست می‌شود از برای آن آسمانها، و باز پس ایستاد از برای آن طبقهٔ پائین‌تر از زمین، و باز ایستاد از بیم آن دریاها و جویها، و فروتنی نمود مر آنها را کوهها و آرام گرفت از برای آن زمین با بلندیهای خود، و فرمانبردار شدند مر آنها را آفریدگان همه،

كُلُّها، وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّيٰاحُ فِي جَرَيٰانِها، وَ خَمَدَتْ لَهَا النِّيرٰانُ فِي اَوْطٰانِها، وَ بِسُلْطٰانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ، بِهِ الْغَلَبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَ حُمِدْتَ بِهِ فِي السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرَضِينَ، وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ الصِّدْقِ [۲۲] الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينٰا اٰدَمَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَاَسْئَلُكَ بِكَلِمَتِكَ [۲۳] الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتَهُ دَكّاً، وَ خَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلىٰ طُورِ سَيْنٰاءَ، فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرٰانَ، وَ بِطَلْعَتِكَ فِي سٰاعِيرَ [۲۴]، وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فٰارٰانَ، بِرَبَوٰاتِ [۲۵] الْمُقَدَّسِينَ، وَ جُنُودِ الْمَلاٰئِكَةِ الصّٰافِّينَ، وَ خُشُوعِ الْمَلاٰئِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَ بِبَرَكٰاتِكَ الَّتِي بٰارَكْتَ فِيهٰا، عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ، فِي اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ بٰارَكْتَ لِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ، فِي اُمَّةِ عِيسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ، وَ بٰارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرٰائِيلِكَ [۲۶]، فِي اُمَّةِ مُوسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلاٰمُ، وَ بٰارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، فِي عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ وَ كَمٰا غِبْنٰا عَنْ ذٰلِكَ، وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَاٰمَنّٰا بِهِ، وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلاً، اَنْ تُصَلِّيَ [۲۷] عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُبٰارِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَرَحَّمَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، كَاَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ، وَ تَرَحَّمْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَ اٰلِ إِبْرٰاهِيمَ،

و بر هم لرزید از هیبت آن بادها در وزیدنهای خود، و خاموش شد از ترس آن آتشها در آتشکده‌های خود.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ پادشاهي تو که شناخته شده‌از برای تو به آن برتری بر هر چیزی در همهٔ روزگار، و ستوده شده‌ای تو به آن در آسمانها و زمینها.

و سؤال می‌کنم از تو به حقّ سخن تو، سخن راستی که پیش گذشت از برای پدر ما «آدم» و فرزندان او به نوید مهربانی و بخشش.

و سؤال می‌کنم از تو و به حقّ کلمهٔ تو که غالب شد بر هر چیزی، و به حق تا بندگی روی تو که پرتو افکن شدی به آن مرکوه را، پس گردانیدی آن کوه را ریزه ریزه، و به رو افتاد موسی بیهوش، و به حقّ بزرگي تو که پیدا شد بر طور سینا، پس سخن گفتی به آن با بندهٔ خود و پیغمبر خود موسی پسر عمران، و به حقّ هویدا گردیدن تو دکوه «ساعیر» و پیدا شدن تو در کوه «فاران» در تلها و بلندیهای پاکیزه، و به حقّ لشکرهای فرشتگان صف کشیده، و به حقّ فروتنی و زاري فرشتگان تسبیح گوینده، و به حق فَرَجها و فیروزیها که فرخندگی و فیروزی بخشیدی در آنها بر ابراهیم دوست تو، بر او درود باد ـ در امّت محمدﷺ، ببخشاید بر او خدای و بر اهل بیت او، و فرخندگی بخشیدی از برای اسحاق برگزیدهٔ خود در اُمّت عیسی، بر هر دو باد درود، و فرخنده و فیروز گردانیدی از برای یعقوب برگزیدهٔ خود در امّت موسی، بر او باد درود، و فرخنده و فیروز گردانیدی از برای دوست خود محمدﷺ، ببخشاید خدا بر او و بر آل او، و در خویشان او و فرزندانِ او و اُمّت او.

خداوندا! و چنانکه ما نهان بودیم از آن و مشاهده نکردیم آن را و ایمان آوردیم به آن، و ندیدیم آن را از روی راستی و درستی، اینکه ببخشی بر محمد و آل محمدﷺ، و اینکه فرخنده گردانی بر محمد و محمدﷺ، و مهربانی کن بر محمّد و آل محمّدﷺ مانند بهترین مرحمتی که کردی و فرخندگی و فیروزی که بخشیدی و مهربانی که کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم،

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعّالٌ لِما تُرِيدُ، وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شَهِيدٌ

ثُمَّ قُلْ (پس بگو):

يا أَللّٰهُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا بَدِيعَ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ، يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعاءِ، وَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْماءِ، الَّتِي لا يَعْلَمُ تَفْسِيرَها، وَلا يَعْلَمُ باطِنَها غَيْرُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذا وَ كَذا[28] وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ[29]، وَاغْفِرْلِي ذُنُوبِي ما تَقَدَّمَ مِنْها وَ ما تَأَخَّرَ، وَ وَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَؤُنَةَ إِنْسانِ سَوْءٍ، وَ جارِ سَوْءٍ، [وَ قَرِينِ سَوْءٍ]، وَ سُلْطانِ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ ما تَشاءُ قَدِيرٌ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ. وَالْحَمْدُلِلّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرِينَ.

ثم تقول (سپس بگو):

اَللّٰهُمَّ بِحُرْمَةِ هٰذَا الدُّعاءِ، وَ بِما فاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْماءِ، وَ بِما يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ الَّذِي لا يُحِيطُ بِهِ إِلّا أَنْتَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَ كَذا.

ثم تقول (پس بگويد):

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعاءِ، أَنْ تَتَفَضَّلَ عَلىٰ فُقَرآءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ

به درستی که تو ستوده‌ای و بزرگی، کننده‌ای هر آن چیزی را که خواهی، و تو بر هر چیزی توانایی، حاضری.

پس بگو:

ای خدای مهربان! ای بخشاینده! ای پیدا کنندهٔ آسمانها و زمین! ای خداوند بزرگی و تعظیم! ای مهربان‌تر مهربانان! بار خدایا! به حرمت این دعا و به حرمت این نامها که نمی‌داند تفسیر آنها را و نمی‌داند درون آنها را کسی جز تو، ببخش بر محمّد و آل محمّد، و بکن به من چنین و چنین، و انتقام من بکش از فلان پسر فلان، و بیامرز گناهان مرا آنچه پیش گذشته و آنچه بعد از این صادر شده، و فراخ گردان بر من از حلال روزی خود را، و باز دار از من رنج و آزار مردم بد را و همسایهٔ بد را و پادشاه بد را، به درستی که تو بر هر چه خواهی توانایی و بر هر چیز دانایی، آن چنین کن ای پروردگار عالمیان! و ستایش مر خدای راست، و ببخشاید خدا بر محمّد و آل او که پاکانند.

پس می‌گویی:

بار خدایا به حُرمت این دعا و به حرمت آنچه نایاب است از آن از نامهای تو، و به حرمت آنچه مشتمل است این دعا بر او از تفسیر و تدبیری که احاطه نکرده است کسی به او مگر تو، اینکه بکنی به من چنین و چنین [به جای کَذَا وَکَذَا، چنین و چنین حاجت خود را بگو]

پس می‌گویی:

بار خدایا! به حرمت این دعا که احسان کن بر بی چیزان مومنین و مؤمنات

بِالْغِنىٰ وَالثَّرْوَةِ، وَ عَلىٰ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالشِّفٰآءِ وَالصِّحَةِ، وَ عَلىٰ اَحْيٰآءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَ عَلىٰ اَمْوٰاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْغُفْرٰانِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلىٰ غُرَبٰاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالرَّدِّ إِلىٰ اَوْطٰانِهِمْ، سٰالِمِينَ غٰانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّٰاهِرِينَ.

وَفي نُسْخَةٍ أُخْرىٰ: وَقَرَءَ اَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيٌّ؈ في عَقِبِ هٰذَا الدُّعٰاءِ هٰذِهِ الْكَلِمٰاتِ:

يٰا عُدَّتي عِنْدَ كُرْبَتي وَيٰا غِيٰاثي عِنْدَ شِدَّتي وَيٰا وَلِيّي في نِعْمَتي وَيٰا مُنْجِحي حٰاجَتي وَيٰا مَفْزَعي في وَرْطَتي وَيٰا مُنْقِذي مِنْ هَلَكَتي يٰا كٰالِئي في وَحْدَتي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْلي خَطيئَتي وَيَسِّرْلي اَمْري وَاجْمَعْ لي شَمْلي وَاَنْجِحْ لي طَلِبَتي وَاَصْلِحْ لي شَأْني وَاكْفِني مٰا اَهَمَّني وَاجْعَلْ لي مِنْ اَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَلاٰ تُفَرِّقَ بَيْني وَبَيْنَ الْعٰافِيَةِ اَبَداً مٰا اَبْقَيْتَني وَعِنْدَ وَفٰاتي اِذٰا تَوَفَّيْتَني يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعينَ:

به بی نیازی و توانگری، و بر بیماران مؤمنین و مؤمنات به خلاصی از مرض و سلامتی بدن، و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به مهربانی و بخشش، و بر مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و بخشایش، و بر غریبان مؤمنین و مؤمنات به بازگشت به سوی وطنهای خود در هنگامی که تندرستان و سودمنداننذ به مهربانی تو ای مهربان‌تر مهربانان، و ببخشاید خدا بر محمد و اهل بیت او که پاکانند.

و در نسخهٔ دیگر آمده است که امیرالمؤمنین علی‌ؑ در عقب این دعا این کلمات را خواند:

ای تهیه و ذخیرهٔ من در هنگام رنج و اندوه! و ای فریاد رس من هنگام سختی! ای خداوند نعمت من! و ای برآورندهٔ حاجت من! و ای پناه و گریزگاه من در هر مهلکه‌ای! و ای رستگار گردانندهٔ من از هر تباهی! ای نگاهدارندهٔ در تنهایی من! ببخشای بر محمد و اهل بیت محمد، و بیامرز گناهان مرا و آسان گردان کار مرا، و فراهم آور از برای من پراکندگیهای مرا، و روا گردان مطلب مرا، و نیکو گردان حال مرا، و ساخته گردان آنچه مرا در کار است، و بساز از برای من گشادی و آسودگی و بیرون شدنی، و جدایی مینداز میانهٔ من و میانهٔ تندرستی هرگز مادامی که پاینده داری مرا، و در هنگام مردگی من هر گاه بمیرانی مرا، ای مهربان‌تر مهربانان! و ببخشاید خدای بر محمّد و اهل بیت او همگی.

قَدْ تمّت الكتاب المستطاب بعون الله الملک المنّان

هیجدهم شهر صیام فی ۱۳۴۳.

پی‌نوشت‌ها

۱. در جملهٔ لَهُ الْوُجُوهُ، بعضی گفته‌اند که مراد از وجوه، رؤسا و ملوکند. (منه ره).

۲. ظاهر آن است که کلمه در این مقام [بِكَلِمَتِكَ] عبارت از فرمان الهی بوده باشد، چنانکه فرموده: إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (منه ره).

۳. حکمت: عبارت است از دانستن چیزها چنانکه شاید، و کردن کارها چنانکه باید. (منه ره).

۴. مراد از منازل، منازل بیست و هشتگانه باشد و اسامی آنها به این تفصیل است: شرطین، بطین، ثُریّا، دبران، هقعه، دراع، نثره، طرفه، جبهه، زبره، صرفه، عوا، سماک، غفر، زبانا، اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلد، ذابح، بلع، سعود، اخبیه، مقدم، مؤخر، رشا.

ذابح به حذف مضاف است، یعنی: سعد ذابح، و همچنین در سه اسم بعد. (منه ره).

۵. تدبیر هر چیزی عبارت باشد از تأمل مآل و اندیشهٔ عاقبت آن چیز. (منه ره).

۶. مناسب است که مراد از سلطان در این موضع [بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ] تسلّط باشد، چنانکه در کریمهٔ: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَاناً»؛ تسخیر به معنی نرم و هموار گردانیدن، و به معنی کسی را بر کاری باز داشتن نیز آمده، و هر یک از این دو معنا در این مقام مناسب است، و حاصل معنا آن است که: گماشتی کواکب را بر تسلّط و زبردستی بر شب و روز (منه ره).

۷. مراد از «مُقدّسین» در این مقام، زمینهای پاک و پاکیزه و دمشق و فلسطین [می باشد] و بیت المقدس را مقدّسین برای آن گویند که مردم در این امکنه از گناه پاک می‌شوند، یا به واسطهٔ آنکه عُبّاد در این مواضع تقدیس و تنزیه خدا به جا می‌آورند (منه ره).

۸. مراد از «غَمائم نوره»، آن ابرها است که در تیه روزها بر سر «بنی اسرائیل» سایه می‌انداخت. (منه ره)

۹. و مراد از تابوت شهادت ـ چنانکه از خطّ شهید نقل شده ـ آن صندوقی است که الواح جواهر که در آن کلمات دهگانه نوشته شده بود در آن صندوق بود و آن در زیر صخرهٔ بیت المقدس است.

۱۰. طور سیناء اسم کوهی است که موسی علیه السلام در آن کوه مناجات کردی، و آن کوه در مابین «مصر» و «ایله» است، و بعضی گفته‌اند که در فلسطین است و «طور» اسم آن کوه است، و «سیناء» و «سنین» نیز اسم آن زمین است که آن کوه در آنجا واقع شده است بنا بر أصحّ اقوال.

۱۱. جبل حوریث: کوهی بود که اوّل تکلّم حق تعالی با موسی علیه السلام در آن کوه بوده [است]

۱۲. «أیمن» می‌تواند که صفت جانب باشد یعنی: طرف آن کوه، و شاید که صفت طور باشد یعنی: کوه با یُمن و برکت.

۱۳. مراد از «شجره» همان درختی است که خدای تعالی از آن درخت با موسی تکلّم نمود، چنانکه در «تنزیل» یاد نموده. (منه ره)

۱۴. آیات «تسع» ـ چنانکه نسبت به خطّ شهید دهند ـ به این تفصیل است: «دَم، ضفادع، قُمّل، وحش، وبا، جراد، برد، ظلمت هوا به حیثیتی که ایستاده نتوانستن نشست و نشسته نتوانستن برخاست و موت بر ابکار» و در تفسیر آیات تسع، اقوال دیگر نیز واقع شده است، هر که خواهد رجوع کند به حاشیهٔ مصباح کفعمی (منه ره).

۱۵ـ «مُنْبَجِسات» را بعضی در این مقام تفسیر کنند به چشمه‌های آب که از سنگ روان شد در وقتی که موسی عصای خود بر آن سنگ زد؛ و این معنا در این مقام مناسب نیست، بلکه ظاهر آن است که مراد از «مُنْبَجِسات» آن شکافهایی باشد که در دریا پیدا شد از برای گذشتن بنی اسرائیل در وقتی که موسی عصا را بر دریا زد. (منه ره).

۱۶ـ مراد از «بحر سوف» دریایی است که برای گذشتن بنی اسرائیل شکافته شده، و گویند اسم او «قلزم» است.

۱۷ـ از خط شهید منقول است که «بِئْر شِیْبَع» ـ به شین و یاء دو نقطه در تحت، و بنا بر نسخه‌ای به سین مُهمله و باء موحّده ـ هفت چاه بود که در زمان اسحاق علیه السلام حفر نمودند، و آن چاهها پیش از اسحاق نیز بوده و لیکن عمّال سلطان آن را بسته بودند و اسحاق علیه السلام آن را اعاده فرموده. (منه ره)

۱۸ـ «ایل» در لغت عبرانی اسم خدای عزّ وجلّ است، و مراد از «بیت ایل» در این مقام بیت المقدس باشد.

۱۹ـ ممکن است که مراد از «میثاق ابراهیم» وعدهٔ امامت باشد، چنانکه فرموده: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَاماً قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ و ممکن است که مراد بشارت او به وجود اسحاق باشد؛ و همچنین مراد از «حلف اسحاق» بشارت او به وجود یعقوب باشد، یا آنکه پادشاهی همیشه در نسل او پاینده باشد، و دور نیست که مراد از شهادت یعقوب اِخبار خدا باشد مر او را به ملاقات یوسف و «ابن یامین»، چنانکه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمودند: جبرئیل بر یعقوب نازل شد و گفت: یَا يَعْقُوبُ إِنَّ اللّٰهَ يَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ أَبْشِرْ وَلْيَفْرَحْ قَلْبُكَ فَوَ عِزَّتِي لَوْ كَانَا مَيِّتَيْنِ لَنَشَرْتُهُمَا لَكَ [= ای یعقوب! خدای تعالی به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: بشارت بده و دلت را شاد گردان، به عزّتم سوگند! اگر آن دو (یوسف و ابن یامین) مرده هم باشند آنها را برایت زنده می‌نمایم] و تمام این حدیث در تفسیر مجمع البیان، در سورهٔ یوسف، مسطور است. (منه ره).

۲۰ـ قُبَّةِ الزَّمَانِ ـ به زای معجمه ـ بیت مقدّس را گویند به واسطه شرف و عظمت و رتبهٔ او این اسم را بر او اطلاق کنند، و ممکن است که مراد از قُبَّةِ الزَّمَان فلک باشد؛ و بعضی به راء مهمله نیز خوانده‌اند، و در تفسیر آن چنانکه گفته‌اند: آن قبّه‌ای بود بر عبادتگاه‌های بنی اسرائیل که موسی و هارون داخل آن قُبّه شدندی و به سبب واقعه که برای دو پسر هارون روی داد و بنی اسرائیل از آن حالت بترسیدند پس جُبّه و فرجلی ترتیب دادند و بر دامن آن جلاجل [= زنگوله‌ها، زنگهای] زرین درآویختند، و گویی به شکل انار از زر ساخته در آن تعبیه نمودند، و زنجیری بر آن بستند پس هرگاه کسی خواستی داخل آن قُبّه شود، آن جُبّه و فرجی بپوشیدی و داخل قُبّه شدی، پس اگر دهشتی به او رسیدی آن جلاجل و آن گوی به حرکت درآمده آواز آن به گوش موکّلان آن قُبّه رسیده، زنجیر کشیده آن کس را بدر آوردندی؛ از بعضی چنین نقل شده است، لیکن این حکایت مستند به سند معتمدی نیست. (منه ره).

۲۱ـ ممکن است که مراد از «کلمهٔ تامّه» توحید باشد، یا لوح محفوظ، یا کتاب سماوی، و یا حجّت خدای تعالی و یا دین حق باشد، و مراد از کلمات اوامر و نواهی و سایر قواعد شرعیّه و نوامیس الهیّه بود. (منه ره).

۲۲ـ و ممکن است که مراد از این کلمهٔ صدق [= سخن راستی] آن کلماتی باشد که آدم علیه السلام در هنگام خروج از جنّت از ربّ خود فرا گرفت و توبهٔ او مقبول شد، چنانکه خدای تعالی خبر داده و فرموده: «فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» و آن کلمات عبارت است از قول آدم علیه السلام که: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا الخ و نیز ممکن است که این کلمه عبارت باشد از وعده و اذن خدای عزّ وجلّ مر آدم و فرزندان او را به بهشت، اگر فرمانبرداری نمایند چنانکه فرموده: قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعاً فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (منه ره).

۲۳. ممکن است مراد از این کلمه، کلمهٔ شهادت باشد.

۲۴. (فی ساعیر) ابن بابویه در عیون اخبار الرضا ﷺ در شرح «کلمهٔ تورات: جَاءَ النُّورُ مِنْ قِبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ وَأَضَاءَ لَنَا مِنْ جَبَلِ سَاعِيرَ وَاسْتَعْلَنَ عَلَيْنَا مِنْ جَبَلِ فَارَانَ» از حضرت ابی الحسن علی بن موسی ﷺ روایت کرده که: ساعیر کوهی است که خدای عزّوجلّ در آن کوه وحی به عیسی ﷺ فرستاد، و فاران کوهی است از کوههای [نزدیک] مکّه [که رسول خدا ﷺ در آنجا با خدا مناجات می‌کرد] و میانه آن کوه و مکّه یک روز راه است. (منه ره).

۲۵. زبوات (تلها و بلندیها) مواضع نزول وحی است بر بنی اسرائیل (منه ره).

۲۶. اسرائیل در لغت عبرانی «صَفْوَةُ اللّٰهِ [= برگزیدهٔ خدا] است، پس اضافه اسرائیل به کاف خطاب، به اَدْنَیٰ مُلابستی خواهد بود (منه ره).

۲۷. أَنْ تُصَلِّيَ مفعول أَسْئَلُكَ است ـ در پیش مذکور شده ـ پس حاصل معنی این باشد که: طلب می‌کنم از تو به حق و حرمت آن چیزها که به تفصیل مذکور شد آن را که رحمت کنی بر محمد و اهل بیت محمد ﷺ الخ (منه ره).

۲۸. باید که به جای کَذَا و کَذَا [= چنین و چنین] حاجات خود را عرض نمایند.

۲۹. و به جای فلان بن فلان، اسم خصم و اسم پدر او را ذکر کنند (منه ره)

۳

لئالی منثوره

خلاصه‌ای از اذکار و آداب و ادعیهٔ مأثوره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

[مقدّمهٔ مولّف]

اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي نَدَبَنا اِلي ذِكْرِهِ وَثَنائِهِ، وَاَمَرَنا بِتَحْديثِ نِعْمَتِهِ وَشُكْرِ آلائِهِ وَالصَّلوٰةُ عَلي مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِهِ وَخاتَمِ اَنْبِيائِهِ وَعَلَى الطَّيِّبينَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَاَوْصِيائِهِ.

وَبَعْدُ: چنین گوید این احقر بی بضاعت و متمسّک به احادیث اهل بیت رسالت‌ﷺ «عباس بن محمدرضا القمّی» - خَتَمَ اللّٰهُ لَهُما بِالْحُسْنی وَالسَّعادَةِ - که چون توفیق الهی شامل حال این گمنام شکسته بال گشت و کتاب «هدیةالزّائرین و بهجة النّاظرین» را تألیف نمودم، دیدم الحق کتابی است قُرّةالعین اهل زیارات و دعا وعبادات، مشتمل بر صُنوف زیارات و دعوات، لکن از اذکار و اَحْراز[1] و عُوذات[2] و ادعیهٔ وارده از برای إنجاح[3] مطالب و قضاء حاجات خالی بود، بخاطر رسید که رسالهٔ مختصری در این باب از کلمات اهل بیت رسالت‌ﷺ جمع آورم تا به کتاب «هدیه» تَوأم و مُنْضَمّ گردد و آن کتاب شریف از هر جهتی جامع و کامل شود و نفعش عام و ذخیرهٔ این مجرم کثیرالآثام گردد، پس این مختصر را جمع نمودم و نامیدم آن را به «اَللَّئالِي الْمَنْثُورَةِ فِي الْعُوذاتِ وَالْأَذْكارِ الْمَأْثُورَةِ» و مرتب گردانیدم آن را بر سه باب و یک خاتمه:

---

۱. حِرزها (پناهگاه‌ها، دعاهائی که بر کاغذ یا پوست بنویسند و همراه خود نگاه دارند، تا در پناه خدای تعالی قرار گرفته و از بلاها رهائی یابند).

۲. تعویذها (آیات و دعاهائی که برای دفع بلاها نوشته می‌شود).

۳. برآورده شدن.

۱

باب اوّل

در احراز و عوذات مأثوره

احْراز شريفه

۱ حرز شریفی است که سیّد داماد؟ از مشایخ خویش روایت کرده و در دارالایمان «قم» در عالم رؤیا به خدمت حضرت رسول ﷺ و امیرالمؤمنین؟ شرفیاب گشته، و بر امیرالمؤمنین؟ عرضه کرده و آن را تصحیح نموده، و آن حرز چنین است: بخوان:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى الله عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم اَمامي، وَفاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْها فَوْقَ رَأْسي، وَاَميرُالْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ بْنُ اَبي طٰالِبٍ وَصِيُّ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ عَنْ يَميني، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسىٰ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اَئِمَّتي صَلَوٰاتُ اللّٰهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِمْ عَنْ شِمٰالي، وَ اَبُوذَرٍ وَسَلْمٰانُ وَالمِقْدٰادُ وَحُذَيْفَةُ وَعَمّٰارٌ وَاَصْحٰابُ رَسولِ اللّٰهِ رَضِيَ الله عَنْهُمْ مِنْ وَرٰائي وَالْمَلائِكَةُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ حَوْلي، وَاللّٰهُ رَبّي تَعٰالىٰ شَأْنُهُ وَتَقَدَّسَتْ اَسْمٰائُهُ مُحيطٌ بي وَحٰافِظي وَحَفيظي، وَاللّٰهُ مِنْ وَرٰائِهِمْ مُحيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجيدٌ في لَوْحٍ مَحْفُوظٍ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حٰافِظاً وَهُوَ اَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ.

۲ حرز دیگر: اَوْدَعْتُ نَفْسي وَاَهْلي وَمٰالي وَوَلَدي وَمَنْ مَعي وَمٰا مَعِيَ في

اَرْضِ مُحَمَّدٌ صلّى الله عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم سَقْفُها، وَعَلِيٌّ عليه السلام بابُها، وَفاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَموسىٰ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ عليهم السلام حيطانُها وَالْمَلائِكَةُ حُرّاسُها وَاللهُ مُحيطٌ بِها وَحَفيظُها وَاللهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجيدٌ في لَوْحٍ مَحْفُوظٍ.

تعویذ طفل

[برای] تعویذ طفل بنویسد و بر طفل بندد:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَسْتَرْعيكَ رَبَّكَ وَاُعَوِّذُكَ بِالْواحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حاسِدٍ قائِمٍ اَوْ قاعِدٍ وَكُلِّ خَلْقٍ زائِدٍ في طُرُقِ الْمَوارِدِ لا تَضُرُّهُ في يَقْظَةٍ وَلا مَنامٍ وَلا في ظَعْنٍ وَلا في مَقامٍ سَجيسَ اللَّيالي وَ اَواخِرَ الْاَيّامِ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْديهِمْ وَحِجابُ اللّٰهِ فَوْقَ عادِيَتِهِمْ.

و این تعویذی است که تعلیم حضرت آمنه عليها السلام شد که بر پیغمبر صلى الله عليه وآله بندد، هنگامی که آن جناب را تولّد نماید و نام آن حضرت را محمّد صلى الله عليه وآله گذارد.

ذکر احراز و تعویذات نافعه

برای دفع سحر و شرّ جنّیان و رفع چشم زخم و شرّ ظالمان و گزندگان:

۱ سیّد اَجَلّ «سیّد علیخان شیرازي مَدنی» در کتاب «**کلم طیّب و غیث صیّب**» نقل کرده است: شیخ بهائی -زيدَ بَهائُهُ- برای شاه عباس صفوی رِضْوانُ‌الله عَلَيْهِ نوشت: به عرض اَشرف می‌رساند دعائی که برای باطل کردن سحر نافع است آن است با تربت کربلا و آب نیسان[1] بر کف دست راست مسحور[2] بنویسند:

---

۱. آب نیسان، آب بارانی است که در ماه نیسان باریده می‌شود، و آن یکی از ماههای رومی است که تقریباً بیست و سه روز بعد از نوروز آغاز می‌شود، و سی روز می‌باشد.

۲. سحر شده، جادو شده.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يا مَنْ اَذَلَّ [اَزٰالَ صح] السِّحْرَ بِاِعْجٰازِ مُوسىٰ عليه السلام لَمّٰا اَلْقىٰ عَصٰاهُ فَاِذٰا هِيَ ثُعْبٰانٌ مُبِينٌ اَزِلْ عَمَّنْ قَصَدْتُهُ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ كَيْدَ الْفَجَرَةِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و باید مسحور ناشتا باشد و این دعا را به زبان خود بلیسد که اثری از آن باقی نماند، و سه روز متوالی چنین کند که سحر از او برطرف شود اِنْشٰاءَ اللّٰهُ تَعٰالىٰ.

۲ و نیز تعویذ بطلان سحر از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام روایت شده است که: بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارد:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، بِسْمِ اللّٰهِ وَمٰاشٰاءَ اللّٰهُ، بِسْمِ اللّٰهِ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ، قٰالَ مُوسىٰ مٰا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللّٰهَ لاٰ يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنٰالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰاغِرِينَ.[1]

۳ و نیز از برای دفع شیاطین و جادوگران، از رسول خدا صلى الله عليه وآله وارد شده که آیه «سُخْرِه» بخوانند ـ و آن آیه در سورهٔ اعراف است و اول آن: اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذي خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ، وَآخِر: اَنّ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ[2] است.

۴ و نیز از برای دفع شرّ جنّیان، نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه نافع است.[3]

۵ و نیز از برای دفع شرّ جنّیان در سفر و بیابان و مواضعِ هولناک آن، از حضرت صادق عليه السلام روایت شده است: دست را بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند:

اَفَغَيْرَ دينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ اِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.[4]

و نیز در بیابان در مواضع مُوحشه و هولناک، وارد شده که بلند اذان گویند.[5]

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۲۲۸، ف ۲۶.
۲. اعراف، آیهٔ ۵۴ ـ ۵۶.
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۲۷۸ ـ ۲۸۳، ط قم.
۴. همان، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۱۹۱۴.
۵. محاسن، ص ۸۵.

حرز چشم زخم

۱ حرز چشم زخم، وارد شده آیهٔ «وَإِنْ يَكَادُ» بخوانند.[۱]

۲ و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: چون ترسد که چشم او در کسی، یا چشم کسی در او تأثیر کند، سه مرتبه بگوید:

مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.[۲]

۳ و نیز از برای دفع چشم زخم وارد شده که: دستها را برابر رو [=صورت] بلند کند و سورهٔ حمد و توحید و دو «قُلْ أَعُوذُ»[۳] را بخواند و دست بر پیش سر بکشد.[۴]

۴ و نیز تعویذ چشم زخم: اَللّٰهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حٰابِسٍ وَحَجَرٍ يٰابِسٍ وَلَيْلٍ دٰامِسٍ وَرَطْبٍ يٰابِسٍ رُدَّ عَيْنَ الْعٰايِنِ عَلَيْهِ فِي كَبِدِهِ وَنَحْرِهِ وَمٰالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرىٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خٰاسِئاً وَهُوَ حَسِيرٌ.[۵]

۵ تعویذ دیگر بگوید: اَللّٰهُمَّ ذَاالسُّلْطٰانِ الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ وَالْوَجْهِ الْكَرِيمِ ذَاالْكَلِمٰاتِ التّٰامّٰاتِ وَالدَّعَوٰاتِ الْمُسْتَجٰابٰاتِ عٰافِ فُلاٰنَ مِنْ أَنْفُسِ الْجِنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ.

و این تعویذی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حسنین علیهما السلام خواند، و اصحاب خویش را فرمود که زنها و اولاد خود را به این کلمات تعویذ کنند.[۶]

تعویذ چشم زخم برای حیوانات

تعویذ چشم زخم برای حیوانات و غیره، روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام:

---

۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ مصباح کفعمی، ص ۲۲۱.

۲. مصباح کفعمی، ص ۲۲۰.

۳. سورهای ناس و فلق.

۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۸۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۶. مصباح کفعمی، ص ۲۲۰، ف ۲۶.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ عَبَسَ عابِسٌ وَشَهابٌ قابِسٌ وَحَجَرٌ يابِسٌ رَدَدْتُ عَيْنَ الْعايِنِ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلىٰ قَدَمَيْهِ وَأَخَذَ عَيْنٰاهُ قابِضٌ بِكِلاٰهُ وَ عَلىٰ جارِهِ وَأَقارِبِهِ جِلْدُهُ دَقِيقٌ وَدَمُهُ رَقِيقٌ وَ بابُ الْمَكْرُوهِ تَلِيقٌ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرىٰ مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَهُوَ حَسِيرٌ.[1]

دفع وسوسهٔ شیطان

۱ برای دفع وسوسهٔ شیطان از امیرالمؤمنین روایت شده است : استعاذه کند به خدا، پس بگوید: آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ [وَرُسُلِهِ] مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ.[2]

۲ و شیخ شهید از حضرت رسول نقل کرده که فرمود: شیطان بر دو قسم است: شیطان جنّی، و آن دور می‌شود به گفتن: لاٰحَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، و شیطان إنسی، و آن دور می‌شود به فرستادن صلوات بر پیغمبر و آل آن جناب.[3]

۳ و در «مهج الدّعوات» از حضرت صادق روایت شده است: حضرت آدم به خدا از حدیثِ نفس شکایت کرد، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: «لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» او را امر کرد.

۴ و نیز از برای دفع وسوسهٔ شیطان بگو هنگامی که در سینه‌ات شکّی پیدا شد: هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظّٰاهِرُ وَالْبٰاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.[4و5]

۵ و نیز از برای دفع وسوسه از حضرت صادق روایت شده است : دست بر سینه بکش و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِـاللّٰهِ

۱. بحار، ج ۹۵، ص ۴۲، ح ۳.
۲. خصال، ج ۲، ص ۱۶۳.
۳. بحار، ج ۹۵، ص ۱۳۶.
۴. حدید، آیهٔ ۳.
۵. طب الائمة، ص ۲۷ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۲۷.

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنّي ما اَحْذَرُ [اَجِدُ]*.

پس دست بر شکم خود می‌کشی و سه مرتبه می‌گوئی، که **اِنْشٰاءَ اللّٰهُ** بر طرف خواهد شد.[1] و نیز برای برای دفع وسوسه نافع است شستن سر به سدر، مسواک کردن، انار خوردن، آب نیسان نوشیدن، روزهٔ سه روز از هر ماه ـ پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبهٔ وسط ـ ونیز بگوید: **اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطٰانِ الْغَوِيِّ، وَ اَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مٰا قُدِّرَ وَ قُضِيَ وَ اَعُوذُ بِاِلٰهِ النّٰاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَالنّٰاسِ اَجْمَعِينَ.**

دفع فالِ بد

۱ برای رفع طِيَرة: روايت شده است که حضرت رسول ﷺ دوست می‌داشت فال خوب را، و کراهت داشت از طِيَرة يعنی: فالِ بد، و می‌فرمود: هر که دید چیزی را که به فال نیک نیست بگوید:

اَللّٰهُمَّ لاٰ يُؤْتِى الْخَيْرَ اِلاّٰ اَنْتَ وَلاٰ يَدْفَعُ السَّيِّئٰاتِ اِلاّٰ اَنْتَ وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِکَ.[2]

۲ و نیز وارد شده : اگر در سفر می‌روی و چیزی دیدی که شوم است و به فالِ بد است و در خاطرت چیزی گذشت بگو:

اِعْتَصَمْتُ بِکَ يٰا رَبِّ مِنْ شَرِّ مٰا اَجِدُ فِي نَفْسي فَاعْصِمْني مِنْ ذٰلِکَ. چون این را بگوئی حذری به تو نرسد **اِنْشٰاءَ اللّٰهُ**.[3]

حرز از ظالم

۱ شیخ جلیل علی بن حسین مسعودی در «**مُروجِ الذَّهب**» نقل کرده که: «در واقعهٔ

---

۱. همان، ص ۱۱۷ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۱۲۸، ح ۲.
۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵۳.
۳. مصباح کفعمی، ص ۱۸۴، ف ۲۳.
*. ترس و بیم.

حرز» حضرت امام زین العابدین؈ به جهت دفع شرّ «مسلم بن عقبهٔ خبیث»، این کلمات را قرائت فرمود و از شرّ «مسلم» سالم گشت، و آن ظالم از آن حضرت ترسان شد و آن جناب را احترام نمود! و آن کلمات این است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰاوٰاتِ السَّبْعِ وَ مٰا اَظْلَلْنَ وَالْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَمٰا اَقْلَلْنَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِینَ، اَعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّهِ وَاَدْرَءُبِکَ فِي نَحْرِهِ، اَسْئَلُکَ اَنْ تُؤْتِیَنِي خَیْرَهُ وَ تَکْفِیَنِي شَرَّهُ.

جرز امام صادق؈

۲ حرز دیگر، روایت شده که منصور حضرت صادق؈ را طلبید به جهت آنکه آسیبی به آن حضرت رساند، آن جناب این دعا را قرائت نمود، منصور غضبش تسکین یافت:

یٰاعُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَیٰا غَوْثِي عِنْدَ کُرْبَتِي اُحْرُسْنِي بِعَیْنِکَ الَّتِي لاٰ تَنٰامُ وَاکْنُفْنِي بِرُکْنِکَ الَّذِي لاٰ یُرٰامُ.

۳ **دعای حضرت موسی بن عمران؈ وقت ملاقات فرعون: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْرَءُبِکَ فِي نَحْرِهِ وَاَسْتَعِینُ بِکَ عَلَیْهِ فَاکْفِنِي شَرَّهُ.**

روایت شده که حضرت صادق؈ فرمود: این دعای ما اهل بیت؈ است که نزد ظالم می‌خوانیم.

۴ و نیز به جهت [دفع] شرّ ظالم، از حضرت موسی بن جعفر؈ روایت شده است که ما بین خود و آن ظالم سورهٔ «قُلْ هُوَاللّٰهُ اَحَدٌ» را به چهار طرف خود بخواند.[1]

۵ **و نیز به جهت دخول بر سلطان**، وارد شده که بگوید:

خَیْرُکَ بَیْنَ عَیْنَیْکَ وَ شَرُّکَ تَحْتَ قَدَمَیْکَ وَاَنَا اَسْتَعِینُ اللّٰهَ عَلَیْکَ.

۱. مصباح کفعمی، ص ۲۳۲.

جامع این اذکار گوید: خوب است این دعا را وقتی بخواند که چشمش بر سلطان ظالم افتد.

به جهت خلاصی از زندان

به جهت خلاصی از زندان، مکرّر بخواند: **يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي وَيَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي.**[۱]

تعویذ عقرب

۱ **تعویذ عقرب و هوامّ** [= حشرات زهردار و موذی] **زمین:** از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است: هر که این کلمات را بخواند [به هنگام دخول در شب] من ضامنم که او را عقرب و سایر هوامّ نگزد تا صبح کند؛ این است دعا:

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بِرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَءَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَءَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.[۲]

۲ **و نیز برای دفع گزیدن عقرب،** از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده است که بخواند:

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.[۳و۴]

۳ و نیز از برای دفع گزیدن عقرب، هر شب نگاه کند به ستارهٔ «سُهیٰ» ـ و آن ستارهٔ کوچکی است پهلوی ستارهٔ وسطی سه ستاره «بنات نعش» که در لسان ائمه علیهم السلام

---

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۷۹.

۲. مصباح کفعمی، ص ۲۲۲ به نقل از مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۴۸، راوی (اسحاق) گفت: در تمام عمرم فقط یک شب این دعا را نخواندم، همان شب عقرب مرا گزید!

تعبیر به «اَسْلَم» شده ـ پس خوب به او نظر کند و سه مرتبه بگوید: **اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَسْلَمَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا مِنْ شَرِّ کُلِّ ذي شَرٍّ.**

ذکر عُوَذات و ادعیهٔ مأثوره برای اَوْجاع [=دردها] و امراض

تعویذ تب و غیره

۱ از حضرت صادقؑ روایت شده است: [کسی که به بیماری تب مبتلا است] گریبان بگشاید و سر در گریبان کند و اذان و اقامه گوید، و هفت مرتبه سورهٔ حمد بخواند، که إنْشاءَالله تعالی تب برطرف خواهد شد.[۱]

۲ و نیز از برای رفع تب از امام حسن عسکریؑ روایت شده است [که این آیه را] بنویسد و بر تب دار ببندد: **یا نارُ کُونِي بَرْداً وَ سَلاٰماً عَلٰی إبْراٰهِيمَ.**[۲ و ۳]

تعویذ دردِ سر و درد گوش

۱ از حضرت باقرالعلومؑ روایت شده است: به جهت تسکین دردِ سر، سر را مسح کند و هفت مرتبه بگوید:

اَعُوذُ بِاللّٰهِ الَّذي سَکَنَ لَهُ ما فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما فِی السَّماٰواٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.[۴]

و این دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادقؑ هفت مرتبه نقل شده.

۲ و نیز از آن حضرت وارد شده است: پنیر بسیار کهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره در گوشی که درد می‌کند بریز.[۵]

---

۱. طبّ‌الائمّه، ص ۵۲ به نقل از بحار، ج ۹۵، ص ۴۲.
۲. انبیاء/۲۱، آیهٔ ۶۹.
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۶۹.
۴. مصباح کفعمی، ص ۱۵۴، ف ۱۸.
۵. طبّ‌الائمّه، ص ۷۳، به نقل از بحار، ج ۶۲، ص ۱۴۶.

تعویذ درد چشم

۱ وارد شده است که در وقت دیدنِ هر ماه نو، هفت مرتبه سورهٔ حمد بخوانند.

۲ و نیز به جهت حفظ از درد چشم به روایات معتبره از حضرت صادق(ع) وارد شده که: در هر روز عقب نماز صبح و مغرب بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ في بَصَري وَالْبَصيرَةَ في ديني وَالْيَقينَ في قَلْبي وَالْاِخْلاصَ في عَمَلي وَالسَّلامَةَ في نَفْسي وَالسَّعَةَ في رِزْقي وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَني.[1]

و در هر شب وقت خوابیدن سُرمه کشیدن از برای تقویت چشم نافع است، و این دعا نیز در وقت سرمه کشیدن روایت شده است.[2]

فوائد کشیدن سُرمه

و از برای کشیدن سُرمه ـ بخصوص سرمهٔ سنگ ـ فوائد بسیار است، وارد شده است که: چشم را جَلاً می‌دهد، و موی مُژه را می‌رویاند و محکم می‌کند، و آب ریختن چشم را زائل می‌کند و دهان را خوشبو می‌کند.[3]

آداب کشیدن سُرمه

و آداب سرمه آن است که: طاق بکشند، مثل آن که سه میل در دیدهٔ راست و دو میل در دیدهٔ چپ بکشند؛[4] و نقل شده که حضرت رسول(ص) پیش از خواب سُرمه می‌کشیدند: چهار میل در دیدهٔ راست و سه میل در دیدهٔ چپ.[5]

---

۱. امالی طوسی، ص ۱۹۶، مجلس ۷، ص ۳۶؛ مصباح کفعمی، ص ۱۷۵.
۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱.
۳. همان، ج ۱، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۹.
۴. همان، ج ۱، ص ۸۴.
۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۱۲.

و سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب چشم را نفع می‌رساند،[۱] و در وقت خواب رو را نورانی می‌کند و امان می‌دهد از آب آوردنِ چشم.[۲]

و بعضی از عارفین این دعا را برای تنویر [= روشن کردن] بَصَر [= چشم] در وقت سرمه کشیدن ذکر کرده و گفته: برای روشنیِ چشم مجرّب است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْكَعْبَةِ وَ بانِيها وَ فاطِمَةَ وَ أَبيها وَ بَعْلِها وَ بَنيها، نَوِّرْ بَصَري وَ بَصيرَتي وَ سِرّي وَ سَريرَتي.

۳ و نیز از برای درد چشم و ضعف باصره، دست بر چشم نهد و بگوید: أُعيذُ نورَ بَصَري بِنورِ اللّٰهِ الَّذي لا يُطْفىٰ؛ و بعد از آن بخواند آیةالکرسی را تا به آخر.[۳]

۴ و نیز از برای ضعف باصره از امام موسی علیه السلام نقل شده است: «آیهٔ نور»[۴] را مکرّر در جامی نویسد و به آب محو کند، و آن آب را در شیشه کند و از میل به چشم بکشد.[۵]

تعویذ درد دندان

۱ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: انگشت بر دندانی که درد می‌کند بگذارد و هفت مرتبه این آیه را بخواند:

هُوَ الَّذي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَليلاً ما تَشْكُرونَ.[۶]

۲ و نیز به جهت دفع درد دندان وارد شده است: میخی بگیرد و هر یک از سورهٔ حمد و معوّذتین[۷] را سه مرتبه بخواند، پس بگوید:

---

۱. همان، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۲.
۲. ثواب الاعمال، ص ۴۰.
۳. مصباح کفعمی، ص ۱۷۶؛ به تجربه رسیده است که این کار برای رفع ضعف بینائی و درد چشم مفید است.
۴. اَللّٰهُ نورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نورِهِ كَمِشْكاةٍ فيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نورٌ عَلىٰ نورٍ يَهْدِي اللّٰهُ لِنورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ. نور، آیهٔ ۳۵.
۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۰۶.
۶. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.
۷. مُعَوِّذَتَین ـ به ضمّ میم و کسر واو و مشدّد ـ یعنی: سورهٔ قُلْ أَعوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعوذُ بِرَبِّ النّاسِ؛ و از عایشه روایت است:

مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ يَا ضِرْسَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَكَلْتِ الْحَارَّ وَالْبَارِدَ فَبِالْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ وَلَهُ سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ شَدَدْتُ دَاءَ هٰذَا الضِّرْسِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ[1] بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ».[2]

پس میخ را بر دیوار بکوبد و بگوید: اَللّٰهُ اَللّٰهُ اَللّٰه.[3]

تعویذ درد شکم

۱ [برای رفع درد شکم] بخواند: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ[4] را تا آخر، و هفت مرتبه سورهٔ حمد.[5]

۲ و نیز به جهت درد شکم از حضرت کاظم علیه السلام وارد شده که بنویسد و با خود دارد سورهٔ حمد و معوّذتین و توحید را، پس بنویسد:

أَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَمِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ.[6]

تعویذ درد پا

[برای رفع درد پا] سورهٔ إِنَّا فَتَحْنَا تا «وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزاً حَكِيماً» وارد شده است.[7]

⟸ حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر موضع بدنش که درد می‌کرد، سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ را با این دو سوره بر کف دست راستش می‌خواند و به موضع درد می‌مالید. (منه ره)

۱. به جای «فلان بن فلان» ـ در هر دو جا ـ نام صاحب درد و نام پدرش را بگوید.

۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۴. مُغَاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ. (انبياء، آية ۸۷ ـ ۸۸).

۵. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۷۶.

۷. مصباح کفعمی، ص ۱۵۶.

تعویذ درد پشت

چون کمرت درد کند، دست بر جای درد گذار و سه دفعه بخوان:
وَما کانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلاّ بِاِذْنِ اللّهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَمَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَمَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَنَجْزِی الشّاکِرِینَ[۱]؛ و هفت مرتبه سورهٔ قدر بخوان.

تعویذ برای قطع رُعاف (خون آمدن از بینی)

۱ [برای] قطع رُعافِ بر پیشانی او بنویسند آیهٔ: وَقیلَ یا اَرْضُ ابْلَعی -را تا به آخر- [ماءَکِ وَ یا سَماءُ اَقْلِعی وَ غیضَ الْماءُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِیِّ وَقیلَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظّالِمینَ][۲،۳]

۲ و نیز برای قطع خون مطلقا بخواند:
بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ
ما قَطَعْتُمْ مِنْ لینَةٍ اَوْ تَرَکْتُمُوها قائِمَةً عَلی اُصُولِها فَبِاِذْنِ اللّهِ وَلِیُخْزِیَ الْفاسِقینَ.[۴]
و چون این آیه را خواند، بدَمد بر موضع خون.

تعویذ خنازیر[۵] (غُدّه‌های سخت)

[برای شفای خنازیر] این کلمات روایت شده از امام رضا ﷺ را مکرّر بر او بخوانند:
یا رَؤُفُ یا رَحیمُ یا رَبُّ یا سَیِّدی.[۶]

---

۱. همان، ص ۱۵۵.
۲. هود، ۴۴.
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۱۰.
۴. حشر، آیهٔ ۵.
۵. غدّه‌های سخت که در گردن و زیر گلو پیدا می‌شود، و گاهی تبدیل به زخم و جراحت می‌گردد و از آنها چرک می‌آید. (فرهنگ عمید).
۶. همان، ج ۲، ص ۲۳۶.

تعویذ وَرَمهای بدن

روایت شده است: چون وضو بسازی برای نماز واجب، پیش از نماز بر آن ورم بخواند:

لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ - تا آخر سورهٔ حشر - [لَرَأَيْتَهُ خٰاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثٰالُ نَضْرِبُهٰا لِلنّٰاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ، هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عٰالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهٰادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلاٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبّٰارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰانَ اللّٰهِ عَمّٰا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللّٰهُ الْخٰالِقُ الْبٰارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمٰاءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مٰا فِي السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.][1]

تعویذ ثالول

[برای شفای ثالول[2]] قطعه‌ای از نمک بردارد و بر آن موضع بمالد و بخواند سه مرتبه آیهٔ لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا الْقُرْآنَ - تا آخر سورهٔ حشر - پس آن نمک را در تنوری افکند و زود بگذرد.[3]

تعویذ آبله

در کتاب «مکارم» این شکل را برای دفع آبله و کم [= دانه و قارچ آبله] بیرون آوردن، نقل کرده است که بنویسند و بر بازو بندد:[4]

۱۶	۳	۲	۱۳
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

۱. مصباح کفعمی، ص ۱۵۶.
۲. آزخ، زگیل (فرهنگ عمید).
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۲۷.
۴. همان، ج ۲، ص ۲۸۲.

تعویذ بواسیر

از امام رضا(ع) منقول است: [برای شفای بواسیر] سورهٔ «یس» را با عسل بنویسد و بیاشامد.[1]

تعویذ هر علّتی

۱ از حضرت صادق(ع) روایت شده است: از برای هر علّتی [بیماری] دست بر موضع درد گذارد و با اخلاص این آیه را بخواند:

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً.[2،3]

۲ و نیز از حضرت امام رضا(ع) منقول است: از برای هر مَرَضی [=بیماری] این دعا بخوان که عافیت خواهی یافت:

يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَىٰ وَجَعِي الشِّفَاءَ.[4]

۳ و نیز برای هر علّتی خواندن هفت مرتبه حمد ـ و هفتاد مرتبه نیز ـ روایت شده است.[5]

۴ و نیز به روایات بسیار معتبره از حضرت رسول(ص) برای دفع فقر و بیماری وارد شده که بخوانند:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ «الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً وَلَا] وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً.[6]

---

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۲. اسری، ۸۲.

۳. طبّ الائمّة، ص ۲۸؛ مصباح کفعمی، ص ۱۵۲.

۴. مصباح کفعمی، ص ۱۵۲؛ طبّ الائمّة، ص ۲۷.

۵. همان، ص ۱۵۱ به نقل از شهید اوّل، و نیز مرحوم کفعمی از کتاب «دروس» ـ تألیف: شهید اول(ره) ـ نقل کرده است: دعا در حال سجود، دردها را بر طرف می‌کند، و نیز دست کشیدن بر محلّ سجده و سپس مالیدن آن بر جای درد، موجب زوال درد می‌شود. همان، ص ۱۵۲.

۶. کافی، ج ۲، ص ۵۵۱.

۵ و نیز علامهٔ حلّی‌ؒ در «منهاج الصّلاح»، و شیخ کفعمی‌ؒ در «بلدالامین» در اعمال «عیدنوروز» دعائی از حضرت امام رضاؑ نقل کرده‌اند که در وقت تحویل نوشته می‌شود و بر گریبان آویزان کنند، که پناه از هر چیزی است و عبارت ایشان چنین است:

رُقْعَةُ الْجَيْبِ عَوْذَةٌ لِكُلِّ شَيْءٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللّٰهِ» «اِخْسَئُوا فِيهٰا وَلاٰ تُكَلِّمُونِ، إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيّاً، أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللّٰهِ وَبَصَرِهِ عَلىٰ أَسْمٰاعِكُمْ وَأَبْصٰارِكُمْ وَبِقُوَّةِ اللّٰهِ عَلىٰ قُوَّتِكُمْ لاٰ سُلْطٰانَ لَكُمْ عَلىٰ فُلاٰنِ بْنِ فُلاٰنَةَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِ وَلاٰ عَلىٰ أَهْلِهِ وَلاٰ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، سَتَرْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَكُمْ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّتِي اسْتَتَرُوا بِهٰا مِنْ سَطَوٰاتِ الْفَرٰاعِنَةِ جَبْرَئِيلُ عَنْ أَيْمٰانِكُمْ وَمِيكٰائِيلُ عَنْ يَسٰارِكُمْ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمٰامَكُمْ وَاللّٰهُ مُطِلٌّ عَلَيْكُمْ يَمْنَعُهُ نَبِيُّ اللّٰهِ وَيَمْنَعُ ذُرِّيَّتَهُ وَأَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَمِنَ الشَّيٰاطِينِ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لاٰ يَبْلُغُ حِلْمُنٰا أَنٰاتَكَ فَلاٰ تَبْتَلِهِ وَلاٰ يَبْلُغُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ حَرَسَكَ اللّٰهُ يٰا فُلاٰنَ بْنَ فُلاٰنٍ وَذُرِّيَّتَكَ مِمّٰا يُخٰافُ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

و می‌نویسی آیة الکرسی ... را، پس از آن می‌نویسی: لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ لاٰ مَلْجَأَ مِنَ اللّٰهِ إِلاّٰ إِلَيْهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأَسْلَمَ فِي رَأْسِ الشَّهْبٰاءِ لِيهٰا طلسلسبيلا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَسَلَّمَ كَثِيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَالصَّلوٰةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ.

۲

باب دوّم

اذکار مأثوره

فضیلتِ ذکر (یاد) خدا

بدان که: از برای ذکر فضیلت بسیاری وارد شده، و حق‌تعالی برای هر چیزی حدّی قرار داده که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر که بسیار آن را خواسته است، چنانچه فرمود: وَاذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً؛[1] و حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم کثیر الذّکر بود، همانا با او راه می‌رفتیم او را ذاکر می‌دیدم، و با او طعام می‌خوردم او را مشغول به ذکر خدا می‌دیدم، و با مردم حدیث می‌کرد و گفتگو می‌نمود و از ذکر خدا غافل نبود، و پیوسته می‌دیدم که زبان مبارکش به کامش چسبیده بود و می‌گفت: لاإِلٰهَ إِلاَّ اللهُ.[2]

و روایت شده که «موسی بن عمران» علیه السلام به خدای تعالی عرض کرد: پروردگارا! بعضی مجالس بر من می‌گذرد که تو را عزّوجلّ [=عزیزتر و بزرگتر] می‌شمارم از آنکه در آن موضع ذکر تو بنمایم. فرمود: ای موسی! ذکر من در هر حال و در هر زمان نیکوست.[3]

و نیز روایت شده است: حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی! خوشحال مشو به بسیاریِ مال، و ذکر مرا در هیچ حال ترک مکن، همانا بسیاریِ مال باعث فراموشیِ گناهان شود و ترک ذکر من موجب قساوت دلها شود.[4]

---

۱. احزاب، آیهٔ ۴۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۷.

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: **باکی نیست در ذکر کردن در حالی که بول می‌کنی، چه آنکه ذکر خدا بر هر حالی خشن [= نیکو] است و از ذکر خدا خسته مشو.**[۱]

و نیز روایت شده است: هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و ذکر خدا ننمایند و صلوات بر پیغمبر نفرستند، آن مجلس حسرت و وَبال خواهد شد برایشان؛[۲] و به روایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود: **اگر ذکر خدا و ذکر ما ننمایند، آن مجلسِ حسرت خواهد شد برایشان در قیامت!**[۳]

و احادیث در فضیلت ذکر خدا در همه حال بسیار است، و مستحبّ مؤکّد است در حالِ غفلت مردمان، و در بازار، و بعد از صبح و عصر، و در دو ساعت غفلت، که وقت طلوع آفتاب و وقت غروب آن باشد؛ و مستحبّ است آهسته ذکر خدا نمودن.

انواع و اقسام ذکر برای حوائج دنیا و آخرت

و بدان که: از ائمه طاهرین علیهم السلام انواع و اقسام ذِکر از برای حوائج و مَهامّ[۴] دنیا و آخرت وارد شده، و ما در این مختصر به ذکر دَه قسم از آنها ـ که مصدوقهٔ: **تِلْکَ عَشَرَةٌ کامِلَةٌ** است ـ تبرّک می‌جوئیم:

فضیلت تسبیحات اربعه

۱ تسبیحات اربعه، یعنی: ذکر «**سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَکْبَرُ**» است، که از اذکار شریفه و سیّد تسبیحها، و باقیات صالحات و سپر آتش جهنّم است،[۵] و از برای آن فضیلت بسیار وارد شده، و در هر روز سی مرتبه گفتن ثواب

---

۱. همان، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۷۹، ح ۵.

۴. جمع مهم: کار دشوار، امر عظیم.

۵. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به بعضی از یارانش فرمود: سپرها بگیرید و مهیّا سازید! گفتند: مگر دشمنی به ما رو آورده است که باید برای دفع ضرر ایشان سپر مهیا نمود؟! فرمود: نه، ولی برای دفع آتش جهنّم از خود بگویید: سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَکْبَرُ (عین الحیاة، ج ۲، ص ⟸

بسیاری دارد، و در عقبِ نماز صبح سی‌مرتبه خواندن نیکوست.

و نیز مستحبّ مؤکّد است از برای مسافر که در عقب نمازهای شکستهٔ خود سی مرتبه «تسبیحات اربعه» را بخواند؛[۱] و مستحبّ است محافظت بر این ذکر در هر روز هنگامی که زوال محقّق شود: سُبْحَانَ اللّٰهِ وَلاَ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً.[۲]

۲ تسبیح یعنی: ذکر «سُبْحَانَ اللّٰهِ» کردن، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: هر که در هر روز سی مرتبه تسبیح کند، حق‌تعالی هفتاد بلا از او بردارد که آسانتر آنها فقر است.[۳]

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است: هر که هر روز سی مرتبه گوید: «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ»، رو به توانگری آورد.[۴] و از برای گفتنِ «سُبْحَانَ اللّٰهِ»

⟸ ۲۶۹).

و نیز روزی به یارانش فرمود: آنچه از جامها و ظرفها که دارید آنها را روی هم بگذارید به آسمان می‌رسد؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! فرمود: آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمائی کنم که ریشه‌اش در زمین و شاخهٔ آن در آسمان است؟ گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: بعد از نماز واجب سی بار بگوئید: سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلاَ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ؛ یقین ریشهٔ این کلمات در زمین و شاخهٔ آنها در آسمان است، و سوختن، غرق شدن، خانه خراب شدن، در چاه افتادن، دریدن درندگان، مردنِ بد و هر بلائی که در آن روز از آسمان فرود آید را (از انسان) دفع می‌کند. (ثواب‌الاعمال، ص ۲۶).

و نیز روزی به کسی که سرگرم کاشتن درخت بوده است فرمود: آیا می‌خواهی تو را به درختی کاشتنی راهنمائی کنم که ریشه‌اش ثابت‌تر و میوه‌اش زودرس‌تر و نیکوتر و باقی‌تر باشد؟ گفت: آری. فرمود: هر صبح و شام بگو: سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلاَ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ، آنکه خدای تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت از انواع میوه‌ها در بهشت به تو عطا فرماید و آنها از باقیات صالحات می‌باشند. (کافی، ج ۲، ص ۵۰۶، ح ۴)

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر که چهل بار این تسبیحات را بعد از هر نماز واجب بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت نماید، هر حاجتی که از خدای تعالی درخواست کند برآورده می‌شود. (امالی صدوق، ص ۲۳۹، مجلس ۳۴، ح ۱۱).

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۳؛ توضیح المسائل، م ۱۳۹۱.

۲. امام محمّدباقر علیه السلام به «محمّدبن مسلم» فرمود: محافظت کن بر این [عمل] چنانکه محافظت می‌کنی بر چشمهای خود (باقیات الصّالحات، ص ۹۱؛ فلاح السّائل، ص ۹۶).

۳. امالی صدوق، ص ۱۰۹، مجلس ۱۳، ح ۴.

۴. همان، ص ۲۵۵، مجلس ۳۷، ح ۱۳.

صد مرتبه، و گفتنِ «سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» ثواب بسیاری روایت شده است.

و وارد شده که: هر که هر روز بعد از نماز صبح ده مرتبه گوید: «سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، از کوری و جنون و جُذام و فقر و ضعف پیری عافیت یابد.[1]

و هر که در وقت شام سه مرتبه و در وقت صبح سه مرتبه بگوید: سُبْحانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ ـ تا آخر آیه ـ [وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ]،[2] اجر عظیمی بَرَد.[3]

و وارد شده از برای طولِ عمر و نصرت بر دشمن و محفوظ بودن از مردنِ بد این تسبیح شریف [را] در هنگام دخول در شب و صبح [بخواند]:

سُبْحانَ اللّٰهِ مِلاَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهى الْحِلْمِ [الْعِلْمِ خ] وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ.[4]

فضیلت تسبیح زهرا(س)

وبدان که: از برای تسبیح زهرا(س) در وقتِ خواب[5] و بعد از نمازها، فضیلت بسیار است و تسبیح زهرا(س) در عقبِ نمازهای یومیّه در هر روز گفتن، محبوبتر است نزد حضرت صادق(ع) از هزار رکعت نماز که در هر روز کرده شود،[6] و هر بنده که بر آن

---

۱. همان، ص ۱۱۰، مجلس ۱۳، ح ۵.
۲. روم، ۱۸ ـ ۱۷.
۳. همان، ص ۶۷۴، مجلس ۸۵، ح ۱۴؛ هر که این آیه را به هنگام شام بخواند هیچ خیری در آن شب از او فوت نشود و تمام بدیهای آن شب از او دور گردد، و همچنین اگر به هنگام صبح این آیه را بخواند هیچ خیری در آن روز از او فوت نشود و تمام بدیهای آن روز از او دور می‌شود.
۴. مُجتنی، ص ۲۸.
۵. از امام صادق(ع) نقل شده است: مَنْ باتَ عَلىٰ تَسْبِيحِ فاطِمَةَ كانَ مِنَ الذّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيراً وَالذّاكِراتِ: کسی که تسبیح فاطمه(س) را پیش از خواب بخواند، از زنان و مردانی به شمار می‌آید که خدا را بسیار یاد می‌کنند. (مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۸، ذیل آیهٔ ۳۷، از سورهٔ احزاب) و نیز از آن حضرت روایت شده است: کسی که در خواب می‌ترسد، پیش از آنکه بخوابد ده مرتبه بگوید: «لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ»، و تسبیح حضرت زهرا(س) را بگوید، ترس از او بر طرف می‌شود. (بحار، ج ۷۱، ص ۲۱۱).
۶. ثواب‌الاعمال، ص ۱۴۹.

مواظبت کند شقی [=بدبخت] نخواهد گشت،[۱] و از برای آن فضل بسیاری است، و کافی است در فضیلت آن که حضرت رسول ﷺ آن را اختیار کرد و به حضرت فاطمه ؑ تعلیم نمود.[۲]

و کیفیّت آن بنا بر مشهور آن است که سی و چهار مرتبه «اَللّهُ اَکْبَرُ»، و سی و سه مرتبه «اَلْحَمْدُلِلّهِ» و سی و سه مرتبه «سُبْحانَ اللّهِ» گفته شود؛ و از برای حضرت زهرا ؑ تسبیح دیگر نیز می‌باشد که در آخر کتاب با نماز آن حضرت ذکر می‌شود.

تسبیحات در ماه رمضان

و در ماه رمضان چند قسم تسبیحات است که باید خوانده شود: یکی تسبیح در سحرهاست،[۳] و دیگر تسبیح طولانی است که در روزها خوانده می‌شود، و دیگر این تسبیح مختصر است که در هر روز از آن صدمرتبه باید خواند:

سُبْحانَ الضّارِّ النّافِعِ، سُبْحانَ الْقاضِي بِالْحَقِّ، سُبْحانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ، سُبْحانَهُ وَبِحَمْدِهِ سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ.

فضیلت تحمید

۳ تحمید: یعنی ذکر اَلْحَمْدُلِلّهِ، و آن شکر نعمت و باعث زیاد شدن [نعمت] و سببِ پُر شدنِ میزان اعمال است، و گفتنِ «اَلْحَمْدُلِلّهِ کَما هُوَ اَهْلُهُ» باعثِ آن شود که نویسندگان اعمال از نوشتن ثواب آن عاجز شوند.[۴]

۱. امالی صدوق، ص ۶۷۵، مجلس ۸۵، ح ۱۶.

۲. امام محمّد باقر ؑ فرمود: خدای تعالی عبادت نشده است به چیزی از تسبیح و تمجید که بهتر از تسبیح فاطمه ؑ باشد، و اگر چیزی از آن بهتر می‌بود حضرت رسول ﷺ آن را به حضرت فاطمه ؑ عطا می‌فرمود. کافی، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۱۴.

۳. سُبْحانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوارِحَ الْقُلُوبِ... سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ (اقبال، ص ۸۲).

۴. ثواب‌الاعمال، ص ۱۴.

و مستحب است در هر روزی سیصد و شصت مرتبه ـ به عدد رگهای بدن ـ گفتنِ «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ كَثیراً عَلیٰ كُلِّ حالٍ».[۱]

و روایت شده است: هر که در وقت صبح و در هنگام دخول شب، چهار مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ»، شکر آن روز و شب را بجا آورده باشد.[۲]

و روایت شده است: چون کسی را بینی که به بلائی مبتلا گردیده است، سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي عافاني مِمَّا ابْتَلاکَ بِهِ وَلَوْ شاءَ فَعَلَ»، که هرگز به آن نوع بلا مبتلا نشوی.[۳]

و از حضرت صادق ﷺ روایت شده است: هر که بعد از نماز شام سه مرتبه بگوید: اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي یَفْعَلُ ما یَشاءُ وَلا یَفْعَلُ ما یَشاءُ غَیْرُهُ، حق‌تعالی خیر بسیار به او کرامت فرماید.[۴]

و وارد شده که چون کسی عطسه کند و بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ عَلیٰ كُلِّ حالٍ»، درد گوش و درد دندان نیابد إنْشاءَاللّٰهُ.[۵]

فضیلت تهلیل

۴ تهلیل: ـ یعنی ذکر لا إلٰهَ إلاَّ اللّٰهُ ـ و آن افضل اذکار[۶] و مونسِ مومن است،[۷] و کافی است در فضیلتِ این ذکر شریف که حق‌تعالی فرمود: **کلمة لا إلٰهَ إلاَّ اللّٰهُ حِصن ـ یعنی: حصار ـ من است، و هر که آن را بگوید داخل حِصن من شده و هر که داخل حِصن من شود از عذاب من ایمن است.**[۸]

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۳ و ۴.
۲. همان، ص ۵۰۳، ح ۵.
۳. امالی صدوق، ص ۳۳۹، مجلس ۴۵، ح ۱۲.
۴. همان، کلینی، ج ۲، ص ۵۳۵، ح ۲.
۵. همان، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۵.
۶. ثواب الاعمال، ص ۱۷، ح ۶ـ۷.
۷. همان، ص ۱۶، ح ۲.
۸. و آنگاه امام رضا ﷺ فرمود: بِشُرُوطِها وَأَنَا مِنْ [فی] شُرُوطِها؛ (هر کس با گفتن لا إلٰهَ إلاَّ اللّٰهُ از عذاب خدا ایمن نمی‌گردد، بلکه) شرطهایی دارد و (قبول داشتن ولایت) من یکی از شرطهای آن می‌باشد. و نیز از آن حضرت نقل شده ⇐

و روایت شده است : هر که آخر کلام او در وقت مردن «لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ» باشد، داخل بهشت می‌شود.

و روایت شده است: جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت: **خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید:** لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ [وَحْدَهُ].[1]

اقسام تهلیلات

و از برای تهلیل اقسامی است:

قسمی **تهلیلات** است که در قبرستان گفته می‌شود، **تهلیلات** در مقابر چنین است که از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده است: هر که داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلسَّلامُ عَلیٰ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، مِنْ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، مِنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، اِغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَاحْشُرْنا فِي زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ، عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّٰهِ.

حق‌تعالی ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و از پدر و مادرش محو گرداند.[2]

و قسم دیگر، تهلیلات دههٔ اوّل ذی الحجّة است، که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: هر که روزی ده مرتبه بخواند فضیلت بسیار درک خواهد کرد.

و تهلیلات مبارکهٔ [دههٔ اوّل ذی الحجّه] چنین است:

لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیالِي وَالدُّهُورِ، لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ اَمْواجِ الْبُحُورِ، لا اِلٰهَ اِلاَّ

⟸ است که حق تعالی فرمود: وَلایَةُ عَلِیِّ بْنِ أبي طالِبٍ حِصْني، فَمَنْ دَخَلَ أمِنَ مِنْ ناري: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام دژ مستحکم من است، هر که داخل قلعهٔ مستحکم و استوارم شود، از آتش [دوزخ] من آسوده خواهد بود. (امالی صدوق، ص ۳۰۶ ـ ۳۰۵، مجلس ۴۱، ح ۸ و ۹).

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۱۷.

۲. بحار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۱.

اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عَدَدَ الرِّياحِ فِي الْبَرارِي وَالصُّخُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلىٰ يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.[1]

و دیگر تهلیلات بعد از نمازهاست: لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ إِلٰهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَلا نَعْبُدُ إِلاَّ إِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[2]

و دیگر، تهلیل قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب است: لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[3]

و دیگر، تهلیلات سجدهٔ سجده‌های قرآن است، باید از فیض خواندن آنها محروم نگردد.[4]

---

۱. عُدّة الداعی، ص ۲۵۴، ب ۵. ۲. فلاح السائل، ص ۱۶۴، ف ۱۹.

۳. از حضرت صادق ؏ روایت شده است: هر که این تهلیل را ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آفتاب بخواند، کفارهٔ گناهان آن روز او باشد، «مِنْهُ غُفِرَ عَنْهُ» [کافی، ج ۲، ص ۵۱۸].

۴. لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ إِيماناً وَتَصْدِيقاً، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً ـ لا مُسْتَنْكِفاً وَلا مُسْتَكْبِراً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ.

چهار سوره از قرآن مجید آیهٔ سجدهٔ واجب دارد: سجده (الم تنزیل)/ آیهٔ ۱۵، فصّلت/ آیهٔ ۳۷ و ۳۸، نجم/ آیهٔ ۶۲ و علق/ آیهٔ ۱۹؛ هرگاه انسان آیهٔ سجده را بخواند یا گوش کند، باید فوراً به سجده رود، و اگر فراموش کرد هر زمان که یادش آید سجده واجب است. هرگاه در سجدهٔ قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد اگر چه ذکر نگوید کافی است، و گفتن ذکر مستحب است.

و تهلیلات آخر [= دیگر] که عبارت است از: لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً، لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ إِیمَاناً وَتَصْدِیقاً، لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عُبُودِیَّةً وَرِقّاً ـ بدون گفتن: سَجَدْتُ لَکَ یٰا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً ـ در هر روز پانزده مرتبه گفتن ثواب بسیاری دارد.[1]

و در هر روزی صدمرتبه ـ و به روایت دیگر سی مرتبه ـ هر که بگوید: لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِینُ، رو به توانگری آورد، و فقر از او بر طرف شود، و درِ جهنّم بر او بسته و درِ بهشت بر او باز شود.[2]

و از برای دفع فقر و وحشت قبر نقل شده که روزی صد مرتبه گویند: «لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ»،[3] و این ذکر شریف برای خلاصی از حبس نیز نقل شده است.[4]

و مستحب است در هر روزی ده مرتبه ـ خصوص بعد از نماز پیش از آنکه از حالت تشهّد بگردد ـ بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِیکَ لَهُ إِلٰهاً وٰاحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صٰاحِبَةً وَلٰا وَلَداً، که از برای آن فضیلت بسیاری است.[5]

---

۱. و در «ثواب الاعمال» و «محاسن» و «کافی» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید: «لا إلٰهَ إلاّ اللّٰهُ حَقّاً...» حق‌تعالی روی رحمت خود را از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را. (باقیات الصالحات، ص ۱۴۸ ط دارالثقلین).

۲. امالی طوسی، ۲۷۹، مجلس ۱۰، ح ۷۲، و روایت سی مرتبه در ص ۲۳ ثواب‌الاعمال است با این فرق که: لا إلٰهَ إلاّ اللّٰهُ الحَقُّ المُبِینُ می‌باشد.

۳. ثواب الاعمال، ص ۲۲.

۴. بنی اُمیّه شخصی را زندانی کردند، او حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دید و آن حضرت این کلمات (لا إلٰهَ...) را به وی آموخت، پس خدای تعالی همان روز از زندان آزادش کرد (مصباح کفعمی، ص ۱۷۸).

۵. کلینی [در کافی، ج ۲، ص ۵۱۹] و ابن بابویه [در ثواب‌الاعمال، ص ۲۲] و برقی در [محاسن، ص ۳۱] روایت کرده‌اند که: هر که روز ده مرتبه این دعا بخواند، حق‌تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد و محو فرماید از او چهل و پنج هزار سیّئه، و چهل و پنج هزار درجه برای او در بهشت بلند کند، و حرزی باشد برای او از شرّ شیطان و ظالمان، و مستصرف نشود او را و احاطه به او نکند گناه کبیره و به روایت دیگر [در ثواب‌الاعمال، ص ۲۳] چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه‌ای برای او بنا کند، و در روایت ابن بابویه رحمه الله ده بار نیست، این است دعا... أَشْهَدُ أنْ لا ... (باقیات الصالحات، ص ۱۴۷).

فضیلت تکبیر

۵ تکبیر: یعنی ذکر اَللّٰهُ اَکْبَرُ روایت شده است که بسیار بگوئید تکبیر و تهلیل را، همانا در نزد خدا چیزی محبوبتر از ذکر تکبیر و تهلیل نیست.[۱]

و مستحبّ است در وقت شام صدمرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ گفتن؛[۲] و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است: هر که صد مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو رفتنِ آن، حق‌تعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامهٔ عملش بنویسد.[۳]

و مستحبّ است گفتنِ شش تکبیر در افتتاح نماز، و همچنین مستحبّ است سه تکبیر بعد از سلام نماز ـ به هر تکبیری دستها را بردارد تا برابر گوش و بر زانو نهد ـ و این تکبیرات اوّل تعقیبات است.

و نیز مستحبّ است سه تکبیر با شهادتین هنگام خریدنِ متاع.[۴]

و روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در سفرها سربالا می‌رفتند، اَللّٰهُ اَکْبَرُ می‌گفتند و چون سراشیب می‌رفتند، سُبْحانَ اللّٰهِ می‌گفتند.[۵]

فضیلت تمجید

۶ تمجید: ـ یعنی: حق‌تعالی را به بزرگی یاد کردن ـ ، و از آداب دعا آن است که پیش از دعا بنده خدا را تمجید کند. و اقسامی از تمجیدات وارد شده، و اَقَلّ [=کمترین] چیزی که درباب تمجیدکفایت می‌کند آن استکه بگوئی ـ چنانچه در حدیث صادقی علیه السلام است ـ :

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۰۶، ح ۲.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در وقت شام صدمرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید، مانند آن است که صد بنده آزاد کرده باشد. (امالی صدوق، ص ۱۰۹، مجلس ۱۲، ح ۳.

۳. محاسن، ص ۳۶.

۴. الفقیه، ج ۳، ص ۲۰۰. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: کسی که در بازار بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، خدای تعالی هزار هزار حسنه برای او می‌نویسد. (امالی صدوق، ص ۲۰۴، مجلس ۸۸، ح ۱۵).

۵. کافی، ج ۴، ۲۸۷، ح ۲.

الظّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْباطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکیمُ.[۱]

فضیلت ذکر حوقله

۷ حَوْلقه : ذکر «لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ» گفتن، که بسیار گفتنِ آن برای دفع همّ و حزن و فقر و وسوسه و حدیث نفس نافع است.[۲]

و هر که در هر روز و شبی بعد از نماز صبح و مغرب صد مرتبه و یا هفت مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ»، از هفتاد نوع از انواع بلا امان یابد.[۳] و در روایتی: هر که روزی سه مرتبه گوید، نود و نه بلا از او کفایت شود.[۴]

و از حضرت امام رضاؑ منقول است: این ذکر شریف ـ یعنی: حَوْلقه بعد از بسمله ـ صد مرتبه [بعد از نماز صبح] نزدیکتر است به اسم اعظم از سیاهیِ چشم به سفیدی آن، و اسم اعظم الهی داخل آن است.[۵]

و روایت شده است : عبدالله بن جندب ـ که از بزرگان اصحاب حضرت امام موسی و امام رضاؑ است ـ عریضه خدمت حضرت ابوالحسن (امام موسی کاظمؑ) نوشت و عرض کرد : فدایت شوم، من پیر شدم و ضعف و عجز پیدا کردم از بسیاری از آنچه قوّت بر آن داشتم، دوست دارم فدایت شوم تعلیم کنی مرا کلامی که مرا به خداوند نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد کند.

---

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۶.

۲. امام صادقؑ به سفیان فرمود: هرگاه چیزی یکی از شما را غمگین نمود پس بگوید: لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ (امالی طوسی، ج ۲، ص ۹۴) و نیز فرمود: حضرت آدمؑ از حدیث نفس (وسوسهٔ خاطر) و غم و اندوه به خدای تعالی شکایت کرد. جبرئیل فرود آمد و به آن حضرت گفت بگو: لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ.
پس آدمؑ آن را گفت و وسوسه و اندوه از او بر طرف شد. (امالی صدوق، ص ۶۳۷، مجلس ۸۱، ح ۵).

۳. همان، ج ۲، ص ۵۳۱، ح ۲۹ ـ ۲۵.

۴. محاسن، ص ۴۱.

۵. مصباح کفعمی، ص ۳۰۸.

حضرت در جوان او را امر فرموده بود که این ذکر شریف را بسیار بخواند : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.[۱]

و روایت شده است: هر بنده که بگوید: «مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ»،[۲] حق‌تعالی به فرشتگان می‌فرماید: بندهٔ مرا در یابید و او را یاری کنید و حاجتش را برآورده نمائید. و هفتاد مرتبه آن را گفتن هفتاد نوع از بلا را دفع کند.[۳]

و نقل شده است: هر که در یک مجلس هزار مرتبه بگوید: «لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ»، توفیق حج یابد؛ و در روایتی: هر که هزار مرتبه «مٰاشٰاءَاللّٰهُ» در یک مجلس گوید نیز چنین باشد.[۴]

---

۱. تحف العقول، ص ۲۲۱.

۲. شخصی به امام موسی بن جعفر علیه‌السلام گفت: بعضی از پسر عموها و اهل خانه‌ام به من ستم می‌کنند! فرمود: صدمرتبه پس از طلوع صبح بگو: «مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِاللّٰهِ أَشْهَدُ وَأَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» پس او این کار را انجام داد، و ستم آنها از وی بر طرف شد. همان، حاشیه ص ۶۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۲۱.

۴. محاسن، ص ۴۲.

فضیلت استغفار

۸ استغفار: ـ یعنی: ذکر أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ـ که گفتن آن باعث فراوانیِ روزی، و کثرتِ اولاد،[1] و دافعِ هُموم [=غمها]، و دَواء گناهان و امانِ خدا بر بندگان است.[2]

و از برای گفتن هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ» بعد از نماز صبح، ثواب بسیار وارد شده است.

و روایت شده است: رسول خدا ﷺ در هر روزی هفتاد مرتبه می‌گفتند: «أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ» و هفتاد مرتبه می‌گفت: أَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ.[3]

و از آن حضرت روایت شده که فرمود: هر که در شدّتی یا نکبتی [=سختی و رنج] یا تنگی باشد، [سی] هزار مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، که حق تعالی او

---

۱. نوح، آیهٔ ۱۲–۱۰.

۲. امیرالمؤمنین علی ؑ فرمود: استغفار روزی را زیاد می‌گرداند (خصال، ج ۲، ص ۹۴) و رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که غم و اندوهش زیاد شد، پس بر او باد به استغفار (محاسن، ص ۴۳) و نیز فرمود: هر چیز دوائی دارد، و دوای گناهان استغفار است (ثواب الاعمال، ص ۱۳۹) و قرآن کریم استغفار را امان الهی معرفی نموده است آن جا که می‌فرماید: وَمَا كَانَ اللّٰهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ و تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند (انفال، ۳۳).

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۰۵.

را فرج کرامت فرماید[۱] [=سختی و تنگی را از او بر طرف می‌کند].

وارد شده است: صدبار در آخرِ شب استغفار کنید، و اگر فراموش شد در روز قضا کنید.[۲]

و از برای گفتنِ أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ الَّذي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ سه مرتبه یا پنج مرتبه، فضیلت بسیار رسیده، و اگر اضافه شود بر آن: بَدیعُ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ ذُوالْجَلاٰلِ وَالْإِكْرامِ «وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ، باعث آمرزش چهل گناه کبیره شود.[۳]

و مستحب است در هر روز بعد از نماز عصر این استغفار: أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ الَّذي لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ هُوَالْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُوالْجَلاٰلِ وَالْإِكْرامِ وَأَسْئَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَليلٍ خاضِعٍ فَقيرٍ بائِسٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ مُسْتَجيرٍ لاٰيَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَلاٰ ضَرّاً وَلاٰ مَوْتاً وَلاٰ حَيٰوةً وَلاٰ نُشُوراً.[۴]

و شیخ طوسی ـ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ ـ فرمود: مستحب است در آخر روز پنجشنبه استغفار کند به این نحو: أَسْتَغْفِرُاللّٰهِ الَّذي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ خاضِعٍ مِسْكينٍ مُسْتَكينٍ لاٰ يَسْتَطيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَ لاٰ عَدْلاً وَ لاٰ نَفْعاً وَ ضَرّاً وَ لاٰ حَيٰوةً وَلاٰ مَوْتاً وَ لاٰ نُشُوراً. وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرينَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

---

۱. مصباح کفعمی، حاشیهٔ ص ۸۵۵ و در حاشیهٔ ص ۶۲ سی مرتبه روایت شده است.

۲. مردی به امام محمّد باقر ﷺ عرض کرد: فدایت شوم، من ثروت فراوان دارم ولی فرزندی ندارم، آیا چاره‌ای برایم هست (که دارای فرزند شوم؟) فرمود: آری، به مدت یک سال صدبار در آخر (هر) شب استغفار کن، و اگر شب آن را (فراموش کرده و) انجام ندادی، در روز قضایش را بجا آور، زیرا خدای تعالی می‌فرماید: إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفّاراً، يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوالٍ وَبَنينَ: از پروردگار خود آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، تا باران‌های پُر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند [مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۶۱ ذیل آیهٔ ۱۰ ـ ۱۲ سورهٔ نوح].

۳. خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۴۰، ب ۴۰، ح ۱۲.

۴. فلاح السائل، ص ۲۰۱، ف ۲۱.

بهترین زمان استغفار

و از برای استغفار وقتی و ماهی و روزی نیست بلکه در همه حال نیکوست، بَلی افضل اوقات آن: **سحرها و بعد از صبح و عصر است**، و در خصوص ماه شعبان تأکید دارد، و روایت شده است: **بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است**،[1] **و در هر روز از ماه شعبان وارد شده که هفتاد مرتبه بگویند:**

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.[2]

و در روایت وارد شده که حق تعالی فرمود: هر که در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: «**أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ مِنْ جَميعِ الذُّنُوبِ وَالْآثامِ**»؛ پس اگر او را نیامرزم، پروردگار شما نیستم!

و از برای گفتن **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** هفتاد مرتبه بعد از عصر روز جمعه، فضیلت بسیار است.

و طلب آمرزش و استغفار برای والدین و مؤمنین بسیار نیکوست، و از حضرت صادق‌ؑ روایت شده است: هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید: **اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ**، حق تعالی به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت برای او حسنه‌ای می‌نویسد، و گناهی از او محو کند و درجه‌ای برای او بلند گرداند.[3]

برخی از آداب استغفار

و باید دانست که: استغفار نه همان گفتن **أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ** است، بلکه باید حالت پشیمانی و عزم بر ترک گناهان، و أداءِ حقوق الهیّه و مردم و سایر آداب استغفار با آن بوده باشد،

---

۱. فضائل الاشهر الثلاثة، ج ۳۳، ص ۱۵۱، ط دارالهادی. ۲. ثواب‌الاعمال، ص ۱۹۸.
۳. امالی صدوق، ص ۴۶۲، مجلس ۶۰، ح ۷.

و اِلاّ مُجرّد حرکت دادن زبان باعث سُخریه و استهزاست، و باید از چنین استغفاری استغفار کرد.

فضیلت صلوات

۹ **ذکر صلوات،** که از اذکار شریفه است و **چیزی در میزان اعمال سنگین‌تر از صلوات گذاشته نمی‌شود،** و کثرتِ ذکرِ آن گناهان را نابود و ویران می‌کند، و صلوات در ابتدا و انتهاء دعا باعث مستجاب شدن آن دعاست،[۱] و دعائی که در آن صلوات نباشد به آسمان بالا نمی‌رود و محجوب می‌شود،[۲] و **افضل اعمال روز جمعه صلوات فرستادن است.**[۳]

● و مستحبّ است در هر روز صد مرتبه صلوات فرستادن و در روز جمعه هزار مرتبه[۴] و همچنین در شب آن، و خوب است که این صدمرتبه صلوات یومیّه را در عقبِ نماز فجر ذکر کند.

● و روایت شده که: هر که بعد از نماز صبح و بعد از نماز مغرب ـ پیش از آنکه تکلّم کند و از حالت تشهدّ بیرون رود ـ بگوید:

إِنَّ اللّٰهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، حق‌تعالی صد حاجت او را برآورد که هفتاد

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.
۲. همان، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۰.
۳. همان، ج ۳، ص ۴۲۹.
۴. همان، ج ۳، ص ۴۱۶.

حاجت آن متعلّق به دنیا و سی حاجت آن متعلّق به آخرت باشد.[۱]

● و از حضرت امام موسی ﷺ منقول است: افضل اعمال در روز جمعه آن است که صد مرتبه بعد از نماز عصر صلوات بفرست، و اگر زیادتر کنی افضل است؛[۲] و در روایتی وارد شده که: «بهترین اوقاتِ صلوات در روز جمعه بعد از عصر است، و صدمرتبه می‌گوئی: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**،»[۳] و اگر بعد از نماز فجر[۴] و ظهر جمعه به این نحو کسی صلوات بفرستد، وارد شده که از دنیا بیرون نرود تا آنکه حضرت قائم ﷺ را درک کند».[۵]

● و مستحبّ مؤکّد است در هنگام شنیدن و بردن نام مبارک حضرت رسول ﷺ صلوات فرستادن، و در حکم آن حضرت است اهل بیت طاهرهٔ آن جناب ـ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ ـ که در وقت شنیدن و بردنِ نام ایشان باید برایشان صلوات و سلام فرستاد، و سایر انبیا و اوصیا ـ ﷺ ـ نیز چنین می‌باشند، لکن خوب است اوّل صلوات بر رسول خدا و اهل بیت او ـ ﷺ ـ فرستاده شود بعد برایشان، مگر در حضرت ابراهیم ﷺ.

● و «ابن ادریس» ﷺ از «جامع بزنطی» نقل کرده که حضرت صادق ﷺ فرمود: هر کس بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند، مثل ثواب عمل جنّ و انس در آن روز به او عطا کنند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَلْأَوْصِيٰاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَبٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَالسَّلاٰمُ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ أَرْوٰاحِهِمْ وَأَجْسٰادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[۶]

مؤلّف گوید: این صلوات را جماعت بسیاری از علما با فضیلت بسیار با اختلاف جزئی روایت کرده‌اند، و در روایت «سیّدبن طاووس»[۷] ﷺ ده مرتبه، و به روایت دیگر هفت

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۴۱.
۲. همان، ص ۱۸۹.
۳. جمال‌الاسبوع، ص ۲۷۷، ف ۴۷.
۴. بحار، ج ۸۶، ص ۷۷ به نقل از جنةالامان.
۵. جمال‌الاسبوع، ص ۲۶۱، ف ۳۲.
۶. بحار، ج ۹۰، ص ۹۳ به نقل از سرائر، ص ۴۷۰.
۷. جمال‌الاسبوع، ص ۲۷۴، ف ۴۷.

مرتبه وارد شده، و به جای «وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ» دارد: وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ؛ و در «کافی» و «ثواب الاعمال»: وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ است.

● و مستحبّ است نیز در روز جمعه خواندن صلوات مرویّه از امام زمان‌ؑ که به سوی «ابوالحسن ضرّاب اصفهانی» بیرون آمده،[1] و نیز خواندن صلوات کبیر ـ که اوّلش این است: اَللّٰهُمَّ اِنَّ مُحَمَّداً كَمٰا وَصَفْتَهُ فِي كِتٰابِكَ ـ بعد از عصر جمعه.[2]

۱. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۷؛ جمال الاسبوع، ص ۶ـ۳۰۴، ف ۳۷.
۲. مصباح المتهجّد، ص ۵۲ـ۳۴۵؛ جمال الاسبوع، ص ۹۵ـ۲۸۸، ف ۳۷.

فضیلت ذکرهای: بِسْمِ اللّٰهِ، یا رَبِّ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و ...

۱۰ ذکر: بِسْمِ اللّٰهِ، یا رَبِّ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ و امثال اینها:

بدان که: ذکر «بِسْمِ اللّٰهِ» در اوّل هر کاری سزاوار است خصوص در وقتِ خوردن، آشامیدن، جماع، سواری، پوشیدنِ جامه، بیرون آمدن از خانه و مانند آنها.

از امام علیّ النّقی‌ؑ منقول است که فرمود: اگر بگویم کسی که ترک کند گفتن و نوشتنِ بِسْمِ اللّٰه را در کارها و نوشته‌ها، مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفته‌ام.[۱]

و روایت شده که: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ نزدیکتر است به اسم اعظم الهی از سیاهیِ چشم به سفیدیِ آن.[۲]

و روایت شده است: هر که ده مرتبه «یا اَللّٰهُ» گوید، یا آنکه آنقدر «یا اَللّٰهُ» گوید که نفس منقطع شود، حق تعالی فرماید: لبّیک ای بندهٔ من! حاجتِ خود را بخواه.

و همچنین وارد شده در گفتنِ «یارَبِّ» ده مرتبه یا بقدری که نفس وفا کند.[۳]

---

۱. تحف‌العقول، ص ۵۱۱، ح ۸، از سخنان امام هادی‌ؑ. ۲. عدةالداعی، ص ۴۹، ب ۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰۲؛ محاسن، ص ۳۶.

و همچنین است در گفتنِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ هفت مرتبه.[۱]

و برای استجابت دعا وارد شده که هر یک از: یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ وَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ را آنقدر بگوید که نفس منقطع شود، آنگاه حاجت بخواهد.

و از برای ذکر «یاذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ» فضیلت بسیاری وارد شده، و گفته شده است که آن **اسم اعظم الهی** است،[۲] و در حدیث نبوی است: «ذکر «یا ذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ» را بسیار بگوئید؛ و نقل شده که: آن حضرت مرور کرد [=گذشت] به مرد نمازگزاری که دعا می‌کرد و این کلمه را می‌گفت، حضرت فرمود: حق‌تعالی دعای تو را مستجاب فرمود.»[۳]

و وارد شده است: در وقت تحویل [سال] این ذکر را بسیار بگویید.

و عالم جلیل «سیّد علیخان» ـ‌رحمه‌الله‌ـ در «کلم طیّب» از برای مواظبت بر این کلمات فایدهٔ عظیمی ذکر کرده است:

یاحَلیمُ یاعَلیمُ یاعَلِیُّ یاعَظیمُ یاحَیُّ یاقَیُّومُ یاذَاالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ فَاَغِثْنی یا مُغیثُ یا مُغیثُ یا مُغیثُ لااِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ.[۴]

و از برای شداید و سختیها و گرفتاریها، بسیار گفتنِ «یارَؤُفُ یا رَحیمُ» وارد شده است.[۵]

و از برای زنده شدنِ دل، ذکر این کلمات وارد شده:

یاحَیُّ یا قَیُّومُ یا لااِلٰهَ اِلاّ اَنْتَ اَسْأَلُکَ اَنْ تُحْیِیَ قَلْبی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

---

۱. محاسبة‌النفس، سیّدبن طاووس، ص ۶۲. ۲. عدة‌الداعی، ص ۴۹، ب ۲.

۳. بحار، ج ۹۳، ص ۲۳۵ به نقل از دعوات راوندی، معانی‌الاخبار، ص ۲۳۰.

۴. سیّد علیخان رحمه‌الله فرمود: (این دعا) نامهای بزرگ خداوند است، هر که مداومت در خواندن آنها کند، هر چیز را توانا خواهد شد. (کلم طیّب، ص ۹، ط تجاح).

۵. امام رضا علیه‌السلام فرمود: پدرم را در خواب دیدم، فرمود: هرگاه به شدّتی و سختی گرفتار می‌شوی، بسیار بگو: یا رَؤُفُ یا رَحیمُ؛ و ما آنچه را که در خواب می‌بینیم مانند آن است که در بیداری می‌بینیم. (مهج الدّعوات، ص ۳۱۶).

وَآلِ مُحَمَّدٍ.[۱]

و از حضرت باقرالعلوم علیه السلام ثواب بسیاری از برای گفتن این کلمات نقل شده است:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.[۲]

و وارد شده که: اگر کسی حاجتی داشته باشد یا از امری خائف باشد، هفتاد مرتبه بگوید: «**يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**»، و بعد از هر مرتبه مقصود خود را بگوید که به قصد خود خواهد رسید.[۳]

و از برای خوف از دشمن و غیره، ذکر «**حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ**»؛ و از برای دفع غم، ذکر «**لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**»؛ و از برای دفع مکرِ دشمن، ذکر «**أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ**»؛ و از برای جلب مال و متاع، ذکر «**مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ**» نافع است.[۴]

---

۱. مُجتنی، ص ۲۰.

۲. به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است: هر مؤمنی که این کلمات را بخواند، من در دنیا و آخرت ضامن او هستم، امّا در دنیا پس فرشتگان در هنگام مرگش به او بشارت دهند، و امّا در آخرت حق تعالی به عدد هر کلمه خانه‌ای در بهشت به او عطا فرماید. (عین الحیات، ج ۲، ص ۳۸۶؛ قرب الاسناد، ص ۲).

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۵۶.

۴. خصال، ج ۱، ص ۱۰۳؛ امالی صدوق، ص ۵۴، مجلس ۲، ح ۲.

تَتْمیمٌ

نود و نه نام خدا و فضیلت اِحصاءِ آن

شیخ صدوق - رِضْوانُ اللّٰهِ عَلَیْهِ - از حضرت امام رضا ؑ روایت کرده، و آن حضرت از پدرانِ بزرگوار خود از امیرالمؤمنین ؑ حدیث کرده که پیغمبر خدا ﷺ فرمود: برای حق تعالی نود و نه نام است[1] که هر که خدا را به آن نامها بخواند، دعایش مستجاب می‌شود و هر که آن نامها را احصا کند، داخل بهشت می‌شود؛ و قریب به این مضمون نیز از حضرت صادق ؑ روایت کرده، و آن نامهای شریفه این است:

اَللّٰهُ اَلْواحِدُ اَلْأَحَدُ اَلصَّمَدُ اَلْأَوَّلُ اَلْآخِرُ اَلسَّمیعُ اَلْبَصیرُ اَلْقَدیرُ اَلْقاهِرُ اَلْعَلِیُّ اَلْأَعْلَی اَلْباقی اَلْبَدیعُ اَلْبارِیءُ اَلْأَکْرَمُ اَلظّاهِرُ اَلْباطِنُ اَلْحَیُّ اَلْحَکیمُ اَلْعَلیمُ اَلْحَلیمُ اَلْحَفیظُ اَلْحَقُّ اَلْحَسیبُ اَلْحَمیدُ اَلْحَفِیُّ اَلرَّبُّ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحیمُ اَلذّارِیءُ اَلرّازِقُ اَلرَّقیبُ اَلرَّؤُفُ اَلرّائی اَلسَّلامُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَیْمِنُ اَلْعَزیزُ اَلْجَبّارُ اَلْمُتَکَبِّرُ اَلسَّیِّدُ اَلسُّبُّوحُ اَلشَّهیدُ اَلصّادِقُ اَلصّانِعُ اَلطّاهِرُ اَلْعَدْلُ اَلْعَفُوُّ اَلْغَفُورُ اَلْغَنِیُّ اَلْغِیاثُ اَلْفاطِرُ اَلْفَرْدُ اَلْفَتّاحُ اَلْفالِقُ اَلْقَدیمُ اَلْمَلِکُ اَلْقُدُّوسُ اَلْقَوِیُّ اَلْقَریبُ اَلْقَیُّومُ اَلْقابِضُ اَلْباسِطُ قاضِی الْحاجاتِ اَلْمَجیدُ اَلْمَوْلی اَلْمَنّانُ اَلْمُحیطُ اَلْمُبینُ اَلْمُقیتُ اَلْمُصَوِّرُ اَلْکَریمُ

---

۱. عالم ربّانی مرحوم «احمدبن فهد» در کتاب عدّة‌الدّاعی پس از ذکر این نامهای شریفه، آنها را شرح داده است.

الْكَبِيرُ الْكَافِي كَاشِفُ الضُّرِّ الْوِتْرُ النُّورُ الْوَهَّابُ النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوَدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْبَرُّ الْبَاعِثُ التَّوَّابُ الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ الدَّيَّانُ الشَّكُورُ الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ الشَّافِي.[1]

---

۱. عدة الداعی، ص ۲۹۹؛ مصباح کفعمی، ص ۳۱۳.

۳

باب سوّم

در ادعیه و اذکار متعلّقه به عادات و احوال
و مطالب و مقاصد و غیره،
و برخی از آداب و سُنن به مناسبت هر دعا.

دعای خروج از منزل و دخول در آن و مختصری از آداب خانه

چون از منزل بیرون می‌روی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ [لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ][1].

و اگر خواهی که در حفظ خدا باشی تا به خانه برگردی، بخوان، ده مرتبه سورهٔ توحید را.[2]

و چون داخل خانه شوی، سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» بخوان که فقر و پریشانی را بر طرف می‌کند؛ و سلام کن بر اهل خانه، و اگر کسی نباشد بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْنا مِنْ رَبِّنا.[3]

و چون داخل حجره شوی «بِسْمِ اللّٰهِ» بگو که شیطان می‌گریزد؛[4] و نیز هنگام دخول در منزل بگو: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.[5]

---

۱. بحار، ج ۷۶، ص ۱۶۹ به نقل از قرب‌الاسناد، ص ۲۱۹، با اندک تفاوت.

۲. عدة‌الداعی، ص ۲۸۱، ب ۶.

۳. خصال، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۴.

۴. جامع‌الاخبار، ص ۱۰۴.

۵. مستدرک، ج ۳، ص ۴۶۱ با اندک تفاوت.

[آداب خانه]

و بدان که: از سعادت آدمی گشادگیِ خانه است،[۱] و شومیِ خانه در تنگیِ ساحت[۲] و بدیِ همسایگان آن است؛[۳] و باید در بناء خانه بقدر حاجت اکتفا کرد که زائد آن در قیامت وَبال[۴] است، و اگر کسی خانه را بجهت ریا و سُمعه بنا کند و برای آنکه زیادتی[۵] کند بر همسایگان و فخر و مباهات کند، آن خانه را در روز قیامت تا هفتم طبقهٔ زمین آتشی افروخته کنند و در گردنِ صاحبش افکنند، پس او را در جهنّم اندازند.[۶]

و سقف بیت [=خانه] را زیادتر از هفت یا هشت ذراع بلند مکن که شیطان و جنّیان در آنجا ساکن می‌شوند، و اگر احیاناً بلندتر شد، آیةالکرسی بر آن زیادتی بنویس که جنّیان را دفع کند.[۷]

و چون خانه ساختی گوسفند فربهی بکش و گوشت آن را به مردم پریشان بخوران و بگو:

«اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّیاطِینِ وَبارِکْ لي في بِنائي»، تا ضرر متمرّدان [= سرکشان]جنّ و انس و شیاطین از تو دفع شود و خانه بر تو مبارک شود.[۸]

و درخانه و اطاق صورت و مثال مکش،[۹] و مکان نماز برای خود قرار ده،[۱۰] و قرآن

---

۱. محاسن، ص ۶۱۰ ـ ۱۱. ۲. فضای خانه.

۳. معانی الاخبار، ص ۱۵۲. ۴. سوء عاقبت، عذاب.

۵. افزون طلبی. ۶. امالی صدوق، ص ۲۵۶.

۷. محاسن، ص ۶۰۹، ح ۱۵ ـ ۱۱. ۸. ثواب‌الاعمال، ص ۲۲۱.

۹. محاسن، ص ۶۱۲ ـ ۱۷ محمدبن مسلم از امام صادق‌ع از تمثال درخت و خورشید و ماه پرسید [که اگر در خانه باشد چه اشکالی دارد؟] حضرت فرمود: تمثال چیزی از حیوان نباشد اشکالی ندارد. (فقط تمثال موجودی که دارای روح است اشکال دارد). (محاسن، ص ۶۱۹، ح ۵۴).

۱۰. امام صادق‌ع فرمود: علی‌ع در خانه‌اش اطاق متوسطی ـ که نه کوچک بود و نه بزرگ ـ برای نمازش قرار داد، و تنها فرزند خردسالی را با خود به آن اطاق می‌برد و در آن جا نماز می‌خواند.

یکی از یاران امام صادق‌ع ـ به نام مسمع ـ گفت: آن حضرت برای من نوشت که دوست دارم برای تو که یکی از اطاقهای

⟸

در خانه بخوان که برکت و خیرخانه زیاد شود، و فرشتگان حاضر و شیاطین دور شوند.[۱]

و ساختهای خانه را جاروب کن و آن را کثیف مگذار، و خاکروبه را بیرون بر، و تار عنکبوت را زائل کن که ماندن آن باعث فقر و پریشانی است.[۲]

و در خانهٔ شکسته منزل مکن، و بر بام غیر مُحجَّر[۳] مخواب[۴].

توصیه در باب همسایه

و به خانهٔ همسایگان نگاه مکن، و ایشان را اذیّت ترسان، ناودان به خانهٔ ایشان مگذار، خاکروبه بر در خانه ایشان مریز، و از دود و بوی طعام خود ایشان و اطفال ایشان را اذیّت مکن، و با ایشان مواسات کن، و مباداکه شب سیر بخوابی و ایشان گرسنه باشند، و یا در راحت باشی و ایشان در شدّت و سختی و در سرما و برهنگی باشند، و منع مکن از ایشان نمک و آتش و مانند اینها را، و اگر چیزی از ضروریّات خانه به عاریة خواستند، بده به ایشان و اگر خمیری یا نانی قرض خواستند، مضایقه [دریغ] مکن، و بالجمله از هر جهت مراعات کن ایشان را که از اهل بیت عصمت(ع) تأکید و توصیهٔ بسیار در باب رعایت همسایه شده است،[۵] و در تعیین همسایه رجوع به عُرف شود.

و تنها در خانه مباش و مخواب،[۶] و درِ خانه و اطاق و درِ ظرفهای آب و طعام را ببند که شیطان درِ بسته و ظرف سر بسته را نمی‌گشاید.[۷]

⟸ خانمات را نمازخانه قرار دهی و... و به آن جا رفته و از خدای تعالی بخواهی که تو را از آتش جهنم آزاد نموده و تو را داخل بهشت کند، و دعای نامشروع مکن و بر کسی نفرین نکن (محاسن، ص ۶۱۲).

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۳.

۲. محاسن، ص ۶۲۴.

۳. بام بی نرده.

۴. محاسن، ص ۶۲۲.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۶۹ـ ۶۶۶، ب حق الجوار.

۶. همان، ج ۶، ص ۳۴ـ ۵۳۳، ح ۱۰ـ ۱.

۷. همان، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۲.

آداب چراغ و نگاه داشتن حیوانات

و در خانه و اطاق تاریک داخل مشو، مگر آنکه چراغی یا آتشی افروخته با خود داشته باشی، و چراغ را پیش از غروب آفتاب روشن کن که پریشانی را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند، و چون چراغ را افروختی [این دعا را] بخوان:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنا نُوراً نَمْشي بِهِ فِي النّاسِ وَلاٰ تَحْرِمْنا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقاكَ وَاجْعَلْ لَنا نُوراً إِنَّكَ نُورٌ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.

و چراغ را به نَفَس خاموش مکن، و چون خاموش شود [این دعا را] بخوان: **اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنا مِنَ الظُّلُمٰاتِ إِلَى النُّورِ.**[1]

و نگاه داشتن حیوانات مانند: کبوتر و مرغ و خروس و بزغاله در خانه ممدوح است و باعثِ اشتغال شیاطین به آنها[2] و موجب ایمنی اطفال از ضرر شیاطین است.[3]

و نگاه داشتنِ سگ در خانه مذموم است، و وارد شده که: هر که [سگ] در خانه نگاه دارد، هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می‌شود.[4]

[و روایت شده است: فرشتگان داخل نمی‌شوند در خانه‌ای که سه چیز در او باشد: سگ، تمثال سگ و ظرفی که در او بول کنند.][5]

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۴۴، ح ۲۰۹۶.
۲. کافی، ج ۶، ص ۵۴۷ ـ ۵۴۶، ح ۵ و ۸.
۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۸۶۷.
۴. کافی، ج ۶، ص ۵۵۲.
۵. خصال، ص ۱۳۸، ب ۳، ح ۱۵۵.

دعای دخول در بازار

[چون پا در بازار گذاردی، بگو: اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ مِنْ خَيْرِها وَخَيْرِ اَهْلِها. [تا از شرّ بازار و اهل آن امان یابی.][1]

و نیز روایت شده که هر کس در بازار بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هزار هزار حسنه برای او نوشته شود.[2]

ذکر رفتن به بازار و آداب کسب و تجارت

وبدان که: بازار بدترین بقعه‌های زمین و میدان شیاطین است، و با اوّل کسی که داخل بازار می‌شود شیطان داخل می‌شود و با آخر کسی که بیرون می‌رود، شیطان بیرون رود.[3]

---

۱. همان، ج ۵، ص ۱۵۵؛ چون این دعا را بخواند خدای تعالی فرشته‌ای را بر او موکّل گرداند که او را متاعش را محافظت نماید تا به خانه برگردد. پس (آن) فرشته گوید: امروز از شرّ این بازار و شرّ اهل این بازار ایمن شدی، و امروز به فرمان خدا خیر این بازار و خیر اهل این بازار نصیبت شد.

۲. محاسن، ص ۴۰. در محاسن و «بحار» ج ۷۳، ص ۱۷۴ «ذکر صلوات نیامده است.

۳. معانی‌الاخبار، ص ۱۶۸؛ الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۸؛ و نیز از امام صادق عليه السلام روایت شده است: کسی که داخل بازاری یا مسجد ←

و باید دانست که: برای تجارت و کسب حلال فضیلت بی شمار رسیده، ولکن باید در بازار ننشینی مگر آنکه مسائل خرید و فروش را بدانی که تجارت و کسب با حال نادانی، باعثِ خوردنِ ربا می‌شود.[1]

و باید از قسم خوردن و دروغ گفتن در وقت خریدن و فروختن اجتناب کنی؛ و دوری کنی از پوشانیدن متاع خود و از مدح کردنِ آن هنگام فروختن و مذمّت کردنِ آن در وقت خریدن.

و در معامله سختگیری مکن و مهربانی و بردباری کن با مشتریها، و اگر فروشنده یا خریدار معامله را خواستند فسخ کنند، اقاله[2] **کن و ستم به مردم مکن و با مظلومان انصاف از خود بده.**[3]

و از مردمی که کار بر آنها بسته شده چیزی خریداری مکن، و با کُردان و بانوکیسه و با جماعتی که پیسی و جُذام و مرضهای مُسری و نقصان در بدن دارند معامله مکن.

و اجتناب کن از فریب دادنِ مردمان، و کم فروشی، و آب در شیر کردن، و احتکار نمودن، و متاع را در تاریکی و زیر سقف فروختن،[4] و در مابین الطّلوعین کسب کردن و داخل در معاملهٔ برادر مؤمن شدن.[5]

و مستحب است که کاسب چون چیزی خرید، سه بار تکبیر بگوید[6] و شهادتین را.

⟸ جماعتی شود و یک بار این دعا را بخواند، برابر است با یک حج مبرور [ثواب یک حج پذیرفته شده به او داده می‌شود] آن دعا این است: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

و نیز آن حضرت فرمود: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَسْوَاقِ غُفِرَ لَهُ بِعَدَدِ أَهْلِهَا؛ کسی که در بازارها خدا را یاد کند، به عدد اهل آن (بازارها، گناهانش) آمرزیده می‌شود. الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۹ ـ ۲۰۰.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۲۳.

۲. بهم زدن معامله.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۵۱ ـ ۱۵۰.

۴. همان، ج ۵، ۶۱ـ۱۵۷.

۵. بدایةالهدایة و لبّ الوسایل، ج ۲، ص ۱۲۳.

۶. الفقیه، ج ۳، ص ۲۰۰.

حفظ متاع

و در «مجموعۀ شیخ شهید» به خطّ شیخ محمّد جبعی ـ جدّ شیخُنَاالبهائی ـ رِضْوانُاللّهَ عَلَیْهِمْ ـ این صورت را به جهت حفظ متاع یافتم:

لا الا الا الا ولـ با الله محیط یعسلون و بالحقّ انزلناهُ و بالحقّ نـزل یسـعلون کمسلهن.

آداب مجالست و معاشرت

دعای نشستن و برخاستن در مجالس یا جمله‌ای از آداب مجالس:

بدان ای عزیز من! که چون خواست وارد مجلس شوی [باید چند چیز را مراعات کنی]:

۱ اوّل باید ملاحظه کنی که جائی نباشد که محلّ تهمت و گمان باشد،[۱] بلکه مجلسی باشد که سزاوار داخل شدن تو را در آن داشته باشد.

۲ و چون خواستی بنشینی جائی را اختیار کنی که لیاقت آن مکان را داشته باشی،[۲] و اگر مکانی باشد که شرفِ تو مناسب بالاتر دارد، بهتر و خوبتر و به تواضع اقرب است،[۳] و مکانی را که سزاوار نیستی منشین که اگر خوار شدی، خود را باید ملامت کنی،[۴] و کسی که هر چیزی از او پرسند و او نتواند جواب گوید، یا آنکه دیگران چون عاجز از جواب شدند او حق را نتواند بیان کند، با چنین حالی [اگر] در صدر مجلس نشیند احمق است.[۵]

---

۱. نهج‌البلاغه، جزء ۳، ص ۱۹۲.

۲. کسی که پایین‌تر از شرف و مقام خود بنشیند، پیوسته خدای تعالی و فرشتگان بر او درود می‌فرستند تا از جای خود برخیزد. (کافی، ج ۲، ص ۶۶۱).

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۰.

۵. کافی، ج ۱، ص ۱۹.

۳ و اگر اهل مجلس جائی برایت گشادند، بنشین و اگرنه هرجا که گشاده‌تر است[۱] [بنشین] و صاحبِ خانه هر جا که می‌فرماید بنشین.[۲]

۴ و چون خواستی بنشینی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، و رو به قبله را در مجلس اختیار کن.[۳]

۵ و از مجالس اشرار و فُسّاق و ظالمین اجتناب کن، و با کسی بنشین که دیدنِ او خدا را به یاد تو آورد، و سخن گفتنِ او در علم تو بیفزاید و کردار او تو را به سوی آخرت رغبت [=علاقمند] فرماید.[۴]

۶ و چون در مجلسی نشینی با اهل مجلس نیکو معاشرت کن و حیی [باحیا] و حلیم و وَقور [=باوقار] باش؛ و سخن مردم را قطع مکن مگر آنکه غیبتی یا بُهتانی یا دروغی یا حرام دیگر باشد؛ و در نهی از منکر و امر به معروف مُسامحه مکن، و مزاح بسیار مکن که آبرو و مَهابت را می‌برد و کینه‌ها تولید می‌کند، و بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود برمَدار که باعث بر طرف شدن حیاست، و زنهار از مجادله و آزار کردنِ مردمان، و برتو باد به عفو کردن و فرو بردنِ خشم، که عفو و کظمِ غیظ از مکارمِ دنیا و آخرت و باعث عزّت دارین [=دنیا و آخرت] است.

و بدان که: اظهار دوستی و مهربانی با مردم، نصف عقل است.[۵]

---

۱. امالی طوسی، ص ۲۹۳، مجلس ۱۴، ح ۱۵.　　۲. قرب‌الاسناد، ص ۳۳.

۳. بیشتر نشستن رسول خدا ﷺ رو به قبله بوده است (کافی، ج ۲، ص ۶۶۱) و نیز آن حضرت فرمود: هر چیزی شرفی دارد، و همانا شریفترین نشستنها آن است که رو به قبله باشد. (الغایات، ص ۸۷) و نیز فرمود: کسی که یک ساعت رو به قبله بنشیند، برای او پاداش حجّاج و عُمّار می‌باشد. (مستدرک الوسایل، ج ۸، ص ۴۰۶، ح ۹۸۱۲).

۴. رسول خدا ﷺ فرمود: حواریّون به حضرت عیسی ﷺ گفتند: یا رُوحَ اللّٰه! با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: مَنْ يُذَكِّرُكُمُ اللّٰهَ رُؤْيَتُهُ، وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (کافی، ج ۱، ص ۳۹).

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۴۳.

بهترین مجالس

و بهترین مجالس، مجلسی است که ذکر خداوند و مذاکرهٔ احادیث و فقه و علوم اهل بیت علیهم السلام شود، و در سابق گذشت روایتی که فرمودند: هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات نفرستند، آن مجلس حسرت و وبال است برایشان در قیامت.[1]

دعای برخاستن از مجلس

و چون از مجلسی برخاستی بگو:

سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ[2و3]، که این ذکر شریف کفّارهٔ آن مجلس است.

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۷. ۲. صافات، ۸۲ـ۱۷۹.
۳. کافی، ج ۲، ص ۴۹۶.

دعای قهقهه

به جهت کفّارهٔ خندهٔ قهقهه بگو: **اَللّٰهُمَّ لاٰ تَمْقُتْنی.**[1]

وارد شده است که: خندهٔ قهقهه از شیطان است، و بسیار خندیدن کار بی خردان است و دل را می‌میراند و دین را می‌گدازد چنانچه آب نمک را،[2] و آدمی را در قیامت فقیر می‌کند،[3] و چه بسیار کسی که بسیار خندد از روی لعب و بازی، در قیامت گریه‌اش بسیار شود.[4] و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: عجب دارم از کسی که ایمان به جهنّم دارد چرا می‌خندد؟![5]

بلی اگر خندیدن به طریق تبسّم و گشاده روئی باشد باکی نیست، بلکه ممدوح است، چه [=زیرا] مؤمن باید عَبوس و گرفته نباشد.

دعای عطسه

چون کسی عطسه کند، دست بر روی بینی نهد و بگوید:

---

۱. خدایا مرا دشمن مدار و بر من غضب مکن. (کافی، ج ۲، ص ۶۶۴).

۲. همان، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۶.

۳. قرب‌الاسناد، ص ۲۶.

۴. عیون‌الاخبار، ج ۲، ص ۲.

۵. بحار، ج ۷۷، ص ۷۲.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ [حَمْداً] كَثِيراً كَما هُوَ اَهْلُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،[1] و چون صدای عطسهٔ کسی را شنید، او را دعا کند و بگوید: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ، و صاحب عطسه در جواب گوید: يَغْفِرُاللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ.[2]

و دعای عطسه از جمله حقوقی است که مسلمان بر برادرش دارد.[3]

ذکر غضب

چون بر کسی غضب کردی به جهت تسکین آن بگو: اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ.[4]

و نیز به جهت تسکین غضب یاد خدا کن و صلوات بفرست، و اگر ایستاده‌ای بنشین، و اگر غضب بر رَحِم [=خویشاوند] است، مسّ بدنِ او نما.[5]

دانش و ثروت بسیار

به جهت تحصیل علم و مالِ بسیار، دو ماه پی در پی روزی چهارصد مرتبه بگو: اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ الَّذِي لاإِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ذُوالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ مِنْ جَمِيعِ جُرْمِي وَظُلْمِي وَإِسْرافِي عَلىٰ نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.[6]

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۷.
۲. همان، ج ۲، ص ۶۵۵.
۳. همان، ج ۲، ص ۶۳۵.
۴. بحار، ج ۷۳، ص ۲۷۲.
۵. کافی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ امالی صدوق، ص ۴۲۰، مجلس ۵۴، ح ۲۵.
۶. همان، ج ۲، ص ۵۰۴.

ادعیه و اذکار متعلّقهٔ به تزویج و طلب اولاد و آسانی ولادت، و مختصری از آداب و سُنَنِ مناسبهٔ با این مقام:

فضیلت تزویج

بدان که: برای تزویج فضیلت بسیار وارد شده، و کافی است در فضل آن که به سبب آن نصف دین حفظ می‌شود،[1] و دور می‌شود عُزُوبتِ[2] انسان که نـهیْ شـده از آن، و باعث بسیاریِ قبیله و عشیره، و موجب اولاد می‌شود که بعد از خودش اثری می‌ماند و عملش منقطع نمی‌شود اگر [فرزندانش] صالح باشند و برای او استغفار کنند، و شفاعت او را خواهند نمود اگر پیش از او بمیرند، و «باعثِ بسیاریِ امّت می‌شود که به واسطهٔ آن رسول خداﷺ در قیامت مباهات نماید»،[3] و بس است در فضل تزویج که سبب ریاضتِ نفس می‌شود، و کسالتِ از مداومت کـردن در عـبادت را بـرمی‌دارد، و بـاعث رغـبت در لذّتهای بهشت می‌شود، و تزویج از آن سه چیز است که حضرت رسولﷺ از دنیا اختیار فرمودند.[4]

آداب ازدواج

و چون ارادهٔ تزویج کردی، زنی را اختیار کن که کُفو [= همتای] تو باشد، و باکره، و

---

۱. امالی طوسی، ص ۵۱۸، مجلس ۱۸، ح ۳۳.
۲. مجرّد [تنها] بودن.
۳. بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰ به نقل از جامع الاخبار، ص ۱۰۲.
۴. خصال، ج ۱، ص ۱۰۸.

کم مِهر، و خوش مو و گندمگون، و فراخ چشم، و میانه بالا، و سیاه چشم، و گردنش خوشبو، و غوزکِ پایش پُرگوشت و وَلود[۱] باشد.[۲]

و بهترین زنان: زنی است که فرزند بسیار آورد و شوهر دوست و صاحبِ عفّت باشد، و در میان خویشانِ خود عزیز و نزد شوهر ذلیل باشد، و برای شوهر خود زینت و بَشاشت کند و از دیگران عفّت ورزد، و مطیع شوهر و غیر مسلّطه[۳] باشد.[۴]

و چون ارادهٔ خواستگاری نمودی، اختیار کن روز جمعه را، پس دو رکعت نماز بگزار و حمد الهی کن و [این دعا را] بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنّي اُرِيدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لي مِنَ النِّساءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً، وَاَحْفَظَهُنَّ لي في نَفْسِها وَمالي، وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً، وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً، وَقَدِّرْلي وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صالِحاً في حَيوتي وَبَعْدَ مَوْتي.[۵]

و زن را برای مال و جمال مگیر، بلکه برای دینداری و صلاحیّت خود بخواه،[۶] و تزویج مکن در ساعت گرم[۷] و ساعتی که تحت شعاع یا قمر در عقرب باشد.[۸] و ولیمه در عروسی و خطبه پیش از عقد نکاح خواندن سنّت است.

خطبهٔ امام محمّد تقی عليه السلام

خطبهٔ امام محمّد تقی عليه السلام در زمانی که دختر مأمون را عقد فرمودند:

---

۱. وَلُود، یعنی: زنی که اولاد از او شود، و روایت شده: حصیری که در ناحیهٔ [= گوشه] خانه افتاده باشد، بهتر است از زنی که نزاید. «صاحب جواهر» فرمود: دانستنِ آنکه دختر «وَلوده» است از رجوع به حال زنهای اَقرباءِ او مانند: مادران و خواهران او معلوم می‌شود (بِنْهٔ عُلَيْنَ عَنْهٔ).

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴؛ حلیة‌المتقین، ص ۱۲۲ ـ ۱۲۰.

۳. بر شوهر چیره نباشد و به او امر و نهی نکند.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۲۵ ـ ۳۲۴.

۵. همان، ج ۵، ص ۵۰۱: خدایا! می‌خواهم ازدواج نمایم، پس از میان زنها زنی برایم مقدّر گردان که پاکدامنتر، و برای من خودش را و ثروتم را نگهدارنده‌تر، و پُر روزی‌تر و پُربرکت‌تر باشد، و فرزند پاکیزه‌ای برایم مقدّر گردان که جانشین شایسته‌ای در زندگی و پس از مرگم بوده باشد.

۶. امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه مرد با زنی به خاطر جمال و ثروتش ازدواج کند، آن (جمال و ثروت) نصیب او نمی‌شود، و اگر به خاطر دینش با او ازدواج کند، خدای تعالی جمال و ثروت وی را نصیبش گرداند. الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۲.

۷. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶.

۸. الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۴.

اَلْحَمْدُلِلّٰهِ إقْراراً بِنِعْمَتِهِ، لاٰإلٰهَ إلاّ اللّٰهُ إخْلاٰصاً لِوَحْدانِيَّتِهِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَعَلَى الْأَصْفِيٰاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ، أَمّٰا بَعْدُ فَقَدْ كٰانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَى الْأَنٰامِ أَنْ أَغْنٰاهُمْ بِالْحَلاٰلِ عَنِ الْحَرٰامِ فَقٰالَ سُبْحٰانَهُ: وَأَنْكِحُوا الْأَيٰامىٰ مِنْكُمْ وَالصّٰالِحِينَ مِنْ عِبٰادِكُمْ وَإِمٰائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرٰاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وٰاسِعٌ عَلِيمٌ.[1]

آداب عروسی و دعاهای آن

و عروسی را در شب واقع ساز،[2] و چون عروس را به نزد تو آورند بگو که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد، تو نیز چنین کن، پس حمد الهی و صلوات بر حضرت رسالت پناهی و آل او بفرست، پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده‌اند آمین بگویند، و این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي إِلْفَهٰا وَوُدَّهٰا وَرِضٰاهٰا وَأَرْضِنِي بِهٰا وَاجْمَعْ بَيْنَنٰا بِأَحْسَنِ اجْتِمٰاعٍ وَآنَسِ ائْتِلاٰفٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلاٰلَ وَتَكْرَهُ الْحَرٰامَ.

و چون نزد او روی، دست خود را بالای پیشانیش بگذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَلىٰ كِتٰابِكَ تَزَوَّجْتُهٰا وَفِي أَمٰانَتِكَ أَخَذْتُهٰا وَبِكَلِمٰاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهٰا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهٰا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلاٰ تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطٰانٍ.[3]

و کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از درِ خانه تا منتهای خانه بپاش، و او را تا هفت روز از خوردنِ سرکه و سیب تُرش و گشنیز و لبَن [= شیر] منع کن.[4]

و چون خواستی که مباشرت کنی بِسْمِ اللّٰهِ[الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ]بگو و نیّت کن حفظ

---

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱۵۴۲.
۲. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶.
۳. همان، ج ۵، ص ۵۰۰ ـ ۵۰۱، ح ۲ ـ ۳.
۴. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۵۵.

نفس خود را از شیطان و فراغت قلب را، و از حق تعالی فرزند ذکر[۱] زکی[۲] مُستوی‌الخلقه[۳] طلب نما، و از شرّ شیطان به خدا پناه ببر.[۴]

آداب مجامعت

و پیش از جماع فی‌الجمله لاعبه و دست بازی کن با او، و جماع مکن در اوّل و میان ماه و آخر ماه، مگر شب اوّل ماه رمضان که مستحبّ است.

و در وقت مجامعت سخن مگو و نظر به عورت او مکن، و عریان و رو به قبله و پشت به قبله و ایستاده جماع مکن، و هر دو خود را به یک دستمال پاک نکنید.

و اجتناب کن از جماع کردنِ در شب نیمهٔ شعبان و روز آخر آن، و شب عید فطر و قربان، و در زیر درخت میوه‌دار، و برابر آفتاب، و در کشتی، و زیر آسمان، و در پشت بام، و در سر راه که مردم تردّد کنند، و ما بین اذان و اقامه، و مابین طلوعین، و از وقت غروب تا بر طرفشدن سرخی طرف مغرب، و در شب و روزی که خُسوف یا کُسوف یا زلزله شود یا بادهای سخت وَزد؛ و از برای هر یک از اینها آثاری وارد شده است.

و چون زن حامله شود بی وضو با او جماع مکن، و اگر محتلم شده‌ای یا جماع کرده‌ای و غسل نکرده خواستی دوباره مجامعت کنی، بول کن و عورت خود را بشو و وضو بگیر و بعد جماع کن؛ و حرام است مجامعت با حایض، و اگر فرزند به هم رسد دشمن اهل بیت علیهم‌السلام خواهد شد.

و جماع در شب دوشنبه و سه شنبه و پنج‌شنبه و روز آن وقتی که آفتاب میان آسمان باشد، و در شب جمعه ـ خصوص بعد از نماز خفتن ـ ممدوح است.[۵]

---

۱. پسر. ۲. نیکوکار.

۳. سالم و معتدل.

۴. کافی، ج ۵، ص ۲ ـ ۵۰۳. ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه‌السلام پرسید: از کجا دانسته می‌شود که شیطان در انعقاد نطفه شرکت داشته و یا شرکت نداشته است؟ فرمود: بِحُبِّنا وَبُغضِنا (اگر فرزندی که از آن نطفه بوجود آمده است دوستدار خاندان پیامبر باشد، شیطان در نطفهٔ او شریک نبوده است، و اگر دشمن آنها باشد، شیطان در نطفهٔ او شرکت داشته است).

۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۴۵۶ ـ ۴۵۹.

حقوق زن و شوهر بریکدیگر

و بدان که: برای زن و شوهر بر یکدیگر حقوقی است، از جمله آنکه:

۱ـ بر زن لازم است که از شوهر اطاعت کند و از خانهٔ او بی رخصت او تصدّق نکند و از خانه بیرون نرود، و روزهٔ مستحبّی بی رخصت او نگیرد، و مباشرت را از شوهر مضائقه نکند، و درشتی و بدگوئی و بدخوئی به او نکند، و شوهر را آزرده خاطر ننماید، و خود را از برای او خوشبو و زینت کند، و جامه‌های نو بپوشد و هر بامداد و شام خود را بر او عرضه کند.[۱]

و بر مرد است نفقه و کسوت[۲] و سُکنای[۳] او، و سزاوار است که با او کج خلقی ننماید، و بر او عفو کند و نیکو سلوک نماید،[۴] و منع کند او را از آنچه احتمال فساد در او باشد مانند: استماع ساز و نوا، و شنیدن خوانندگی و غِنا، و بیرون رفتن از خانه و آمد و شد با بیگانه، و تردّد به حمامها و مساجد و عروسیها و سایر مجالس؛[۵] و نیز منع کند او را از شنیدن حکایات شهوت انگیز و سخنان عشرت آمیز، و مصاحبت با پیره‌زنانی که با مردم آمد و شد دارند، و او را بی‌کار نگذارد که شیطان او را به فکرهای باطل می‌اندازد و میل به سیر و تفرّج و خودآرائی و خودنمائی می‌کند، بلکه او را به امری از امور خانه و رشتن پنبه مشغول سازد، و خود را در نظر او با مهابت و صلابت دارد.

و باید مرد سخن زن را در حقّ دیگران قبول نکند و خود را زیاد به دست او ندهد، و او را مدیر کارهای خود قرار ندهد، و در بالا خانه او را جا ندهد، و علم خط تعلیم او نکند، و بر زین او را ننشاند، و راز خود را به ایشان نگوید، و از برای سیر و عروسیها و عیدها و عزاها او را بیرون نفرستد، و باید هر چهار شب یک شب پیش او بخوابد، و در هر چهار ماه یک دفعه با او مباشرت کند.[۶]

---

۱. کافی، ج ۵، ص ۶ـ۵۰۸.

۲. لباس، پوشش.

۳. محل سکونت.

۴. همان، ج ۵، ص ۵۱۰ـ۵۱۲.

۵. خصال، ج ۱، ص ۱۳۰.

۶. حلیةالمتقین، ص ۹ـ۱۳۲؛ معراج السّعاده، ص ۳ـ۲۲۱.

دعاهای طلب اولاد

به جهت طلبِ اولاد، در هر روز چهار صد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.[۱]

و نیز از برای طلبِ اولاد، روایت شده است که: «چون خواهد به نزد زوجهٔ خود رود به جهت مباشرت، سه مرتبه بخواند آیهٔ: «وَذَاالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ» را تا خَيْرُالْوَارِثِينَ؛[۲و۳] و اگر فرزند ذکور خواهد، نیّت کند که اگر حق تعالی او را فرزندی کرامت فرمود، محمّد یا علی نام کند.[۴]

و نیز اگر فرزند ذکور خواهد، هر گاه چهارماه از مدّت حمل زن گذشت، مرد روی زن را به قبله کند و آیةالکرسی را بخواند، و دست بر پهلوی زوجه زند و بگوید: اَللّٰهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّداً.[۵]

دعا به جهت آسانیِ ولادت

چون زائیدن بر زن دشوار شود، این آیات را بر پوست بنویسند و بر رانِ راست او ببندند، و چون وضع حمل شود باز کنند:

---

۱. هنگامی که امام حسن مجتبی علیه السلام از مجلس معاویه بیرون آمد، یکی از دربانان معاویه به آن حضرت گفت: من مردی ثروتمندم امّا فرزندی ندارم، چیزی به من بیاموزی شاید خدای تعالی فرزندی نصیبم گرداند. فرمود: عَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ (بر تو باد به آمرزش خواستن از خدا).

پس او زیاد استغفار کرد، حتی گاهی هفتصد مرتبه در روز استغفار می‌کرد، پس صاحب ده فرزند شد. هنگامی که معاویه از این جریان آگاه شد به او گفت: چرا از آن حضرت نپرسیدی که چرا استغفار دارای این تأثیر و خواص می‌باشد؟! پس بار دیگر که امام حسن مجتبی علیه السلام به مجلس معاویه آمد، آن شخص رمز تأثیر استغفار را از حضرت پرسید، فرمود: مگر سخن خدای تعالی را در قصهٔ حضرت هود علیه السلام نشنیدی که فرمود: [وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً؛ و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد] وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. (هود، آیهٔ ۵۲) و در قصهٔ حضرت نوح علیه السلام فرمود: [...از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا بارانهای پُر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد] وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ؛ و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند (نوح، آیهٔ ۱۰ ـ ۱۲) مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۸۲.

۲. انبیاء، ۹۱ ـ ۸۸.

۳. کافی، ج ۶، ص ۱۰.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۱، ح ۲.

۵. همان، ج ۶، ص ۱۱، ح ۳.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِيَّةً أَوْ ضُحٰيهَا إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.[1و2] و نیز وارد شده که هفت مرتبه بر پوست نویسند:

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً[3] و یک دفعه نویسند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا.[4و5]

پس بر ران آن زن بندند هنگامِ درد، تا وضع حمل بر او آسان شود، إِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالىٰ.

و نیز به جهت سهل شدن ولادت، سورهٔ «قدر» بر زن بخوانند هنگام درد.[6]

آداب ولادت

و چون طفل متولّد شد به جهت دفع ضرر شیطان و امّ الصّبیان[7] اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپش گویند.[8]

و سزاوار است که کامِ طفل را با آب فُرات یا آب باران و تربت حسینی‌ؑ بردارد،[9] و در روز هفتم برای او عقیقه کند،[10] و سوراخ کردن نرمهٔ گوش راست و بالای گوش چپ از برای پسران سنّت است، و ختنه کردنِ ایشان واجب می‌باشد.[11]

و سنّت است خواندنِ دعای ختنه:

---

۱. آل عمران، ۳۵.

۲. مصباح کفعمی، ص ۱۵۸.

۳. انشراح، آیهٔ ۶.

۴. حج، ۱.

۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۱۸.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۲۰.

۷. نوعی صرع و بادی است عارض بچه‌های نوزاد می‌شود و موجب غش می‌گردد. (فرهنگ جامع، واژهٔ «اُم»).

۸. کافی، ج ۶، ص ۲۳-۲۴.

۹. همان، ج ۶، ص ۲۴، ح ۴.

۱۰. همان، ج ۶، ص ۲۷.

۱۱. همان، ج ۶، ص ۲۷، ح ۱۰.

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُکَ الخ [وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاتِّبٰاعٌ مِنّٰا لَکَ وَلِنَبِیِّکَ بِمَشِیَّتِکَ وَبِإِرٰادَتِکَ وَقَضٰائِکَ لِأَمْرٍ اَنْتَ اَرَدْتَهُ وَقَضٰاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدیدِ فی خِتٰانِهِ وَحِجٰامَتِهِ لِأَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنّی اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فی عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْآفٰاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجٰاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنیٰ وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّکَ تَعْلَمُ وَلاٰ نَعْلَمُ.][1]

نامگذاری

و باید طفل را نام نیکو گذاشت، و راست ترین نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مانند: عبدالله و مانند آن، و بهترین نامها نام پیغمبران و ائمه علیهم‌السلام است،[2] و وارد شده که فقر و بی‌نوائی داخل خانه‌ای نمی‌شود که در آن خانه نام: محمّد، یا احمد، یا علی، یا حسن، یا حسین، یا جعفر، یا طالب، یا عبدالله یا فاطمه باشد؛[3] و نهی شده از نام نهادن به حکیم، خالد، مالک و حارث.[4]

و خوب است هر فرزندی را محمّد نام کند تا روز هفتم، آن وقت اسمش را تعیین کند.[5]

غسل نوزاد و شستن دست و دهان او به هنگام خواب

و سنّت مؤکّد است غسل دادن مولود،[6] و نیکو و سزاوار است که چون سر طفل را تراشیدند به وزن موی آن طلا یا نقره تصدّق کنند،[7] و سرش را تمام بتراشند و کاکُل و زُلف برای او نگذارند،[8] و به جهت دفع ترسیدن ایشان در خواب، وقت خوابیدن دست و دهانشان را بشویند.[9]

۱. الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۸، ب ۴۶۱، ح ۱۷.
۲. کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۱.
۳. همان، ج ۶، ص ۱۹، ح ۸.
۴. همان، ج ۶، ص ۲۱، ح ۱۴ و ۱۶.
۵. همان، ج ۶، ص ۱۸، ح ۴.
۶. حلیة‌المتقین، ص ۱۵۰، ط قم.
۷. قرب‌الاسناد، ص ۱۲۲.
۸. کافی، ج ۶، ص ۴۰.
۹. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۱۶۵۲.

اذکار متعلّقه به حمّام، و تراشیدن سر، و نوره کشیدن و آداب هر یک:

آداب حمّام و اذکار آن

حمّام دوای بلغم است،[1] و هر روز پی در پی رفتن خوب نیست و پیه گُرده[2] را آب و بدن را لاغر می‌کند، و موجب مرض سل است؛ و یک در میانِ آن خوب است بدن را فربه و گوشت آن را زیاد می‌کند.[3]

و زنان را به جهت سیر و گشت به حمّام (بیرونِ از خانه) مفرست،[4] و بی‌لُنگ داخل حمّام مشو، و به حالت ناشتا و شکمِ پُر به حمّام مرو،[5] و چون در رَختکن داخل شدی بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسي وَاَسْتَعيذُ بِکَ مِنْ اَذاهُ.

و چون جامه‌ها را کندی بگو: **اَللّٰهُمَّ اَنْزِعْ عَنّي رِبْقَةَ النِّفاقِ وَثَبِّتْني عَلَى الْاِيمانِ.**

و چون داخل خانهٔ دوم (حمّام) شدی بگو:

اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدي وَقَلْبي.

و چون داخل خزینه شدی مکرّر بگو تا هنگامی که از خزینه بیرون آئی: **نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ.**[6]

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۸.
۲. کلیه.
۳. کافی، ج ۶، ص ۷ ـ ۴۹۶.
۴. همان، ج ۶، ص ۵۰۲.
۵. همان، ج ۶، ص ۴۹۷.
۶. الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۴.

و آب سرد و «خربزه» در حمّام مخور و آب سرد بر خود مریز،[۱] و در حمّام بر پشت و پهلو مخواب، و پای خود را به آجر و سفال مَسا،[۲] و چشم خود را از نظر کردنِ به عورت دیگران بپوشان،[۳] و در حمّام شانه و مسواک مکن، و لنگ بر سَر و رو مَمال، و سر را به گِل مصر مشو،[۴] و در حمّام بول مکن که مورث فقر است،[۵] و از برای شستنِ سر با سِدْر و خَطمی فضیلت بسیار است.[۶]

آداب سر تراشیدن و اذکار آن

و چون خواستی سر بتراشی، رو به قبله کن و ابتدا کن از پیشِ سر، و در وقت شروع [این دعا را] بخوان:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيامَةِ [:خدایا! در روز قیامت به هر موئی نوری به من عطا فرما]

و چون فارغ شوی بگو: **اَللّٰهُمَّ زَيِّنّي بِالتَّقْوىٰ وَجَنِّبْنِي الرَّدىٰ.**[۷] [:خدایا! مرا به تقوا آراسته نموده و از هلاکت دور گردان] **و نهی شده از کاکُل گذاشتن،**[۸] و از حضرت

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۴ـ ۱۱۲، ح ۲۳۲. ۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۹.

۳. امام صادق(ع) فرمود: کسی که داخل حمّام شود و چشمش را از دیدن عورت برادر (دینی) خود بپوشاند، خدای تعالی او را در قیامت از حمیم (آب گرم، گرما) ایمن گرداند. ثواب‌الاعمال، ص ۳۶.

۴. الفقیه، ج ۱، ۱۱۶، ح ۸. ۵. خصال، ج ۲، ص ۹۲.

۶. امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا(ص) سر خود را با «سِدْر» می‌شست، سر خود را با برگ «سِدْر» بشوئید، زیرا هزار فرشتهٔ مقرب و هر پیامبر مرسل آن را به پاکی یاد کرده است، و کسی که سر خود را با برگ «سدر» بشوید، خدای تعالی هفتاد روز وسوسهٔ شیطان را از او دور می‌گرداند، و کسی که خدای تعالی هفتاد روز وسوسهٔ شیطان را از او دور گرداند گناه نمی‌کند و کسی که گناه نکند داخل بهشت می‌شود.

و نیز نقل شده: هنگامی که رسول خدا غمگین شد، جبرئیل به آن حضرت دستور داد که (برای برطرف شدن غم) سر خود را با «سدر» بشوید. (ثواب الاعمال، ص ۳۷).

امام صادق(ع) فرمود: شستن سر با خطمی، (انسان را) از دردِ سر ایمن گردانیده و تهیدستی را دور می‌کند و سر را از شوره پاک می‌نماید. ونیز فرمود: شستن سر با خطمی فقر وتهیدستی را زائل نموده و روزی را زیاد می‌کند. (ثواب‌الاعمال، ص ۳۶).

۷. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۳۸. ۸. سرائر، ص ۴۶۹.

صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: **من در هر جمعه سر می‌تراشم.**[1]

آداب خضاب

بدان‌که: مردان را خضاب کردن سر و ریش، و زنان را خضاب دست و پا و موی سر سنّت مؤکّد است.[2] مرحوم شیخ جعفر کبیر در چند موضع از [کتاب] کشف الغطا تصریح فرموده به رُجحان خضاب کفّین مطلقاً،[3] و مشهور است که جنب و حایض را خضاب مکروه است، و همچنین در حال خضاب جُنب شدن.[4]

آداب نوره

و از برای «نوره کشیدن» فضیلت و فوائد بسیار است، زیرا موی بدن چون بلند شود آب پشت را قطع می‌کند، و بندها را سست می‌کند و ضعف و تنبلی می‌آورد[5]؛ و گذاشتن موی زیر بغل مذموم است و شیطان در آن پنهان می‌شود، و نوره گذاشتن زیر بغل بهتر

---

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۷. (دربارهٔ موی سر) مردان را یکی از دو چیز سنّت است: یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است، یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند به آنکه بشویند و شانه کنند، و موی سر را دو حصّه کنند که در میان سر تو مو ظاهر شود، و چون در اوّل اسلام تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب، پیغمبر و امام نباید کاری بکنند که در نظرها قبیح بنماید، حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی سر را بقدر چهار انگشت می‌گذاشتند و در حج و عمره می‌تراشیدند. (حلیة‌المتقین، ص ۱۷۴) از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است: سر را بسیار شانه کردن تب را دور می‌گرداند، روزی می‌آورد و قوّت جماع را زیاد می‌کند. در حدیث معتبر منقول است که در میان جانماز امام جعفر صادق علیه السلام شانه بود که هر گاه از نماز فارغ می‌شدند شانه می‌کردند. (و نیز از امام صادق علیه السلام ... در حمّام شانه مکن که مو را تنگ می‌کند... ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل می‌شود، نشسته شانه کن که دل را قوی می‌کند، پوست را پُر می‌کند. (همان، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۷).

۲. همان، ج ۶، ص ۴۸۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یک درهم که در خضاب مصرف شود، بهتر از هزار درهم که در راه خدا خرج نمایند. بیقین چهارده خصلت در آن است: باد را از گوش دور می‌کند، غبار را از چشم برطرف می‌کند، چشم را جلا می‌دهد، بینی را نرم می‌کند، دهان را خوشبو می‌کند، بُن دندان را محکم می‌کند، گند زیر بغل را دفع می‌کند، وسوسهٔ شیطان را کم می‌کند، فرشتگان به سبب آن شاد می‌شوند، سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران می‌شود، زینت است، بوی خوش است، موجب خلاصی از عذاب قبر می‌شود و نکیر و منکر از آن شرم می‌کنند. حلیة‌المتقین، ص ۵۱ به نقل از کافی، ج ۶، ص ۴۸۲.

۳. چه برای مرد، چه برای زن.

۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ تهذیب، ج ۱، ص ۱۸۲.

۵. بحار، ج ۷۶، ص ۹۱ به نقل از سرائر، ص ۴۶۹.

از تراشیدن است و تراشیدن [بهتر] از کندن است.[۱]

و سنّت در نوره کشیدن آن است که: در هر پانزده روز یک مرتبه بِکشی و از یک ماه و چهل روز تأخیر میندازد.[۲]

و اجتناب کن از نوره کشیدن در روز چهارشنبه که مورث پیسی است،[۳] و در روز جمعه اختلاف است، و صاحب «کشف الغطاء» فرمود: و ظاهر عدم کراهت است.

و در تابستان تأکید بیشتر شده است در نوره و مقابل ده مرتبه نوره کشیدن در زمستان است[۴]، و در حال نوره منشین که بیم ابتلایِ به بیماریِ «فَتق» است.[۵]

و چون نوره خواستی بکشی، اوّل اندکی از آن را بردار و بو کن و بر سرِ بینی گذار و بگو: «صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ كَما اَمَرَنا بِالنُّورَةِ»، تا نوره تو را نسوزاند؛[۶] و اگر توانستی بخوان آن دعا را که اوّلش: «اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ ما طَهُرَ مِنّي» است که فضیلت بسیار دارد.[۷]

---

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۷. ۲. همان، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۱.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۴۵ به نقل از روضة الواعظین، ص ۳۰۸.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۲.

۵. الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۳۲. از امام صادق عليه السلام پرسیدند: کسی که نوره بر بدن مالیده، می‌تواند ایستاده بول کند؟ فرمود: باکی نیست (کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۸) و نیز از آن حضرت پرسیدند: کسی آرد را با روغن زیتون مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه نوره را ببرد؟ (آیا این کار اشکال دارد؟) فرمود: باکی نیست (کافی، ج ۶، ص ۴۹۹) در حدیث دیگر فرمود: در چیزی که اصلاح بدن کند، اسراف نیست، من بسیار است که می‌فرمایم (دستور می‌دهم) که آرد پخته را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر بدن می‌مالم، اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر برساند (کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۶، حلیة‌المتقین، ص ۲۲۰.

۶. همان، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۳. لازم به تذکر است که سوزاندن نوره ممکن است همان سوزش «تاولی» باشد که بعد از نوره کشیدن ایجاد می‌شود.

۷. از حضرت علی بن الحسین عليه السلام نقل شده است: هر که وقت نوره مالیدن بر بدن، این دعا را بخواند، خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی واز گناهان پاک گرداند و به عوض آن مو به او موئی کرامت فرماید که در آن گناهی نکند، و به عدد هر موئی از بدنش فرشته‌ای بیافریند که از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت، و بدرستی که یک تسبیح فرشتگان ثوابش برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین؛ و دعا این است: اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ ما طَهُرَ مِنّي وَطَهِّرْ ما طابَ مِنّي وَاَبْدِلْني شَعْراً طاهِراً لا يَعْصيكَ. اَللّٰهُمَّ اِنّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلينَ وَابْتِغاءَ رِضْوانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْري وَبَشَري عَلى ⟸

و چون نوره کشیدی، از سر تا پای خود را حَنا بمال[1] و حَنا بر ناخنهایِ خود گذار.[2] و چون از حمّام بیرون آمدی، پایِ خود را بشو و عمّامه بر سر بند،[3] و جامه‌های خود را بپوش و شکر الهی بجای آور و بگو: شُكْراً لِلّٰهِ عَلىٰ هٰذِهِ النِّعْمَةِ.

غسلهای واجب و برخی از غسلهای مستحبّ

و چون ذکر حمّام شد مناسب است که ذکر اغسال شود:

بدان که واجب است غسل جنابت و حیض، و نفاس، و بعضی صُوَر استحاضه،[4] و غسل میّت و [غسل] مسّ میّت.

و سنّت است غسل جمعه، و غسل در شبهای طاقِ [=فرد] ماه رمضان خصوصاً شب اوّل و نیمه و هفدهم و شبهای قدر و شبهای عشر [=دهه] اخیر آن مطلقاً، و در شب و روز عید فطر، و روز هشتم و نهم و دهم و هجدهم و بیست و چهارم ذیحجّة، و اوّل و نیمهٔ و آخر رجب، و شب نیمهٔ رجب و شعبان و روز مبعث و مولود و نیروز [= نوروز].

و سنّت است غسل از برای احرام و دخول حرمین مسجدین و مکّه و کعبه، و از

⟸ النّارِ وَطَهِّرْ خُلُقي وَطَيِّبْ خَلْقي وَزَكِّ عَمَلي وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَلْقاكَ عَلَى الْحَنيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْراهيمَ خَليلِكَ وَدينِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَبيبِكَ وَرَسُولِكَ عامِلاً بِشَرائِعِكَ تابِعاً لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً [بِحُسْنِ] تَأْديبِكَ وَتَأْديبِ رَسُولِكَ وَتَأْديبِ أَوْلِيائِكَ الَّذينَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ في صُدُورِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ مَعادِنَ [لِ] عِلْمِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ. (حلیة‌المتقین، ص ۸ ـ ۲۱۷ به نقل از کافی، ج ۶، ص ۵۰۷).

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که به حمّام برود و نوره بکشد، و سپس از سر تا پای خود را حنا بمالد تا نوره کشیدن دیگر از دیوانگی و جُذام و برص و آکله [=خوره] ایمن می‌باشد.

و نیز امام موسی بن جعفر ؑ فرمود: کسی که پس از نوره کشیدن، سر تا پای خود را حنا بمالد از دردهای سه گانهٔ جنون، جُذام و برص ایمن باشد. و نیز امام صادق ؑ فرمود: هر که پس از نوره کشیدن، سر تا پای خود را حنا بمالد فقر و تهیدستی از او دور می‌شود. (کافی، ج ۶، ص ۱۰ ـ ۵۰۹).

۲. همان، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۲.

۳. امام صادق ؑ فرمود: پس از بیرون آمدن از حمّام، پای خود را بشوئید که درد شقیقه (گیجگاه) را زائل می‌کند، و نقل شده است که هرگاه امام محمّد باقر و امام جعفر صادق ؑ از حمّام بیرون می‌آمدند، عمامه بر سر می‌پیچیدند و می‌فرمودند: (عمامه پیچیدن پس از خروج از حمام) امان است از درد سر (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۲۸).

۴. مثل استحاضهٔ کثیره و متوسطه.

برای زیارات حُجج طاهره، و توبه، و کشتن وزغه[1]، و طلب باران و حاجت، و مسّ میّتِ غسل داده شده، و رؤیت امام در مَنام [=خواب] و غیر این مواضع که در کتب فقهیّه است.

۱. جانوری است شبیه چلپاسه، وزغ به فتح «واو» و «زاء» جمع، در فارسی «وزغه» قورباغه را می‌گویند. (فرهنگ عمید).

چیدن شارب و ناخن

دعا در هنگام گرفتن شارب و ناخن: **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلّٰى [صَلَواتُ] اللّٰهِ عَلَيْهِمْ.**[1]

و مو و ناخن را دفن کند، و همچنین است دفن کردن دندان و خون.[2]

و بدان که: شارب گرفتن سنّت موکّد است[3] و دفع غم و وسواس می‌کند، و رسول خدا ﷺ فرمود: **از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد.**[4] و نیز فرمود: **مگذارید شارب دراز شود که شیطان در آن جا می‌گیرد.**[5]

و گرفتن شارب و ناخن در روز جمعه فضیلت بسیار دارد، و در روز دوشنبه، شنبه و پنجشنبه موجب عافیت است از درد دندان و درد چشم.[6]

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۶. امام صادق ؑ فرمود: کسی که در هر روز جمعه ناخنها و شارب خود را بگیرد، و در وقت گرفتن بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ بِاللّٰهِ وَعَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ، به عدد هر ریزه‌ای که از مو و ناخن او بریزد، حق‌تعالی ثواب آزاد کردن یک بنده [از فرزندان اسماعیل ؑ] را به او عطا فرماید، و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ. و روایت شده است که عبدالله بن ابی یعفور به آن حضرت عرض کرد: گفته می‌شود که برای درخواست فرود آمدن (و زیاد شدن) روزی چیزی همانند (خواندن) تعقیب در مابین الطّلوعین (طلوع سپیده صبح و طلوع خورشید) نیست. فرمود: آری، ولی تو را به بهتر از آن آگاه می‌نمایم که گرفتن شارب و چیدن ناخنها در روز جمعه می‌باشد. همان، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۵۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷.

۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۵۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۱۱.

۶. امام صادق ؑ فرمود: کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب خود را بگیرد، از درد دندان و درد چشم عافیت یابد. ثواب الاعمال (حلیة‌المتقین، ص ۷ ـ ۱۷۶؛ ثواب‌الاعمال، ص ۲ ـ ۴۱؛ کافی، ج ۶، ص ۴۹۱).

و در گرفتن ناخن ابتدا کن به انگشت کوچک دست راست، و بـه انگشت کـوچک دست چپ ختم کن یا به عکس، و چند ترتیب دیگر نیز نقل شده است.[۱]

دعای پوشیدنِ جامه و آداب آن

[در هنگام پوشیدن جامه] بگو: **اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي كَسٰاني مٰا يُواري [اُواري] بِهٖ عَوْرَتي وَاَتَجَمَّلُ بِهٖ فِي النّٰاسِ.**[۲] و نیز در وقت پوشیدن جامه بگـو: **اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوىٰ وَجَنِّبْنِي الرَّدىٰ.**[۳]

و «بِسْمِ اللّٰهِ» بگو در وقت پوشیدن و کندنِ جامه‌ها، و در پوشیدن جامه و کفش ابتدا به جانب راست، و در کندن ابتدا به جانب چپ کن،[۴] و پیراهن را پیش از زیـر جـامه بپوش، و زیر جامه را رو به قبله و رو به مردم و ایستاده مپوش،[۵] و جامه را چون کندی پراکنده مگذار، بلکه تاه کن تا شیاطین برخود مپوشانند،[۶] و با یک تای کفش راه مرو مبادا شیطان بر تو دست یابد و دیوانه‌ات کند.[۷]

و نیکو نیست عریان شدن، چه آنکه شیطان به شخص عریان نظر می‌افکـند و طـمع می‌کند در آنکه او را به معصیت وا دارد.[۸]

انواع جامه‌ها

و بدان که: بهترین جامه‌ها، جامه‌ای است که از پنبه بافته باشند که آن پوشش رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ است؛[۹] و بعد از آن کتان است.[۱۰]

و بهترین رنگها در جامه [رنگ] سفید است، و بعد از آن زرد، و بعد سبز، پس از آن

---

۱. مرآةالکمال، ج ۲، ص ۷ـ۲۶.
۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۸۸.
۳. وسائل، ج ۱، ص ۲۷، ب ۱۲، ح ۱.
۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۹۰.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۲۶.
۶. کافی، ج ۶، ص ۴۸۰.
۷. همان، ج ۶، ص ۵۳۳.
۸. تهذیب، ج ۱، ص ۳۷۴؛ مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۳۱.
۹. کافی، ج ۶، ص ۴۴۶.
۱۰. همان، ج ۶، ص ۴۴۹.

سرخِ نیمرنگ و کبود و عدسی است. و مکروه است سرخ تیره مگر برای نودامـاد، و جامهٔ سیاه نیز کراهت شدید دارد مگر در عمامه و عبا و موزه [=چکمه].[۱]

و مذموم است درازیِ جامه و درازیِ آستین، و وارد شده که جامه آنچه از غوزکِ پا می‌گذرد در آتش جهنّم است.[۲]

۱. حلیةالمتقین، ص ۱۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۲.

آداب انگشتر و نگین آن

و بدان که: سنّت مؤکّد است از برای مردان و زنان انگشتر به دست راست کردن، و آن علامتی است از برای شیعیان، و یکی از آن پنج علامتی است که برای مؤمن است[1]، و از برای مردان انگشتر طلا به دست کردن جایز نیست، و انگشتر برنج و آهن و فولاد از برای مردان و زنان مکروه است.

و بهترین نگینها عقیق است، پس از آن فیروزه است، و از برای «یاقوت» و «حدید صینی» و «جزع یَمانی» و «دُرّ نجفی» فضیلت بسیار نقل شده،[2] و کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد چون صبح کند پیش از آنکه کسی را ببیند، آن را به کفِ دست بگرداند و به آن نظر کند و بخواند سورهٔ «قدر» را پس بگوید:

«آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِیَتِهِمْ [وَوِلایَتِهِمْ]»، در آن روز از شُرور آسمانی و زمینی محفوظ باشد و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا داخل شام شود.[3]

---

۱. مزار مفید، ص ۶۰؛ مصباح المتهجّد، ص ۷۳۰؛ مصباح الزائر، ص ۲۸۶ و... .

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۰ ـ ۲۰۹. ۳. عدة الداعی، ص ۱۱۸، ط قم.

فضیلت بوی خوش بکار بردن

و بدان که: بوی خوش بکاربردن و خود را معطّر و خوشبو کردن فضیلت دارد و از اخلاق انبیاء و سُنَنِ مرسلین است،[۱] و در هر روز ممدوح است و در روزهای جمعه مؤکّد است.[۲]

و مستحبّ است برای زنها آنچه بویش مخفی و رنگش ظاهر است و برای مردان بعکس،[۳] و کراهت دارد ردّ کردن بوی خوش.[۴]

دعای نظر کردن در آینه

[رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین علی ؑ فرمود: هنگامی که در آئینه می‌نگری بگو:] **اَللّٰهُمَّ کَمٰا حَسَّنْتَ خَلْقي فَحَسِّنْ خُلْقي وَرِزْقي**[۵]

[: خدایا! همانگونه که خلقت و آفرینشم را نیکو نموده‌ای، خوی و روزی‌ام را نیز نیکو گردان.] **و روایت شده که:** حق‌تعالی واجب می‌گرداند بهشت را برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند، و حمد خدا بسیار گوید بر آنکه خدا او را به صورت نیکو آفرید و او را معیوب نگردانید.[۶]

---

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰ـ۵۱۱، ح ۱ و ۲ و ۴ و ۸ و ۱۵. ۲. همان، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۴ـ۱۲.

۳. همان، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۷.

۴. همان، ج ۶، ص ۵۱۲ـ۵۱۳، ح ۲ـ۱. امیرالمؤمنین علی ؑ فرمود: پیامبر ﷺ بوی خوش و شیرینی را ردّ نمی‌کرد.

۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۴۴۷؛ امان‌الأخطار، ص ۳۷.

۶. ثواب‌الاعمال، ص ۴۴.

اذکار و آداب متعلّقه به خوردن و آشامیدن

آداب طعام آن است که:

۱ از حلال تحصیل کنی،[۱] و آنقدر صرف کنی که نسبت به حال تو اسراف نباشد.[۲]

۲ و در حال سیری چیزی نخوری که مورث برص و پیسی[۳] و مبغوض شدن نزد خداست،[۴] و آنقدر نخوری که تو را از عبادت باز دارد،[۵] و هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه‌تر است،[۶] و خدا شکم پُر از طعام را دشمن می‌دارد.[۷]

۳ و ترک مکن غذا خوردن در شب را، چه ترک آن موجب خرابی بدن است و آدمی را پیر می‌کند،[۸] و باعث نفرین کردن رگ عشاست تا صباح.[۹]

---

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: کُلُوا مِنْ کَدِّ أیدِیکُمْ: از دسترنج خود بخورید (بحار، ج ۶۶، ص ۳۱۴) امام صادق ؑ فرمود: چیزی در نزد خدای تعالی برتر از پاکدامنی عفّت شکم و فرج نیست. (الغایات، ص ۱۸۲، ط آستان قدس) و به سلمان ـ که رحمت خدا بر او باد ـ گفته شد:

افضل اعمال چیست؟ گفت: ایمان به خدای تعالی و نان حلال (همان، ص ۱۸۵) رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که (از غذای) حلال بخورد، فرشته‌ای بر سر او می‌ایستد و آنقدر برایش استغفار می‌کند تا از خوردن غذا فارغ شود (مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۸).

۲. امام صادق ؑ فرمود: إنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ یُبْغِضُ کَثْرَةَ الأکْلِ: خدای تعالی پر خوری را دشمن دارد. کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۹.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۷.

۴. خصال، ج ۱، ص ۸۹.

۵. بحار، ج ۶۶، ص ۳۳۸ به نقل از دعوات راوندی.

۶. کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۵.

۷. همان، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴ و ص ۲۷۰، ح ۱۱.

۸. همان، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۳ ـ ۱.

۹. همان، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۲.

۴ و سزاوار است که روز از خانه بیرون نروی تا آنکه چاشت خود را بخوری.[۱]

۵ و چون خواستی طعام بخوری، دست را پیش از طعام بشو و تری آن را به دستمال پاک مکن.[۲]

۶ و چون خوان [= سفره] طعام را نهادند، بِسْمِ اللّٰهِ بگو تا چهار هزار فرشته که با طعام حاضر شده‌اند دعا کنند به تو و شیاطین را از تو دور کنند، و اگرنه شیطان را گویند که: ای فاسق! بیا و با ایشان طعام بخور.[۳]

۷ پس ابتدا کن به نمک، که افتتاح و اختتام به نمک باعث دفع هفتاد نوع بلاست.[۴]

۸ و وارد شده که چون شروع کنی به خوردن بگو: بِسْمِ اللّٰهِ عَلیٰ اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.[۵]

۹ و در خوان طعام مؤدّب بنشین به روش بندگان، و خوابیده و تکیه کرده چیز مخور،[۶] و با اَشرار و فُجّار همخوراک مشو، بلکه سعی کن که با علما و صلحا همخوراک شوی،[۷] و تنها چیز مخور.[۸]

۱۰ و در ابتدای طعام بِسْمِ اللّٰهِ بگو، و اگر در بین طعام سخن گفتی، بِسْمِ اللّٰهِ را اعاده کن، و اگر چند ظرف طعام در خوان باشد بر هر ظرفی یک بِسْمِ اللّٰهِ بگو، و اگر فراموش کنی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ عَلیٰ اَوَّلِهِ وَآخِرِهِ؛[۹] و اگر لقمه را برداری و بگوئی: بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، باعث آمرزش گناهان شود.[۱۰]

۱۱ و در بین خوردن بسیار حرف نزن، بلکه خدا را بسیار حمد کن.[۱۱]

---

۱. محاسن، ص ۴۴۹.
۲. همان، کلینی، ج ۶، ص ۲۹۱.
۳. همان، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۱.
۴. همان، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۱.
۵. همان، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۲۰.
۶. همان، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۴ ـ ۲.
۷. همان، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۰.
۸. محاسن، ص ۳۹۸، ح ۷۶ ـ ۷۷.
۹. کافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۸ ـ ۲۰.
۱۰. همان، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۷.
۱۱. همان، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۳.

۱۲ و ظروف طلا و نقره استعمال مکن.[۱]

۱۳ و طعام گرم نخور که برکت ندارد، شیطان در آن بهره دارد؛[۲] و مَدَم در خوردنی و آشامیدنی.[۳]

۱۴ و نان را گرامی دار، و به روش درندگان آن را بو مکن، و با کارد آن را مَبُر.[۴]

۱۵ و با دو انگشت و از دست چپ اختیاراً نخور،[۵] و از پهلوی طعام و پیشِ خود بخور،[۶] و لقمه را کوچک بردار و نرم بجای، و در روی حاضران کم نگاه کن.[۷]

۱۶ استخوان را زیاد پاک مکن که جنّیان در آن بهره دارند.[۸]

۱۷ و آنچه از خوانِ طعام افتاده بردار و بخور، مگر در صحرا که بگذار برای مرغان و حیوانات.[۹]

۱۸ و چون از خوردن فارغ شوی، حمد خدا کن و بگو: اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي يُطْعِمُ وَلاٰ يُطْعَمُ[۱۰] و انگشتان خود را بلیس که از برای لیسیدن انگشتان و تِهِ ظروف فضیلت بسیار وارد شده‌است،[۱۱] و دست خودرا بشو و به نیم‌خوردهٔ مؤمنان تبرّک جُو، که سُؤر [=نیم‌خوردهٔ] مؤمن شفای هفتاد درد است.[۱۲]

۱۹ و خلال کن، و اگر مهمان داری خلال برای او حاضر کن که از جملهٔ حقوق اوست؛ و به چوب گز و برگ خرما خلال مکن،[۱۳] و آنچه را که به واسطه خلال از میان دندانها بیرون آوردی دور افکن و مخور.[۱۴]

---

۱. همان، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۱ـ۶.
۲. محاسن، ص ۴۰۶، ح ۱۱۶ـ۱۱۷.
۳. امالی صدوق، ص ۲۵۵، علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۰۵.
۴. کافی، ج ۶، ص ۳۰۳ـ۳۰۴.
۵. محاسن، ص ۴۵۵ـ۴۵۶.
۶. کافی، ج ۶، ص ۲۹۶ـ۲۹۷، ح ۱ و ۲.
۷. خصال، ج ۲، ص ۴۸۵.
۸. محاسن، ص ۴۷۲.
۹. کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۵.
۱۰. همان، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۲ و ۱۵.
۱۱. خصال، ج ۲، ص ۶۱۲؛ محاسن، ص ۴۴۳؛ بحار، ج ۶۶، ص ۴۰۵ـ۴۰۶.
۱۲. بحار، ج ۶۶، ص ۴۲۴ به نقل از اختصاص، ص ۱۸۹.
۱۳. محاسن، ص ۵۶۴.
۱۴. همان، ص ۵۵۹، ح ۹۲۵ـ۹۲۶.

آداب آشامیدن

و امّا آداب آشامیدن پس آن است که:

۱ ظرف آب را به دست راست بگیری،[۱] و در شب نشسته بیاشامی به خلاف روز.[۲]

۲ و در ابتدا بِسْمِ اللّٰهِ و بعد از فراغ اَلْحَمْدُلِلّٰهِ بگو.[۳]

۳ و از پیش دستهٔ کوزه و از موضعی که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد نیاشام [که این دو موضع جای شیطان است][۴]

۴ و آب را بِمَک و دهان را پُر مکن [که باعث درد جگر است].[۵]

۵ و اگر ظرف نباشد، دهان را بر آب مگذار بلکه با دستهای خود بیاشام.[۶]

۶ و آب زیاد آشامیدن خوب نیست و موجب مرض است.[۷]

۷ و بعد از آشامیدن آب، جناب امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت را یاد کن، و کشندگان آن جناب را لعنت کن که فضیلت بسیار دارد.[۸]

---

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۷۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۸۲ ـ ۳۸۳، ح ۱ و ۲.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۸۴.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۸۵.

۵. همان، ج ۶، ص ۳۸۱.

۶. همان، ج ۶، ص ۳۸۶.

۷. همان، ج ۶، ص ۳۸۲.

۸. امام صادق علیه السلام به داوود رقّی فرمود: ای داوود! خدا کشنده حسین علیه السلام را لعنت کرده است، و هیچ بنده‌ای نیست که آب بنوشد و سپس حسین علیه السلام و خاندانش را یاد نماید و کشندهٔ او را لعنت کند، مگر اینکه خدای تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد، و صدهزار گناه از وی محو نماید، و صدهزار درجه برای او بلند گرداند، و چنان باشد که صدهزار بنده آزاد کرده باشد و خدای تعالی او را در قیامت خوشحال و آسوده خاطر محشور گرداند. (کافی، ج ۶، ص ۳۹۱، ح ۶).

دعای حجامت و آداب آن

از حضرت صادق؈ روایت شده است: چون حجامت کنی و خون از محلّ حجامت بیرون آید، پیش از آنکه مِحْجَمه[1] را بریزند بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْکَرِیمِ فِی حِجَامَتِی هٰذِهِ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوءٍ.[2]

و از آن جناب روایت شده است که دوا چهار چیز است: حجامت، دارو مالیدن [دارو در بینی چکاندن][3]، حُقنه[4] کردن و قی کردن.[4] و نیز فرمود: جبرئیل؈ برای حضرت رسول ﷺ [خلال و] مسواک و حجامت را آورد.[5]

و حضرت رسول ﷺ فرمود: **اگر شفا در چیزی هست، در شیشهٔ حجّام و در خوردنِ عسل است.**[6]

و اجتناب کن از حجامت کردن در حالی که ناشتا باشی،[7] و در چهارشنبه در وقتی که قمر در عقرب باشد،[8] و نیک است در روز پنجشنبه پیش از ظهر،[9] و بد است در روز

---

۱. آلت حجامت، شاخ حجامت، مکتشه.

۲. معانی‌الاخبار، ص ۱۷۲.

۳. إماله، تنقیه (وارد کردن داروی مایع از راه مقعد به روده‌ها).

۴. خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۴۹، ب ۴، ح ۱۱۲.

۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۲۸۱؛ محاسن، ص ۵۵۸.

۶. عیون‌الاخبار، ج ۲، ص ۳۵.

۷. مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۱.

۸. همان، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۵۰۴.

۹. همان، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۵۰۸.

جمعه وقت ظهر[۱] و در روز سه‌شنبه، بلی در سه‌شنبهٔ ۱۷ یا ۱۴ یا ۲۱ ماه خوب است،[۲] و در روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه ممدوح است،[۳] و در ماه رمضان در شب حجامت خوب است.[۴]

و بعد از حجامت انار شیرین نیک است،[۵] و فصدکردن [=رگ زدن] تیز برای بعضی امراض نافع است، و ائمه‌ﷺ تیز فَصد می‌کردند و ارجاع به آن می‌نمودند، چنانچه در روایات مسطور است.[۶]

۱. همان، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۵۰۹. ۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۵۰۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۱ ـ ۱۷۲، ح ۴۹۸ ـ ۵۱۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۰؛ تهذیب، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۷۷۶.

۵. از امام هادیﷺ روایت شده است: پس از حجامت یک انار شیرین بخور، زیرا خون را ساکن نموده و خون اندرون را صاف می‌کند. بحار، ج ۶۲، ص ۱۲۳ به نقل از طب الائمه، ص ۶۷.

۶. از معاویة بن حکیم نقل شده است که: حضرت امام محمّد تقیﷺ طبیبی طلبیدند، فرمودند که رگ کف دست آن حضرت را بگشاید (فصد کند). و نیز نقل شده است که «محسن وشاء» گفت: از درد جگر به حضرت صادقﷺ شکایت کردم، حضرت قصد کننده را خواسته، پس او پایم را فصد کرد.

و نیز شخصی به امام موسی بن جعفرﷺ از جَرَب شکایت کرد. فرمود: جَرَب از بخار جگر است، برو و پای راست خود را فصد کن و به اندازه دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک بریز و بخور، و ماهی و سرکه نخور.

پس دستورات امام را انجام داد و به اذن خدای تعالی این بیماری از وی برطرف شد.

و نیز مُفضّل از جَرَب و حرارت به امام صادقﷺ شکایت کرد. فرمود: رگ اَکْحَل ـ که نام رگی است در ذراع ـ را فصد کن. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۷۵ ـ ۱۷۷، ح ۵۲۴ و ۵۲۷ و ۵۲۸؛ حلیة‌المتقین، ص ۲۷۱.

اذکار و آداب متعلّقه به خواب

بدان که: خواب بین الطّلوعین و مابین مغرب و عشاء و بعد از عصر مذموم است،[1] و خواب قیلوله ـ یعنی [خواب] پیش از ظهر [است تا وقت ظهر]ـ ممدوح است،[2] و تمام شب بیدار بودن خوب نیست مگر در مواضعی که استثنا شده است.[3]

و پیش از خواب به بیت الخلا برو،[4] و در وقت خوابیدن وضو بگیر،[5] و اگر در رختخوابی و وضو نگرفته‌ای، بر فراش خود تیمّم کن.[6]

---

۱. امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: خوابیدن مابین مغرب و عشاء خوابیدن پیش از طلوع آفتاب فقر و پریشانی می‌آورد. (خصال، ج ۲، ص ۵۰۵).

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: با سحر خوردن بر گرفتن روزهٔ یاری بگیرید، و با خواب قیلوله بر بیداری عبادت شب کمک بگیرید. (امالی طوسی، ص ۱۰۸۹، مجلس ۱۷، ح ۵۸).

۳. رسول خدا ﷺ فرمود: بیداری نیست مگر در سه چیز: نماز شب خواندن و تلاوت قرآن در آن، فراگیری دانش و برای عروسی که به خانهٔ شوهرش برند. خصال، ج ۱، ص ۱۱۲.

۴. امیرالمؤمنین علی ﷺ به فرزندش امام حسن مجتبی ﷺ فرمود: فرزندم! چهار خصلت به تو نیاموزم که با انجام آن از طب بی‌نیاز شوی؟ عرض کرد: آری، فرمود: غذا نخور مگر اینکه گرسنه باشی، پیش از اینکه سیر شوی (در حالی که اشتها به غذا داری) دست از خوردن طعام بکش، غذا را خوب در دهان نرم کن و هر گاه خواستی بخوابی به مستراح برو (و خود را کاملاً تخلیه کن)، پس اگر اینها را انجام بدهی از طب (مراجعه به پزشک) بی نیاز می‌شوی. (همان، ج ۱، ص ۲۲۸).

۵. رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که با طهارت (وضو) بخوابد، گویا تمام شب را به عبادت سپری نموده است (معانی الاخبار، ص ۲۳۵) و نیز فرمود: کسی که با وضو بخوابد، اگر در آن شب بمیرد پس او در نزد خدای تعالی (مانند) شهید است. (بحار، ج ۷۶، ص ۱۸۲ به نقل از دعوات راوندی).

۶. محاسن، ص ۴۷؛ الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۶؛ تهذیب، ج ۲، ص ۱۱۶.

و رو به آفتاب[1] و بر رو،[2] و بر دست چپ مخواب بلکه بر دست راست رو به قبله ـ به هیئت مَلحُود[3] ـ بخواب،[4] ودست راست را در زیر رو گذار و بخوان: تسبیح زهرا، چهار قُل، آیةالکرسی، ده آیهٔ از اوّل «وَالصَّافَّاتِ» و ده آیهٔ از آخر آن.[5]

و از برای خواندن «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» در وقت خوابیدن یازده مرتبه یا صدمرتبه یا مطلقا، فضیلت بسیاری است؛[6] و اگر سورهٔ «أَلْهٰيكُمُ التَّكَاثُرُ» را بخوانی، باعث ایمنی از عذاب قبر خواهد بود.[7]

و در حدیث نبوی است که: هر کس در وقت خوابیدن آیهٔ «قُلْ إِنَّمَا» را بخواند، نوری از نزد او تُتُق[8] کشد تا به مسجدالحرام، و در بین آن نور ملائکه باشند که از برای او استغفار کنند.[9]

و تنها مخواب،[10] و اگر اتّفاقاً تنها بودی، بخوان: «اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَأَعِنِّي عَلىٰ وَحْدَتِي».[11]

---

۱. خصال، ج ۱، ص ۳۸.

۲. امیرالمؤمنین علی فرمود: کسی را دیدید که بر رو خوابیده است، او را بیدار کنید و او را بر آن حال نگذارید (بحار، ج ۷۶، ص ۱۸۶ به نقل از خصال، ج ۲، ص ۱۵۶).

۳. در لحد قرار داده شده.

۴. مؤلّف گوید: رو به قبله خوابیدن دو نوع است: یکی آنکه صورت و کف پاها مقابل قبله باشد، چون شخص محتضر، و دیگر آنکه سر به جانب مغرب و پا به جانب مشرق و طرف راست بر زمین مقابل قبله باشد، مانند میّت که در لحد گذاشته می‌شود، و از کلمات بعض علما ظاهر می‌شود که به هر کدام از این دو نوع عمل کن به استحباب عمل نموده است؛ و مرحوم «محدّث کاشانی» در بعضی کتبش صریحاً هر دو قسم را گفته، ولکن شیخ جلیل ما «ثقةالاسلام نوری» در کتاب «دارالسّلام» فرموده: «و امّا خوابیدن رو به قبله ـ مانند محتضر ـ پس نیافتیم او را در خبر، با آنکه جمع ما بین آن و خوابیدن به سمت راست و توسّد بر یمین متعذّر است، بلی غزالی شافعی در کتاب «احیاء العلوم» او را ذکر نموده، و شکّی نیست در آنکه رشد در خلاف اوست». إِنْتَهىٰ كَلَامُهُ شَرَّحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ (مختصرالأبواب فی السّنن والآداب، ص ۱۰۰ ط ناصر).

۵. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۴۲؛ کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۶.

۶. رسول خدا فرمود: کسی که هنگام خواب صدبار سورهٔ «قُلْ هُوَاللّٰهُ أَحَدٌ» را بخواند، خدای تعالی گناه پنجاه سالهٔ او را می‌آمرزد و نیز امام صادق فرمود: کسی که در بستر آرام گرفت (پیش از آنکه بخوابد) یازده مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» را بخواند، خدایتعالی خانهٔ او و خانه‌های اطراف او را محافظت می‌نماید. (ثواب‌الاعمال، ص ۱۵۶، ح ۵ و ۷).

۷. همان، ص ۱۵۳، ح ۲.

۸. خیمه، سراپرده.

۹. بحار، ج ۷۶، ص ۲۱۲.

۱۰. امالی صدوق، ص ۳۷۸، مجلس ۵۰، از ح ۳.

۱۱. محاسن، ص ۳۷۰.

و بر بام غیر محجّر[۱] مخواب.

و اگر دستت آلوده به چربی و خوردنی است بشو.[۲]

و چون خوابی دیدی، راست نقل کن و برای هر کسی مگو مگر کسی که مؤمن و دانا و عاقل و از حسد و عَداوت خالی باشد.

و خواب را به آنچه تعبیر کنند واقع می‌شود، پس خوب باید تعبیر کرد، و اگر خود تعبیر کنی نیز خوب تعبیر کن که إِنْشاءَ اللّٰهُ تَعالىٰ به همان نحو واقع خواهد شد.[۳]

دعای دفع ترسیدن در خواب

به جهت دفع ترسیدن در خواب ده مرتبه پیش از خواب بگوید: **لٰا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِیکَ لَهُ، یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیِی وَهُوَ حَیٌّ لٰا یَمُوتُ**، پس بخواند تسبیح فاطمه علیها السلام را.[۴]

و در سابق گذشت که: از برای دفع ترسیدن اطفال در خواب، دست و دهانشان را بشویند تا نترسند.[۵]

دعای دفع احتلام

به جهت دفع احتلام، چون ترسد که در خواب محتلم شود، پیش از خواب بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُبِکَ مِنَ الْاِحْتِلاٰمِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلاٰمِ وَمِنْ اَنْ یَتَلاٰعَبَ [یَلْعَبَ][۶] **بِیَ الشَّیْطٰانُ فِی الْیَقْظَةِ وَالْمَنٰامِ.**[۷]

---

۱. بامی که اطراف آن سنگ چینی نشده و جفاظ ندارد.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در حالی که دست شما آلوده به چربی و خوردنی است نخوابید، پس اگر کسی با این حال خوابید و لَمَم (نوعی جنون و آسیب) شیطان به او رسید کسی جز خود را سرزنش نکند (امالی صدوق، ص ۵۱۰، مجلس ۶۶، ح ۱).

۳. کافی، ج ۸، ص ۳۳۵ ـ ۳۳۶، ح ۵۲۸ ـ ۵۳۰.

۴. بحار، ج ۷۶، ص ۲۱۱.

۵. عیون الاخبار، ج ۲، ص ۶۹.

۶. کافی، ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۵.

۷. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۶، ح ۲۱۰۷.

بیدار شدن از خواب

به جهت بیدار شدن در هر وقتی که بخواهد، بخواند آیهٔ: **قُلْ إِنَّمٰا** را ـ که در آخر سورهٔ کهف است.[۱]

ایمنی از خراب شدن خانه

به جهت ایمنی از خراب شدنِ خانه بخواند آیهٔ: **إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰاوٰاتِ**[۲و۳] را، که در اواخر سورهٔ فاطر است.

ایمنی از دُزد

به جهت ایمنی از دزد بخواند آیهٔ: **قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِادْعُوا الرَّحْمٰنَ** را تا **وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً**، که در آخر سورهٔ «بنی اسرائیل» است.[۴]

و اگر در سفر باشد و از دزدان و درندگان ترسد، بر بال مرکوب خود بنویسد: **لاٰ تَخٰافُ دَرَكاً وَلاٰ تَخْشىٰ**،[۵] چنانچه از حضرت کاظم علیه‌السلام روایت شده است؛[۶] و محتمل است مراد نوشتن با انگشت باشد.

و اگر از عقرب و گزندگان ترسد، بخواند تعویذی را که در باب اوّل ذکر شد.

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱۷.
۲. فاطر، آیه ۴۱.
۳. ثواب الاعمال، ص ۱۲۷.
۴. کافی، ج ۲، ص ۶۲۵.
۵. طه، آیهٔ ۷۷.
۶. بحار، ج ۷۶، ص ۲۴۹ به نقل از طب الائمة، ص ۳۶.

ادعیه و اذکار متعلّقه به مریض و محتضر و میّت و قبرستان

آداب عیادت بیمار

بدان که: عیادت بیماران از مستحبّات مؤکّده است، ولکن مبتلای به درد دندان و درد چشم و قرحه[1] را عیادت نمی‌باشد،[2] و کسی که بیماری بر او غلبه کرده، یا آن که مدّت بیماریِ او طول کشیده، دیگر باید او را با اهلِ خود گذاشت.[3]

و کسی که به عیادت می‌رود با خود چیزی مانند: سیب و به و امثال آن بردارد و هدیهٔ بیمار کند که بیمار به آن استراحت یابد،[4] و اگر بیمار فقیر باشد برای او پولی ببرند خیلی بجا و مناسب خواهد بود.

و زود برخیزد، مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد.[5]

و دست بر ذراعِ مریض گذارد،[6] و برای او دعا کند.

دعا برای شفای مریض

به جهت شفای مریض بخواند: اَسْئَلُ اللّٰهَ الْعَظیمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ اَنْ

---

۱. زخم، جراحت، آبله.

۲. بحار، ج ۸۱، ص ۲۲۴، ح ۳۰ به نقل از معدن الجواهر کراجکی، ص ۳۳، ط مرتضویه. لازم به تذکر است که: عالم ربّانی مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی رحمه الله این کتاب را ترجمه نموده، و نام آن را «نزهة النّواظر» نهاده است.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۷.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۶.

۶. همان، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴.

یَشْفِیَکَ[۱]؛ و اگر هفت مرتبه حمد یا هفتاد مرتبه حمد به جهت شفای او بخواند خوب است.

و سید بن طاووس در «مُجتَنی» فرمود: از برای مریض بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِي کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلیٰ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ: وَما اَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَةٍ فَبِما کَسَبَتْ اَیْدیکُمْ وَیَعْفُو عَنْ کَثیرٍ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضِ مِنَ الْکَثیرِ الَّذي تَعْفُو عَنْهُ وَتُبْرِئُ مِنْهُ، اُسْکُنْ اَیُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السّاعَةَ عَنْ هٰذَا الْعَبْدِ الضَّعیفِ سَکَّنْتُکَ وَرَحَّلْتُکَ بِالَّذي سَکَنَ لَهُ ما فِي اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ.

و اگر بعد از یک دفعه خواندن مریض عافیت نیافت، مکرّر بخوان تا خوب شود، همانا این دعا مُجرّب است با یقین به رحمتِ أَرْحَمُ الرّاحِمین.

شفای فرزند

به جهت شفای فرزند، وارد شده است که: مادر او بالای بام رود و مقنعه از سر گیرد تا موی او به جانب آسمان ظاهر شود،[۲] آنگاه بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ اَعْطَیْتَنیهِ وَاَنْتَ وَهَبْتَهُ لي، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ هِبَتَکَ الْیَوْمَ جَدیداً اِنَّکَ قادِرٌ مُقْتَدِرٌ.

پس سر به سجده نهد، هنوز سر از سجده برنداشته باشد که فرزندش شفا یابد.[۳]

---

۱. بحار، ج ۸۱، ص ۲۲۴ به نقل از دعوات راوندی.

۲. به شرط آنکه نامحرم موی او را نبیند.

۳. مصباح کفعمی، ص ۱۵۱.

دعا و آداب مُختَضر

برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین او (مُحتضر) کنند:

يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.[1]

و نیز کلمهٔ «لا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ» را تلقین او کنند، که هر که آخرین سخن او این کلمهٔ طیّبه باشد داخل بهشت شود،[2] و کلمات فرج[3] و عقاید حقّه را نیز تلقین او کنند،[4] و او را رو به قبله کنند،[5] و جُنب و حائض نزد او حاضر نشود،[6] و سورهٔ یٰس[7]، وَالصّافّات، احزاب،[8] آیةالکرسی، آیهٔ سُخره و سه آیهٔ آخر بقره[9] و غیره را نزد او بخوانند.

و از برای تشییع میّت فضیلت بسیار است،[10] و آداب جنازه زیاد است، و این

---

۱. امالی طوسی، ص ۶۵، مجلس ۳، ح ۴.
۲. ثواب‌الاعمال، ص ۲۲۲.
۳. لا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (کافی، ج ۳، ص ۱۲۲، ح ۳).
۴. فقه‌الرضا ﷺ، بحار، ج ۸۱، ص ۲۳۳.
۵. الهدایه، ص ۲۳ ط اسلامیه.
۶. خصال، ج ۲، ص ۵۸۶.
۷. بحار، ج ۸۱، ص ۲۴۰ به نقل از دعوات راوندی.
۸. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۱.
۹. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۱.
۱۰. از حضرت رسول ﷺ نقل شده است: هر که تشییع جنازه بکند، به هر قدمی که بردارد صدهزار حسنه برای او نوشته شود، صدهزار گناه از او محو شود، صدهزار درجه برای او بلند شود؛ اگر بر جنازه‌اش نماز کند، حق‌تعالی بعد از فوت او صد ⟸

مختصر را گنجایش ذکر آن نیست.

دعای وقت دیدن جنازه

به هنگام دیدن جنازه بگویند: اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَجْعَلْني مِنَ السَّوادِ الْمُخْتَرَمِ.[1]

دعای نماز میّت

در نماز میّت پنج تکبیر گفته می‌شود و چهار دعا، که عبارت باشد از: شهادتین، صلوات، دعا برای مؤمنین و دعا برای میّت، ما بین تکبیرات خوانده می‌شود بدین طریق که بعد از تکبیر اوّل بگویند:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ.

و بعد از تکبیر دوّم: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و بعد از تکبیر سوّم: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ.

و بعد از تکبیر چهارم: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ. ـ و اگر میّت زن باشد، لِهٰذِهِ الْمَيِّتَةِ بگوید، و اگر طفل باشد بگویند: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلَنا سَلَفاً وَفَرَطاً وَاَجْراً ـ بعد از آن تکبیر پنجم گویند و فارغ شوند، و این اَقلّ واجب نماز میّت است، و کفایت می‌کند بنا بر مشهور.

⇐ هزار فرشته را بفرستد که بر جنازهٔ او نماز گزارند، [و] از برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود؛ اگر بماند تا وقت دفن، حق تعالی همان صدهزار فرشته را مقرّر فرماید که برای او استغفار کنند تا در [روز] قیامت از قبرش بیرون آید (حلیة‌المتقین، ص ۳۹۹).

۱. سپاس خدائی را که مرا از گروه هلاک شوندگان [مردگان، منافقان، عموم افرادی که بدون بصیرت و آمادگی برای آخرت می‌میرند] قرار ندادهای (بحار، ج ۸۱، ص ۲۶۶).

نماز لیلة الدّفن

نماز لیلة الدّفن ـ مشهور به نماز وحشت ـ دو رکعت است:

در رکعت اوّل بعد از حمد آیة‌الکرسی، و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** بخواند، و بعد از نماز بگوید: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوابَها [ثَوابَهُما] إِلىٰ قَبْرِ فُلانٍ.**[1، 2]

آداب زیارت اهل قبور

[بهترین سخنی که در قبرستان گفته می‌شود آن است که] از قبرستان چون بگذرد، بایستد و بگوید: **اَللّٰهُمَّ وَلِّهِمْ ما تَوَلَّوْا وَاحْشُرْهُمْ مَعَ مَنْ أَحَبُّوا.**[3]

و از جملهٔ دعاهای سر قبرستان آنکه بگوید:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ الدِّيارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنْشاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لاحِقُونَ.[4]

و در میان قبرستان خواندنِ یازده مرتبه سورهٔ «**قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ**» و هدیه کردن ثواب آن را به روح اموات،[5] و همچنین خواندن سورهٔ «**یٰس**»[6] بلکه خواندن یک آیه از قرآن مجید به جهت اموات فضیلت بسیار دارد.

و زیارت کردن اموات ـ خصوص والدین[7] و خصوص در روز جمعه و پنجشنبه و ما

---

۱. به جای فلان، نام آن مرده را بگوید.

۲. مصباح کفعمی، ص ۴۱۱.

۳. بحار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۱.

۴. کامل الزیارات، ص ۳۲۱.

۵. روایت شده است: هنگامی که به قبرستان رفتی، یازده مرتبه سورهٔ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» را بخوان و [ثواب] آن را به روح مردگان هدیه کن، همانا خدای تعالی به عدد اموات به تو ثواب می‌دهد. (بحار، ج ۱۰۲، ص ۳۰۰).

۶. از رسول خدا ﷺ روایت شده است: کسی که داخل قبرستان شود، پس سورهٔ یٰس را بخواند، خدای تعالی در آن روز [عذاب را] از آنان (مردهها) تخفیف دهد، و به شمار مردگان در آنجا به او حسنات دهد. (عدّة‌الدّاعی، ص ۱۰۵).

۷. روایت شده است: کسی که به زیارت پدر و مادر ـ یا یکی از ایشان ـ برود، خدای تعالی ثواب حج مبرور [پذیرفته شده] می‌نویسد (عنوان الکلام، ص ۲۵۵، مجلس ۳۲).

بین الطّلوعین ـ فضیلت بسیار دارد، و در خبر است که: اموات با زائر خود انس می‌گیرند و شاد می‌شوند.[1]

و در «دعوات راوندی» حدیثی روایت شده است از حضرت نبوی صلی الله علیه و آله در کراهت زیارت اموات در شب، و عبارت آن حدیث چنین است که به حضرت ابی‌ذر می‌فرماید: **وَلا تَزُرْهُمْ اَحْیاناً بِاللَّیلِ.**

و چون خواهد سر قبر فاتحه بخواند رو به قبله کند و دست بر روی قبر گذارد و هفت مرتبه سورهٔ «اِنّا اَنْزَلْناهُ» بخواند که باعث امینی از هول بزرگ قیامت است،[2] و نشستنِ روی قبر کراهت دارد.

و از برای اموات اعمال خیر نیابت کردن مانند: نماز، روزه، زیارت، قرآن، دعا، استغفار، صدقات و امثال آن اجر عظیم و ثواب جزیل [=فراوان] وارد شده است.[3]

فوائد زیارت اموات

و بدان که: زیارت اموات و قبور مسلمین، بعلاوه آنکه ثواب بسیار دارد، فوائد عظیمه بر آن مترتّب است: باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی‌میلی به دنیا و رغبت در آخرت می‌شود. پس عاقل آن است که در قبرستان پند و عبرت گیرد و تفکّر کند در فنایِ دنیا و تقلّب احوال آن، و بخاطر آورد که او نیز بزودی از جزء اموات شود و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود، پس در صَدَدِ توشه و زاد برای سفر هولناک معاد بر

---

۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: (قبر) مردگان خود را زیارت کنید، زیرا آنها به زیارت شما شاد می‌شوند پس در کنار قبر پدر و مادرتان با دعا کردن برای آنان (از خدای تعالی) حاجت بخواهید. (کافی، ج ۳، ص ۲۳۰).

۲. همان، ج ۳، ص ۲۲۹.

۳. عمربن یزید از امام صادق علیه السلام پرسید: نماز برای مرده خواندن آیا نفعی برای او دارد؟ فرمود: بسا باشد که مرده در تنگی و سختی بوده باشد، پس حق تعالی آن تنگی و سختی را از او بر طرف نموده و در وسعت و فراخی قرارش دهد، پس به او گفته می‌شود: این فرج و گشایشی که برای تو حاصل شد به خاطر نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو بجا آورد.
راوی پرسید: دو مرده را می‌توان در دو رکعت نماز شریک نمود؟ فرمود: آری، مرده شاد می‌شود به دعا و استغفاری که برای او کنند، همانگونه که زنده به هدیه‌ای که برای او می‌برند شاد می‌گردد. (الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۵۵۴).

آید و تقوا پیشه کند که خَیْرُالزّاد [=بهترین توشه] است.

معروف است که هارون الرّشید بهلول عاقل را در رهگذری دید که بر اسبی از نی سوار شده با کودکان بازی می‌کردا رشید پیش رفته و سلام کردو التماس پندی نمود، بهلول گفت: أَیُّهَا الْأَمِیرُ هٰذِهِ قُصُورُ هُمْ وَهٰذِهِ قُبُورُهُمْ: یعنی: مشاهدهٔ قصرها و عمارتهای پادشاهان گذشته و ملاحظهٔ قبور ایشان تو را از برای پند بس است، در آنها نظر کن و از ایشان عبرت گیر، چه آن قوم که هم از ابنای جنس تو بوده‌اند، عمری در این قصرها چون تو بساط عیش و نشاط گسترده و اکنون در این گورهای پر مار و مور خفته و خاک حسرت بر سر کرده‌اند، فرداست که بر تو نیز همین ماجرا رود و آفتاب حیاتت به مغرب ممات رسد، تخت دولت به تختهٔ تابوت مبدّل شود و بستر خاک جانشین جامهٔ خواب مخمل گردد. اندیشه کن که از آن حشمت و جاه چه در دست خواهد ماند؟! و آن همه عظمت و جُبرت چه فایده به حالت خواهد رساند؟!

ذکر ادعیه و اذکار متعلّقه به مقاصد و حاجات:

دعای فرج

یٰا مَنْ یَکْفِی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَلاٰ یَکْفِی مِنْهُ شَیْءٌ اِکْفِنی مٰا أَهَمَّنی.[1]

و نیز از ادعیه فرج است: لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ ـ تا به آخر ـ که از ادعیهٔ معروفه است.[2]

دعا به جهت قضاء حاجت

شیخ احمد بن فهد(ره) از سماعة روایت کرده که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: ای سماعة! هرگاه تو را حاجتی نزد خدا باشد بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ فَاِنَّ لَهُمٰا عِنْدَکَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْراً مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذٰلِکَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذٰلِکَ الْقَدْرِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذٰا کَذٰا.[3]

---

۱. از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام روایت شده است که به جهت گشایش و بر طرف شدن سختی مواظبت کند به خواندن این کلمات: یٰا مَنْ یَکْفی ... (عدّة الداعی، ص ۲۶۲، ب ۵).   ۲. الهدایة، ص ۲۳، ط اسلامیة.

۳. به جای کذا و کذا حاجت خود را بگوید.

همانا چون روز قیامت شود، باقی نماند ملک مقرّبی و نه نبیّ مرسلی و نه بندهٔ مؤمنی که ممتحن شده باشد دل او به ایمان، مگر آنکه در آن روز محتاج است به محمّد و علی علیهما السلام.[1]

توسّل و استغاثه

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: هرگاه یکی از شما می خواهد به سوی خداوند استغاثه کند، پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّٰهِ یا عَلِیُّ یا سَیِّدَیِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ بِکُما اَسْتَغیثُ اِلَی اللّٰهِ تَعالیٰ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اَسْتَغیثُ بِکُما یا غَوْثاهُ بِاللّٰهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسیٰ وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ بِکُمْ اَتَوَسَّلُ اِلَی اللّٰهِ تَعالیٰ.

پس بدرستی که همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید اِنْشاءَ اللّٰهُ تَعالیٰ.

دعاء شریفی به جهت حاجات و مهمّات

در «دعوات راوندی» از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: پدرم مرا در بر گرفت و به سینهٔ خود چسبانید ـ در آن روز که شهید شد در حالتی که خون در بدن مبارکش می‌جوشید ـ و فرمود: ای پسر! حفظ کن از من دعائی را که مادرم فاطمه علیها السلام آن را به من تعلیم فرمود، و تعلیم فرمود به او رسول خدا صلی الله علیه و آله، و تعلیم کرد به آن جناب جبرئیل علیه السلام از برای حاجت و مهمّ و اندوه و بلاهای سخت که نازل می‌شود و امر عظیم دشوار، و فرمود بگو:

بِحَقِّ یٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَکیمِ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَالْقُرْآنِ الْعَظیمِ، یا مَنْ یَقْدِرُ عَلیٰ حَوائِجِ

---

۱. عدّةالدّاعی، ص ۵۲، ب ۲؛ کافی، ج ۲، ص ۵۶۲.

السّائِلینَ یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الضَّمیرِ یا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَکْرُوبینَ یا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومینَ یا راحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ یا مَنْ لا یَحْتاجُ اِلَی التَّفْسیرِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا. و به جای «وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا» حاجت ذکر کند.[1]

مؤلّف گوید: غیر از این دعا، دعاهای دیگری نیز از آن حضرت مأثور است که در روز عاشورا خوانده‌اند، و از جمله این دعاست که شیخ مفید در «ارشاد» نقل فرموده، و از برای دفع نازله [= بلا] خواندن آن مناسب است:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کَرْبٍ وَاَنْتَ رَجائی فی کُلِّ شِدَّةٍ وَاَنْتَ لی فی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بی ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، کَمْ مِنْ هَمٍّ یَضْعُفُ فیهِ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فیهِ الْحیلَةُ وَیَخْذُلُ فیهِ الصَّدیقُ وَیَشْمَتُ فیهِ الْعَدُوُّ اَنْزَلْتُهُ بِکَ وَشَکَوْتُهُ اِلَیْکَ رَغْبَةً مِنّی اِلَیْکَ عَمَّنْ سِواکَ فَفَرَّجْتَهُ عَنّی وَکَشَفْتَهُ فَاَنْتَ وَلِیُّ کُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ کُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهیٰ کُلِّ رَغْبَةٍ.[2]

برای خلاصی از شدائد

و نیز به هنگام وقوع در ورطه و شدائد [از رسول خدا ﷺ] روایت شده است که برای خلاصی از آن بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ اِیّاکَ نَعْبُدُ وَاِیّاکَ نَسْتَعینُ.[3]

چیزهائی که برطرف کنندهٔ گرفتاریها و غمهاست

[۱] و نیز وارد شده که رسول خدا ﷺ برای رفع شدّت و گرفتاری و غمها این دعا را تعلیم امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

---

۱. بحار، ج ۹۵، ص ۱۹۶ به نقل از دعوات راوندی، ص ۵۴، ح ۱۳۷.

۲. ارشاد، ص ۹۹؛ اثبات الوصیه، ص ۱۲۶.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۲۳۹۱.

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُنْجِيَنِي مِنْ هٰذَا الْغَمِّ.[۱]

۲ و نیز به جهت رفع هُموم و اَحزان بخواند:

لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ اِلّٰا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

۳ و نیز به جهت رفع همّ و حزن و دفع بلا و کُرُبات بگوید:

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لٰا اُشْرِکُ بِهِ شَيْئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لٰا يَمُوتُ.[۲]

۴ و نیز به جهت رفع هُموم مفید است: راه رفتن، سواری، فرو رفتنِ در آب، نظر کردن به سبزی، صورت حَسْنٰاء [=نیکو]، خوردن، آشامیدن، جماع، مسواک، شستن سر با سِدْرِ و با خطمی، پاکیزه نمودن جامه، خوردن انگور ـ خصوص انگور سیاه ـ و **اجتناب کردن از چیزهائی که مورث همّ و غمّ است، مانند:**

راه رفتن از بین گوسفندان و زنان، ایستاده زیر جامه پوشیدن، بر رو خوابیدن، چیدنِ موی ریش و ناخن را به دندان، راه رفتن بر روی پوست تخم، بازی کردن با خایه، اِستنجا کردن به دست راست، چیز خوردن با دست چپ، نشستن در درگاهِ در، پاک کردن صورت به دامان، از بین قبور راه رفتن، در قبرستان خندیدن، بول کردن در گرمابه و در آب ایستاده و غیر ذلک.

دعای عافیت

دعای عافیت روایت شده از حضرت سجّاد(ع):

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُکَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ.[۳] و از حضرت رسول(ص) نیز همین دعا روایت شده است به زیادتی: وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ عَلَى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

---

۱. مهج الدّعوات، ص ۴ـ۵.
۲. کافی، ج ۲، ص ۵۵۶ و ۵۶۱ با تفاوت اندکی.
۳. بحار، ج ۹۵، ص ۲۸۵ به نقل از دعوات راوندی.

دعای ابوذر

دعای حضرت ابوذر غفاری، مشتمل بر مضامین عالیه:

اَللّٰهُمَّ إِنّي اَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمانَ بِكَ وَالتَّصْديقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعافِيَةَ مِنْ جَميعِ الْبَلاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالْغِنىٰ عَنْ شِرارِ النّاسِ.[1]

دعای اهل بیت المعمور

يا مَنْ اَظْهَرَ الْجَميلَ وَسَتَرَ الْقَبيحَ يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يا عَظيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ يا كَريمَ الصَّفْحِ يا عَظيمَ الْمَنِّ يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها يا رَبَّنا وَيا سَيِّدَنا وَيا مَوْلانا وَيا غايَةَ رَغْبَتِنا اَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ اَنْ لا تُشَوِّهَ خَلْقي بِالنّارِ.[2]

جامع این لئالی منثوره ـ عباس قمّی عَفَی اللّهُ عَنْهُ ـ گوید: این دعای جلیل الشأنی است وجبرئیل آن را برای حضرت رسولﷺ هدیه آورد، و ثواب عظیمی از برای هر فقرهٔ از آن ذکر شده، بلکه دارد که جبرئیل به آن حضرت عرض کرد: اگر فرشتگان هفت آسمان و زمین جمع شوند که ثواب آن را ذکر کنند، از هزار جزئی یک جزء آن را وصف نتوانند کرد.

و به جهت کثرتِ شرافت این دعا، جمله‌ای از علمای خاصّه و عامّه کتابهای خود را به آن ختم نموده‌اند، چنانچه «فاضل مقداد» شرح نهج البلاغه را، و «شیخ احمد بن فهد» عُدّة الدّاعی را، و «فخر رازی» بعضی[3] کتب خود را به آن ختم کرده‌اند، و این دعا در تعقیبات نماز ظهر نیز ذکر شده است.

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۸۷. ۲. عدّة الدّاعی، ص ۳۱۵ ـ ۳۱۶، ب ۶.

۳. ظاهراً کتاب «اربعین» او باشد چنانچه در نظر دارم. (منه ره).

دعای قنوت نماز وتر

و مخفی نماند: این فقیر بی بضاعت به برکات اهل بیت رسالت ﷺ بر دعاهای بسیار شریفه اطّلاع یافتم، و اگر این مختصر را گنجایش بود قدری از آنها را نقل می‌کردم، لکن مقام را مَجال ذکر نیست، بلی مناسب دیدم که این دعای مختصر را که مشتمل بر مضامین مُبْکیه [=گریه آور] و معانی مُشْجِیه [= غمگین کننده است] ذکر کنم که اهل تهجّد در قنوت نماز «وتر» بخوانند و بگریند، و رجاء واثق آنکه از این شکستهٔ مهجور یادی کنند و طلب آمرزشی نمایند؛ و دعا این است:

«اِلٰهي كَيْفَ أَصْدُرُ عَنْ بابِكَ بِخَيْبَةٍ مِنْكَ وَ قَدْ قَصَدْتُهُ عَلىٰ ثِقَةٍ بِكَ اِلٰهي كَيْفَ تُؤْيِسُني مِنْ عَطٰائِكَ وَ قَدْ اَمَرْتَني بِدُعٰائِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْني اِذَا اشْتَدَّ الْأَنينُ وَ حُظِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ وَ انْقَطَعَ مِنِّي الْأَمَلُ وَ اَفْضَيْتُ اِلَى الْمَنُونِ وَ بَكَتْ عَلَيَّ الْعُيُونُ وَ وَدَّعَنِي الْأَهْلُ وَ الْأَحْبٰابُ وَ حُثِيَ عَلَيَّ التُّرابُ وَ نُسِيَ اِسْمي وَ بَلِيَ جِسْمي وَ انْطَمَسَ ذِكْري وَ هُجِرَ قَبْري فَلَمْ يَزُرْني زٰائِرٌ وَ لَمْ يَذْكُرْني ذٰاكِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنِّي الْمَآثِمُ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْمَظٰالِمُ وَ طٰالَتْ شِكٰايَةُ الْخُصُومِ وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلِّ اَللّٰهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْضِ خُصُومي عَنّي بِفَضْلِكَ وَ اِحْسٰانِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ رِضْوٰانِكَ اِلٰهي ذَهَبَتْ اَيّٰامُ لَذّٰاتي وَ بَقِيَتْ مَآثِمي وَ تَبِعٰاتي وَ قَدْ اَتَيْتُكَ مُنيبًا تٰائِبًا فَلٰا تَرُدَّني مَحْرُومًا وَ لٰا خٰائِبًا اَللّٰهُمَّ آمِنْ رَوْعَتي وَ اغْفِرْ زَلَّتي وَ تُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّٰابُ الرَّحيمُ.»[۱]

۱ـ اختیار به نقل از بحار، ج ۸۷، ص ۲۸۶، ح ۷۸.

چیزهائی که موجب غِنا و وسعت رزق است.

۱ به جهت وسعت رزق و دفع فقر، مواظبت کنند به خواندن این دعا چنانچه در کتاب «مُجتنی» مسطور است:

اَللّٰهُمَّ یا سَبَبَ مَنْ لا سَبَبَ لَهُ، یا سَبَبَ کُلِّ ذي سَبَبٍ یا مُسَبِّبَ الْأَسْبابِ مِنْ غَیْرِ سَبَبٍ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ وَبِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِواکَ یا حَيُّ یا قَیُّومُ.[1]

۲ و نیز برای وسعت رزق در سجدهٔ نماز فریضه بگوید:

یا خَیْرَ الْمَسْؤُلِینَ وَیا خَیْرَ الْمُعْطِینَ اُرْزُقْنِي وَارْزُقْ عِیالِي مِنْ فَضْلِکَ الْواسِعِ فَإِنَّکَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِیمِ.[2]

۳ و نیز برای وسعت رزق و دفع فقر مفید است: حکایتِ اذان نمودن، صدقه دادن، خانه را جاروب کردن، کاسه‌ها را شستن، نیکو تکلّم نمودن، بیاداشتن نماز با تعظیم و خشوع، خواندن سورهٔ واقعه ـ خصوص در شب ـ و سورهٔ «یٰس» و «تبارک» وقت صبح و مداومت به خواندن سورهٔ «وَالذّاریات»، حضور در مسجد پیش از اذان، مداومت بر

---

۱. مجتنی، ص ۳۹، مصباح کفعمی، ص ۱۷۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۵۱، مصباح کفعمی، ص ۱۷۰، ف ۲۰.

وضو و اسباغِ[1] آن، خواندن سنّت [=نافلهٔ] فجر و نماز «وتر» را در خانه، ترک کلام لغو و بیهوده، تکلّم نکردن در بیت الخلا، اذیّت نکردن مردم را، توقیر [=بزرگداشت] شُیوخ [=پیرمردان و بزرگان]، شکر نعمتها، وضو گرفتن پیش از طعام، خوردن افتاده‌های ریزه‌های خوان طعام، تسبیح خدا در روزی سی مرتبه، کثرت استغفار، گرفتن شارب و ناخن در روز جمعه، تعقیب خواندن بعد از نماز صبح و عصر، مواسات کردن با برادرانِ دینی، جمع نمودن ما بین دو نماز و **اجتناب از چیزهائی که مورث فقر است مانند:**

گذاشتن تار عنکبوت و خاکروبه در خانه، بول کردن در گرمابه، خوردن در حال جنابت و خوابیدگی، خلال کردن با چوب گز بلکه به هر چوبی، ایستاده شانه کردن، با شانهٔ شکسته شانه کردن، با قلم گره دار چیز نوشتن، قطع رحم نمودن، خفتن ما بین عشائین[2] و طلوعین[3]، اعتیاد به دروغ، کثرت استماع غِنا، ردّ مرد سائل در شب، قسم دروغ خوردن، سوزانیدن پوست پیاز و سیر، نشستن و تکیه کردن بر درگاهِ دَر، جاروب نمودن در شب، جاروب نمودن به جامه، وضو و شستن اعضاء بدن را در موضع اِستنجا، پاک کردن تَري بدن را با دامان و آستین جامه، کاسه و ظروف را نشسته گذاشتن، ظرف آب را در باز نهادن، استخفاف به نماز کردن، تعجیل کردن در بیرون رفتن از مسجد، صبح زود به بازار رفتن و دیر بیرون آمدن، نانهای گدایان را خریدن، لعن بر اولاد کردن، جامه را در بدن دوختن، چراغ را به نَفَس خاموش کردن، ریزه‌های نان را بی‌اعتنائی کردن و حقیر شمردن، و بر مشایخ [= پیرمردان و بزرگان] مقدّم شدن، پدر و مادر را به نام خواندن و دعای بد [= نفرین] در حقّ آنها نمودن، نشسته متعمّم شدن، ایستاده زیر جامه پوشیدن، **بُخل، اسراف، کسالت و سستی در امور نمودن و غیر ذلک.**

---

۱. وضوی شاداب و نیکو.
۲. مغرب و عشا.
۳. طلوع سپیده و طلوع خورشید.

دعاهای نافعه برای قضاء دَین

۴ و نیز نافع است از برای دفع فقر، و ترقّی در کارها و قضاء دین، این ذکری که حضرت صادق علیه السلام به «عبداللّه بن سنان» تعلیم فرموده، و آن چنان است که بعد از نمازهای فجر بخوانی آیة:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، پس از آن بگوئی: **اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تُعينَني عَلىٰ اَداءِ حَقِّكَ اِلَيْكَ وَاِلَى النّاسِ.**[1]

۵ به جهت قضاء دین، بسیار استغفار کردن و سورهٔ قدر خواندن وارد شده، و نیز مکرّر بخواند: **يا ذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَريمِ اِقْضِ عَنّي دَيْني.**[2]

۶ و نیز بخواند به جهت قضاء دین آیة: **قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَتُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ** پس بگوید: **يا رَحْمانَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَرَحيمَهُما تُعْطي مِنْهُما ما تَشاءُ وَتَمْنَعُ مِنْهُما ما تَشاءُ اِقْضِ عَنّي دَيْني.**

و این دعائی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به «معاذبن جبل» تعلیم فرموده است.[3]

۷ و نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که شکایت کرد به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از قرض، [رسول خدا به او] فرمود بخوان: **اَللّٰهُمَّ اَغْنِني بِحَلالِكَ عَنْ**

---

۱. تفسیر عیّاشی، ج ۲، ص ۳۲۰.
۲. مجتنی، ص ۱۱.
۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۶، رحلی.

حَرامِکَ وَبِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِواکَ؛ که اگر بقدر کوه صُبَیر ـ که بزرگترین کوههای یمن است ـ قرض داشته باشی قضا خواهد شد.[1]

شیخ بهائی ـ زیدَبَهائُهُ ـ این روایت را حدیث شانزدهم [کتاب] اربعین قرار داده و در ذیل آن فرمود: وقتی قرض من زیادتر از هزار و پانصد مثقال طلا شد و چیزی هم نداشتم که در وجه آن بپردازم و طلبکاران نیز مطالبه می‌کردند، لاجَرَم [=ناگزیر] پناه به این دعا بردم و چندی به آن مداومت کردم، بدین طریق که: روزها بعد از نماز صبح مکرّر می‌خواندم و گاهی بعد از نمازهای دیگر نیز می‌خواندم.

[تا اینکه] به اندک زمانی به برکت مواظبت بر این دعا قرض من ادا شد از جائی که هیچ به خیال من نمی‌رسید.

۱. امالی طوسی، ص ۳۰۲، مجلس ۱۵، ح ۲۰؛ امالی صدوق، ص ۴۷۲، مجلس ۶۱، ح ۱۰.

دعای پیدا کردن گمشده

[برای پیدا کردن گمشده] از حضرت امام رضا(ع) روایت شده است که بخواند آیهٔ: **وَعِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ**[1] را تا به آخر، پس بگوید: **اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَهْدي مِنَ الضَّلالَةِ وَتُنْجي مِنَ الْعَمىٰ وَتَرُدُّ الضّالَّةَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْلي وَرُدَّ ضالَّتي وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ.**[2]

و خواندن هر یک از سورهٔ «عبس» و «والعادیات» نیز برای پیدا کردن گمشده نقل شده و تکرار کردن «نادعلی» نیز نقل شده است.[3]

دعای [رفع] نسیان

از حضرت صادق(ع) منقول است: چون خواستی حدیثی از ما نقل کنی و شیطان از نظر تو برده است، دست بر جبهه گذار و بگو:

صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ يا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَالْآمِرَ بِهِ ذَكِّرْني

---

۱. لا يَعْلَمُها إِلاّ هُوَ وَيَعْلَمُ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاّ يَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا يابِسٍ إِلاّ في كِتابٍ مُبينٍ. (انعام، آیهٔ ۵۹).

۲. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۲۵۵۸.

۳. نادِ عَلِيّاً مَظْهَرَ الْعَجائِبِ، تَجِدْهُ عَوْناً لَكَ فِي النَّوائِبِ، كُلُّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلي، بِوِلايَتِكَ يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ. (مصباح کفعمی، ص ۱۸۳).

مٰا اَنْسٰانِيهِ الشَّيْطٰانُ.[۱]

زیاد شدن حافظه

به جهت کثرت حافظه عقب هر نمازی بخوان چنانچه حضرت رسول تعلیم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يَعْتَدي عَلىٰ اَهْلِ مَمْلِكَتِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يَأْخُذُ اَهْلَ الْأَرْضِ بِاَلْوٰانِ الْعَذٰابِ، سُبْحٰانَ الرَّؤُفِ الرَّحيمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي في قَلْبي نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَعِلْماً اِنَّکَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.[۲]

چیزهائی که حافظه را زیاد می‌کند

و نیز کسی که می‌خواهد قوهٔ حافظهٔ او زیاد شود مواظبت کند به: کم خوردن، نماز شب کردن با حال خضوع و خشوع، قرائت قرآن به خصوص آیةالکرسی، روزه بگیرد، صلوات بسیار بفرستد، مسواک کند، عسل و کُندر خورد، هر روز بیست و یک دانه مویز [=کشمش] سرخ بخورد، آب کم بیاشامد و اجتناب کند از چیزهائی که مورث فراموشی و نسیان است مانند:

معاصی، کثرت و هُموم و احزان دنیوی، کثرت اشتغال و علایق [=دلبستگیها]، قرائت الواح قبور، خوردنِ سیب ترش و گشنیز سبز و پنیر و نیم خوردهٔ موش، رفتن از بین قطار شتر و از بین دو زن، بول کردن در آب ایستاده، دور افکندن شپش زنده، نگاه کردن به شخص دار کشیده شده و غیر ذلک.[۳]

۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۲۴۱۴، با تفاوت اندک.
۲. فلاح السائل، ص ۶۸.
۳. مرآةالکمال، ج ۳، ص ۵۹۲ ـ ۵۹۴.

دعا برای عاقبت بخیر شدن

[۱] به جهت به خیر شدن عاقبت بخواند دعای یازدهم صحیفهٔ کامله: يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ تا به آخر. [وَيَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَلَى كُلِّ ذِكْرٍ، وَأَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ، فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَّابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا، وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا وَاسْتَحْضَرَتْنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَابُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كَتَبَةُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا، وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْراً سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ، إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.][۱]

---

۱. صحیفه سجادیه، ص ۷۳ - ۷۴، ط پیام آزادی.

۲ و نیز بخواند: رَبَّنا لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهّابُ.[1] [پروردگارا! دلهای ما را به باطل مگردان بعد از آن که ما را هدایت کردی، و از نزد خود رحمت بخش که همانا تو بسیار بخشنده‌ای][2]

۳ و نیز مواظبت کند به خواندن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام.[3]

۴ و نیز در روزهای جمعه سورهٔ مؤمنین بخواند.[4]

۵ و نیز انگشتر عقیق در انگشت کند و در آن نقش کند: مُحَمَّدٌ نَبِيُّ اللّٰهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللّٰهِ.[5]

دعای رفع وحشت

در حدیث نبوی است که [برای رفع وحشت] بسیار بگوید:

سُبْحانَ رَبِّيَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلائِکَةِ وَالرُّوحِ خالِقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ.[6]

دعای زمان غیبت

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّکَ، اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني رَسُولَکَ [نَبِيَّکَ]؛ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْني حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ ديني،

---

۱. آل عمران، آیهٔ ۸.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: ای اباهارون! ما همانگونه که کودکان خود را به نماز فرمان می‌دهیم، ایشان را به تسبیح زهرا علیها السلام نیز فرمان می‌دهیم، پس آن را ترک مکن، پس هر که بر آن مداومت نماید شقی و بدبخت نمی‌شود. «ثواب الاعمال، ص ۱۹۶».

۴. همان، ص ۲۰۸.

۵. همان، ص ۱۳۵.

۶. مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۵۵، ح ۲۳۸۱.

و این دعائی است که حضرت صادق علیه السلام تعلیم زُراره ـ رِضْوانُ اللّهِ عَلَیْهِ ـ کرده و فرمودند: **اگر زمان غیبت را درک کردی، به خواندن این دعا مواظبت کن.**[۱]

دعای غریق

دعای دیگر روایت شده از آن حضرت معروف به «**دعای غریق**» که از برای نجات از شُبهات و فِتَنِ [=فتنه‌های] زمان غیبت نافع است:

یا اَللّهُ یا رَحْمانُ یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبی عَلیٰ دینِکَ.[۲]

دعا از برای وجود امام عصر عَجّلَ اللّهُ فَرَجَهُ

اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلیٰ آبائِهِ، فی هٰذِهِ السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ مِنْ ساعاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَلِیّاً وَحافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدلیلاً وَعَیْناً حَتّیٰ تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.

و این دعا را همیشه بخوان و مکرّر کن، خصوصاً در شب بیست و سوّم ماه رمضان.[۳]

---

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۱، ب ۳۳، ح ۴۹.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴ با تفاوت اندک.

دعای استخاره

از کتاب «مَنْ لاٰ یَحْضُرهُ الْفقیه» نقل شده که روایت شده است: هر بنده‌ای که هفتاد مرتبه این دعا را بخواند، حق‌تعالی خیر را از برای او قرار می‌دهد:

یٰا اَبْصَرَ النّٰاظِرینَ وَیٰا اَسْمَعَ السّٰامِعینَ وَیٰا اَسْرَعَ الْحٰاسِبینَ وَیٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمینَ وَیٰا اَحْکَمَ الْحٰاکِمینَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَخِرْلی فی کَذٰا وَکَذٰا؛

و به جای «کذا و کذا» قصد خود را ذکر کند.[1]

دعای دیدن ماه نو

دعای هلال: چون نظرت بر هلال افتاد، رو به قبله کن و بخوان دعای هلال صحیفهٔ [سجادیه] را، یا بخوان این دعا را که روایت شده که چون حضرت رسول ﷺ نظرش بر هلال می‌افتاد، دستها را بلند می‌کرد و می‌گفت:

بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنٰا بِالْاَمْنِ وَالْاِیمٰانِ وَالسَّلاٰمَةِ وَالْاِسْلاٰمِ رَبّی وَرَبُّکَ اللّٰهُ.[2]

---

۱. الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۶، ح ۱۵۵۷.

۲. امالی طوسی، ص ۳۹۵، مجلس ۱۷، ح ۵۲.

و یا آنکه بخوان: **اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا خَيْرَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَفَتْحَهُ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ [وَشَرِّ ما بَعْدَهُ].**[۱]

و خواندن هفت مرتبه سوره حمد وقت رؤیت هلال برای چشم درد نکردن وارد شده است؛ و اندک پنیر خوردن در اوّل هرماه مستحبّ است.[۲]

دعای ختم قرآن

۱ شیخ طوسی ـ ﷺ ـ در «مصباح» روایت کرده که جناب امیرالمؤمنین ـ صَلَواتُ اللّٰهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ ـ بعد از ختم قرآن این دعا را می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي وَاَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسانِي وَاَعِنِّي عَلَيْهِ ما اَبْقَيْتَنِي فَاِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِكَ.

۱ و نیز روایت شده از آن حضرت که فرمود: پیغمبر خدا ﷺ مرا امر فرمود که این دعا را هنگام ختم قرآن بخوانم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اِخْباتَ الْمُخْبِتِينَ وَاِخْلاصَ الْمُوقِنِينَ وَمُرافَقَةَ الْاَبْرارِ وَاسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الْاِيمانِ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَوُجُوبَ رَحْمَتِكَ وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ.[۳]

۱. همان، ص ۶۴۷، مجلس ۳۲، ح ۴.

۲. از امام صادق ﷺ روایت شده است: کسی که به خوردن (اندکی) پنیر در اوّل هر ماه مداومت نماید، نزدیک (امید) است که حاجتش در آن ماه ردّ نشود. بحار، ج ۹۷، ص ۱۳۴.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۲۳۴۹.

خاتمه

بدان ای عزیز! این «لئالی منثوره» خلاصه‌ای از اذکار و آداب و ادعیهٔ مأثوره است که از کلمات مهابط[1] وحی و خزنهٔ[2] علم الهی اِلتقاط کردم[3]، و به جهت اختصار از شرح و سند آنها طیّ کَشْح[4] [= خودداری] نمودم، **پس قدر این گوهر گرانمایه را بدان و به خواندن و عمل کردن به آن مواظبت نما که خیر دنیا و آخرت در آن جمع است.**

فضیلت قرائت قرآن و آداب آن

و بر تو باد به قرائت قرآن و عمل کردن به مضمون آن، ولااقلّ روزی پنجاه آیه از آن را تلاوت کن،[5] همانا وارد شده که: درجات بهشت به مقدار آیات قرآن است، چون روز قیامت شود به قاریِ قرآن گویند: **اِقْرَءْ وَارْقَ**: یعنی: قرائت کن و بردرجات بهشت بالا رو. پس در آن روز درجهٔ قاریِ قرآن بعد از پیغمبران و صدّیقان از همه کس بلندتر است.[6]

---

۱. مکانهای فرود آمدن.

۲. خزانه دارها، گنجینه دارها.

۳. برچیدم، برداشتم، گرفتم.

۴. کِنایَةٌ عَنْ إمْتِناعِهِ وَإعْراضِهِ. (منه ره).

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن عهد نامهٔ خدا به سوی بندگانش است، پس همانا شایسته است که هر مسلمانی در فرمان خدا بنگرد، و هر روز پنجاه آیه از آن بخواند (کافی، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۱).

۶. همان، ج ۲، ص ۶۰۶، ح ۱۰.

و قرآن به صوت حَسن و حالت حُزن بخوان، و در آیات آن تدبّر کن، و قرآن را احترام نما و عظیم شمار، و پیش از قرائت استِعاذه کن،[۱] و در نزد [هنگام خواندن] آیات سجده، سجده کن؛ و آیات سجده پانزده موضع است که در چهار موضع آن سجدهٔ واجب و در مابَقی مستحبّ است، و آن چهار موضع: آخر سورهٔ نجم، آخر سورهٔ علق، «لاٰ یَسْتَکْبِرُونَ» در سورهٔ سجده و «اِیّاهُ تَعْبُدُونَ» در سورهٔ فصّلت است.

و چون قرآن را ختم نمودی بخوان دو دعای ختم قرآن را که سابقاً ذکر شد، و نیز بخوان دعای چهل و دوّم صحیفهٔ مکرّمه را که اوّل آن دعا: «اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ اَعَنْتَنی عَلیٰ خَتْمِ کِتٰابِکَ» است.

و بخوان در عقب نمازهای فریضه سورهٔ حمد، آیةالکرسی، شَهِدَ اللّٰهُ وَقُلِ اللّٰهُمَّ مٰالِکَ الْمُلْکِ را تا بِغَیْرِ حِسٰابٍ.[۲]

و مواظبت کن بر قرائت آیةالکرسی بخصوص در عقب نمازها و در شبها خصوص در وقت خوابیدن[۳] و در روزهای جمعه و در وقتی که چشم درد کند.[۴]

و بر تو باد به قرائت سورهٔ انعام، خصوص در شب.[۵]

---

۱. «اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ» بگو.

۲. که موجب اجابت دعا و آمرزش گناهان است (کافی، ج ۲، ص ۶۲۰).

۳. حضرت رسول ﷺ فرمود: هر که بعد از نماز واجب آیةالکرسی بخواند، تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد. (عین الحیات، ج ۲، ص ۲۲۸، مضمون حدیثی از دعوات راوندی) و نیز آن حضرت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: بر تو باد به تلاوت آیةالکرسی بعد از هر نماز، بدرستی که محافظت و مداومت نمی‌فرماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی (قرب الاسناد، ص ۱۱۸) و از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است: هر که آیةالکرسی را در وقت خواب بخواند، از فلج ایمن گردد، و هر که بعد از نماز بخواند، هیچ صاحب نیشی (گزنده‌ای) به او ضرر نمی‌رساند (ثواب الاعمال، ص ۹۴).

۴. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: کسی که چشمش آزاری داشته باشد آیةالکرسی بخواند و در خاطر خود قرار دهد، [که] برطرف می‌شود، به توفیق الهی عافیت می‌یابد اِنْشاءَ اللّٰهُ (عین الحیات، ج ۲، ص ۲۲۷؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۸).

۵. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: سورهٔ انعام یک دفعه نازل شد، و هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت نموده تا به نزد حضرت رسول ﷺ آوردند، پس این سوره را تعظیم نمایید و بزرگ دارید که اسم اعظم الهی در هفتاد جای این سوره هست، و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز قرائت آن را ترک نمی‌کنند. و از «عبدالله بن عباس» نقل شده است: کسی که سورهٔ انعام را هر شب بخواند در روز قیامت از جملهٔ ایمنان (آسوده خاطرها) باشد و به ⟸

و قرائت سورهٔ بنی اسرائیل، کهف، سه طواسین [= شعرا، نمل و قصص]، سورهٔ سجده، صٓ و واقعه در شبهای جمعه،[1] و تلاوت سورهٔ مؤمنین و صافّات در روز جمعه،[2] و قرائت دو سورهٔ عنکبوت و روم در شبهای بیست و سوّم ماههای رمضان،[3] و تلاوت سورهٔ یٰسٓ که **ریحانهٔ قرآن و قلب قرآن است**،[4] و قرائت سورهٔ اَلرَّحْمٰن بعد از نماز صبح روزهای جمعه، و آنکه بخوانی بعد از «فَبِأَيِّ آلاٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ»، لاٰ بِشَيْءٍ مِنْ

⇐ دیدهٔ خود هرگز جهنّم را نبیند (ثواب الاعمال، ص ۹۵) و از امام محمّد باقر ﷺ نقل شده است: اگر علّتی (بیماری) داشته باشی که خوف هلاک (مردن) از آن داشته باشی، سورهٔ انعام را بخوان که مکروهی از آن علّت به تو نمی‌رسد. (مکارم الاخلاق، ص ۴۱۸؛ عین الحیات، ج ۲، ص ۲۳۹ ـ ۲۴۰).

۱. از حضرت صادق ﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمیرد تا قائم آل محمّد ﷺ را دریابد و از اصحاب او باشد؛ هر که سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند، نمیرد مگر شهید، و خدا او را در زمرهٔ شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد (ثواب الاعمال، ص ۱۳۴) هر که سه طٰسٓ را در هر شب جمعه بخواند، از اولیاء و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد، و در دنیا فقر و بدحالی به او نرسد، و در آخرت از بهشت به او آنقدر بدهند که راضی شود، و زیاده از رضای او به او عطا فرمایند و حقتعالی صد زن از حورالعین به او کرامت فرماید؛ هر که سورهٔ «سجده» را در هر شب جمعه بخواند، حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راست او دهد و ... و در بهشت از رفقای محمّد ﷺ و اهل بیت ﷺ او بوده باشد (ثواب الاعمال، ص ۱۳۶).

از حضرت امام محمّد باقر ﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ «ص» را در شب جمعه بخواند، حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آنقدر به او عطا فرماید که به هیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسلی یا ملک مقرّبی، و او را داخل بهشت گرداند، و هر که را او خواهد از اهل خانه‌اش حتّی خادمی که او را خدمت می‌کرده است (ثواب الاعمال، ص ۱۳۹) هر که در هر شب جمعه سورهٔ «واقعه» را بخواند، خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند، و در دنیا بد حالی فقر و احتیاج نبیند، و به هیچ آفتی و بلائی مبتلا نشود و از رفقای امیرالمؤمنین ﷺ باشد، و این سوره مخصوص آن حضرت است (ثواب الاعمال، ص ۱۴۴).

۲. از امام صادق ﷺ نقل شده است: هر که در هر جمعه سورهٔ «مؤمنون» را بخواند، حق تعالی خاتمهٔ (پایان عمر) او را به خیر گرداند، و در فردوس اعلی منزلش با منزل پیغمبران باشد (ثواب الاعمال، ص ۱۳۵) هر که سورهٔ صافّات را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از تمام آفتها و بلاها محفوظ باشد، و در دنیا روزی‌اش فراخ باشد، و به بدن و مال و فرزندانش مکروهی نرسد، نه از شیطان مردودی و نه از جبّار عنیدی (کینه توزی)، و اگر در آن روز و در آن شب بمیرد حق تعالی او را شهید بمیراند و شهید مبعوث کند و با شهیدان او را داخل بهشت گرداند و در درجهٔ شهیدان او را جا دهد. (ثواب الاعمال، ص ۱۳۹).

۳. از امام جعفر صادق ﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ «عنکبوت و روم» را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان بخواند، وَاللّٰه که اهل بهشت است، و در این حکم استثنا نمی‌کنم و نمی‌ترسم که خدا در این قسم بر من گناهی بنویسد، و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست (عین الحیات، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ثواب الاعمال، ص ۱۳۶).

۴. ثواب الاعمال، ص ۱۳۸.

آلائِکَ رَبِّ اُکَذِّبُ.[۱]

و قرائت سورهٔ جمعه در رکعات اوّل فریضه‌های شب و روز جمعه، و در رکعات دوّم سورهٔ توحید، مگر نماز عشا که سورهٔ «اَعْلی» و نماز ظهر که «منافقین» خوانده می‌شود.[۲]

و تلاوت سورهٔ مسبّحات [=حدید، حشر، صفّ، جمعه، تغابن و اعلی][۳] و «مُلک» پیش از خوابیدن.[۴]

و قرائت سورهٔ «هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسانِ» در نماز صبح روزهای پنجشنبه و دوشنبه.[۵]

و تلاوت سورهٔ «عم» در هر روز به جهت توفیق حج.[۶]

و قرائت سورهٔ اَعْلی، غاشیه، فجر، تین، تکاثر، عصر، جحد و نصر در فرائض و نوافل.[۷]

---

۱. همان، ص ۱۴۴.

۲. از امام صادق ﷺ نقل شده است: واجب و لازم است بر هر که از شیعهٔ ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه سورهٔ «اعلی» بخواند، و در نماز ظهر سورهٔ جمعه و منافقین بخواند و چون چنین کند چنان باشد که به عمل حضرت رسول ﷺ عمل نموده باشد و ثواب او نزد خدا بهشت باشد. (همان، ص ۱۴۶).

۳. از امام محمّد باقر ﷺ نقل شده است: هر کس مسبّحات (حدید، حشر، صفّ، جمعه، تغابن و اعلی) را پیش از خواب بخواند، نمی‌میرد تا آنکه حضرت قائم ﷺ را درک می‌کند، و اگر مُرد در جوار رسول خدا ﷺ خواهد بود. (کافی، ج ۲، ص ۴۵۴).

۴. از امام جعفر صادق ﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ تبارک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند، پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود، و روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود (ثواب الاعمال، ص ۱۴۶) و نیز از امام محمّد باقر ﷺ نقل شده است: سورهٔ مُلک مانعه است، منع می‌کند از عذاب قبر. (کافی، ج ۲، ص ۴۶۳).

۵. از امام محمّد باقر ﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ «هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسانِ» را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خدا به او هشتصد دختر باکره و چهارهزار زن و حورالعین (در بهشت) کرامت فرماید و با حضرت رسول ﷺ باشد. و نیز امام هادی ﷺ فرمود: هر که خواهد که خدا او را از شرّ روز دوشنبه نگاهدارد، باید در رکعت اوّل نماز صبح آن روز سورهٔ «هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسانِ» بخواند. چنانکه حق تعالی در آن سوره می‌فرماید: خدا ایشان را از شرّ آن روز نگاهداشت، و نصرت و خوشحالی و سرور و شادی را به استقبال ایشان فرستاد. (نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۶۷؛ عین الحیات، ج ۲، ص ۲۶۴).

۶. ثواب الاعمال، ص ۱۴۹.

۷. از امام صادق ﷺ روایت شده است: هر که سورهٔ «اعلی» را در فریضه (نماز واجب) یا نافله بخواند، در روز قیامت به او بگویند: از هر در از درهای بهشت که می‌خواهی داخل شو.

⟸

فضیلت تلاوت سورهٔ قدر

و مواظبت کن به خواندن سورهٔ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» که ثمرهٔ قرآن، عون ضعفا، عصمت مؤمنین، کنز و سیّد و زینتِ قرآن است،[۱] و از برای خواندنِ آن در فرائض یومیّه و در وقت افطار و سحرهای ماه رمضان و در هر روزی ده مرتبه بعد از نماز عصر، و در إکْثار [=زیاد خواندن] آن با استغفار فضیلت بسیار وارد شده است، و اگر توانی در شبانه روزی صدمرتبه بخوانی بسیار نیک است، و اگر نتوانی لااقل بعد از عصر جمعه آن را ترک مکن، و اگر وقت وفا نکرد ده مرتبه بگو، همانا از برای سورهٔ «قدر» قدرِ بسیار است. و از حضرت جوادﷺ روایت شده است: هر که سورهٔ قدر را در هر شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند، حق تعالیٰ برای او هزار فرشته خلق فرماید که ثواب آن را سی و شش هزار سال بنویسند، الخ.[۲]

و طریق تفریق ذکر هفتاد و شش مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بر شبانه روز چنین است:

⟸ هر که مداومت نماید بر خواندن سورهٔ «غاشیه» در نماز واجب یا سنّت (مستحب) خدا او را فرو گیرد به رحمت دنیا و آخرت، و روز قیامت برات ایمنی از عذاب به او کرامت فرماید.

بخوانید سورهٔ «فجر» را در نمازهای فریضه و نافله، که آن سورهٔ امام حسینﷺ است، و هر که این سوره را بخواند، در بهشت در جوار آن حضرت باشد.

هر که سورهٔ «تین» را در فرائض و نوافل خود بخواند، عطا فرمایند از بهشت به او هر جا که بپسندد.

هر که سورهٔ «تکاثر» را در نماز واجب بخواند، حق تعالی ثواب صد شهید برای او بنویسد، و هر که در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید برای او بنویسد، و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند. از رسول خداﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ «عصر» را در نمازهای نافله بخواند، خدا در روز قیامت [او را] با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت کند.

از امام صادقﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ «جحد» و «توحید» را در نماز فریضه بخواند، خدا او را و پدر و مادرش را بیامرزد، و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیا محو (نموده) و در دیوان سُعَدا (سعادتمندان) بنویسد، و او را در دنیا سعادتمند بدارد، و شهید بمیراند و شهید مبعوث کند.

هر که سورهٔ «نصر» را در نماز فریضه یا نافله بخواند، خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت (پیروزی) دهد، و چون از قبر بیرون آید با او نامه‌ای باشد گویا، و در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنّم بوده باشد، و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت به نیکی دهند تا داخل بهشت شود، و از برای او در دنیا از اسباب خیر آنقدر حق تعالی بگشاید که به خاطرش خطور نکرده و آرزوی آن نداشته باشد. (عین الحیات، ج ۲، ص ۲۶۵ ـ ۲۶۶ و ص ۲۷۳ ـ ۲۷۶؛ ثواب الاعمال، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۵).

۱. بحار، ج ۹۲، ص ۳۳۱.

۲. همان، ج ۹۲، ص ۳۲۹.

بعد از طلوع فجر و پیش از نماز صبح هفت مرتبه، بعد از نماز صبح ده مرتبه، بعد از زوال پیش از بجا آوردن نوافل ده مرتبه، بعد از نوافل زوالیّه بیست و یک مرتبه، بعد از نماز عصر ده مرتبه، بعد از نماز عشا هفت مرتبه و در وقتی که به رختخواب رود به جهت خوابیدن یازده مرتبه.[۱]

فضیلت تلاوت سورهٔ تکاثر

و بر تو باد به قرائت سورهٔ «أَلْهَيٰكُمُ التَّكَاثُرُ» در وقت خوابیدن، که باعث ایمنی از فتنهٔ قبر و شرّ نکیرین است.[۲]

فضیلت تلاوت توحید

و مواظبت کن به قرائت سورهٔ توحید در همه حال، به خصوص در نمازها و در عقب نمازها، و در وقت خوابیدن و بیرون رفتن از خانه، و حال شدّت و مرض و غیره؛ و این سورهٔ مبارکه معروف است به نسبة الرّبّ، در جمله‌ای از روایات است که قرائت آن ثواب قرائت ثلث قرآن دارد.[۳]

تلاوت بعضی از سوره‌ها

و بدان که: از برای سورهٔ مبارکهٔ حمد،[۴] و سُوَرِ مَبدُوّ به قُلْ [=سوره‌هایی که با قل شروع می‌شود][۵]، و برای آیه سخرة،[۶] خواتیم سورهٔ بقره،[۷] آیهٔ آخر بنی اسرائیل،[۸] آخر

---

۱. همان.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۵۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۲۱.

۴. از حضرت رسولﷺ نقل شده است: هر که سورهٔ حمد را بخواند، حق تعالی به عدد هر آیه که از آسمان نازل شده است ثواب به او کرامت فرماید. (محاسن، ص ۴۰).

۵. هر کس «چهار قُل» را بخواند، به مال و اولادش صدمه‌ای نرسد و ناخوش (بیمار) و فقیر نگردد. (سراج الشّیعه، ص ۲۷۵).

۶. از امیرالمؤمنین علی‌ؑ نقل شده است: کسی که شب تنها در بیابانی باشد آیهٔ سخره (آیهٔ ۵۴ از سورهٔ اعراف) را بخواند، فرشتگان او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند. کافی، ج ۲، ص ۶۵۲.

کهف،[۹] سه آیهٔ آخر «وَالصَّافَّات»[۱۰] و چهار آیهٔ آخر «حشر»[۱۱] و غیرها خصایص بسیاری است و مقام را گنجایش بیش از این نیست.[۱۲]

---

۷. از رسول خدا ﷺ روایت شده است: دو آیهٔ آخر سورهٔ بقره (آمَنَ الرَّسُولُ...) هم قرآن است و هم دعا و هم خوشنودی خداست، و هر کس بعد از نماز عشاء آن را بخواند از قیام در شب او را کفایت کند (گویا شب را به عبادت گذرانده است) مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۰۳ ط اسلامیه. و نیز خدای تعالی به آن حضرت فرمود: به تو و امّت تو گنجی از گنجهای عرش خود را کرامت کردم: فاتحة‌الکتاب و خاتمهٔ سورهٔ بقره، یعنی: آمَنَ الرَّسُولُ تا آخر سوره. (عین الحیاة، ج ۲، ص ۲۳۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۸).

۸. شخصی به امیرالمؤمنین علی ؑ عرض کرد: چیزی برای (ایمنی از) دزدی بفرما که دزد شبها مال مرا بسیار می‌برد! فرمود: هنگامی که (در شب) به میان رختخواب می‌روی، این دو آیه (آخر سورهٔ بنی اسرائیل) را بخوان: قُلِ ادْعُوا اللَّهَ... تَكْبِيراً. (کافی، ج ۲، ص ۶۵۲).

۹. از امام صادق ؑ روایت شده است: هر که آیهٔ آخر سورهٔ کهف را به هنگام خواب بخواند، در هر زمان که خوهد بیدار می‌شود. (مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۹۹).

۱۰. به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ؑ نقل شده است: کسی که می‌خواهد او را در قیامت اجر وافی و ثوابی کامل بدهند بعد از هر نماز این [سه] آیه [آخر سورهٔ صافّات] را بخواند: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ. وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۴۱) و در حدیث دیگر وارد شده است: از هر مجلسی که بر خیزند این آیه را بخوانند، کفّاره گناهان اهل آن مجلس می‌گردد. (عین الحیاة، ج ۲، ص ۲۵۳).

۱۱. در بعضی از روایات آمده است که اسم اعظم خدا، در آیات آخر سورهٔ حشر است (مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۶۷) و در حدیث دیگری از رسول خدا می‌خوانیم: هر کس آخر سورهٔ حشر را بخواند، گناهان گذشته و آیندهٔ او بخشوده می‌شود، و باز در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: هر کس آیات «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ» را تا آخر [سوره] بخواند و در همان شب بمیرد، شهید مرده است. یکی از اصحاب می‌گوید: از رسول خدا ﷺ دربارهٔ اسم اعظم خدا سؤال کردم، فرمود: «عَلَيْكَ بِآخِرِ الْحَشْرِ وَأَكْثِرْ قِرَاءَتَهَا: بر تو باد که آخر سورهٔ حشر را بخوانی و زیاد بخوان»! بار دیگر همین سؤال را تکرار کردم، حضرت همان پاسخ را تکرار فرمود (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۹۴) حتّی در حدیثی آمده است: این آیات شفای هر دردی است مگر مرگ. (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۵۸ـ۵۵۹).

۱۲. برای اطلاع بیشتر به کتاب «نسخهٔ شفا ط پیام آزادی» مراجعه شود.

فضیلت دعا و اوقات استجابتِ آن

و بر تو باد ای عزیز! به دعا و خواندنِ حق تعالی را به جهت هر حاجت و مطلبی، چه دعا مُخّ عبادت، اَحَبّ (محبوبترین) اعمال، مفتاح هر رحمت، نجاح هر حاجت، شفای دردها و بر طرف کنندهٔ قضاهای مُبرم [=ثابت و استوار] است.[1]

و مغتنم بشمار از برای دعا اوقات شریفه را، مانند:

روز عرفه را در ایّام سال، ماه رمضان را از بین ماهها و شب و روز جمعه را از ایّام هفته. و همچنین غنیمت دان از برای دعا کردن حال رقّت و اضطرار و مرض و غربت را، و همچنین هنگام قرائت قرآن، در حال سجده، روزه، بعد از نمازها، ما بین اذان و اقامه، وقت آمدن باران، وزیدنِ بادها و برگشتن سایهٔ ظهر.

و نیز مغتنم باید شمرد امکنهٔ شریفه را مانند: عرفات، مشاهد مشرّفه و مساجد محترمه.

آداب دعا

● و باید در دعا مراعات کرد آداب آن را، از جمله آنکه:

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۶۷ ـ ۴۷۰.

● دعا بعد از توبه و صدقه و ردّ مظالم بوده باشد.

● و دعا کننده در حال دعا اقبال به خدا کند،[۱] و خشوع و خضوع نماید و بگرید[۲] و اعتراف به گناهان خود کند.[۳]

● و در حال نعمت و رَخا دعا کند، تا در وقت شدّت و گرفتاری که دعا نماید دعایش بالا رود و ملائکه گویند که: صاحب این صوت را می‌شناسیم.[۴]

● و باید داعی [=دعاکننده] در حاجات خویش بر غیر خدا اعتماد ننماید.[۵]

و در حال دعا رو به قبله کند، و دستها را به سوی آسمان بالا برد به طریقی که زیر بغل او نمایان باشد، و کفهای دستها را به هم ضَمّ نماید، و نظرش به کفِ دستها باشد.[۶]

و در دعا الحاح و مبالغه کند، و از کثرت دعا کردن خسته نشود.[۷]

و در هر دعائی ابتدا کند به تمجید و تحمید و ثنای حضرت الهی ـ عَزَّ شَأْنُهُ ـ[۸] پس از آن صلوات بر پیغمبر و آل اطهار او ﷺ بفرستد، و دعا را بدان نیز ختم کند و در ما بین حاجاتِ خود را بخواهد[۹] و حاجات خود را یک یک نام ببرد.[۱۰]

و از برای برادران مؤمن و خواهران مؤمنهٔ خود در پشت سر ایشان دعا کند تا

---

۱. امام صادق ﷺ فرمود: هر گاه دعا می‌کنید (با حضور قلب دعا نموده) و دل خود را با خدا دارید، و یقین کنید که دعایتان مستجاب است (همان، ج ۲، ص ۴۷۳).

۲. امام صادق ﷺ فرمود: هر گاه بدنت مضطرب و لرزان و چشمت گریان شود، پس در دعا کوشش کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است (همان، ج ۲، ص ۴۷۸).

۳. و نیز آن حضرت فرمود: اوّل خدا را به صفات کمال ستایش کن و او را بر نعمتهایش ثنا بگو شکر کن، و به گناه خود اعتراف کن، آنگاه از او درخواست کن (حاجت بخواه)، به خدا سوگند! هیچ بنده‌ای جز با اعتراف به گناهان از گناه بیرون نمی‌رود. (همان، ج ۲، ص ۴۸۴).

۴. همان، ج ۲، ص ۴۷۲.

۵. اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی بطلبد به او عطا کند، باید از تمام مردم ناامید باشد (عین‌الحیات، ج ۲، ص ۱۲۶).

۶. کافی، ج ۲، ص ۴۸۰.

۷. همان، ج ۲، ص ۴۷۴ ـ ۴۷۵.

۸. همان، ج ۲، ص ۴۸۴.

۹. همان، ج ۲، ص ۴۹۱ ـ ۴۹۵.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۴۷۶.

ملائکه به اضعافِ [= چند برابر] آن در حقّ او دعا کنند.[۱]

و بهتر آن است در دعا اجتماع کنند، و اگر عدد به چهل برسد باعث اجابت است، و آمینگو با دعا کننده در اجر شریک است.[۲]

و چون دعا کننده حاجتی از خدا بطلبد، چیزی بخواهد که صلاح او در آن باشد و از برای او سزاوار باشد، و اگر آثار اجابت در دعا ظاهر نشد ملول نشود، شاید صلاح او نبوده و حق تعالی از برای او اعظم از آن را ذخیره کرده باشد، یا آنکه در عوض بلائی را از او دفع فرموده که اگر به او می‌رسید هلاک می‌گشت.[۳]

و دعا اختصاص به زبان عربی ندارد، بلکه انسان به هر زبانی خدا را بخواند خوب است، بلی در دعاهای وارده از اهل بیت عصمت سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ آثار دیگر است.

اقسام دعا

و از برای دعا و خواندنِ خدا اقسامی است:

۱ قسمی او را دو اذکار و ادعیهٔ موظّفهٔ بر روز و شب است که مشتمل است بر اصناف مقاصد.

۲ و قسمی دیگر دعاهای واردهٔ در أزمان [=زمانها] مانند: اعمال ماهها و هفته‌ها و روزها است.

۳ و قسمی دیگر دعاهای متعلّقه به اوقات است مانند: دعاهای واردهٔ در حال تخلّی و وضو و أعقاب نمازها و زیارتها و امثال آن.

۴ و قسمتی دیگر دعاهای مشتمله بر اعتقادات، توحید، توبه، استغاثه، طلب حوائج، اعتذار و اظهار حُبّ و تذلّل و انکسار است مانند بسیاری از دعاهای صحیفهٔ کامله و ادعیهٔ خمس عشرة، مناجات انجیلیّه، دعای اعتقاد، دعای اویس قَرَنی و اسماء

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰۷ـ۵۰۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۸۸ـ۴۹۱.

حُسنی، دعای آمان، دعای توسّل، دعاهای جامع، دعای جوشن کبیر و جوشن صغیر، دعای حُجب، دعای حمید، دعای ذخیره، دعای سهم اللّیل،[1] دعـای سـیفی، دعـای شیخ، دعاءُ الصّحیفه، دعای عشرات، دعای عبرات، دعای علوی مصری، دعای فرج، دعای قدح، دعای قاف، دعای کنزالعرش، دعای مجیر، دعای مشلول، دعای معراج و دعای یستشیر و غیر از این دعاها از ادعیهٔ دیگر که اکثر آنها مسمّا به اسمی نشده و از اهل بیت عصمت ﷺ رسیده، و به حمدالله کتابهای مصابیح عـلما و کـتب سیّد بـن طاووس و کفعمی و کتاب مفاتیح سبزواری ﷺ و کتاب دعای «بحار» وغیره مَشحون [=پُر] است از این دعاها، و دست همه کس به آنها می‌رسد، پس البتّه طالبینِ سعادت از برکات و فیوضاتِ آنها خود را محروم نکنند.

۱. این دعای شریف از وجود مقدّس امام زمان حضرت مهدی ﷺ روایت شده است. (مصباح کفعمی، ص ۲۶۵).

انجام آداب و سُنن

و بر تو باد ای عزیز من! به عمل کردن به سُنَن و آداب واردهٔ از شرع مطهّر در بابِ زیّ و تجمّل و عشرت [=معاشرت] و غیرها؛ و احقر به طور اختصار جمله‌ای از آنها را در کتاب «سنن و آداب»[1] ایراد کرده‌ام، و در این مختصر نیز بطور اَخْصَر [مختصرتر] به جمله‌ای از آن در مقاماتی که مناسبتی داشت اشاره کردم.

روزه‌های مستحبّی

و بر تو باد به مداومت کردن بر روزهٔ سه روز از هر ماه: پنجشنبهٔ اوّل ماه و پنجشنبه و آخر ماه و چهارشنبه اوّل از دههٔ میان ماه.

و بر تو باد به روزه گرفتن ماه رجب ـ خصوص روز اوّل و ایّام البیض و بیست و پنجم و بیست و هفتم آن ـ و روزه گرفتن تمام ماه شعبان، روزهٔ شش روز بعد از عید فطر، روزهٔ دَحْوالارض ـ بیست و پنجم ذیقعده ـ روزهٔ نه روز اوّل ذیحجّه و روزهٔ هجدهم و بیست و چهارم آن.

و بر تو باد به روزهٔ **ایّام البیض** ـ یعنی: سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ـ هر ماه ـ

---

۱. بحمدالله این کتاب با تحقیق و پاورقی حقیر، از سوی انتشارات «ناصره» تجدید چاپ شده است.

و بر تو باد به روزهٔ پنجشنبه و جمعه و شنبه ماه حرام.

و بر تو باد به اَداء فرایض در اوّل اوقات آن، اتمام رکوع و سجود، اتیان به [=بجا آوردن] فرائض در مساجد و جماعات، کثرت خضوع و خشوع و حضور قلب و اتیان به نوافل شبانه روزی، و آن ضعف نمازهای واجبه و مُکمّل آن است.

نمازهای مستحبّی (نافله)

و از جملهٔ نوافل، نماز شب است که تأکید و توصیهٔ بسیار در حقّ آن شده است؛[1] و مواظبت کن به سایر نمازهای مستحبّه که از جمله:

۱ **نماز اوّل هر ماه** است و آن دو رکعت است: در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه توحید، و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قدر بخوان، و بعد از نماز به هر چه ممکنت شود تصدّقی کن که سلامتی آن ماه را خریده باشی.

۲ و از جمله **نماز حضرت رسول** است، و آن دو رکعت است: در هر رکعت بعد از یک مرتبه حمد پانزده مرتبه سورهٔ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ می‌خوانی، و در رکوع و بعد از سر برداشتن، و در سجدهٔ اوّل و بعد از سربرداشتن، و در سجده دوّم و بعد از سر برداشتن، در هر یک از این شش موضع پانزده مرتبه سورهٔ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ را می‌خوانی، پس تشهّد می‌خوانی و سلام می‌گوئی.

و روایت شده که: چون فارغ شوی، گناهی از تو نمی‌ماند مگر آنکه آمرزیده شده

---

۱. امام صادق (ع) فرمود: بر شما باد به نماز شب، بدرستی که آن سنّت پیغمبر شما و ادب صالحان پیش از شماست، و رفع کننده دردهاست از بدنهای شما؛ و فرمود: نماز شب رو را سفید و آدمی را خوشخو و خوشبو می‌گرداند، و سبب مزید [=زیاد شدن] روزی می‌شود. (عین‌الحیاة، ج ۲، ص ۱۶۰).

است و هر حاجتی بطلبی رَواست.[1]

۳ و از جمله نماز حضرت امیرالمؤمنین﷣ است، و آن چهار رکعت است به دو سلام، در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سورهٔ توحید است، و این نماز نیز باعث آمرزش گناهان است.[2]

۴ و از جمله نماز حضرت فاطمهٔ زهرا صَلَواتُ اللهِ عَلَیْها است، و آن دو رکعت است: در رکعت اوّل بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ قدر می‌خوانی، و در رکعت دوّم بعد از حمد صد مرتبه سورهٔ توحید می‌خوانی، چون سلام نماز دادی تسبیح فاطمه﷤ بخوان، و این دعا را ـ که نیز معروف است به تسبیح فاطمه﷤ ـ بخوان:

سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ، سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّیٰ بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ یَرَی اَ ثَرَالنَّمْلِ فِی الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ یَریٰ وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰکَذا وَلاٰ هٰکَذا غَیْرُهُ.

و اگر کسی این دعا را نتواند بخواند، عمل کند به روایت دیگر که نقل شده بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه﷤ را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد.[3]

۵ و از جمله نماز حضرت جعفر طیّار است که به سندهای بسیار در کتب عامّه و خاصّه روایت شده است و در میان نمازهای مندوبه [=مستحبّی] به قوّت سند و کثرت فضیلت ممتاز است، و باعث آمرزش گناهان بسیار است و از برای قضاء حوائج نافع است، و در همه وقت می‌توان کرد،[4] و بهترین اوقات آن صدر نهار جمعه است،[5] و وارد شده است که: اگر هر روز بکنی، بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن است.[6]

۱. جمال الاسبوع، ص ۱۶۲ ـ ۱۶۳، ف ۲۷، ط آفاق. ۲. همان، ص ۱۶۳.
۳. همان، ص ۱۷۱ ـ ۱۷۲.
۴. چه در شب و چه در روز، چه در وطن و چه در سفر (کافی، ج ۳، ص ۴۶۶).
۵. جمال الاسبوع، ص ۱۸۳، ف ۳۰. ۶. کافی، ج ۳، ص ۴۶۵.

کیفیّت نماز جعفر طیّار

و کیفیت این نماز شریف چنان است که: چهار رکعت نماز کند به دو سلام به قصد نماز جعفر ـ به هر سوره که خواسته باشی ـ و اگر در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند خوب است، و افضل آن است که: در رکعت اوّل بعد از حمد، «اِذٰا زُلْزِلَتْ» و در دوّم «وَالْعٰادِیٰاتِ» و در سوّم، «اِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ» و در چهارم، قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند، و در هر رکعت بعد از فراغ از سوره، پانزده مرتبه بگوید: «سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ»، پس به رکوع رود و بعد از ذکر رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه بگوید، پس برخیزد و باز ده مرتبه بگوید، پس به سجده رود و بعد از ذکر ده مرتبه بگوید، پس سر از سجده بردارد پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه گوید، آنگاه که فارغ شد برخیزد برای رکعت دوّم، و در آن رکعت نیز چنین کند، پس تشهّد بخواند و سلام گوید، پس برخیزد و دو رکعت دیگر نیز بدین طریق بخواند، که حاصل آن است که: در هر رکعتی سیصد مرتبه خوانده شود.

و مستحبّ است که در سجدهٔ آخر بعد از فراغ از تسبیحات این دعا را بخوانند:

سُبْحٰانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقٰارَ، سُبْحٰانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ یَنْبَغِي التَّسْبیحُ اِلاّٰ لَهُ، سُبْحٰانَ مَنْ اَحْصیٰ کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحٰانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ، سُبْحٰانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُکَ بِمَعٰاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتٰابِکَ وَاسْمِکَ الْاَعْظَمِ وَکَلِمٰاتِکَ التّٰامَّةِ الَّتي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً، اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بي کَذٰا وَکَذٰا.[1]

و اگر کسی این دعا را بخواند فضیلت نماز جعفر را درک کرده است، و مشهور آن است که: نماز جعفر را به جای نوافل شبانه روزی می‌توان کرد که به هر دو حساب شود، و وارد شده که: اگر کسی ضرورتی و تعجیلی داشته باشد می‌تواند نماز جعفر را بدون

---

۱. به جای «کذا و کذا» حاجت خود را بگوید.

تسبیحات بخواند و تسبیحات را در راه بگوید.[1]

و بالجمله فضیلت این نماز بسیار است، و باید اِخْوان مؤمنین بر خواندنِ آن مواظبت نمایند و این گوهر گرانبها را قدر بدانند.

۶ و از جمله نماز **حضرت حجّت**ﷺ **است که خواندنِ آن به جهت مطالب مهمّه و حوائج عظیمه نافع است** و در هر جا و در هر وقت می‌توان کرد، ولکن در سحر شب **جمعه** و روز **جمعه** و در **سرداب «سُرَّ مَنْ رَایٰ» و مسجد جمکران قم** خصوصیّتی دارد.

کیفیّت نماز حضرت حجّت ﷺ

و کیفیّت این نماز شریف آن است که: دو رکعت نماز کند و در هر رکعت یک بار سورهٔ حمد و **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** بخواند، و چون در حمد به آیهٔ: **اِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَاِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ** برسد آن را صد مرتبه بگوید، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بفرستد تا عمل به همهٔ روایات آن کرده باشد، و چون از نماز فارغ شد بگوید:

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاٰءُ وَبَرِحَ الْخَفٰاءُ وَضٰاقَتِ الْاَرْضُ بِمٰا وَسِعَتِ السَّمٰاءُ وَاِلَیْکَ یٰا رَبِّ الْمُشْتَکیٰ وَعَلَیْکَ الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخٰاءِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَلَّذِینَ اَمَرْتَنٰا بِطٰاعَتِهِمْ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقٰائِمِهِمْ وَاَظْهِرْ اِعْزٰازَهُ یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ یٰا عَلِیُّ یٰا مُحَمَّدُ اِکْفِیٰانِی فَاِنَّکُمٰا کٰافِیٰایَ یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ یٰا عَلِیُّ یٰا مُحَمَّدُ اُنْصُرٰانِی فَاِنَّکُمٰا نٰاصِرٰایَ یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ یٰا عَلِیُّ یٰا مُحَمَّدُ اِحْفَظٰانِی فَاِنَّکُمٰا حٰافِظٰایَ یٰامَوْلاٰیَ یٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ ـ سه مرتبه ـ **اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِکْنِی اَدْرِکْنِی اَدْرِکْنِی اَلْاَمٰانَ اَلْاَمٰانَ اَلْاَمٰانَ.**[2]

این نماز از اعمال نفیسه و کُنوزِ مخفیّه است که نباید از فوائد آن غفلت نمود.

---

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۶۶ ـ ۴۶۷.

۲. جمال الاسبوع، ص ۱۸۱، ف ۲۹.

دوری از اخلاق ناپسند

و بر تو باد ای عزیز من! به کسب کردنِ مکارم اخلاق که اعظم سعاداتِ نفس [و]تخلیه[1] از صفات ناپسند و تَحلیه[2] به مَلَکات ارجمند است، پس اجتناب کن و معالجه کن خود را از رذیلهٔ جهل، شکّ، شرک، مکر و حیله، تهوّر، جُبن، ایمنی از مکراللّٰه، یأس از رحمت خدا، دنائتِ [=پستی] همّت، ضعف، نفس، بی‌غیرتی، عجله، سوءظنّ، غضب بی جا، غلظت و درشتی، کج خُلقی، عداوت و خصومت، فحش و شَتم، عُجب، کِبر، عصبیّت، کتمان حق، قساوت قلب، متابعتِ شکم و فرج، محبّت دنیای دنیّه [=پست و بی‌ارزش]، حرص، طمع، بُخل، خوردنِ مال حرام، خیانت و غدر، خوضِ[3] در باطل، تکلّم به سخنان بی‌فایده، حسد، خوارکردن بندگان خدا، ظلم، ترک اعانت مسلمین، کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر، قطع رحم، عقوق والدین، عیبجوئی مردمان، فاش کردن رازهای پنهان، نمامی، اِفساد،[4] شماتت [=سرزنش]، مراء و جدال، سُخریّه [=مسخره کردن] و استهزاء، افراط در شوخی و مزاح، غیبت، دروغ، محبّت جاه و شهرت، ریا، غرور، طول اَمَل [=آرزوی دور و دراز]، فراموشی از اعمال، غفلت از مراقبه و محاسبهٔ نفس، اعتراض بر

---

۱. خالی کردن.
۲. آراستن.
۳. فرورفتن.
۴. فتنه و فساد بر پا کردن.

واردات الهیه،[1] بی‌اعتمادی به خدا، کُفرانِ نعمت، جَزع و بی صبری در مصیبت و امثال این اوصاف خبیثه از رذائل دیگر.

تلاش در تحصیل اخلاق نیکو

وجدّ و جهد کن در تحصیل اخلاق حَسَنه که اضداد این اوصاف است، و از ذکر این اوصاف رذیله، اخلاق حَسَنه نیز معلوم گشت.

وبدان ای برادر عزیز! آدمی مرکّب از دو چیز است: یکی این بدنِ ظاهر که آن را تن گویند و مرکّب از عناصر اربعه و از جنس این عالم است، و دیگر نفس که از آن به روح و دل و عقل گاهی تعبیر کنند، و آن جوهر مجرّده‌ای است از عالم ملکوت و به سبب همین گوهر نفیس و جوهر عجیب است که آدمی بر سایر حیوانات ترجیح یابد، و آدمی را به سبب این دو چیز آلمی و لذّتی و محنتی و راحتی می‌باشد.

آلام [=دردهای] بدن عبارت است از امراض و بیماریها، و علم طبّ موضوع است از برای بیان این امراض و معالجات آنها.

و بیماریهای روح عبارت است از اخلاق رذیله که موجب هلاکت سرمدیّه[2] است، و صحت روح اتّصاف اوست به اوصاف قُدسیّه، پس همچنان که آدمی در امراض تن محتاج است به طبیب و شُربِ دَوا و پرهیز برای تصحیح تن و بازنماندنِ آن از لذّات خسیسهٔ جماع و غذا و امثال آنها، همچنان محتاج بلکه اَحْوج است به معالجهٔ رذائل و رجوع به علم اخلاق، زیرا بیماریِ روح صاحبش را از رسیدنِ به لذّات ابدیّه و سعادت سرمدیّه باز می‌دارد.

پس هان ای جانِ برادر! حدیث بیماریِ روح را سهل مگیر و معالجهٔ او را بازیچه مشمار، و مَفاسد اخلاق رذیله را اندک مدان و صحت روح را به صحّت تن قیاس مکن، و اگر چه تطویل این کلام در این مقام مناسب نیست، لکن چون سخن بدین جا رسید

۱. احکام و دستورات خدای تعالی.
۲. همیشگی، دائمی.

چنان صلاح دیدم که یک قانونی کلّی برای معالجهٔ امراض نفسانیّه ذکر کنم و کتاب را بدان ختم نمایم، و از خداوند شافی مسئلت می‌کنم به حقّ انبیا و ائمه طاهرین - که اطبّاء روحانی ما مریضانند - که توفیق خود را شامل حالِ ما گرداند که به دستور العمل ایشان رفتار کنیم و به مرارتِ [=تلخیِ] دواهای نافعهٔ مقرّره صبر کنیم، و از پیروزیِ خواهشهای نفسانیّهٔ شَهَویّه پرهیز نمائیم، تا شاید که از دارالشّفای مبارکه امراض مُزمنهٔ [=بیماریهای کهنهٔ] ما شفا یابد و بر کام ما طعم لذایذ اُخرویّه گُوارا نماید.

قانون کلّی برای معالجهٔ بیماریهای نفسانیّه

و آن قانون کلّی که لازم است از برای طالبِ پاکیِ نفس از امراض جنبیّه، نسخه‌ای است مشتمل بر چند دوا:

اوّل: آن که اجتناب از مصاحبت بدان و اَشرار را لازم داند،[1] و دوری از همنشینی صاحبان اخلاق بد را واجب شمرد.

حافظ

نخست موعظهٔ پیر مِیْ فروش آن است — که از مُعاشِر ناجنس احتراز کنید

و احتراز کند از دیدن و شنیدن قصه‌ها و حکایتهای ایشان، و افعال صادرهٔ از ایشان را استماع نکند، بلکه در صَددِ[2] آن باشد که با صاحبان اخلاق حَسَنه و بزرگان دین و ملّت مصاحبت کند، و پیوسته مطالعه کند و استماع نماید حکایت پیشینیان و گذشتگان ایشان و کیفیّت احوال و اَقوال ایشان را، زیرا که صحبت با هر کسی مدخلیّت عظیم دارد و طبع انسان دُزد است، آنچه را که مکرّر از کسی دید قهراً [=بی‌اختیار] اَخذ

۱. تا توانی می‌گریز از یار بد — یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند — یار بد بر جان و بر ایمان زند

۲. قصد، میل.

می‌کند، و دیدن و شنیدن حکایات ایشان نیز تأثیر دارد.

دوم: آنکه همیشه مواظب اعمالی باشد که از آثار صفات حسنه است، و خواهی نخواهی نفس را بر افعالی بدارد که مقتضای صفتی است که طالب تحصیل آن است یا در صَدَدِ بقا و محافظتِ آن.

سوم: آنکه پیوسته مراقبِ احوال و متوجّه افعال و اعمالِ خود باشد، و هر عملی که می‌خواهد بکند ابتدا در آن تأمّل کند تا خلاف مقتضای خُلق حَسَن از او سر نزند، و اگر احیاناً از او امری [=کاری] به ظهور آمد که موافق صفات پسندیده نیست، نَفس خود را تأدیب کند و در مقام تنبیه و مؤاخذهٔ آن بر آید، بدین طریق که: اوّل خود را سرزنش کند و بعد از آن متحملِ کفّارات آن و همچنین متحمّل اموری شود که بر او ناگواراست، و در هیچ حال از حالِ خود غافل نشود و از جدّ و جهدِ در کسب صفات نیک یا حفظ آنها باز نماند.

چهارم: آنکه احتراز کند از آنچه باعث تحریک قوّه شهویّه یا غضبیّه می‌شود، مثلاً: چشم و گوش را از دیدن و شنیدن و تصویر کردنِ هر چیزی که غضب یا شهوت را به هیجان آورد باز دارد، و بیشتر سعی او در حفظِ دل باشد از خیالِ آنها، زیرا که در تصوّر و خیال آتش شهوت و غضب تیز می‌گردد، پس به اعضا و جوارح سرایت می‌کند، و مجرّد دیدن یا شنیدن بدون اینکه دل را مشغول آن کند، چندان تأثیری ندارد و کسی که این دو قوّه را از هیجان محافظت نکند، مانند کسی باشد که شیر درنده یا سگ دیوانه را رها کند و بعد از آن خلاصی خود را [با] جوید.

پنجم: آنکه فریب نفس خود را نخورد و افعال خود را حمل بر صحّت نکند، و در طلب عیوب خویش اِستقصا[1] و سعی بلیغ نماید و به نظر دقیق در تجسّس خفایای معایب خود برآید، و چون به چیزی از آنها برخورد در ازالهٔ[2] آن سعی کند و بداند که هر نفسی عاشق صفات و افعال خویش است، و بدین جهت اعمال و افعالش در نظرش جلوه دارد و بدونِ تأمّل و باریک بینی به عیوب خود بر نمی‌خورد.

---

۱. یعنی: کاوش کردن (منه ره). ۲. زائل کردن، از بین بردن.

و طالب تحصیل مکارم باید از أصْدِقا و دوستان خود تفحّص معایب خود نماید و بر ایشان است که او را مطّلع سازند، و بهتر آن است که یک تن از دوستان مهربان را از میانه اختیار کند و به او بگوید که: **پیوسته مراقب احوال من باش و در نفس من تأمّل نمای که اگر در اخلاق من ناپسندی بینی که مرا پسندیده است، بر آنم مطّلع گردان تا به تبدیل آن سعی نمایم.** پس هر گاه او را بر عیبی آگاه کرد خوشحال شود و از او منّت پذیرد و در صَدَدِ دفع آن برآید، تا آن صدیق [=دوست] را اعتمادی به هم رسد، ولکن این نحو **دوست[1] عزیزالوجود [=کمیاب] است،** و بسا باشد که نفع دشمن در این خصوص بیشتر باشد، زیرا که دوست در مقام تجسّس از عیوب کم بر می‌آید، بلکه چون نظرِ او نظرِ دوستی است شاید به عیوب او برنخورد، چنانچه گفته شده:

وَعَيْنُ الرِّضا عَنْ كُلِّ عَيْبٍ كَلِيلَةٌ   وَلكِنَّ عَيْنَ السُّخْطِ تُبْدُوا الْمَساوِيا.[2]

پس دانا کسی است که چون دشمنان او عیبی از او اظهار کنند، در مقام شکرگزاری ایشان برآید و آن عیب را از خود دفع نماید.

چه خوش گفت آن مرد دارو فروش   شــفا بــایدت داروی تــلخ نــوش

در معالجات نافعه برای بیماریهای روحی

و از معالجات نافعه برای امراض روحانیّه آن است که: انسانِ مبتلا دیگران را آئینهٔ عیب نمای خود گرداند، پس آنچه را که از ایشان سر می‌زند تأمّل در حُسن و قُبح آن نماید، و به قُبح هر چه برخورد بداند که چون آن عمل نیز از او سر زند قبیح است، و به حُسن هر چه برخورد بداند که این عمل نیز از او حَسَن است، پس در ازالهٔ قبائح خود بکوشد و در کسب اخلاق حسنه سعی کند.

---

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمود: أَحَبُّ إِخْوانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدىٰ إِلَيَّ عُيُوبِي: محبوبترین برادران دینی‌ام (دوستانم) کسی است که عیبم را به من هدیه نماید. تحف العقول، ص ۳۸۵، ط اسلامیه.

۲. چشم دوستی و رضامندی از دیدن عیبها کُند است، ولی دیدهٔ دشمنی بدیها را آشکار می‌کند. [معراج السّعادة، ص ۶۸].

و باید طالب اوصاف جمیله در هر روز و شب دفتر اعمال و کردار خود را گشوده، سَراپایش را مُرور نماید و تفحصّ کند از آنچه از او صادر شده است، پس اگر کردار ناستوده و کار بدی از او صادر نگشته حمد خدا را بجای آورد و شکر توفیق کند، و اگر مرتکب قبیحی شده و کار بدی از او سرزده است، با نفس خود عِتاب کرده و خویشتن را ملامت کند و توبه و اِنابه نماید.

و از چیزهائی که مدخلیّت تام دارد و در این مقام بلکه در هر مقصد و مقامی، کثرت مسئلت و تضرّع و زاری و ابتهال [=تضرّع] است در درگاهِ خالق ذوالجلال و قادر متعال.

□ ■ □

تمام شد آنچه مقصود ما بود از تلفیق[۱] این لئالی منثوره[۲] و تنمیق [=نوشتن] این رسالهٔ مختصره، در روز پنجشنبه بیست و پنجم ذیقعدةالحرام - روز شریف دَحْوُالارض که یکی از آن چهار روزی است که در تمام سال ممتاز است به فضیلت روزه، و روز نزول رحمت الهی است و روزی است که وعدهٔ ظهور امام عصر ارواحنافداه در آن داده شده است - در دارالایمان قم در جوار حضرت فاطمیّه لاَزالَتْ مَهْبَطاً لِلْفُیُوضاتِ السُّبْحانِیَّةِ. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلیٰ نِعَمِهِ الْغامِرَةِ اَلصَّلوٰةُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرَةِ. سنهٔ ۱۳۲۴.

کِتابٌ لَوْ تَأَمَّلَهُ ضَریرٌ　　لَعادَ کَریمَتاهُ بِلاَ ارْتِیابٍ[۳]
وَلَوْ اَنْ مَرَّ حامِلُهُ بِقَبْرٍ　　لَصارَ الْمَیِّتُ حَیّاً فِی التُّرابِ[۴]

---

۱. پیوستن و آراستن.　۲. گوهرهای پراکنده
۳. کتابی است که اگر نابینا در آن تأمّل نماید بی تردید دو چشمش بر می‌گردد (بینا می‌شود).
۴. و اگر دارندهٔ آن به قبری بگذرد، همانا مردهٔ در خاک زنده می‌شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

به ماهتاب چه حاجت شب علی را

این رسالهٔ شریفه اگر چه در کمال و غایت اختصار است، لکن اهل علم و ارباب فنّ حدیث می‌دانند که لبّ چه قدر از کلمات و جوهر چه مقدار از مطالب در این وَجیزه[1] مندرج گشته است.

عَرَبِيَّةٌ

فَفِي كُلِّ لَفْظٍ مِنْهُ رَوْضٌ مِنَ الْمُنیٰ   وَفِي كُلِّ سَطْرٍ مِنْهُ عِقْدٌ مِنَ الدُّرَرِ[2]

امید که برادران دینی قدر دُرَرِ منثوره[3] و جواهر گرانمایه را بدانند و از دست ندهند، و این شکستهٔ مهجور را از دعا فراموش نفرمایند.

كَتَبَهُ بِيُمْنَاهُ الْوازِرَةِ عَبّاسُ بْنُ مُحَمَّدْرِضَا الْقُمّي عُفِيَ عَنْهُما.

---

۱. مختصر [و مفید]، کوتاه.

۲. در هر لفظی از آن باغی از آرزوها، و در هر سطری از آن گلوبندی از گوهرهاست.

۳. گوهرهای پراکنده.

۴

دوازده دعای مأثوره

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

«اَلْحَمْدُلِلّهِ وَ سَلامٌ عَلىٰ عِبادِهِ الَّذِينَ اصْطَفىٰ»

ذکر چند دعای معتبرِ مختصر، و دو نماز برای گشایش کارها و اَدایِ دُیون[1] و توسعهٔ در معاش که این احقر «عبّاس قمیّ» انتخاب نموده‌ام، و عدد آنها دوازده است:

اوّل

برای رفع پریشانی و بیماری

«کَفْعَمی» از حضرت رسول ﷺ روایت کرده است: که مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را، فرمود: بعد از هر نماز فریضه بگو:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُلِلّهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»

[توکّل می‌کنم بر خدائی که زندهٔ جاوید است، و ستایش ویژهٔ خدائی می‌باشد که یار و فرزندی نگرفته و در پادشاهی همتائی ندارد، و چنان تواناست که از یاری بندگانش بی‌نیاز می‌باشد، و همواره او را بسیار بزرگ بشمار].

---

۱. بدهکاری‌ها

و به روایت دیگر فرمود: هیچ شدّتی مرا رونداد مگر آن که جبرئیل برای من متمثّل[۱] شد و گفت که: این دعا بخوان.[۲]

و در احادیث معتبره وارد شده است که برای وَسٰاوِس[۳] سینه و قرض و پریشانی و بیماری مکرّر این دعا را باید خواند[۴]، و در بعضی روایات در اوّلش «لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ» هست.[۵]

دوّم

شیخ ما «ثِقَةُالْإِسْلاٰمِ نُوری» از عالم ربّانی جناب «حاج ملاّ فتح علی سلطان آبادی» رِضْوٰانُ اللّٰهُ عَلَيْهِمٰا نقل کرده که: جناب «آخوند ملاّ محمّد صادق عراقی» در غایت سختی و پریشانی و بدحالی بود، و به هیچ وجه برای او گشایش نمی‌شد، تا اینکه شبی در خواب خدمت حضرت امام عصر عَجَّلَ اللّٰهُ فَرَجَهُ رسید و سختیِ حالِ خود را به آن حضرت عرض کرد، و از آن بزرگوار دعائی برای گشایشِ کار خود و وسعت رزق خواست.

آن حضرت او را حواله فرمود به سیّد سَنَدْ وحِبْرِ[۶] مُعْتَمد جناب «آسیّد محمّد سلطان آبادی»، جناب سیّد دستورالعملی به او دادند که به اندک زمانی دنیا از هر طرف به او روی آورد، و از سختی و بدحالی بیرون آمد، و آن دستورالعمل سه چیز است:

اول: آنکه در عقب فجر دست بر سینه بگذارد و هفتاد مرتبه «یٰا فَتّٰاحُ» بگوید.

دوّم: مواظبت کند به خواندن:

«لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لاٰ يَمُوتُ، وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.»

---

۱. تمایل

۲. بلد الامین ص ۹ در حاشیه، عنه بحار ۸۶ / ۳۹.

۳. وسوسه‌ها

۴. اصول کافی ۲ / ۵۵۵ باب الدّعا للدَّین ح ۲.

۵. اصول کافی ۲ / ۵۵۱ بابُ الدُّعاءِ لِطَلَبِ الرِّزقِ ح ۳.

۶. دانشمند نیکوکار

[هیچ حرکت و جنبش و نیرونی نیست مگر از خدا، توکّل می‌کنم بر خدائی که زنده و جاوید است، و ستایش ویژهٔ خدائی است که فرزندی برای خود نگرفته، و در پادشاهی همتائی ندارد، و چنان تواناست که نیازی به یاری بندگانش ندارد، و همواره او را بسیار بزرگ بشمار].

سوم: در عقب نمازهای صبح بخواند:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، «وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبٰادِ»[1]، فَوَقٰيهُ اللّٰهُ سَيِّئٰاتِ مٰا مَكَرُوا، «لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمِينَ»[2] فَاسْتَجَبْنٰا لَهُ وَ نَجَّيْنٰاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذٰلِكَ نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ، «حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»[3] فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ لاٰ مٰا شٰاءَ النّٰاسُ مٰا شٰاءَ اللّٰهُ وَ إِنْ كَرِهَ النّٰاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخٰالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرّٰازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمِينَ حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كٰانَ مُذْ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».[4]

[به نام خدا و درود خدا بر محمّد و خاندانش، و کارم را به خدای تعالی می‌سپارم، همانا خدای تعالی به بندگانش آگاه است پس خدا او را از نیرنگ و شرّ (کافران) بازداشت، خدائی نیست جز تو، (از همهٔ بدی‌ها) منزّهی، همانا من از ستمکارانم، پس خواسته‌اش را برآورده نموده و او را از اندوه رها نمودیم، و ما این گونه مؤمنین را نجات می‌دهیم،خدا ما را کافی است و وکیل نیکوئی است پس آن مؤمنان بر فضل و نعمت خداروی آوردند، و بر ایشان هیچ رنجی پیش نیامد. آنچه خدا خواهد، نیست حرکت و جنبشی و نیرونی مگر از خدا، آنچه خدا خواهد نه آنچه مردم می‌خواهند، آنچه خدا خواهد اگر

۱. سخن مؤمن آل فرعون «مؤمن / ۴۴ ـ ۴۵».
۲. ذکر حضرت یونس در شکم ماهی «انبیاء / ۸۷ ـ ۸۸».
۳. آل عمران / ۱۷۴ ـ ۱۷۵ «سخن اصحاب پیامبر اسلام در واقعه بدر صُغری».
۴. دارالسّلام ۲ / ۲۶۶ ـ ۲۶۷، لازم به تذکر است که دعای «بِسْمِ اللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ...» از نیایش‌های بسیار مهمّی می‌باشد که در کتاب «عدّة الدّاعی ص ۲۵۲ ـ ۲۵۳ ط قم» از امام رضا علیه السلام و در «اصول کافی ۲ / ۵۴۷ ح ۶» از امام جواد علیه السلام نقل شده است.

چه مردم نپسندند، بس است مرا پروردگار از پرورش یافته‌ها (مردم)، بس است مرا آفریدگاراز آفریده شده‌ها، بس است مرا روزی رسان از روزی داده شده‌هابس است مرا پروردگار عالمیان بس است مرا کسی که همواره مرا بس است، بس است مرا کسی که از آن زمانی که بوده‌ام همواره مرا کفایت نموده است، بس است مرا خدائی که جز او خدائی نیست، بر او توکّل می‌نمایم، و او پروردگار عرش بزرگ است].

سوم
دعائی به جهت باز شدن ابواب فرج

«شیخ بن فَهد» و دیگران روایت کرده‌اند که: مردی[۱] به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که: کار بر من بسته شده است و به هر کاری که متوجّه می‌شوم سود نمی‌یابم، و به هر حاجت که رو می‌نهم برآورده نمی‌شود. حضرت فرمود که: بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو:

«سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ أَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.»

[پاک و منزّه است خدای بزرگ و ستایش ویژهٔ اوست، از خدای تعالی آمرزش می‌خواهم، و از فضل او درخواست می‌نمایم].

راوی گفت که: اندک زمانی براین مداومت کردم، جمعی از بادیه آمدند و مرا خبر دادند که مردی از قوم تو مرده و به غیر از تو وارثی ندارد. پس مال بسیاری به دست من آمد و تا حال بی‌نیازم.[۲]

و در «کافی» و «مکارم» روایت کرده که: مردی به آن حضرت عرض کرد که: «دعائی مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد».

حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع کند، او مداومت کرد بر آن و حالش نیکو شد.[۳]

---

۱. به نام «علی قمقام»

۲. عدّة الداعی ۲۵۱ ب ۵ ط قم، کافی ۵ / ۳۱۵ عنه بحار ۸۶ / ۱۳۱ ب ۶۵ ح ۵.

۳. اصول کافی ۲ / ۵۵۰ باب الدعاء فی ادبار الصّلوات ح ۱۲، مکارم الاخلاق ۳۲۸ عنه بحار ۸۶ / ۱۳۱ ب ۶۵ ح ۶.

چهارم

شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: هر که بعد از نماز صبح و مغرب بگوید هفت مرتبه: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» [به نام خدای بخشندهٔ مهربان، و هیچ حرکت و جنبش و نیرونی نیست مگر از خدای بلند مرتبه و بزرگ].

حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا که آسان‌تر آنها باد و پیسی و دیوانگی باشد، و اگر شقی باشد محو شود از اشقیاء[1]، و نوشته شود در زمرهٔ سُعَداء.[2،3]

پنجم

دعای محزون

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: ترک مکن این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام:

«اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهٰا مَنْ تُرِيدُ»[4]:

[خدایا مرا در سپر استوار ومحکمت قرار بده، سپری‌که هر کسی را بخواهی در آن قرار می‌دهی].

ششم

دعای به جهت طلب روزی

در سجدهٔ نماز فریضه بگو: يٰا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَ يٰا خَيْرَ الْمُعْطِينَ اُرْزُقْنِي وَ ارْزُقْ عِيٰالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِيمِ.[5]

---

۱. بدبختان ۲. سعادتمندان

۳. کافی ۲ / ۵۳۱ ح ۲۵ عنه بحار ۸۶ / ۱۳۲ ب ۶۵ پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای علی! آیا به تو سخنانی نیاموزم که هرگاه در کار بسیار سخت و یا در بلائی گرفتار شدی آن را بخوانی؟ پس بگو: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس خدای عز و جل از بلاهای گوناگون آنچه را که می‌خواهد از تو دور می‌گرداند. کافی ۲ / ۵۷۳ باب الحرز ح ۱۴.

۴. کافی ۲ / ۵۳۴ باب القول عندالاصباح و الامساء ح ۳۷.

۵. مصباح کفعمی / ۱۷۰ ف ۲۰ ط نجف اشرف، اصول کافی ۲ / ۵۵۱ ح ۴.

[ای بهترین خواسته شده، و ای بهترین بخشش کننده، مرا وزن و فرزندم را از فضل خود روزی بده، پس همانا تو صاحب فضل بزرگ هستی].

هفتم
به جهت گشایش و برطرف شدن سختی

از حضرت امام محمّد تقی﷣ مروی است که مواظبت کند به خواندن این کلمات:

«یا مَنْ یَکْفِي مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لا یَکْفِي مِنْهُ شَیْءٌ إکْفِنِي ما أهَمَّنِي»[1]:

[ای کسی که از همه چیز کفایت می‌کند، وچیزی از او کفایت نمی‌کند، مشکلات و سختی‌هایم را کفایت فرما].

هشتم
به جهت زیاد شدن حافظه

می‌خوانی عقب هر نماز این دعا را: **«سُبْحانَ مَنْ لا یَعْتَدي عَلیٰ أهْلِ مَمْلِکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَأخُذُ أهْلَ الأَرْضِ بِألْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّؤُفِ الرَّحِیمِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فِي قَلْبي نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً إنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ»[2]:**

[منزّه است کسی که بر اهل مملکتش ستم نمی‌کند، منزّه و پاک است کسی که اهل زمین را به عذاب‌های گوناگون شکنجه نمی‌نماید، منزّه است خدای رئوف و مهربان، خدایا نور و آگاهی و فهم و دانش را در دلم قرار بده، همانا تو بر تمام چیزها توانائی].

نهم
برای کامل شدن ایمان

و ثابت ماندن آن که تا وقتی بمیرد زائل نشود، بخواند بعد از هر نماز واجب:

---

۱. عدة الداعی ۲۶۲ ب ۵ ط قم.

۲. رسول خداﷺ به امیرالمؤمنین علی﷣ فرمود: اگر می‌خواهی تمام آنچه می‌شنوی و می‌خوانی را حفظ کنی، پس بعد از هر نماز این دعا را بخوان: «سُبْحانَ مَنْ لا...» فلاح السائل ۶۸ عنه بحار ۸۶ / ۹ ب ۴۰ ح ۸.

«رَضيتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيّاً وَ بِالْإِسْلامِ ديناً وَ بِالْقُرآنِ كِتاباً وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَ بِعَلِيٍّ وَلِيّاً وَ إِماماً وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةً اَللّٰهُمَّ إِنّي رَضيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً فَارْضَني لَهُمْ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ»[1]:

[خوشنود شدم به خدا که پروردگارم باشد، و محمّد (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیامبرم، و اسلام دینم، و قرآن کتابم، و کعبه قبله‌ام، و علی ﷺ ولیّ و پیشوایم باشد، و حسن و حسین، و علی فرزند حسین، و محمّد فرزند علی، و جعفر فرزند محمّد، و موسیٰ فرزند جعفر، و علی فرزند موسی، و محمّد فرزند علی، و علیّ فرزند محمّد، و حسن فرزند علی، و حجّت فرزند حسن که درود خدا بر ایشان باد پیشوایان منند، خدایا همانا من به امامت آنها خوشنودم، مرا نیز مورد خوشنودی آنها قرار بده (آنان را از من خوشنود گردان) همانا تو بر تمام چیزها توانا هستی].

دهم

از حضرت امام صادق ﷺ مروی است که: صلوات بر محمّد و آل محمّد در ما بین ظهر و عصر معادل هفتاد رکعت است[2] و کسی که بگوید بعد از عصر روز جمعه:

«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَ السَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ»:

[خدایا درود بفرست بر محمّد و خاندان محمّد که جانشینان پسندیده‌اند، به برترین درودهایت، و مبارک گردان بر آنان به برترین برکت‌هایت، و سلام بر آنان و بر ارواح و اجسادشان باد، و رحمت و

۱. شیخ طوسی از محمّد بن سلیمان دیلمی از امام صادق ﷺ روایت کرده است تهذیب ج ۱.

۲. سرائر، ص ۴۷۰ عنه بحار ۸۶ / ۷۵ ب ۶۱ ح ۹، و نیز امام صادق ﷺ فرمود: صلوات بر محمّد و آل محمّد در میان ظهر و عصر معادل هفتاد حج است (بحار ۹۰ / ۶۳ ب ۱۰۱ ح ۸) و نیز فرمود: هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نمی‌میرد تا آن که قائم آل محمّد ﷺ را ببیند (بحار ۸۶ / ۷۷ ب ۶۱ ح ۱۱).

برکات خدا برایشان باد].

خواهد بود از برای او عمل جنّ و انس در آن روز.[۱]

یازدهم

مشایخ حدیث به سندهای معتبره از حضرت صادقؑ روایت کرده‌اند که: فریضه[۲] است بر هر مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا را بخواند:

«لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِي وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ»[۳]:

[خدائی نیست جز خدای یگانه، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و ستایش برای اوست، زنده می‌گرداند و می‌میراند، و او زندهٔ جاوید است که تمام خوبی‌ها به دست او می‌باشد، و وی بر تمام چیزها تواناست].

و در بعضی از روایات است که اگر ترک شد قضا کنید که لازم است.[۴]

دوازدهم

برای رفع فقر و رو کردن توانگری

نقل شده که: روزی صد مرتبه گویند: «لا اِلٰهَ اِلاّ اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ[۵]؛ [خدائی نیست جز خدای یگانه که پادشاه حقّ آشکار است].»

و سی مرتبه هم روایت شده، و از حضرت صادقؑ منقول است که: «هر که

---

۱. سرائر، ص ۴۷۰ عنه بحار ۹۰ / ۹۴ ب ۱۰۱ ح ۸.

۲. سنّت واجب است [کافی ۲ / ۵۳۲ ح ۳۱] یعنی مستحب ثابت است.

۳. کافی ۲ / ۵۲۳ ـ ۵۲۴ باب القول عند الاصباح و الامساء ح ۳۴ خصال ج ۲ / ۶۲ عنه بحار ۸۶ / ۲۵۰ ح ۱۵.

۴. کافی ۲ / ۵۳۱ ـ ۵۳۲ ح ۳۱ ـ ۳۲.

۵. ثواب الاعمال / ۲۲، مصباح شیخ طوسی، ص ۱۵۰.

استغفار کند بعد از نماز عصر، بیامرزد حق تعالی از او هفتصد گناه».[۱]

و از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام منقول است که: «هر که بخواند سورهٔ «اِنّا اَنْزَلْناهُ» را بعد از [نماز] عصر ده مرتبه، بگذرد برای او در روز قیامت مثل عمل‌های خلایق در این روز»[۲] و روایت شده که: ذکر «یاذَالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ»[۳] را بسیار بگوئید.

نمازی به جهت رفع سختی و عُسرت

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چون دشوار شود بر تو کاری، دو رکعت نماز بگذار نزد زوال، و بخوان در رکعت اوّل حمد و «قُلْ هُوَ اللّهُ» و «اِنّا فَتَحْنالَکَ فَتْحاً مُبِیناً» و تا «یَنْصُرَکَ اللّهُ نَصْراً عَزِیزاً»، و در رکعت دوّم حَمْد و قُلْ هُوَ اللّهُ وَ اَلَمْ نَشْرَحْ، و این نماز به تجربه رسیده است.[۴]

نماز برای توانگری و بی‌نیاز شدن

دو رکعت نماز گزارد، بخواند در هر رکعت فاتحه و پانزده مرتبه سورهٔ «لِاِیلافِ قُرَیْشٍ»، و بعد از سلام ده مرتبه صلوات بفرستد، پس به سجده رود و ده مرتبه بگوید: «اَللّهُمَّ اَغْنِنی بِفَضْلِکَ عَنْ خَلْقِکَ»[۵]

مؤلّف گوید که: به جهت قضاءِ دین، بسیار استغفار کردن و سورهٔ قدر خواندن[۶]، و مواظبت به خواندن «اَللّهُمَّ اَغْنِنی بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ وَ بِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِواکَ»[۷]:

---

۱. امالی صدوق ص ۱۵۴ عنه بحار ۸۶ / ۷۸ ب ۴۲ ح ۶۳.

۲. فلاح السائل ص ۱۹۹ عنه بحار ۸۶ ص ۸۰ ب ۴۲ ح ۷.

۳. معانی الاخبار، ص ۲۲۹ عنه بحار ۹۵ / ۱۳۵ ب ۹۷ ح ۴ و در بحارالانوار این ذکر ۱۹۷ بار در دعاهای گوناگون یاد شده است.

۴. مکارم الاخلاق ۲ / ۱۲۲ ح ۲۳۲۹ عنه بحار ۹۱ / ۳۵۸.

۵. مکارم الاخلاق ۲ / ۱۲۷ ط قم.

۶. اسماعیل بن سهل گفت: به امام صادق علیه السلام نوشتم که همانا قرض سنگینی بر عهده‌ام آمده است. حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: أَکْثِرْ مِنَ الْاِسْتِغْفارِ وَ رَطِّبْ لِسانَکَ بِقِرائَةِ اِنّا اَنْزَلْناهُ؛ زیاد آمرزش بخواه، و زبانت را به قرائت سورهٔ «قدر» تر گردان [کافی ۵ / ۳۱۷ عنه بحار ۹۵ / ۳۰۳ ب ۱۱۱ ح ۶].

۷. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت نمودم که بدهکار می‌باشم، پس فرمود ای علی! بگو: «اَللّهُمَّ

[خدایا بی‌نیازم کن به وسیلهٔ حلالت از حرام تو، و با فضلِ خود مرا از دیگران بی‌نیاز گردان].

خیلی نافع است إنشاءَ اللّهُ.[۱]

□ ■ □

أغْنِنی بِحَلالِکَ...» پس اگر به اندازهٔ صبیر - بزرگ‌ترین کوه یمن - بدهکاری داشته باشی، خدای تعالی قرض تو را می‌پردازد. (امالی صدوق ۲۱۷ / ح ۱۰ عنه سفینة البحار ۲ ص ۲۰۵ - ۲۰۴ واژهٔ «دعا» ط آستان قدس رضوی. شیخ بهائی(ره) این سخن رسول خدا را حدیث شانزدهم اربعین قرار داده و گفته که: من متجاوز از هزار و پانصد مثقال طلا مقروض شدم، در حالی که هیچ وسیله‌ای از برای پرداخت آن نداشتم؛ پس به خواندن این دعا مواظبت کردم، و مکرّر آن را هر روز بعد از نماز صبح و گاهی بعد از نمازهای دیگر، تا آنکه در اندک زمانی ادا شد دین من از موضعی که هیچ به خیال من نمی‌رسید «برگزیدهٔ حلیة المتقین یا «مُنْتَخَبُ الأَبْوابِ فِي السُّنَنِ وَ الآدابِ» تألیف: ثقة المحدثین مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی ص ۱۲۷ ط قم».

۱. ترجمهٔ ادعیه و اذکار، و تهیه مدارک و تنظیم این کتاب برای چاپ جدید در بهار ۷۴ پایان یافت.

ولی فاطمی

۵

سیر و سلوک امام رضا علیه‌السلام در سفر «مرو»

ترجمهٔ حدیث «رجاء بن ابی ضحّاک»

مترجم این حدیث شریف ـ عبّاس ـ[1] گوید: پوشیده نماند که: این حدیث مبارک **مشتمل است بر فوائد کثیره از جمله آنکه داراست مختصری از اعمال یوم و لیله را، امید که برادران دینی قدر آن را بدانند و اعمال حضرت ثامن الائمه﷣ را دستور العمل خود قرار دهند و این مُجرم را از دعا فراموش نفرمایند:**

شیخ صدوق﵀ از «رجاء بن ابی ضحّاک» روایت کرده که گفت: مأمون مرا به مدینه فرستاد که **علی بن موسی**﵉ را از مدینه به «مرو» آورم، و امر کرد که آن جناب را از راه بصره و اهواز و فارس حرکت دهم، و او را از طریق قم نبرم،[2] و نیز امر کرد که آن جناب

---

۱. بی آلایش و سادگی و فروتنی عالم ربّانی مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی﵀ از نوشته‌ها و تعبیراتی که دربارهٔ خود دارد آشکار می‌باشد این بزرگوار در کتاب «فوائدالرضویّه» ـ که شرح حال علمای شیعه است ـ به واژهٔ «عبّاس» که می‌رسد با نهایت تواضع و فروتنی می‌نویسد: «چون این کتاب شریف در بیان احوال علماست، شایسته ندیدم ترجمهٔ خود را ـ که احقر و پست‌تر از آنم که در عداد [= شمار] ایشان باشم ـ در آن درج کنم؛ لهذا از ذکر حال خود صرفنظر کرده اکتفا می‌کنم به ذکر مؤلّفات خود...» روحش شاد و راهش پُر رهرو باد.

۲. جناب سیّد عبدالکریم بن طاووس ـ که وفاتش در سنهٔ ۶۹۳ (ششصد و نود و سه است) ـ در فرحة‌الغریّ روایت کرده است: زمانی که مأمون حضرت امام رضا﵇ را طلبید از مدینه به خراسان، حضرت حرکت فرمود از مدینه به سوی بصره و به کوفه نرفت، و از بصره توجّه فرمود بر طریق کوفه به بغداد، و از آنجا به قم و داخل قم شد، اهل قم به استقبال آن حضرت آمدند و باهم مخاصمه کردند در باب ضیافت آن حضرت، و هر کدام میل داشتند که آنحضرت بر او وارد شود، آن جناب فرمود: شتر من مأمور است، یعنی: هرکجا او فرود آمد من آنجا وارد می‌شوم. پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید و

⟸

را در شب و روز حفظ کنم تا به او برسانم.

پس من از مدینه تا به مرو در خدمت آن حضرت بودم، و به خدا سوگند! ندیدم مردی را مثل آن حضرت در تقوا و کثرتِ ذکر خدا و شدّت خوف از حق تعالی! و عادت آن جناب چنان بود که: چون صبح می‌شد نماز صبح را ادا می‌کرد و بعد از سلام نماز در مصلاّی خود می‌نشست و پیوسته تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌گفت و صلوات بر حضرت رسول و آل او می‌فرستاد تا آفتاب طلوع می‌کرد، پس از آن به سجده می‌رفت و سجده را چندان طول می‌داد تا روز بلند می‌شد، پس سر از سجده برمی‌داشت و با مردم حدیث می‌کرد و ایشان را موعظه می‌فرمود تا نزدیک زوال؛ پس از آن وضوی خود را تجدید می‌نمود و به مصلاّی خود برمی‌گشت و چون زوال می‌شد بر می‌خاست و شش رکعت نافله ظهر را می‌گذاشت، و قرائت می‌کرد در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ»، و در رکعت دوّم و چهار رکعت دیگر بعد از حمد «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» می‌خواند، و در هر دو رکعتی سلام می‌داد و پیش از رکوع رکعت دوّم قنوت می‌خواند. و چون از این شش رکعت فارغ می‌شد بر می‌خاست و اذان نماز می‌گفت و دو رکعت دیگر نافله بعد از اذان بجا می‌آورد، پس از آن اقامهٔ نماز می‌گفت و شروع به نماز ظهر می‌کرد، و چون سلام نماز می‌داد تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌گفت خدا را آنچه خواسته باشد.

پس سجدهٔ شکر بجا می‌آورد و در سجده صد مرتبه می‌گفت: شُکْراً لِلّٰهِ، پس سر برمی‌داشت و برمی‌خاست برای نافلهٔ عصر، پس شش رکعت نماز نافله بجا می‌آورد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ «قُلْ هُوَاللّٰهُ اَحَدٌ» می‌خواند، و در هر دو رکعتی قنوت می‌خواند و سلام می‌گفت، و چون از این شش رکعت فارغ می‌شد اذان نماز عصر، می‌گفت پس دو رکعت دیگر نافلهٔ عصر را بجا می‌آورد، پس اقامه می‌گفت و شروع

⇐صاحب آن خانه در شب آن روز در خواب دیده بود که حضرت امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود، پس چندی نگذشت که آن محل مقام رفیعی گشت و در زمان ما مدرسهٔ معموره است. (منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۹۰).

می‌کرد به نماز عصر و چون سلام می‌داد تسبیح و تکبیر و تهلیل می‌گفت خدا را آنچه خواسته باشد.

پس به سجده می‌رفت و صد مرتبه می‌گفت: حَمْداً لِلّٰهِ. و چون روز به پایان می‌رسید و آفتاب غروب می‌کرد، وضو می‌گرفت و اذان و اقامه می‌گفت و سه رکعت نماز مغرب را ادا می‌کرد، و چون سلام نماز می‌داد از مصلاّی خود حرکت نمی‌کرد و تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌گفت آنچه خدا خواسته باشد.

پس سجدهٔ شکر بجای می‌آورد، پس سر از سجده برمی‌داشت و با کسی تکلّم نمی‌کرد تا برخیزد و چهار رکعت نماز نافله به دو سلام بجا می‌آورد، و در رکعت اوّل از این چهار رکعت بعد از حمد «قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ» و در رکعت دوّم سورهٔ توحید می‌خواند، و چون از این چهار رکعت فارغ می‌شد می‌نشست و تعقیب می‌خواند آنچه خدا خواسته باشد. پس افطار می‌کرد و فی‌الجمله مکث می‌فرمود تا ثُلثِ شب می‌گذشت، پس برمی‌خاست و چهار رکعت عشا را بجا می‌آورد [با قنوت در رکعت دوّم] و بعد از سلام در مصلاّی خود می‌نشست و ذکر خدا بجا می‌آورد و آنچه خدا خواسته باشد تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می‌گفت، و بعد از تعقیب سجدهٔ شکر بجا می‌آورد، پس به رختخواب می‌رفت و چون ثُلثِ آخر شب می‌شد از فراش خود بر می‌خاست در حالی که مشغول بود به تسبیح و تحمید و تهلیل و استغفار، پس مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت[1] و مشغول هشت رکعت نماز نافلهٔ شب می‌شد بدین طریق:

بعد از هر دو رکعتی سلام می‌داد، و در دو رکعت اوّل در هر رکعت آن بعد از حمد، سی مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ می‌خواند، و بعد از این دو رکعت چهار رکعت نماز جعفر بجا می‌آورد و از نماز شب حساب می‌کرد، چون از این شش رکعت فارغ می‌شد دو رکعت دیگر را بجا می‌آورد، در رکعت اوّل حمد و سورهٔ «تَبَارَکَ الْمُلْکُ»، و در رکعت دوّم حمد و سورهٔ «هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنْسَانِ» می‌خواند، و چون سلام نماز می‌داد برمی‌خاست و دو

۱.

رکعت نماز شَفع بجا می‌آورد، و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ می‌خواند، و پیش از رکوع رکعت دوّم قنوت می‌خواند، و چون از نماز «شفع» فارغ می‌شد برمی‌خاست و یک رکعت نماز «وتر» را بجا می‌آورد، و در این رکعت بعد از حمد سه مرتبه «قُلْ هُوَاللّٰهُ اَحَدٌ» و یک مرتبه «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و یک مرتبه «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» می‌خواند، پس شروع می‌کرد به خواندن قنوت، و در قنوت می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اهْدِنٰا فیمَنْ هَدَیْتَ وَعٰافِنٰا فیمَنْ عٰافَیْتَ وَتَوَلَّنٰا فیمَنْ تَوَلَّیْتَ وَبٰارِکْ لَنٰا فیمٰا اَعْطَیْتَ وَقِنٰا شَرَّ مٰا قَضَیْتَ فَاِنَّکَ تَقْضی وَلاٰ یُقْضیٰ عَلَیْکَ اِنَّهُ لاٰ یَذِلُّ مَنْ والَیْتَ وَلاٰ یَعِزُّ مَنْ عٰادَیْتَ تَبٰارَکْتَ رَبَّنٰا وَتَعٰالَیْتَ.

پس هفتاد مرتبه می‌گفت: اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ؛ و چون سلام نماز می‌داد می‌نشست به جهت خواندن تعقیب، و چون فجر نزدیک می‌شد برمی‌خاست برای دو رکعت نافلهٔ فجر، و در رکعت اوّل حمد و «قُلْ یٰا اَیُّهَا الْکٰافِرُونَ» و در رکعت دوّم [حمد و] توحید می‌خواند، و چون فجر طلوع می‌کرد اذان اقامه، می‌گفت و دو رکعت فریضهٔ صبح را بجا می‌آورد. و چون سلام نماز می‌گفت تعقیب خواند تا طلوع آفتاب، پس دو سجدهٔ شکر بجا می‌آورد، و [سجده را] چندان طول می‌داد تا روز بالا آید.

و عادت آن جناب آن بود که: در جمیع نمازهای واجبهٔ یومیّه در رکعت اوّل حمد و «اِنّٰا اَنْزَلْنٰاهُ» و در رکعت دوّم حمد و «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» می‌خواند، مگر در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه که در رکعت اوّل حمد و سورهٔ جمعه، و در رکعت دوّم حمد و سورهٔ منافقین می‌خواند؛ و در نماز عشاء شب جمعه در رکعت اوّل حمد و جمعه و در رکعت دوم حمد و «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلیٰ» می‌خواند؛ و در نماز صبح دوشنبه و پنجشنبه در رکعت اوّل حمد و «هَلْ اَتیٰ عَلَی الْاِنسانِ» و در دوّم حمد و «هَلْ اَتٰیکَ حَدیثُ الْغٰاشِیَةِ» می‌خواند.

و به جهر و آشکارا می‌خواند قرائت نمازهای مغرب و عشاء و نماز شب و «شفع» و

«وتر» و صبح را، و آهسته قرائت می‌کرد نمازهای ظهر و عصر را؛ و در نمازهای چهار رکعتی در دو رکعت آخر سه مرتبه می‌خواند: **سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُلِلّٰهِ وَلاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ**؛ **و در قنوت جمیع نمازهایش این دعا را می‌خواند:**

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَکْرَمُ.

و در هر بلدی که ده روز قصد اقامت می‌کرد، روزها روزه می‌گرفت و چون شب داخل می‌شد ابتدا می‌کرد به نماز پیش از افطار، و در بین راه که مُقیم نبود نمازهای واجبی را دو رکعت دو رکعت بجا می‌آورد مگر مغرب را، که همان سه رکعت را بجا می‌آورد، **و ترک نمی‌کرد نافلهٔ مغرب و نماز شب و «شفع» و «وتر» و دو رکعت فجر را نه در سفر و نه در حضر، امّا نوافل نهاریّه[1] را در سفر ترک می‌کرد** و بعد از هر نماز مقصوره[2] ـ که نماز ظهر و عصر و عشاء باشد ـ سی مرتبه می‌گفت: **سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ**، و می‌فرمود: این به جهت تمامی نماز است.

وَمَا رَأَیْتُهُ صَلَّیٰ صَلوٰةَ الضُّحیٰ فِي سَفَرٍ وَلاٰ حَضَرٍ: و ندیدم که آن حضرت «نماز ضُحیٰ»[3] گزارد در سفر و نه در حضر، و در ایّام مسافرت خود هیچ روزه نمی‌گرفت.

و عادت آن جناب آن بود که: در دعا کردن ابتدا می‌کردند به ذکر صلوات بر رسول و آل او ﷺ و بسیار می‌کرد این کار را در نماز و غیر نماز، و شبها که در فراش خوابیده بود تلاوت قرآن بسیار می‌نمود و هر گاه می‌گذشت به آیه‌ای که در او ذکر بهشت یا آتش شده گریه می‌کرد و از حق تعالی سؤال بهشت می‌کرد و پناه می‌جُست به خدا از آتش، و در جمیع نمازهای شبانه روزیِ خود **بِسْمِ اللّٰهِ** را بلند می‌گفت و چون «**قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ**» تلاوت می‌کرد آهسته بعد از این آیه می‌گفت: «**اَللّٰهُ اَحَدٌ**»، و چون از آن سوره فارغ می‌شد سه مرتبه می‌گفت: **کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبُّنَا**، و چون سورهٔ «جحد» قرائت می‌کرد، آهسته در دل می‌گفت: **یَا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ**، و چون از آن سوره فارغ می‌شد سه مرتبه

---

۱. هشت رکعت نافلهٔ ظهر و هشت رکعت نافلهٔ عصر. ۲. نماز قصر (دورکعتی) شده.

۳. نماز «ضحیٰ» آن نمازی است که اهل سنّت بجا می‌آورند در چاشتگاه روزها، و در عدد رکعات آن اختلاف کرده‌اند که آیا چهار رکعت است، و یا هشت و یا دوازده، و به این نماز هم مواظبت دارند ایشان مانند نماز تراویح (منه ره)

می‌گفت: رَبِّیَ اللّٰهُ وَدِینِی الْإِسْلَامُ، و چون سورهٔ «وَالتِّینِ وَ الزَّیْتُونِ» تلاوت می‌کرد، بعد از فراغ می‌گفت: بَلیٰ وَ اَنَا عَلیٰ ذٰلِکَ مِنَ الشّٰاهِدِینَ؛ و چون سورهٔ «لاٰ اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیٰامَةِ» می‌خواند، بعد از فراغ می‌گفت: «سُبْحٰانَکَ اللّٰهُمَّ بَلیٰ»، و چون سورهٔ جمعه قرائت می‌کرد، بعد از «قُلْ مٰا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجٰارَةِ»، می‌گفت: لِلَّذِینَ اتَّقَوْا [=برای پرهیزکاران]، پس می‌گفت: وَاللّٰهُ خَیْرُالرّٰازِقِینَ.

و چون از سورهٔ فاتحه فارغ می‌شد می‌گفت: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ، و چون می‌خواند: سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلیٰ، آهسته می‌گفت: سُبْحٰانَ رَبِّیَ الْأَعْلیٰ، و چون در قرآن یٰا اَیُّهَاالَّذِینَ آمَنُوا قرائت می‌کرد، آهسته می‌گفت: لَبَّیْکَ [اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ].

و در هیچ بلدی وارد نمی‌شد مگر اینکه مردم قصد خدمتش می‌نمودند و چون خدمتش شرفیاب می‌شدند از معالم دین خود می‌پرسیدند، حضرت ایشان را جواب می‌فرمود و حدیث می‌کرد ایشان را، و بیشتر احادیثش احادیث مروی [=روایت شده] بود از پدرش از پدران خویش از رسول خدا(ص).

پس چون آن حضرت را به نزد مأمون بردم، و از حال آن حضرت در بین راه پرسید، من خبر دادم به آنچه از آن جناب مشاهده کرده بودم در اوقات شب و روز و در اوقات حرکت و اقامت آن حضرت؛ پس مأمون گفت: بَلی، چنین است یَاابْنَ الضَّحّاک! **علی بن موسی(ع) بهترین اهل زمین و أعلم و أعبد ایشان است**، پس خبر مده مردم را به آنچه از آن جناب دیده‌ای، به جهت آنکه می‌خواهم ظاهر نشود فضل آن جناب مگر بر زبان من، وَ بِاللّٰهِ اَسْتَعِینُ عَلیٰ مٰا اَنْوِی [و به خدا استعانت می‌جویم بر این نیّت که دارم که او را بلند کنم و قدر او را رفیع سازم.][1]

بِحَمْدِاللّٰهِ تمام شد کتابت و تصحیح این نسخهٔ شریفه در اواسط شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۳۲۶، صَحَّحَهُ عَبّاسُ الْقُمِیِ عُفِیَ عَنْهُ.

---

۱. بحار، ج ۴۹، ص ۹۵ ـ ۹۱، ح ۷ به نقل از عیون‌الاخبار، ج ۲، ص ۱۸۳ ـ ۱۸۰، ح ۵.

حُسن خِتام

مختصری از مناقب و مکارم اخلاق حضرت رضا ﷺ، دو تعویذ و حدیث سلسلة الذهب

مختصری از مناقب و مکارم اخلاق حضرت رضا ﷺ

مکشوف باد که فضائل و مناقب حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرّضا ﷺ نه چندان است که در حَیّز بیان آید و یا کس إحصاءِ آن تواند، و فی الحقیقة فضائل آن جناب را إحصاء نمودن، ستارگان آسمان شمردن است.

وَلَقَدْ اَجادَ اَبُونُواسٍ فِي قَوْلِهِ وَهُوَ عِنْدَ هارُونِ الرَّشيدِ كَما فِي الْمَناقِبِ، اَوْ عِنْدَ الْمَأْمُونِ كَما فِي سائِرِ الْكُتُبِ:

قيلَ لي اَنْتَ اَوْحَدُ النّاسِ طُرّاً ... في عُلُومِ الْوَرىٰ وَشِعْرِ الْبَديهِ

لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلامِ نِظامٌ ... يُثْمِرُ الدُّرَّ في يَدَيْ مُجْتَنيهِ

فَعَلىٰ ما تَرَكْتَ مَدْحَ ابْنَ مُوسىٰ ... وَالْخِصالَ الَّتي تَجَمَّعْنَ فيهِ

قُلْتُ لا اَسْتَطيعُ مَدْحَ إمامٍ ... كانَ جِبْريلُ خادِماً لِأَبيهِ[1]

و ما به جهت تبرّک و تیمّن به ذکر چند خبری از آن بزرگوار ـ که در جنب فضائل او

---

۱. و همانا ابونُواس در نزد هارون ـ آنگونه که در مناقب «ابن شهر آشوب» آمده است، و یا به گفته دیگران در نزد مأمون ـ چه نیکو سروده است: به من گفته شده: تو که در علوم گوناگون سرآمد و یگانه‌ای، و بی تأمّل اشعار نغز و نیکو می‌سُرائی، با این حال چرا مدح فرزند موسی ابن جعفر ﷺ و (ستایش) خصلتهایی که در او جمع شده است را رها نموده‌ای؟! (در پاسخ) گفتم: نمی‌توانم پیشوایی را مدح و ستایش نمایم که جبرئیل خدمتگزار پدر اوست. مناقب، ج ۴، ص ۳۴۲.

به منزله قطره‌ای است از بحار ـ اکتفار می‌کنیم:

دانش فراوان امام رضا﵇

اوّل: در کثرت علم آن حضرت است: شیخ طبرسی روایت کرده از ابوالصّلت هِرَوی که گفت: ندیدم عالمتری از علی بن موسی الرّضا﵇، و عالمی او را ندید مگر آنکه شهادت داد به مثل آنچه من شهادت داده‌ام، و به تحقیق که جمع کرد مأمون در مجلسهای متعدّده جماعتی از علمای ادیان و فقها و متکلّمین را تا با آن حضرت مناظره و تکلّم کنند، و آن حضرت بر تمام ایشان غلبه کرد و همگی بر فضیلت او و قُصور خودشان اقرار کردند؛ و شنیدم از آن حضرت که می‌فرمود: من نشستم در روضهٔ منوّره، و علما در مدینه بسیار بودند و هر گاه از مسئله عاجز می‌شدند، جمیعاً به من رجوع می‌دادند و مسائل مشکلهٔ خود را برای من می‌فرستادند و من جواب می‌گفتم.

ابوالصّلت گفت: و حدیث کرد مرا محمّد بن اسحاق بن موسی بن جعفر﵇ از پدرش که می‌گفت: پدرم موسی‌بن جعفر﵇ با پسران خود می‌فرمود: **ای اولاد من! برادر شما علی بن موسی﵇ عالم آل محمدﷺ است، معالم دین خود را از او سؤال کنید و فرمایشات او را حفظ کنید، همانا من از پدرم جعفر بن محمد﵇ شنیدم که مکرّر به من می‌گفت: عالم آل محمّدﷺ در صُلب تو است، و ای کاش! من او را درک می‌کردم، همانا او همنام امیرالمؤمنین علی﵇ است.**[1]

راه و روش امام رضا﵇

دوّم: شیخ صدوق روایت کرده از «ابراهیم بن عبّاس» که گفت: هرگز ندیدم که حضرت ابوالحسن الرّضا﵇ کسی را به کلام خویش جفا کند، و ندیدم که هرگز کلام کسی را قطع کند ـ یعنی: در میان سخن او سخنی گوید تا از کلام خود فارغ شود ـ و ردّ

---

۱. بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۰ به نقل از اعلام الوری، ص ۳۱۵.

نکرد حاجت آخذی که مقدور او بود بر آورد؛ و هیچ گاه در حضور کسی که با او نشسته بود پا دراز نفرمود، و در مجلس مقابلِ جلیس [= همنشین] خود تکیه نمی‌فرمود؛ و هیچ وقت ندیدم که آب دهان خود را دور افکند؛ و هیچ گاهی ندیدم که در خندهٔ خود قهقهه کند، بلکه خندهٔ او تبسّم بود؛ و چون خلوت می‌فرمود خوانِ طعام نزد او می‌نهادند، ممالیک [=غلامان] خود را تمام سر سفره می‌طلبیدند ـ حتّی دربان و میرآخور او ـ و با آنها طعام میل می‌فرمود، و عادتِ آن جناب آن بود که شبها کم می‌خوابید و بیشتر شبها را از اوّل شب تا به صبح بیدار بود، و روزه بسیار می‌گرفت، و روزهٔ سه روز از هر ماه ـ که پنجشنبهٔ اوّل ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبه میان ماه باشد ـ از او فوت نشد، و می‌فرمود: روزهٔ این سه روز مقابل روزهٔ دَهر است، و آن حضرت بسیار احسان می‌کرد و صدقه می‌داد در پنهانی، و بیشتر صدقات او در شبهای تار بود، پس اگر کسی گمان کند که مثل آن حضرت را در فضل دیده است، پس [گمانِ] او را تصدیق نکنید.[1]

و از «محمّد بن ابی عباد» منقول است: حضرت امام رضا ﷺ در تابستانها بر روی حصیر می‌نشستند و در زمستان بر روی پلاس، و جامه‌های غلیظ و درشت می‌پوشیدند، و چون برای مردم بیرون می‌آمدند زینت می‌فرمودند.[2]

اطعام

سوم: شیخ اجلّ «احمد بن محمّد برقی» از پدرش «معمّر بن خلّاد» روایت کرده است: هرگاه حضرت امام رضا ﷺ طعام میل می‌کرد، کاسهٔ بزرگی نزدیک سفرهٔ خود می‌گذاشت و از هر طعامی که در سفره بود از بهترین مواضع او مقداری بر می‌داشت و در آن کاسه می‌گذاشت، پس امر می‌کرد که بر مساکین پخش کنند، آن وقت تلاوت

۱. همان، ج ۴۹، ص ۹۰ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۷.
۲. بحار، ج ۴۹، ص ۸۹، به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۷۸.

می‌کرد آیهٔ «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ».

حاصل این آیهٔ شریفه و آیات بعد از آن آنکه: اصحاب میمنه و اهل بهشت در عَقَبه ـ یعنی امر سخت و مخالفت نفس ـ داخل می‌شوند، و آن عقبه آزاد کردن بنده‌ای است از رِقّیّت [=بردگی]، یا طعام خورانیدن است در روز گرسنگی به یتیمی که دارای قرابت و خویشی باشد، یا مسکینی که از بیچارگی و فقر خاک نشین باشد.[1]

پس حضرت امام رضا ﷺ می‌فرمود: خداوند عزّوجلّ دانا بود [می‌دانست] که هر انسانی قدرت آزاد کردنِ بنده ندارد، پس قرار داد برای ایشان راهی به بهشت، یعنی: مقابل آزاد کردنِ بنده اطعام را قرار داد، که هر شخصی بتواند به سبب آن راه بهشت گیرد و به بهشت رود.[2]

شرح حال یکی از کنیزان حضرت رضا ﷺ

شیخ صدوق در «عُیون» روایت کرده از «حاکم ابوعلی بیهقی» از «محمّد بن یحیا صولی» که گفت: حدیث کرد مرا مادر پدرم ـ و نام او «عُذر» بود ـ گفت: مرا با چند کنیز از کوفه خریدند، و من خانه‌زاد بودم در کوفه، پس ما را نزد مأمون آوردند و گویا در خانهٔ او در بهشتی بودیم از راه اَکل و شُرب و طیب [=بوی خوش] و زرِ بسیار، پس او مرا به امام رضا ﷺ بخشید، و چون به خانهٔ او آمدم آنها را نیافتم، و زنی بر ما نگهبان بود که ما را در شب بیدار می‌کرد و به نماز وا می‌داشت و این از همه بر ما سخت‌تر بود! پس من آرزو می‌کردم که از خانهٔ او بیرون آیم! تا [اینکه] مرا به جدّ تو عبدالله بن عبّاس بخشید، و چون به خانهٔ او آمدم، گفتی که در بهشت داخل شدم!

صولی گفت: من هیچ زنی را عاقلتر و سَخی‌تر [بخشنده‌تر] از این جدّهام ندیدم و او

---

۱. بلد، آیات ۱۱ ـ ۱۶.

۲. عَلِمَ اللّٰهُ تَعالیٰ اَنْ لَیْسَ کُلُّ اِنْسانٍ یَقْدِرُ عَلیٰ عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبیلَ اِلَی الْجَنَّةِ بِاِطْعامِ الطَّعامِ. محاسن برقی، ص ۳۹۲، ب اطعام.

در سال دویست و هفتاد مُرد و تخمیناً صد سال داشت، و از او خبر امام رضا(ع) را می‌پرسیدند، او می‌گفت: من از احوال او هیچ چیز یاد ندارم، غیر از اینکه می‌دیدم که به عود هندی بُخور می‌کرد و بعد از آن گلاب و مُشک به کار می‌برد، و نماز صبح که می‌کرد در اوّل وقت می‌کرد، پس به سجده می‌رفت و سر بر می‌داشت تا آفتاب بلند می‌شد، پس بر می‌خاست برای کارهای مردم می‌نشست، یا سوار می‌شد، و کسی نمی‌توانست آواز بلند کند در خانهٔ او هر که بود، و با مردم کم سخن می‌گفت.

و جدّ من «عبدالله» بن این جدّهٔ من تبرّک می‌جُست، و روزی که امام او را به وی بخشید، او را مدبّره ساخت ـ یعنی: قرار داد که بعد از مرگ او آزاد باشد ـ وقتی خالوی [= دائی] او «عباس بن أحنَف شاعر» بر او داخل شد، از این کنیز او را خوش آمد، به جدّ من گفت: این را به من ببخش. گفت: این مدبّره است، عبّاس بخواند:

يا غَدْرُ زُيِّنَ بِاسْمِكَ الْغَدْرُ وَأَساءَ وَلَمْ يُحْسِنْ بِكَ الدَّهْرُ

نام کنیز غالباً «غَدر» است ـ به غین با نقطه و دال بی نقطه، یعنی: بی وفایی ـ و عرب امثال این نامها نام می‌کنند مثل: «غادره» که هم از نامهای کنیزان ایشان است، یعنی: ای مُسمّی به بی وفایی! زینت گرفت به نام تو بی وفایی، و بد کرد و خوب نکرد با تو روزگار که نام تو را بی وفایی نهاد![1]

دانایی و تلاوت قرآن امام رضا(ع)

پنجم: و نیز به سند سابق از «ابوذکوان» از ابراهیم بن عبّاس روایت کرده که گفت: ندیدم هرگز حضرت امام رضا(ع) را که از او چیزی بپرسند و نداند، و ندیدم از او داناتر به احوالی که در زمان پیش تا زمان او گذشته است، و مأمون او را امتحان می‌نمود به هر سؤالی و او جواب می‌گفت، و همهٔ سخن او و جواب او و مَثَلها که می‌آورد همه از قرآن مُنتَزَع [جدا شده و بر کنده شده] بود، و او در هر سه روز قرآن را ختم می‌کرد و

۱. بحار، ج ۴۹، ص ۸۹ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۷۹.

می‌گفت: اگر خواهم در کمتر از سه روز ختم می‌کنم، امّا هرگز به آیه‌ای نمی‌گذرم مگر آنکه فکر می‌کنم در آن، و تفکّر می‌کنم که در [بارهٔ] چه چیز فرود آمده و در کدام وقت نازل شده [است]، از این روی به هر سه روز ختم می‌کنم.[1]

اشعار پند آموز

ششم: و نیز در کتاب مذکور از «ابراهیم حسنی» روایت کرده که: مأمون برای حضرت رضا علیه السلام جاریه‌ای [=کنیزی] فرستاد، چون او را نزد آن حضرت آوردند، کنیزک اثر پیری و موی سفید در آن حضرت علیه السلام بدید، گرفته شد و برَمید! چون حضرت آن بدید او را به مأمون باز گردانید، و این ابیات را به او نگاشت:

نَعَى نَفْسِي إِلَى نَفْسِي الْمَشِيبُ — وَعِنْدَ الشَّيْبِ يَتَّعِظُ اللَّبِيبُ
فَقَدْ وَلَّى الشَّبَابُ إِلَى مَدَاهُ — فَلَسْتُ أَرَى مَوَاضِعَهُ يَؤُوبُ
سَأَبْكِيهِ وَأَنْدُبُهُ طَوِيلاً — وَأَدْعُوهُ إِلَيَّ عَسَى يُجِيبُ
وَهَيْهَاتَ الَّذِي قَدْ فَاتَ مِنْهُ — تُمَنِّينِي بِهِ النَّفْسُ الْكَذُوبُ
وَرَاعَ الْغَانِيَاتِ بَيَاضُ رَأْسِي — وَمَنْ مُدَّ الْبَقَاءُ لَهُ يَشِيبُ
أَرَى الْبِيضَ الْحِسَانَ يَحِدْنَ عَنِّي — وَفِي هِجْرَانِهِنَّ لَنَا نَصِيبُ
فَإِنْ يَكُنِ الشَّبَابُ مَضَى حَبِيباً — فَإِنَّ الشَّيْبَ أَيْضاً لَنَا حَبِيبُ
سَأَصْحَبُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ حَتَّى — يُفَرِّقَ بَيْنَنَا الْأَجَلُ الْقَرِيبُ

یعنی: پیری و موی سفید خبر مرگ مرا به من داد، و عاقل نزد [=هنگام] پیری پند می‌گیرد. به تحقیق جوانی پشت کرد به سوی نهایت خود، پس نمی‌بینم که او به موضع خود باز گردد؛ زود باشد که بگریم بر جوانی و زمانی دراز بر او نوحه کنم و بخوانمش به سوی خود، شاید اجابت کند؛ هیهات جوانی که رفت از دست باز نیاید، نفس دروغ اندیش مرا در آرزوی او می‌افکند؛ [موی سفید] سَر من زنان با جمال را

۱. همان، ج ۴۹، ص ۹۰ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۸۰.

بترسانید و پژمانید، و هر که دیر بماند و بقاءِ او امتداد یا بد پیر گردد؛ می‌بینم که زنان سفید نیکو از من کناره می‌کنند، و در هجران ایشان مرا نصیب و بهره است؛ پس اگر جوانی رفت در حالتی که دوست بود، پیری هم دوست من است؛ زود باشد با او همراهی کنم به تقوای خدا، تا جدا کند میان ما اَجلِ نزدیک.[۱]

مؤلّف گوید: شیخ نظامی در این معنا چند شعری گفته که ذکرش در اینجا بی مناسبت نیست، فرموده:

جوانی گفت پیری را چه تدبیر — که یار از من گریزد چون شوم پیر

جوابش داد پیر نغز گفتار — که در پیری هم تو بگریزی از یار

بر آن سر کاسمان سیماب ریزد — چو سیماب از همه شادی گریزد

عطای وافر

هفتم: شیخ کُلینی روایت کرده از «اَلْیَسَع بن حمزهٔ قمی» که گفت: من در مجلس حضرت امام رضا (ع) بودم سخن می‌گفتم با آن جناب، و جمع شده بود در نزد آن جناب خلقِ بسیار و سؤال می‌کردند از حلال و حرام، که ناگاه مردی بلند قامت گندمگون داخل شد، پس گفت: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ؛ من مردی می‌باشم از دوستان تو و دوستان پدران و اجداد تو (ع)، از حج برگشته‌ام و نفقه‌ام را [= خرجی سفر] گم کرده‌ام، و چیزی با من نیست که به سبب آن یک منزل خود را برسانم، پس اگر فکری می‌کردید که مرا راه می‌انداختید به سوی شهرم، و خداوند بر من نعمت داده ـ یعنی: من در شهرم غنی و مالدارم ـ پس در وقتی که به شهر خود برسم تصدّق می‌دهم از جانب شما به آن چیزی که به من عطا می‌فرمایی، چون که من فقیر و مستحقّ صدقه نیستم. حضرت به او فرمود: بنشین خدا تو را رحمت کند، و رو کرد به مردم و برای ایشان سخن می‌گفت تا آنکه پراکنده شدند و باقی ماند آن خراسانی و سلیمان جعفری و

---

۱. همان، ج ۴۹، ص ۱۶۴.

خُثیمه و من. پس فرمود: آیا رخصت می‌دهید مرا در دخول - یعنی: رفتن به حرم - پس سلیمان گفت: خداوند کار تو را پیش آورد. پس برخاست و داخل حجره شد و ساعتی ماند، پس بیرون آمد و در را بست و دست مبارک را از بالای در بیرون آورد و فرمود: کجاست خراسانی؟ عرض کرد: حاضرم در اینجا. پس فرمود: این دویست اشرفی را بگیر و استعانت جوی به او برای مخارج و کُلفتهای خود و متبرّک شو به او، و صدقه مده آن را از جانب من، و بیرون رو که من تو را نبینم و تو مرا نبینی!

پس [آن حضرت] بیرون آمد، سلیمان گفت: فدای تو شوم، عطای وافر دادی و رحم فرمودی، پس چرا روی مبارک را از او پوشاندی؟! فرمود: **از ترس آنکه ببینم ذلّت سؤال را در روی او به جهت حاجتش، آیا نشنیدی حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را که: پنهان کنندهٔ نیکی معادل است با هفتاد حج، یعنی: عملش، و افشاء کنندهٔ بدی مخذول است و پوشانندهٔ آن آمرزیده شده است، آیا نشنیدی کلام اول را؟!:**

مَتیٰ آتِهِ یَوْماً اُطالِبُ [لِأَطْلُبَ]حاجَةً　　رَجَعْتُ إِلیٰ أَهْلي وَوَجْهي بِمائِهِ

حاصل مضمون آن است که: ممدوح من کسی است که اگر روزی به جهت حاجتی نزد او روم، بر می‌گردم به سوی اهل خود و آبروی من به جای خود باقی است، نحوی [=آنگونه] رفتار می‌کند که به مذلّت سؤال گرفتار نمی‌شوم.

مؤلّف گوید: ابن شهر آشوب در «مناقب» این روایت را نقل کرده، پس از آن فرموده که آن حضرت علیه السلام در خراسان دریک روز عرفه تمام مال خود را بخش کرد. فضل بن سهل گفت: این غرامت است! فرمود: بلکه غنیمت است؛ پس فرمود: **غرامت نشمر البتّه چیزی را که به آن اجر و کرامت را طلبی می‌کنی؛**[1] انتهی.

توسّل به حضرت امام رضا علیه السلام

و بدان که: توسّل جُستن به حضرت امام رضا علیه السلام برای سلامتی در سفر برّ و بحر و

---

۱. مناقب، ج ۴، ص ۳۶۱.

رسیدن به وطن و خلاصی از اندوه و غم و غربت نافع است، و گذشت در کلام حضرت صادق علیه السلام که از آن حضرت تعبیر فرمود به دادرس امّت، و در زیارت آن حضرت است:

اَلسَّلامُ عَلیٰ غَوْثِ اللَّهْفانِ وَمَنْ صارَتْ بِهِ اَرْضُ خُراسانِ خُراسانُ: سلام بر فریادرس بیچارگان، و کسی که به سبب او زمین خراسان محلّ خورشید گردید.

این معنا را حَموی در «معجم» از خراسان نموده.[۱]

عرضهٔ اعمال شیعیان بر ائمه علیهم السلام

هشتم: «ابن شهر آشوب» از «موسی بن سیّار» روایت کرده که گفت: من با حضرت امام رضا علیه السلام بودم و نزدیک شده بود آن حضرت به دیوارهای طوس که صدای شیون و فغانی شنیدم! پس پی آن صدا رفتم که ناگاه به جنازه‌ای برخوردیم! چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم سیّدم پا از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد، پس خود را به آن جنازه چسبانید چنانکه برّهٔ نوزاد خود را به مادر چسباند! پس رو کرد به من و فرمود: **ای موسی بن سیّار! هر که مشایعت کند جنازهٔ دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون شود مانند روزی که از ما در متولّد شده که هیچ گناهی بر او نیست.**

و چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، دیدم سیّد خود امام رضا علیه السلام را به طرف میّت رفت و مردم را کنار کرد تا خود را به جنازه رسانید، پس دست خود را به سینهٔ او نهاد و فرمود: **ای فلان بن فلان! بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست.**

من عرض کردم: فدای تو شوم، آیا این شخص میّت را می‌شناسی؟! و حال آنکه به خدا سوگند! که این بقعهٔ زمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید. فرمود: **ای موسی! آیا دانستی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما گروه ائمه عرضه می‌شود؟! پس اگر**

---

۱. معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۰، واژهٔ خراسان.

تقصیری در اعمال ایشان دیدیم از خدا می‌خواهیم که عفو کند از او، و اگر کار خوب از او دیدم از خدا شکر درخواست می‌نماییم، یعنی: پاداش از برای او[1] [می‌خواهیم].

تعیین دستمزد کارگر

نهم: شیخ کلینی از «سلیمان جعفری» روایت کرده که گفت: من با حضرت امام رضا ﷺ بودم در شغلی، پس چون خواستم به منزلم بروم فرمود: برگرد با من و امشب نزد من بمان. پس با آن حضرت رفتم، پس آن حضرت وقتِ غروب آفتاب به خانه داخل شد، پس به غلامان خود نظر کرد، دید مشغول گِل کاری می‌باشند برای ساختن آخیه[2] برای شُتوران یا غیر آن، ناگاه دید [غلام] سیاهی را با ایشان که از ایشان نیست! فرمود: چیست کار این مرد با شما؟! گفتند: ما را کمک می‌کند و ما چیزی به او می‌دهیم. فرمود: مزدش را گفتگو کرده‌اید؟! گفتند: نه، این مرد راضی می‌شود از ما به هر چه به او می‌دهیم. پس حضرت رو آورد و زد ایشان را به تازیانه، و غضب کرد برای این کار غضب سختی! من گفتم: فدای تو شوم، برای چه اذیّت برخودتان وارد می‌آورید؟! فرمود: من مکرّر ایشان را نهی کردم از مثل این کار و اینکه کسی با ایشان کاری بکند مگر با او در اُجرتش مقاطعه کنند، و بدان که نیست احدی که کار بکند برای تو بدون مقاطعه، پس تو زیاد کنی برای آن کارش سه مقابل اُجرتش را، مگر آنکه گمان می‌کند که تو مزدش را کم دادی، و اگر با او مقاطعه کردی، پس مزدش را به او بدهی، ستایش می‌کند تو را به آنکه وفا کردی، و اگر یک حبّه بر مزدش زیاد کردی می‌داند آن را و آن زیادتی را منظور دارد.[3]

---

۱. بحار، ج ۴۹، ص ۹۸ به نقل از مناقب، ج ۴، ص ۳۶۱.

۲. میخ آخور، ریسمان یا قلاّبهایی که در طویله کنار آخور نصب می‌کنند و چهارپایان را به آنها می‌بندند. [فرهنگ عمید].

۳. بحار، ج ۴۹، ص ۱۰۶، به نقل از کافی، ج ۵، ص ۲۸۸، ح ۱.

محبّت به زیردستان

دهم: روایت شده از **یاسر خادم** که گفت: چون حضرت امام رضا ﷺ خلوت می‌کرد، تمام خشمِ خود را ـ از کوچک و بزرگ ـ نزد خود جمع می‌کرد و با ایشان سخن می‌گفت و با ایشان اُنس می‌گرفت و اُنس می‌داد ایشان را، و آن حضرت چنان بود که هر گاه برخوان طعام می‌نشست، نمی‌گذاشت کوچک و بزرگی تا میر آخور و حَجّام را مگر آنکه او را با خودش سر سفره‌اش می‌نشاند.[1] و یاسر گفت که حضرت به ما فرمود: **اگر بالای سر شما ایستادم و شما غذا می‌خورید، برنخیزید تا [از خوردنِ غذا] فارغ شوید.**

و بسا می‌شد که آن حضرت بعضی از ماها را می‌خواند، عرض می‌کردند که ایشان مشغول غذا خوردنند، می‌فرمود: بگذارید ایشان را تا [از خوردنِ غذا] فارغ شوند.[2]

فروتنی در برابر زیر دستان و تهیدستان

یازدهم: شیخ کلینی روایت کرده از مردی ـ از اهل بلخ ـ که گفت: بودم با حضرت امام رضا ﷺ در مسافرتش به خراسان، پس روزی خوانِ طعام خود را طلبید و بر آن جمع کرد موالیِ خود را از سیاهان و غیر ایشان!

پس گفتم: فدایت شوم، کاش خوان طعام آنها را سَوا [جُدا] می‌کردی؟! فرمود: ساکت باش، همانا پروردگار تبارک و تعالی یکی است، و پدر و مادر ما یکی است و جزاءِ به اعمال است.[3]

مؤلّف گوید: این بود حال آن حضرت با فقرا و رعایا، لکن وقتی «فضل بن سهل ذوالرّیاستین» بر آن حضرت وارد شد، یک ساعت ایستاد تا آنکه حضرت سر به جانب او بلند کرد و فرمود: چه حاجت داری؟ عرض کرد: ای آقای من! این نوشته‌ای است که امیرالمؤمنین! ـ یعنی: مأمون ـ برای من نوشته، و اشاره کرد به کتاب حَبْوه [=بخشش]

---

۱. همان، ج ۴۰، ص ۱۶۴ به نقل از عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۴۹، ص ۱۰۲ به نقل از کافی، ج ۶، ص ۲۹۸. ۳. کافی، ج ۸، ص ۲۳۰، ح ۲۹۶.

که مأمون به او عطا کرده بود، و در آن بود آنچه او خواسته بود از مال واملاک و سلطنت، و عرض کرد به آن حضرت که: شما اولیٰ می‌باشید از مأمون به عطا کردن به مثل آنچه او عطا کرده، زیرا که شما ولیعهد مسلمین می‌باشید.

حضرت فرمود: بخوان آن را، و آن کتابی بود در جلد بزرگی، پس پیوسته ایستاده بود و آن را می‌خواند، پس چون از خواندن آن فارغ شد آن حضرت فرمود: يَا فَضْلُ! لَکَ عَلَيْنَا هٰذَا مَا اتَّقَيْتَ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ: یعنی: ای فضل! از برای تو است بر ما این نوشته، تا زمانی که ازمخالفت خداوند عزّوجلّ بپرهیزی.[1]

و حضرت به این یک کلمه محکم کاري او را به هم شکست و تاب آن را باز کرد، غرض آن است که حضرت اجازهٔ نشستن به فضل نداد تا آنکه بیرون رفت.

دوازدهم: شیخ صدوق از «جابر بن ابی الضّحاک» روایت کرده است...[2] [این حدیث همان روایت سیر و سلوک حضرت امام رضا عليه السلام در سفر به «مرو» می‌باشد.]

---

۱. بحار، ج ۴۹، ص ۱۶۸، ح ۵ به نقل ز عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. منتهی‌الآمال، ج ۲، ب ۱۰، ف ۲، ص ۴۶۱ـ۴۶۹.

دو تعویذ از امام رضا﷡

۱ علاّمه مجلسی﷫ در بحار نقل فرموده که این دعای حضرت امام رضا﷡ است در وقتی که غضب کرده بود مأمون بر آن حضرت و بعد از خواندن این دعا غضبش ساکن شد:

بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍﷺ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لي حُزُونَةَ اَمْري كُلِّهِ وَيَسِّرْلي صُعُوبَتَهُ اِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ اُمُّ الْكِتابِ.

و نقل فرموده از حضرت امیرالمؤمنین علی﷡ که: هیچ گاهی مهموم نشدم برای امری و تنگ نشد بر من مَعاشم و مقابل نشدم با حریف شجاعی و این دعا خواندم، مگر آنکه خداوند همّ و غمّ مرا بر طرف کرد و روزی فرمود مرا نصرت بر دشمنانم.[1]

خواص رُقْعَةُ الْجَیْب

۲ سید بن طاووس روایت کرده از یاسر ـ خادم مأمون ـ که گفت: زمانی که ابوالحسن علی بن موسی‌الرّضا﷡ در قصر «حمدین قحطبه» وارد شد، لباس خود را از تن بیرون آورد و داد به حمید، و حمید به جاریهٔ خود داد که آن را بشوید، پس زمانی نگذشت که آن جاریه آمد و با او رقعه‌ای بود و داد به حمید، و گفت: این رقعه را در

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۷۹ به نقل از بحار، ج ۹۴، ص ۲۱۵.

گریبان لباس ابوالحسن یافتم! پس حمید به آن حضرت عرض کرد: فدای تو گردم، بدرستی که این جاریه رقعه‌ای در گریبان پیراهن تو یافته است، چیست آن؟! فرمود: تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم. حمید گفت: ممکن است که ما را بـه آن مشرّف کنی؟ فرمود: این تعویذی است که هر که آن را در گریبانِ خود نگاه دارد، بلا از او دفع می‌شود و می‌باشد برای او حرزی از شیطان رجیم، پس تعویذ را بر حمید خواند، و آن این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ اِنّي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا اَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ اَخَذْتُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلىٰ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ لاٰ سُلْطٰانَ لَكَ عَلَيَّ وَ لاٰ عَلىٰ سَمْعي وَ لاٰ عَلىٰ بَصَري وَ لاٰ عَلىٰ شَعْري وَ لاٰ عَلىٰ بَشَري وَ لاٰ عَلىٰ لَحْمي وَ لاٰ عَلىٰ دَمي وَ لاٰ عَلىٰ مُخّي وَ لاٰ عَلىٰ عَصَبي وَ لاٰ عَلىٰ عِظٰامي وَ لاٰ عَلىٰ مٰالي وَ لاٰ عَلىٰ مٰا رَزَقَني رَبّي سَتَرْتُ بَيْني وَ بَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذي اسْتَتَرَ اَنْبِيٰاءُ اللّٰهِ بِهِ مِنْ سَطَوٰاتِ الْجَبٰابِرَةِ وَ الْفَرٰاعِنَةِ جَبْرَئيلُ عَنْ يَميني وَ ميكٰائيلُ عَنْ يَسٰاري وَ اِسْرٰافيلُ عَنْ وَرٰائي وَ مُحَمَّدٌ اَمٰامي وَ اللّٰهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطٰانَ مِنّي اَللّٰهُمَّ لاٰ يَغْلِبُ جَهْلُهُ اَنٰاتَكَ اَنْ يَسْتَفِزَّني وَ يَسْتَخِفَّني اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اِلْتَجَاْتُ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اِلْتَجَاْتُ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اِلْتَجَاْتُ.

حکایت عجیب

و از برای این حرز (رقعةالجیب) حکـایت عـجیبی است کـه روایت کـرده آن را «ابوالصّلت هرَوی» که گفت: مولای من علی بن موسی‌الرّضا روزی در منزل خود نشسته بود، رسول (فرستادهٔ) مأمون بر او داخل شد و گفت: «امیر تو را می‌طلبد!» پس امام برخاست و به من فرمود: مأمون در این وقت مرا نمی‌طلبد مگر به جهت کاری

سخت، و به خدا [سوگند!] که نمی‌تواند با من بدی کند به جهت این کلمات که از جدّم رسول خدا ﷺ به من رسیده است.

ابوالصلت گفت: همراه امام ﷺ بیرون رفتم نزد مأمون، چون نظر حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند. پس زمانی که حضرت مقابل مأمون ایستاد، مأمون به سوی او نظر کرد و گفت: ای ابوالحسن!

امر کرده‌ام که صدهزار درهم جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری! پس چون امام پشت گردانید، مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت: اراده کردم‌ام و اراده کرده است خدا، و آنچه خدا اراده کرده است بهتر بوده است.[۱]

حدیث سلسلة الذّهب (حدیثی که با طلا نوشته شده است)

صاحب کشف الغمّه و دیگران نقل کرده‌اند: چون حضرت امام رضا ﷺ داخل نیشابور شد ـ در آن سفری که به فضیلت شهادت اختصاص یافت ـ آن جناب در مهدی بود بر استر شهباء که محلّ رکوب آن حضرت از نقرهٔ خالص بود. پس دو پیشوای (به نام ابوزرعه و محمّد بن اسلم) که حافظ احادیث نبوّت بودند در بازار پیدا و آشکار گردیدند. ابوزرعه و محمّد ابن اسلم طوسی عرض کردند: أَيُّهَاالسَّادَةُ ابْنُ السَّادَةِ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَابْنُ الْأَئِمَّةِ.... یعنی: ابوزرعه و محمّدبن اسلم به آن حضرت عرض کرد: به حقّ پدران پاکیزه و گذشتگان گرامی خود، صورت مبارک خود را به ما بنما و برای ما حدیثی از پدران خود از جدّت روایت کن که ما تو را به آن حدیث یاد کنیم.

چون ابوزرعه و ابن اسلم این خواهش نمودند، حضرت استر خود را نگاهداشت و سایبان مَهد را برداشت و چشمهای مسلمانان را به طلعت مبارک خود روشن کرد، و مردم بر طبقات خود ایستاده بودند، بعضی صرخه [=فریاد] می‌کشیدند و گروهی می‌گریستند، و بعضی جامه بر تن می‌دریدند، و برخی خود را به خاک افکنده بودند، و

---

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۳ به نقل از مُهَج الدّعوات، ص ۳۳.

آنها که نزدیک بودند تنگ[1] استر آن حضرت را می‌بوسیدند و بعضی گردن کشیده بودند به سایبان مهد. وَلَقَدْ اَجادَ مَنْ قالَ [=چه نیکو سروده است]:

گرش ببینی و دست از تُرنج بشناسی — روا بود که ملامت کنی زلیخا را

... مردم به همان حال انقلاب بودند تا روز به نیمه رسید؛ و آنقدر مردم گریستند که اگر جمع می‌گشت مثل نهر جاری می‌شد! و صداها ساکت شد، و پیشوایان مردم و قاضیان فریاد کشیدند: ای مردم گوش بدهید و یاد بگیرید و اذیّت مکنید پیغمبر صلی الله علیه و آله را در عترتش و سکوت کنید. یعنی: گریستن و صیحه کشیدن شما مانع شده که حضرت امام رضا علیه السلام بتواند حدیث بفرماید، و این اذیّت آن حضرت است، و اذیّت آن حضرت اذیّت پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

مؤلف گوید: به اینجا که رسیدم بخاطر آوردم واقعه حضرت سیّدالشهداء علیه السلام را؛ روز عاشورا در وقتی که مقابل لشکر کوفه آمد خواست ایشان را موعظه و نصیحتی فرماید، آن محرومان از سعادت و سرگشتگان وادیِ ضلالت صداها بلند کردند و به فرمایش آن حضرت گوش ندادند! ایشان را امر فرمود که سکوت کنید، اِبا (سرپیچی) کردند! فرمود: **وَيْلَكُمْ ما عَلَيْكُمْ اَنْ تَنْصِتُوا اِلَيَّ وَتَسْمَعُوا قَوْلي وَاَنَا اَدْعُوكُمْ اِلى سَبيلِ الرَّشادِ؟!**[2] نبود در آنجا یک خداپرستی که فریاد کند: مردم! این پسر پیغمبر است، چرا او را اذیّت می‌کنید؟! چرا ساکت نمی‌شوید که موعظهٔ خود را بفرماید و کلام خود را به پایان رساند؟!

و این یکی از مصائب آن سیّد مظلوم بود که کُمیت شاعر در شعر خود به آن اشاره کرده و بر حضرت باقر علیه السلام خوانده و آن حضرت را به گریه در آورد. قالَ علیه الرحمه:

وَقَتيلٌ بِالطَّفِّ غُودِرَ فيهِمْ [مِنْهُمْ] — بَيْنَ غَوْغاءِ اُمَّةٍ وَطَغامِ

یعنی: شهید کربلا مانده و گرفتار شد در میان مردمان نانجیبی بین جماعتِ از ناکسان و فرومایگان.

---

۱. تسمه یا نوار پهن که به کمر اسب یا استر می‌بندند.

۲. وای بر شما! چه زیانی بر شما دارد که گوش فرا دهید و سخن مرا بشنوید؟ من شما را به راه راست دعوت می‌کنم.

روایت شده است که چون کُمیت «قصیدهٔ میمیّهٔ» خود را بر حضرت امام محمّد باقر خواند، به این شعر که رسید حضرت گریست و فرمود: ای کمیت! اگر نزد ما مالی بود تو را صله می‌دادیم، لکن از برای تو است آن کلامی که حضرت رسول به «حسّان بن ثابت» فرمود: لاٰزِلْتَ مُؤَیَّداً بِرُوحِ الْقُدُسِ مٰا ذَبَبْتَ عَنّٰا اَهْلَ الْبَیْتِ.[۱] رجوع کردیم به حدیث سابق:

مردمان نیشابور گوش دادند که حضرت امام رضا حدیث بفرماید، حضرت این حدیث را املاء فرمود، یعنی: کلمه کلمه می‌فرمود و ابوزرعه و محمّد بن اسلم کلمات آن حضرت را به مردم می‌رسانیدند، و کشیده شد برای نوشتن این حدیث بیست و چهار هزار قلمدان بغیر از دواتها! فرمود:

حدیث کرد مرا پدرم **حضرت موسی بن جعفر کاظم** فرمود: حدیث کرد مرا پدرم **جعفر بن محمّد صادق**؛ فرمود: حدیث کرد مرا پدرم **محمّد بن علی باقر**، فرمود: حدیث گفت مرا پدرم **علی‌بن الحسین زین‌العابدین**، فرمود: حدیث گفت مرا پدرم **حسین بن علی شهید زمین کربلا**، فرمود: حدیث فرمود مرا پدرم **امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب** در زمین کوفه، فرمود: حدیث فرمود مرا برادر و پسر عمّم **محمّد رسول‌الله**، فرمود: حدیث کرد مرا **جبرئیل**، گفت: شنیدم حضرت **رَبُّ الْعِزَّة سُبْحٰانَهُ وَتَعٰالی** می‌فرماید: **کَلِمَةُ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ حِصْنِی فَمَنْ قٰالَهٰا دَخَلَ حِصْنِی وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی اَمِنَ مِنْ عَذٰابِی** یعنی: کلمهٔ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ حصار من است، پس هر کس که آن را بگوید داخل حصار من شده، و کسی که داخل در حصار من شود ایمن از عذاب من خواهد بود.

صَدَقَ اللّٰهُ سُبْحٰانَهُ وَصَدَقَ جَبْرَئیلُ وَصَدَقَ رَسُولُ اللّٰهِ وَالْأَئِمَّةُ.

استاد ابوالقاسم قشیری گفت: این حدیث با این سند به بعضی از امراء سامانیه رسید، پس آن را به طلا نوشت و وصیّت کرد که با او در قبرش گذاشته شود. پس چون وفات کرد، در خوابِ کسی آمد، از او پرسید که خدا با تو چه کرد؟ گفت: **خداوند تعالی مرا**

---

۱. تا از ما خاندان پیامبر حمایت کنی، پیوسته روح القدس یارت نماید.

امر زید به سبب آنکه تلفظ کردم به لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ، و تصدیق کردم به محمّد رسول‌الله(ص) مخلصاً و آنکه این حدیث شریف را به طلا نوشتم به جهت تعظیم و احترام آن.[۱]

۱. منتهی‌الآمال، ج ۲، ص ۱۹۰ ـ ۱۹۱ به نقل از کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۳۴ ـ ۱۳۵؛ بحار، ج ۴۹، ص ۱۲۷ ـ ۱۲۸.